



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمر الکریم  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

# حقیقت

۸

تعمیر و تجدید  
سپهر و بزمی امام خمینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف)

نویسنده:

آیت الله العظمی سید روح الله موسوی خمینی قدس سره

ناشر چاپی:

موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۷	صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) جلد ۸
۱۷	مشخصات کتاب
۱۸	اشاره
۳۴	بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان آباد
۳۵	نامحدود بودن شعاع بینش مکاتب توحیدی در تربیت انسان
۳۷	بررسی تفاوت های اساسی میان حکومت اسلامی و حکومت های دیگر
۳۸	ما مکلفیم به پیاده کردن محتوای اسلام در تمامی امور
۴۰	بیانات امام خمینی در جمع استادان دانشگاه
۴۰	مقصد اسلام از علوم مادی، رساندن عالم طبیعت به مرتبه توحید است
۴۳	نیاز به یک تبدل معنوی در دانشگاه ها و حفظ وحدت کلمه
۴۵	بیانات امام خمینی در جمع پاسداران و روحانیون تربیت حیدریه
۴۵	روحانیون پاسداران اسلام هستند
۴۸	الزام قرآن کریم بر اعتصام بحبل الله و دوری از اختلاف و تفرقه
۴۹	بیانات امام خمینی در جمع کارکنان اداره بهداری و بهزیستی آذربایجان شرقی
۴۹	بروز یک تحول روحی همه جانبه به برکت نهضت اسلامی و عنایت الهی
۵۱	لزوم حفظ یکپارچگی و قدردانی از نعمت های خدا برای تثبیت پیروزی
۵۲	آرمان جمهوری اسلامی پیروی از شیوه سرداران اسلام است
۵۳	هدف اصلی از جهاد در اسلام، انسان سازی است
۵۵	فرمان امام خمینی به ثقة الاسلام جعفری ورامینی
۵۶	بیانات امام خمینی در جمع مسؤولین و کارکنان مجله خواندنیها
۶۰	بیانات امام خمینی در جمع گروهی از نابینایان مدرسه ابابصیر اصفهان
۶۰	مطالعات گسترده استعمارگران در اوضاع مشرق زمین به منظور غارت و چپاولگری هر چه بیشتر
۶۱	تبلیغات دامنه دار غربی ها برضد روحانیت، این دژ مستحکم اسلام

- ۶۲ ..... ملاحظه تاریخ اسلام و سرگذشت انبیا باطل کننده یاهه سرائی دشمنان
- ۶۶ ..... هوشیاری در مقابل نقشه های تفرقه انگیز اجانب و توجه به تصویب قانون اساسی
- ۶۸ ..... ارزش انسان به قلب و بصیرت اوست ، نه به بصر
- ۶۹ ..... بیانات امام خمینی در جمع صاحبان صنایع و بازاریان تهران
- ۶۹ ..... موعظه به صاحبان کارخانه ها در رعایت حقوق کارگران و پیشگیری از انفجار عمومی
- ۷۱ ..... عمل بر خلاف مسیر اسلام ممنوع !!
- ۷۲ ..... لزوم همیاری دولت و ملت در رفع حوائج یکدیگر و بازسازی ایران اسلامی
- ۷۴ ..... بیانات امام خمینی در جمع گروهی از افشار مختلف مردم
- ۷۸ ..... بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه
- ۷۸ ..... شکست ظاهری و شهادت اهل حق به نفع اسلام است
- ۷۹ ..... تخطی از موازین ، خطری برای اسلام و حربه ای به دست دشمنان
- ۸۱ ..... امر به معروف و نهی از منکر ، تکلیف همگانی امت است
- ۸۲ ..... رعایت حدود الهی و پرهیز از اختلاف به منظور حفظ اسلام
- ۸۳ ..... توصیه به حسن استفاده از نعمت آزادی
- ۸۴ ..... بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان اهواز
- ۸۴ ..... باید از طریق (عمل) محتوای اسلام را متحقق سازیم
- ۸۴ ..... اهمیت تزکیه و تربیت همراه با تحصیل
- ۸۷ ..... بیانات امام خمینی در جمع پاسداران کمیته انقلاب اسلامی حصارک کرج
- ۸۷ ..... جدیت در شناخت عوامل پیروزی و کوشش فراوان جهت حفظ آن
- ۹۰ ..... بیداری در برابر نقشه های حساب شده شیاطین و پیشگیری از اختلاف و افتراق
- ۹۱ ..... این مساجد را باید مسلمان ها پر کنند از جمعیت
- ۹۲ ..... با رفتار موافق موازین و انجام وظایف انسانی اسلامی پاسدار مکتب باشید
- ۹۳ ..... توصیه به اصلاح خویشتن و مؤاخذه از خلافکاران
- ۹۵ ..... بیانات امام خمینی در جمع بانوان مکتب ولی عصر
- ۹۵ ..... نقش عظیم تعلیم و تربیت در رشد معنوی انسان
- ۹۶ ..... شعاع آمال و آرزوها و شهوات انسان نامحدود است

- ۹۷ ----- نیاز انسان به هدایت انبیا در پیمودن مسیر کمال و کنترل غرائز
- ۹۹ ----- بیانات امام خمینی در جمع وعاظ و روحانیون تهران
- ۹۹ ----- وقتی که قلب الهی شد همه چیز انسان الهی می شود
- ۱۰۱ ----- رسالت عظیم روحانیت در حفظ شوونات و ادای مقاصد اسلام
- ۱۰۲ ----- امروز تمامی چشم ها برای طرح اشکال متوجه جمهوری اسلامی است
- ۱۰۳ ----- روضه و مصیبت سیدالشهدا ، مایه حفظ مکتب اسلام
- ۱۰۶ ----- پیروزی نهضت مرهون اظهار ارادت ملت به اسلام و توجه به مقصد
- ۱۰۷ ----- پرهیز از تشمت و کوشش برای انتخاب وکلای مطلع و معتقد به مکتب حیاتبخش اسلام
- ۱۱۰ ----- بیانات امام خمینی در جمع اعضای سازندگی قم
- ۱۱۰ ----- آتش زدن خرمن ها به دست عمال امریکا و به نفع ابرقدرت ها
- ۱۱۱ ----- ایجاد حزب توده ، به دست انگلیس ها
- ۱۱۲ ----- بیانات امام خمینی در جمع کارکنان و دانشجویان دانشگاه شیراز و گروه اطبأ سنتی اسلامی
- ۱۱۲ ----- ضرورت پرداختن به تدوین قانون اساسی و عدم طرح مسائل غیر اساسی
- ۱۱۵ ----- بیانات امام خمینی در جمع کارکنان جامعه اسلامی وزارت امور اقتصاد و دارائی
- ۱۱۵ ----- هدف خداوند از بعثت انبیا و نقش سازنده تعالیم آنان
- ۱۱۶ ----- تکلیف بر تحقق عملی احکام اسلام در کلیه امور فردی و اجتماعی
- ۱۲۲ ----- بیانات امام خمینی در جمع راهپیمایان تهرانی
- ۱۲۲ ----- کوشش کنید که عملتان برای خدا و مقصدتان جلب رضای او باشد
- ۱۲۲ ----- رفع آشفتنگی ها و گرفتاری های حاصل از افساد رژیم منحوس با روحیه ای قوی
- ۱۲۳ ----- پیشبرد نهضت بسته به ایمان راسخ و حفظ روحیه الهی است
- ۱۲۴ ----- تحول روحی و حصول پیروزی در اثر عنایات (مقلب القلوب)
- ۱۲۵ ----- پیام امام خمینی به مناسبت نیمه شعبان ، میلاد حضرت سلام الله علیه
- ۱۲۸ ----- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از نمایندگان کشورهای اسلامی
- ۱۲۸ ----- ایمان به اسلام و روحیه شهادت طلبی رمز پیروزی مسلمین در صدر اسلام
- ۱۲۹ ----- منشأ مصائب و گرفتاری های مسلمین
- ۱۳۲ ----- بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی سپید دشت

- بیانات امام خمینی در جمع کارکنان پالایشگاه تبریز ..... ۱۳۴
- تغییر روحی ملت ..... ۱۳۴
- نیاز به مهلت و صرف وقت برا اصلاح آشفتنگی های پس از انقلاب و پاکسازی دستگاه های دولتی ..... ۱۳۴
- ارجحیت تدوین قانون اساسی و انتخاب نمایندگان مؤمن و اهل علم بر سایر امور ..... ۱۳۵
- بیانات امام خمینی در جمع برادران اهل مریوان وسندج وپرسنل گران ۶۲ ..... ۱۳۶
- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام موسوی ..... ۱۳۸
- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان کارکنان روزنامه جمهوری اسلامی ..... ۱۳۹
- کوشش رژیم شاهنشاهی در انحراف نیروی انسانی و از بین بردن اتکأ به نفس ..... ۱۳۹
- استقرار حکومت و محدود شدن هرج و مرج با بررسی قانون اساسی و تشکیل مجلس ..... ۱۴۰
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از بازاریان تهران ..... ۱۴۳
- پرداختن به قانون اساسی و مجلس خبرگان از مسائل ضروری و تعیین کننده کنونی ..... ۱۴۳
- خدشه در اصول قانون اساسی مایه ضربه به پیکر یک جامعه ..... ۱۴۴
- ایجاد اختلاف ، حرکتی است در مقابل پیشرفت نهضت ..... ۱۴۴
- استمداد از افراد خیر برای جلوگیری از اجحاف و گرانفروشی و کوشش برای آبادانی ..... ۱۴۵
- بیانات امام خمینی در جمع گروه کثیری از اقشار مختلف مردم ..... ۱۴۶
- هوشیاری در مقابل وقوع توطئه ها در آستانه تعیین سرنوشت ملت واسلام ..... ۱۴۶
- بررسی قانون اساسی و تعیین خبرگان مسئله اصلی است ..... ۱۴۷
- لزوم حفظ خونسردی و احتراز از هرگونه تشنج و اختلاف کلمه ..... ۱۴۷
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت اعزامی از کشور یوگسلاوی ..... ۱۴۸
- پیام امام خمینی به حجت الاسلام توحیدی ..... ۱۴۹
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از فرهنگیان شهرستان شهرضا ..... ۱۵۰
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای کانون دارالتعلیم مهدویه قزوین ..... ۱۵۲
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای جامعه ورزشی اصفهان ..... ۱۵۴
- تلاش دامنه دار ابرقدرت ها جهت سرکوب و انحراف نیروهای مبارز و مؤمن ..... ۱۵۴
- تبلیغات سوء اجانب در شستشوی مغزی و از خود بیگانه ساختن ملت ..... ۱۵۶
- جدیت در تحقق محتوای اسلام در داخل و خارج ..... ۱۵۷



- بیانات امام خمینی در جمع علما و لشکر ۱۶ زرهی قزوین - - - - - ۱۵۹
- ترسیم چهره ارتش در رژیم های فاسد و حکومت اسلامی - - - - - ۱۵۹
- اجتماع اقشار مختلف در کنار یکدیگر و در کمال آرامش ، از برکات نهضت است - - - - - ۱۶۰
- تلاش در عرضه محتوای اسلام به عالم ، به عنوان یک مکتب نمونه - - - - - ۱۶۱
- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشکده داروسازی دانشگاه تهران - - - - - ۱۶۲
- طرح مسائل غیر اصولی ، توطئه ای برای انحراف از مسائل اصلی - - - - - ۱۶۲
- توطئه جهت انحراف اذهان - - - - - ۱۶۲
- لزوم انتخاب اشخاص متعهد و امین که گرایش به چپ و راست ندارند - - - - - ۱۶۳
- پیام امام خمینی به حجت السلام رضی شیرازی - - - - - ۱۶۵
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی کارکنان وزارت کشور و استادان ودانشگاهیان اصفهان - - - - - ۱۶۶
- اقدامات عمال اجانب اعم از ترور یا تخریب نمایانگر یاس و نابودی جبهه باطل است - - - - - ۱۶۶
- تأکید بر گسترش تحول اسلامی در کلیه دستگاه های مملکتی - - - - - ۱۶۸
- بیانات امام خمینی در جمع اساتید و علمای اصفهان - - - - - ۱۷۰
- جدا کردن دو قدرت روحانی و دانشگاهی از مأموریت های رژیم - - - - - ۱۷۰
- درج مطالب تحریک آمیز ، توطئه ای برای انحراف از مسائل اساسی - - - - - ۱۷۰
- ایجاد استقلال و جمهوری اسلامی از اهداف ماو ملت - - - - - ۱۷۱
- اسلام تا ابد زنده است - - - - - ۱۷۲
- فرمان امام خمینی به دادستان دادگاههای انقلاب - - - - - ۱۷۳
- پیام امام خمینی به ملت ایران در مورد شرکت در راهپیمایی - - - - - ۱۷۴
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مردم عرب زبان خوزستان - - - - - ۱۷۵
- اتفاق مخالفین اسلام در ایجاد توطئه ، برای انحراف اذهان مؤمنین از تنظیم قانون اساسی - - - - - ۱۷۵
- تأکید بر خنثی ساختن حيله تفرقه انگیزان و توجه به پیشرفت اسلام - - - - - ۱۷۶
- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان هنرجویان و دانش آموزان مدارس کرمان - - - - - ۱۷۸
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از فرمانداران کشور پاسداران سپیددشت و کودکان مکتب سرود - - - - - ۱۷۹
- نحوه عملکرد و برخورد سران حکومت اسلامی و رژیم های طاغوتی با مردم - - - - - ۱۷۹
- اصل رژیم سلطنتی غیر منطقی و باطل است - - - - - ۱۸۱

- تأکید بر نظارت دقیق در امر انتخابات و ایجاد زمینه مساعد برای رأی دهندگان ..... ۱۸۲
- تفاوت دولت اسلامی با دولت طاغوتی در عنایت خاص نسبت به مستضعفین است ..... ۱۸۳
- بیانات امام خمینی در جمع پاسداران مهدیه تهران ..... ۱۸۵
- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام ملک حسینی ..... ۱۸۸
- بیانات امام خمینی در جمع خواهران دانشجوی مکتب معصومه اصفهان و اعضای سپاه پاسداران شهرضا ..... ۱۸۹
- دستور خدا حفظ وحدت بر اساس اعتصام به حبل الله است ..... ۱۸۹
- تأمین سعادت و پیروزی در گروه اجتماع و توجه به خداست ..... ۱۸۹
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیات استرالیائی ..... ۱۹۱
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پرسنل نیروی و هوایی ارتش ..... ۱۹۲
- بهترین راه سازندگی ، خدمت صادقانه با در نظر گرفتن رضای خداست ..... ۱۹۲
- شکست ناپذیری کشورها در سایه تفاهم میان ملت ..... ۱۹۲
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی کارکنان وزارت بهداشتی و بهزیستی ..... ۱۹۵
- تزکیه نفس از علم و حکمت بالاتر است ..... ۱۹۵
- مفاسد و مصالح از حکومت ها و سران آن سرچشمه می گیرد ..... ۱۹۵
- دامن مادران می تواند مبدأ خیر یا مبدأ شر باشد ..... ۱۹۶
- تمام مبارزه رژیم شاه با تزکیه و رشد انسانی جوان ها بود ..... ۱۹۶
- بیانات امام خمینی در جمع فارغ التحصیلان پاسپار دانشگاه پلیس ..... ۱۹۸
- ترسیم چهره کربه قوای انتظامی طاغوت و توصیف قوای انتظامی اسلام ..... ۱۹۸
- توصیه به مردمی بودن و ایجاد تحولی همه جانبه ..... ۲۰۰
- بیانات امام خمینی در جمع برادران و خواهران نابینای کارمند ..... ۲۰۱
- انقلاب ما انقلاب اسلامی است ، چون متکی بر اسلام است ..... ۲۰۱
- رفع مشکلات متضمن استقرار حکومت است ..... ۲۰۱
- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان گروه های مختلف مردم ..... ۲۰۳
- تحت فشار قرار داشتن مدرسه فیضیه در طول سلطنت شاهنشاهی ..... ۲۰۳
- اگر خلافتی از ما صادر شود دشمنان آن را به اسلام نسبت می دهند ..... ۲۰۳
- بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم ..... ۲۰۵

- ۲۰۵ ----- نهضت ما قرآنی و اسلامی و تا آخر باقی است -----
- ۲۰۵ ----- نهضت ، برای حکومت اسلام و قوانین قرآن بود -----
- ۲۰۶ ----- کسانی را انتخاب کنید که اسلام شناس باشند -----
- ۲۰۶ ----- اعتصام کنید -----
- ۲۰۷ ----- بیانات امام خمینی در جمع دانش پژوهان قزوین -----
- ۲۰۹ ----- بیانات امام خمینی در جمع کارکنان و کارمندان بخش تولید و مالی رادیو و تلویزیون -----
- ۲۰۹ ----- انسان از راه چشم و گوش و زبان می تواند کسب فضیلت یا فساد کند -----
- ۲۰۹ ----- رادیو و تلویزیون می تواند یک کشور را اصلاح کند یا به فساد بکشد -----
- ۲۱۱ ----- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشکده بابل -----
- ۲۱۱ ----- انبیا مستضعفین را بیدار می کردند که بر ضد مستکبرین قیام کنند -----
- ۲۱۳ ----- می خواهند قدرت روحانیت را از مردم بگیرند -----
- ۲۱۴ ----- تلاش استعمار در دور نمودن جوانان از اسلام -----
- ۲۱۵ ----- تلاش قلم اجیر در تکفیر مومنین -----
- ۲۱۶ ----- ایجاد تحول روحی در سراسر ایران به لطف و عنایت الهی -----
- ۲۱۸ ----- همه با هم بکوشیم که درست عمل کنیم -----
- ۲۱۹ ----- بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن های اسلامی دانشجویان در اورپا و دانشجویان اصفهان -----
- ۲۱۹ ----- یاس از جنود ابلیس است -----
- ۲۲۱ ----- آتش زدن خرمن ها ، عملی در جهت منافع آمریکا -----
- ۲۲۲ ----- بی حاصل بودن نقشه های آمریکا در جهت سرکوب نهضت -----
- ۲۲۲ ----- اعتصام به حبل الله عامل سرکوب قدرت های شیطانی -----
- ۲۲۳ ----- امروز زمان طرح گرفتاری های شخصی نیست -----
- ۲۲۳ ----- نهضت اسلام در برخورد با مجرمین بی نظیر در عالم است -----
- ۲۲۴ ----- راه انبیا الگوی راه ما جهت نیل به اهداف اسلامی -----
- ۲۲۵ ----- انقلاب روحی ، بالاتر از سدی است که شکستند -----
- ۲۲۵ ----- نقشه های استعمار گرانه ، جهت انحراف اذهان جوانان -----
- ۲۲۷ ----- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اهالی شهرستان اسفراین -----

- هدف ، عقب نگاه داشتن اقشار مختلف مردم بود ..... ۲۲۷
- با کمک همه اقشار مشکلات رفع خواهد شد ..... ۲۲۷
- بیانات امام خمینی در دیدار با گروه تحقیقات و تبلیغات دانشکده علوم اصفهان ..... ۲۲۹
- نپذیرفتن قدرتی جز قدرت حق ، از آداب عبودیت ..... ۲۲۹
- کشیده شدن کشور از ضعف به قدرت و ایجاد حق تعاون از معجزات الهی ..... ۲۲۹
- با اراده حق تعالی در همه چیز پیروز شدیم ..... ۲۳۰
- بیانات امام خمینی در جمع کارکنان رادیو دریا ..... ۲۳۱
- می خواستند مملکت ما را از انسان خالی بکنند ..... ۲۳۱
- رادیو و تلویزیون آموزنده باید باشد ..... ۲۳۴
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای نهضت رادیکال ایران ..... ۲۳۶
- شعار وحدت اگر با عمل همراه نباشد ریا کاری است ..... ۲۳۶
- تهی نمودن مغزهای جوانان با ایجاد مراکز فحشا ..... ۲۳۷
- این اسلام بود که شما روشنفکران را از انزوا خارج کرد ..... ۲۳۷
- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام شاهرخی ..... ۲۳۹
- بیانات امام خمینی در جمع پرسنل شهربانی همدان ..... ۲۴۰
- تفاوت مابین قوای انتظامیه در رژیم طاغوتی و جمهوری اسلامی ..... ۲۴۰
- مردم با طبقات ارتشی و ژاندارمری و شهربانی ، خودشان را از هم جدا ندانند ..... ۲۴۱
- قوای نظامی در صدر اسلام با وجود تجهیزات ناقص برد و امپراطوری بزرگ غلبه کردند ..... ۲۴۱
- به مملکت رسول خدا و صاحب الزمان خدمت کنید ..... ۲۴۲
- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان کاشان ..... ۲۴۴
- هدف عمده رژیم طاغوت انحراف نیروهای جوان به طرف فحشا بود ..... ۲۴۴
- پیدا شدن روزنامه در منزل یک روحانی را نقصش می دانستند ..... ۲۴۵
- امروز باید همه اقشار هوشیار و مجهز باشند در مقابل نقشه های شیطانی ..... ۲۴۶
- مهم این است که خبرگان باید خبرگان اسلامی باشد ..... ۲۴۶
- بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی امیرآباد و جوادیه تهران ..... ۲۴۸
- پاسداری در دولت اسلامی دارای شرافت زیاد و مسئولیت بزرگ است ..... ۲۴۸

- ۲۴۸ ----- در رژیم اسلامی دولت و ملت از هم جدا نیستند با همدند
- ۲۴۹ ----- سرباز در دولت اسلامی مثل سربازان صدر اسلام با خداست
- ۲۵۰ ----- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام جبل عاملی
- ۲۵۱ ----- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران ملکان آذربایجان
- ۲۵۱ ----- ایمان و وحدت ، این رمز پیروزی را حفظ کنید
- ۲۵۲ ----- پیام امام خمینی به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان
- ۲۵۴ ----- پیام امام خمینی به ملت ایران در آستانه انتخابات مجلس خبرگان
- ۲۵۶ ----- پیام امام خمینی به آیت الله دستغیب
- ۲۵۷ ----- پیام امام خمینی به ملت ایران در مورد شرکت در انتخابات
- ۲۵۸ ----- پاسخ امام خمینی به تلگراف جعفر نمیری
- ۲۵۹ ----- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام قدوسی
- ۲۶۰ ----- جناب آقای هادوی دادستان کل انقلاب اسلامی
- ۲۶۱ ----- پیام امام خمینی به علمای قزوین
- ۲۶۲ ----- پیام امام خمینی به ملت ایران در مورد ترمیم خسارات انقلاب
- ۲۶۳ ----- پیام امام خمینی به مسلمانان جهان به مناسبت انتخاب آخرین جمعه ماه رمضان به عنوان روز قدس
- ۲۶۴ ----- پیام امام خمینی به ملت ایران
- ۲۶۵ ----- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام شاهرخی
- ۲۶۶ ----- پیام امام خمینی به مناسبت روز قدس
- ۲۶۶ ----- روز قدس ، روز مقابله مستضعفین با مستکبرین
- ۲۶۷ ----- روز قدس ، روز اسلام است
- ۲۶۹ ----- بیانات امام در دیدار با وزیر خارجه کشور سوریه
- ۲۶۹ ----- اتفاق بر اسلام قدرت مافوق طبیعت می آورد
- ۲۶۹ ----- اگر مسلمین مجتمع بودند ، هر کدام یک سطل آب به اسرائیل می ریختند او را سیل می برد
- ۲۷۰ ----- عامل ضعف و فساد در ممالک اسلامی از حکومت هاست
- ۲۷۱ ----- بیانات امام خمینی در جمع اعضای سمینار آموزشی انجمن اسلامی معلمین کشور
- ۲۷۱ ----- مکتب های توحیدی و مادی

- ۲۷۲ ----- عرضه مکتب غیر از سوزاندن خرمن هاست
- ۲۷۳ ----- نقش معلم در جامعه نقش انبیا است
- ۲۷۴ ----- شغل معلم اخراج بچه ها و کودکان است از ظلمت به نور
- ۲۷۴ ----- اینها می خواهند بچه ها را از دامن مادرشان جدا کرده و به پرورشگاه ها بفرستند
- ۲۷۵ ----- دشمنان ، مهلت خدمت کردن به دولت نمی دهند
- ۲۷۶ ----- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان
- ۲۷۶ ----- اغتشاشات عمال اجانب هنگام تحقق جمهوری اسلامی به منظور انحراف اذهان عمومی
- ۲۷۷ ----- اسلام اجازه نمی دهد که ما آزاد بگذاریم هر کس هر توطئه ای خواهد بکند
- ۲۷۷ ----- سوء استفاده جنایتکاران مدعی خلق از نعمت آزادی
- ۲۷۹ ----- ما شرعا موظفیم به حفظ مصالح اسلام و مسلمین
- ۲۷۹ ----- طرح مسائل غیر اسلامی بر خلاف حدود وکالت است
- ۲۸۰ ----- بدون هراس از یاهو سرائی دشمنان اسلام به طی مسیر خویش ادامه می دهیم
- ۲۸۱ ----- سفارش به وکلای مجلس در پیمودن مسیر ملت
- ۲۸۱ ----- اسلام مترقی ترین مکتب هاست
- ۲۸۲ ----- فرمان امام خمینی به دولت ، ارتش و ژاندارمری در رابطه با غائله پاره
- ۲۸۳ ----- فرمان امام خمینی به رئیس ستاد ارتش ، ژاندارمری و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۲۸۴ ----- بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم
- ۲۸۴ ----- ضرورت تشکیل حزب مستضعفین
- ۲۸۴ ----- ما مکرر گفته ایم که اسرائیل این جرثومه فساد ، اکتفا به بیت المقدس نخواهد کرد
- ۲۸۵ ----- ما نمی خواهیم در خارج از کشور وجاهت پیدا کنیم ، ما می خواهیم به امر خدا عمل کنیم
- ۲۸۶ ----- می آیم تهران و رؤسائی که مسامحه می کنند ، با آنها انقلابی عمل می کنم
- ۲۸۶ ----- اشاره
- ۲۸۶ ----- از گذشته ها عبرت بگیرید و در مسیر اسلام و ملت عمل کنید
- ۲۸۷ ----- فرمان امام خمینی به کلیه قوای انتظامی در مورد غائله سنندج
- ۲۸۸ ----- پیام امام خمینی در مورد غائله پاره
- ۲۸۹ ----- پیام امام خمینی به مناسبت افتتاح مجلس خبرگان

- پیام امام خمینی به مردم کردستان ..... ۲۹۱
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران از انقلاب اسلامی ..... ۲۹۲
- فرمان امام خمینی به آیت الله صدوقی ..... ۲۹۳
- پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله العظمی گلپایگانی ..... ۲۹۴
- پیام امام خمینی به ملت ایران در رابطه با مسأله کردستان ..... ۲۹۵
- پاسخ امام خمینی به تلگراف آیت الله قمی ..... ۲۹۷
- بیانات امام خمینی به مناسبت عید سعید فطر ..... ۲۹۸
- اشاره به جهات گسترده سیاسی اقتصادی اسلام و اظهار تأسف از غفلت مسلمین ..... ۲۹۸
- نظری بر مسائل مطروحه در سوره مبارکه (جمعه) ..... ۲۹۹
- شناخت چهره منافقین از طریق عملکرد رسوای آنان ..... ۲۹۹
- هشدار به ملت ایران در مطالعه اعمال منافقین و سرکوب جدی این جرثومه های فساد ..... ۳۰۰
- لزوم تأسیس حزب مستضعفین به منظور بر پا ساختن پرچم اسلام در سراسر دنیا ..... ۳۰۱
- بیانات امام خمینی خطاب به امت مسلمان ایران ..... ۳۰۳
- اسلام در تمامی اعصار با خون شهدا و اولیاً خدا رشد یافته است ..... ۳۰۳
- مدعیان دروغین دموکراسی و آزادیخواهی ..... ۳۰۴
- برادران کردستانی! به دامن اسلام باز گردید ..... ۳۰۴
- ما انسان رزمنده می خواهیم، ما جوان های حماسه جو می خواهیم، ما روشنفکر نمی خواهیم ..... ۳۰۴
- ای علمای کردستان! جوان های خودتان را بیدار کنید ..... ۳۰۶
- همه‌هنگی و وحدت کلمه قوای انتظامی و پاسداران برای حفظ مرزهای کشور ..... ۳۰۷
- پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله شیرازی ..... ۳۰۸
- پیام امام خمینی به مهندس بازرگان ..... ۳۰۹
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از خواهران و برادران کویته ..... ۳۱۰
- امید است که بیرق پر افتخار اسلام در تمام نقاط ارض به اهتزاز در آید ..... ۳۱۰
- ضرورت تشکیل حزب مستضعفین ..... ۳۱۲
- روح شهادت طلبی و ایمان اسلام، رمز غلبه مشیت بر توپ و تانک ..... ۳۱۲
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده شهید عراقی ..... ۳۱۳

- فرمان امام خمینی به ثقة الاسلام رحمانی ..... ۳۱۴
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران کرج و نمایندگان اصناف ..... ۳۱۵
- حل مشکلات و نابسامانی ها در سایه کوشش برای حفظ آرامش ..... ۳۱۵
- لزوم انتخاب وکلای متدین و صالح برای مجلس شورای اسلامی ..... ۳۱۵
- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام کرمانی ..... ۳۱۷
- پیام امام خمینی در رابطه با مسأله کردستان ..... ۳۱۸
- درباره مرکز ..... ۳۳۰



## صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) جلد 8

### مشخصات کتاب

سرشناسه: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368.

عنوان و نام پدیدآور: صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) / تدوین سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی (گروه انتشارات).

وضعیت ویراست: [ویراست؟].

مشخصات نشر: تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، 1370 -

مشخصات ظاهری: ج.

شابک: دوره 5-126-422-964؛ 36000 ریال: ج. 1، چاپ دوم 3-127-422-964؛ 3500 ریال (ج. 2، چاپ دوم)؛ 3500 ریال (ج. 3، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 3، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 3، شمیز)؛ 3500 ریال (ج. 4، چاپ دوم)؛ 3500 ریال (ج. 5، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 5، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 5، شمیز)؛ 3500 ریال (ج. 6)؛ 4950 ریال (ج. 8، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 9، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 9، شمیز)؛ 9500 ریال (ج. 9، چاپ دوم)؛ 36000 ریال (ج. 10، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 10، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 10، شمیز)؛ 39000 ریال (ج. 11، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 15، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 15، شمیز)

یادداشت: ج. 1 و 2 (چاپ دوم: 1370).

یادداشت: ج. 3 - 5 (چاپ دوم: تابستان 1371).

یادداشت: ج. 3، 5 و 10 (چاپ؟: بهمن 1361).

یادداشت: ج. 6 (چاپ اول: زمستان 1371).

یادداشت: ج. 8 (چاپ دوم: 1373).

یادداشت: ج. 9 و 15 (چاپ؟: بهمن 1361).

یادداشت: ج. 9 (چاپ دوم: پائیز 1374).

یادداشت: ج. 10 (چاپ دوم: بهار 1378).

یادداشت: ج. 11 (چاپ دوم: 1378).

موضوع: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368. -- پیام‌ها و سخنرانی‌ها

موضوع: فتواهای شیعه -- قرن 14

موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، 1357 -- اسناد و مدارک

موضوع: ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، 1358 -- اسناد و مدارک

شناسه افزوده: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. گروه انتشارات

شناسه افزوده: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شناسه افزوده: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی

رده بندی کنگره: DSR1572 1370

رده بندی دیویی: 955/08308

شماره کتابشناسی ملی: م 66-73

ص: 1

**اشاره**

- ۲۶ - مطالعات گسترده استعمارگران در اوضاع مشرق زمین، بمسئله غارت و  
چپاولگری هرچه بیشتر
- ۲۷ - تبلیغات دامنه دار غربی‌ها بر ضد روحانیت، این دژ مستحکم اسلام
- ۲۸ - ملاحظه تاریخ اسلام و سرگذشت انبیا، باطل کننده یاوه سرائی دشمنان
- ۳۲ - هوشیاری در مقابل نقشه‌های تفرقه انگیز اجانب و توجه به تصویب قانون  
اساسی
- ۳۴ - ارزش انسان به قلب و بصیرت اوست، نه به بصر
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از صاحبان صنایع و بازاریان  
تهران ۵۸۴/۱۵
- ۳۵ - موعظه به صاحبان کارخانه‌ها در رعایت حقوق کارگران و پیشگیری از انفجار  
عمومی
- ۳۷ - عمل برخلاف مسیر اسلام ممنوع!!
- ۳۸ - لزوم همیاری دولت و ملت در رفع حوائج یکدیگر و بازسازی ایران اسلامی
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از ائمه مختلف مردم ۵۸۴/۱۵
- ۴۰ - واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولانفروا
- بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه  
۵۸۴/۱۵
- ۴۴ - شکست ظاهری و شهادت اهل حق به نفع اسلام است
- ۴۵ - تخطی از موازین، خطری برای اسلام و حربه‌ای به دست دشمنان
- ۴۷ - امر بمعروف و نهی از منکر، تکلیف همگانی امت است
- ۴۸ - رعایت حدود الهی و پرهیز از اختلاف به منظور حفظ اسلام
- ۴۹ - توصیه به حسن استفاده از نعمت آزادی
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان اهواز ۵۸۴/۱۶
- ۵۰ - باید از طریق «عمل» محتوای اسلام را محقق سازیم
- ۵۰ - اهمیت تزکیه و تربیت همراه با تحصیل
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مردم و پاسداران کمیته انقلاب اسلامی  
شهرک حصارک کرج ۵۸۴/۱۶
- ۵۳ - جدیت در شناخت عوامل پیروزی و کوشش فراوان جهت حفظ آن

- ۵۶ — بیداری در برابر نقشه‌های حساب شده شیاطین و پیشگیری از اختلاف و افتراق
- ۵۷ — این مساجد را باید مسلمان‌ها پر کنند از جمعیت
- ۵۸ — با رفتار موافق موازین و انجام وظایف انسانی — اسلامی پاسدار مکتب باشید
- ۵۹ — توصیه به اصلاح خویشتن و مؤاخذة از خلفاکاران
- ۶۱ — بیانات امام خمینی در جمع بانوان مکتب ولی عصر ۵۸/۴/۱۶
- ۶۱ — نقش عظیم تعلیم و تربیت در رشد معنوی انسان
- ۶۲ — شمع آمال و آرزوها و شهوات انسان نامحدود است
- ۶۳ — نیاز انسان به هدایت انبیا در پیمودن مسیر کمال و کنترل غرائز
- ۶۵ — بیانات امام خمینی در جمع وعاظ و روحانیون تهران ۵۸/۴/۱۷
- ۶۵ — وقتی که قلب الهی شد همه چیز انسان الهی می‌شود
- ۶۷ — رسالت عظیم روحانیت در حفظ شؤونات و ادای مقاصد اسلام
- ۶۸ — امروز تمامی چشم‌ها برای طرح اشکال متوجه جمهوری اسلامی است
- ۶۹ — روضه و مصیبت سیدالشهدا، مایه حفظ مکتب اسلام
- ۷۲ — پیروزی نهضت، مرهون اظهار ارادت ملت به اسلام و توجه به مقصد
- ۷۳ — پرهیز از تشمت و کوشش برای انتخاب وکلای مطلع و معتقد به مکتب حیاتبخش اسلام
- ۷۶ — بیانات امام خمینی در جمع اعضای جهادسازندگی قم ۵۸/۴/۱۷
- ۷۶ — آتش زدن خرمن‌ها به دست عمال آمریکا و به نفع ابرقدرت‌ها
- ۷۷ — ایجاد حزب توده، به دست انگلیس‌ها
- ۷۸ — بیانات امام خمینی در جمع کارکنان و دانشجویان دانشگاه شیراز و گروه اطباء سنتی اسلامی ۵۸/۴/۱۷
- ۷۸ — ضرورت پرداختن به تدوین قانون اساسی و عدم طرح مسائل غیراساسی
- ۸۱ — بیانات امام خمینی در جمع اعضای جامعه اسلامی کارکنان وزارت امور اقتصاد و دارایی ۵۸/۴/۱۷
- ۸۱ — هدف خداوند از بعثت انبیا و نقش سازنده تعالیم آنان
- ۸۲ — تکلیف بر تحقق عملی احکام اسلام در کلیه امور فردی و اجتماعی
- ۸۸ — بیانات امام خمینی در جمع راهپیمایان تهرانی ۵۸/۴/۱۸
- ۸۸ — کوشش کنید که عملتان برای خدا و مقصدتان جلب رضای او باشد

- ۸۸ - رفع آشفته‌گی‌ها و گرفتاری‌های حاصل از افساد رژیم منحوس با روحیه‌ای قوی
- ۸۹ - پیشبرد نهضت بسته به ایمان راسخ و حفظ روحیه الهی است
- ۹۰ - تحول روحی و حصول پیروزی در اثر عنایات «مقلب القلوب»
- ۹۱ - پیام امام خمینی به مناسبت نیمه شعبان، میلاد حضرت حجت سلام‌الله علیه ۵۸/۴/۱۸
- ۹۴ - بیانات امام خمینی در جمع گروهی از نمایندگان کشورهای اسلامی ۵۸/۴/۱۹
- ۹۲ - ایمان به اسلام و روحیه شهادت‌طلبی رمز پیروزی مسلمین در صدر اسلام
- ۹۵ - منشأ مصائب و گرفتاری‌های مسلمین
- ۹۸ - بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی سپیددشت ۵۸/۴/۲۰
- ۱۰۰ - بیانات امام خمینی در جمع کارکنان پالایشگاه تبریز ۵۸/۴/۲۰
- تغییر روحی ملت
- ۱۰۰ - نیاز به مهلت و صرف وقت برای اصلاح آشفته‌گی‌های پس از انقلاب و پاکسازی دستگاه‌های دولتی
- ۱۰۱ - ارجحیت تدوین قانون اساسی و انتخاب نمایندگان مومن و اهل علم بر سایر امور
- ۱۰۲ - بیانات امام خمینی در جمع برادران اهل مریوان و سنج و پسرستل گردان ۵۸/۴/۲۱ ۶۲
- ۱۰۴ - فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام موسوی ۵۸/۴/۲۱
- ۱۰۵ - بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان کارکنان روزنامه جمهوری اسلامی ۵۸/۴/۲۱
- ۱۰۵ - کوشش رژیم شاهنشاهی در انحراف نیروی انسانی و از بین بردن اتکاء به نفس
- ۱۰۶ - استقرار حکومت و محدود شدن هرج و مرج و مسرج با بررسی قانون اساسی و تشکیل مجلس
- ۱۰۹ - بیانات امام خمینی در جمع گروهی از بازاریان تهران ۵۸/۴/۲۱

- ۱۰۹ - پرداختن به قانون اساسی و مجلس خبرگان از مسائل ضروری و تعیین کنندگان کنونی
- ۱۱۰ - خدشه در اصول قانون اساسی مایه ضربه به پیکر یک جامعه
- ۱۱۰ - ایجاد اختلاف، حرکتی است در مقابل پیشرفت نهضت
- ۱۱۱ - استمداد از افراد خیر برای جلوگیری از اجحاف و گرانفروشی و کوشش برای آبادانی
- ۱۱۲ - بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اقتدار مختلف مردم ۵۷۴/۲۲
- ۱۱۲ - هوشیاری در مقابل وقوع توطئه‌ها در آستانه تعیین سرنوشت ملت و اسلام
- ۱۱۳ - بررسی قانون اساسی و تعیین خبرگان مسأله اصلی است
- ۱۱۳ - لزوم حفظ خونسردی و احتراز از هرگونه تشنج و اختلاف کلمه
- ۱۱۴ - بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت اعزامی از کشور یوگسلاوی ۵۷۴/۲۳
- ۱۱۵ - پیام امام خمینی به حجت‌الاسلام توحیدی ۵۷۴/۲۳
- ۱۱۶ - بیانات امام خمینی در جمع گروهی از فرهنگیان شهرستان شهرضا (سابق) ۵۷۴/۲۳
- ۱۱۸ - بیانات امام خمینی در جمع اعضای کانون دارالتعلیم مهدویه قزوین ۵۷۴/۲۳
- ۱۲۰ - بیانات امام خمینی در جمع اعضای جامعه ورزشی اصفهان ۵۷۴/۲۳
- ۱۲۰ - تلاش دامنه‌دار ابرقدرتها جهت سرکوب و انحراف نیروهای مبارز و مؤمن
- ۱۲۲ - تبلیغات سوء اجانب در شستشوی مغزی و از خود بیگانه ساختن ملت
- ۱۲۳ - جدیت در تحقق محتوای اسلام در داخل و خارج
- ۱۲۵ - بیانات امام خمینی در جمع علما و لشکر ۱۶ زرهی قزوین ۵۷۴/۲۴
- ۱۲۵ - ترسیم چهره ارتش در رژیم‌های فاسد و حکومت اسلامی
- ۱۲۶ - اجتماع اقتدار مختلف در کنار یکدیگر و در کمال آرامش، از برکات نهضت است
- ۱۲۷ - تلاش در عرضه محتوای اسلام به عالم، به‌عنوان یک مکتب نمونه

- ۱۲۸ بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشکده داروسازی دانشگاه تهران  
۵۸۴/۲۴
- ۱۲۸ - طرح مسائل غیر اصولی، توطئه‌ای برای انحراف از مسائل اصلی  
۱۲۸ - توطئه جهت انحراف اذهان  
۱۲۹ - لزوم انتخاب اشخاص متعهد و امین که گرایش به چپ و راست ندارند
- ۱۳۱ پیام امام خمینی به حجت‌الاسلام رضی شیرازی ۵۸۴/۲۴
- ۱۳۲ بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی کارکنان وزارت کشور و  
استادان و دانشگاهیان اصفهان ۵۸۴/۲۴
- ۱۳۲ - اقدامات عمال اجانب اعم از ترور یا تخریب نمایانگر یأس و ناپودی جبهه  
باطل است  
۱۳۲ - تأکید بر گسترش تحول اسلامی در کلیه دستگاه‌های مملکتی
- ۱۳۶ بیانات امام خمینی در جمع اساتید و علمی اصفهان ۵۸۴/۲۴
- ۱۳۶ - جدا کردن دو قدرت روحانی و دانشگاهی از مأموریت‌های رژیم  
۱۳۶ - درج مطالب تحریک‌آمیز، توطئه‌ای برای انحراف از مسائل اساسی  
۱۳۷ - ایجاد استقلال و جمهوری اسلامی از اهداف ما و ملت  
۱۳۸ - اسلام تا ابد زنده است  
۱۳۸ - روحیه شهادت‌طلبی در جوانان عامل پیروزی
- ۱۳۹ فرمان امام خمینی به دادستان دادگاه‌های انقلاب ۵۸۴/۲۵
- جناب آقای دادستان دادگاه‌های انقلاب اسلامی کشور
- ۱۴۰ پیام امام خمینی به ملت ایران در مورد شرکت در راهپیمایی ۵۸۴/۲۵
- ۱۴۱ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای هیأت خطباء و مردم عرب‌زبان  
خوزستان ۵۸۴/۲۵
- ۱۴۱ - اتفاق مخالفین اسلام در ایجاد توطئه، برای انحراف اذهان مؤمنین از تنظیم  
قانون اساسی  
۱۴۲ - تأکید بر خستی ساختن حیلۀ تفرقه‌انگیزان و توجه به پیشرفت اسلام
- ۱۴۴ بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان هنرجویان و دانش‌آموزان مسداس کرمان  
۵۸۴/۲۵
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از فرمانداران کشور، پاسداران سپیددست و

- ۱۴۵ کودکان مکتب سرود ۵۷۴/۲۶
- ۱۴۵ - نحوه عملکرد و برخورد سران حکومت اسلامی و رژیم‌های طاغوتی با مردم
- ۱۴۷ - اصل رژیم سلطنتی غیرمنطقی و باطل است
- ۱۴۸ - تأکید بر نظارت دقیق در امر انتخابات و ایجاد زمینه مساعد برای رأی‌دهندگان
- ۱۴۹ - تفاوت دولت اسلامی با دولت طاغوتی در عنایت خاص نسبت به مستضعفین است
- ۱۵۱ بیانات امام خمینی در جمع پاسداران مهدیه تهران ۵۷۴/۲۶
- ۱۵۴ فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام ملک حسینی ۵۷۴/۲۶
- ۱۵۵ بیانات امام خمینی در جمع خواهران دانشجوی مکتب معصومه اصفهان و اعضای سپاه پاسداران شهرضا (سابق) ۵۷۴/۲۶
- ۱۵۵ - دستور خدا حفظ وحدت بر اساس اعتصام به جبل‌الله است
- ۱۵۵ - تأمین سعادت و پیروزی در گرو اجتماع و توجه به خداست
- ۱۵۷ بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت استرالیائی ۵۷۴/۲۶
- ۱۵۸ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پرسنل نیروی زمینی و هوانیروز ارتش ۵۷۴/۲۶
- ۱۵۸ - بهترین راه سازندگی، خدمت صادقانه با در نظر گرفتن رضای خداست
- ۱۵۸ - شکست‌ناپذیری کشورها در سایه تفاهم میان ملت و دولت
- ۱۶۱ بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی کسارکشان وزارت بهداشتی و بهزیستی ۵۷۴/۲۶
- ۱۶۱ - تزکیه نفس از علم و حکمت بالاتر است
- ۱۶۱ - مفساد و مصالح از حکومت‌ها و سران آن سرچشمه می‌گیرد
- ۱۶۲ - دامن مادران می‌تواند مبدأ خیر یا مبدأ شر باشد
- ۱۶۲ - تمام مبارزه رژیم شاه با تزکیه و رشد انسانی جوان‌ها بود
- ۱۶۴ بیانات امام خمینی در جمع فارغ‌التحصیلان پاسپار دانشگاه پلیس ۵۷۴/۲۷
- ۱۶۴ - ترسیم چهره کریمه قوای انتظامی طاغوت و توصیف قوای انتظامی اسلام
- ۱۶۴ - توصیه به مردمی بودن و ایجاد تحولی همه‌جانبه



- بیانات امام خمینی در جمع برادران و خواهران نایب‌نای کارمند ۵۷۴/۲۸  
 ۱۶۷ - انقلاب ما انقلاب اسلامی است. چون منکی بر اسلام است  
 ۱۶۷ - رفع مشکلات مضمن استقرار حکومت است
- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان گروه‌های مختلف مردم ۵۷۴/۲۸  
 ۱۶۹ - تحت فشار قرار داشتن مدرسه فیضیه در طول سلطنت شاهنشاهی  
 ۱۶۹ - اگر خلاقی از ما صادر شود دشمنان آن را به اسلام نسبت می‌دهند
- بیانات امام خمینی در جمع آقشار مختلف مردم ۵۷۴/۲۸  
 ۱۷۱ - نهضت ما قرآنی و اسلامی و تا آخر باقی است  
 ۱۷۱ - نهضت برای حکومت اسلام و قوانین قرآن بود  
 ۱۷۲ - کسانی را انتخاب کنید که اسلام‌شناس باشند  
 ۱۷۲ - اعتصام کنید بمحبل‌الله
- بیانات امام خمینی در جمع دانش‌پژوهان قزوین ۵۷۴/۲۸  
 ۱۷۳
- بیانات امام خمینی در جمع کارکنان و کارمندان بخش تولید و مالی رادیو و تلویزیون ۵۷۴/۲۸  
 ۱۷۵ - انسان از راه چشم و گوش و زبان می‌تواند کسب فضیلت یا فساد کند  
 ۱۷۵ - رادیو و تلویزیون می‌تواند یک کشور را اصلاح کند یا به فساد بکشد
- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشکده بابل ۵۷۴/۳۰  
 ۱۷۷ - انبیا مستضعفین را بیدار می‌کردند که برضد مستکبرین قیام کنند  
 ۱۷۹ - می‌خواهند قدرت روحانیت را از مردم بگیرند  
 ۱۸۰ - تلاش استعمار در دور نمودن جوانان از اسلام  
 ۱۸۱ - تلاش قلم‌های اجیر در تکفیر مؤمنین  
 ۱۸۲ - ایجاد تحول روحی در سراسر ایران به لطف و عنایت الهی  
 ۱۸۴ - همه باهم بکوشیم که درست عمل کنیم
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان ایرانی در اروپا و دانشجویان اصفهان ۵۷۴/۳۰  
 ۱۸۵ - یأس از جنود اهل‌بیس است  
 ۱۸۷ - آتش زدن خرمن‌ها، عملی در جهت منافع آمریکا  
 ۱۸۸ - بی‌حاصل بودن نقشه‌های آمریکا در جهت سرکوب نهضت

- ۱۸۸ - اعتصام به حبل الله عامل سرکوب قدرت‌های شیطانی
- ۱۸۹ - امروز زمان طرح گرفتاری‌های شخصی نیست
- ۱۸۹ - نهضت اسلام در برخورد با مجرمین، بی نظیر در عالم است
- ۱۹۰ - راه انبیا الگویی راه ما جهت نیل به اهداف اسلامی
- ۱۹۱ - انقلاب روحی، بالاتر از سدی که شکستند
- ۱۹۱ - نقشه‌های استعمارگرانه، جهت انحراف اذهان جوانان
- ۱۹۳ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اهالی شهرستان اسفراین ۵۷/۴/۳۰
- ۱۹۳ - هدف، عقب نگاه داشتن اقشار مختلف مردم بود
- ۱۹۳ - با کمک همه اقشار مشکلات رفع خواهد شد
- ۱۹۵ بیانات امام خمینی در دیدار با گروه تحقیقات و تبلیغات دانشگاه علوم اصفهان ۵۷/۴/۳۰
- ۱۹۵ - تذییرفتن قدرتی جز قدرت حق، از آداب عبودیت
- ۱۹۵ - کنسیده شدن کشور از ضعف به قدرت و ایجاد حق تعاون از معجزات الهی
- ۱۹۶ - با اراده حق تعالی در همه چیز پیروز شدیم
- ۱۹۷ بیانات امام خمینی در جمع کارکنان رادیو دریا ۵۷/۴/۳۰
- ۱۹۷ - می‌خواستند مملکت ما را از انسان خالی بکنند
- ۲۰۰ - رادیو و تلویزیون آموزنده باید باشد
- ۲۰۲ بیانات امام خمینی در جمع اعضای نهضت رادیکال ایران ۵۷/۴/۳۱
- ۲۰۲ - شعار وحدت اگر با عمل همراه نباشد ریاکاری است
- ۲۰۳ - نهی نمودن مغزهای جوانان با ایجاد مراکز فحشا
- ۲۰۳ - این اسلام بود که شما روشنفکران را از انزوا خارج کرد
- ۲۰۵ فرمان امام خمینی به حجت الاسلام شاهرخی ۵۷/۵/۱
- ۲۰۶ بیانات امام خمینی در جمع پرسنل شهربانی همدان ۵۷/۵/۱
- ۲۰۶ - تفاوت مابین قوای انتظامیه در رژیم طاغوتی و جمهوری اسلامی
- ۲۰۷ - مردم با طبقات ارتشی و ژاندارمری و شهربانی، خودشان را از هم جدا ندانند
- ۲۰۷ - قوای نظامی در صدر اسلام با وجود تجهیزات ناقص بر دو امپراطوری بزرگ غلبه کردند
- ۲۰۸ - به مملکت رسول خدا و صاحب‌الزمان خدمت کنید
- ۲۱۰ بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان کانسان ۵۷/۵/۱

- ۲۱۰ — هدف عمده رژیم طاغوت انحراف نیروهای جوان به طرف فحشا بود
- ۲۱۱ — پیدا شدن روزنامه در منزل یک روحانی را نقضش می‌دانستند
- ۲۱۲ — امروز باید همه اقشار هوشیار و مجهز باشند در مقابل نقشه‌های شیطانی
- ۲۱۲ — مهم این است که خبرگان باید خبرگان اسلامی باشند
- ۲۱۴ بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی امیرآباد و جوادیه تهران  
۵۸/۵/۲
- ۲۱۴ — پاسداری در دولت اسلامی دارای شرافت زیاد و مسؤولیت بزرگ است
- ۲۱۴ — در رژیم اسلامی دولت و ملت از هم جدا نیستند، باهمند
- ۲۱۵ — سرباز در دولت اسلامی مثل سربازان صدر اسلام با خداست
- ۲۱۶ فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام جبل عاملی ۵۸/۵/۲
- ۲۱۷ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران ملکان آذربایجان ۵۸/۵/۳
- ۲۱۷ — ایمان و وحدت، این رمز پیروزی را حفظ کنید
- ۲۱۸ پیام امام خمینی به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان ۵۸/۵/۳
- ۲۲۰ پیام امام خمینی به ملت ایران در آستانه انتخابات مجلس خبرگان ۵۸/۵/۸
- ۲۲۲ پیام امام خمینی به آیت‌الله دستغیب ۵۸/۵/۱۰
- ۲۲۳ پیام امام خمینی به ملت ایران در مورد شرکت در انتخابات ۵۸/۵/۱۲
- ۲۲۴ پاسخ امام خمینی به تلگراف جعفر نمیری ۵۸/۵/۱۳
- ۲۲۵ فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام قدوسی ۵۸/۵/۱۵
- ۲۲۶ فرمان امام خمینی به آقای هادوی ۵۸/۵/۱۵
- ۲۲۷ پیام امام خمینی به علمی قزوین ۵۸/۵/۱۵
- ۲۲۸ پیام امام خمینی به ملت ایران در مورد ترمیم خسارات انقلاب ۵۸/۵/۱۵
- پیام امام خمینی به مسلمانان جهان به مناسبت انتخاب آخرین جمعه ماه رمضان به

- عنوان روز قدس ۵۷/۵/۱۶ ۵۷۴۲
- پیام امام خمینی به ملت ایران ۵۷/۵/۱۷
- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام شاهرخی ۵۷/۵/۲۲
- پیام امام خمینی به مناسبت روز قدس ۵۷/۵/۲۵
- روز قدس، روز مقابله مستضعفین با مستکبرین
- روز قدس، روز اسلام است ۷۲/۵/۸۵
- بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر امور خارجه کشور سوریه ۵۷/۵/۲۵
- اتفاق بر اسلام قدرت مافوق طبیعت می آورد
- اگر مسلمین مجتمع بودند هر کدام یک سطل آب به اسرائیل می ریختند
- اورا سبیل می برد
- عامل ضعف و فساد ممالک اسلامی از حکومت هاست
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای شرکت کننده در سمینار آموزشی انجمن اسلامی معلمین سراسر کشور ۵۷/۵/۲۶
- مکتبهای توحیدی و مادی
- عرضه مکتب غیر از سوزاندن خرمن هاست
- نقش معلم در جامعه نقش انبیاء است
- شغل معلم اخراج بچهها و کودکان است از ظلمت به نور امید
- اینها می خوانند بچهها را از دامن مادرشان جدا کرده و به پرورشگاهها
- بفرستند
- دشمنان، مهلت خدمت کردن به دولت نمی دهند
- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان ۵۷/۵/۲۷
- اغتشاشات عمال اجانب هنگام تحقق جمهوری اسلامی به منظور انحراف
- انها را عمومی
- اسلام اجازه نمی دهد که ما آزاد بگذاریم هر کس هر توطئه ای می خواهد بکند
- سوء استفاده جنایتکاران مدعی خلق از نعمت آزادی
- ما شرعاً موظفیم به حفظ مصالح اسلام و مسلمین
- طرح مسائل غیر اسلامی برخلاف حدود وکالت است
- بدون هراس از پایه سرانی دشمنان اسلام به طی مسیر خویش ادامه می دهیم
- سفارتش به وکلای مجلس در پیمودن مسیر ملت

- ۲۴۷ - اسلام مترقی ترین مکتبهاست
- ۲۴۸ فرمان امام خمینی به دولت، ارتش و ژاندارمری در رابطه با غائله پاره ۵۸/۵/۲۷
- ۲۴۹ فرمان امام خمینی به رئیس ستاد ارتش، ژاندارمری و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۵۸/۵/۲۷
- ۲۵۰ بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم ۵۸/۵/۲۷
- ۲۵۰ - ضرورت تشکیل حزب مستضعفین
- ۲۵۰ - ما مکرر گفته ایم که اسرائیل این جرئومه فساد، اکتفا به بیت المقدس نخواهد کرد
- ۲۵۱ - ما نمی خواهیم در خارج از کشور وجهات پیدا کنیم، ما می خواهیم به امر خدا عمل کنیم
- ۲۵۲ - می آیم تهران و رؤسائی که مسامحه می کنند، با آنها انقلابی عمل می کنم
- ۲۵۲ - از گذشتهها عبرت بگیرید و در مسیر اسلام و ملت عمل کنید
- ۲۵۳ فرمان امام خمینی به کلیه قوای انتظامی در مورد غائله سنتدج ۵۸/۵/۲۸
- ۲۵۴ پیام امام خمینی در مورد غائله پاره ۵۸/۵/۲۸
- ۲۵۵ پیام امام خمینی به مناسبت افتتاح مجلس خیرگان ۵۸/۵/۲۸
- ۲۵۷ پیام امام خمینی به مردم کردستان ۵۸/۵/۲۹
- ۲۵۸ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۵۸/۵/۲۹
- ۲۵۹ فرمان امام خمینی به آیت الله صدوقی ۵۸/۵/۳۱
- ۲۶۰ پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله العظمی گلپایگانی ۵۸/۵/۳۱
- ۲۶۱ پیام امام خمینی به ملت ایران در رابطه با مسأله کردستان ۵۸/۵/۳۱
- ۲۶۳ پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله قمی ۵۸/۶/۱



- ۲۶۴ بیانات امام خمینی به مناسبت عید سعید فطر ۵۸/۶/۲
- ۲۶۴ — اشاره به جهات گسترده سیاسی — اقتصادی اسلام و اظهار تأسف از غفلت مسلمین
- ۲۶۵ — نظری بر مسائل مطروحه در سوره مبارکه «جمعه»
- ۲۶۵ — شناخت چهره منافقین از طریق عملکرد رسوای آنان
- ۲۶۶ — هشدار به ملت ایران در مطالعه اعمال منافقین و سرکوب جنسی این جرم‌مهای فساد
- ۲۶۷ — لزوم تأسیس حزب مستضعفین به منظور برپا ساختن پرچم اسلام در سراسر دنیا
- ۲۶۹ بیانات امام خمینی خطاب به امت مسلمانان ایران ۵۸/۶/۲
- ۲۶۹ — اسلام در تمامی اعصار با خون شهدا و اولیاء خدا رشد یافته است
- ۲۷۰ — مدعیان دروغین دموکراسی و آزادیخواهی
- ۲۷۰ — برادران کردستانی! به دامن اسلام بازگردید
- ۲۷۰ — ما انسان رزمنده می‌خواهیم، ما جوان‌های حماسه‌جو می‌خواهیم، ما روشنفکر نمی‌خواهیم
- ۲۷۲ — ای علمای کردستان! جوان‌های خودتان را بیدار کنید
- ۲۷۳ — هماهنگی و وحدت کلمه قوای انتظامی و پاسداران برای حفظ مرزهای کشور
- ۲۷۴ پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت‌الله شیرازی ۵۸/۶/۲
- ۲۷۵ پیام امام خمینی به مهندس بازرگان ۵۸/۶/۲
- ۲۷۶ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از خواهران و برادران کویته ۵۸/۶/۳
- ۲۷۶ — امید است که بیرق پرافتخار اسلام در تمام نقاط ارض به اهتزاز درآید
- ۲۷۸ — ضرورت تشکیل حزب مستضعفین
- ۲۷۸ — روح شهادت‌طلبی و ایمان اسلام، رمز غلبه مشت بر توب و نانک
- ۲۷۹ بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده شهید مهدی عراقی ۵۸/۶/۴
- ۲۸۰ فرمان امام خمینی به لقا اسلام رحمانی ۵۸/۶/۴
- ۲۸۱ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران کرج و نمایندگان اصناف ۵۸/۶/۶





عنوان و نام پدیدآور: صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی مدظله العالی/تهیه و جمع آوری مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی

مشخصات نشر: تهران: وزارت ارشاد اسلامی، 1364.

مشخصات ظاهری: ج.

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت: فهرست نویسی بر اساس جلد هفدهم 1364.

یادداشت: عنوان عطف: صحیفه نور

شماره کتابشناسی ملی: 8 5 6 3 4 0 2

ص: 15

## بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان آباده

بسم الله الرحمن الرحيم

اینکه ما می‌گوییم و شما هم اشاره به آن کردید که هیچ رژیمی مثل حکومت اسلامی نمی‌تواند انسان را و ملت‌های انسانی را آنطوری که بایستاده کند و تربیت، این برای این است که همه رژیم‌های غیر توحیدی و رژیم‌هایی که به دست غیر انبیاء وجود پیدا کرده است آنقدری که بینش دارند، اگر ما فرض بکنیم که اینها صد در صد هم امین هستند و دلسوز برای ملت‌ها، لکن شعاع بینش بشر را باید دید تا کجاست و انسان تا کجا می‌تواند سیر بکند و احتیاجات انسان چقدر است. آیا به مقدار سعه وجود انسان و قابلیت رشد انسان این رژیم‌های غیر الهی دیدشان وافی است؟ تا فرض بکنیم اگر هم اشخاصی باشند دلسوز و اشخاصی باشند که بخواهند خدمت بکنند. به ملت‌ها، بتوانند خدمت بکنند یا دید اینها محدود است تا یک حدودی و اگر آنها هم بخواهند خدمت بکنند تا همین حدود می‌توانند خدمت بکنند؟ اگر ما این معنا را دیدیم که انسان مراتب سیرش از طبیعت است تا ما فوق طبیعت، تا برسد به آنجائی که مقام الوهیت است، سیر از طبیعت تا رسیدن به مقامی که غیر از خدا هیچ نمی‌بیند، مراتب معنوی انسان. و این موجود که قابل این است که از این طبیعت سیر بکند و تمام معنویت‌ها را در خودش ایجاد بکند با تربیت‌های صحیح و برسد به یک مقامی که حتی فوق مقام ملائکه باشد، احتیاجات انسان یک همچو احتیاج است. انسان مثل یک حیوان نیست که احتیاجش به خوردن و خوابیدن باشد، انسان یک موجودی است که خدای تبارک و تعالی تا حالا او را خلق کرده است برای اینکه همه جهاتی که در عالم هست در انسان هست، منتها به طور قوه است، به طور استعداد است و این استعدادها باید فعالیت پیدا بکنند، تحقق پیدا بکنند. تمام رژیم‌های غیر الهی که به دست غیر انبیاء تحقق پیدا کرده است، حدود دیدشان همین طبیعت است، احتیاجات طبیعی را می‌توانند آنها بر آورند، می‌توانند احتیاجات طبیعی هم خیلی خوب بر آورده کنند. سابق مسافرت‌ها با الاغ و اسب بود، حالا با طیاره است، سابق طبابت ناقص بود، حالا کامل است و از این هم کاملتر خواهد شد، سابق علوم طبیعی ناقص بود، حالا کامل است و کاملتر هم خواهد شد، همه اینها حدود طبیعت است. تمام آن چیزهایی که دست بشر به آن می‌رسد همین حدود طبیعت و چیزهایی که با چشمشان می‌بینند و با ادراک ناقصشان ادراک می‌کنند. از عالم طبیعت به آن طرف دست بشر از آن کوتاه است و تربیت‌هایی که بخواهند غیر

الهیین، غیر انبیا که به الهام خدا تربیت می کنند، تربیت هائی که اینها بخواهند بکنند، همان تربیت های طبیعی است. طبیب معالجه جسم ما را می کند، طبیب خیلی خوب هر مرضی را، مرض جسمانی را معالجه می کند اما امراض روحانی به طبیب مربوط نیست، هیچ ابدا طبیب کاری به او ندارد، نمی تواند هم داشته باشد برای اینکه اطلاع بر آن ندارد. هر چه علوم طبیعی ترقی بکند انسان را به آن چیزهائی که در طبیعت به آن احتیاج دارد می رساند، آن ورق بالا که فوق طبیعت است، هیچ یکی از این علوم بشری به آنجا نمی رسد. رژیم های بشری بر فرض اینکه صالح باشند و حال آنکه می دانیم که اکثراً نیستند، بر فرض اینکه صالح باشند تا حدودی که دیدشان هست، انسان را پیش می برند. آنجا که نمی دانند، دیگر نمی توانند پیش ببرند و لهذا می بینیم که تمام رژیم های غیر و حیای، آنهائی که مربوط نیستند به مبدا و وحی، کاری به انسان ندارند راجع به آن چیزهائی که مربوط به باطن انسان است حکومت ها هیچ کار ندارند که شما پیش خودتان چه فکر می کنید، پیش خودتان چه اعتقاد دارید، پیش خودتان چه ملکاتی دارید، هیچ کاری به این ندارند، آنقدری که آنها کار دارند، این است که نظام این عالم طبیعت را آنهائی که مردم صحیح هستند، آن حکومت های عادل نظام این طبیعت را به طوری کنند که محفوظ باشد، بازارشان یک بازار منظم باشد، مملکتشان یک مملکت منظم باشد، دزدها را جلویش را بگیرند، بی عدالتی ها را جلویش را بگیرند، آنقدری که رژیم ها به آن نظر دارند همین مقدار است اما هیچ کاری به این ندارند که شما توی منزلتان چه خودتان چه می کنید، چه کار دارند به توی منزلتان، شما بیرون که آمدید باید نظام را حفظش کنید اما در داخل منزل بین خودت و خدای خودت چه کاره هستی. هیچ ابدا این نظام ها قانونی هم برایش ندارند و کاری هم به آن ندارند، تنها رژیمی که و تنها مکتبی که کار دارد به انسان از قبل اینکه این تخم و این دانه کشته بشود، تا آنوقتی است که آخر است و آخر ندارد کار دارند، این مکتب های انبیا است هیچ مکتبی غیر از مکتب انبیا کاری به این ندارند که تو چه زنی انتخاب کن، وصلت کنی، و زن چه مردی را انتخاب کند. به آنها چه ربطی دارد، کاری به این ندارند، هیچ ابدا در قوانینشان این نیست که چه زنی انتخاب کن و چه مردی انتخاب کن. هیچ در قوانینشان نیست که در ایام حمل بچه، مادر چه کارهائی را بکند، ایامی که بچه را شیر می خواهد بدهد. چه کار بکند، ایامی که بچه در دامن مادرش است، مادرش چه وظیفه ای دارد، آنوقتی که تحت تربیت پدرش هست پدر چه. ابدا به این کارها قوانین مادی و طبیعی و رژیم های غیر انبیا و هیچ کاری به اینها ندارند آنها فقط وقتی که انسان انسانی شد که آمد توی جامعه، جلو مفسده هائی که اینها می خواهند، آن هم مفسده هائی که مضر به نظم باشد والا مفساسدی که عیش و نوش و عشرت باشد، هیچ کاری به آن ندارند بلکه دامن هم به او می زنند، کاری به اینکه بخواهند که انسان بسازند، آدم درست کنند، کاری به این ندارند. در نظر آنها انسان با حیوان فرقی همین مقدار است که در طبیعت این بیشتر پیشرفتگی دارد، حیوان نمی تواند طیاره درست کند، انسان تواند، حیوان طبیب نمی تواند بشود، انسان می تواند، اما حدود، حدود طبیعت است. آن که به همه چیز کار دارد، آن که انسان را قبل از ازدواج، قبل از اینکه بخواهد ازدواج کند دنبال این است که آن چیزی که از این ازدواج می خواهد حاصل بشود باید یک آدم

صحیحی باشد، انسان باید باشد، قبل از اینکه شما ازدواج کنید، دستور دارد چه زنی را انتخاب کن، چه مردی را انتخاب کن. چرا این را دستور دارند؟ برای اینکه همانطوری که یک زارع، یک دهقان وقتی که می خواهد یک مزرعه ای را بسازد، اول نظر می کند که زمین چه جور زمینی است، یک زمین صالح انتخاب می کند، آن تخمی را که می خواهد بکارد چه جور تخمی است، یک تخم گندم صالحی انتخاب می کند، چی لازم دارد برای تربیت، تمام اینها را در نظر دارد تا اینکه این مزرعه را آباد کند و یک منفعتی از آن ببرد، اسلام در انسان این نظر را داشته است که آن زوجی که انتخاب می شود چه جور باشد تا از این زوج یک انسان صحیح پیدا بشود، آن زنی که انتخاب می کنی چه جور زنی باشد تا از این دو نفر زوجین یک انسان پیدا بشود، بعد هم به چه ادبی باید باشد، روی چه ادبی این ازدواج باید باشد، بعد هم در چه حالی باید تلقیح بشود و چه ادبی دارد، بعد هم در ایام حمل چه ادب هائی هست بعد هم در ایام شیردادن چه ادب هائی هست، همه اینها برای این است که این مکتب های توحیدی که بالاترینش اسلام است آمده اند برای اینکه انسان درست کنند، نیامده اند که یک حیوانی منتها دارای ادراکاتی که حدود همان حیوانیت و همان مقصدهای حیوانی باشد، منتها یک قدری زیادت، نیامده اند اینها را درست کنند آمده اند انسان درست کنند. اینکه شما گفتید که هیچ مکتبی مثل اسلام نیست و هیچ رژیمی مثل اسلام نیست، نکته اش این معناست که اسلام است که می تواند انسان را از مرتبه طبیعت تا مرتبه روحانیت، تا فوق روحانیت تربیت کند. غیر اسلام و غیر مکتب های توحیدی اصلا کاری به ماورا ندارند، عقلشان هم به ماورا طبیعت نمی رسد، علمشان هم به ماورا طبیعت نمی رسد، آنی که علمش به ماورا طبیعت می رسد آنی است که از راه وحی باشد، آنی است که ادراکش ادراک متصل به وحی باشد و آن انبیاء هستند.

### **بررسی تفاوت های اساسی میان حکومت اسلامی و حکومت های دیگر**

اسلام مثل حکومت های دیگر نیست، اینطور نیست که اسلام فرقی با حکومت های دیگر این است که این عادل است و آنها غیر عادل، خیر فرق ها هست یکیش همین است، فرق های زیاد بین حکومت اسلام و بین اسلام هست و مابین رژیم های دیگر، یکی از فرق هایش هم این است که حکومت اسلام و بین اسلام هست و مابین رژیم های دیگر، یکی از فرق هایش هم این است که حکومت اسلام یک حکومت عادل است. آن اوصافی که در حاکم است چیست، آن اوصافی که در پلیس است چیست، آن اوصافی که در لشگری است چیست، آن اوصافی که در مثلا سایر کارمندان دولتی است باید چه باشد، این یکی از فرق هاست، یک فرق نازلی است و بالاتر از این آن چیزهائی است که انسان را رو به معنویات می برد. اسلام آمده است که این طبیعت را بکشد طرف روحانیت، مهار کند. طبیعت را به همان معنائی که همه میگویند، آن هم می گوید اینجور نیست که به طبیعت کار نداشته باشد، تمدن را به درجه اعلاش اسلام قبول دارد و کوشش می کند برای تحققش و لهذا حکومت هائی که در اسلام بوده اند یک حکومت هائی بوده اند که همه جور تمدنی در آنها بوده است اما نظر به این نبوده است که در عین حالی که همان چیزهائی که در ممالک متمدن باشد، اسلام هم آنها را قبول دارد و کوشش هم

برایش می کند، در عین حال آنها به این نگاه می کنند و همین است، او به این نگاه می کند که بکشدهش طرف روحانیت، بکشدهش طرف توحید. از این جهت فرق است ما بین اسلام و غیر اسلام، بین حکومت اسلامی و حکومت های غیر اسلامی، بین آن چیزی که مکتب اسلام آورده با مکتب های دیگر، مکتب های دیگر یک مکتب های ناقص هست که خودشان خیال می کنند خیلی کامل است لکن حدودش تا همین دیدی است که دارند، بیشتر از این نیست. مکتب اسلام دیدش تا آخر است، طبیعت را به آن دنیا می گویند، در لسان انبیا دنیا یعنی خیلی پست، پس کلمه دنیا یعنی خیلی پست، اسفل سافلین هم که در قرآن هست همین طبیعت است و آثار طبیعت، بالاتر است اعلی علیین است، خدا می خواهد مردم را به اعلی علیین برساند از اسفل سافلین بکشاندشان تا اعلی علیین و این در غیر رژیم های انبیا جاهای دیگر اصلا مطرح نیست. چکار دارند به اینکه مردم بشوند یک مردم الهی، به ما چه ربط دارد، اینجا خلاف نظم نکنند، اینجا کاری نکنند به حکومت ما ضرر بزند، هر چه می خواهد باشد. انبیا اینطور نیستند، انبیا به شما کار دارند، توی صندوقخانه هم که هستی به تو کار دارند. هیچ کس نیست، لکن حکم خدا هست دنبال شما. آنها می خواهند یک انسانی تربیت کنند که خلوتش و جلوتش فرقی نداشته باشد، همانطوری که خیانت نمی کند در جلوت و در پیش مردم برای اینکه از مردم ملا-حظه می کند، انبیا می خواهند که انسانی درست کنند که پیش مردمش و غیاب مردمش دیگر فرقی نباشد، هر دوی آدم باشد، وقتی که آدم شد، چه در خلوت آدم است، چه در بین مردم هم آدم است. نظرشان به این معنا هست و ما میلمان این است، آرزومان این است که یک همچو مکتبی در خارج بشود، تحقق پیدا کند، میل انبیا هم همین بوده است، میل همه ما این است که ما یک حکومتی داشته باشیم، همانجور حکومت هائی که در صدر اسلام بود که عدالت بود، همه اش عدالت بود و زاد بر او آن مسألی که در قرآن کریم و در اسلام هست آنها هم باشد، همه چیز و حالا راجع به جمهوری اسلامی که اول قدم است و تا حالا، الان، اسلام، جمهوری اسلامی الان رژیم ماست، برای اینکه رأی دادند، تمام شد، رژیم رفت، دفن شد تا ابد. دفن شد و حالارژیم شما رژیم اسلامی است، در این رژیم اسلامی الان ما خیلی مسؤولیت داریم. مسؤولیت بزرگ داریم و آن حفظ آبروی اسلام است.

### **ما مکلفیم به پیاده کردن محتوای اسلام در تمامی امور**

لان ما همه مان مکلفیم حالائی که جمهوری اسلامی شد ما هم اسلامی باشیم. اگر بنا شد جمهوری اسلامی باشد اما ماها دیگر اسلامی نباشیم، حکومت اسلام نیست، این جمهوری اسلامی نمی شود. اگر بنا شد که جمهوری اسلامی باشد، پاسبان هایش اسلامی نباشند خدای نخواسته، دادگاه هایش اسلامی نباشد، وزارتخانه هایش اسلامی نباشد، این حکومت طاغوتی است به اسم اسلام، همان طاغوت است منتها اسمش را ما عوض کردیم. ما نمی خواهیم اسم عوض بشود می خواهیم محتوا درست بشود.

باید کوشش کنید محتوا درست بشود.

امروز اسلام بسته به اعمال شما است، حکومت اسلامی اگر شما خوب رفتار کردید، همه

قشرهای ایران خوب رفتار کردند یک حکومت اسلامی و یک رژیم اسلامی است، حکومتش اسلامی، ملتش اسلامی. اگر همه وزارتخانه‌ها اسلامی شد و همه ادارات اسلامی شد، ارتش اسلامی شد و شهربانی اسلامی شد و ژاندارمری اسلامی شد، آنوقت حکومت ما یک حکومت اسلامی است و اگر ماها هم که یک اشخاصی هستیم که هر کدام وارد یک کسبی هستیم، یک شغلی هستیم ماها هم روی دستور اسلام عمل کردیم یک ملت اسلامی هستیم و الافاظ است و معنا ندارد، هی من بگویم اسلام ولكن عملم برخلاف او باشد، هی حاکم بگوید اسلامی ولكن عمل برخلاف او باشد، این، نه رژیم آنوقت اسلامی می‌شود، نه ملت، ملت اسلامی می‌شود. کوشش کنید که ملت اسلامی باشد و دولت اسلامی و از خدای تبارک و تعالی من می‌خواهم این اتحاد شماها و این روحیه قوی شما محفوظ باشد تا این مراتب سیر بشود، تا این مراحل بگذرد. خداوند همه تان را حفظ کند.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 5

## بیانات امام خمینی در جمع استادان دانشگاه

## مقصد اسلام از علوم مادی، رساندن عالم طبیعت به مرتبه توحید است

بسم الله الرحمن الرحيم

فرق بین دانشگاه های غربی و دانشگاه های اسلامی باید در آن طرحی باشد که اسلام برای دانشگاه ها طرح می کند. دانشگاه های غربی به هر مرتبه ای هم که برسند، طبیعت را ادراک می کنند طبیعت را مهار نمی کنند برای معنویت. اسلام به علوم طبیعی نظر استقلالی ندارد. تمام علوم طبیعی به هر مرتبه ای که برسند باز آن چیزی که اسلام می خواهد نیست. اسلام طبیعت را مهار می کند برای واقعیت و همه را رو به وحدت و توحید می برد. تمام علوم می برید و از دانشگاه های خارجی تعریف می کنید و تعریف هم دارد، اینها یک ورق از عالم است آن هم یک ورق نازکتر از همه اوراق. عالم از مبداه خیر مطلق تا منتها الیه، یک موجودی است که حظ طبیعی اش یک موجود بسیار نازل است و جمیع علوم طبیعی در قبال علوم الهی بسیار نازل است، چنانچه تمام موجودات طبیعی در مقابل موجودات الهی بسیار نازل هستند. فرق مابین اسلام و سایر مکتب ها (نه، مکتب های توحیدی را عرض نمی کنم) بین مکتب های توحیدی که بزرگترین اسلام است و سایر مکتب ها این است که اسلام در همین طبیعت یک معنای دیگری را می خواهد، در همین طب یک معنای دیگر می خواهد، در همین هندسه یک معنای دیگری را می خواهد، در همین ستاره شناسی یک معنای دیگر می خواهد. کسی که مطالعه کند در قرآن شریف این معنی را می بیند که جمیع علوم طبیعی جنبه معنوی آن در قرآن مطرح است، نه جنبه طبیعی آن. تمام تعلقاتی که در قرآن واقع شده است و امر به تعقل، امر به اینکه محسوس را به عالم تعقل ببرید و عالم تعقل عالمی است که اصالت دارد و این طبیعت یک شبیحی است از عالم، منتها ما تا در طبیعت هستیم این شبیح را، این حظ نازل را بینیم. در حدیث است که "ان الله تعالی ما نظر الی الدنیا" یا "الی الطبیعه منذ خلقها نظر رحمه" نه اینکه این جزء رحمت نیست لکن نظر به ماورأ این عالم است، به ماورأ این طبیعت است. اینهایی که ادعا می کنند که ما عالم را شناختیم و اعیان عالم را شناختیم، اینها یک ورق نازل کوچکی از عالم را دیدند و اقناع شدند به همان. آنهایی که می گویند که ما انسان را شناختیم، اینها یک شبیحی از انسان آن هم نه انسان، شبیحی از حیوانیت انسان را شناختند و گمان کردند که انسان همین هست. آنهایی که ادعا می کنند که ما اسلام شناس هستیم، اینها هم یک چیزی از این مرتبه نازل اسلام را دیدند به همین قناعت کردند و گمان کردند که اسلام را شناختند.



انسان یک مراتبی که دارد، مرتبه طبیعتش از همه مراتبش نازل تر است منتها محسوس ماست. آن چیز چون محسوس ماست، ماها که طبیعی هستیم و الان در عالم طبیعت هستیم، این محسوس، ما را گاهی اشباع می کند. معنویت نیست الان، محسوسات هست. اسلام برای برگرداندن تمام محسوسات و تمام عالم به مرتبه توحید است. تعلیمات اسلام، تعلیمات طبیعی نیست، تعلیمات ریاضی نیست، همه را دارد، تعلیمات طب نیست، همه اینها را دارد لکن اینها مهار شده به توحید. برگرداندن همه طبیعت و همه ظل های ظلمانی به آن مقام نورانی که آخر، مقام الوهیت است. بنابراین باید این معنا که علوم (ما از آن هم تمجید می کنیم، تعریف می کنیم، همه علوم طبیعی، همه علوم مادی لکن آن خاصیتی که اسلام از اینها می خواهد، در غرب از آن خبری نیست، اگر هم باشد کم است، یک چیز نازلی است). آن معنائی که از علوم دانشگاه ها ما می خواهیم و آن معنائی که از علوم مدارس قدیمه ما می خواهیم همین معنا نیست که در سطح ظاهر الان هست و متفکرین ما همان سطح ظاهر را دارند در آن می کنند و بسیار هم ارجمند است کارهایشان، لکن آنکه اسلام میخواهد این نیست، آنکه اسلام می خواهد تمام علوم، چه علوم طبیعی باشد و چه علوم غیرطبیعی باشد آنکه از آن اسلام می خواهد، آن مقصدی که اسلام دارد این است که تمام اینها مهار شود به علوم الهی و برگشت به توحید بکند. هر علمی که جنبه الوهیت در آن باشد یعنی انسان طبیعت را که می بیند خدا را در او ببیند، ماده را که می بیند خدا را در او ببیند، سایر موجودات را که مشاهده بکند خدا را در او ببیند. آنکه اسلام برای او آمده است برای برگرداندن تمام موجودات طبیعی به الوهیت و تمام علوم طبیعی به علم الهی. و از دانشگاه ها هم این معنی مطلوب است نه اینکه خود طب را، البته طب هم باید باشد، علوم طبیعی هم همه باید باشد، معالجات بدنی هم باید باشد، لکن مهم آن مرکز ثقل است که مرکز توحید است. تمام اینها باید برگردد به آن جهت الوهیت نباید ما خیال کنیم که اسلام هم مثل، مثلاً اگر علمی در اسلام هم باشد، نظر مثل علمی است که سایر مردم دارند یا سایر رژیم ها دارند. اسلام در همه چیزش اصلش آن مقصد اعلی را خواسته، هیچ نظری به این موجودات طبیعی ندارد، الا اینکه در همان نظر، نظر به آن معنویت دارد و به آن مرتبه عالیه دارد. اگر نظر به طبیعت بکند، به عنوان اینکه طبیعت یک صورتی است از الوهیت، یک موجی است از عالم غیب. اگر نظر به انسان بکند، به عنوان این است که یک موجودی است که از او می شود یک موجود الهی درست کرد. تربیت های اسلام تربیت های الهی است، چنانچه حکومت اسلام، حکومت الهی است. فرق ما بین حکومت های دیگر با حکومت اسلام این است که آنها حکومت رامی خواهند برای اینکه غلبه کنند بعضی بر بعضی و سلطه پیدا کنند یک عده ای بر عده دیگر. اسلام این منظور نیست، اسلام از کشورگشائی ها، نمی خواهد کشورگشائی کند، اسلام می خواهد که کشورگشائی کند که همه را بکشد طرف یک عالم دیگری، همه را تربیت انسانی بکند نه اینکه استفاده از آنها بکند مثل این رژیم ها که شما ملاحظه کردید و می کنید که چه در غرب باشد و چه آنهایی که در شرق بوده است که همه نظر به این بوده است که یک سلطه ای پیدا کنند و یک استفاده های مادی بکنند. اسلام اصلش ماده در نظرش مطرح نیست. هر کس قرآن را مشاهده کند می بیند همه چیزهای ماده در آن هست لکن نه به عنوان

مادی، همه اش به عنوان یک مرتبه دیگری، تعلیم به یک مرتبه دیگری. حکومت اسلامی هم اینطوری است که می خواهد حکومت الله در عالم پیدا بشود، یعنی می خواهد سرباز مسلمان با سربازهای دیگر فرق داشته باشد، این سرباز الهی باشد. نخست وزیر مسلم با نخست وزیر سایر رژیم ها فرق داشته باشد، این یک موجود الهی باشد. هر جا یک مملکتی باشد که هر جایش ما برویم صدای الله در او باشد. اسلام این را می خواهد. اسلام از کشورگشائی می خواهد که الله را در همه عالم نمایش بدهد، تربیت الوهیت بکند در همه عالم، تربیت انسانی بکند، انسان را برساند به آنجائی که در و هم تو ناید آن شود. بنابراین ما باید فرق بگذاریم بین علمی که خودشان مستقیماً آنها را می بینند و آن علمی که اسلام آنها را طرح کرده. علوم اسلامی همه اینها هست بعلاوه، اینها همین ها هستند، آن علاوه را ندارند. فرق مابین علوم اسلامی در همه طرف، در همه جا با سایر علوم این است که یک علاوه در اسلام هست که این علاوه در آنجا نیست. آن علاوه ای که در اسلام هست، آن جنبه معنویت و روحانیت و الوهیت مساله است. و اما قضیه خواجه نصیر و امثال خواجه نصیر را شما می دانید این را که خواجه نصیر که در این دستگاه ها وارد می شد نمی رفت وزارت کند، می رفت آنها را آدم کند نمی رفت که برای اینکه در تحت نفوذ آنها باشد، خواست آنها را مهار کند تا اندازه ای که بتواند کارهایی که خواجه نصیر برای مذهب کرد، آن کارهاست که خواجه نصیر را خواجه نصیر کرد، نه طب خواجه نصیر و نه ریاضیات خواجه نصیر. آن خدمتی که به اسلام کرد خواجه نصیر که رفت در دنبال هلاکو و امثال آنها لکن نه برای اینکه وزارت بکند، نه برای اینکه یک چیزی در دست بکند، او رفت آنجا برای اینکه آنها را مهار کند و آنقدری که قدرت داشته باشد، آن خدمت بکند به عالم اسلام و خدمت به الوهیت بکند و امثال او مثل محقق ثانی، مثل مرحوم مجلسی و امثال مرحوم مجلسی که در دستگاه صفویه بود، صفویه را آخوند کرد، نه خودش را صفویه کرد. آنها را کشاند توی مدرسه و توی علم و توی دانش و اینها تا آن اندازه ای که البته توانستند. بنا علیه ما نباید مقایسه بکنیم که روحانیون یک وقتی وارد شدند، الان هم ما اگر بتوانیم، ما آنوقت هم اگر می توانستیم، اینطوری که آنها می خواستند خدمت کنند، ما هم وارد می شدیم برای اینکه مقصد این است که انسان درست بکنیم. اگر انسان بتواند که محمدرضا را انسان کند، بسیار کار خوبی است. انبیا برای همین آمده اند. پیغمبر اکرم برای خاطر اینکه این کفار مسلمان نمی شدند و اعتنا به این مسائل را نمی کردند غصه می خورد. فعلک باخع نفسک که بر آثار تو اینها توجه نکردند. در هر صورت انبیا آمدند که همه مردم را آدم کنند، علم انبیا علم آدم سازی است. قرآن هم یک کتاب آدم سازی است، نه کتاب طب است، نه کتاب فلسفه است، نه کتاب فقه است، نه کتاب عرض می کنم. سایر علوم است. هر چه در قرآن هست اگر کسی مطالعه کند درست، می بیند آن چیزی که در قرآن است آن جنبه الوهیتش است، همیشه هر چیزی طرح شده به جنبه الوهیت طرح شده است، همه چیز در آن است اما به جنبه الوهیتش. اسلام برای خدمت به خدا آمده است. انبیا خدمه خدا هستند و برای خدا آمده اند و برای توجه دادن همه موجودات اینجا و همه انسانهای اینجا به خدای تبارک و تعالی.

## نیاز به یک تبدیل معنوی در دانشگاه ها و حفظ وحدت کلمه

و من امیدوارم که دانشگاه ما یک تبدیل معنوی پیدا بکند ، یک تحول پیدا کند . همانجوری که بسیاری از چیزها در این نهضت تحول پیدا کرد و شما ملاحظه کردید که یک تحول بزرگ روحی که در ایران پیدا شد بالاتر از این فتحی بود که کردند و آن تحول روحی این بود که یک روز پاسبان می آمد توی بازار می گفت چهارم آبان است همه باید بیرق بزنید ، هیچ کس به خودش اجازه نمی داد که ، توی مغزش نمی آمد که می شود با این پاسبان مخالفت کرد . هیچ کس ، همه اطاعت ، هر جا می رفت اطاعت ، توی دانشگاه هم که می آمد اطاعت می کردند ، یک وقت بعد از یکی ، دو سال چنین شد که مردم ریختند توی خیابان و گفتند : (ما شاه نمی خواهیم) و پیروز هم شدند . این تحول روحی ، آن خوفی که از پاسبان بود متبدل شد به یک شجاعتی که از تانک نترسیدند . همان آدمی که از آن چوبی که دست پاسبان بود می ترسید ، همان آدم آمد در خیابان مشتش را گره کرد و حمله کرد به تانک ، کشته هم شد ، اما حمله کرد به تانک . این تحول ، یک تحولی بود که در نهضت پیدا شد و این یک دست الهی بود ، نه یک چیزی بود که ماها بتوانیم این کارها را بکنیم ، انسانی بتواند این کارها را بکند . اصلا این حرفها نیست ، این یک نظر الهی بود ، یک نظری بود که خدای تبارک تعالی به این ملت کرد و متحولشان کرد به یک صورتی که مثل سربازهای صدر اسلام که می گفتند که ما جنگ می کنیم کشته شویم نفع با ماست و بکشیم هم نفع با ماست ، اینها را اینجوری کرده بودند . مکرر پیش ما آمدند الان هم باز ، الان هم گاهی وقت ها شاید همین دیروز بود که اینجا می رفتیم یک کسی در گوشم گفت که دعا کنید من شهید بشوم . این تحول که مردم شهادت را برای خودشان فوز عظیم می دانستند و می آمدند توی خیابان ها به عشق اینکه شاید هم شهید بشوند این تحول اسباب این شد که این پیروزی حاصل شد و الان این تحول را باید حفظ کنیم . آن چیزی که لازم است این است که شما که در دانشگاه هستید ، شما که تماس با جوانها دارید این معنا را تذکر بدهید که این تحولی که رمز پیروزی شما بود و شما را تا اینجا رساند و این سد بزرگ شیطانی را شکستید ، این تحول و این نهضت را به این معنا که هست حفظش کنید تا اینکه بعدها بتوانیم یک دانشگاه داشته باشیم مستقل برای خودمان ، یک مدرسه علمی داشته باشیم مستقل برای خودمان ، یک ارتش داشته باشیم مستقل برای خودمان . ما هیچ چیز نداشتیم ، ما نمی توانیم ادعا کنیم ، نه شما دانشگاه داشتید ، نه ما مدرسه علمی ، همه دست آنها بود ، همه ، همه با امر آنها بود . سازمان امنیت همه را می خواست اداره بکند ، مساجد ما دست سازمان امنیت بود هر کدامش یک نفر باز نشسته را نشسته بودند آنجا که نظارت بکند . همه امور دست آنها بود . این تحول اسباب این شد که ما دست همه را انشاءالله کوتاه کردیم و می کنیم بعدها هم به شرط اینکه شما دانشگاهی ها و اساتید محترم در محل خودتان ، من که یک طلبه هستم در محل خودم آقایان که از علما هستند در محل خودشان ، همه مان دنبال این معنا باشیم که این نهضت به اینجوری که تا اینجا آمده حفظ بشود . اگر این نهضت به همین طوری یعنی با وحدت کلمه باقی بماند و گروه گروه نشویم امید پیروزی نهائی هست اما الان ملاحظه می کنید صد گروه اظهار وجود کرده اند ، صد گروه مخالف با اسلام ، ولو خودشان نفهمند ، ولو خودشان بگویند

ما این کار را برای اسلام کردیم . اگر دانشگاه از روحانیت جدا بشوند ، روحانیت از دانشگاه و هر دو از مردم جدا بشوند و احزاب متعدد و متشتت پیدا بشوند ما خوف این معنی را داریم که نهضت ما به ثمر نرسد و دانشگاه هم به آن معنی که دلتان می خواهد نرسد . ما باید دنبال این باشیم که وحدت خود را حفظ کنیم و دانشگاه و مدارس را به وحدت کلمه دعوت کنیم تا مردم با وحدت کلمه و توجه به اینکه ما همه جمهوری اسلامی می خواهیم آزاد فکر کنند . آزاد نظر بدهند و آزاد عمل کنند ، استقلال داشته باشند . من خوف این را دارم که دست هائی در کار باشد برای ایجاد این تشتت ها و گروه گروه درست کردن ها . من امیدوارم که یک مسجد و محراب مستقل داشته باشیم ، یک دانشگاه مستقل داشته باشیم و همه با عقیده بر اینکه کشور ما اسلامی است و زحمات ما از خود ماست جدیت کنیم . اگر همه با هم باشیم همانطوری که تا حالا بودیم ، پیروز هستیم . من از خداوند تبارک و تعالی توفیق همه شما را می خواهم و امیدوارم که همه ما در راهی که خداوند می خواهد قدم برداریم و همه موفق باشیم .

والسلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع پاسداران و روحانیون تربت حیدریه

### روحانیون پاسداران اسلام هستند

بسم الله الرحمن الرحيم

در این مجلس، هم پاسدارها هستند و هم علما و هم طبقات دیگر. آن چیزی که من را حالا نگران دارد و اگر عرض کنم، آقایان هم نگران خواهند شد، این است که در اینوقت که با همت همه قشرها، همه طبقات، این نهضت را به اینجا رسانده اند و دشمن را از صحنه بیرون کرده اند و دست اجانب را کوتاه کردند، حالا یک خطری بدتر از آن خطرهای متوجه ماست و آن خطر این است که از این دو طایفه یعنی طایفه روحانیون و پاسدارها (که روحانیون هم جزء پاسدارها هستند روحانیون پاسدار اسلامند دیگران هم پاسدارند بلکه همه ملت پاسدار اسلام باید بشاند کلکم راع و کلکم مسوول آن خطری که الان من را نگران کرده است و من تکرار می کنم، هر دسته ای که بیایند اینجا تکرار می کنم آن را، آن خطر این نیست که ما شکست بخوریم، شکست خوردن خطر نیست. اولیاً خدا هم بسیار ایشان در جنگها شکست می خورده اند و حتی خود پیغمبر هم گاهی شکست می خورد. حضرت امیر هم از معاویه شکست خورد. اگر ما در آن رژیم که بود و قیام کردیم و شما قیام کردید، فرض شد که ما را شکست می دادند، هیچ اشکالی در کار نبود، ما را هم می کشتند برای اسلام بود، کاری نبود.

آنکه الان موجب نگرانی است این است که از این دو قشر (مهم این دو قشر است و سایرین هم هستند که الان اسم می برم) قشر روحانیون که پاسداران اسلام و قرآن هستند، از صدر اسلام تا حالا و قشر پاسدارهای اسلامی و اضافه کنید به اینها کمیته ها، دادگاه های انقلاب اسلامی، اگر خدای نخواست اینها که در نظام اسلام الان هستند، ما مدعی هستیم که پاسدار احکام اسلام هستیم و شما هم پاسدارید از این انقلاب اسلامی و همه ملت هم باید پاسدار از اسلام باشند، الان که نظام اسلامی است و ما رژیم را رژیم جمهوری اسلامی می دانیم، رأی دادید، همه ملت رأی دادند و الان رسماً مملکت ما رژیم آن جمهوری اسلامی است، اگر از ما یا از شما یا از کمیته ها یا از دادگاه های انقلاب یک اعمالی صادر بشود که در نظر عالم این اعمال بر خلاف رویه باشد، این اسباب این می شود که آنهایی که با ما دشمن هستند و عدد آنها هم در خارج خیلی زیاد است و در داخل هم هست و مراقب این هستند که یک قدم خلافی از ماها ببینند و یکی را هزارها کنند و منعکس کنند در روزنامه های خارج، در مجلات خارج

و در داخل هم با اشارات و بگویند که نظام اسلامی هم همین است، اینها پاسدارهایش و اینها روحانیونش و اینها بازاری هایش و آنها هم سایر طبقاتش و مکتب ما را متزلزل کنند، اسلام را معرفی کنند به اینکه اینها پاسدارهای اسلامند، الان جمهوری اسلامی است و جمهوری اسلامی هم با سابق فرق نکرد، آنوقت محمدرضا پهلوی و سازمان امنیت خلافتکاری می کردند، حالا آقایان روحانیون و آقایان پاسداران و دادگاه های انقلاب و کمیته ها خلافتکاری می کنند، پس معلوم میشود که اسلام هم همین، مثل سایر رژیم ها می ماند. نمی گویند که من یک کارخلاف کردم، آقای یک کارخلاف کرده شما. می گویند که (الان رژیم اسلامی و جمهوری اسلامی است و اینها هم که می گویند ما پاسدار جمهوری اسلامی هستیم، روحانیون هم که می گویند ما از اول پاسدار اسلام بودیم و دادگاه ها هم می گویند دادگاه انقلاب اسلامی و کمیته ها هم می گویند کمیته های اسلامی، اینها همه با اسم اسلام الان این جماعات هستند و به ما بگویند که جمهوری اسلامی هم مثل رژیم شاهنشاهی است منتها آنوقت یک دسته ای آن کارها را می کردند حالا یک دسته دیگری. آنوقت آن دسته می ریختند توی خانه های مردم و کارهای خلافی می کردند، حالا هم این دسته هست. آن وقت آن دسته کاری می کردند حالا به اسم کمیته اسلامی تعدی می کنند. آنوقت محمد رضا و اتباعش این کارها را می کردند حالا روحانیون این کار را می کنند. مهره ها عوض شده، مسائل همان مسائل است.)

این خطری است که، مصیبتی است که از همه مصیبت ها بالاتر است. در کشتن حضرت سیدالشهدا هیچ اشکال نبود برای اینکه مکتب را داشتند آنها از بین می بردند و شهادت حضرت سیدالشهدا مکتب را زنده کرد. خودش شهید شد مکتب اسلام زنده شد و رژیم طاغوتی معاویه و پسرش را دفن کرد و سیدالشهدا هم چون دید اینها دارند مکتب اسلام را آلوده می کنند با اسم خلافت اسلام، خلافتکاری می کنند و ظلم می کنند و این منعکس می شود در دنیا که خلیفه رسول الله است دارد این کارها را می کند، حضرت سیدالشهدا تکلیف برای خودشان دانستند که بروند و کشته هم بشوند و محو کنند آثار معاویه و پسرش را. پس کشتن، شهادت سیدالشهدا چیزی نبود که برای اسلام ضرر داشته باشد. نفع داشت برای اسلام، اسلام را زنده کرد. اگر ما هم همه در این نهضتی که کرده بودیم، در این راهی که داشتیم می رفتیم برای مبارزه و معارضه، کشته می شدیم، آن هم اشکال نداشت برای اینکه ما هم راهمان را رفته بودیم، کشته شده بودیم در راه اسلام، اسلام در خطر نبود، اسلام زنده تر می شد، اما حالا که دست ما افتاده است، حریف را بیرون کردید و خودتان قبضه کردید مملکت خودتان را و خودتان دارید اداره می کنید و پاسدار هستید و آقایان هم پاسدار هستند، اگر در این وضع از ماها یک کار خلاف صادر بشود، خدای نخواستار روحانیون در بلاد اختلافی با هم بکنند، معارضه با هم بکنند، پاسدارها با هم اختلاف بکنند، به هم تفنگ بکشند، کمیته ها خلاف بکنند، دادگاه ها درست رسیدگی نکنند، امروز نمی گویند که اگر یک آقای کاری بکند، بگویند ساواکی است، امروز می گویند روحانی است و روحانیون این هستند، دیکتاتوری عمامه و کفش است. و مکتب ما آلوده می شود نه خودمان، خودمان مهم نیست، مکتبمان آلوده می شود. منعکس می کنند این اشخاصی که با کمال دقت کارهای ما را

تحت نظر دارند و با ما هم دشمنند و با اسلام هم دشمنند . نمی گویند که فلان آدم یک کار خلافی کرد ، می گویند رژیم هم الان اسلامی شده و الان هم اینها همه مدعی اند که ما پاسدار اسلام هستیم و ما نگهبان اسلام هستیم و روحانیون هم میگویند ما نگهدار اسلام هستیم و این است وضعشان ، پس معلوم شد که اسلام اینطوری است . اینطور منعکس می کنند که این اسلام این است و این آخوندها دروغ می گفتند که اسلام مکتب مترقی است . این است ، این خطر ، خطر بزرگی است برای ما و این خطر را باید از آن جلوگیری کنیم . چطور جلوگیری کنیم ؟ روحانی به وظیفه روحانیتش ، به وظیفه ای که اسلام برای روحانی تعیین کرده عمل کند ، پاسدار اسلام به وظیفه پاسداریش عمل بکند ، پاسدار انقلاب است ، نه مخل به انقلاب معارض با انقلاب . اگر ما یک خلافی بکنیم ، روحانی نیستیم ، یک اشخاص شیطانی هستیم که صورت روحانیت به خودمان ، لباس روحانیت پوشیدیم . اگر شما پاسدارها که قدرت الان دست تان است یک کاری بکنید که بر خلاف وظیفه پاسداری است ، شما پاسدار اسلام و انقلاب نیستید ، شما پاسدار هوای نفس خودتان هستید ، به هوای نفستان عمل می کنید ، به الهام شیطان عمل می کنید . اگر بازاری در جمهوری اسلامی همان بازاری باشد که در رژیم طاغوتی بود نباید ادعا کند که بازار اسلامی است ، نه بازار طاغوت است . آن اجحافات زیادی که الان دارد به این مستمندان می شود ، این رباخواری که الان رواج دارد ، این هروئین فروشی و نمی دانم زهر مارفروشی که الان رواج دارد اینها رابه عهده بازار اسلام حساب می کنند ، به عهده جمهوری اسلامی حساب می کنند ، مکتب ما شکست می خورد ، اسلام شکست می خورد ، اسلام دفن می شود و دیگر کسی نمی تواند بیرونش بیاورد . برادرهای روحانی من ! برادرهای پاسدار من ! دریابید اسلام را ، اختلافات را کنار بگذارید ، با هم برادر باشید ، همه با هم دست به هم بدهید و اسلام را نجات بدهید ، خطر است امروز . حالا که ما آزاد شدیم ، هر کاری دلمان می خواهد بکنیم ؟! اسلام یک همچو آزادی نمی دهد به کسی . حالا که ما از زیر بار ظلم رژیم سابق بیرون آمدیم خودمان ظلم بکنیم ؟! خوب ، پس ما فرقی با آنها چه هست ؟ شما همه لباس پاسداری دارید ، آقایان لباس روحانیت دارند ، مسؤولیت زیاد است برای آنها . امروز روزی است که مسؤولیت برای همه ما ، برای همه طبقات ، برای همه مسلمان ها ، مسؤولیت امروز زیاد است در ایران . رژیم سابق نیست که گردن من و شما نگذارند بگویند ظالم ها دارند این کارها را می کنند ، رژیم اسلامی است اگر از دولت اسلامی خلاف صادر بشود ، اسلام را لکه دار می کنند ، اگر از روحانی در این زمان یک خلاف صادر بشود مکتب را متزلزل می کنند ، اگر از پاسدارهای ما خدای نخواستہ یک خلافی صادر بشود ، همان کارهایی که در رژیم سابق می شد حالا با این اسم بشود ، مکتب ما متزلزل می شود ، اگر کمیته های ما یک خلافی بکنند ، اگر دادگاه های ما ، این دادگاه ها را ، دادگاه های طاغوتی که نیست دادگاه های اسلامی است ، از دادگاه های اسلامی توقع این دارند که احکام اسلام جاری بشود و همین طور از همه ما . این مساله جزء مصیبت هایی است که من الان برایش ناراحتم و شما هم ناراحت باید بشوید و علاجش به این است که هر یک ما به وظیفه ای که خدا برای او معین کرده عمل کنیم ، روحانیون عمل کنند به وظایفی که اسلام برایشان تعیین کرده .

## الزام قرآن کریم بر اعتصام بحبل الله و دوری از اختلاف و تفرقه

قرآن کریم فرموده است: **واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا** این یک دستور است، دستور الزامی است، امر است، مشتمل بر یک امر است و یک نهی. مجتمع باشید با هم، به اسلام تمسک بکنید، همه با هم به اسلام تمسک بکنید، تفرقه بینتان نباشد، اینطور نباشد که ملت ها، آنهایی که ناظر ما هستند، آنهایی که دشمن ما هستند و نظارت به ما می کنند بگویند که در هر شهری آن شلوغکار، عبارت از معممین آن است. این برای ما سر شکستگی دارد عرض بکنم خلاف ما برای امام زمان سرشکستگی دارد، دفاتر را وقتی بردند خدمت ایشان و ایشان دید شیعه های او (خوب، ما شیعه او هستیم) شیعه او دارد این کار را می کند، این ملائکه الله که بردند پیش او دید، سرشکته می شود امام زمان. بیدار بشوید که مساله خطرناک است و خطر هم خطر شخص نیست، خطر ملت نیست، خطر اسلام است. انشاءالله خداوند همه شما را موفق کند به وظایف عمل بکنید، همه مان را خداوند موفق کند به وظائف اسلامی، وظایف روحانی، به وظایف پاسداری به این وظایف عمل بکنیم و انشاءالله این نهضت را به پیش ببرید و مملکت مال خودتان باشد و مملکت یک مملکت اسلامی بشود.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



## بیانات امام خمینی در جمع کارکنان اداره بهداری و بهزیستی آذربایجان شرقی

### بروز یک تحول روحی همه جانبه به برکت نهضت اسلامی و عنایت الهی

بسم الله الرحمن الرحيم

از برکات این نهضت یکی این است که ما با آقایان محترمی که دور از مراکز علمند ، در مراکز دیگرند ، از نزدیک آنها می شویم و مطالبی اگر دارند و داریم به هم می رسانیم و اگر درد دلی هم داریم ذکر می کنیم بلکه شما که مأمور بهداری و بهزیستی هستید معالجه کنید .

یکی از برکات این نهضت قضیه تحول روحی در جامعه ما هست ، که من مکرر این را گفته ام که این تحول روحی که در ایران پیدا شده است و این نهضت توانست این تحول روحی را ایجاد کند به خواست خدای تبارک و تعالی ، از این پیروزی که نصیب ما شده است و دست اجانب را کوتاه کردیم و دست خیانتکارها را ، اهمیتش بیشتر است . این تحولات روحی به این زودی برای یک شخص هم حاصل نمی شود تا برسد به گروه ها ، تا برسد به سرتاسر یک کشور . شما ملاحظه می کنید که چند جور تحول ، تحولات روحی پیدا شد در این جمعیت ها . یکی که من کرازا گفتم و باز هم تکرار می کنم این تحولی که از خوف و ترس به شجاعت متحول شدند . شما ملاحظه کردید ، دیگر اینها همه یادتان هست که یک پاسبان اگر می آمد در بازارها ، بازار تهران ، بازار تبریز و می گفت که چهارم ابان است و باید بیرق بزیند سردکان ها ، توی ذهن مردم اصلا نمی آمد که می شود هم با پاسبان معارضه کرد و گفت نه ، همه اطاعت می کردند روی اینکه خوب ، دنبالش خوف اینکه حبس باشد ، زجر باشد ، شکنجه باشد ، بود . در ظرف کمتر از دو سال آخر این انقلاب ، در ظرف کمتر از دو سال همین جمعیت ها یک تحولی درشان پیدا شد که ایستادند در مقابل توپ و تانک و مسلسل و گفتند ما اصلا رژیم نمی خواهیم . آن که به خودش جرأت نمی داد که بگوید من امشب این کار را نمی کنم و بیرق نمی زنم ، این جرات را پیدا کرد که مشتش را گره کند و جلو برود ، بریزند توی خیابان ها و فریاد بزنند که مرگ بر این سلطنت کذا . این تحول آسانی نیست . بله ، یک نفر ، دو نفر ، ده نفر ، یک همچو تحولی پیدا بکنند ، خوب می شود اما یک ملتی اینطور بود ، همانطوری که در آذربایجان بود ، در مشهد بود ، در تهران بود ، در شیراز بود ، در دهات بود ، در قصبات بود . اختصاص به یک محیطی نداشت سرتاسر کشور یکدفعه متحول شد و این نبود جز اینکه یک عنایت خاصی از طرف خدای تبارک و تعالی به این ملت شد ، یک نظر معنوی خدای تبارک و تعالی بر این ملت انداخت و ملت را فوق النظر متحول کرد کانه یک چیزی دیگر شدند .

جمعیت ها سرتاسر کشور یک چیز دیگری شدند، یک چیزی بودند یک چیز دیگر شدند، متحول شدند یک جمعیتی به یک جمعیت دیگر. و باز جزء تحولات این تحول حس اعانت بود که مردمی که از هم جدا بودند و کاری به هم نداشتند و اینها، یک وقت ما دیدیم که وقتی جمعیت راه می افتد، از اطراف به اینها اعانت می کنند، زن و مرد خانه این خیابان هائی که هست و خانه هائی که در خیابان هست (آنطور که به مانقل می کردند) مکرر اینها آب می آوردند، چه می کردند و به مردم اعانت می کردند در این کاری که داشتند. یک دسته تظاهر می کردند یک دسته هم اعانت به این اشخاصی که تظاهر می کردند.

یک قصه ای که در نظر من خیلی جالب است این بود که یکی از اشخاص به من گفت، گفت من در خیابان تهران دیدم که در این تظاهرات یک زنی یک کاسه ای دستش هست و اینطور ایستاده و تویش هم پول هست، من فکر کردم که خوب این حالا فقیر هست و پولی می خواهد، پیرزن هم بود گفت وقتی که نزدیک شدم و از استفسار کردم، گفت که امروز تعطیل است، اینجا هم مرکز تلفن است، من این را نگه داشته ام که هر که بخواهد تلفن کند این پول را بردارد و بندازد آنجا و تلفن کند. این یک قضیه کوچک جزئی است اما معنایش زیاد است. این جزو همان تحول هائی است که پیدا شد. یا کسی باز نقل می کرد که اگر یک ساندویچی را به یک نفر تعارف می کردند در این اجتماعات (ایشان گفت من خودم دیدم) این تکه تکه می کرد، لقمه لقمه می به این و آن می داد تا آخر. اینها یک مسائلی است که به نظر اولی کوچک می آید لکن اینها بزرگ است. یک تحول بوده این، این حس اعانت که تعاون مردم از هم داشتند این یک مساله عادی نیست باز یک مساله الهی است که اشخاصی که آنوقت ارتباط به هم نداشتند، کاری نداشتند، اینها هم همچو مرتبط به هم شدند و همچو جوش پیدا کردند که شدند یک خانواده کانه مردم یک خانواده بودند این خانواده هم از هیچ چیز نمی ترسید. گفت شخصی که یک بچه ده دوازده ساله ای در این مبارزات سوار موتورسیکلت ظاهرا (یا دوچرخه یا موتور سیکلت) این همان طور رفت طرف تانکی که داشت می آمد حمله کرد این بچه و بچه هم زیر تانک خرد شد از بین رفت. اما اینطور شده بود. این تحول یک تحول الهی بود و یک دست غیبی مردم را اینطور متحول کرد و تا این نحو تحول نبود این پیروزی نبود. یک ملتی که دست خالی بود، هیچ نداشت (حالا چهار تا تفنگ پیدا شده است کی آنوقت این حرف ها بود) دست خالی، آنها همه مسلح و همه تانک و توپ و مسلسل دار و اینها هیچ نداشتند جز اینکه یک فریاد لاله لاله -الله و الله اکبر و یک مشت پرو یک ایمان قوی. این ایمان بود که این مردم را به این پیروزی رساند که همه حساب ها فاسد از کار در آمد. حساب اینکه دست خالی نمی شود غلبه کرد بر این سلاح ها مدرن، این حساب ها خلاف در آمد چون آن ها حساب معنویات را نمی کردند حساب مادیات را می کردند. معنویت غلبه کرد بر مادیت، خدا غلبه کرد بر شیطان و غلبه دارد بر شیطان.

## لزوم حفظ یکپارچگی و قدردانی از نعمت های خدا برای تثبیت پیروزی

این تحول یک نعمت بزرگی است که اگر ما نگهش داریم این نعمت خدا را، برای ما همه چیز هست. اول بفهمیم که نعمتی بوده خدا داده است ما خودمان ضعیف بودیم و خداوند ما را تقویت کرد و قوتی داد که همه قدرت های خارجی را شکست دادید. اینهایی که از خارج می آیند، از آمریکا می آیند، از جاهای دیگر می آیند می گویند که ایرانی ها نمی دانند چه کردند، خارج می دانند چه خبر است، آنها می فهمند که چه شده است، خود ایرانی ها توجه ندارند، داخل معرکه هستند نمی دانند چه شده است. تمام دول پشتیبان محمدرضا بودند، نه دولت آمریکا و شوروی و ابرقدرت ها، خیر، همین دولت های پائین تر، همین دولت های اسلامی همه طرفدار بودند و با همه طرفداری هائی که کردند و با همه قدرت هائی که خود این هم داشت نتوانستند این را نگهش دارند. ملت با دست خالی شکست داد هم قدرت محمدرضا را و هم آنهایی را که پشتیبان او بودند. این یک مساله ای نیست که ما بتوانیم روی موازین طبیعی حلش کنیم این دلیل بر این است که یک مبدأ فوق این مبادی هست، این دلیل بر این است که خدا هست. اگر این را حفظش نکنید همه چیز دارید، اگر این انسجامی که ملت پیدا کرد و گروه ها، متفرقات به هم مجتمع شدند، همه با هم شدند، آنهایی که دور از هم بودند به هم نزدیک شدند و آن ایمانی که قلب ها مملو از ایمان و همه داد می زدند جمهوری اسلامی، اگر این را ما نگهش داریم، این نعمت را قدرش را بدانیم، نگهش داریم یک ملت پیروزی هستیم که دیگر نمی توانند این ریشه های فاسد کاری انجام بدهند. لکن مهم همین است که نگهش داریم. مهم این است که ما آن وحدتی که داشتیم حفظش کنیم، حالائی که رسیدیم به یک مرتبه ای از پیروزی و دشمن ها را بیرون کردیم، حالا خیال نکنیم که تمام شد قضیه و برگردیم سراغ اینکه من خانه ندارم، کسب من حالا چطوری است. شما دیدید آن روزی که توی خیابان ها می ریختند (همه تان بودید لابد) توی خیابان ها می ریختند و فریاد (الله اکبر) رابلند میکردید، هیچ فکر این بودید که کسب شما امروز چه جوری است؟ شما کسب ها را کرده بودید شما پنج ماه، شش ماه بیشتر کسب ها را کرده بودید. یک همچو موجودی خدا ساخت. آئی که حاضر نبود یک روز دکانش را رها بکند شش ماه رها کرد. نه شش ماه رها کرد و نگران بود، شش ماه رها کرد و عاشقانه رها کرد. این را یک چیز آسانی حساب می کنید؟ اینها یک نعمت هائی است که، عنایاتی است که خدای تبارک و تعالی بر شما کرد و این عنایت را، این رحمت را دو دستی بگیرید نگهش دارید، حفظش کنید. همه با هم برادر، همه فداکار هم باشید و فداکار اسلام باشید. اگر این روحیه محفوظ بماند، این شجاعت محفوظ بماند و شما آذربایجانی ها مرکز شجاعتید، اگر این شجاعت محفوظ بماند و این توجه به خدا محفوظ بماند و این وحدت کلمه محفوظ بماند دیگر کسی نمی تواند، هیچ قدرتی نمی تواند شما را عقب بزند و هیچ کس نمی تواند همه دارائی شما را بگیرد و بخورد و ببرد و خیانت به شما بکند. نه دولتی دیگر می تواند که خلاف بکند و نه ارتشی می تواند به شما تحمیل بشود و نه ژاندارمری می تواند تحمیل بشود و نه هیچ چیز، خودتان هستید و استقلال، آنها هم از شما هستند، آنها هم قوای شما هستند.

وحدت کلمه و اسلامی بودن یک مملکت این است که از آن رئیس جمهورش که آن بالا هست به حسب اعتبار تا آن کسی که آن پائین هاست اینها یک جور باشند، نه این از او بترسد نه او توقع داشته باشد که این از او بترسد، اسلام اینطوری است.

حضرت امیر سلام الله علیه که خلیفه مسلمین بود، خلیفه یک مملکتی که شاید ده مقابل مملکت ایران بود از حجاز تا مصر، آفریقا، کذا، کذا، یک مقدار هم از اروپا، این خلیفه الهی وقتی توی جمعیت بود مثل همه ما که نشسته ایم با هم، این هم زیر پایش نبود، همین بود که یک پوست داشتند به حسب نقل. یک پوست داشتند که شب خودش و حضرت فاطمه رویش می خوابیدند و روز روی همین پوست علفه شترش را می ریخت، پیغمبر هم همین شیوه را داشت. اسلام این است، آن که ما می خواهیم این است. البته هیچ کسی قدرت ندارد مثل او باشد اما ما می خواهیم یک خرده نزدیک، یک بوئی از اسلام بیاید در ایران ما می خواهیم اینطور بشود که وقتی رئیس یک مملکتی، فرض کنید رئیس جمهور، نخست وزیرش توی جمعیت می آید همچو امتیازی نباشد که مردم کنار بروند، آی آه واه بشود. زمان رژیم سابق اگر می خواست این شخص از یک خیابانی عبور کند، سازمان امنیت و مأمورها قبل از اینکه بیاید، دوز، سه روز قبل این جاها را همه را تحت نظر می گرفتند، خانه ها را این خانه ها را خالی می کردند از مردم تحت نظر میگرفتند که ایشان می خواهد یک عبوری از اینجا بکند. چرا؟ برای اینکه خودش خائن بود و خائن می ترسد. خیانت به مملکت کرده بود و خائن خائف است، از خودش می ترسد، میترسد بکشندش. اما مالک اشتر هم اینطور بود؟ توی مردم بودند، حضرت امیر تو مردم بود، با مردم بود. پیغمبر اکرم توی مسجد به حسب نقل وقتی نشسته بودند با اصحابشان یک عربی که از خارج می آمد نمی شناخت اینها کدام یکی پیغمبرند، کدام یکی دیگران هستند. می پرسید که: کدام یکی تان هستید؟ پیغمبر کدام ها هستید؟ وضع اینطور بود که دور می نشستند، یک صدی یک ذیلی نبود دور هم می نشستند، وقتی یک کسی می آمد، خوب اینها که دور هم نشسته اند کدام یکی شان هستند. وضع حکومت اسلام این است ارتش اسلام اینطور نبوده است که وقتی بیاید مردم از خوف فرار کنند از دست آنها، پشت بکنند به آنها. رژیم های طاغوتی ارتششان برای این است که مردم را اول سرکوب کنند. ارتش ایران هیچ وقت برای این نبوده است که بروند دشمنان را سرکوب کنند این ارتش ها برای سرکوب کردن شماهاست. شما هم شاید بسیاری تان یادتان باشد که متفقین وقتی که آمدند در سرحدات، زمان رضاخان شاید بعضی تان یادتان باشد وقتی که آمدند در سرحدات به مجرد اینکه اینها حمله کردند، آنها فرار کردند سرحد، این را دیگر من خودم شاهد بودم سرحد را ما شاهد نبودیم اما سرحد حمله کردند تهران خالی شد. تمام صاحب منصبان از تهران رفتند طرف اصفهان، چمدانشان را پر کردند و فرار کردند. رضا خان گفته بود آخر این ارتش و این بساط چطور سه ساعت طول کشید. گفته بودند سه ساعت طول نکشید آنها آمدند و ما رفتیم. ما برای اینکه اظهار قدرت بکنیم می گوئیم سه ساعت، کی سه ساعت طول کشید؟ مساله اینطور بود. در سرحد اینطور شد. من تهران بودم در سرحد

این قضیه واقع شده بود ، سربازها در تهران از سربازخانه ها بیرون ریخته بودند و فرار کردند ، تو خیابان ها راه می رفتند ، فرار می کردند . به هم ریخت ، آنها در سرحدات آمدند ، تهران به هم ریخت . فرار کردند صاحب منصب های ارشد ، ارتشبد ها و نمی دانم فرض کنید که سپهبد ها ، چمدان ها را برداشتند و سوار اتوبوس شدند رفتند طرف اصفهان که از یک طرفی که مثلا پناهگاه پیدا کنند . ارتش برای این نبود که مقابل یک قدرت خارجی باشد ارتش برای این بود که ماها را سرکوب کنند تا دیگران بیایند بخورند ما نتوانیم حرف بزنیم ، برای این بود . یک همچو ارتشی نمی تواند مقاومت کند در مقابل یک قدرتی ، بلکه نتوانست مقابله کند در مقابل شماها . البته پیوند هم شدند به ما ، آنهایی که روح انسانی شان باقی بود متصل شدند به ملت آن هم برای اینکه می دیدند که حق با اینهاست . آنها را هم چاییده بودند ، آنها را هم خود آنها چاییده بوند . شاید از حقوق آنها هم باز در بار یک چیزی می برد . می گویند از پاسبان ها هم می بردند . من اطلاعی ندارم . اسلام اگر خدا بخواهد انشاءالله با خواست خدا در خارج تحقق پیدا کند ولو به یک وجود کوچکی نازلی ، غیر از این مسائل است که اینها خیال می کنند ، غیر از این مطالبی است که مردم خیال می کنند و اینهایی که خیال می کنند که ما اسلام را می فهمیم ، غیر از این مسائل است . اگر اسلام پیدا بشود ، اسلام آن است که همان روزی که بیعت کردند با حضرت امیر سلام الله علیه ، همان روز (در تاریخ هست ) که بیعت کردند ، بیعتی که طول و عرض مملکتش آنقدر بود که عرض کردم ، بیعت تمام شد بیل و کلنگش را برداشت رفت یک چشمه ای بود که مشغول بود برای کندنش ، رفت آنجا برای سر کارش ، کارگر بود . حالا چشمه در آمد می گویند که چشمه هم وقتی که کلنگ آخر را زدند مثل گردن شتر آب بیرون آمد . یک کسی گفت خوب است ، گفت که این ورثه را چیز بده . بعد آن را وقفش کرد . یک همچو سردارهایی اسلام داشته است . یک همچو لشگری اسلام داشته که جنگ وقتی که می کردند (تاریخ هست این ) گرسنه بودند ، این جهازات جنگی در کار نبود ، هر چند نفرشان یک دانه شمشیر و هر چند نفرشان یک دانه شتر داشتند این حرف ها نبود که خیال کنید که حالا ساز و برگ چیز . یک دانه خرماگیر این می آمد می گذارد دهانش ، همان شیرینی اش که به دهانش می رسید در می آورد می داد به رفیقش آن بگذارد دهانش ، می داد رفیقش آن می داد رفیقش تا آن آخر . اینطور اسلام را اینها نگه داشتند و حالا ما باید نگه داریم این اسلام را اسلام خیلی عزیز است .

### **هدف اصلی از جهاد در اسلام ، انسان سازی است**

اسلام خیلی فدائی داده است . پیغمبر اسلام برای اسلام خیلی زحمت کشیده ، تمام عمرش در زحمت بوده ، تمام عمرش آنوقتی که در مکه بود زحمتش یک طور بود با آن رنجی و تعبی که بود و مدت ها در حبس ، یعنی بیرون بود و نمی توانست اصلا خودش را نشان بدهد . آنوقت هم که مدینه آمدند این جنگ های زیادی که با مشرکین واقع شد و با خائن ها و با گردن کلفت ها و با ثروتمندها تا اینها را بخواهند خاضع کنند برای اسلام . بسته بودند چند نفر را داشتند می آوردند ، اسیر کرده بودند ، فرمود ببین ما با زنجیر اینها را بهشت می بریم . جنگ هایشان برای این بود که مردم را آدم کنند ، نه این بود که

مملکت بگیرند . مملکت گیری چیز اسلام نیست . ممالک را فتح می کردند برای این بود که قلوب اینها فتح بشود ، نه برای این بود که یک مملکت زیادی درست کنند مالیات زیاد بشود ، برای این بود که اینها را آدم کنند انسان کنند . اسلام خیلی عزیز است و اسلام خیلی فدائی داده . اسلام امام حسین (علیه السلام) را فدائی داده این را باید نگاهش داشت . الان نوبت ماست . الان اسلام به دست ما افتاده . الان جمهوری اسلامی است ، طاغوتی در کار نیست . ما باید فکر این باشیم که این اسلام را حفظ کنیم ، نگه داریم . ما باید از این اختلافاتی که تازگی دارد هی پیدا می شود و دامن به آن می زنند ، آنهایی که می خواهند نگذارند این اسلام تحقق پیدا کند به آن دامن می زنند ، به اختلافات دامن میزنند ما باید این اختلافات را کوشش کنیم که از بین برود و این وحدت کلمه ای که نعمت خدا ، نعمت بزرگ خدا بود به ما داد محفوظ بماند تا اینکه این بار را انشاءالله با سلامت ، سعادت به منزل برسانیم . خداوند انشاءالله همه شما را تائید کند . موفق باشید . خداوند همه شما را سعادت مند کند . مملکت مال خودتان باشد خودتان زحمت بکشید برای خودتان نه اینکه شماها زحمت بکشید و دیگران ببرند و بچاپند .

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## فرمان امام خمینی به ثقة الاسلام جعفری ورامینی

بسمه تعالی

جناب مستطاب سیدالاعلام و ثقة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید محمد جعفری ورامینی دامت افاضاته

با توجه به وضع موجود زندان قصر لازم است جنابعالی مجدداً به تهران مراجعت نموده و از نزدیک وضع زندانیان را بررسی کنید و نسبت به امور رفاهی ایشان همانند گذشته سعی و کوشش نمائید و در تسریع رسیدگی به اتهامات ایشان با قضات و بازپرسان محترم همکاری های لازمه را بنمائید . از خدای تعالی موفقیت همگان را خواستارم .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 21

## بیانات امام خمینی در جمع مسؤولین و کارکنان مجله خواندنیها

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمتی که مجله‌ها و روزنامه‌ها و سایر رسانه‌های این مملکت می‌توانند به کشور خودشان و به اسلام بکنند این است که وضع این مجله‌ها را تغییر بدهند. این مجله‌ها در زمان رژیم سابق یک وضعی داشت از حیث مطالب، از حیث عکسها و از این جهات، اگر شما بخواهید خدمتی بکنید به کشور خودتان، خدمتی بکنید به اسلام، باید از چیزهایی که انحراف می‌آورد، اینکه در مجله‌ها این عکس شهوانی مبتذل و آن مقالات منحرف کننده بود، شما خیال نکنید که این همین طور واقع شده بود، این هم یک راه حساب شده‌ای بود که جوان‌های ما را به انحراف بکشاند. جوانهای ما را از طریق‌های مختلف اینها می‌خواستند محتوایشان را از آنچه هستند خالی کنند یک چیز دیگرشان کنند. یک وقت از راه مواد مخدره، خوب این یک راه بود. مواد مخدر الان هم رایج است. یک راه از باب مراکز فساد که می‌دانید که چقدر مراکز فساد درست کردند و جوانهای ما را به آن مراکز کشاندند و از آنی که باید یک جوان بشود، که استفاده از او بشود برای اسلام، استفاده بشود برای کشور خودش، اینها را از آن استفاده انداختند، یک آدم همین جوری بار آوردند. کسانی که در مراکز فحشا می‌روند اینها دیگر نمی‌توانند نه فکرشان یک فکر صحیح باشد، نه عملشان یک عمل صحیح و اینها می‌خواهند همین معنا را که جوانهای ما را کاری با آنها بیاورند که محتوای خودشان را بگیرند به جای آن یک چیز دیگری تزریق کنند و یکی از چیزهای مهم هم از قضیه مطبوعات و سینماها و تئاترها، رادیوها، و اینها بود، تمام اینها روی یک نقشه حساب شده برای این بود که این کشور را از آدم خالی کنند، از یک انسانی که بتواند در مقابل کسانی که به کشورش می‌خواهند خیانت بکنند، به اسلام می‌خواهند تجاوز بکنند بتواند در مقابل بایستد. این بساطی که اینها درست کرده‌اند و به آن دامن زده‌اند و زیاده‌تر از همه در همین زمان‌های نزدیک به ما، در این پنجاه سال و این سالهای اخیرش دیگر بیشتر، برای این بود که جوانهای ما را از صحنه خارج کنند. از صحنه تفکر، از صحنه سیاست خارج کنند، به چه خارج کنند؟ این رشته طولانی قضیه مواد مخدر است که شما خیال می‌کنید که این قاچاقچی‌ها همان یک کاسب‌هایی هستند قاچاقچی بی حساب مسأله، من احتمال می‌دهم که این هم جزء همان حساب‌هایی است که آنها می‌کنند. آنهایی که می‌خواهند شما را بچاپند، آنهایی که نمی‌خواهند ایران به پای خودش بایستد (هر کشوری با جوانهایش به پای خودش می‌ایستد) از یک راه جوانهای ما را عادی کردند به



این مخدرات که دیگر یک کسی که عادی به هروئین شد دیگر آدم اسمش را نمی شود گذاشت ، یک موجودی است که آنجا نفس می کشد ، این نمی تواند مبدأ یک کاری بشود ، نمی تواند یک اداره ای را اداره کند ، نمی تواند تفکر بکند در اموری که مملکتش احتیاج به او دارد و همین طور مراکز فحشا که درست کردند ، هر جا می رفتی یک مرکز فحشا بود که جمع می شدند در آن این اشخاصی که عادی شدند به این ، جوان است ، جوان وقتی عادی شد به این مراکز فحشا همه چیزش می شود آن فحشا ، آن دیگر نمی تواند تفکر کند که مملکتش دارد چه میشود ، نمی تواند تفکر کند که کی دارد مملکت را اداره میکند چه جوری دارد اداره می کند ، کاری به این کار ندارد . او فقط دنبال این است که ببیند که آن مرکز بهتر ارضاً می کند او را یا آن مرکز دیگر . دنبال همین است . یک عده کثیری از جوان های ما را هم کشیدند در این مراکز . سینماهای آن زمان هم همین بود حالایش را من نمی دانم ، سینماها آن زمان هم همین بود که کسانی که عادی شده بودند بروند سینما ، اینها دیگر نمی توانستند فکر کنند ، بنشینند فکر کنند که کشورشان به چه احتیاج دارد ، کی دارد کلاه سرشان می گذارد . اصلاً \_ فکر \_ همچو فکری در آنها نمی آید ، چنان خیالی منعکس نمی شود ، هر چه در ذهنش می آید آن پرده سینما و آن بساطی که آنجا هست . سینمایی که باید معلم این جوان ها باشد ، مربی این جوانها باشد ، اصلاح کند اینها را ، جوری درستش کردند که به فساد می کشاند آنها را .

آنهايي که ، عقلاني که اينها را درست کردند اگر براي ماها درست کرده باشند روي همان عقل خودشان براي مهار ما براي اين است که جوانهاي ما را از دستمان بگيرند و اما براي خودشان اگر درست کرده باشند ممکن است که یک اغراض صحيحی هم داشته باشند لکن مطبوعات ، سينما ، تلویزیون ، راديو ، مجله ها ، همه اينها براي خدمت به یک کشور است ، اينها بايد در خدمت باشند ، نه اينکه هر کس پا شود و یک مجله ای درست کند و هر چه دلش بخواهد در آن باشد و هر عکسی بهتر مشتری داشته باشد توی آن بیندازد . عکس مهیج ، عکس های مهوع در آن بیندازد که مشتری هایش زیاد بشود آنوقت اسمش مطبوعات است و عرض می کنم صاحب قلم است و آزادی هم می خواهد!! بايد دید تو چه می کنی ، چه خدمتی داری به این مملکت می کنی ، با قلمت داری چه می کنی ؟ با قلمت بچه های ما را داری به باد فنا می دهی یا تربیت می کنی ؟ مطبوعاتی که در زمان این پدر و پسر بود حساب شده ، نه همین طوری ، حساب شده اينها به خدمت خارجی ها بودند ، به خدمت اجانب بودند ، ولو خودش نمی فهمید ، ولو خودش هم نمی فهمید لکن با حساب درست کرده بودند اینطور که این مجله بايد حتما در آن یک صورت های کذایی باشد ، یک چیزهائی باشد که اعوجاج بیاورد که بچه ها و جوانهای ما وقتی عادت کردند به این مجله ديگر نروند سراغ یک فکر ديگری ، همه اش فکر روي این نقشه ها باشد و روي این صورت ها باشد ، روي این بساط ، یا اگر جوان های ما رفتند در سينما و عادت کردند به این ، ديگر نروند سراغ یک فکر ديگری ، فکر ديگر را از آنها بگيرند . تا حالا اینجور بوده ، حالا از این به بعد هم می خواهد اینجور باشد؟ اگر از این به بعد هم می خواهد اینجور باشد ، ما از جمهوری اسلامی ، لفظ جمهوری دستمان آمده باقی همان طاغوت ، همان است . اگر بيدار شدند این

جوانهای ما، این نویسنده های ما، این گوینده های ما، این متفکرین ما، اگر بیدار شدند، حالا باید همه چیز فرمش تغییر بکند. مجله باید در خدمت کشور باشد، خدمت به کشور این است که تربیت کند، جوان تربیت کند، انسان درست کند، انسان برومند درست کند، انسان متفکر درست کند تا برای مملکت مفید باشد. مجله باید وقتی کسی بخواند، ببیند، اگر عکس دارد، عکسی باشد که تهییج کند برای اینکه مقابله با دیگران بکند. اگر مطلبی دارد، مطلبی باشد که بسیج کند این را برای حفظ استقلال خودش، برای حفظ آزادی خودش، برای حفظ مملکت خودش. اگر مجله، این مجله است، مجله اسلامی است و مجله جمهوری اسلامی. اگر مجله همان مسائل سابق است منتها حالا یک خرده تخفیفش داده اند لکن باز هست، اگر آن باشد نباید اسمش را مجله جمهوری اسلامی گذاشت، باید اسمش را مجله طاغوتی گذاشت که در آنجائی که گفته می شود ما جمهوری اسلام هستیم پیاده می شود و سایر چیزها هم همین طور. ملت ایران، ملت مسلم ایران اسم را نمی خواستند عوض بشود، محتوای همان یا بدتر، می خواستند که عوض بشود این مملکت، یک مملکتی که همه چیزش از بین رفته بود به هلاکت کشیده بود، به نابودی رفته بود، این برگردد به حال خودش و مهمش انسان هاست. یک کشور اگر انسان هایش، آدم هایش صحیح باشد، کشور است، اگر آدم هایش آدم صحیح نباشد، کشور نمی تواند صحیح باشد. تمام این خیانت هائی که به این مملکت ما شده برای اینکه ما آدم نداشتیم، اگر ما آدم داشتیم نمی شد این خیانت ها، مملکت ما را از آدم خالی کردند.

دیشب آقای بازرگان می گفت خوب ما هر چه می گردیم پیدا می کنیم، درست هم می گوید. برای پنجاه سال کوشش شد که نگذارند آدم پیدا بشود، پنجاه سال، پنجاه و چند سال کوشش، سابق همین کوشش ها بود اما زیادش در این پنجاه و چند سالی که این پدر و پسر خیانتکار در این مملکت بودند و همه قدرت ها کمک کردند اینها را نگه داشتند و اینها هم با همه قدرت این مملکت را تهی کردند و مهمش تهی کردن از نیروی انسانی است. جوان های ما، نیروی جوانی ما را از بین بردند با اسم های مختلف، با یک اسماً خیلی فریبنده، با یک بساط (ما می خواهیم آزادمردان، آزادزان، مملکت، حالا دیگر همه آزاد شدند، این دهقان ها دیگر، حالا دهقان است دیگر رعیت نیست) این دهقان های بیچاره آمدند توی این زاغه ها، زاغه های اطراف تهران و اطراف شهرستان از اینکه زراعت از دستشان گرفته شد هیچ چیز هم نداشتند، حالا دیگر دهقان شدند! زاغه نشین شدند بیچاره ها. هر جا دست بگذارای خراب کردند و آنکه در یک موقعی از همه خیانت بالاتر است این است که نیروی انسانی ما را عقب بزنند و نگذارند درست بشود و آنکه از همه خدمت ها بالاتر است این است که نیروی انسانی ما را رشد بدهد و این به عهده مطبوعات است، مجله هاست، رادیو تلویزیون است، سینماهاست، تئاترهاست. اینها می توانند نیروی انسانی ما را تقویت کنند و تربیت صحیح بکنند و خدمتشان ارزشمند باشد و می توانند مثل رژیم سابق باشند که همه چیز به هم ریخته بود و همه چیز در خدمت استعمار بود، آنها خودشان هم نمی دانستند، خیلی ها خودشان نمی دانستند نمی دانست که این عکسی که از این زن لخت می اندازد چند تا جوان را آشفته می کند، از بین می برد، در هر هفته ای که یک مثلاً

مجله ای در می آید که در آن ده تا عکس گذاشت ، این چند نفر از جوان های ما را از دست ما می گیرد . یا خودشان هم متوجه نبودند یا خودشان هم از آنها بودند ما چه می دانیم . اگر خودتان را متحول کردید ، کشورتان را هم می توانید نجات دهید ، اگر به همان حال باشید و اسمتان را عوض کردید ، با اسم نمی تواند یک کشوری اداره بشود ، با لفظ ، با لفظ جمهوری اسلام ، با رأی به جمهوری اسلام نمی تواند یک مملکتی اسلامی بشود . مملکت اسلامی محتوایش باید اسلامی باشد . شما هم که مجله می نویسید می توانید خدمت کنید ، جوان ها را برومند کنید با مقالاتتان ، مقالات صحیحتان ، دنبال این باشید که از نویسندگان های متعهد اسلامی و انسانی نیرو بگیرید ، مقالات صحیح بنویسید ، درد و دوایش را بنویسید همه چیز را انتقاد کنید و می توانید باز از آن عکس ها و از آن بساط و از آن کار درست کنید تا جوانها را از دست بدهید ، از بین ببرید .

خدا انشاءالله همه شما را توفیق بدهد که خدمت بکنید و همه ما را توفیق بدهد که خدمت کنیم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 25

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از نابینایان مدرسه ابابصیر اصفهان

### مطالعات گسترده استعمارگران در اوضاع مشرق زمین به منظور غارت و چپاولگری هر چه بیشتر

بسم الله الرحمن الرحيم

من ابتدا یک نکته ای راجع به این مطلبی که آن آقا گفتند عرض کنم . اینکه تذکر دادید که در حدود پنجاه سال پیش یک نفر آمده است و مدرسه تأسیس کرده است ، شما باور نکنید که اینها مدرسه ای برای نصرانیت درست کنند ، این چپاولگرها نه به نصرانیت اعتقاد دارند نه به اسلام و نه به هیچ مبدائی از مبادی . اینها برای این بوده است که بچه های ما را از اسلام منصرف کنند و این نقشه تنها در سازمان ابوبصیر نیست ، این نقشه در همه سازمان ها بوده است . از وقتی که غربی ها راه پیدا کردند به شرق ، از سالهای بسیار قدیم شاید حدود قریب سیصد سال که اینها راه پیدا کردند به ایران ، کارشناس های خودشان را فرستادند و مطالعه کردند ایران را و شرق را ، تنها نه ایران را ، همه شرق را مطالعه کردند . یک قسم مطالعات ، مطالعات در خصوص زمین اینجا ، معادن اینجا ، چیزهای ، ذخائر زیرزمینی این ممالک شرقی ، این یک قسم مطالعات بوده است که در آنوقتی هم که این وسائل نقلیه حالا نبوده است در تاریخ است که اینها با شتر می رفتند و حتی آن بیابانهای بی آب و علف را هم گردش می کردند و لابد نقشه برداری می کردند و معادنی که در این ممالک است ، آنها با نقشه برداری ها و با وسائل علمی که داشتند اطلاع بر آنها پیدا می کردند . من در یک سالی که (خیلی سابق) همدان بودم یکی از آشنایان ما یک ورقه ای آورد که تقریباً حدود یک متر بیشتر در یک متر بیشتر ، این راجع به نقشه همدان بود که آنها نقشه کشی کرده بودند و روی آن نقشه نقطه های به رنگ دیگری زیاد بود ، آن آقا که این را آورد گفت این نقطه ها هر یک علامت این است که در این ده ، در این بیابان یک معدنی است ، یک ذخیره زیرزمینی هست . این یک قسم از مطالعاتشان بوده است که بفهمند این ممالک شرقی چه دارند ، چه چیزهایی هست که می شود از آنها استفاده کرد و چپاول کرد . یک مطالعات دیگر راجع به عقائد این مردم بوده است و اینکه این عقائدی که اینها دارند تا چه حدود می تواند فعالیت داشته باشد و تا چه حدود می تواند جلوگیری کند از چپاولگری که این هم یک مطالعات دامنه داری اینها در این معنا داشتند . یک صنف مطالعاتشان هم مطالعات روحیات گروه های مختلفه ای که در این ممالک بوده است که حالا مملکت خودمان را حساب کنیم ، ایل هائی که در مملکت ما بوده ، عشائری که

بوده است مطالعه کرده اند ، در بین این عشائر رفته اند با آنها صحبت کرده اند ، روحیات آنها را مطالعه کرده اند که ببینند که اینها هر کدام را به چه جور می شود مهار کرد . اینها چیزهایی بوده است و بیشتر از اینها که اینها مطالعه کرده اند و شرق را تماما مطالعه کرده اند که باید چه جور این شرق را چابید و چه قدرت هائی می تواند جلوی این چابیدن را بگیرد و چه جور باید این قدرت را مهار کنند که نتوانند .

### **تبلیغات دامنه دار غربی ها برضد روحانیت ، این دژ مستحکم اسلام**

از چیزهایی که آنها ، قدرتی که آنها فهمیدند که می شود این قدرت از سایر قدرتها بیشتر جلو چپاولگری و سلطه آنها را بگیرد ، قدرت اسلام بود در این ممالک اسلامی و عقیده اسلامی ، با اصل اسلام شروع کردند مخالفت کردن و مبلغین آنها به طور وسیع با همه دین ها و در این ممالک اسلامی با خصوص اسلام مخالفت کردند و می خواستند که اسلام را غیر از آنی که هست به مردم نمایش بدهند و خود این مردمی که در اینجاها زندگی می کنند و عقائد اسلامی دارند ، اینها را از اسلام منحرف کنند و اسلام را پیش آنها کوچک کنند و بد نمایش بدهند و مع الاسف از تقاله آنهایی که این مسائل را چشم بسته قبول کرده اند حالا هم موجود است . الان هم اشخاصی پیدا می شود که از همان ها ارتزاق فکری کرده اند بدون اینکه اصلا از اسلام اطلاعی داشته باشند و احکام اسلام را ، حکومت اسلامی را ، رژیم اسلامی را اصلا بدانند چیست . همین که غربی راجع به اسلام بدبین هستند و تبلیغات کرده اند ، اینها هم برای اینکه بگویند ما روشنفکر هستیم ، دنبال آنها رفتند و از اصل اسلام انتقاد کرده اند . الان هم شما در همین قشرهایی که به اسم روشنفکر هستند ، اشخاصی را می بیند ، نه همه ، در اینها اشخاص متفکر خوب زیاد است اما باز شما در بین اینها اشخاصی را می بینید که این اشخاص در همین جمهوری اسلامی ، اسلامی اش را نمی خواستند ، می گفتند جمهوری باشد ، جمهوری دموکراتیک باشد . این دنباله آن تزریقات بود که آنها کردند ، تبلیغاتی بود که خارجی ها کردند و اینها گوش و چشم بسته بدون اطلاع از اسلام تسلیم آنها شدند و غر بزه شدند . یکی از قدرتهائی که آنها باز احراز کردند که باید شکسته بشود ، قدرت روحانیت بود که اینها با تجربه و با عینیت در جاهای مختلف دیدند که قدرت روحانیت می تواند جلوگیری کند از مفاسدی که آنها می خواهند ایجاد کنند ، از انتفاعاتی که آنها می خواهند از ما ببرند و ما را عقب نگه دارند اینها می توانند یک چنین کاری بکنند . قضیه تنباکو در زمان مرحوم میرزا به اینها فهماند که با یک قتلای یک آقائی که در یک ده در عراق سکونت دارد یک امپراطوری را شکست داد و سلطان وقت هم با همه کوششی که کرد برای اینکه حفظ کند آن قرارداد را نتوانست حفظ بکند و مردم ایران قیام کردند و شکستند آن پیمانی که آنها داشتند . این یک تجربه ای شد برای آنها که ببینند که یک آقائی در یک ده وقتی یک کلمه می نویسد که امروز استعمال تنباکو در حکم محاربه با امام زمان است و این موجش می آید همه ایران را فرا می گیرد به طوری که شاه مستبد با آن قدرت را می کوبد ، قلم این آقا می کوبد آن سرنیزه های آن روز را . اینها فهمیدند که باید این قدرت را بگیرند ، تا این قدرت زنده است نمی گذارد که اینها هر کاری دلشان می خواهد بکنند و دولت ها عنان

گسیخته شده باشند و هر طوری دلشان می خواهد عمل بکنند .

لهذا با کمال کوشش تبلیغات کردند بر ضد روحانیت و زائد بر اصل تبلیغات عمل خارجی کردند . در زمان رضاخان (که اکثر شما یادتان نیست و شاید کمی از شما یادتان باشد ابتدا زمان رضاخان را و من همه اش را یادم هست و از اولی که آمد تا حالا مسائل را یادم هست ) با دست رضاخان شروع کردند کوبیدن روحانیون ، عمامه ها را برداشتن و مدرسه ها را جلویش را گرفتن ، لباس ها را تغییر دادن با آن شدتی که انسان شرم می کند که چه کردند با این طایفه و این هم به اسم اینکه می خواهیم اصلاح بکنیم (همین اصلاحاتی که پسر می خواست بکند) با اسم اصلاحات ، با اسم اینکه همه ایران یک رنگ باشند ، ملت ما کذا باشد ، با این حرف های ناروا این قدرت را هم می خواستند بشکنند و شکستند در آنوقت و سخت هم شکستند و چند قیامی که در ایران از جانب روحانیون شد که یکی از آنها از اصفهان بود که با یک دایره وسیعی که تقریباً از همه شهرهای ایران اتصال پیدا شد و در قم مجتمع شدند و مرحوم حاج آقا نورالله رأسشان بود و مخالفت با رضاخان کردند ، این را هم با قدرت و حيله شکستند چنانچه قیام آذربایجان و علماً آذربایجان و قیام خراسان و علماً خراسان ، اینها را همه را با قدرت ، شکستند و آنوقت هم به ما بعضی گفتند که مرحوم حاج آقا نورالله را که در قم فوت شد ایشان را مسموم کردند (ما مطلع نیستیم اما اینطور می گفتند بعضی از اشخاص که از اصفهان ، از علماً اصفهان آمده بودند اینجا) و علماً تبریز را دو نفر شخصی که در رأس بود از آنجا گرفتند و بردند (گمانم این است که ) در سنقر ، آنجا مدتی تبعید بودند و بعد هم که اجازه رفتن را دادند و مرحوم حاج میرزا صادق آقا که شخص اول آنوقت روحانیت تبریز بود آمد و در قم ماند و در همین جا هم فوت شد و دیگر نرفت آنجا ، می رفت هم کاری نمی توانست بکنند . و علماً مشهد را دست جمعی گرفتند و آوردند به تهران و حبس کردند و مرحوم آقازاده که در رأس علماً آنوقت خراسان بود ، به محاکمه می بردند با سر برهنه و یک نفر سرباز همراهش می بردند که در عدلیه محاکمه اش کنند . آنوقت قدرت شیطانی ، این قوه را می خواستند بشکنند منتها خوب نتوانستند و خدا حفظ کرد این جمعیت را .

### **ملاحظه تاریخ اسلام و سرگذشت انبیا باطل کننده یاوه سرائی دشمنان**

در زمان این یکی که آنطور قلدری دیگر وقتی گذشته بود یا آنها هم صلاح نمی دانستند که به این نحو باشد شروع به تبلیغات کردند ، تبلیغات زیاد کردند ، نسبت به اهل علم ، روحانیت تبلیغات زیاد شد (آن سرنیزه برداشته شده بود اما نه به آن شدت ) مساجد را نگذاشتند تبلیغات صحیح بشود ، درست کردند مبلغینی که بر ضد اسلام به صورت روحانی لکن ضد اسلامی بود ، خود آنها هم تبلیغات در همه جا و خصوصاً در دانشگاه ، در دانشگاه دامنه تبلیغات ضد روحانی خیلی اوج گرفت به طوری که بکلی دانشگاه را از روحانین جدا کردند و هم دانشگاه را شکستند و هم روحانیون را شکستند یعنی می خواستند بشکنند . اینها که می گوئید که مدرسه درست کردند در آنجاها یا بعداً در همه جا داشتند

مدارس، نه اینکه آنها یک اعتقاد به یک مبادی داشتند منتها می گفتند اسلام نباشد و نصرانیت باشد، آن ها نه نصرانیت را می خواهند و نه اسلام را می خواهند و نه کاری به این مسائل دارند، آنها منافع مادی خودشان را، می خواهند به هر جوری شده بچه های ما را منحرف کنند، از اسلام منحرف بشوند، نصرانیت هم کاری از او نمی آید برای اینکه آن چیزی که الان در نصرانیت است این است که مردم یک دعائی بکنند و یک ذکری بگویند و یکشنبه کلیسا بروند و دیگر کاری به دولتشان نداشته باشند چنانچه الان هم این دستگاه نصرانیت کاری ندارد با نفوذ اینها، اگر نگوئیم دنبال آنهاست. اسلام بود که تحرک داشت و مع الاسف ما را از اسلام جدا کرده بودند. این قرآن کریمی که هر که مطالعه بکنند می بینند که یک کتابی است که در آن جنگ ها هست، تحرک ها هست بر ضد این اشخاصی که می خواهند مستضعفین را از بین ببرند، این قرآن را نگذاشتند حتی ما خودمان درست مطالعه کنیم. همچو تبلیغات کردند که ما دیگر از قرآن آن استفاده را نگذاشتند بکنیم که خودمان ببینیم چه نوشته قرآن، چی بوده است. در صدر اسلام همین قرآن بود که مردم را تجهیز کرد و دو تا امپراطوری بزرگ را با یک عده معدود عربی که اسلحه نداشتند، هر چند تایشان یک شتر داشتند، هر چند تایشان یک شمشیر، آن هم آن شمشیرهای آنوقت در مقابل یک قدرت هائی که در آنوقت روم داشت و آن قدرت قدرتهایی که در آنوقت ایران داشت که در جنگی که در روم بین ایران و آنجا - بین چیز واقع شد - بین لشکر اسلام واقع شد آن کتیبه شان که عبارت از پیشقراول ها بود شصت هزار نفر بود از آنها و دنبال او هم هفتصد هزار یا هشتصد هزار از لشکر بود. یکی از سردارهای اسلام گفت که ما اگر بخواهیم با اینها به میدان برویم از ما نمی آید. تمام لشکر اسلام سی هزار بودند. یک سی هزار نفری که ابزار جنگی نداشتند بلکه درست خوراک هم نداشتند، یک مردم فقیری بودند لکن ایمان داشتند. این سردار گفت ما اگر بخواهیم با اینها به طرز متعارف جنگ بکنیم ما حریف اینها نیستیم من سی نفر انتخاب می کنم و امشب با این شصت هزار نفر می روم جنگ می کنم. مسلمان ها گفتند آخر با سی نفر چطور می شود؟ بالاخره قرار شد که با شصت نفر برود که هر نفری مقابل هزار نفر باشد، یعنی هر نفر با یک شمشیری آنوقتی کند (اگر حالا تندش کردند نمی دانم، لابد با آن بساطی که آنها داشتند) این شصت نفر شبیخون زدند و شصت هزار را عقب نشانندند. این اسباب این شد که لشکر روم بکلی شکست خورد از اینها. اینها از اسلام تاریخ را دیده اند و - عرض می کنم که - به عین در وقت خودش دیده اند و از اسلام ضربه خورده اند و دیده اند قدرت اسلام چیست و این قدرت ایمان است. این قدرت را باید بگیرند. خوب، چه کنند که قدرت را بگیرند؟ بخصوص اسلام توجه کنند؟ نه، اول به تمام ادیان. (اصل دین افیون است) دین را اینها اینطور تبلیغات کردند و مع الاسف در خود ایران و در جوانهای ما هم تاثیر گذاشت و گذاشته و در بعضی از این روشنفکرهای ما هم باز اثرش هست. اینها از همان تفاله هاینند حالا که حالا باز اثرش هست در آنها، (دین افیون است، افیون جامعه است) معنایش این است که دین را همین قدرتمندها درست کردند برای اینکه مردم را خواب کنند و آنها بچاپند. همانطوری که افیونی وقتی افیون کشید چرت می زند و دیگر توجه به چیزی ندارد، دین را هم اینها

تبلیغ

کردند که یک همچو چیزی است که قدرتمندها درست کردند که مردم توجه به دین بکنند و مثل آدمی که افیون می کشد خواب بروند و آنها بیابند غارت کنند و از بین ببرند . راجع به دین اینطور گفتند ، آنوقت اسلام را که قدرتمندتر دین بود کشاند همین حرف ها (اسلام برای هزار و چهار صد سال پیش خوب است ) این را حالا بعضی از اشخاصی که از تقاله های آنها ماندند حالا هم باز این را می گویند که نمی شود همه احکام اسلام الان تحقق پیدا بکند ، این مال سابق است ، مال حالا نیست ، و از این حرفهائی که همین ها گاهی هم نفهمیده اکثرا هم شاید از روی نفهمی می زنند نه اینکه عداوت دارند ، از روی نفهمی که اسلام را نمی دانند چیست تا اینکه اسلام مال چه وقت است ، اینها اصلا اطلاع ندارند که اسلام چیست در صورتی که هر کس تاریخ را دیده باشد و لااقل تاریخ اسلام را دیده باشد که نزدیک است به ما ، تاریخ را دیده باشد که چه اشخاصی در قبال چه اشخاصی بوده اند ، این انبیا که اینها می گویند که درست کرده اند انبیا را برای اینکه دین درست بشود ، برای اینکه قدرتمندها را حفظ کنند ، هر که تاریخ انبیا را ملاحظه کند که این انبیا از چه طبقه ای بوده اند و اینها با کی مخالفت داشتند ، می بیند که انبیا از این طبقه مستضعفین بوده اند ، از همین طبقه سوم مردم بوده اند و مردم را وادار کردند که جنگ کنند با آن مستکبرین . یکی حضرت موسی است که به ما باز یک قدری نزدیک تر است . حضرت موسی یک آدمی بوده ، شبان بوده است با عصای شبانی مدت ها هم در خدمت حضرت شعیب بوده و شبانی او را می کرده است و از همان مردم عادی بوده است در صورت ، و همین حضرت موسی که از توی همین جمعیت پا شد ، همین ها را تجهیز کرد بر ضد فرعون . فرعون موسی را درست نکرد برای اینکه تختش را حفظ کند ، موسی مردم را برداشت رفت تخت فرعون را به هم زد ، نه اینکه دین افیون است . به نظر آنها فرعون موسی را درست کرده که مردم را خواب کند تا خودش سلطنت کند ، عکس آنی که واقع هست که موسی مردم را تجهیز کرده یعنی این طبقه سه را تجهیز کرده و برده و تاج و تخت فرعون را به باد فنا داد . خوب تاریخ اسلام که نزدیک است ، آیا قریش و قدرتمندهای قریش رسول اکرم را درست کردند که مردم را خواب کنند که آنها به رباخواری خودشان و به تجارت خودشان و به اخاذی خودشان و به غارتگری خودشان ادامه بدهند؟! یا پیغمبر اکرم در مقابل قریش بود؟ خودش هم از قریش بود اما یک آدمی بود که از همین طبقات پائین بود ، از اشراف به آن معنی که طایفه دار بوده ، بود اما هیچ چیز نداشت ، نتوانست در مدینه زندگی کند ، از دست همین پولدارها و همین قلدرها مدتی در یک کوهستانی رفت ، در یک غاری بود تا اینکه کارهای زیرزمینی را انجام داد و بعد تشریف بردند مدینه . مدینه کی همراه پیغمبر بود؟ باز آن قدرتمندها بودند؟! باز قلدرها بودند؟! باز رباخوارها بودند؟! تاجرها بودند؟! یهودی هائی که آنوقت جزء متمکنین بودند ، آنها بودند؟! یا پیغمبر وارد شد به یک آدم درجه سه ای و اشخاصی که دورش جمع شده بودند یک اشخاص فقیر بی بضاعتی و خودش هم یک منزل و اطاق (نه مثل این اطاق ) یک اطاقی با ساقه خرما چند تا اتاق برای خودش و مسجدش هم آنطور و اصحاب حضرت هم یک دسته شان که اصحاب صغه بوند آنهائی بودند که منزل هم نداشتند و می آمدند روی سکویی در آنجا می خوابیدند و زندگیشان همین بود . اینها را برداشت برد و آنها را از بین برد . این



فقرا را، این مستضعفین را، اینهایی که در جه سه بودند و حتی خانه رانداشتند، حتی در جنگ یکی شان یک خرما وقتی پیدا می کرد دهن خودش می گذاشت و در می آورد به دهن رفیقش می گذاشت و او در می آورد و به دهن رفیقش و . . . یک خرما را اینطوری دور می زدند، اینها بودند که پیغمبر تجهیز کرد و در جنگ های با قریش، آنها با همه بساطی که داشتند و اینها با همه فقر و فلاکتی که داشتند، لکن ایمان داشتند. واقعه غیر آنی است که به جوانهای ما گفته اند و تبلیغات کرده اند که خیر اینها، اسلام یا سایر ادیان، همه اش افیون بوده. خیر، اسلام و سایر ادیان همه محرک بودند، بیدار کردند مردم را، تعلیمات انبیا مردم را بیدار کرد، تجهیز کرد مردم را بر ضد قدرتمندان، بر ضد مشرکین. قرآن می شود گفت کتاب جنگ است، کتابی است که تجهیز می کند مردم را به جنگ کردن، در عین حالی که همه تعلیمات انسانی در آن هست لکن (اشدأ علی الکفار رحماً بینهم) (قاتلوا المشرکین کافه) قرآن وادار کرد مردم را و بیدار کرد مردم را، دلداری داد به مردم که ملائکه همراه شماست. ملائکه هم بود همراهشان. یک دسته کوچکی حرکت می کرد یک قدرت بزرگ را می شکست با همان قدرت ایمان و آن تحرکی که پیغمبر اکرم و قرآن کریم ایجاد کرده بود در آنها، پس این تعلیم که مع الاسف در بعض از جوان های ما هم اثر گذاشته است، این تبلیغی است که آنها کرده اند که بشکنند این قدرت را که می تواند در مقابل سایر قدرت ها بایستد و آنها ما را بچاپند. می آئیم سراغ روحانیین که بینیم که آیا اینها درباری اند، اینها را انگلیس ها درست کردند که مردم را خواب کنند و آنها بچاپند؟! این قیام هائی که در این صد سال شده است از کی بوده؟ چند قیام در این صد سال؟ کی راس اینها بوده؟ قیام تنباکو، مرحوم میرزا بود، قیام مشروطه از نجف، آقایان نجف، از ایران، علمای ایران ایجاد کردند. این چند قیامی که ما شاهدش بودیم همه از علما بود. علمای اصفهان قیام کردند رأسشان مرحوم حاج آقا نورالله رحمت الله بود. علمای تبریز قیام کردند، علمای مشهد قیام کردند. یک وقت مرحوم آقای قمی خودش تنها پاشد راه افتاد آمد که من تهران بودم، ایشان به حضرت عبدالعظیم آمدند و ما رفتیم خدمتشان و ایشان قیام کردند، منتها حبس کردند در همانجا حبسش کردند و بعد هم تبعیدش کردند. قدرت بود دیگر، در این صد سال هر چه قیام بوده است، تقریباً از اینها بوده، تبریز هم خیابانی یکی از آقایان بود، از علما بود. البته جنگل هم بوده اند، اینها هم بوده اند لکن در اقلیت بودند، عمده اش اینها بودند. پس اینکه می گویند که (روحانیون درباری اند یعنی برای دربار دارند کار می کنند، اینها کاری می کنند که مردم را خواب کنند و دربار بچاپندشان) این حرف صحیح نیست. باز در هر شهری از شهرها بروید آن روحانی آن شهر اگر علناً نتواند مخالفت کند با اینها، مخالفت می کرده است. من نمی گویم صد درصد معمم درست است. ما معمم هائی داشتیم که از سازمان امنیتی ها بدتر بودند. من روحانیون را می گویم. آنها بطور مطلق می گویند روحانیون اینطور هستند و من عرض می کنم نه، مسأله این نیست. من نمی خواهم بگویم که هر کس عمامه سرش گذاشت این روحانی است و هر کس عمامه سرش گذاشت این مخالفت کرده، نه. خیلی از عمامه به سرها هم موافقت کرده اند، زیاد هم موافقت کرده اند، اما (روحانیین مطلقاً اینطور بودند) صحیح نیست. این هم برای این بود که این قدرت را بشکنند و وقتی که این قدرت را شکستند،

از آنطرف اسلام را در نظر مردم کوچک کردند، از این طرف روحانیون را در نظر مردم کوچک کردند. این دو تا قدرت را از ما گرفتند آنوقت هر کاری می خواستند می کنند، از آن طرف آمدند دانشگاه ها را جدا کردند از روحانیون، در دانشگاه ها تبلیغات بر ضد روحانیین، در مساجد و منابر و عرض می کنم که جاهای دیگر گروه های روحانی تبلیغات بر ضد دانشگاه راه انداختند و این نه برای اسلام بود که اینها می آمدند می گفتند که دانشگاهی ها مثلا اشخاصی هستند کذا، خیر، این نبود، این نقشه بود، این یک مطلب حساب شده بود، می خواستند این دو تا قدرتی که می تواند کار بکند (دانشگاهی می تواند کار بکند، روحانی هم می تواند کار بکند) می خواستند این دو تا قدرت را از هم جدا بکنند و جدا هم کردند. دانشگاه می رفتی اسم روحانی را نمی شد بیاوری (حالا نه، آنوقت) اسم معموم را نمی شد بیاوری، در محیط روحانی هم اسم دانشگاهی را نمی شد برد. جدا کردند این دو تا قدرت را از هم، یعنی دو قدرت فعاله ای که می توانست اگر با هم پیوند کند اساس این چپاولی ها و این دست هائی که از خارج به این سفره یغما دراز شده اینها می توانستند قطع کنند، این دو تا طایفه را از هم جدا کردند. اینها یک نقشه هائی بود.

### هوشیاری در مقابل نقشه های تفرقه انگیز اجانب و توجه به تصویب قانون اساسی

خوب، الحمدلله در این نهضت این پیروزی حاصل شد برای مسلمان ها که همه بیدار شدند و همه با هم انسجام پیدا کردند. پیوند پیدا کردند مع الاسف حالائی که ما رسیدیم به یک مرتبه ای از پیروزی، دست آنها را کوتاه کردیم، چپاولگرها هم به همت همه مردم بیرون رفتند مع الاسف حالا باز نقشه ها این است که تفرقه بیندازند، گروه گروه بکنند مردم را، همان نقشه ای که در زمان سابق، زمان همین رژیم سابق بود، چه قبل از ماه رمضان و قبل از محرم و صفر، این دو موعده جای تفرقه اندازی بود برای اینکه ماه رمضان شهرالله بود و قدرت روحانیون در ماه رمضان نمایشش زیاد بود، اجتماع مسلمین زیاد بود، ماه محرم هم ماه امام حسین بود و قدرت اینها، اهل منبر و روحانیون آنوقت هم زیاد بود. جلو ماه رمضان یک چیزی درست می کردند، جلوی ماه محرم هم یک چیزی درست می کردند، حالا هم ما جلو ماه رمضان هستیم الان هم درست کرده اند الان اصفهان یک قصه ای درست شده است، مشهد هم همین طور، سر یک مطلب پوچی ریخته اند به هم. این چقدر غفلت می خواهد، یک حالی که الان مقدرات اسلام مطرح است، قانون اساسی اسلام مطرح است حکومت اسلام مطرح است، رئیس جمهور اسلام مطرح است، از اینها دست برداشتند یک جبهه هائی که حساب شده آنها کارهای خودشان کرده اند و بسیاری شان هم از روی بی اطلاعی چند تا گروه درست کرده اند، صد تا حزب و گروه در همین چند وقت درست کرده اند، هر کدام گروه گروه شدند و مع الاسف در اصفهان، در تهران هم یک مقداری، در مشهد هم، حالائی که قبل از ماه رمضان است و حالائی که باید قدرت ها با هم جمع بشوند و این مقدرات مملکت را درست بکنند و اسلامی کنند حکومت را، سر یک شخصی دعوا می کنند (آیا این مسلمان است یا نه؟) مسلمان است به من چه، مسلمان نیست به تو چه؟ چرا همه

قدرتها را به باد فنا می دهید برای اینکه زید مسلمان است یا غیر مسلمان؟ قضیه مرحوم شمس آبادی شما خیال کردید که یک چیز عادی بود، اینهم جزء همان ها بود که با طریق های مختلف اینها می آمدند و درست می کردند. یک وقت شهید جاوید را پیش می آوردند از این طرف و از آن طرف و یک ماه محرم و صفر و بیشتر را منبرها همه خرج این می شد که شهید جاوید چی. از این طرف و از آن طرف یک دسته ای تأیید، از آن طرف یک دسته ای تکذیب. یک قدری که این سست می شد، باز یک چیز دیگری درست می کردند. مرحوم شمس آبادی هم از این امور بود که شاید هم خودشان این کار را کردند (من نمی دانم) که یک کسی را بکشند و صدا در بیاورند یک دسته از آن طرف و یک دسته از این طرف و بساط درست کنند و یک قدری که این کمتر می شد آنوقت یک کس دیگر را به میدان می آوردند که این کتاب هایش چطور است. او می گفت کافر است، این می گفت مسلمان است، آن می گفت که مسلمانی است در تالی مثلاً انبیا، آن دیگری می گفت کافری است از ابوجهل بدتر. اما نقشه توی کار است، آنهایی که اینها را درست می کنند نه به اسلام عقیده دارند و نه به روحانیت عقیده دارند و نه به هیچ چیز، آنها مادیت در نظرشان هست و مسلمان ها را به جان هم بریزند تا آنها چپاول کنند. امروزی که ما احتیاج مان به وحدت کلمه از همه اوقات بیشتر است، امروزی که این توطئه ها، مرزی و غیر مرزی، در کار است، باز ما سر یک چیز مختصری دعوا می کنیم، این نیست جز اینکه یک جهالت است در ما، رشد ما نداریم که مواقع را تشخیص بدهیم که چه وقت باید چی گفت و آنها که نقشه می کشند می فهمند که دارند چه می کنند، آنها می دانند که باید چه وقت چه چیز را چاپ کرد و منتشر کرد، کسانی را واداشت ضدش، کسانی را واداشت تأییدش.

ما باید بیدار باشیم آقا، توجه داشته باشیم، وقت این نیست که امروز سر افراد ما دعوا بکنیم، وقت این است که امروز همه قوایمان را متحد کنیم و این گروه ها یکی بشوند و همانطوری که با یکی بودن به جلو برویم، نه اینکه حالائی که با یکی بودن قدرت را به زمین زدیم حالا متفرق مان کنند و بعد هم یک قدرتی بیاید و همه ما را از بین ببرد. الان وقت وحدت کلمه است، الان وقت این است که همه ما قدرت هایمان را روی هم بگذاریم، از من که یک طلبه هستم، از شما آقایان، از این علمای اعلام اصفهان یا جاهای دیگر، وقت این است که همه فکرهایشان را متوجه به این بکنند که حالا باید چه کرد. حالا که قانون اساسی مطرح است طرح بدهند، نظر بدهند، مسائل را بگویند به مردم، بگویند فردا که بناست مجلس خبرگان درست بشود، خبره اسلامی تعیین کنند. حالائی که وقت این حرف هاست، یک وقت ما می بینیم که یک طرحی آوردند افحاشی به یک کسی کرده، یک دسته هم از آن طرف فحاشی، یک دسته هم از آن طرف تأیید، یک دسته هم از آن طرف، باز همان مسائل که در زمان محمدرضا درست می شد قبل از ماه رمضان، دوباره حالا قبل ماه رمضان ما، آن هم در یک همچو موقعی. و این ماه رمضان و ماه شعبان، غیر ماه شعبان و رمضان های دیگر است، ماه رضائی است که سرنوشت ما را می خواهد درست بکند. ما باید همه قوا را روی هم بریزیم و برویم سراغ این مصیبت. نباید ما مشغول یک چیزی بشویم که هیچ ارزشی پیش اسلام ندارد، هیچ ارزشی به هیچ وجه ندارد. ما

نباید برویم دنبال این مسائل، باید برویم دنبال این مسائل اساسی، این یک جمله ای بود راجع به عموم.

## ارزش انسان به قلب و بصیرت اوست، نه به بصر

اما چیزی که راجع به این عزیزها، راجع به این فرزندان عزیز بگویم، این است که انسان با روح انسان است، با بصیرت انسان است. ما همه با همه حیوانات شرکت داریم در اینکه گوش داریم، چشم داریم، پا داریم و ما دست داریم چه، اما این مناط و انسانیت نیست، آنی که انسان را از همه موجودات جدا می کند، از همه موجودات طبیعی جدا می کند، آن قلب انسان است، آن بصیرت انسان است. شما بصیرت داشته باشید، انسانید. اگر بصیرت نداشته باشد، ابوجهل چشم داشت اما انسان نبود، بعضی از انبیا هم چشم نداشتند و نبی بودند. میزان در انسانیت معنویت انسان است. کوشش کنید که خودتان را با محتوا کنید، معنویت در خودتان ایجاد بکنید و از این هیچ باکی نداشته باشید که انسان دست ندارد، پا ندارد، چه ندارد. در روایت است که بعضی از انبیابودند که چشم نداشتند و دست و پا هم حتی نداشتند. حضرت می فرماید که می بینم فلان را (که الان من درست یادم نیست) دست و پا نداشتند ولی نبی بودند و البته مرسل به آن معنی نبودند اما نبی بودند. بسیاری از علما، بسیاری از نوابغ بودند که چشم نداشتند، در زمان ما هم بعضی را ما ملاقات کردیم که از علما بودند، نابغه بودند، اطلاعات زیاد و وسیعی داشتند، اسنان بودند هیچ از این معنی نگران نباشید که حالا شما صاحب یک حسی نیستید، شما معنویت تان را انشاءالله تقویت کنید، روحتان را تقویت کنید و از همه بصیرها شما انشاءالله بصیرتر باشید. خداوند انشاءالله شما را حفظ کند و همه ما را برای اسلام خدمتگذار کند و همه ما این راهی را که آمده ایم بتوانیم تا آخر انشاءالله برسانیم.

## بیانات امام خمینی در جمع صاحبان صنایع و بازاریان تهران

### موعظه به صاحبان کارخانه ها در رعایت حقوق کارگران و پیشگیری از انفجار عمومی

بسم الله الرحمن الرحيم

من یک کلمه به طور موعظه با شما صحبت می کنم ، یک کلمه هم راجع به اساس قضایا که شما می گوئید اینکه بطور موعظه عرض می کنم این است که آقایان صاحب کارخانه ها باید وضعشان را یک قدری از آن رژیم سابق تغییر بدهند برای اینکه در رژیم سابق که مردم آن را رژیم اسلامی نمی دانستند و طاغوتی می دانستند ، اگر کاری می شد می گفتند که در رژیم طاغوتی شده است و اگر یک ناراحتی هایی برای کارگرها پیدا می شد یا یک تحریکاتی می شد که اینها اعتصاب کنند ، شورش کنند ، آنها با فشار و اگر چنانچه نوبت به روحانین هم می رسید با موعظه اما الان با آنوقت فرق دارد . الان همه ما این ادعا را داریم که یک مملکت اسلامی است و روی احکام اسلام باید عمل بشود . اگر خدای نخواستہ در یک مملکت اسلامی طوری بشود که در کارخانه ها کارگرها به واسطه اینکه درست به آنها رسیدگی نمی شود انفجار حاصل بشود ، این انفجار از محیط یک مملکتی است که مدعی اسلام است ، نه روحانی می تواند این را خاموش کند و نه کس دیگر . برای اینکه روحانی آنوقت می تواند چیز بکند که بگوید خوب یک اشخاصی غیر اسلامی این کارها را کرده اند اما اگر مملکت اسلامی به اینکه اسلامی است یک طوری بشود که انفجار در کارگرها حاصل بشود ، این انفجار دیگر قابل کنترل نیست و این یک خطری است که بر همه شماها و بر همه ما هست و ما را تهدید می کند . از این جهت باید صاحبان کارخانه ها توجه به این داشته باشند که با کارگرها نظیر سابق عمل نکنند ، با اینها برادر و دوست باشند و تا آن حدودی که آنها ، کارگرها هم چنین نیست که خیلی بلندپرواز باشند ، اینها یک زندگی می خواهند . آقایان کاری بکنند که یک زندگی برای اینها حاصل بشود و جلوگیری بشود از یک انفجاری که قابل کنترل نیست . عرض کردم انفجار ، اگر یاس از حکومت اسلامی باشد و انفجار پیدا بشود هیچ چیز نمی تواند جلویش را بگیرد به خلاف آنجایی که انفجار حاصل بشود و پناه به اسلام بخواهند بیاورند ، آن قابل کنترل است اما اگر یک مملکتی اسلامی شد و باز بساط ، همان بساط سابق باشد که لفظ ، لفظ اسلامی است ، عمل ، عمل طاغوتی باشد و خدای نخواستہ انفجار حاصل بشود ، با اینهمه تحریکاتی که می بینید الان هست ، توطئه که الان هست اگر انفجار بشود ،

انفجار بر ضد اسلام است. یک همچو انفجاری، انفجاری است که از باطن یک مملکتی که مدعی اسلامی است پیدا شده و مایوس از اسلام شده اند، مایوس از برنامه های اسلام شده اند، یک همچو انفجاری را هیچ کس نمی تواند جلویش را بگیرد، دیگران هم که دامن می زنند و همان مسائل را دارند طرح می کنند که (تغییری نکرده است، یک اسمی تغییر کرده، آنوقت می گفتیم حکومت شاهنشاهی، حالا می گوئیم جمهوری اسلامی، واقع مسائل همان مسائل است، کارگرها همان کارگرها هستند، کارمندها همان کارمندها هستند، مردم همان مردمند، رباخوارها همان رباخوارها هستند، زورگوها همان زورگوها هستند) اگر در یک همچو محیطی خدای نخواستہ انفجار حاصل بشود، غیر از انفجارهای دیگر است، این دیگر چیزی برای کسی باقی نخواهد گذاشت و لهذا باید خود آقایان در فکر این معنا باشند که یک همچو چیزی نشود و آن به این است که شماها یک قدری پایین تر بیایید، کارگرها را هم یک قدری بالاتر ببرید، آنها نمی خواهند در عرض شما باشند، آنها یک زندگانی می خواهند، شماها که الحمدلله دارا هستید و دارای کارخانه ها هستید و دارای کارمندان زیاد هستید، یک قدری برای مصلحت خودتان و برای اینکه خدای ناخواسته یک وقت انفجاری نشود که همه چیز به باد رود، همه چیز یک کشور به باد برود، شماها هم یک مقداری خودتان با دست خودتان به اینها یک کمک هایی بکنید، یک کارهایی بکنید که آنها ببینند که در این وضعی که حالا شده است به آنها رسیدگی می شود. البته دولت هم رسیدگی می کند ما هم موعظه شان می کنیم و رسیدگی می کنیم اما مسأله این است که اینها ببینند که در یک جمهوری اسلامی، این کارگرها ببینند که این اشخاصی که در رأس هستند و کارفرما آنوقت به آنها می گفتند اینها بنا دارند که با اینها یک جور دیگری رفتار کنند، آنچه که کمونیست ها یا اشخاص منحرف تبلیغ می کنند، اینجور نیست، بنابراین است که با اینها یک طرز بهتری رفتار بشود، به زندگی آنها رسیدگی بشود، به احتیاجات آنها رسیدگی بشود. این معنا امروز دیگر عملی نیست که یک دسته ای آن بالاها باشند و همه آن چیزهایی را که بخواهند، به طور اعلیٰ تحقق پیدا بکند، پارک ها و اتومبیل ها و بساط، یک دسته هم این زاغه نشین ها باشند که اطراف تهرانند و می بینند آنها را این نمی شود. این نه منطق اسلامی دارد، نه منطق انصافی دارد، نه صحیح است. و اگر خدای نخواستہ اینها صدایشان درآید دیگر قابل خاموشی نیست، شماها باید یک فکری بکنید برای اینها. شما برای حفظ خودتان، حفظ خانواده تان، حفظ ثروتتان، حفظ حیثیت خودتان، خودتان بنشینید با هم تقاهم بکنید، دسته های دیگر هم که آمدند، از اصفهان یک دسته ای آمده بودند و من همین حرف هایی که به نظرم می آید به آنها گفتم که باید یک فکری خودتان بکنید که این تفاوت طبقاتی به اینطور نباشد، یک تعدیلی بشود. اسلام تعدیل می خواهد، نه جلو سرمایه را می گیرد و نه می گذارد سرمایه آنطور بشود که یکی صدها میلیارد دلار داشته باشد و برای سگش هم اتومبیل داشته باشد و شوfer داشته باشد و امثال ذلک و این یک شب که برود پیش بچه هایش نان نداشته باشد. نمی شود این عملی نیست، نه اسلام با این موافق است نه هیچ انسانی با این موافق است، این با دست شماها نصفش حل می شود، نصفش، اگر نگویم همه اش، نصفش با دست شما حل می شود یک قسمت دیگرش هم با دولت است که برای

اینها خانه درست بکند، بسازد \_ عرض کنم که \_ یک زندگی، همانقدری که آن بیچاره هاست خواهند. شما خیال نکنید آن کارگرها می گویند ما اتومبیل می خواهیم، ما پارک می خواهیم این حرف ها نیست آنها یک زندگی می خواهند وقتی بروند منزلشان اگر بچه اش بگوید من کفش ندارم بتواند کفش بخرد برایش، بشوند آنها، ناراحت می شوند خود شما فکر کنید، که خودتان بروید منزل، یک بچه عزیز داشته باشید از شما یک چیز بخواهد نداشته باشید، یک وقت ندهید، نه؟ ناراحتی ندارد؟ یک وقت بخواهید و نداشته باشید به او بدهید. فرضاً از اینکه یک وقت برود منزل و ببینید که پدرش برایش نان نیاورده، خوب شما فکر این را بکنید، این منطق دیگر درست نمی شود که بگویند که ما اختیار داریم و همه اختیارات را داریم و ما باید چه باشیم و چه باشیم و دیگران هیچ. نمی شود این، این، من حالا که عرض می کنم از نظر جهت سیاست می گویم که جهت سیاسی برای خود کارخانه دارها و برای خود کارفرماها جهت سیاسی اقتضاً می کند که خودشان فکر بکنند و این مسائل را بین خودشان حل کنند. من به آن اصفهانها هم که آمدند گفتم شما خودتان یک چیزی تشکیل بدهید یک مجلسی تشکیل بدهید با هم صحبت بکنید با هم قرار بدهید که کمکهایی بکنید به اینها که اینها دلخوش بشوند به شما هم کار خوب بکنند برایتان و هم آن انفجاری که احتمال هست و من ترس از او دارم آن حاصل نشود. این آن مطلبی است که عرض کردم که به طور موعظه می گویم و مسأله اساسی است و سبک نگیرید این را. شما حالا ممکن است که خیلی توجه به مسائل نکنید اما یک وقت از دست بگذرد، وقتش بگذرد و علاج برای هیچ کس ممکن نباشد نه ما بتوانیم مهارش کنیم و نه شما بتوانید، این یک فکر می خواهد.

### عمل بر خلاف مسیر اسلام ممنوع !!

اما آنچه راجع به قضایاست، آنکه مربوط به من است باید صحبت بکنم البته یک چیزهائیش مربوط به دولت است یکی مربوط به وزارت کار است، یکی مربوط به \_ عرض کنم که \_ دیگر است و آن این است که ما اجازه نخواهیم داد که یک قدم خلاف اسلام بردارند. اسلام مالکیت را به طور مالکیت مشروع تثبیت کرده، اجازه داده و کسانی که دارای کارخانه ای هستند، صنعتی هستند، آنها اگر چنانچه به غیر مشروع نباشد، اینها باید باشند سر جایشان و طرح دولت هم این نیست که صنایع خاص مردم را چه بکنند، دولت هم آن طرحی که حالا داده اند که من باز درست تمامش را با دقت نگاه نکردم این است که گفتند یک دسته ای هستند که اموالشان اموالی بوده است که چه کرده اند و برده اند و خورده اند و از بین برده اند و اموال غیر است و کذا، و صاحب کارخانه هایی که آنطور هستند، آنها ملی می شود و این حق است. یک دسته هم آنها هستند که بدهکار به دولت هستند، بیشتر از آن اندازه ای که دارند در آنجا. یک دسته اشخاص هستند که به اندازه ای نه، بدهکار نیستند، خودشان شریکند آن شریکشان عبارت از کسی بوده است که مثلاً صاحب منصب و امثال اینها بوده است، یکی هم شریک خاصی داشته اند اینها هم بیایند اینها شرکتشان محفوظ است. یک دسته هم هستند که خودشان

می توانند اداره کنند خودشان را . پس این نبوده است که دولت بخواهد ، اینجا مملکت کمونیست نیست که دولت ، حرفی از کمونیست که نیست ، اینجا دولت اسلامی است ، آنقدری که اسلامی می شناسد مالکیت را ، دولت نمی تواند تخطی بکند ، بخواهد تخطی بکند ، بخواهد تخطی بکند کنارش می گذارند ، اینطور نیست که شما خیال بکنید که بخواهند هر کس هر کارخانه ای دارد بگیرند . چنانچه در زمینها گفته بودند که خوب زمین ها را می خواهند بگیرند ، مسأله این نبود . زمین موات بود ، زمین موات آن است که هیچ کس در آن چیز نکرده آنوقت این موات را فروخته بودند همین فروش غلط بود زمین موات را نمی تواند کسی بفروشد یا یک خطکشی کرده بودند و فروخته بودند ، آن هم غلط است ، آن موات را می گیرند بلکه ارفاق هم می کنند که هر که خودش می تواند برود چه بکند اما زمینی که کسی احیا کرده و مالک هست ، کی می گیرد آن را کی می تواند بگیرد آن را . این مسائل مطرح نیست ، این مسائل یک مسائل اسلامی است ، یک برنامه اسلامی است و تاکنون هم هر چه اینها گفته اند و طرح داده اند من ندیدم یک چیزی باشد که خلاف اسلام باشد و بخواهند این را ، ولی شایعات زیاد است . یک کلمه که گفته می شود که اراضی موات گرفته می شود یکدفعه شایع می شود به اینکه می خواهند خانه های مردم و زمین ها را بگیرند از مردم . اما اشخاص غیر مسؤول اگر یک حرفی ، نطقی بکنند ، توی روزنامه یک چیزی بنویسند ، اینها میزان نیست . هر وقت خود دولت صحبت کرد ، سخنگوی دولت صحبت کرد آن میزان است . روزنامه ها خیلی چیزها همین طوری می نویسند یا یک اشخاصی که غیر مسؤولند یک حرف هایی می زنند این مربوط به دولت و مربوط به اسلام نیست ما روی خط اسلام باید عمل کنیم من تا زنده هستم از خط اسلام نمی گذارم دولت خارج بشود و من امیدوارم خودمان هم خارج نشویم .

### **لزوم همیاری دولت و ملت در رفع حوائج یکدیگر و بازسازی ایران اسلامی**

و شماها سرگرم کارتان باشید لکن این مطلبی را که به شما گفتم خیلی در نظر داشته باشید ، خیلی توجه داشته باشید ، شما فکر بکنید اینها فرزندان خودتان هستند شما فکر کنید که یک فرزندی دارید برود منزل برای بچه اش نان نداشته باشد به شما چه می گذرد . فکر این را بکنید یک قدری افکارتان را بیاورید توی این جمعیتی که زیر دستتان هست ، توی این جمعیتی که زاغه نشین هستند ، توی این جمعیتی که هیچی ندارند . البته دولت هم مشغول است لکن بی انصاف ها اینقدر خرابی کرده اند و رفته اند که به این زودی نمی شود اصلاحش کرد . هر جا شما دست بگذارید خرابی است . هر چه توانستند بانک ها را چاپیدند و رفتند ، به عنوان قرض . الان این چیزهایی که اینها گذاشته اند از قبیل عمارات و اینطور چیزهایی که گذاشته اند ، همه اش را قرض کرده اند و برده اند که باید قرض اینها را بدهند . اینطور نیست که این ثروت را ما اکثراً خیال می کردیم خوب ، برای اصلاح حال فقرا همین که اینها گذاشتند کافی است ، ما هم اینها را بنیاد مستضعفین درست کردیم بعد که رسیدگی کردند دیدند چه . اینقدری که اینها چاپیدند و رفتند و این اخیراً قرض کردند و همچو که فهمیدند که امکان دارد که بروند قرض کردند از همه بانک ها با هر طوری که توانستند چاپیدند و بردند این بنیاد مستضعفین هم



آنقدر سرمایه دیگر ندارد. معلوم شد اینطورها نیست که ما خیال می کردیم که کافی است برای ما. ما باید دستمان را باز پیش ملت دراز کنیم برای اینکه این مستضعفین و این بیچاره ها و این زاغه نشین ها را نجاتشان بدهیم، باید به ملت رجوع کنیم و ملت این کارها را بکند. همه مان یعنی با هم، همه مان روی هم رفته دست به هم بدهیم که یک وضع متوسطی برای اینها حاصل بشود که نه بی انصافی باشد نسبت به برادرهای هم نوع شما اینها را برادر خودتان حساب کنید، کارگرها، کارگردان ها را نوکر حساب نکنید، برادر حساب کنید، فرزند حساب بکنید. حوائجشان را ببینید چه، برای اولادتان حوائجی اگر داشته باشد هر چه بتوانید بر می آورید، اینها آنقدرها نمی خواهند، آنقدری که یک زندگی متوسطی، همچو نباشد که هر چه را دست بگذارد، نداشته باشد، این اسباب این می شود که خدای نخواستہ یک وقت غیر آنطوری که ما فکر می کنیم بشود. خداوند انشاءالله همه شما را حفظ کند و همه تان، همه تان در فکر این باشید که این مملکت را راهش بیندازید. اینکه شما خیال کنید دولت تنها بتواند، نمی تواند. مسأله این نیست که دولت بتواند کار بکند. یک قشر از مردم بتوانند، نمی توانند. باید هر کس در هر جا هست مشغول بشود به خدمت تا اینکه بشود این کار را انجام بدهیم. من که اینجا نشسته ام و یک طلبه هستم به اندازه طلبه ای به مردم سفارش کنم و چه بکنم و شما که صاحب کارخانه هستید و خداوند به شما عنایت کرده، شما هم به اندازه خودتان کار را انجام بدهید. کشاورزان هم به اندازه خود، هر کس در آن محیطی که هست آنجا را درست بکند. انشاءالله بلکه ایران به دست همه درست بشود تا دوباره چپاولگران نیابند همه چیز شما را ببرند. هر چه نتیجه عملتان است چپاولگران به صورتهای مختلف و به جهات مختلف ببرند. این بسته به این است که خود ما قیام کنیم به امر و گمان نکنیم که مطلب دیگر تمام است. نخیر، مطلب تمام نیست. الان ساختن برتر از سابق است، سابق برای بیرون کردن آنها خیلی معونه نمی خواست یعنی جز معونه مشت و فریاد، اما حالا محتاج به عمل است و همه عمل می کنند. و همه برای خدا عمل بکنند. انشاءالله خداوند همه شما را مؤید کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اقشار مختلف مردم

واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا

بسم الله الرحمن الرحيم

من باید به یک واقعیتی ملت ایران را تذکر دهم واقعیتی که شاید باز هم تذکر داده باشم لکن اهمیت موضوع موجب می شود که من باز به ملت ایران تذکر دهم .

کوشش های زیادی در ظرف قریب 20 سال شد تا گروه های مختلف ملت را به هم پیوست ، کوشش هایی شد تا آنکه تبلیغات اجنبی ها ، آنهایی که می خواستند ما را غارت کنند و عقب نگه دارند خنثی شد . کوشش ها شد تا گروه های مختلف ملت را به هم پیوست ، جوانان دانشگاهی را با جوانان روحانی پیوند داد ، کارمندان دولت را با بازاری و روحانی و دانشگاهی به هم پیوست . این قشرها ، قشرهای مختلف از کارگر تا دهقان تا کشاورز ، بازاری ، روحانی ، دانشگاهی ، تمام قشرها به هم پیوستند و به هم جوش خوردند . زحمت های زیاد ، کوشش فراوانی شد تا این متفرقات مجتمع شدند تا این قطره ها دریا شدند ، تا این قطره جدای از هم به یک شکل سیل بنیان کن در آمدند و بنیان ظلم و جور و دست های اجنبی را از بیخ و بن کنند و قطع کردند و شما ملت بزرگ ایران ، از شهرستانی ها گرفته تا دهات و قصبات ، بانوان محترم و برادران عزیز ، بدون توجه به گرفتاری های خودتان همصدا با هم این سد بزرگ انسانیت را شکستید . من می ترسم که در این نیمه راه زحمت هایی که تاکنون کشیده شده است ، به واسطه نادانی یک عده و غرض ورزی عده دیگر از بین برود و خون جوانان ما هدر رود . شما می بینید که در ظرف دو ماه ، سه ماه که از پیروزی شما گذشته است و همه دیدید در پناه وحدت کلمه و در پناه قدرت اسلام این پیروزی را تحصیل کردید و رمز پیروزی شما ایمان و وحدت کلمه بود ، در ظرف یکی دو ماه قریب صد گروه با اسم های مختلف اظهار وجود کردند یعنی آن انسجامی که ملت به هم پیدا کرد و آن وحدتی که ملت پیدا کرد و اجانب احساس کردند که با وحدت کلمه ملت و با قدرت ایمان هیچ قدرتی نمی تواند مقابله کند با این قدرت ، در صدد بر آمدند این قدرت را تضعیف کنند ، هم قدرت اسلامی را و هم وحدت کلمه را . زحمت های چندین ساله ای که برای انسجام گروه های مختلف و برای وحدت کلمه بود ، اجانب در صدد بر آمدند که به هدر بدهند این زحمت ها را و با دستهای ناپاک خودشان و با بی توجهی به بسیاری از اشخاصی که ادعای همه چیز می کنند ، این زحمت ها نزدیک است به هدر برود . ما گروه های مختلف را مجتمع کردیم و این سد را

شکستیم و الان گروه های مختلف حدود صد گروه تاکنون اظهار وجود کرده اند و این اظهار وجود منتهی به معدومیت همه خواهد شد .

ای احزاب مختلفیه ای گروه های مختلف! اگر شما برای کشور خودتان دلسوز هستید و برای ملت خودتان دلسوز هستید ، باید بدانید که این ایجاد گروه های مختلف برای ملت سم قاتل است و کشور شما را باز به حال اول خدای نخواستہ بر می گرداند . ای اشخاصی که داد از ملیت می زنید ، داد از دوستی با ملت می زنید ، داد از دوستی با مستضعفین می زنید ، این اظهار وجودها ، این گروه گروه کردن ملت موجب این می شود که ملت شما باز به حالت اول برگردد . شما دارید رمز پیروزی ملت را از دست می دهید . شماها که حسن نیت دارید در تحت تأثیر شیاطینی که سوء نیت دارند واقع شده اید . خدای تبارک و تعالی می فرماید (واعتصموا بحبل اللہ جمیعا و لا تفرقوا) امر به اجتماع و نهی از تفرق . شماها اجتماع مسلمین را به هم می زنید و موجب تفرقه می شوید .

هواهای نفس را کنار بگذارید ، با ملت در یک مسیر بروید . این ملت جوانهای خودش را از دست داد ، این دانشگاه زحمت کشید ، این مدرسه ها زحمت کشیدند ، این مدرسه فیضیه کشته داد ، قرآن ها را در این مدرسه فیضیه بی احترامی کردند ، بلکه گفته بود آتش زدند . ما زحمت کشیدیم و روحانیون را با دانشگاه آشتی دادیم و تبلیغات سوء اجانب را خنثی کردیم و شما در این وقت ، در وقتی که ما احتیاجمان به وحدت بیشتر است موجب تفرق دارید می شوید . این خدمت به خلق است؟! این خدمت به کشور است؟! این گروه گروه شدن خدمت به انسانیت است؟! خدمت به مستضعفین است؟! یک قدری تأمل کنید و یک قدری در کارهایتان تجدید نظر کنید .

گروه گروه می شوید و هر گروهی مخالف گروه دیگر . اگر همه در یک مسیر می رفتید ، باز مضایقه نبود که گروه هایی همه در مسیر واحد لکن دست های خبیث اجانب در کار است که شما را ندانسته گروه گروه کند و مخالف با هم . آنهایی که می خواهند ما را بچاپند و ذخائر ما را ببرند و ما را به اسارت بکشند ، مشاهده عینی کردند که دو چیز برای ما پیروزی آورده است و به این دو چیز حمله کردند : یکی ایمان ، اسلام ، یکی وحدت کلمه . با دست عمال خودشان ، این رمز پیروزی که دارای دو جهت بود به هر دو حمله کردند و در سطح وسیعی در ایران مشغول تفرقه افکندن شدند ، تفرقه در همه اطراف ایران ، احزاب مختلفیه ، گروه های مختلفیه ، جبهه های مختلفیه و مع الاسف همه با هم مخالف . این وحدت کلمه را دارند از ما می گیرند . قدرت ایمان بود که شما رابه این پیروزی رساند و آنها مشاهده عینی کردند که ایمان منشأ شکست آنها شده است این را هم دارند در آن خدشه می کنند . آنهایی که با اسلام مخالفند ، امروز اگر چنانچه عقل دارند مخالفت نکنند که اسلام پیروز می کند آنها را . آنها که نوکر اجنبی هستند حسابشان معلوم است . این یک نگرانی است برای من که زحمت های چندین ساله اشخاصی که دنبال این بودند بین قشرهای مختلفی آشتی بیندازند و تبلیغات باطل اجانب را خنثی کنند و بحمدالله کردند و پیروز شدند ، این اجتماع به هم بخورد و تفرقه حاصل شود .

یک نگرانی دیگری که ما داریم این است که دوست هائی که نادان هستند توجه به مسائل ندارند

موجب این بشوند که اسلام را طور دیگری نشان بدهند. ما امروز رژیم جمهوری اسلامی داریم. ما امروز تمام قشرهایمان مدعی هستند که جمهوری اسلامی هستیم، که رژیم ما جمهوری اسلامی است، دادگاه های ما دادگاه های اسلامی است، کمیته های ما کمیته های اسلامی است، پاسدارهای ما پاسدار اسلامی است، ارتش ما، ژاندارمری ما، شهربانی ما، قوای انتظامی ما اسلامی است، دولت ما اسلامی، ادارات ما اسلامی ما همچو ادعا داریم. من خوف آن دارم که به واسطه کارهایی که از قشرهایی که غرض ندارند لکن نادان هستند کارهایی صورت بگیرد که مکتب ما را آلوده کند و بد معرفی کند، ما شکست بخوریم در مکتب، اسلام دفن بشود.

اگر کمیته ها، چه آنهایی که در آنها بعضی معممین هست و چه آنهایی که نیست اگر خدای نخواستہ بر خلاف موازین اسلامی عمل کنند، مکتب ما را شکست می دهند و این مسؤولیت بزرگی است برای معممین. اگر خدای نخواستہ در شهرستان ها، در جاهایی که علما و روحانیون هستند یک اختلاف نظری باشد که منتهی به اختلاف ظاهر بشود، مکتب ما خدشه دار می شود و این مسؤولیت بزرگی است متوجه به روحانیون. اگر دادگاه های ما بر خلاف موازین اسلامی، بر خلاف عدالت رفتار کنند مکتب ما خدشه دار می شود. اگر پاسدارهای ما که پاسدار جمهوری اسلامی هستند، پاسدار انقلاب اسلامی هستند کاری بکنند که بر خلاف موازین پاسداری باشد، مکتب ما خدشه دار می شود و این مسؤولیت بزرگی است. ما اگر در رژیم سابق شکست می خوردیم و کشته می شدیم لکن مکتب ما محفوظ بود غم نداشتیم، نگرانی نداشتیم.

ما اگر در رژیم سابق بعضی کارهای خلاف فرض کنید می کریدم به مکتبمان مربوط نبود، امروز اگر کار خلاف بکنیم مکتب شکست می خورد. مصیبت آن است که مکتب شکست بخورد سیدالشهدا (علیه السلام) شهید شد با همه اصحاب و عشیره لکن مکتب جلو رفت، شهادت او مکتب را جلو برد. ما هم اگر در آن رژیم شهید می شدیم و شما هم اگر شهید می شدید، مکتب جلو می رفت لکن با اعمال ما، با کردار ما، با گفتار ما، با قلم های ما، با قدم های ما اگر امروز کارهای خلاف واقع بشود، مکتب متزلزل می شود. مصیبت بزرگ این است که مکتب از دست برود، مکتبی که انبیا برای آن کشته شده اند، مکتبی که اولیا برای آن کشته شده اند.

ملت ایران! بانوان محترم! برداردان محترم! به داد اسلام برسید اسلام امروز امانت است در دست شما، خیانت نکنید به این امانت. روحانی! دانشگاهی! بازرگان! دهقان! کارگر! شهری! دهاتی! عشایر! اسلام امروز در خطر است، نه ما. خطر برای ما بود اشکال نبود. اسلام را دریابید، کارهای خلاف ما اسلام را بد جلوه می دهد، اسلام را دفن می کند که تا آخر به آن توجه نشود. قلم ناپاک، چشم های ناپاک در صدندند که از شما خرده گیری کنند و مکتب شما را بد جلوه دهند و بگویند این هم جمهوری اسلامی، چنانچه در کارخانه ها می روند و می گویند، چنانچه قلم های خائن می نویسد. ما امروز از دوستان می ترسیم، دیروز از دشمن ها می رسیدیم. آن ترس خیلی زیاد نبود، اشکالی نبود. امروز از دوست ها می ترسیم که این دوست های بی توجه به عمق مسائل، بی توجه به موقعیتی که الان ما

در آن واقع هستیم کاری نکنند که مکتب ما در دنیا مکتب فاسد قلمداد شود، مکتب عقب مانده قلمداد شود. این است که ما را رنج می دهد، این است که ما را نگران کرده.

امروز بر همه ما، بر همه ملت، بر بانوان، بر برادران، بر علما، بر دانشگاهی ها، بر وکلا، بر وزرا، بر همه قشرهای ملت است که احتراز کنند از اختلاف و احتراز کنند از کارهایی که مخالف با نهضت اسلامی است، مخالف با جمهوری اسلامی است. دست از اختلافات بردارید، در یک امور جزئی با هم اختلاف نکنید، امروز روز اختلاف نیست. دست از هواهای نفسانی بردارید، برای ریاست کمیته و پاسداری و اینها خدای ناخواسته خلاف نکنید. امروز روز هوای نفس نیست. امروز روزی است که سرنوشت شما، سرنوشت اسلام، سرنوشت قرآن باید معلوم شود. با هم برادر باشید. دانشگاهی ها با ما برادرند، ما خدمتگزار آنها هستیم. برادران دانشگاهی! توجه کنید که شما را جدا نکنند از روحانیون. برادران روحانی! توجه کنید که شما را جدا نکنند از دانشگاهی ها. همین چند روز در اصفهان، در مشهد، در تهران اساس یک خلاف را دارند طرح ریزی می کنند که دانشگاه را از روحانی جدا کنند. بعضی منبرهای نادان و بعضی دانشگاهی های نادان می خواهند این دو قشر را از هم جدا کنند، طرحش را ریخته اند در یک موقعی که موقع طرح قانون اساسی است، در یک موقعی که موقع نتیجه گیری است، در یک موقعی که نزدیک به ماه مبارک رمضان است و اجتماعات شما برای آنهایی که می خواهند ایران را از بین ببرند خطر دارد. ماه مبارک، ماه اجتماع است، ماه وحدت است، ماه خداست. در یک همچو موقعی قبل از ماه رمضان و موقع نتیجه گیری از این خون ها، از این زحمت ها، از این رنج ها طرح یک اختلاف بزرگ بین روحانیون و دانشگاهی ریخته شد، یکی جزوه می دهد لعن می کند یک کسی را، یکی جزوه می دهد تعریف می کند از کسی. هر دو خلاف است. هر دو امروز غلط است. دست بردارید از نادانی، شما را تحریک نکنند آنهایی که با اسلام دشمن هستند. خیانت به اسلام نکنید. این تفرقه امروز خیانت به اسلام است با هر اسمی که باشد. امروز سر ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) اختلاف کردن خیانت به اسلام است. امروز این حرف ها را طرح نکنید همه توجه به این معنا داشته باشید که این سرنوشتی که بناست برای ایران تحقق پیدا کند خوب باشد. با اعمال شما مبدا اسلام فراموش بشود، با اعمال شما مبدا اسلام دفن بشود. اگر دلسوز به اسلام هستید دست از تفرق بردارید، اگر دلسوز به ملت هستید دست از تفرق بردارید، اگر دلسوز به کشورتان هستید دست از این تفرقات بردارید. این طرح شیطنی که در اصفهان ظهور کرده و در مشهد و در تهران هم، این طرح شیطنی را خنثی کنید. سر یک نفر آدم که آیا کافر است یا مسلم، تو سر هم ننزید، توجه به مسائل کنید، شما را می خواهند به جان هم بریزند و آنها نتیجه بگیرند. خداوند انشاءالله ما را از غفلت بیدار کند. خداوند انشاءالله اجتماع ما را حفظ کند. خداوند انشاءالله تفرقه اندازها را هدایت کند. خداوند انشاءالله اسلام را پیروز کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه

### شکست ظاهری و شهادت اهل حق به نفع اسلام است

بسم الله الرحمن الرحيم

من باید با آقایان روحانیون و پاسدارهای محترم و سایر آقایان محترم که تشریف دارند، خطرهایی که حالا به ما متوجه است و اشکالاتی که در حال حاضر ما داریم و موضعی که ما در اینوقت داریم فی الجمله عرض کنم و من در مجامع دیگر هم مطلب را چون اهمیت دارد گفته ام و باز هم تکرار می کنم.

موضع ما الان از دو جهت حساستر از اوقات دیگر است. در رژیم سابق و آنوقتی که همه شما و همه قشرها مشغول مبارزه بودند با رژیم سابق، آنوقت رژیم، رژیم طاغوتی بود و شما هم بر ضد طاغوت قیام کرده بودید اگر ما در آن روز شکست می خوردیم، کشته می شدیم اشکالی خیلی نداشت برای اینکه یک لشکر اسلامی، یک لشکر الهی با لشکر طاغوتی مقابله کردند و شکست خوردند، یک شکستی که اولیاً خدا هم در مقابل طاغوت گاهی شکست می خوردند و این شکست در آن حال به ضرر اسلام تمام نمی شد، به نفع اسلام بود و قدرت اسلام و صحت مکتب ما بیشتر ثابت می شد. به وجهی نظیر مبارزه حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه با دولت وقت که دولت طاغوتی بود. شهادت سیدالشهدا به اسلام هیچ لطمه ای وارد نیاورد، اسلام را جلو برد. اگر نبود شهادت ایشان، معاویه و پسرش اسلام را یک یک جور دیگری در دنیا جلوه داده بودند به اسم خلیفه رسول الله، با رفتن در مسجد، اقامه جمعه و امام جمعه بودن، اقامه جماعت و امام جماعت بودن. اسم، اسم خلافت رسول الله و حکومت، حکومت اسلام لکن محتوا بر خلاف. نه حکومت، حکومت اسلامی بود به حسب محتوا و نه حاکم حاکم اسلامی. سیدالشهدا سلام الله علیه این نقشی که اینها داشتند برای برگرداندن اسلام به جاهلیت و نمایش دادن اسلام را به اینکه این هم نظیر همان چیزهای سابق است آن را باطل کرد. و اگر هم در این مبارزه ای که می کردیم شکست می خوردیم، کشته می شدیم، اسلام از او ضرری نمی دید بلکه اسلام نفع می دید برای اینکه یک جبهه مجاهد اسلامی با یک عده طاغوت مبارزه کردند، مبارزه شان هم بین حق و باطل بود منتها باطل قوه اش زیاد بود و آنهایی که اهل حق بودند شهید شدند، لکن حالا وضع چه جور است؟ آنوقت رژیم، رژیم طاغوتی بود و حکومت وقت حکومت طاغوتی بود و همه دستگاه ها دستگاه های طاغوتی بودند و لکن حالا که حکومت ما می گوئیم اسلامی، همه تان رأی دادید به

جمهوری اسلامی و رژیم تغییر کرد از رژیم سلطنتی به حکومت جمهوری اسلامی، الان ما که معمم هستیم و شما که پاسدار هستید و سایر قشرهایی که در این مملکت هستند، همه در حکومت اسلامی هستید، همه ما در جمهوری اسلامی واقیم، الان رژیم ما جمهوری اسلامی است، آن خطری که الان متوجه به ماست خطر کشته شدن نیست، خطر شکست یک جمعیت اسلامی در مقابل طاغوت نیست، آنها اصلا خطر نیست. آن خطری که الان برای ماست اینست که مکتب ما شکست بخورد، اسلام شکست بخورد. این خطر بزرگترین خطری است که الان متوجه به ماست و آنکه ما را تا اینجا رساند و پیروز کرد این بود که با هم قشرها اختلاف نداشتند، همه با هم فریاد می کردند که جمهوری اسلامی می خواهیم، فرقی ما بین شهر و ده نبود، مرکز و سرحدات نبود، همه دست به هم دادند و فریاد کردند که ما جمهوری اسلامی می خواهیم و این دو جهت که یکی وحدت کلمه همه بود، اکثرا با هم بودند و یکی هم مقصد، مقصد اسلامی بود، شما را پیروز کرد. شما الان یک لشکر فاتح هستید. اما لشکرهای فاتح در سابق هم غالبا اینطور بوده که بعد از فتح طوری می شد که شکست می خوردند. امروز من برای یک جمع دیگر که صحبت کردم هیتلر را مثال زدم که حرکت کرد و نهضت کرد و زد و کشت و فرانسه را فتح کرد و سایر کشورها را فتح کرد و حمله کرد به شوروی، با آن قدرتی که شوروی داشت، فتح کرد بسیاری از جاها را لکن نتوانست نگه دارد، آن فتح و پیروزی که کرده است نتوانست نگه دارد. چون نتوانست نگه دارد شکست خورد و منتهی شد به آنجائی که خودکشی می گویند کرد. فاتح ها همیشه تقریبا اینطوری بودند که بعد از اینکه فتح می کردند، یک عواملی پیدا می شد که اینها را به شکست منتهی می کرد.

### **تخطی از موازین، خطری برای اسلام و حربه ای به دست دشمنان**

من خوف این را دارم که شما که یک لشکر اسلامی، ملت اسلامی فاتح هستید الان و فتحی هم کردید که همه دنیا را به اعجاب آوردید، عواملی پیدا بشود که شکست بخورید و شکست هم از ناحیه خودتان باشد، نه از ناحیه دشمن. من خوف این را دارم که ما، چه طبقه روحانیون و چه سایر طبقات که مهمش اینهایی است که مستقیما اسم اسلامی رویشان هست، دولت اسلامی، وزارتخانه های اسلامی، کمیته اسلامی، پاسداران اسلامی و دادگاه های اسلامی و این هائی که الان به اسم اسلام و لباس اسلامی دارند در حکومت اسلامی پاسداران اسلامی داریم و دادگاه اسلامی و همین طور کمیته، اگر در یک همچو موقعی ماها که ادعا می کنیم که ما هم پاسدار هستیم و شماها هم که پاسدار هستید، در یک همچو موقعی ما یک کارهایی انجام بدهیم که آنهایی با ما مخالف اند و دشمن اند، آنها مراقب هستند و با کمال مراقبت به کارهای ما چشم دوخته اند، ما یک کارهایی انجام بدهیم که این کارها با محتوای جمهوری اسلامی موافق نباشد. این شکست مسلم در مقابل کافر نیست، شکست سیدالشهدا در مقابل یزید نیست، این شکست اسلام است. ما ادعا کردیم که جمهوری اسلامی داریم و ادعا کردیم که حکومت اسلامی تنها حکومت عادلانه است، تنها حکومتی است که از رئیس جمهورش تا پاسبانش تابع اسلام

است، نه رئیس جمهورش می خواهد بزرگی بفروشد به پائین ترها نه پائین ترها می خواهند مردم را از باب اینکه مثلا نظامی است، پاسدار است مردم را آزار بدهند، این چیزی است که ما ادعایش داریم می کنیم. جمهوری اسلامی یعنی یک حکومت عادلانه اسلامی چنانچه مملکتی که اسلامی است و جمهوری در تحت لوای اسلام دارد اداره می شود، این مملکت هم باید اجزانش اسلامی باشد. اگر چنانچه در این مقطعی که از زمان ما هستیم و در اینوقتی که ما ادعای تبدیل طاغوت به اسلام، همچو ادعائی را داریم، اگر چنانچه ما که معمم هستیم و شما که پاسدار هستید بر خلاف آنطوری که باید پاسدارهای اسلامی، روحانیون که پاسدارند و شماها که پاسدارید بر خلاف آن اگر یک وقت یک عملی صادر بشود ولو از یک مصداق، یک فرد صادر بشود و دیگران جلویش را نگیرند، آنهایی که الان متوجه اند که به ما اشکال کنند، یکی را هزار می کنند و در بوق تبلیغاتی در خارج و در داخل منتها در داخل به یک طرز دیگر و در خارج با صراحت که: (اسلام هم همانست، تغییری حاصل نیست، اسلام اصلش همین طوری است، اسلام هم مثل رژیم شاهنشاهی است منتها اینها حالا یک اسمی جای یک اسمی گذاشته اند. رأی داده اند فقط به یک چیزی اما محتوا، محتوای دیگری است. یک چیز دیگری است. اسلام اینجوری است آنوقت سازمان امنیت مردم را آزار می کرد، حالا پاسداران اسلامی، آنوقت روسای طاغوتی به مردم تعدی می کردند حالا روسای جمهوری اسلامی.)

آنوقت روحانیون در زمان طاغوت بودند، اگر یک کاری از بعضی شان صادر می شد مردم می گفتند که اینها ساواکی هستند، یکی کار خلاف می کرد نمی گفتند که اینها نوکر اسلامند و این کار را می کنند می گفتند اینها جزء ساواکند. امروز اگر از یک روحانی صادر بشود کی می گوید ساواکی است؟ هیچ کس، کی می گوید که الزام دارد به این کار؟ اگر امروز یک خطائی از یک نفر معمم صادر بشود و سایرین جلویش را نگیرند و اعتراض نکنند، جنگ لازم نیست، اعتراض، گفتن، نهی از منکر. در خارج آنهایی که دشمن شماها هستند منعکس می کنند که جمهوری اسلامی با رژیم شاهنشاهی هیچ فرقی ندارد فقط یک اسمی تغییر کرده و الا واقع همان واقع است، دلیلش هم اینست که این پاسدارها ببینید مثل ساواکی عمل می کنند، این کمیته ها ببینید مثل مثلا چه عمل می کنند، این دادگاه ها را ببینید مثل همان دادگاه های طاغوتی است و هکذا و هکذا. آنکه امروز نگرانی دارد، آنکه امروز مصیبت است برای ما این است که مکتبمان یعنی اسلامان در معرض این است که دنیا به آن پشت بکنند و با اعمال ما دفنش کنند، فکری برای این باید کرد. تا ما خودمان را اصلاح نکنیم نمی توانیم بگوئیم که ما یک اشخاصی هستیم که برای خدا داریم کار می کنیم، می خواهیم اصلاح کنیم مردم را. تا آقا خودشان صالح نباشند نمی توانند دعوت به صلاح بکنند. کسی که خودش خدای نخواستہ پایش را کج می گذارد اگر به مردم بگوید پایت را راست بگذار مسخره اش می کنند، می گویند اگر پا راست گذاشتن صحیح بود خودت بگذار. اگر شما که پاسدارید و مدعی هستید که ما برای پاسداری خدمت می کنیم به اسلام می خواهیم خدمت کنیم، اگر خدای نخواستہ همانطور که در رژیم سابق گاهی می ریختند منزل یک کسی و اثاثش را می بردند، زن و بچه اش را به زحمت می انداختند، اگر حالا هم از یکی از شما خدای



نخواستہ یک همچو چیزی صادر بشود و دیگران جلوییش را نگیرند و تربیتش نکنند، نهی اش نکنند، این حربہ را دست دشمن ما می دهد و می گوید پاسداران اینجوری اند. نمی گوید آن یک آدم اینجوری است، نمی گویند این یک روحانی ملبس به این لباس اینطوری است، می گویند آخوندها اینطورند و پاسدارها اینطورند. این خطر را چه جور باید رفع کرد؟ ما الان مواجهیم با این.

### امر به معروف و نهی از منکر، تکلیف همگانی امت است

الان مکلفیم ما، مسوولیم همه مان مسوولیم، نه مسوول برای کار خودمان مسوول کارهای دیگران هم هستیم (کلکم راع و کلکم مسؤل عن رعیتہ) همه باید نسبت به همه رعایت بکنند، همه باید نسبت به دیگران، مسؤلیت من هم گردن شماست، شما هم گردن من است. اگر من پایم را کج گذاشتم شما مسوولید اگر نگوئید چرا پایت را کج گذاشتی، همه روحانیون باید به او هجوم کنند که چرا بر خلاف موازین؟ سایر مردم هم باید بکنند و نهی از منکر اختصاص به روحانی ندارد، مال همه است، امت باید نهی از منکر بکند، امر به معروف بکند. اگر ما ملت که الان مدعی هستیم که رژیم ما اسلام است، حکومت، حکومت عدل است و امثال ذالک و به دنیا هم اعلام کردیم و دنیا هم شناخته مملکت ما را به اسم جمهوری اسلامی، ممالک دیگر شناختند اکثرا و الان ما را یک رژیم اسلامی می دانند، اگر چنانچه ما محتوای این رژیممان اسلامی نباشد و کارهایی که می کنیم منطبق نباشد با قوانین اسلام، سر یک قضایای جزئیہ ای با هم معارضه بکنیم، سر یک قضایای جزئیہ ای با هم دشمنی بکنیم، سر یک دیگران کارشکنی بکنیم که همه اینها مخالف با قواعد اسلام است، اگر یک همچو چیزی بشود و دنیا بگوید که اسلام هم همین است، همین رژیم است، دیگر همه سر یک کرباس هستید. این قضیه این نیست که ما در یک جنگی شکست خوردیم، سیدالشهدا سلام اللہ علیہ از یزید شکست خورد همه را کشتند لکن همچو شکستی به رژیم معاویہ داد که تا ابد دفن شان کرد. ما اگر کشته می شدیم در این نهضت شاید ما هم دفن می کردیم رژیم را، اما حالا- که ما پیروز شدیم و رسیدیم به این مرتبه، اگر اختلافات بین خودمان حالا شروع بشود، اگر نزاع های شخصی بین خودمان حالا شروع بشود، اگر سر یک کارهایی جزئی با هم اختلاف بکنیم، اگر خدای نخواستہ پاسداری برود منزل مردم و تعدی بکند، اگر دادگاهی رأی بر خلاف اسلام بدهد، اگر کمیته ای بر خلاف موازین اسلامی عمل بکند، این دیگر پای این حساب نمی شود که در رژیم طاغوتی دارد این کارها می شود. در رژیم اسلامی دارد این کار می شود، در حکومت اسلامی دارد این کار می شود، این پای اسلام حساب می شود، دشمن های ما این را پای اسلام حساب می کنند. یکدفعه می بینیم که در همه روزنامه های خارج صریحا نوشتند به اینکه اینها همان است فرقی ندارد. اینجا هم که جرات نمی کنند به طور صحیح بنویسند، به طور کنایه می نویسند. الان خوف از این دشمن ها بیشتر از خوف محمدرضا بود، محمدرضا جنگ بود و نزاع بود و زد و خورد بود و بحمداللہ زدید و بیرونش کردید. حالا که جنگ نیست، الان جنگ قلم است، الان

جنگ اعصاب است، آن جنگ نیست که آسان است. الان یک همچو جنگی هست که در خارج و داخل قلم ها را برداشته اند و می خواهند بر ضد اسلام چیزی بنویسند، نه برضد من و شما و زید و بکر، بر ضد اسلام. اینها از اسلام می ترسند، از من و تو نمی ترسند اینها از اسلام می ترسند. اسلام بود که جوانهای ما را غلبه داد بر توپ و تانک و همه چیزها، بر همه قدرت ها ملت ما را غلبه داد. اگر این پاسبان های ما بعد از این غلبه یک کاری بکنند که اسباب شکست اسلام بشود، این مسؤولیت غیر مسؤولیت آدمکشی است، غیر مسؤولیت گناه هاست، این یک گناهی است که قابل بخشیدن نیست. اگر ما اسلام را آنطوری که هست بر خلاف آنطوری که هست نمایش بدسیم به خارج، عرضه کنیم به خارج، این شکست اسلام است، نه یک معصیت، قضیه معصیت نیست. این آنی است که انبیا سرش کشته شدند، آنی است که اولیا سرش کشته شدند. دین حق دینی است که اولیا و انبیا کشته شدند سرش! اگر کسی یکی از انبیا را بکشد، یا اسلام را کاری بکند، این گناهِش بالاتر از او هست. انبیا برای اسلام کشته شدند، این از نبی کشتن بالاتر است، این از سیدالشهدا کشتن بدتر است. سیدالشهدا برای اسلام خودش را به کشتن داد، همان اسلامی که حالا دست ما افتاده و مع الاسف بعضی از ما بازی می کنند با او.

### رعایت حدود الهی و پرهیز از اختلاف به منظور حفظ اسلام

باید اصلاح کنید خودتان را، مسؤولیت زیاد است آقا، خیال نکنید که مسؤول نیستیم، من مسؤول نیستم، او مسؤول نیست. من عمامه ای مسؤولم، شمای غیر عمامه ای هم مسؤولید، بازاری مسؤول است، دانشگاهی مسؤول است. همه مسؤول هستیم، همه مراقب این باشیم که این مکتب محفوظ باشد. دشمن ها الان دنبال این هستند که مکتب ما را به تباهی بکشند برای اینکه آنی که از آن می ترسند این است. دشمن های ما از من و شما نمی ترسند. از مکتب ما می ترسند. آنها \_ شکسته خورده ای \_ که خودشان را شکست خورده می دانند، شکت خورده از من و شما نمی دانند، شکست خورده از ایمان شما می دانند. آنها فهمیدند، لمس کردند که یک دسته ای با هیچ با قدرت الله اکبر بر آنها غلبه کردند. اینها این قدرت را می خواهند از شما بگیرند و شما حفظش کنید، حفظش کنید، حفظش به این است که من معمم و هر کس که معمم هست، از حدود الهی یک کلمه، یک قدم برندارید، شمای پاسدارهای معظم (که خداوند حفظتان کند) از حدود پاسداری اسلام قدمی تجاوز نکنید. آن طبقه بازاری و آن طبقه اداری و آن دولت و آن ملت هم، همه در رژیم اسلامی الان واقع هستیم، همه در دولت اسلام الان هستیم، وظیفه دولت اسلامی را از دست ندهید. اختلافات را در یک اموری که نباید هم در آن اختلاف کرد این اختلافات را کنار بگذارید همه. این حزب بازی و نمی دانم گروه گروه که صد گروه به حسب آنطوری که در روزنامه ها بود، قریب صد گروه، در این چند هفته صد گروه اظهار وجود کرده اند، یعنی صد گروه کاری دارند می کنند که این انسجامی که پیدا شد و رمز قدرت شما بود به هم بزنند. صد گروه دشمن دارید شما منتها یک عده می فهمند و شاید اکثرا توجه ندارند.

این گروه گروه شدن همین طوری نیست که خیال بکنید که من باب اتفاق اظهار وجود می کنند،

هر روز در روزنامه ها می خوانید که گروه کذا هم اظهار وجود کرد ، بسیارشان به اسم اسلام است و خیلی شان هم غیر اسلامی ، هم آن که به اسم اسلام است حالا اشتباه دارد می کند ، هم آن که به اسم غیر اسلام است اشتباه می کند . همه باید تحت لوای لا اله الا الله باشیم ، همه یکی باشیم انشاء الله .

### توصیه به حسن استفاده از نعمت آزادی

خطر بزرگ است ، مسئولیت بزرگ ، مسئولیت من و آقایان زیادتر از شماست ، مسئولیت شما هم بزرگ است . از تحت این مسئولیت باید صحیح بیرون بیائیم . اصلا امتحان است ، خداوند یک نعمت بزرگی به شما داده است و الان تحت امتحان هستید . نعمت آزادی بالاترین نعمتی است که بشر دارد ، شما فاقد بودید این نعمت را نمی توانستید یک کلمه حرف بزنید ، نمی توانستید اینجا با هم مجتمع بشوید . امکان داشت برای شما؟ قبلا امکان داشت که ماها بنشینیم با هم صحبت کنیم؟ نمی گذاشتند کسی از این در داخل بشود ، اگر یک وقتی قاچاقچی داخل می شدید وقتی بیرون می رفتید توی سازمان امنیت باید بروید .

خدا به شما نعمت آزادی را داده و شما را در امتحان این آزادی قرار داده که ببیند که شما با این آزادی چه می کنید . آیا این نعمت خدا را کفران می کنید و با آزادی خودتان مردم را رنج می دهید یا این نعمت را تشکر از آن می کنید و این آزادی را حسن استفاده از آن می کنید . این چیزی است که من خودم را موظف می دانم در این زمان هر گروهی که می آیند همین مسائل را بگویم ، برای اینکه درد این است . درد این است که الان اختلافات زیاد ، گروه گروه ها زیاد ، آنها دارند باهم مجتمع می شوند ماها داریم از هم متفرق می شویم . باید همه بیدار بشویم ، همه توجه بکنیم ، همه اصلاح کنیم خودمان را که خدای نخواستہ تخلف نکنیم و همه توجه کنیم به اینکه اگر یکی تخلف کرد جلویش را بگیریم ، نه به داد و دعوا ، گفتن با ملایمت . اگر یک کسی یک کار خلافی کرد و صد نفر آدم با ملایمت سلام کرد ، تعارف کرد ، بگوید آن کار خوب نبوده ، تأثیر می کند در انسان و نمی تواند تخلف بکند .

خداوند انشاء الله شما پاسدارها را برای اسلام حفظ کند و شما آذربایجانی ها را که همیشه عزت اسلام بودید باز هم عزت اسلام قرار بدهد و همه ما را موفق کند به خدمت به اسلام و به مسلمین و به سایر کشورهایی که مستضعف هستند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان اهواز

### باید از طریق (عمل) محتوای اسلام را متحقق سازیم

بسم الله الرحمن الرحيم

من امیدوارم که حالا که مملکت مان یک مملکت اسلامی است و جمهوری اسلامی الان حکومت ماست و رژیم طاغوتی از بین رفته است و دست خیانتکارها و ظلمه کوتاه شده است، ما همه و شما دانشجویهای محترم و این دانشجویان، خواهران ما همه کوشا باشیم به اینکه اینطوری که باید و آنطوری که لازم است در جمهوری اسلام ما عمل کنیم. همچو نباشد که فقط لفظ باشد که ما جمهوری اسلامی هستیم لکن نه دانشگاه هایمان، نه دانشسراهایمان و نه دادگاه هایمان و نه پاسدارهایمان و نه کمیته هایمان هیچ کدام آن معنایی که باید در اسلام باشد در آنها نباشد. اگر خدا نخواست اینطور باشد که فقط یک رأی به جمهوری اسلامی دادیم و دیگر فکر این نباشیم که این جمهوری اسلامی باید همه چیزش اسلامی باشد، نه اینکه لفظ جمهوری اسلامی و محتوا غیر اسلامی، و این بسته به عمل همه هست خصوصاً قشر دانشجو و قشر اساتید دانشگاه، استاد‌های دانشسراها و آنهایی که جوانند و در صدد تعلم و دانش هستند و دانشجو هستند و می خواهند بعدها برای کشور خودشان مفید واقع بشوند.

### اهمیت تزکیه و تربیت همراه با تحصیل

بسیار اشخاص هستند که دانشمندند، خیلی هم دانشمندند لکن چون تربیت اسلامی ندارند و جودشان گاهی ضرر می زند به کشور و ضرر می زند به اسلام، این فرقی نیست مابین اینکه دانش، دانش علوم قدیمه باشد یا دانش علوم جدید، چه در جانب علماً اسلام و روحانیون و چه در جانب شما دانشجویها و دانشگاهی ها و سایر طبقاتی که در صدد تعلیم و تعلم هستند، اگر چنانچه فقط دنبال یاد گرفتن باشید، حالا- این یاد گرفتن همراه با یک تربیت صحیح و تزکیه نفس و درست راه رفتن نباشد، یک انباری از معلومات یا به قول سعدی که به تعبیری دیگر، قرآن هم همان تعبیر (مثل الذین حملوا التوریه ثم لم یحملواها کمثل الحمار یحمل اسفارا) کسی که یاد می گیرد لکن یاد گرفتنش همان یاد گرفتن است و به کار نمی بندد آن یاد گرفتن ها را، تربیت، تربیت انسانی نیست، در تعبیر قرآن کریم این است که مثل یک حیوانی، الاغی می ماند که به پشتش کتاب بار باشد. این کتاب فرق نمی کند که

پشت یک کسی باشد یا خیر، در مغز و در فکرش باشد، بلکه آن که در مغز و کتاب هست، تعلیمات هست لکن مربا به تربیت انسانی نیست این ضرر دارد برای جامعه، چه در جانب ما باشد و چه در جانب شما باشد هیچ فرقی نیست، چه علوم اسلامی و فلسفه اعلا باشد و چه علوم طبیعی و امور مربوط به طبیعت باشد. اگر همراه با تعلیم، تربیت نباشد، همراه با تعلم تربیت نباشد، تربیت انسانی نباشد یک حیوانی هست که انباری از معلومات دارد. اکثر این دین هائی که باطل بوده و درست شده است، به وسیله اهل علم درست شده است، غیر اهل علم دین سازی نکرده اهل علم دین سازی کرده و بسیار از این خیانت هائی که به کشور ما شده است از همین درس خوانده هاست. این درس خوانده ها هستند که کمک کردند به دستگاه و دکترها و نمی دانم کذا و اینها کمک کردند به دستگاه و پنجاه سال مملکت ما را به باد فنا دادند.

اگر دانشگاه ها درست نشود و مدرسه های ما هم درست نشود امید اینکه یک جمهوری اسلامی ما پیدا بکنیم نداریم. اگر این دو قشر تربیت شدند به طوری که اسلام می خواهد، تربیت انسانی شدند، هم مملکت ما مصون می شود از تصرف شیاطین و روی چرخ خودش گردش می کند بدون وابستگی به خارج و بدون خیانت های داخلی و هم ترقیات حاصل می شود برای شما. مهم در دانشجویی و در دانشجویی و در استادی و در شاگردی و در تربیت، در علم این است که یک تربیت صحیح همراه علم باشد، عالم تربیت شده به تربیت انسانی، که همان تربیت اسلامی است. کوشش کنید که هر قدمی که برای علم بر می دارید، برای عمل ظاهری و برای اعمال باطنی، ایجاد تقوا در خودتان، ایجاد استقامت، امانت در خودتان بکنید که وقتی از دانشگاه انشاءالله بیرون می آید یک انسانی باشید که هم معلومات داشته باشید و هم امانتدار باشید. برای معلوماتتان، هم امانتدار باشید و هم تزکیه نفس کرده باشید، نفس خودتان را مهار کرده باشید. نفس انسان سرکش است و سرکشی آن انسان رابه زمین می زند. همانطوری که انسان اگر سوار یک اسب سرکش باشد و مهار نداشته باشد این اسب سرکش انسان را به هلاکت می رساند، نفس انسان بدتر از هر سرکشی است. سرکشی نفس، انسان را به هلاکت می رساند. هر قدمی که برای تعلیم و تعلم بر می دارید همراه آن قدم، قدم باشد برای مهار کردن نفستان که از این سرکشی که دارد و آزادی که برای خودش فرض می کند که هیچ مهارتی در کار نباشد خودتان مهار کنید نفس خودتان را. اگر یک همچو تعلیم و تربیتی در یک کشوری باشد این کشور می تواند مستقل باشد، می تواند آزاد باشد، اقتصادش را می تواند تأمین کند، می تواند فرهنگش را درست کند و می تواند همه چیزش را اصلاح کند یک همچو کشوری دیگر حکومتش نمی تواند معوج بشود، ارتشش نمی تواند زورگو باشد، ژاندارمری اش نمی تواند تعدی بکند، شهربانی اش نمی تواند خلاف بکند. عمده این است که از دانشگاه ها، چه دانشگاه های علوم جدید باشد و چه دانشگاه های علوم قدیمه باشد، که مقدرات یک مملکت دست این دو قشر است، از اینها انسان بیرون بیاید، نه چهارپایی و بر دوشش کتابی چند، اینطور نباشد که تعلم باشد، دنبال دقایق علوم، شما در طرف علوم طبیعی و این طایفه هم در طرف علوم فقهی و الهی، دقایق علوم را بررسی کنید لکن از آن جهالاتی که در نفس است

و از آن سرکش هایی که در نفس است غفلت بکنید . اگر غفلت بکنید هر قدمی که در علم بردارید از انسانیت دور شده اید ، هی دورتر . انسانیت یک راه مستقیمی است ، یک راه مستقیم که اگر از این طرف کسی برود معوج است و بر خلاف انسانیت است و اگر از آن طرف هم برود بر خلاف است و آن کسی که اعوجاج پیدا کرد و راه مستقیم نرفت ، هر چه پیش برود دور می شود از راه انسانیت . مثل این می ماند که یک خط مستقیم بکشید ، دو خط اینطور ، هر چه این خط جلوتر بروند ، از خط مستقیم دورتر می شود . هر چه درس بخوانید و بخوانیم ، اگر چنانچه به راه مستقیم نباشیم و مهار نکنیم معلومات خودمان را و مهار نکنیم نفس خودمان را و در این راه مستقیم نکشیم نفس را ، هر چه معلومات زیادتر بشود ، از انسانیت ، انسان دورتر می شود و مشکلتر می شود انسان خودش را برگرداند . شما که الان جوان هستید و قوای جوانی را الحمدلله دارید و مبتلای به سستی پیری نشدید زود می توانید خودتان را اصلاح کنید . خیال نکنید که بگذاریم آخر عمر ، آنوقت توبه کنیم . آخر عمر توبه ممکن نیست برای آدم ، اگر از اول عمر دنبال قضیه نباشد ، خودش ، خودش را نسازد ، آخر عمر دیگر نمی تواند ، قوای شیطانی در انسان ریشه کرده و قوی شده و قوه خود آدم ضعیف شده و اراده اش ضعیف شده و کاری از او نمی آید . جوان ها قدر جوانی شان را بدانند که صرف کنند در علم و در تقوا و در سازندگی خودشان که اشخاص امین صالح بشوند که مملکت با اشخاص امین صالح می تواند مستقل باشد . همه این پیوستگی هایی که ما به خارج پیدا کردیم ، دنبال این بود که ما رجال صالح نداشتیم ، آنوقت اگر رجال صالحی بودند ، کنار بوند ، کنار گذاشته بودند ، آنهایی که در میدان بودند آنها رجال صالح نبودند ، دانشمند هم بودند اما رجال صالح نبودند ، به درد مملکت نمی خوردند و آنها بودند که ما را پیوسته به خارج کردند و سال های طولانی مملکت ما در حلقوم خارجی منافعش فرورفت و به ما آن کردند که الان می بینید که هیچ نداریم . شماها ذخائر این مملکت هستید ، جوانید ، دانشجو هستید ، ذخیره این مملکت هستید طوری بکنید که این ذخیره ها برای مملکت مفید واقع بشود و خودتان را اصلاح بکنید تا انشاءالله یک انسان های متعهد صحیح العمل امین ، کشورتان دست خودتان و خودتان اداره اش بکنید . آدم امین را هیچ کس نمی تواند معوجش کند ، اشخاصی که اعوجاج دارند اینها امانت ندارند ، اینها صلاحیت ندارند .

خداوند انشاءالله همه شما را ، هم خواهرها را و هم برادرها را که همه ارجمند هستید و ذخیره هستید برای این مملکت همه تان را حفظ کند و همه مان را به راه راست هدایت فرماید .

## بیانات امام خمینی در جمع پاسداران کمیته انقلاب اسلامی حصارک کرج

### جدیت در شناخت عوامل پیروزی و کوشش فراوان جهت حفظ آن

بسم الله الرحمن الرحيم

من اول راجع به آنچه گذشته است یک کلمه عرض می‌کنم و بعد آنچه باید در آینده بشود و ما تکلیف داریم راجع به آنچه گذشت و بحمدالله خوب گذشت. چه چیز اسباب شد که این ملت، این راه را رفت و پیروز شد و چه باید کرد که این پیروزی ادامه پیدا کند؟ چه بسا یک لشکری، یک جمعیتی پیروز بشوند به یک جمعیت یا ملت دیگر و خوب از عهده بر آیند لکن نتوانند حفظ کنند پیروزی خودشان را. بسیاری از این کشورگشاها بوده اند که زده اند، رفته اند و جلو رفته اند و فتح کرده اند لکن نتوانستند حفظ کنند. وقتی که به یک حدی رسیدند، یک جهاتی پیش آمد که نتوانستند حفظ کنند، شکست خوردند. این باید عبرت بشود برای کسانی که در یک میدان پیروز شدند و باز تنمّه دارد، نرسیده اند به مقصد. در همین جنگ های عمومی که شده است، یک وقت، یک سرداری با فشار و زور و با لشکر خیلی جرار جاهایی را گرفت و پیش رفت مثل هیتلر، پیش رفت فرانسه را گرفت و عرض می‌کنم - حمله کرد به شوروی و یک مقداری هم از شوروی گرفت لکن جهاتی پیش آمد که در همان جا شکست خورد و شکستن هم تا آخر تا ملزم شد (به طوری که گفته اند) خودش را بکشد.

ما نباید مغرور بشویم به این پیروزی که پیدا کرده ایم با اینکه پیروزی بزرگی بود، یعنی یک پیروزی بود که احتمالش را نمی‌دادند، شاید این حرکات ما را یک حرکات غیر عاقلانه می‌دانستند، حتی در این اواخر هم که خود آن مردک رفته بود و بختیار جایش بود باز ناصح های بی اطلاع نصیحت می‌کردند که باید ساخت دیگر با اینها، باید شورای سلطنتی را تأیید کرد و بعد رفت وکیل درست کرد و بعد از راه او مسأله را ختم کرد و شاید این پافشاری هائی که از طرف بعضی می‌شد، اینها صحیح نمی‌دانستند. حالا شما به یک پیروزی بحمدالله رسیدید و یک پیروزی بزرگی بود که هم یک قدرت بسیار بزرگ را شکستید و هم از کشور خودتان دست قدرت های بزرگ را کوتاه کردید. تا اینجا باید ما از همه ملت تشکر کنیم و این خدمتی که ملت کرد، این وحدت کلمه ای که پیدا کرد، این کوششی که کرد، این جان نثاری و فداکاری که کرد، در محضر خدای تبارک و تعالی مأجور است و مورد نظر ولی عصر (سلام الله علیه) است. تا اینجا خوب رفتیم و نتیجه هم خوب گرفتیم اما ما کارمان که به آخر نرسیده است، الان نه یک حکومت مستقر داریم، یک دولت انتقالی است، در عین حال که خوب است

لکن یک دولت متزلزل انتقالی است، و نه قانون اساسی که اساس هر کشوری هست الان داریم و نه یک رئیس جمهور داریم و نه یک مجلس شورا داریم که اینها اساس یک حکومت است و همه اینها باید باشد آنقدری که ما تا حالا به آن رسیدیم این است که با رأی و فرایند عمومی آن رژیم از بین رفت و به جای او جمهوری اسلامی آمد، الان ایران به عنوان جمهوری اسلامی در دنیا شناخته شده است، اما جمهوری اسلامی که فقط ما به آن رأی دادیم اما مجلس نداریم و رئیس جمهور نداریم و قانون اساسی نداریم اینها را باید درست کنیم. پس ما بین راهیم، مثل یک لشکر فاتح می ماند که زده و رفته و یک جایی را گرفته است لکن معلوم نیست که بتواند حفظش بکند. ما الان معلوم نیست که با این توطئه ها که هست و با این تفرق ها که موجود شده است و با این کارها که انجام می گیرد، بعد از پیروزی معلوم نیست سرنوشتمان چه خواهد شد، نگرانی داریم. تکلیف ما امروز چه هست؟ ما اگر بخواهیم پیروزیمان که تا اینجا رسیده به آخر برسد، چه بکنیم که حفظ بشود این پیروزی و مثل قضیه هیتلر نشود که محتاج بشود به خودکشی. ما باید بفهمیم چرا پیروز شدیم، این چرا را اگر فهمیدیم آنوقت باید کوشش کنیم که همان چیزی را که ما را پیروز کرده حفظش کنیم، اگر حفظش نکنیم، همان است که یک لشکر فاتحی آمده و نتوانسته بعدش را حفظ کند. اکثر فتح هائی که شده نتوانستند حفظ کنند بعد رفتند و رها کردند. حتی نادرشاه هم که رفت هندوستان را گرفت، آنجا دید نمی تواند حفظ کند یک قراردادی کرد و برگشت. حفظ یک نظامی، حفظ یک پیروزی از اصل یک پیروزی مشکلتر است و نکته اش هم این است: در آنوقت که یک جمعیتی دارند حمله می کنند برای گرفتن یک قلعه ای، همه توجه شان به گرفتن قلعه است، هیچ توجه دیگری ندارند، هیچ کس فکرش این نیست که ما امشب وقتی شب شد شام چه داریم، ناهار چه داریم، بچه مان کسالت دارد، هیچ در فکر نیستند، تمام قوای هر فرد دنبال این است که این فتح را بکنند، این قلعه را بگیرد و یک گروهی که با هم مجتمع شدند، همه یکصدا و قوای مختلفه جمع شده است و به حال حمله است، همه قوا مجتمع شده است و همه هم نظرشان یک چیز است و آن این است که این قلعه را باید ما فتح بکنیم، تا وقتی که رسیدند و فتح کردند و آنوقتی که در داخل قلعه بودند و نشستند و دیدند الحمدلله فتح کردیم، سستی ها شروع می کند پیدا شدن، خستگی ها، سستی ها، اختلاف ها، در داخل همان قلعه ممکن است که هم سستی برای این افرادی که آنوقت با این قدرت پیش رفتند، پیش بیاید و قدرت خودشان را از دست بدهند و هم تا حالا همه متحدالکلمه برای این فتح و پیروزی بودند حالا که خودشان را پیروز می بینند می افتند به گله هائی که از هم دارند، اشکالاتی که برایشان هست، زندگیمان چطوری هست، بچه هایمان چطورند، مناقشاتی که بعضی با بعضی دارند، اغراضی که دارند، آن سستی بعد از پیروزی و این اختلاف بعد از پیروزی موجب این می شود که نتواند این فاتح حفظ کند فتح خودش را و آنهایی که شکست خورده اند بسیار اینطور اتفاق افتاده آنهایی که شکست خورده اند، آنها برای اینکه عقده شکست خوردن درشان هست شروع می کنند به پیوند با هم. از آن طرف شکست خورده ها روی عقده ای که پیدا کردند بنا می کنند این جزیی جزیی ها به هم متصل بشوند و وحدت پیدا بکنند، از این طرف اینهایی که فتح کرده اند، برای



اینکه عمق مسائل را درست ادراک نکرده اند شروع می کنند به اینکه استراحت بکنند ، سستی پیدا می کنند و عمده ، اختلافات ، جدا از هم بشوند ، آنوقت که با هم مجتمع بودند فتح کردند ، حالا آنهایی که شکست خوردند دارند با هم مجتمع می شوند ، اینهایی که فتح کردند دارند از هم جدا می شوند ، نتیجه چه میشود؟ نتیجه این می شود که همان رمزی که در فتح شما بود در اینها پیدا می شود و همان رمزی که در شکست آنها بود در شما پیدا می شود . پس ما باید چه بکنیم ؟ این فتحی را که کردید ، یک فتح کوچکی نبود ، ما باز ادراکش را خیلی نمی کنیم ، اینهایی که از خارج می آیند ، از امریکا می آیند ، از انگلستان می آیند ، از بلاد خارج و غرب می آیند ، اینها گاهی به ما می گویند که ایرانیان نمی دانند که چه کرده اند ، نمی دانند که چه فتحی کرده اند ، یک فتحی بوده است که همه عالم را به تعجب واداشته است که چطور یک جمعیتی که هیچ چیز دستشان نبود بر یک قوایی که همه قوای عالم با هم جمع شده بودند ، شما خیال می کنید که فقط محمد رضا بود و امریکا؟ مسأله این نبود ، محمدرضا بود و دنبال سرش همه دولت ها ، چه اسلامی و چه غیر اسلامی ، همه دنبال سرش بودند . بی جهت بود که ما را در کویت راه ندادند؟ با ما دشمنی نداشتند آنها ، برای اینکه پشت سر او بودند . بی جهت بود که ما را کاری کردند که نتوانیم عراق بمانیم ؟ بی جهت بود که من ممالک اسلامی را رها کردم و رفتم به خارج ، در یک مملکت کفری ؟ اینها همه جهت داشت برای اینکه من دیدم همین کاری که عراق دارد می کند و همین کاری که کویت می کند نمی گذارد ما از این طرف شهر برویم آن طرف شهر سوار طیاره بشویم و برویم ، اینقدر هم مانع شدند ، گفتند از همان جا که آمدید به همان جا برگردید . این برای این بود که همه اینها طرفدار بودند با آن رژیم ، آنوقت آن قدرتهای بزرگ هم همه پشت سرش بودند ، بعضی ها صریح می گفتند مثل امریکا و انگلستان ، بعضی ها هم صریح نمی گفتند لکن بودند برای اینکه منافع خودشان را به وجود او می دانستند و متأسف بودند از رفتن او .

در عین حال که همه قوه های عالم بر خلاف یک 35 میلیون جمعیت ، یک جمعیت ایرانی ، همه قوه های عالم مخالف ، معذک نتوانستند نگه دارند او را چه اسباب این شد که یک همچو پیروزی پیدا شد؟ ماها چنین عرضه ای داشتیم ؟ نه ، ایمان و نظر خدا بوده وقتی همه شما از ظلم بیزارید و همه شما به عدالت اسلامی رو آوردید خدای تبارک و تعالی به شما کمک می کنند ، ملائکه الله به شما کمک می کنند ، این ملائکه الله که در جنگ های اسلامی به جمعیت های کوچک کمک می کردند که پیروز می شدند بر جمعیت های بزرگ ، منتها خود مردم آنجا نمی دانستند ، پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می دانست به وحی ، الان هم اگر پیغمبر بودند ، شاید می فرمودند که شما این پیروزی را که پیدا کردید ملائکه الله با شما موافق بود ، همه اسلام را می خواستید ، دین حق را می خواستید و از رژیم فاسد اعراض کردید ، این اسباب این معنا شد ، این دو تا کلمه ، همه با هم وحدت کلمه و همه با هم اسلام . این دو تا کلمه رمز پیروزی شما بود و عمل به آیه کریمه : (واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا) در این آیه همین رمز است که همه تان با هم به خدا بپیوندید و جدا از هم نباشید ، اجتماع با هم باشد و توجه به خدا باشد ، تفرقه هم نباشد در کارهایتان ، این اسباب این شد که یک جمعیت کمی با نداشتن هیچ ساز و برگ

جنگی مستی داشتند و ایمانی داشتند، غلبه کردند بر جمعیت های بزرگ و با اشخاصی که منافعشان در خطر بود، منافع حیاتشان در خطر بود و پشتیبان او بودند، هیچ کس هم نتوانست این را نگاهش دارد. ما تا اینجا آمده ایم، پس ما یک فاتحی هستیم که در نیمه راهیم. از اینجا به بعد چه بکنیم که این فتح را به آخر برسانیم، حفظ کنیم این فتح را، این پیروزی را حفظ کنیم، مثل هیتلر نشویم که بین راه برش گرداندند، توی دهنش زدند برش گرداندند و محتاج به خودکشی شد؟ آنچه که باید بکنیم این است که همین رمز را، همین دو تا کلمه را حفظ کنیم: یکی جدا نشویم از هم و الان دستهایی در کار است که می خواهند این رمز را از ما بگیرند، دست های زیاد، دست هایی که مع الاسف اغفال کرده اند دوستان ما را، نه همان دشمن ها، دوستان را هم اغفال کرده اند و دارند بذر نفاق و جدائی را در این مملکت پخش می کنند. این مملکتی که از مرکز تا سرحدات همه جا یک کلمه می گفتند، می گفتند: جمهوری اسلامی، یک کلمه مقدمه آن بود، می گفتند: که این رژیم نه، از مرکز این بود تا سرحدات، از هر طرف بروی، هر جایی می رفتی همین کلمه بود، فهمیدند آنهایی که می خواهند غارت کنند ما را که رمز پیروزی ما این وحدت کلمه بود و مقصد، یک مقصد بودن، هر کس یک طرف نمی کشید، همه یک چیز می گفتند، همه می گفتند: (جمهوری اسلامی). حالائی که ما رسیده ایم به اینجا، الان آنهایی که این معنا را لمس کردند که این وحدت کلمه و وحدت مقصد، همه با هم و همه با هم اسلام، این پیروز کرده ما را، می خواهند این را از ما بگیرند، همه را بگیرند، اسلامش را هم بگیرند. این دو تا کلمه ای که اساس پیروزی شما بود، الان شیاطین در صددند که از شما این رمز را بگیرند و اگر این رمز را حفظش نکنید و شیاطین خدای نخواستہ غلبه کنند بر شما و رمز را بگیرند، مملکت ما می شود مثل همان قضیه هیتلر می شود، در نیمه راه برش می گرداندند، می زند توی دهنش بیرونش می کنند. ماباید این را حفظش کنیم.

### **بیداری در برابر نقشه های حساب شده شیاطین و پیشگیری از اختلاف و افتراق**

الان شما ببینید، در تهران از قراری که روزنامه ها می نویسند قریب صد گروه پیدا شده اند، اظهار وجود کرده اند، گروه، گروه، گروه، ولو چیزی نیستند اینها، در مقابل ملت اینها چیزی نیستند لکن این زنگ خطر است. این زنگ خطر برای اینکه آن رمز پیروزی که اجتماع بود از ما بگیرند. آنوقت ما گروه گروه ها را به هم پیوند دادیم، ملت، گروه، گروه ها را به هم پیوند داد، حالا در مقابل او بعد از اینکه به این حد رسیدید، دارد پیوندها از هم گسسته می شود و گروه گروه می شوند. این کیست؟ حزب چه این کیست؟ حزب چه. این کیست؟ جبهه چه. آن کی؟ بسیارش هم اسم اسلام رویش هست، اما غفلت از اینکه حالا تکه تکه کردن صحیح نیست، محله محله کردن، گروه گروه کردن الان صحیح نیست، ما در یک حالی الان هستیم که باید این مراحل را طی کنیم تا بتوانیم بگوئیم ما حالا پیروز شده ایم. آنوقت هم باید حفظش بکنیم. همیشه باید حفظش بکنیم اما حالا نیمه پیروزی است، نه پیروزی، الان ما یک مقداری جلو رفتیم، مقدار دیگرش مانده است. اگر در این نیمه راه که ما هستیم غلبه کنند بر ما، ما از هم جدا بشویم، کم کم آنها از زیر پیوند کنند، مثل همان فاتحی که قلعه را فتح کرده

و لشکرش رو به سستی و رو به افتراق گذاشته است و اهالی قلعه ای که شکست خورده بودند رو به اجتماع و روی دسته بندی که با هم یکی بشوند، نتیجه اش این می شود که بعد از چندی این گروه فاتح شکست خورده می شوند و از قلعه بیرونشان می کنند. اگر ما این رمز را حفظ نکنیم (ما مقصودم همه ایران است، همه مملکت، طبقه روحانی، طبقه دانشگاهی، پاسداران، بازاری، کارمند، کارگر، دهقان، همه مکلفیم) اگر ما نگه نداریم این پیروزی که برایمان پیدا شده است و این فتح عظیمی که برای شما پیدا شده است، اگر حفظش نکنیم، در حالی که بین راه هستیم، آنها دارند با هم مجتمع می شوند ما داریم گروه گروه می شویم الان بسیاری از این منحرفین، زیرزمینی با هم مجتمع دارند می شوند، با هم پیوند می کنند. اضافه کنید دست هم از خارج هست که دست ها، آن کمک های خارجی هم این مطلب را به آن باد می زند، کمک می کند. از مرزها الان باز اشخاصی وارد می شوند اسلحه وارد می شود، از این چیزها، در داخل باز اینطور روابط دارد درست می شود، گروه ها با هم مجتمع می شوند. آنها دارند مجتمع می شوند، ماها داریم متفرق می شویم. ما خودمان را فاتح دیدیم به سستی گرائیدیم و جدا داریم از هم می شویم، آنها خودشان را مغلوب دیدند و عقده پیدا کردند و دارند با هم پیوند می کنند و ما را متفرق می کنند، رمز را از ما می گیرند خودشان رفتار می کنند رمز پیروزی یعنی یک رمز را و آن وحدت کلمه و آن اجتماع، اجتماع را دارند از ما می گیرند، گروه گروهش می کنند. آقا این بی جهت نیست که صد گروه یک وقت، در حدود یک ماه یا یک خرده بیشتر در تهران پیدا بشود، این یک مسأله عادی نیست که یک دسته ای دلشان خواسته، دلشان خواسته، این یک نقشه ای است و یک چیزی است که زیر پرده یک دستی پشت سر اینهاست، آنهایی که آدم های صحیح هستند و حسن نیت دارند، غفلت می کنند، باید بیدار بشوند، آنهایی که شیاطین هستند روی نقشه کار می کنند. اگر این دسته هایی که علاقه دارند به اسلام، علاقه دارند به کشور خودشان، علاقه دارند به ملت خودشان، این دسته ها از این تفرق ها دست بردارند، برای آنها چیزی خیلی نمی ماند، دیگر آنها صد گروه نیستند. از آن طرف دارد آنها مجتمع، از این طرف گسسته می شود. نتیجه این می شود که خدای نخواسته اگر ما سستی کنیم، اگر ما غفلت کنیم، شیاطین هم با هم مجتمع بشوند، یک وقت چشممان را باز کردیم که یک کودتا شد و همه بساط را به هم ریخت. همه بساطی که تا حالا، همه خون هائی که تا حالا دادید هدر می رود، همه زحمت هایی که کشیدید باطل شد، باید چه کرد؟ نباید امروز ما هی فریاد کنیم که ما چنین کردیم، ما امروز باید فریاد کنیم که باید این کار را بکنیم. نباید یک لشکر فاتح هی بنشیند از فتحش بگوید، این ثناخوانی از فتح اسباب این می شود که دلگرم بشوند که الحمدلله دیگر گذشت، سستی پیدا می شود. ما\_ باید از آن طرف صحبت کرد، فریاد کنیم که ما باید جلو برویم، همان فریادهای الله اکبری که کردید و با قدرت الهی پیش بردید این پیشبرد عظیم را، همین را باید حفظش بکنید.

### **این مساجد را باید مسلمان ها پر کنند از جمعیت**

الان ماه مبارک رمضان جلو است، ماه بسیار شریف شعبان هم درش واقع هستیم، این مساجد

را باید مسلمان ها پر کنند از جمعیت ، این سنگرهای اسلامی را پر کنند از جمعیت ها و در آنجا مسائل روز را بگویند و فریاد کنند . الان ما احتیاج به الله اکبر بیشتر داریم . تا آن وقتی که آن مردک بود . الان احتیاج ما بیشتر است ، الان ما به اجتماعات بیشتر احتیاج داریم . حربه دست شماست ، اگر بتوانید نگاهش دارید . شما همه چیز دارید ، اگر بتوانید نگه دارید . شما قدرت ایمان دارید باید نگاهش دارید . شما یک ملت رنج دیده بودید که از وقتی چشمتان را باز کردید و هوشتان بوده است هی سازمان امنیت به گوشتان خورده ، هی در سازمان امنیت چه شده ، هی دلتان لرزیده برای اینکه سازمان امنیت مبادا چه بکند ، پاسبان مبادا چه بکند . شما با این تنفری که پیدا کردید از این رژیم و با آن توجهی که پیدا کردید به اسلام ، پیروز شدید .

این وحدت کلمه را حفظش کنید و این ایمان را ، این ایمان را که جوانهای عزیز ما ، بسیار عزیز ما می آیند استدعا می کنند که دعا کنید ما شهید بشویم ، این جوان 30 ساله ، 20 ساله ، 25 ساله ، کمتر ، 18 ساله می آید که دعا کنید من شهید بشوم این رمز پیروزی است . این احساس ، این تحولی که در جامعه ما پیدا شد ، اینها رمز پیروزی ما بود ، این را نگاهش دارید . این روحیه ، این روحیه بزرگ ، این روحیه الهی ، غیبی ، این را حفظش کنید و از تفرقات ، از این افتراق ها پرهیز کنید . من همه را دارم می گویم ، من خطاب به هر جا برسد صدایم . معنا ندارد امروز در یک مملکتی که فتحش نیمه کاره است احزاب مختلف بگذارند استقرار پیدا بکند بعد هر کاری می خواهند بکنند . بگذارند ما درست مستقر بشویم ، اقتصادمان درست بشود ، زراعتمان درست بشود ، لااقل دستان دراز نباشد برای دیگران که گندم بده ، جو بده ، چه بده ، همه چیزمان را از دیگران بگیریم بگذارید اینها قدری درست بشود ، اگر شما خدا را می شناسید ، برای خاطر خدا ، اگر شما ملت را دوست دارید ، برای خاطر ملت ، اگر کشورتان را می خواهید ، برای خاطر کشور بازی نخورید از این یک مشت که دارند کاری می کنند که همه چیز ما به باد برود ، تا می توانستند نمی گذاشتند کسی زراعت درست بکند ، بعدش نمی گذاشتند کسی زراعتش را بردارد ، حالا- که برداشت کرده اند آتش می زنند . اینها دلشان برای ملت سوخته ؟ ارزاق یک ملتی را که اینطور دارند به باد می دهند آنوقت می گویند که ما ملی هستیم ، ما با ملت آشنا هستیم . نیست مطلب اینطور ، باز نخورند این جوانان عزیز ما ، اینهایی که قصدشان این است که خدمت بکنند لکن راهش را نمی دانند ، دست بردارند اینها از این متفرق شدن و گروه گروه درست کردن .

### **با رفتار موافق موازین و انجام وظایف انسانی اسلامی پاسدار مکتب باشید**

مطلب زیاد است و من هم نمی توانم دیگر ادامه بدهم ، محول به خودتان . اسلام را امروز به دوش من و شما گذاشته اند که این را حفظش کنیم ، مسئولیتش به دوش من و شماست ، به دوش این ملت است این را حفظش کنید . شما پاسداران خدمت می توانید بکنید به این نهضت ، و خدای نخواستہ می توانید کاری بکنید که اسلام از دست برود ، شما پاسدارها اگر پاسداری واقعا از اسلام می کنید ،

پاسداری از مملکت اسلامی می خواهید بکنید، توجه کنید به اینکه خودتان یک قدم خلاف بردارید. اگر شمایی که الان پاسدار اسلامید از شما یک خلاف ببینند، می گویند اسلام اینطوری است، چنانچه اگر از روحانیون یک چیزی ببینند، می گویند اسلام این است. باید شماها وظایف پاسداری از اسلام، پاسداری از جمهوری اسلامی پاسداری از مملکت اسلام، شمائی که الان به این شغل بسیار شریف و لباس بسیار مبارک در آمدید، قدرش را بدانید. اگر الان شما یک خلافی بکنید، گردن شما نیست می گذارند گردن جمهوری اسلامی، می گویند جمهوری اسلامی هم همین است، آنوقت سازمان امنیت به ما ظلم می کرد و حالا پاسداران اسلامی. مکتب ما را، آن مکتب بزرگ ما را دفن می کند. اگر در این نهضت مکتب ما شکست بخورد، دفن می شود و دیگر کسی نمی تواند بیرونش بیاورد. کاری بکنید که شکست نخورید، کاری بکنید که مکتبتان شکست نخورد. شما به وظایف انسانی و اسلامی خودتان رفتار کنید و ما هم همین طور انشاءالله و همه گروه ها هم همین طور تا اینکه این فتحی که تا اینجا رساندیم بتوانیم نگهش داریم تا به آخر برسیم و بتوانیم ما عرضه کنیم به دنیا که ما یک چنین متاعی داریم، اسلام یک چنین چیزی است. اگر بنا باشد که حالایی که یک پیروزی نصیب ملت ما شده است، کمیته ها تعدی بکنند خدای نخواست، پاسدارها تعدی بکنند خدای نخواست، روحانیون خلاف مسلک روحانیت عمل بکنند خدای نخواست، دولت خلاف دولت اسلامی رفتار کند خدای نخواست، ارتش خلاف ارتش اسلامی رفتار کند خدای نخواست، و همین طور، اگر یک چنین قصه ای پیش بیاید، در دنیا منعکس می شود، آنهایی که در صدند که این نهضت را آلوده کنند و اسلام را دشمن دارد اسلام - آنها در خارج و در داخل منعکس کنند که اعمال همان تا اعمال است مهره ها عوض شده آنوقت نصیری بود حالا بصیری، عمل چه عملی است. اگر ما اعمالمان را موافق با آنکه جمهوری اسلامی اقتضا دارد منطبق نکنیم، اگر ما که پاسدار احکام و شما پاسدار اسلام (همه مان الحمدلله امیدوارم پاسدار باشیم) اگر ما اعمالمان را مطابق با آن وظیفه پاسداری نکنیم، ما را متهم می کنند به اینکه، (خودمان را متهم نمی کنند، آنها دیگر حالا کاری به شخص ندارند) مکتب ما را متهم می کنند به اینکه این هم همان رژیم شاهنشاهی است، افراد فرق کرده اند، اسمش فرق کرده، آنوقت می گفتند رژیم شاهنشاهی و حالا - می گویند جمهوری اسلامی، آنوقت می گفتند شاهنشاه حالا می گویند یکی دیگر، اما معنا همان معناست، محتوا همان محتواست، اشکالات هم همان اشکالات است و تعدیات همان تعدیات است. اگر یک کاری بکنید، زیادش می کنند، اگر کسی یک تعدی بکند، نمی گویند این کرده، می گویند پاسدارهای اسلام اینطور، از اینجا هم برش می دارند و می گذارند روی اسلام و می گویند اسلام این است، آن اسلامی که اینها فریاد می کردند ما اسلام می خواهیم، ما رژیم شاهنشاهی نمی خواهیم، ما رژیم اسلام را می خواهیم، این هم اسلامشان. اینطور برای ما می گویند.

### توصیه به اصلاح خویشتن و مؤاخذه از خلفاکاران

امروز اسلام به شما محتاج است، قرآن کریم محتاج به شماست، خودتان را اصلاح کنید. شما هم

خودتان را اصلاح کنید ، این طبقه هم خودش را اصلاح کند . اگر هر کس یک جایی فرض کنید یک صورت روحانی به خودش داد و چهار تا از این تفنگدارها را دور خودش جمع کرد و شروع کرد خلاف آن چیزی که وظیفه روحانی است عمل بکند ، اسلام را باد داده ، امروز نمی گویند زید این کار را کرده می گویند جمهوری اسلامی این است ، منعکس می کنند این جمهوری اسلامی است . وظیفه سنگین ، مسئولیت سنگین و همه تان مسئول است . خواهید بود اگر یکی تان یک کاری بکند دیگری ساکت باشد او هم مسئول است یکی یک خلاف کرد ، همه باید بروید دنبالش که آقا چرا . لازم نیست که کتک کاری بکنید ، مؤاخذه کنید . اگر یک نفر خلاف کرد ، 20 نفر از شماها رفت گفت نکن این کار صحیح نیست ، تحت تأثیر واقع می شود . اگر یک معمم ، یک صورت معمم ، یک کار خلاف کرد ، از اطراف ، معممین هجوم به آن آوردند که چرا این کار را می کند ، دیگر اگر من دخالتی کردم همه تان هجوم آوردید که چرا این کار را می کنی من سر جایم می نشینم ، همه تان مسئولید همه مان مسئولیم ، امروز مسئولیت بزرگ است برای ما ، ما نصف راه هستیم و من خوف این را دارم که قضیه ما قضیه هیتلر بشود .

خداوند انشاءالله شما را سلامت بدارد . ماها همه را به وظایف خودمان آشنا کند و مملکت ما را از همه شرها نجات بدهد و نادان های ما را دانا کند و آن کسانی که خیانت می خواهند بکنند به این مملکت ، هدایت کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع بانوان مکتب ولی عصر

### نقش عظیم تعلیم و تربیت در رشد معنوی انسان

بسم الله الرحمن الرحيم

من امیدوارم که همه خواهرها و برادرها و همه قشرهای این ملت و همه ما از خدمتگزاران به اسلام و ولی عصر سلام الله علیه باشیم .

ما در یک مملکتی هستیم که مملکت ولی عصر است و وظیفه آنهایی که در مملکت ولی عصر زندگی می کنند ، یک وظیفه سنگین است . نمی توانیم ما لفظاً بگوئیم ما در زیر پرچم ولی عصر سلام الله علیه هستیم و عملاً توی آن مسیر نباشیم ، چنانچه نمی توانیم بگوئیم که ما جمهوری اسلامی داریم و عملاً آنطور نباشیم اسلامی نباشیم . شما که به نام مقدس ولی امر یک گروه متشکلی تشکیل داده اید و زحمت می کشید و خدمت می کنید و احکام اسلام را ترویج می کنید و تعلیم و تربیت می کنید ، تعلیم باید پهلویش تربیت باشد ، تربیت صحیح ، تربیت اسلامی . اگر تعلیم تنها باشد بی تربیت ، فایده ندارد بلکه گاهی مضر است ، تربیت بی تعلیم هم نمی شود ، به نتیجه نمی رسد . این دو تا باید با هم باشند ، توأم باشند ، تعلیم و تربیت . انسان یک موجودی است که با تعلیم و تربیت رشد می کند . یک رشد نباتی و حیوانی انسان دارد که با نباتات و با حیوانات شریک است ، همه با هم ، این قافله حرکت دارند می کنند ، انسان هم یکی از آنهاست ، یک نباتی است اول و بعد یک حیوانی مثل سایر حیوانات است و تا سرحد حیوانیت با حیوانات شریک است چنانچه تا سرحد نبات با نباتات شریک است . یک موجودی است که هم نبات است و هم حیوان و تا سرحد حیوانیت با همه حیوانات شریک است . و از آنجا راهش جلوتر می رود . حیوانات با انسان شریک دارند در همین امور مادی ، همان خوردن و خوابیدن و تولید مثل کردن ، همه حیوانات همینند ، انسان هم اگر همین باشد ، حیوانی است مثل سایر حیوانات ولو اینکه خوراکش با او فرق داشته باشد ، حیوانات هم بعضی شان با بعضی خوراکشان فرق دارد ، یکی گوشتخوار است ، یکی علفخوار است و انسان هم جزء آنهاست که علفخوار است منتها حالا گوشتخوار هم شده . اگر انسان تربیت و تعلیم نداشته باشد توأم با هم ، در همین حد حیوانیت باقی می ماند و انسان از سایر حیوانات اگر آن تربیت و تعلیم نباشد ، بدتر است .

حیوانات حدود شعاع فعالیتشان خیلی محدود است و حدود تجاوز و تعدیشان هم محدود است، یک طعمه ای گیر می آورد و می خورد و دیگر ذخیره نمی کند الا بعضی شان و همان وقتی که سیر شد می رود سراغ کارش می خوابد. انسان یعنی این حیوانی که حالا نرسیده به حد انسانیت، این حیوان، این قسم از حیوان که ما اسمش را انسان می گذاریم برای اینکه بعدها ممکن است انسان بشود، این هیچ حدی ندارد، نه در شهوت حد دارد و نه در آمال و آرزوهائی که باید باشد حد دارد. شما اگر فرض کنید برای یک انسانی، یکی از همین ها، ابتدائاً خودش خیال می کند که من اگر یک خانه خوبی داشتم بس بود. وقتی به خانه می رسد می بیند بس نیست، خوب یک باغی هم پهلوی آن خانه بود بس بود، به باغ رسید می بیند بس نیست، یک مزرعه ای داشتیم، خوب، بد نبود. به مزرعه هم می رسد، یک دهکده خوب بود داشته باشیم، به آن می رسد. هر چه بالا می رود زیادت می شود، ابتدائاً یک چیز مختصری می خواست، هر چه بالاتر رفت، زیادت می شود، طمعش زیادت می شود، آرزویش زیادت می شود. اینهائی که یک مملکت دارند، می بینید که می روند دنبال یک مملکت دیگر، مملکت گیری می کنند. اگر همه ممالک دنیا را یک انسانی بگیرد، آنوقت به فکر می افتد برود کره ماه، برود آنجا را هم بگیرد، بعد به فکر می افتد برود کره مریخ، آنجا را هم بگیرد، بعد می رود سراغ جاهای دیگر. آخر ندارد، این یک موجودی است که خدا اینطور خلقش کرده است که در حد حیوانیت، یعنی همان هائی که حیوان می خواست این زیادترش را دارد، حدود هم ندارد. حیوانات در یک وقت خاصی شهوت دارند، در وقتی که وقت حمله است، وقتی است که می خواهند تولید مثل بکنند، در ما بقیش آنطورها نیستند. انسان اینجور نیست، انسان شهوتش هم حد ندارد، نه حدود دارد و نه یک طور خاصی که غیر از آنطوری که انبیا آمده اند محدودش کردند به حدودی، انسان هیچ این حرف ها ندارد، با آن بهترین محارمش هم فرق نمی کند پیشش با او، دخترش با اجنبی فرقی ندارد پیش او. یک همچو حیوانی است، در هر چیز نامحدود است. شما یک موجود نامحدود هستید. اگر این نامحدودی در طرف حیوانیت صرف شد، یک حیوان نامحدود، یک حیوانی که با سایر حیوانات فرق دارد، حیوانات دیگر شهواتشان محدود است، آمالشان محدود است، این انسان نامحدود است، اگر به همین حال حیوانیت باشد و دنبال همین کارهای حیوانی، دنبال همین شهوات، دنبال همین آمال و آرزوهای حیوانی که همه این آمال و آرزوهائی که مربوط به طبیعت است، تمام آمال و آرزوهائی که مربوط به امور طبیعی است، حیوانی است، اگر به این حد باقی بماند این تا آخر حیوان است، اینجا صورتش، صورت انسان است وقتی این پرده برگشت و آن عالم پیدا شد، صورتش هم یک صورت دیگر می شود. همچو نیست که به صورت انسانیت آنجا محشور بشود، اگر انسان اینجا شد، آنجا انسان است، اگر کسی در اینجا توانست خودش را انسان بکند، آنجا که برود، آنجا انسانیتش به طور کمال و آنطوری که چشم های این عالم نمی تواند او را ببیند، به طور کمال در آنجا تحقق پیدا می کند و اگر چنانچه نتواند این کار را بکند، مهار را رها کند، خوب بسیاری هستند که مهار ندارند، رها هستند، آزادند، این آزادی که غربی ها



می خواهند همین است، آزادند، هر چه می خواهند، هر کاری می خواهند بکنند، ظلم بکنند آزاد است، شهوات غیر مشروع، آزاد است، بدگویی به هر کس، آزاد است، قلمفرسائی به ضد هر کس، آزاد است. اگر این آزادی که همین غیر محدود بودن این قسم حیوان، غیر محدود بودن این قسم حیوان، این حدی ندارد برای خودش، آزادیش را حدی قائل نیست، هر جا جلو برود باز در این آزادی می خواهد جلوتر برود.

### نیاز انسان به هدایت انبیا در پیمودن مسیر کمال و کنترل غرائز

اگر ما تربیت و تعلیم نداشته باشیم، تربیتی که انبیا آورده اند برای اینکه غیر انبیا راه را نمی دانند، ما الان یک راهی را داریم قهرا می رویم خودمان هم ملتفت نیستیم و آن راهی که انبیا برای ما آوردند که از آن راه باید بروید آن صراط مستقیم که منتهی می شود به آنجائی که ماها دیگر الان نمی توانیم ادراک بکنیم، این را انبیا آورده اند، مکتب غیر انبیا اطلاع از ماورأ طبیعت ندارد، هر چه مکتب هست همین طبیعت است، مکتب انبیا است که ماورأ طبیعت را هم طرح می کند. در مکتب های دیگر اصلاً طرح نمی شود ماورأ الطبیعه، بله می گویند دروغ است. یک آدمی که اصل نمی داند ماورأ طبیعت چیست، همین طور نشسته توی خانه اش و می گوید نخیر، نیست. انبیا می دانند راه چه هست، از کجا باید رفت، چه جوری باید رفت. راهی است که تا بوسیله انبیا و تعلیمات انبیا نباشد، انسان نمی تواند به مقصدش برسد. از راه مستقیمی که انسان را به مقصد می رساند اگر راه انبیا نباشد معوج می شود یا این طرف می رود یا آن طرف می رود. انبیا هستند که ما را به راه مستقیم هدایت می کنند و کیفیت تربیت و تعلیمی که برای آن عالم هم باشد، هم این عالم و هم آن عالم، نه اینکه انبیا به این عالم کاری ندارند، این عالم هم با هر چیزی که بگوئید، آنها منافی و مخالف با آن نیستند، مخالف با دل بستن به دنیا هستند، این دو تا اشتباه می شود. آنهایی که می خواهند عیب گیری کنند می گویند که با همه تمدن ها مخالف است. اسلام با همه تمدن ها مخالف است، این اشتباه است، اسلام با هیچ تمدنی مخالف نیست، اسلام یک تمدنی را ایجاد کرد، ششصد، هفتصد سال یک دنیا را تقریباً اکثر معموره را چیز کرد، با اینکه باز اسلام نبود درست. با تمدن، اسلام مخالف نیست، با دلبستگی و محدود شدن مخالف است که همه آمال و آرزوی ما همین باشد، همه هم ما همان علفمان باشد، تمام همت ما این باشد که خوب بخوریم، خوب بخواییم و خوب شهوات. دلبستگی را مخالف است. این هم انسان علفش باشد یا الفش باشد، با این مخالف است اسلام. تمدن به اعلی مرتبه، مهار، مهار در معنویت. همه مظاهر تمدن را انبیا قبول دارند لکن مهار شده، نه مطلق ورها. شهوات را جلویش را نگرفتند، جلوی اطلاقش را گرفتند، جلورهای و آزادی را گرفتند. یک کسی، در همان زمان های سابق به یک ظریفی که از آشنایان ماست راجع به امور جنسی گفته بود که فلان، این حل شده. این گفته بود این را در صدر خلقت، خرها حل کرده بودند. آن آزادی که شما می گوئید که حل شده همان است که حیوانات در صدر خلقت آزاد بودند. انبیا آمدند این آزادی را جلویش را بگیرند و الا اصلش را مخالف نیستند،

دعوت هم به آن کرده اند ، این دعوت به ازدواج ، اینقدر تعریف از ازدواج برای اینکه هم ازدواج بشود ، هم انحراف نباشد . از این شهوات مطلق ، از این مراکز فساد و فحشا انبیا جلوگیری می کنند ، نه از اصل شهوت . اصل شهوت طبیعی است و باید هم کار خودش را انجام بدهد اما حدود دارد . اگر تربیت و تعلیم آنطوری که انبیا و تحت تربیت انبیاست تحقق پیدا بکند ، انسان ، هم اینجایش صحیح می شود و روی یک نظمی تحقق پیدا می کند و این آکل و مأكول و این تعدیات و این تجاوزها و این اختلاف های طبقاتی پیدا نمی شود و هم آن طرف ، که عمده آن طرف است ، آن حیات جاویدی که آخر ندارد ، هم آن طرف تأمین می شود . کوشش کنید که شما که حالا منتسب به ولی امر سلام الله علیه هستید ، مکتب ولی امر را به آن توجه کنید که برای تعلیم و تربیت این انسان است که از حد حیوانیت برساندش به حد انسانیت و رشد انسانی پیدا کند و تربیت انسانی پیدا کند و تعلیمات ، تعلیمات صحیح باشد . خداوند همه شما را انشاءالله موفق بدارد .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 64

## بیانات امام خمینی در جمع وعاظ و روحانیون تهران

### وقتی که قلب الهی شد همه چیز انسان الهی می شود

بسم الله الرحمن الرحيم

من چند جمله راجع به تکالیف کلی روحانیون و اهل محراب و منبر باید عرض بکنم و بعد مشکلاتی که هست. آقایان روحانیون و خصوصاً اهل منبر، خطبا، اینها سخنگوی اسلام هستند. اگر حکومتی سخنگو می خواهد، سخنگوی اسلام آقایان خطبا هستند و وقتی می توانند آقایان خطبا سخنگوی یک اسلامی باشند، آن اسلامی که همه چیز در آن هست، این اگر خودشان را اسلامی کنند و مطالبی که گفته می شود، اسلامی باشد و از قلب پاکیزه اسلامی بیرون بیاید، این صلاحیت سخنگویی برای اسلام را دارد. سخنگوی دولت های دیگر هیچ کاری به این ندارند که این حرفی که تو می زنی، باورداری، از روی قلب است. به قلب هیچ کاری ندارند اینها، فقط کار دارند که این خوب صحبت بکند و مطالب دولت را خوب ادا بکند، حالا به حسب قلبش معتقد باشد یا نباشد کاری به آنها ندارد و از سخنگویی او هم چیزی کسر نمی شود اما اسلام اینطور نیست، اسلام آنقدری که به قلب اعتنا دارد، به زبان اعتنا ندارد. مرکز، قلب است، مرکز، لب انسانی است. اگر خدای نخواست شما حرف هایی که می زنید همه اش اسلامی باشد، لکن از یک قلب اسلامی بیرون نیاید، این شایستگی برای سخنگویی در اسلام ندارد ولو خیلی هم خوب صحبت بکند. و اگر از قلب اسلامی بیرون بیاید، یعنی قلبی که اعتقاد دارد به مبانی اسلام، ایمان آورده است به اینکه اسلام همه چیز است و مکتب اسلام مکتبی است که تنها این مکتب و مکتب های الهی که آنها هم همه اسلامند، این مکتب است که می تواند انسان ها را به همه ابعادی که دارد، تربیت کند و نظام را به همه ابعاد برقرار کند و انسان ها را برساند به آنجایی که مقام انسانیت است. با همچو اعتقادی، با همچو ایمانی اگر چنانچه خطیب خطبه بخواند و ملا موعظه بکند و روحانی عمل بکند، اگر از روی یک همچو قلبی بیرون بیاید، روحانی، روحانی است خطیب هم خطیب اسلامی است و اهل منبر هم سخنگوی اسلام هستند، روحانیون هم باز سخنگوی اسلام. ابتدا از قلب شروع می شود، همه چیزها از قلب انسان شروع می شود، نه این قلبی که حیوانی است، قلب انسانی، همه مسائل از قلب انسانی شروع می شود و اگر چنانچه قلب، یک سرچشمه نور و هدایتی در آن باشد، زبان هم به نورانیت قلب منور می شود، چشم هم به نورانیت قلب منور می شود، همه اعضای انسان که تابع قلب است، وقتی قلب الهی شد، همه چیز انسان الهی می شود یعنی حرف که می زند،

حرفش هم الهی است ، استماع هم که می کند ، استماعش هم الهی است ، راه هم که می رود ، راه رفتنش هم الهی است . این همان است که انبیا آمده اند برای تربیت انسان ها که این انسانی که یک حیوانی است ، با سایر حیوانات فرق ندارد یا بدتر از سایر حیوانات است می خواهند که این انسان را از این لجنزار بیرون بیاورند و یک انسان الهی ، یک انسانی که سر تا پایش معرفت الله باشد ، توحید باشد ، حرکتی نکند الا به حرکت الهی (و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی ) نه این است که معنایش این است که خدا تیر را با دست انداخت . این دست ، دست خداست و نفسانیت در تو نبوده است تا اینکه رمیی که می کنی ، رمی تو باشد . تو الهی بودی ، تو یک موجود الهی بودی ، موجود الهی همه چیزش الهی است ، رمیش رمی الله است ، عینش ، عین الله است ، همه چیزش خداست .

باید کوشش کنیم ما معممین ، ما که خودمان را اسممان روحانی گذاشتیم ، چه طبقه اهل منبر باشند ، چه اهل محراب باشند ، چه از قشرهای دیگر ، همین بنگاه ، این بنگاه را بنگاه اسلامی اش کنیم . ما که امروز همچو قدرتی خدا به ما داد و اعطای خدا بود ، لیس الا برای این نیم توجهی بود که به اسلام شد و همه گفتند اسلام را می خواهیم ، یک همچو قدرت هایی را از بین بردیم ، بردید و همه قشرها هم در این شرکت داشتند ، زن ها ، مردها ، بچه ، بزرگ ها ، ما همه ، روحانی ، دانشگاهی ، همه ، ما که الان آن قدرت ها را از بین بردیم و الان هم مدعی هستیم که رژیم ما رژیم اسلامی است و جمهوری ما جمهوری اسلامی است ، باید اکتفای به این نکنیم که یک لفظی را برداشتیم و یک لفظ دیگر جایش گذاشتیم یا یک رژیمی را منقرض کردیم ، یک رژیم دیگری جایش گذاشتیم . باید ما همه متوجه این معنا باشیم که لااقل این محیط بنگاه روحانی ، این محیطی که سر و کار دارند با قلوب مردم ، دعوت می کنند مردم را و سر و کارشان با دل های مردم است ، شمائی که سر و کارتان با جان مردم است ، باید کوشش کنید که جان خودتان را ، قلب خودتان را اصلاح کنید ، الهی کنید که وقتی که منبر می روید مثل منبرهای ، البته نمی شود ، اما شیعه آن صاحب منبر حقیقی که حضرت امیر سلام الله علیه هست باشد که هر چه می گفت و از قلب الهی سرچشمه می گرفت (ضربت علی یوم الخندق کافضل من کذا . . ) این نه اینکه مسأله این بود که تمام کفر با تمام اسلام مقابله کردند ، از این جهت شده است . ما اگر فرض می کردیم که غیر حضرت امیر همین ضربه را زده بود و همان شکست را هم داده بود ، باز اصلا معلوم نبود که یک فضیلتی داشته باشد تا فضیلتش از نماز انبیا هم بالاتر باشد این ضربه ضربتی بود که از روح امیرالمومنین سرچشمه گرفته بود همه ایامی که ضربت می زد ، فضیلتش بالاتر از همه بود برای اینکه قلب ، قلب الهی بود ، قلبی بود که غیر از خدا در او راه نداشت . ضربتی که از آن قلب سرچشمه بگیرد ، تصمیمی که از آن قلب سرچشمه بگیرد ، این ارزشش همان است که فرموده است افضل از همه چیزهائی که در عالم واقع شده است . البته برای ماها و بالاتر از ماها این مقام میسور نیست لکن آن تا حدودی که میسور است ما باید کوشش کنیم (حالا که نشد ، هیچ ، نباشد) حالا که ما نمی توانیم حضرت امیر سلام الله علیه باشیم شیعه اش هم نباید باشیم؟! نه ، خود ایشان هم فرمودند که شماها نمی توانید اینطور باشید لکن اعانت کنید مرا به تقوا و به امثال ذلک .

باید شما سخنگوی اسلام باشید، این شغل شماست و این شغل اگر چنانچه واقعیتهای داشته باشد از همه شغلها بالاتر است برای اینکه مقاصد اسلام با زبان شما ادا می شود، همه مقاصد اسلام، و مسؤلیت از همه چیز زیاده است. اگر خدای نخواستہ یک نفر از کسانی که ادعای اهل منبری می کنند یا محرابی، یا در منبر می روند و یا در محراب اگر چنانچه آن کسی که منبر می رود، زبانش یک وقتی یک زبانی باشد که برخلاف مسیر اسلام باشد، این غیر از یک آدم عادی است که توی دکانش یک خلافی می کند، یک کم فروشی می کند، این خطر، خطر به مکتب است. شما سخنگوی اسلام هستید اگر سخنگوی اسلام یک چیزی بگوید که با برنامه اسلام مخالف باشد، با مقاصد اسلام مخالف باشد، این مسؤلیت غیر از آن مسؤلیتی است که یک نفر آدم عادی یک چیزی می گوید. یا باید این ادعا را نکنید و این شغل را قبول نکنید یا اگر قبول کردید و این ادعا را کردید، باید سرش بایستید همه مان، همه ما الان این لباسی که الان شعار است لباس اسلام است، شعار است لباس روحانیت است، ما که این لباس را پوشیدیم، به لوازم این لباس باید التزام پیدا بکنیم دنبال این باشیم که شئون این لباس که می گوئیم لباس اسلام است شئون این را باید حفظ بکنیم اگر خدای نخواستہ ما شئون این را حفظ نکنیم لباس، یک لباس غصبی است، ماقاچاق هستیم برای اینکه لباسی که باید یک فردی بپوشد که اسلامی باشد ما این لباس را از او غصبا پوشیده ایم. باید مافکر این مطالب باشیم که اول شرط روحانی بودن، چه آن قشر از روحانی که اهل منبر و خطبا هستند که سرو کار با روحانیت دارند، سرو کار با روح دارند و چه آن قشری که اهل محراب و اهل تحصیل و اهل فتوی و اهل این چیزها هستند، این یک مسئله ای است که برای همه سنگینی دارد و مشکلات دارد و برای همه مسؤلیت دارد منتها مسؤلیت ها کم و زیاد دارد. یک کسی است فرض کنید که اگر چنانچه یک خلافی بکند یک مملکت به واسطه خلاف او یک وقت خدای نخواستہ به اعوجاج کشیده می شود، یک وقت یک کسی هست که یک شهر، یک وقت یک کسی است که یک ده، یک وقت کسی یک کسی است که یک مسجد، البته فرق می کنند اینها، لکن همه مشترکند در اینکه مسؤل هستند و همه مشترکند در اینکه باید از این مسؤلیت درست از کار بر آیند. الان یک رژیم اسلامی به حسب رأی همه مردم، رژیم ما دیگر رژیم سلطنتی نیست و جمهوری اسلامی است، اما آنقدری که تا حالا واقع شده است همین است که ما رأی دادیم به یک مسأله ای و دنیا هم ایران را شناخت به اینکه جمهوری اسلامی است، اما محتوای این جمهوری اسلامی که یک مقدارش مربوط به دولت است و دستگاه های دولتی که آن الان به ما، محل صحبت ما نیست، یک قسمت مهمش هم مربوط به این بنگاه است، به این بنگاه روحانیت است، ما باید این بنگاه روحانیت را یک کاری بکنیم که اسلامی بشود و ما بتوانیم بگوئیم که ما در جمهوری اسلامی واقع شدیم، ما حالا دیگر آزاد هستیم، اختناق نداریم و مسائل اسلامی را آنطور که باید می گوئیم، آنطور که باید عمل می کنیم بیشتر نمی توانستیم، آزاد نبودیم، منبر آزاد نبود، محراب آزاد نبود، حالا آزاد شدیم اما نه آزاد به اینکه حالا بخواهیم هر چه دلمان می خواهد بگوئیم و هر چه

بخواهیم بکنیم، نه آزادیم که بیشتر نمی توانستیم عمل به اسلام و مقاصد اسلامی را بگوئیم، حالا آزادیم که مقاصد اسلامی را بگوئیم.

## امروز تمامی چشم ها برای طرح اشکال متوجه جمهوری اسلامی است

الان همه چشم ها دوخته شده است به این مملکت و شاید بیشتر به این بنگاه که این بنگاهی که در اسلام در طبقه بالا واقع شده اند، مربی هستند، تربیت می خواهند بکنند، سخنگوی اسلام هستند، اینها چه می کنند وضع همان وضع است و لفظ تغییر کرده است یا خیر حالا وضع را دارند تغییر می دهند محتوا را دارند تغییر می دهند، متبدل شده اند، همین طوری که حکومتشان، رژیمشان متبدل شد از طاغوتی به رژیم اسلامی، این قشر هم که قشر روحانی باشند اعم از مراجع اسلام، از علمای اسلام و از خطبای اسلام، از همه اینها، مسأله گوی اسلام، همه اینها که در این بنگاه واقع شده اند، نظرها الان دوخته شده است به اینکه اینها چه می کنند، الان در چه حالی هستند، تغییری در روحیه اینها پیدا شده، در اعمال اینها پیدا شده است یا اعمال همان اعمال و روحیه همان روحیه و یک لفظی را برداشتند یک لفظ دیگری جایش گذاشتند. در دولت هم همین طور، در وزارتخانه ها هم همین طور، در ادارات دولتی هم همین طور است، در ارتش هم همین طور، همه جا همین است مطلب، منتها یک چشم های دشمن است که به ما دوخته شده است و یک چشمها هم از غیر دشمن آن چشم دشمن که به ما دوخته شده است، هم در داخل کم نیستند و هم در خارج زیادند. اینها چشم هایشان را دوخته اند به ما که از ماها اشکال بگیرند، به ما اشکال بکنند و اشکال را به آن باد بزنند تا زیاد بشود، یکی را چندین هزار کنند و در مجلات اینجا و روزنامه های اینجا به طور کنایه و رمز و در خارج به طور صریح حمله کنند، نه حمله به بنده و شما، حمله به مکتب. مسأله این است که از اعمال ماها یک بهانه ای دست دشمن داده بشود که مکتب ما را بگویند اینطوری است. این مکتب دارها شما هستید اگر مکتب دارها خدشه در آنها پیدا شد، آنها می گویند مکتب خدشه دارد، برای اینکه سایر قشرها سر و کار با موارد طبیعت دارند، با اسلام هم اگر سر و کار دارند، به این رژیم طبیعی اسلام آنها سر و کار دارند اما شماها و ماها همه ادعایمان این است که ما سر و کار با ارواح مردم داریم ما خواهیم روح مردم را تربیت کنیم، اگر چنانچه ما که سروکارمان با معنویات اسلام است و با واقعیات اسلام است، از ما یک مسائلی ببینند، در محراب ببینند، در مسند ببینند، در منبر ببینند، اگر ببینند، نمی گویند که این آقا که منبر است یک آدم کذائی است، می گویند که روحانیون اینطورند، اهل منبر، خطبای اسلام اینطورند، بعد جرش می کنند به اسلام که اصلا این همین است دیگر، این رژیم هم همان رژیم است منتها یک اسمی را تغییر دادند و یک افرادی رفتند، یک ظلمه ای رفتند و یک ظلمه ای دیگر جایشان نشستند، یک منحرفی رفتند یک منحرف های دیگر جایش نشستند. اینها برای ما یک همچو چیزهایی درست می کنند. امروز مسئولیت مان مسئولیت شخصی نیست که من موظفم که حفظ آبروی خودم را بکنم. این وظیفه است برای همه، هر کسی وظیفه دارد حفظ حیثیت و آبروی خودش را بکند، اختیار ندارد که آبروی خودش

رابرید. قضیه این نیست که حیثیت شخص من، حیثیت شخص شما یک وقتی خدشه دار بشود تا مسئولیت به حدود همان خود آدم برگردد، صحبت در این است که با عمل ما، مکتب ما دفن بشود، یعنی حالائی که ما جمهوری اسلامی پیدا کردیم و هیاهو کردیم که ما ظلم نمی خواهیم و عدالت می خواهیم، حالا- ما که اولی هستیم به اینکه این عدالت را اجرا بکنیم، اولی هستیم به اینکه اعوجاجات را مستقیم کنیم، خدای نخواستہ از ما عملی صادر بشود که بر خلاف مجاری عدالت است، انحرافی است اگر اینطور شد جمهوری اسلامی شکست می خورد. اگر این جمهوری اسلامی شکست خورد اسلام مدفون می شود، دیگر خیال نکنید بعدها شما بتوانید دوباره یک کاری انجام بدهید. مسئولیت یک همچو مسئولیتی است. مسئولیت یک مسئولیتی است که انبیا و اولیا و همه خونشان را دادند برای حفظ این، همه برای حفظ مکتبشان خون هایشان را دادند، چه انبیا سابق و چه نبی اکرم که همه تاریخش را می دانید، همه چیزشان را دادند برای اینکه حفظ بشود این مکتب و یک وقت اعوجاجانی در آن پیدا نشود. سیدالشهدا سلام الله علیه که آن قیام را کردند، برای اینکه معاویه و پسرش اسلام را وارونه کرده بودند، هم امام جماعت بود و هم امام جمعه بود و هم خطیب بود و هم شارب الخمر و هم همه چیز، مکتب داشت از بین می رفت. یک وقت یک کسی است که می گوید من رضاخان پهلوی هستم، هر غلطی بکند به مکتب ضرر نمی زند مردم می گویند مردیکه کذاست. یک وقت یک کسی است که می گوید من خلیفه رسول الله هستم، می آید خطبه می خواند و می آید جماعت خواند و خلافت رسول الله است و با اینکه خلافت رسول الله است، آن اعوجاج ها را می کند، آن خطاها را می کند، این غیر خطای محمد رضا و رضاست. خطای یزید قضیه این نبود که سیدالشهدا را کشت، این یکی از خطاهای کوچکش بود، خطای بزرگ این بود که اسلام را وارونه اش کرده بودند و سیدالشهدا به داد اسلام رسید، سیدالشهدا اسلام را نجات داد.

### روضه و مصیبت سیدالشهدا، مایه حفظ مکتب اسلام

روضه سیدالشهدا برای حفظ مکتب سیدالشهداست. آن کسانی که می گویند روضه سیدالشهدا را نخوانید، اصلا نمی فهمند مکتب سیدالشهدا چه بوده و نمی دانند یعنی چه، نمی دانند این گریه ها و این روضه ها حفظ کرده این مکتب را. الان هزار و چهار صد سال است که با این منبرها با این روضه ها و با این مصیبت ها و با این سینه زنی ها ما را حفظ کرده اند، تا حالا آورده اسلام را. این عده از جوانهایی که اینطور نیست که سوء نیت داشته باشند، خیال می کنند ما حالا باید حرف روز بزنیم. حرف سیدالشهدا حرف روز است، همیشه حرف روز است، اصلا حرف روز را سیدالشهدا آورده است دست ماها داده و سیدالشهدا را این گریه ها حفظ کرده است مکتبش را، این مصیبت ها و داد و قال حفظ کرده این سینه زنی ها و این دستجات و عرض می کنم اینها حفظ کرده. اگر فقط مقدسی بود و توی اطاق و توی خانه می نشست برای خودش و هی زیارت عاشورا می خواند و تسبیح می گرداند، نمانده بود چیزی. هیاهو می خواهد، هر مکتبی هیاهو می خواهد، باید پایش سینه

بزند، هر مکتبی تا پایش سینه زن نباشد، تا پایش گریه کن نباشد، تا پایش توی سر و سینه زدن نباشد، حفظ نمی شود. اینها اشتباه می کنند، بچه اند اینها، نمی دانند که این نقش روحانیت و این نقش اهل منبر چه هست در اسلام، خودتان هم شاید خیلی ندانید. این نقش یک نقشی است که اسلام را همیشه زنده نگه داشته، آن گلی است که هی آب به آن می دهند زنده نگه داشته، این گریه هازنده نگه داشته مکتب سیدالشهدا را، این ذکر مصیبت ها زنده نگه داشته مکتب سیدالشهدا را. ما باید برای یک شهیدی که از دستمان می رود، علم بیا کنیم، نوحه خوانی کنیم، گریه کنیم، فریاد کنیم. دیگران می کنند، دیگران فریادزنند وقتی یکی از آنها کشته بشود، فرض کنید که از یک حزبی یکی کشته بشود میتینگ ها می دهند، فریادها می کنند. این یک میتینگ و فریادی است برای احیای مکتب سیدالشهدا و اینها ملتفت نیستند، توجه ندارند به مسائل، همین گریه ها نگه داشته این مکتب را تا اینجا و همین نوحه سرایی ها، همین هاست که ما را زنده نگه داشته، همین هاست که این نهضت را پیش برده، اگر سیدالشهدا نبود، این نهضت هم پیش نمی برد، سیدالشهدا همه جا هست (کل ارض کربلا) همه جا محضر سیدالشهداست، همه منبرها محضر سیدالشهداست، همه محراب از سیدالشهداست اگر سیدالشهدا نبود، یزید و پدرش و اعقابشان اسلام را منسی کرده بودند، اگر نسیان شده بود، یک رژیم طاغوتی در خارج منعکس شده بود. معاویه و یزید، یک رژیم اسلامی را رژیم طاغوتی داشتند معرفی می کردند، اگر سیدالشهدا نبود این رژیم طاغوتی را اینها تقویت می کردند، به جاهلیت بر می گرداندند، اگر حالا من و تو هم مسلم بودیم مسلم طاغوتی بودیم، نه مسلم امام حسینی. امام حسین نجات داد اسلام را، ما برای یک آدمی که نجات داده اسلام را و رفته کشته شده هی سکوت کنیم؟ ما هر روز باید گریه کنیم، ما هر روز باید منبر برویم برای حفظ این مکتب، برای حفظ این نهضت ها، این نهضت ها مروهون امام حسین سلام الله علیه هست. نمی فهمند اینها، بچه اینها، سوءنیت ندارند، بله خوب، ممکن است بعضی از آنها هم سوءنیت داشته باشند، بعضی ها هم روی نقشه کار می کنند همانطوری که زمان رضاخان، منتها او یک قدری روی نفهمی کرد، بعدها روی فهمیدگی، جلوی منبرها را همه را گرفت، نگذاشت کسی منبر برود، محراب ها را هم همه را یک جور دیگری گرفت، یک مجلس روضه ای نداشتند. در همه قم، آنقدری که من، آنوقت ها بود، می گفتند یک مجلس آقای صدوقی بود که قبل از اذان شاید، یا قبل از آفتاب تمام می شد. شب بود... این یک مطلبی بود، نه این است که من باب اتفاق رضاخان آمد منبرها را نگذاشت و محراب ها را جلویش را گرفت و روحانیون را متحدالشکل کرد. نخیر، این مسأله نقشه بود، نقشه اینکه این قوه را بکوبند، این قوه محراب منبر که از آن می آید یکدفعه یک ملت را هول بدهد به یک طرف و یک همچو سلطنت را از بین ببرد. این راز بین ببرند این قدرت را از دست ما بگیرند. نمی دانند این قشرهای سیاسی که چه خدمتی این منبر، این محراب به این کشور کرده.

اینها اگر چنانچه ملی هستند ما کار نداریم که آیا به خدا هم کار دارند یا نه اگر ملی هستند، اگر کشورشان را می گویند می خواهیم اگر ملت را می گویند که ما می خواهیم، اینها باید دامن بزند به



این روضه خوانی ها برای اینکه این روضه خوانی ها این ملت شما را حفظ کرده ، این روضه خوانی ها و مصیبت و گریه است که کشور شما را حفظ کرده . بله ، اگر چنانچه یک مردمی هستند که روی همان نقشه ای که طرح شده است که باید قدرت اسلام گرفته بشود و قدرت روحانی گرفته بشود و قدرت خطیب گرفته بشود تا راه باز بشود برای آنهایی که باید استفاده کنند و استفاده کردند ، آنها یک مردم دیگری هستند که با آنها نمی توانیم حرف بزنیم اما سایر مردم ، اینهایی که مسجد می آیند ، منبر را گوش می کنند ، مطالب را گوش می کنند ، همچو که به روضه می رسند ، رد می شوند روند ، این از باب این است که ملتفت نیستند چه هست . آن روضه است که این محراب ، که این منبر را حفظ کرده ، اگر آن روضه نبود ، این منبر هم نبود ، این مطالب هم نبود ، آن حفظ کرده . ما باید به شهیدمان گریه کنیم ، فریاد کنیم ، مردم را بیدار کنیم . البته یک مطلبی هم که بین همه ما باید باشد این است که این نکته را به مردم بفهمانیم همه اش قضیه این نیست که ما می خواهیم ثواب ببریم ، قضیه این است که ما می خواهیم پیشرفت کنیم . سیدالشهدا هم که کشته شد ، نه اینکه رفتند یک ثوابی ببرند ، ثواب برای او خیلی مطرح نبود ، آنطور رفت که این مکتب را نجاتش بدهد ، اسلام را پیشرفت بدهد اسلام را زنده کند . شما هم که دارید نوحه خوانی می کنید ، حرف می زنید ، خطبه خوانید ، نوحه می خوانید ، مردم را به گریه وادار می کنید ، مردم هم که گریه می کنند ، همه روی این مقصد باشد که این اسلام را ما خواهیم با همین هیاهو حفظش کنیم . با این هیاهو ، با این گریه ، با این نوحه خوانی ، با این شعر خوانی ، با این نثر خوانی ما می خواهیم این مکتب را حفظ کنیم چنانچه تا حالا هم حفظ شده . باید این نکته را هم به مردم گفته بشود ، تذکر داده بشود که آقا قضیه روضه خوانی قضیه این نیست که من یک چیزی بگویم و یکی هم گریه کند ، قضیه این است که با گریه حفظ شده است این ، با گریه این حفظ شده ، حتی تباهی هم ثواب دارد ، خوب تباهی چرا ثواب دارد ؟ برای اینکه تباهی کمک می کند به این مکتب ، کمک به مکتب می کند . اینها اشتباه است که اینهاییک طرف قضیه را می بینند یک طرف قضیه را نمی بینند و مع الاسف ما همیشه ، یعنی اسلام همیشه مبتلا بوده به این یک طرف دیدن ها ، همیشه مبتلا بوده . اینکه در روایت است که اسلام غریب است ، از اول غریب بوده و الان هم غریب است ، برای اینکه غریب آن است که نمی شناسند او را ، در یک جامعه ای هست او اما نمی شناسند ، نمی شناسند اسلام را ، هیچ وقت شناخته نشده به آنطوری که باید باشد ، مگر پیش خودمان ، همیشه یک ورق را گرفته اند ، آن ورق دیگر را حذف کرده یا مخالفت با آن کرده اند . یک مدت زیادی گرفتار عرفا ما بودیم ، اسلام گرفتار عرفا بود . آنها خدمتشان خوب بود اما گرفتاری برای این بود که همه چیز بر می گردانند به آن طرف ، هر چه دستشان ، هر آیه ای دستشان می آمد می رفت آن طرف ، مثل تفسیر ملا عبدالرزاق ، خوب بسیار مرد دانشمند بسیار مرد با فضیلتی اما همه قرآن را برگردانده به آن طرف کانه قرآن با این کارها کار ندارد . یک وقت هم گرفتار شدیم به یک دسته دیگری که همه معنویات را بر می گردانند به این طرف ، اصلا به معنویات کار ندارند ، کانه اسلام آمده برای اینکه اسلام هم طریقه اش مثل هیتلر که او آمد که دنیا گیری کند و کشورگشائی کند ، اسلام هم آمده کشورگشائی کند .

هر چه مربوط به عرض

می کنم

ص: 71

-زندگی است و هر چه مربوط به طبیعت است و هر چه ، اینها را گرفته اند ، هر چه معنویات است برگردانده اند به این طرف . بعضی از تفسیرها ، بعضی از اشخاصی که می خواهند اظهار فضیلت مثلا بکنند ، ملاحظه کنید همه مسائل را برگردانده اند به این آب و خاک ، همه چیز را فدای حیوانیت کرده اند . عرفا همه چیز را فدای انسانیت کرده اند ، خوب باز او ، اما اینها غفلت از آن کرده اند . اسلام همه چیز است آقا ، اسلام آمده انسان درست کند و انسان همه چیز است ، همه عالم است انسان . آن که مریی انسان است باید همه عالم را آشنا بر آن باشد و انسان را به همه مراتب آشنا به آن باشد تا بتواند این انسان را به آن مدارجی که دارد برساند ، اسلام را به همه جهاتش بشناسد . یکی می آید چهار تا از جنگ های اسلام را بررسی می کند ، بعد می شود اسلام شناس . خوب تو جنگ شناسی ، از اسلام بگو ، من این ورقش را می شناسم . فقیه حق ندارد بگوید که من اسلام شناسم ، فقیه باید بگوید من فقه شناسم ، من فقه اسلام را می شناسم ، آن که از همه بهتر می داند همان است که فقه اسلام را می داند . فیلسوف حق ندارد بگوید من اسلام شناسم ، این بگوید من یک قسمی از مثلا معقولات اسلام را ادراک کردم . آن هم که حکومت اسلامی را بررسی کرده و اطلاع پیدا کرده که وضع حکومت چه بوده او حق ندارد بگوید من اسلام شناسم ، بگو من حکومت اسلام شناسم . ادعای اسلام شناسی جز برای آن که همه جهات اسلام را بداند چه جوری است و همه مراتب معنویت اسلام و مادیت اسلام را بداند ، او می تواند بگوید من اسلام شناسم . علی ابن ابیطالب اسلام شناس بود ، در عملش هم آنطور بود که عملش هم اعجاز است ، یک معجزه ای بود ولهذا می بینید که فقها حضرت امیر را از خودشان می دانند ، خطبا هم از خودشان می دانند ، پهلوان ها هم از خودشان می دانند ، زورخانه کارها هم از خودشان . زورخانه کارها وقتی اینجا می آیند ، همه دم از علی است ، شما هم همین طور . یک موجود اعجوبه ای بوده است که همه کس او را از خودش می دانسته ، از همه بوده و از هیچ کدام نبوده ، از همه بوده برای اینکه هر کدام یک جهت علی را توجه به آن داشته ، آن که خوب توجه دارد ، از این جهت ، از آن جهتش از شما هم بوده ، از این جهتش از یک دسته دیگر بوده ، نبوده از باب اینکه یک جهت نبوده ، همه چیز بوده ، کیست که همه چیز باشد .

### **پیروزی نهضت مروهون اظهار ارادت ملت به اسلام و توجه به مقصد**

حالا طولانی شد صحبت و اسباب زحمت آقایان ، لکن ما حالا باید بگوئیم چه بکنیم . الان ما گرفتار هستیم به یک گرفتاری های زیادی یعنی حالا گرفتاری ما بیشتر از آن گرفتاری است که قبل از پیروزی بود . قبل از پیروزی یک گرفتاری بود و آن است که دو تا قدرت ، یکی با هیچ و یکی با همه چیز رو به هم رفته بودند یعنی یک قدرت ایمان و یک قدرت های شیطانی زیاد ، دعوا بود و مبارزه دیگر طرح چیز دیگری نبود ، همه از این راه داشتند می رفتند . آن که با برنامه می رفت ، می رفت ، آنهای دیگری هم که برنامه نداشتند ، کشیده می شدند . دیگر وقتی یک جامعه ای راه افتاد ، آن هم که نخواهد ، قهرا کشیده می شود . اگر الان همه شما یک فریادی بزنید ، چاره نداریم ما هم فریاد بزنیم ، وضع جامعه

و اجتماع اینطوری است . همه اینها کشیده شدند یک طرف . خوب ، دنبال آن همه رفتند و همه مقصد این بود که این سد را بشکنند و الحمدلله شکستند و رفتند ، آن وقت گرفتاری فقط یک کلمه بود و آن اینکه برویم بشکنیم ، همه الله اکبر می گفتند ، بچه های کوچک هم با اینکه نمی دانستند دارند چه می گویند ، لکن از پدرها یاد گرفته بودند که الله اکبر می گفتند \_ و چیز می کردند \_ بچه های کوچولو هم که روی دوش پدر بودند ، آنها هم یک چیزی به تبع می گفتند ، برای اینکه همه داشتند گفتند . حالا آنطور نیست حالا یک مقصد که مقصد اصلی ماست باقی مانده است و یک جهات مختلفه و گرفتاری های مختلف پیش آمده . آنوقت هیچ صحبت این نبود که در سرحدات چه می گذرد ، هیچ صحبت نبود ، صحبت نبود کارخانه ها چه می کنند ، همه با هم موافق بودند ، کارخانه ها و کارمندها و علما و شما ، همه قشرها با هم دست به هم داده بودند و فریاد می کردند ما اسلام را می خواهیم . همین مقدار که ما فریاد می کردیم اسلام ، اگر چه قلب ما هم خیلی با اسلام آشنا نبود اما همین اظهار ارادت و اظهار اسلامیت و توجه به مقصد ، شما را پیروز کرد .

### **پرهیز از تشتت و کوشش برای انتخاب وکلای مطلع و معتقد به مکتب حیاتبخش اسلام**

امروز قشرهای مختلفی توطئه دارند می بینند و به عبارت اخری مع الاسف ماها که آنوقت با هم مجتمع بودیم ، همه با هم بودیم ، الان داریم از باطن می پوسیم . آنهایی که شکست خوردند ، از باطن دارند رشد می کنند ، آنها دارند ، همین امروز بود ، کی بود که کاغذ نوشته بود ، هر روز از این حرف ها هست که در فلان جا فلان اشخاص با هم اتحاد پیدا کرده اند با هم وحدت پیدا کرده اند با هم اجتماع دارند پیدا می کنند ، شاید همین چند روز مثلا چه بکنند ، ولو حرف است اما خوب ، اشتغال دارند . اینها نتوانند یک مطلبی است اما اشتغال دارند و اگر چنانچه کوشش نشود ، یک وقت هم می توانند . فرق ما \_ بین حالا و آنوقت این است که آنوقت همه با هم منسجم می شدیم به هم و کار را انجام می دادید و دادید ، این انسجام حالا دارد گسسته می شود ، از باطن می پوسد آنها آنوقت انسجامشان را از دست دادند و شکست خوردند یعنی ارتش پشت کرد ، ژاندارمری پشت کرد عرض کنم شهربانی پشت کرد ادارات پشت کردند ، کارگراها پشت کردند ، کارمندان ، همه پشت کردند به او و آن انسجامی که آنوقت بود ، همه قوای آنها با هم منسجم بودند ، آن انسجام گسیخته شده ، از این طرف انسجام بود از آن طرف گسیختگی ، پیش بردید شما . الان عکس است ، الان دارد دست هایی ، دست هایی توطئه می کند که این قشرهایی که با هم انسجام پیدا کرده بودند حلش کنند و همان ها هم دارند انسجام برای خودشان درست می کنند . آنها دارند باهم روابط پیدا می کنند ، ماها داریم با هم قهر می کنیم . عاقبت این امر چه خواهد شد که دشمن ما دارد با هم روابطش را زیاد می کند و ما داریم روابطمان را از دست دهیم ؟ نتیجه شکست است ، چاره نیست . همان رمزی که در پیروزی ما بود آنها دارند به دست می آورند و همان چیزی که در شکست آنها بود برای ما الان دارد حاصل می شود .

از سابق اینطور بود که قبل از ماه

رمضان و قبل از ماه محرم که وقت یک نتایج اسلامی بود، در همان رژیم سابق شما اگر توجه کنید به این قضایایی که پیش آمده، ببینید اینها چه وقتی پیش آمده. یک قصه یک وقت می بینید درست شد (شهید جاوید) آقا، این منبری، آن منبری، آن محراب، آن محراب، آن محراب، در سطح کشور همه حرف ها شهید جاوید بود، (شهید جاوید) چه بود که اینقدر داد بکنید؟ برای چه؟ نزدیک محرم می شد می دیدند که اگر این قوه ها با هم باشند و یک وقت نکند که توجه بکنند به رفتاری های خودشان، توجه بکنند به آنکه گرفتارشان کرده، شهید جاوید را پیش می آورند ما هم غفلت از مسائل روز و از مسائل سیاسی، همه به جان هم می افتادیم، همین قم تمام وقتش را صرف کرد سر شهید جاوید، تا تمام شده، بعد که تمام شد حالا یک وقت دیگر نزدیک می شود، آقای شمس آبادی را پیش کشیدند، شاید هم خودشان کشتند تا پیش بیاورند، بعد این هم یک خرده ای کم شد شریعتی را پیش کشیدند، هی دامن بزن، از این طرف تکفیر، از آن طرف تمجید، هر دو طایفه غافل از اینکه کی دارد کلاه سرشان می گذارد، هر دو طایفه غافل، هر دو (برای خدا، برای خدا) یعنی محرابی و منبری عرض می کنم چیزی که اشکال می کرد می گفت که برای خدا، دارد دین خدا از دست می رود، آن جوان و چه می گفت (نه باز هم او برای خدا، این ما را آشنا کرد به اسلام) هر دو کلاه سرتان رفته و آنها نتیجه بردند و الان فکر این هستند همین که این صدا را بلند کنند تکلیف منبری و محرابی این است که یک کلمه راجع به این مسائل حالا صحبت نکنند. الان روز این مطلب نیست، الان روز این است که شما همه قویان را روی هم بگذارید و آن که باید برای مجلس خبرگان تعیین بشود، انتخاب کنید و مردم را وادار کنید که اینها را منتخب کنند. اگر امروز چهار نفر از این معوج ها بروند در این مجلس خبرگان ممکن است این چهار نفر آدم توطئه چی مطلع از مسائل خارج، این دیگران را هم بسیارشان را تحت تأثیر قرار بدهند. باید شماها، همه ما، شماها کوشش کنید به اینکه اشخاصی که انتخاب شوند اشخاصی باشند مطلع بر اسلام، اشخاصی باشند دلسوز برای اسلام، اشخاصی که معتقدند که اسلام می تواند استقلال ما را حفظ کند و اسلام می تواند آزادی ما را حفظ کند، اسلام می تواند ما را ترقی بدهد اسلام می تواند که اقتصاد ما را حفظ کند، یک اشخاصی معتقد به اسلام که قبول کرده باشند اسلام یک مکتب مترقی است و مملکت ما باید اسلامی بشود. یک همچو اشخاص اگر رفتند و قانون اساسی ما را عرض می کنم مطالعه کردند و بررسی کردند و تنظیم کردند، ما برده ایم. اگر چنانچه از الان غفلت بکنیم، هی بنشینیم و طرح بدهیم، آن هم طرح پیش من، من حالا- دخالتی در این امر ندارم طرحی که می دهند باید بدهند مجلس سنا که آنجا اجتماع هست برای این کار، هر کس هر طرحی دارد آنجا باید بدهد، الان باید همه شما، همه ما باید قویمان را روی هم بگذاریم که مبادا دیگران ببرند این مطلب را و ما را و قتمان را صرف این بکنند که آیا اسب حسین خان بهتر است یا اسب حسن خان، دعوا را یک جای دیگر، ما را منحرف کنند از مقصد خودمان به طرف جای دیگر، جای دیگر ما برویم آنها هم کار خودشان را انجام بدهند. الان نقشه این است که ماها از صحنه خارج بشویم خودمان با رضا و رغبت، این منبر، این منبر، آن منبر، خوب مردم هم توی همین منبرها و توی همین مساجد هستند، وقتی

منبری رفت و شروع کرد به مثلاً یک مسأله ای که انحرافی بود ولو حق بود لکن در این زمان انحراف است، اگر یک مسأله را طرح کردید، آن اشخاصی هم که آنجا نشستند آنها هم کم کم ذهنشان این طرف آید، از آن مسأله اساسی که ما الان پیشمان مطرح است که باید اساس و شالوده یک حکومت اسلامی حق انجام بگیرد از این ما را منحرف می کنند شیاطین به یک طرف دیگری و خودشان می روند سراغ آن کارها، به ما می خندند، به ریش ما می خندند، خودشان می روند کارها را انجام می دهند. الان باید فکر این مطلب باشید، این ماه مبارک شعبان، این ماه مبارک رمضان که خدای تبارک و تعالی یک حربه ای دست شما داده، الان این حربه دست شماست و دیگران ندارند این را و این هم از برکت امام حسین سلام الله علیه است، این حربه الان دست شماست، این حربه را به کار ببرید، مثل شمشیر ابی عبیده است که خودش باید به کار برد، هر کسی نمی تواند این شمشیری که دست شماست بتواند به کار برد. غفلت نکنید، اغفالتان نکنند. ممکن است الان اشخاصی بیایند هی بیخ گوش شما بخوانند که (دیدید اسلام از بین رفت، چطور شد) این نظر سوء دارد نظر حسن ندارد، شما بگوئید ما الان می خواهیم اسلام را درستش کنیم بعد که اسلام درست شد، آنوقت می رویم سراغ اشخاص که کی مسلم است یا غیر مسلم. ما الان را همان این راه است، شما هم باید در مساجدتان، در منابرتان عرض می کنم مردم را دعوت به اجتماع بکنید. این اجتماعات است که اسلام را حفظ کرده، این اجتماعات، این فریادها، این زنده بادها این مرده بادها، اینهاست که ما را پیش برد. این اجتماعات مساجد را زیاد کنید، مردم را دعوت کنید به مساجد، بفهمانید به آنها که نکته گریه چیست گریه فقط برای این نیست که ما عزادار هستیم، مردم برای پدرشان هم و فرزندشان هم دو، سه روز گریه می کنند و تمام شد، چرا این تمام نشد؟ برای اینکه مکتب تمامی ندارد و این مکتب ماست، این سند مکتب ماست، ما می خواهیم مکتبمان را با این حفظش کنیم.

مسائل دیگری که ایشان فرمودند که راجع به همین قضیه انتخابات و قضیه اینها باشند، اینها از مسائلی است که من الان نباید دخالت در آن بکنم به یک جهاتی، اینها هر کدام هر کس مسأله ای دارد بدهد به همان مجلسی که برای این قضیه هست که بررسی بکنند. و مهم مطلب این است که اشخاصی را انتخاب بکنند آقایان آنجا، آقایان هر بلدی، علمای هر بلدی، اشخاصی را انتخاب کنند و به اهل منبر بگویند و آنها هم معرفی بکنند و شاید این مسأله بشود که اشخاصی درصدد بررسی الان هستند اشخاصی که پیدا بکنند و باید هم اکثراً از علما باشند، بدانند چه می کنند. انشاءالله خداوند همه شما را تایید بکند و موفق باشید، ادامه بدهید به این شغل شریف و محترم و بگریانید مردم را، گریه بکنید خودتان بر شهیدی که اسلام را زنده کرده.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع اعضای سازندگی قم

### آتش زدن خرمن ها به دست عمال امریکا و به نفع ابرقدرت ها

بسم الله الرحمن الرحيم

امید است پیش خدای تبارک و تعالی کارتان مقبول باشد و توجه داشته باشید که کارهای اسلامی باید در اطرافش توجه بشود که صد در صد اسلامی باشد. شما الان دارید می روید در دهات و در جاها دیگر می خواهید بروید، ممکن است که در آنجا یک عناصر ضد اسلامی پیدا بشوند، آنها را هدایت کنید، آنها را نگذارید که یک کارهای خلافی بکنند، تبلیغات خلافی بکنند، البته در حدود همان که از ایشان پرسید خوب، شما چه می گوئید، شما که می گوئید ما برای مردم و برای توده می خواهیم یک کاری بکنیم، خوب زراعت را آتش زدن، این برای خلق یک خدمتی است؟! خرمن را آتش زدن یعنی چه؟ قبلا این عده می رفتند و نمی گذاشتند کشت بکنند، بعد از آن نمی گذاشتند درو بکنند، بعد از آن درو کردند، خرمن کردند، حالا خرمن ها را آتش می زنند. این نفعش به جیب چه کسی می رود؟ ما حساب بکنیم. ما بخواهیم عمال یک رژیم را بشناسیم باید ببینیم که این کاری که اینها می کنند نفعش تو جیب چه کسی می رود؟ توی جیب هر کس که رفت این نوکر اوست. مستقیماً توی جیب امریکا می رود، برای اینکه ما وقتی که زراعت نداشته باشیم، گندم نداشته باشیم، در جایی که صادر می شود امریکاست، مهمش اوست، شوروی که گندم نمی دهد، خودش هم محتاج است، از امریکا به شوروی صادر می شود، نفع این کارها مستقیماً توی جیب امریکا می رود. پس اینکه ما می گفتیم که اینها که با اسم چپی و به اسم کذا دارند عمل می کنند اینها از عمال امریکا هستند، منتها خودشان نمی دانند وضع خودشان را، این برای این است که کار، کار آمریکائی است. کار، کاری است که می خواهد گندم نباشد، ما زراعت نداشته باشیم و آنها که زراعت شان زیاد است و آتش می زنند و به دریا می ریزند، آنها زراعت شان را بدهند به ما، شما که می گوئید ما برای مردم دلسوز هستیم، برای خلق می خواهیم کار بکنیم، خوب بیاید کمک کنیم تا گندم زیاد بشود، بیاید شما هم با این آقایان درو کنید، بروید گندم ها را جمع بکنید، بروید زراعت ها را تصفیه کنید تا برای مردم باشد. اگر خلاف این شد و بنابر شلوغکاری و به هم زدن شد، این را باید دید آن که بیشتر در این کار فایده می برد کیست، آن که شما را وادار می کند به این کار کیست. و ما دیدیم که امریکا بیشتر نفع می برد برای اینکه امریکا در این شکست از همه بیشتر شکست خورد و بیشتر از دول منفعت می برد، شکست او هم بیشتر است، ناراحتی او هم بیشتر

است و دسیسه او هم بیشتر است .

شما توجه داشته باشید به اینکه اینها را هدایت کنید ، این جوانهای ما بسیارشان گول خورده اند نمی دانند چه می کنند .

### ایجاد حزب توده ، به دست انگلیس ها

اصل این حزب توده را من اولش را می دانم این ابتدا حزب توده ، آن کسی که حزب توده را ایجاد کرد ، همسفر مکه ما بود ، می خواهم بگویم از اول توده ای نبود ، توده ای آنوقت بود که شوروی درست کرده بود ، این همسفر مکه ما بود ، سلیمان میرزا یک آدم مقدس مآبی بود و دو ، سه نفر هم همراه خودش آورده بود . خودش اولاد نداشت لکن یک کسی را به اولادی قبول کرده بود و او را برداشته بود آورده بود مکه ، خودش هم یک آدم نمازخوانی در آن شهرها . آنوقت هم که تکبیر سلیمان نمازی و کذا که برایش می خواندند ، که ، این نماز می خواند ، چرا شما تکفیرش کنید؟ حزب توده به دست سلیمان میرزای نمازی و طاعتی و مکه برو ایجاد شد و این مستقیما از انگلیس ها بود . آنوقت انگلیس ها اینجایز داشتند ، حالا امریکائی ها هستند . در دربار همین محمدرضا خان از همین کمونیست ها خدمتگزار بودند ، از همین سران اینها خدمتگزار بودند . پس مطلب اینطور نیست که ما خیال کنیم که نه ، اینها کمونیست اند ، کمونیست نیستند ، اصلا کمونیست به آن معنا که خودشان ادعاکنند که ما طرفدار ضعفها و مستضعفین هستیم و می خواهیم به مردم برسیم ، اصلا اینها آن نیستند ، اینها طرفدار سرمایه دارها و طرفدار قلدرها هستند و می خواهند ما محتاج به آنها باشیم و گندم ها را از آنها بیاوریم و پولش را بدهیم و بعد هم نفت را بیایند ببرند . اینها را هدایت کنید ، نگذارید توی ده رخنه بکنند . توی آن دهاتی که می روید ، اگر آنها یکی شان آمدند ، شما هم بایستید صحبت کنید ، مسأله بگوئید . اگر این مطلبی را که من عرض می کنم به شما ، درست بگوئید ، از این ده می رود ، از آن دهات می رود ، می روند جای دیگر پیدا می کنند . انشاءالله خداوند همه شما را تایید کند و موفق باشید و به خدمت خودتان ادامه بدهید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع کارکنان و دانشجویان دانشگاه شیراز و گروه اطباء سنتی اسلامی

### ضرورت پرداختن به تدوین قانون اساسی و عدم طرح مسائل غیر اساسی

بسم الله الرحمن الرحيم

ما بالفعل یک مسائل اساسی داریم که باید فکر آن مسائل اساسی باشیم. در یک همچو موقعی که این مسائل اساسی مطرح هست، طرح مسائل دیگر اشتباه است. من کرارا گفته ام که اگر چنانچه یک زلزله ای بیاید و یک خانه هایی را خراب و یک مردمی زیر آوار باشند، دیگر شما به خودتان اجازه می دهید که بنشینید راجع به مسائل طب صحبت کنید، یا مسائل ریاضی، یا مسائل دیگر مطالعه کنید؟ یا همه باید هجوم بیاورید و این زلزله زده ها را بیرون بیاورید؟

ما الان یک مملکتی داریم که یک خرابی هایی دارد اساسی و یک مسائلی ما الان داریم که این مسائل، اساس مملکت ماست. مسائل اساسی را ما الان باید طرح کنیم و همه با هم دنبال این مسائل اساسی باشیم. بعد که این مسائل اساسی را درست کردیم و اساس مملکت مان را مستقر کردیم، آنوقت شما بروید سراغ طب سنتی، آنها هم بروند سراغ طب وارداتی. امروز روزی نیست که شما صرف کنید همه قوایتان را در اینکه آیاطب اسلامی به اصطلاح شما، یا طب سنتی ابوعلی و رازی باید عمل بشود یا طب های دیگر. این الان نباید مطرح بشود. الان شما در یک وضعی واقع هستید که بین وجود و عدم کشورتان، بین وجود و عدم مذهب و اسلامتان واقع شده اید، سر دوراهی الان واقع شده اید، گمان نکنید حالا که رژیم سابق را عقب زدید، دیگر مسائل تمام است. الان شما ملاحظه می کنید که در این مملکت ریشه هایی که از همان رژیم سابق هست که مشغول فعالیتند، یک اشخاصی از خارج آمده اند با اسمهای مختلف آنها هم مشغول فعالیتند، می خواهند نگذارند که این مملکت رژیمش مستقر بشود. سابق با رفتارند مخالفت می کردند، بعد با طرح قانون اساسی مخالفت می کنند. بعد هم هر قضیه ای را که پیش بیاورید. یک قشری هستند که از عمال خارجی ها مخالفت می کنند. در یک روزی که راجع به اساس مذهب، راجع به اساس کشور، ما مواجه با مخالفین هستیم، همه ما باید توجه به همین معنا بکنیم. چطور آن روز که می خواستید این رژیم را خارج کنید، هیچ طرحی نمی کردید مسائل خودتان را، گرفتاری های خودتان را با اینکه داشتید آنوقت هم گرفتاری لکن می دیدید که الان وقت طرح این نیست. الان هم همانطور است، الان وقت طرح اینکه دانشگاه وضعش چطور است، طب سنتی یا طب جدید وضعش چه جور است، یا سایر چیزهایی که ما به آن احتیاج داریم و همه خرابی هایی که الان



گذاشتند و رفتند ، الان وقت طرح اینها نیست ، اینها یک وقتی دارد . الان ما یک دولت متزلزل انتقالی داریم ، استقرار پیدا نکرده است الان رژیم ما ، استقرار پیدا نکرده حکومت ما . ما قانون اساسی خواهیم که اساس یک مملکتی بر قانونش هست ، بعد از آن رئیس جمهور خواهیم که الان نیست ، بعد از آن مجلس شورای ملی خواهیم که با رأی مردم تحقق پیدا کند ، بعد که مجلس تحقق پیدا کرد و رئیس جمهوری تحقق پیدا کرد و دولتی تحقق پیدا کرد ، یک دولت مستقری ، و دست اینها و طمع اینها از این مملکت برید ، آنوقت ، وقت این است که من مشکلاتی که دارم ، بگویم ، شما مشکلاتی که دارید ، آقایان هم مشکلاتی که دارند ، نه اینکه ما نمی دانیم ، مشکلات زیاد است و نه اینکه ما نمی دانیم که علومی که در شرق بود ، دسیسه اسباب این شد که عقب بزنند آنها را و به جای آن علوم غرب را بیاورند ، دانش هایی که در شرق بود و اروپا از آن تقلید می کرد ، دست هایی آمد آنها را عقب زد و محتوا را از ما گرفت و الان وضع ما وضعی شده است که خیال می کنیم که هر چه هست ، در غرب است و ما هیچ چیز نداریم . محتوای خودمان را گرفتند ، یعنی مغزهای ما را شستشو کردند جایش یک مغز دیگری گذاشتند که از همان غرب ارتزاق می کند و این یک مطلب مهم است که باید به تدریج این مملکت از زیر آن بار بیرون برود . یکی هم از مسائل ، همان مسأله طب قدیم است . آنها همه این دردهایی که الان هست ، با همین دواهای علفی معالجه می کردند و معالجه شان یک معالجات اساسی بود و اروپا از طب بوعلی تا همین آخر استفاده کردند . کتاب بوعلی تا همین آخر ، شاید حالا هم مورد نظر آنها باشد ، بروزش را نمی دهند . من نه این است که ندانم اینهارا . می دانم اشکالات زیاد است لکن همه چیز اینطور است ، همه مسائل اینطور است که ما را ، به ما اینطور فهماندند که خودتان هیچ چیز نیستید و همه چیز آنها هستند و اینها می خواستند همچو ما را از صحنه انسانیت بیرون بکنند ، بگویند ما اصلا هیچ چیز نداریم ، الان هم شما می بینید که ما طیب داریم ، معالجه داریم لکن تا یک کسی یک مرضی پیدا می کند ، راهش را می رود به انگلستان ، می رود به امریکا ، همین جا می تواند معالجه کنند لکن اینها می روند به آنجا ، بعد از مدتی که آنجا دیدند آنجا هم معالجه شان نکرده اند ، گاهی هم معالجه کردند . این از باب این است که ما را جوری الان بار آوردند که خیال می کنیم که غیر از آنجا چیزی نیست در کار و حال آنکه نه ، هست ، اینجا هم هست در کار . در هر صورت ما همه اشکالات را دانیم لکن وقت دارد اینها ، الان شما باید تمام همتان را صرف این معنا بکنید که این مراحل که ما داریم و دارند با آن مخالفت می کنند ، این مراحل را ماطی بکنیم . الان ما احتیاج داریم که قانون اساسی مان بکنند و تصویب بکنند یک عده آدم مطلع ، خبیر ، مجلس خبرگان پیدا بشود ، باید همه افکار را متوجه این بکنید که یک اشخاص صحیحی ، یک اشخاص مسلمانی ، یک اشخاص متعهد به اسلامی ، یک اشخاص معتقد به اینکه این مکتب است که می تواند ما را مستقل قرار بدهد ، یک همچو اشخاصی را تعیین بکنید تا بروند به مجلس و انشاءالله قانون اساسی را آنها چه بکنند و بعد هم به فراندم گذاشته بشود و این مرحله را ما طی بکنیم . در همین مرحله ای که ما هستیم ، الان ما مخالف داریم . الان همین حرف هایی که شما می زنید من احتمال می دهم که یک کسی بیخ گوشتان است خودتان هم متوجه

نیستید . گفتید که بین طب ما از بین رفته ، بیائید برویم آنجا طرحش بکنیم . وقت طرح نیست الان ، الان وقت این نیست که ما بنشینیم بگوییم که طب ما چه جور است . دانشگاه ما چه جور است همه اینها اشکال دارد دادگستری ما چه جور است همه اینها باید متحول بشود اما موقعش وقتی است که ما یک حکومت صحیح پیدا بکنیم ، ما بتوانیم در دنیا بگویی که این مملکت ما ، این رژیم ما ، این قانون ما ، این رئیس جمهور ما ، این مجلس ما ، که مردم ، که دنیا ما را بپذیرد به اینکه ما یک رژیم تام العیاری هستیم . بعد از اینکه اینطور شد ، آنوقت بیائیم سراغ این خرده ریزهایی که چه شده است ، چه عقب افتادگی داریم ، چه گرفتاری هایی برای ما این رژیم منحوس سابق درست کرده است ، همه چیزها را به هم ریختند ، رفتند .

انشأالله خداوند همه تان را تایید بکند و وظیفه فعلی تان را به آن توجه پیدا کنید . و شمای دانشگاهی و آن طب سنتی و دیگران ، همه این خواهرهای محترم و شمامبرادرها و همه ایران ، همه با هم الان باید توجه به همین مسیر داشته باشیم که نهضت مان توراه هست ، این نهضت را باید همچنان زنده نگه دارید تا این مسائل بگذرد . اگر یک سستی بکنید و بروید سراغ کارهای دیگر ، آن بگوید من خانه ندارم و آن بگوید طب من چطور است و آن بگوید دانشگاه من چطور ، در بین راه ما می ترسیم که یک وقتی یک عایقی پیدا بشود ، یک مانعی پیدا بشود و همه این حرف های شما بشود دیگر هیچ و تمام بشود و تا آخر دیگر باز ما زیر بار همان مسائل باشیم . خدا همه تان را انشاءالله حفظ کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع کارکنان جامعه اسلامی وزارت امور اقتصاد و دارائی

### هدف خداوند از بعثت انبیا و نقش سازنده تعالیم آنان

بسم الله الرحمن الرحيم

کوشش هایی که انبیا می کردند و جنگ هایی که با مخالفین راه حق می کردند و خصوصا جنگ هایی که در صدر اسلام واقع شد، مقصد جنگ نبوده است و مقصد کشورگشایی هم نبود، مقصد این بوده است که یک نظامی عادلانه که در آن نظام عادلانه، احکام خدا جاری بشود. انبیا آنهمه زحمت کشیدند نه فقط برای اینکه طرف را از صحنه خارج کنند و خودشان صحنه را دست بگیرند، بلکه مقصد اصلی این بوده است که این انسان هائی که انسانیت ندارند، این اشخاصی که در راه خلاف دارند سیر می کنند و آنها می دیدند که این راه خلاف، راه شقاوت است، راه ضلالت است، راهی است که مردم را در این دنیا به شقاوت و در آن دنیا هم به مهلکه می کشاند، انبیا از طرف خدای تبارک و تعالی مأمور شدند برای نجات مردم. مردم را اگر به حال خودشان می گذاشتند جز یک حیوانی که خوردن و خوابیدن را و شهوات را ادراک بکند و در راه آن عمل بکند، چیز دیگر را نمی توانستند بفهمند، از باب اینکه ورق ماورای طبیعت بر مردم پوشیده است. اینکه مردم می دانند، همین عالم را عالم طبیعت را، آنهایی که علمشان دیگر زیاد هست، یک خصوصیات طبیعت را زیادتر می فهمند، لکن همه آنها همین است که از طبیعت بهره ور می شوند و به طبیعت توجه دارند و انسان را هم به همین جنبه طبیعی می شناسند و برای همین جنبه طبیعی انسان هم زحمت می کشند. تمام زحمات مادیین که مربوط به مکتب الهی نباشد صرف ادراک طبیعت و خصوصیات طبیعت است که در طبیعت است می شود و استفاده از طبیعت، آنهم طبیعت انسان از طبایع عالم. هر چه نگاه بکنید از این تمدن های بزرگ، جدید، از این پیشرفت های عظیم انسانی می بینید که همه آن مربوط به همین طبیعت است و مربوط به استفاده انسان از طبیعت است، آنهم استفاده انسان طبیعی از عالم طبیعت. از عالم طبیعت به آن طرف این موجودات طبیعی نمی توانند بفهمند و لهذا اینها راهی به آن عالم ندارند مگر از راه وحی که همه عالم را در تحت سیطره اش هست و چون این انسان مثل سایر حیوانات نیست که همان حیات طبیعی و دنیایی باشد بلکه انسان یک طور خلق شده است که علاوه بر حیات طبیعی، حیات مابعدالطبیعه هم دارد و آن حیات مابعدالطبیعه، حیات صحیح انسان است، اینجا همان حیات حیوانی است، از این جهت مردم محتاج شده اند به اینکه در پیدا کردن راه صحیح از طریق وحی به این ها گزارش داده بشود و خدای تبارک و

تعالی هم منت بر مردم گذاشت و انبیا را مبعوث فرمود تا اینکه راه را به اینها نشان بدهند. تمام تعلیمات انبیا برای مقصد، نشان دادن راهی است که انسان ناچار از این راه باید عبور کند. ناچار انسان از این عالم طبیعت به یک عالم دیگری عبور می کند، اگر سر خود باشد یک حیوانی است که از این عالم به عالم دیگر می رود و اگر چنانچه به راه انبیا برود انسانیتش کامل می شود و هر چه بیشتر اطاعت کند بیشتر انسانیتش رشد می کند. تمام کوشش انبیا برای این بوده است که انسان را بسازند، تعدیل کنند، انسان طبیعی را مبدل کنند به یک انسان الهی، در همین عالم که هست هم، باز اینطور باشد. نظر انبیا به این عالم بانظر اشخاص دیگر فرق دارد، آنها می خواهند این عالم را الهی کنند، یعنی به هر چه نگاه می کنند آثار الهیت در آن ملاحظه کنند. سایر قشرها چه فلاسفه باشند و چه سایر دانشمندان باشند خصوصاً دانشمندان طبیعی، اینها تمام نظرشان به این است که آثار طبیعت را کشف کنند و استفاده از طبیعت بکنند. انبیا طبیعت را قبول دارند لکن طبیعت را مهار می کنند به طوری که در تحت الوهیت مهار بشود، در تحت عالم بالاتر باشد. همان استفاده ای را که ماها که اطلاعی از آن واقعیات نداریم از این عالم طبیعت می کنیم آن آدمی که از ما عداوت طبیعت هم اطلاع دارد همین استفاده را می کند با فرق اینکه، این که استفاده می کند نظرش به همین طبیعت است و او که استفاده می کند طبیعت را آثار آن عالم می بیند و حق تعالی را در طبیعت مشاهده می کند.

اینهمه جنگ هایی که در اسلام شده است و زحماتی که اولیاً خدا کشیده اند و اینها برای اینکه اسلام را پابرجا کنند، احکام اسلام را پیاده کنند آنهم برای اینکه انسان ها را هدایت کنند به یک واقعیاتی که اطلاع بر آن ندارند، راه را نمی دانند، آنها می دانند راه را اینطور باید بروند.

### **تکلیف بر تحقق عملی احکام اسلام در کلیه امور فردی و اجتماعی**

ما تا حالا که این جمهوری اسلامی را، همه شماها زحمت کشیدید و همه قشرهای ملت متحد شدند با هم و خون ها را دادند و زحمت ها کشیدند و زجرها را کشیدند و این سد را شکستند و رأی به جمهوری اسلامی هم دادند، این برای این نبود که فقط حریف را از میدان در بکنند و خودشان به جای او بنشینند، این برای این بود که یک رژیم فاسد را تبدیل کنند به یک رژیم صحیح، رژیم عادل که وقتی رژیم عادل تحقق پیدا کرد و احکام اسلام آنطوری که باید تحقق پیدا کرد، آنوقت افراد اگر عمل کنند، راه صحیح واقعیت را پیدا می کنند و رژیم هم اگر چنانچه اسلامی باشد و عمل، عمل اسلام باشد و همه نظام، نظام اسلام باشد، یک نظام عادلانه ای که به هیچ یک از افراد تعدی نشود، در هر اداره ای بروید آنجا اسلام را ببینید، در هر بنگاهی بروید آنجا هم ببینید اسلام هست، اینکه حکومت می کند اسلام حکومت بکند، غیر اسلام در کار نباشد. ما تا حالا نرسیدیم به این. ما رأی دادیم به اینکه جمهوری اسلامی باشد، حالا هم رژیم ما جمهوری اسلامی است اما اینطور نیست که ما تا رأی دادیم، جمهوری اسلامی، یک جمهوری اسلامی شده باشد، فقط نظام الان نظام جمهوری اسلامی و دنیا هم شناخته ایران را به اینکه اینجا رژیمش جمهوری اسلامی است اما اسلام که این را نمی خواسته که ما

یک رأی بدهیم و بگوئیم جمهوری اسلامی، اسلام می خواسته که در رژیمش اینطور باشد که هر جا پا بگذاری احکام اسلام باشد، غیرش نباشد. اگر ما با همه زحمت ها با همه خون دادن ها به این جا رسیدیم که جمهوری اسلامی، و باز رهایش بکنیم تمام کارهایمان هدر رفته، یعنی طاغوت فرق نمی کند که محمدرضا باشد یا من و شما. حیثه شعاع عملیات مختلف است یک کسی طاغوت است در خانواده خودش، یک کسی طاغوت است در خودش و همسایه هایش، یک کسی طاغوت است در محله اش، یک کسی در شهر، یک کسی هم در یک استان، یک کسی هم در سطح کشور. در طاغوتی فرقی نیست، در شعاع عمل فرق است. همین طاغوتی که در خانواده خودش طاغوت است، اگر دستش برسد در محله هم طاغوت است، اگر دستش برسد، در همه سطح کشور طاغوت است، برای اینکه خودش وقتی طاغوت هست دیگر شعاع عمل کم و زیادش پیش او فرقی ندارد، دستش نمی رسد، دستش برسد همان کارهایی که محمد رضا می کرد، این آدم هم همان کارها را می کند تا تربیت اسلامی و انسانی و تحت تربیت انبیا کسی نباشد، دستش نمی رسد و الا وقتی دستش برسد همه آن کارها را می کند حالا هم خیال می کند نمی کند. این آدمی که در منزل خودش ظلم می کند، در منزل خودش تعدی بر اولادش، بر فرزندش، بر خادمش می کند این اگر زیادتر بشود خدمه اش، زیادتر بشود اولادش، زیادتر بشود تابعش همان قدر که آنها زیادتر شوند این وسعت ظلمش زیاد می شود، برای اینکه آدم ظالم است. ظالم اگر ده نفر تحت سیطره اش باشند، ظلمش به اندازه ده نفر است، اگر سی و پنج میلیون جمعیت هم باشند، ظلمش به اندازه سی و پنج میلیون نفر است، آدم، همان آدم است برای اینکه آدم نشده است، یک موجود طاغوتی شیطانی است. این موجود طاغوتی شیطانی اگر تحت سیطره انبیا نرود، تحت تعلیم و تربیت انبیا نرود هیچ فرقی مابین این فرد با آن فردی که یک عالم را دارد می چاید، در روحيات نیست، در عمل هست از باب اینکه این دستش نمی رسد، او دستش می رسد. اینهایی که مثلاً فرض کنید در ایران سیطره داشتند مثل محمد رضا اگر در عراق هم سیطره اش می رفت همین ظلم هایی که اینجا می کرد آنجا هم کرد، اگر در همه ممالک اسلامی هم سلطه پیدا می کرد همین کارهایی که اینجا کرد در همه می کرد اگر در همه عالم هم سلطه پیدا می کرد همان مطلب بود. می بینید که این ابرقدرت ها که دستشان را همه جا دراز کنند، دستشان را همه جا دراز می کنند برای چاپیدن، آن آدمی که چاپیدنش یک حدود خاص داشت وقتی که شد رئیس، یک قدری وسعت پیدا می کند و همان کارها را هم آنجا می کند. گمان نکنید که من و شما اگر دستمان برسد به آنها نکنیم، تا آدم نشویم همان حرف هست، باید همه فکر این معنا را بکنیم که رژیممان را رژیم اسلامی بکنیم.

رژیم اسلامی به این است که این افرادی که در کار هستند، این افرادی که در این رژیم سر کار هستند، مشغول به فرض کنید که خدمتگزاری هستند، کارندهای دولتی همه شان، هر کدام آنجا که کار می کنند کارشان کار اسلامی باشد، این فکر نباشد که حالا که این اداره آنجایش خراب است خوب، بگذارید اینجایش هم خراب باشد، حالا که آن آدم آنجا خلاف می کند خوب، بگذار اینجا هم خلاف کند. همه ملکفیم، همه ما. اگر همه عالم خلاف بکنند، یک آدمی که تربیت شده تحت مکتب

انبیاست او خلاف نمی کند ، تمام عالم وقتی که به هم بخورد و ظلم بشود ، حضرت موسی خلاف نمی کند . از اینکه حالا همه دارند می چایند پس باید من هم این کار را بکنم ، نه ، در تربیت انبیا اینجور نیست ، علی بین ابیطالب سلام الله علیه همه عالم اگر کافر می شدند به حال او فرقی نمی کرد جز غصه خوردن به اینکه چرا اینها دارند خلاف می کنند و الا در مشی او هیچ تغییری نمی کرد آن روزی که تو خانه نشسته بود با آن روزی که یک خلافت دارای آن وسعت که ایران یک جزش بود تا مصر و در حجاز و همه اینها تحت سیطره بود و از اروپا هم یک مقداری ، هیچ فرقی در حال روحی اش نبود که حالا که من دارای یک همچو چیزی هستم ، باید مثلا چه بشود ، هیچ ابداء در روح او هیچ فرقی نمی کرد برای اینکه روح ، روح الهی بود . روح الهی در آن فرقی نمی کند که یک جمعیت کمی تحت نظر او باشد یا یک دنیا باشد ، در حال روحی او فرقی نمی کند ، او موظف است عدالت کند ، می تواند با این چهار تا که هست عدالت بکند ، اگر توانست با همه جا و همه جا عدالت را گسترش می دهد . همه ما الان که اسم جمهوری اسلامی روی خودمان گذاشتیم و رژیم سابق را فرستادیم بحمدالله به خارج و دفنش کردیم و دیگر هم زنده نخواهد شد انشاءالله ، همه ما الان مکلفیم که این رژیمی که ادعا داریم که تحقق پیدا کرده ، واقعیتش تحقق پیدا کند ، از حد لفظ به حد معنا بیاید ، از حد رأی به حد خارج بیاید . شما که مأمورین یک وزارتخانه هستید یک طور باید عمل بکنید ، آنها هم که در وزارتخانه دیگرند یک طور ، همه باید یک مأمورین اسلامی باشند . هر فرد باید خودش را موظف بداند به اینکه این کاری که الان ، این کار جزئی که پشت میز نشسته به او محول است ، این کاری که به او محول است به عدالت عمل کند ، منتظر نشود که وزیر عادل بشود . وزیر عادل باشد یا نباشد ، شما باید عادل باشید . نخست وزیر عادل باشد یا نه ، برای خودش ضرر دارد و نفع دارد ، آن حسابش علیحده هست ، شما هم حسابتان علیحده است ، پیش خدا حسابش علیحده است ، پیش ملت هم حسابش علیحده است . شما که این کار جزئی ، پیشخدمتی که این کار جزئی دستش هست ، این عدالت در آن کارش باید بکند . آن رئیس اداره هم که در آنجا نشسته آن هم عدالت در همان کار باید بکند ، منتظر نشود دیگران عادل بشوند تا او عادل بشود . مثل این است که من منتظر بشوم دیگران نماز بخوانند تا من نماز بخوانم ، یا منتظر بشوم دیگران ناهار بخورند تا من ناهار بخورم . چطور وظایف طبیعی را آدم اینطوری عمل می کند ، وظایف طبیعی را هر کسی شخصی عمل می کند . شما هیچ وقت انتظار کشیدید دیگران نفس بکشند تا شما بکشید؟ دیگران نگاه کنند تا شما نگاه کنید؟ هیچ همچو نیست . شما به حسب طبیعت تان وظایف طبیعی را شخصا عمل می کنید ، وظایف الهی را هم همینطور است همانطور که وظایف طبیعی را شخصا عمل می کنید وظایف الهی را شخصا شما موظفید عمل کنید بعلاوه موظفید که دیگران را هم وادار کنید که به این کار در این جا موظف نیستید که دیگران را وادار کنید که نگاه کن اما در آنجا موظفید که تعدیل کنید دیگران را هم تربیت کنید . هر کدام ما موظفیم خودمان عمل کنیم و موظفیم دیگران را هم وادار کنیم ، اگر یک همچو روحیه ای در یک ملتی پیدا بشود که انشاءالله امیدوارم پیدا بشود ، اگر یک همچو روحیه تعاون معنوی همانطوری که در این برهه ای که انقلاب بود یک تعاون مادی پیدا شده بود ، این هم

معنا بود، اما معاونت راجع به این بود که اینهائی که می آمدند در خیابان ها تظاهر می کردند، خانه ها به آنها آب می دادند، غذا می دادند عرض کنم مردم کمک می کردند و معاونت می کردند، اگر یک روحیه معاونت معنوی پیدایشود در انسان، در همه، که هر کس خودش را موظف بداند به اینکه علاوه بر اینکه خودش یک آدمی است که می خواهد عدالت بکند، وظیفه شناس است، پشت میز که نشسته کار خودش را که می کند و کار مردم را که می خواهد انجام بدهد، روی وظایف است، نه روی طمع است، نه روی ترس و خوف است، روی وظیفه است، آنطوری که وظایف شخصی خود را آدم عمل می کند برای خودش وظیفه می داند که برای بچه هایش لباس بخرد، این یک وظیفه ای است پیش آدم، نه خوف است و نه طمع. اگر انسان، آن کسی که متصدی یک کار یاست، وظیفه بداند این را که من حقوق مثلاً می گیرم وظیفه ام این است، نخیز، حقوق هم نمی گیرم وظیفه انسانی ام این است، وظیفه اسلامی ام این است که حالا که متکفل یک امری شدم و یک دسته ای به من محتاجند که کار آنها را راه بیندازم، کارها را تعویق نیندازم، همانقدری که می توانم، به هر ترتیبی که جریان دارد، جریان بدهم با رفاقت، جلو و عقب انجام ندهم، خلاف عدالت نکنم، اگر جلو و عقب انجام بدهم این همان کارهای طاغوت است، طاغوت در یک چیز کم، در یک شعاع کم. چنانچه هر کدامان توجه به همین معنا داشته باشیم، هر کسی به خودش متوجه باشد، خودش را درست کند، اداره ای که دارای پانصد نفر مأمور است، هر مأموری آن کاری را که به او محول است سرش را زیر بیندازد و کارش را انجام بدهد، یک اداره درست می شود، یک وزارتخانه درست می شود، باقی درست می شود، همه کشور درست می شود. اگر یک همچو چیزی در یک کشوری پیدا شد، این کشور مرفی است کشور مرفی این نیست که سینماهای کذا داشته باشد و آن کارهایی که در آن می شد، یا مرفی آن است که مراکز فحشا آن قدر زیاد باشد، مشروب خوری آنقدر زیاد باشد این انحطاط است، کشور مرفی این است که افرادش مرفی باشند، فرد مرفی آن است که وظیفه شناس باشد، وظایف اداری اش، وظایف الهی اش، اگر انسان وظیفه شناس شد یک انسان مرفی است، یک انسان عادل است. یک مملکتی اگر انشاءالله موفق بشویم، موفق بشوید به اینکه این مملکت، همه وظیفه شناس بشوند و جمهوری اسلامی بشود. جمهوری اسلامی این است که اداره مالی آن هم اسلامی بشود، اداره عدلیه اش هم اسلامی بشود. تحول باید پیدا بشود، تحول در نظام و تحول در افراد که این نظام را می خواهند پیش ببرند. به مجرد اینکه تحول در نظام هم باشد و تحول در افراد نباشد، فایده ندارد برای اینکه وقتی تحول در افراد نباشد، اگر حالا هم یک کسی، یک تحولی در نظام درست کند، فردا همین افرادند که این نظام را می خواهند پیش ببرند، همین افراد، نظام را معوجش کنند، بر خلاف می کنند.

تحول در افراد، در روحیه افراد میزان است و این با این است که همه آقایان بنای بر این بگذارند که کارهایشان را روی وظیفه شان عمل بکنند، خودشان را ببینند در یک جمهوری اسلامی، ببینند در یک مملکتی هستند که رأس این مملکت امام زمان سلام الله علیه مراقبشان هست، مأمورهای مخفی دارد، ملائکه الله مأمورند، خودش را تحت مراقبت ببیند، بگوید که ما یک مملکتی الان هستیم

که یک مراقبی داریم معصوم و ماتحت مراقبت هستیم ، اعمالمان باید یک اعمالی باشد که یک وقتی به عرض ایشان رسید ، راضی از ما باشند . در هر جا که کار می کنید ، شما برای مسلمان ها می خواهید خدمت بکنید . دولت ها خدمتگزار مردم هستند ، نه فرمانفرما . این رژیم طاغوتی است که مثلاً یک نخست وزیرش ، یک رئیس جمهورش فرمانفرمایی بخواهد بکند . این طاغوت ، همین است . بله ، این مقداری که وظیفه هست که امر و نهی بکند وظیفه است بکند ، اما بخواهد زاید بر آن وظیفه فرمانفرمایی بکند ، حالا که رسیده به اینجا سوء استفاده بکند ، این همان رژیم طاغوتی است حالا دستش به زیاده تر نمی رسد یا خوف دارد از اینکه مردم به او اشکال بکنند ، اگر دستش باز بشود ، همان کارهایی که محمد رضا می کرد شاید من هم بکنم اگر دستم برسد . تا تربیت یک تربیت صحیح نباشد ، فایده ندارد . و شما آقایان انشاءالله من امیدوارم و از خودتان ، رفقایان ، دیگران ، سفارش کنید همه که ما الان در یک نظامی واقع شده ایم که ما می گوئیم ما اسلامی هستیم ، شما یک گروه اسلامی هستید الان . یک گروه اسلامی اگر همان ادعا باشد ، خوب ، همه عالم می توانند ادعا کنند ، مگر محمد رضا نمی گفت من مسلمانم ، قرآن هم طبع می کرد ، خدمت حضرت رضا هم رفت و می ایستاد و برایش زیارت نامه هم می خواندند و نماز هم می خواند و همه این کارها را می کرد اما نبود اینطور . ما اگر بخواهد رژیممان اسلامی باشد و این ادعایی که می کنیم که ما مسلم هستیم و ما طرفدار اسلام هستیم و طرفدار رژیم اسلامی هستیم باید این قدم را هم برداریم که مهمش این قدم است که محتوای یک مملکتی اسلامی باشد ، هر جایش برویم در مملکت اسلامی رفتیم ، نه اینکه وقتی رفتیم ، بازار بینیم بازار همان بازار و همان رباخوری و همان اجحاف و همان گرانفروشی بیجا و همان ها و بعد هم فریاد می کنند که اسلام ، بعد هم چراغانی می کنند . خیال می کنند با این می شود امام زمان را بازی داد ، نمی شود . تا یک نوری در قلب ما پیدا نشود فایده ندارد ، هر چه هم از این اعمال بکنیم اعمال است . خیر ، از این اعمال همه می کنند باید این اعمال بشود ، نه اینکه اینها نشود ، این اعمال بشود ، پیوند با قلب داشته باشد ، با قلبمان یک کاری کنیم که این عمل را قلب ما آورده باشد .

در هر صورت ما الان در یک جمهوری لفظی اسلامی هستیم ، نه جمهوری اسلامی ، جمهوری ، طرح جمهوریت است ، حالا طرحش هست ، طرحش هم حالا تمامی باز نیست . وقتی مملکت ما جمهوری اسلامی است که همه چیزش اسلامی باشد . هر چه ناقص باشد جمهوری اسلامی ناقص ما داریم ، حالا جمهوری اسلامی لفظی داریم . اگر چهار تا اداره مان درست بشود ، یک جمهوری اسلامی ناقصی باندازه این اسلامی شده ، اگر انشاءالله همه آن اسلامی بشود آنوقت مدعی هستیم ، ادعای ما این است که جمهوری اسلامی و این ادعا صحیح است و از ما می پذیرند این را و این را هم نباید هر یک فکر کند که دیگران بشوند تا من بشوم ، هر کس باید آن کاری را که می کند ، آن کار را خوب انجام بدهد . شما شبیه خوان های سابق رادیده اید ، این شبیه که می خواندند ، شمر خوب آن بود که خوب شمر باشد ، اگر آن شمر بنا بود که یک کاری بکند که سیدالشهدا باید کند ، این خوب شمری نیست ، سیدالشهدا بر حسب شبیه هم آن است که آن عمل را خوب انجام بدهد ، اگر آن عمل را خوب انجام



بدهد یک شبیه خوان خوبی است . هریک ما باید آن عملی که دستش می دهند خوب انجام بدهد ، نرود سراغ اینکه دیگران چه می کنند ، بخواهد دخالت کند در کار دیگران . نه ، دخالت در کار دیگران نکنید ، شما آن کاری که به آن موظف هستی همان کار را خوب انجام بده ، برادرت هم که پهلویت نشسته اگر انجام خواست بدهد ، دیدی یک خلافتی می خواهد بکند به او بگو که آقا ما جمهوری مان اسلامی است . جمهوری اسلامی معنایش این است که عدالت باشد عدالت این است که این آدمی که الان احتیاج به من دارد ، از خارج آمده الان ، از راه دور آمده ، به این اداره احتیاج دارد ، زود رسیدگی بشود به احتیاج این . اینطور نباشد که یک کسی که آشنای ما هست ، جلو کارش را انجام بدهیم ، یک کسی که خیر ، غریبه هست ، عقبتر انجام بدهیم و هکذا چیزهایی که شما می دانید شود ، این چیزهایی که می شد ، دیگر نگذارید بشود .

خداوند انشاءالله همه شما را حفظ کند ، توفیق بدهد و امیدوارم که همه ما با هم بتوانیم که یک جمهوری اسلامی درست کنیم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 87

## بیانات امام خمینی در جمع راهپیمایان تهرانی

### کوشش کنید که عملتان برای خدا و مقصدتان جلب رضای او باشد

بسم الله الرحمن الرحيم

اگر این راه را برای خدا می روید، اگر این طریق را برای خدا طی می کنید، افسرده نباشید از اینکه به شما اعتنا نمی شود، خداوند به شما عنایت دارد. کوشش کنید که راه برای خدا باشد، کوشش کنید که چشمتان را از مخلوق، از ما سوای خدا ببندید، توجه تان به این نباشد که اگر خدمتی برای خدا می کنید، دیگران پیش شما بیایند تواضع کنند. شما جوان هائی هستید که در طول این مدت زحمت کشیدید برای خدا رنج بردید، برای خدا عمل کردید، حالا یک راه طولانی را برای خدا طی کردید و آ امید اینجا با ما صحبت کنید، و درد دل کنید. کاری که برای خداست خدا توجه می کند و اگر برای خدا نباشد، همه عالم هم توجه کنند چیزی نیست.

### رفع آشفتگی ها و گرفتاری های حاصل از فساد رژیم منحوس با روحیه ای قوی

من هم می دانم که الان مشکلات زیاد است. توطئه زیاد است، تفرق ها زیاد است و گرفتاری همه قشرهای ملت زیاد، لکن شما هم می دانید که چه مشکلاتی را برای این مملکت اینها بار آورده اند و چه کارها کرده اند که به این زودی ها نمی شود درستش کرد. این فساد که پنجاه سال اینها دامن به آن زده اند، این جوان های ما که پنجاه سال است تربیت فاسد کرده اند، مراکز فحشا برایشان درست کرده اند، همه جا را مرکز فحشا قرار داده اند، سینماها که باید مرکز تربیت جوان های ما باشد، مرکز فساد و مرکز فساد اخلاق بود، مدرسه ها که باید مرکز سازندگی باشد، نگذاشتند به آنطور باشد، جوان ها که باید ذخیره این ملت باشند و مقررات این مملکت را به دست بگیرند، نگذاشتند یک تربیت صحیح بشود که اینها بتوانند یک همچو کاری را بکنند. الان شما بعد از انقلاب هستید، یعنی در حال انقلاب، باز بعد از انقلاب نیست الان شما در حال انقلاب هستید در همه جای دنیا حال انقلاب و بعد از انقلاب آشفتگی است. و بحمدالله ایران نه حال انقلابش آنطور آشفتگی بود نه بعد از انقلاب. شما اگر انقلاب های بزرگ دنیا را ملاحظه کنید، فسادهایی که در آن انقلاب ها بوده است، قتل عام هائی که بوده است، گرفتاری هائی که بعد از انقلاب بوده است، طرف مقایسه نیست با اینجا. نکته اش این است که این انقلاب، انقلاب اسلامی بود، انقلاب اسلامی آن مفسده هائی که در سایر انقلابات هست کم است

مشکلات زیاد است اما ما نباید روحیه خود را ببازیم لکن همه می دانیم، شما می دانید، ما میدانیم، دولت می داند، ملت می داند که الان آشفتگی زیاد است و گرفتاری هم زیاد و دست های خبیثی هم هستند که در کارند که در توطئه هستند و می خواهند نگذارند این نهضت ما به ثمر نهائی برسد. ما الان یک مسائل بزرگ دیگر داریم که آن مسائل باید حل بشود، باید به آن برسیم تا یک دولت مستقری، یک مجلسی، یک رئیس جمهوری، یک قانون اساسی داشته باشیم و بعد از اینکه اینها شد، آنوقت باز اول این است که سازندگی بشود، نه اینکه دولت نخواهد بشود، اینها شب و روز مشغولند، لکن آشفتگی زیاد است. من که اینجا هستم شب و روز تقریباً مواجهم با این. مشکلات مال شما تنها نیست، از هر جای ایران که آیند، مشکلات زیاد دارند و اتفاقاً هر گروهی که می آیند، می گویند مشکلات ما از همه جا بیشتر است، خرابی ما از همه جا بیشتر است، از بختیاری ها می آیند همین را می گویند، از اهواز می آیند همین را گویند، از هر جا می آیند همین مسائل مطرح است و ما هم نباید روحیه خودمان را از دست بدهیم برای این مشکلات.

### **پیشبرد نهضت بسته به ایمان راسخ و حفظ روحیه الهی است**

با روحیه قوی شما جوان ها و با توجه های خدا این مشکل بزرگی که عبارت از این رژیم فاسد بود آن را برانداختید و از بین بردید، این روحیه را حفظ کنید، این روحیه قوی را حفظ کنید، خدا با شماست. وقتی خدا با کسی باشد کارها درست شود. البته پشت سر هر انقلابی مشکلات زیاد هست لکن آنهایی که اعتقاد به این انقلاب دارند، ایمان به این نهضت دارند، این روحیه قوی ای که با آن روحیه قوی و آن ایمان راسخ و آن توجه به خدای تبارک و تعالی شما را پیش برد، مادامی که این روحیه محفوظ باشد، شما پیش می روید. حالا گاهی کندی دارد، گاهی تندی دارد، گرفتاری دارد، راه حق گرفتاری دارد، هر راه حقی مشکلات دارد، شیاطین نشسته اند سر راه حق که مردم را منحرف کنند، مال حالا- نیست، زمان پیغمبر هم همین طور بوده، مشکلات پیغمبر از مشکلات ماها زیادتر بوده است، مشکلات امیرالمومنین سلام الله علیه از مشکلات ما بیشتر بوده، گرفتاری آنها از گرفتاری ما بیشتر بوده، آنها از دوستانشان مخالفت دیدند، این دسته ای که قیام کردند در صفین در مقابل حضرت امیر و ایستادند و شمشیر کشیدند به روی حضرت، اینها از دوستان حضرت بودند، مخلصین حضرت بودند. گرفتاری حضرت از مخلصینش شاید بیشتر بود از سایرین. امام حسن سلام الله علیه آنقدر گرفتاری که از این دوستان و اصحابش داشت از دیگران نداشت. اصحابی که توجه نداشتند که امام زمانشان روی چه نقشه دارد عمل کند با خیال کوچکشان با افکار ناقصشان در مقابلش می ایستادند و غارتش کردند، اذیتش کردند و عرض می کنم که شکستش دادند، معاهده با دشمنش کردند و هزار جور بساط درست کردند. گمان نکنید که این مشکلات برای من و شماست، هر چه مشکلات زیادتر باشد، اجرش زیادتر است، الهیتش زیادتر است. اگر آدم در حال خیلی وسعت، در حال خیلی تقریح و تقرح، گرایش به اسلام کند، اینکه چیزی نیست، خوب همه وقتی که وقت نتیجه

بردن است حاضرند . آن روزی که برای اسلام زحمت پیش می آید ، آن روزی که زحمت و مرارت دارد ، آن روزی که خون دارد ، آن روزی که رنج دارد ، آن روزی که باسر نیزه آدم مقابل است ، آن روزی که با توپ و تانک مقابله می کند ، آن روز ، روزی است که مرد از غیر مرد تمیز داده می شود ، مسلمان از غیر مسلمان . آن روز ، روزی است که روز اجراست ، روزی است که خداوند توجهش را به این ملت کرد .

### تحول روحی و حصول پیروزی در اثر عنایات (مقلب القلوب)

آن رمزی که شما را پیروز کرد که ایمان به خدا ، توجه به خدا بود (که من در قیافه شما دارم می بینم ) این را حفظش کنید ، گله نکنید از دیگران . شما برای خدا دارید می کنید ، هر چه توانستید ، اینهایی که مبتلا هستند ، اینها را نجات بدهید . هر چه نتوانستید ، عذر دارید پیش خدا . هر چه ما توانستیم ، آنهایی که افتاده اند باید دستشان را بگیریم . آنهایی که مبتلای به این مخدرات هستند ، اینها برادران ما هستند و ما باید اینها را نجات بدهیم و با چشم پدری ، برادری به اینها نگاه کنیم ، اینها را هدایت کنیم ، نجات بدهیم ، کوشش کنیم برای نجات این جمعیت نجات این ملت . شما با این عزم راسخ ، با این قوه ایمان پیاده آمده اید ، خواهرها بالاتر پیاده آمده اند و من خجلم از این عواطف ، من خجالت می کشم که خودم اینجا نشسته ام و دوستانم اینطور بیابانگردی می کنند . من دعاگوی شما هستم . خداوند انشاء الله شما را حفظ کند . شما ذخیره اسلام هستید ، شما جوان هائی هستید که ذخائر این ملت هستید این عواطف شما را پیروز کرد ، این تحول روحی ، این تحولی که در جوان های ما پیدا شد ، این دست خدا بود ، بشر نمی تواند در ارواح مردم اینطور موثر باشد . آن خداست که مقلب القلوب است ، قلب ها دست اوست ، متحول می کند ، قلب ضعیف را قوی می کند ، آن قلبی که از یک پاسبان می ترسید ، حالا- مقابل توپ و تانک می رود ، استقبال می کند از مردن ، از شهادت ، این کار خدا بود ، خدا را در این امور باید دید ، اعتمادتان به خدا باشد خلق از شما پذیرفتند یا نپذیرفتند چیزی نیست کوشش تان همین باشد که برادرهای خودتان را نجات بدهید ، ملت خودتان را نجات بدهید ، کوشش این باشد که اسلام را ما بتوانیم در این مملکت ، آنطوری که اسلام است ، آنطوری که خدای تبارک و تعالی مقرر فرموده است ، آنطور ما بتوانیم در ایران پیاده کنیم . راه طولانی است و قوی باشید ، قدرتمند باشید ، اراده تان قوی باشد . انشاءالله که این چهره نورانی ذخیره برای اسلام باشد و متصل بشود این زمان به زمان ظهور مهدی سلام الله علیه .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## پیام امام خمینی به مناسبت نیمه شعبان، میلاد حضرت سلام الله علیه

بسم الله الرحمن الرحيم

میلاد شکوهمند امام امت و عصاره خلقت، وارث نبوت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را به عموم مسلمین و مستضعفین تبریک عرض می کنم. سال قبل در چنین ایامی برای مصیبات وارده بر اسلام و مسلمین عید مبارک به صورت تعطیل در آمده، گرچه وابستگان به رژیم شاهنشاهی کوشش می کردند که ملت را برای مراسم اسلامی، از مصالح اسلامی باز دارند بحمدالله موفق نشدند ولی در این سال جشن های توأم با پیروزی هر چه شکوهمندتر بر پاست و مراسم عظیم مذهبی، مшти محکم به دهان بدخواهان، شرق و غرب را مایوس نموده و خط بطلان بر نقشه های تار عنکبوتی آنان کشید و باید این ریشه های گندیده بدانند که حرکات مذبحخانه آنان جز به رسوائی خود و اربابان تبهکار تمام نمی شود و ملت حماسه آفرین ما که با مشت خالی و قدرت ایمان قدرت های شیطانی را به خاک سپرد، این ریشه های پوسیده را دفن خواهد کرد. من به این منحرفین که باصورت های مختلفه رو در روی ملت ایستاده و به نفع اجانب به خرابکاری مشغولند، اخطار می کنم که تا وقت نگذشته و جرم ها و خیانت ها ثابت نشده به صفوف فشرده ملت بازگردید و از روز انتقام حق تعالی که به دست توانای ملت انجام می گیرد، بهراسید. اکنون اینجانب با تشکر وافر از همت والای ملت بزرگ ایران از بد و نهضت عظیم اسلامی تا بزرگداشت با شکوه جشن میلاد مسعود ولی الله الاعظم ارواحنا فداه لازم است تذکراتی بدهم:

1\_ بارها تذکر دادیم که باید ایرانی بسازیم که بتواند بدون اتکا به امریکا و شوروی و انگلستان، این جهانخواران بین المللی، استقلال سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی خویش را به دست گیرد و روی پای خود بایستد و هویت اصیل خویش را به جهان عرضه کنند افسوس که هنوز عده ای از روشنفکران نمی توانند دست از غرب و یا شرق بکشند و این دو را سر مشق کارهای خود قراردادند امیدواریم با تحول فرهنگ حاکم اسلامی، این گروه به خود مشغول و از مردم بریده به خود آیند و اصالت خویش را دریابند و از وابستگی نجات پیدا کنند.

2\_ کلیه متهمین که در رژیم سابق مرتکب تقصیراتی شده اند بخشوده می شوند به استثنای اشخاصی که مبادرت به قتل مردم نموده یا دستور آن را صادر کرده اند یا زندانیان انقلابی ما را شکنجه داده اند تشخیص جرائم فوق را باید هیاتی مؤمن به انقلاب اسلامی به عهده بگیرند.

3\_ حفظ استقلال و امنیت و بقا جنبه های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی هر کشور مستقیم یا غیر مستقیم وابسته به قوای انتظامی ارتش ، ژاندارمری و شهربانی آن است و در کشور ما که در حال انقلاب به سر می برد ، در کنار قوای انتظامی پاسداران انقلاب نیز موجود و به حفاظت انقلابی اشتغال دارند و باید ملت محترم با تمام قوا کوشش در حفظ این قوای انتظامی و فعال نمایند و از پشتیبانی آنها دریغ نمایند که این قوا در خدمت اسلام و از جنود اسلامند که مولا امیرالمؤمنین درباره آنها فرموده : فی الجنود باذن الله حصون الرعیه وزین الولاه و عزالدین و سبیل الا من و لیس تقوم الرعیه الا یحم و چون این قوای انتظامیه که در خدمت خالق و خلق هستند ، باید با روحیه قوی سربازی و در امن و امان به سر ببرند و نیز در چنین حالی که سربازان اسلامند ، مورد نظر مقدس ولی عصر عجل الله فرجه هستند ، قوای سه گانه مورد عفو هستند و اینجانب و ملت شریف آنها را عفو نمودیم و البته موارد استثناً شده در بند یک در اینجا نیز جاری است لکن تا جرم آنها به ثبوت شرعی نرسیده است احدی حق تعرض به آنها را ندارد و متهمین به جرم هائی که بخشوده نشده ، باید از طریق ارتش و ژاندارمری و شهربانی تسلیم دادگاه انقلاب شوند و دیگران حق هیچ گونه تعرض به آنها را ندارند .

4\_ چون ملت مبارز رمز پیروزی را یافته است و با هوشیاری دریافته که بسیج عمومی از سنگرهای الهی مساجد و منابر و محافل دینی گردید ، لازم است این سنگرهای اسلامی را حفظ نمائیم و در این موقع حساس سرنوشت ساز که با ماه مبارک رمضان نیز مصادف است ، باید اجتماعات در مساجد و محافل مذهبی هر چه بیشتر و با شکوهرت بر پا شود و اهل منبر و خطباً محترم به روشنگری و سازندگی هر چه بیشتر قیام و اقدام نمایند و توطئه خیانتکاران و وابستگان به اجانب را خنثی نمایند و نهضت اسلام عظیم را حفظ نموده و به پیش ببرند . و ملت شریف با اجتماعات خود قطع طمع اجانب و مفتخوار را بنمایند .

5\_ لازم است ملت بدانند که ما در نیمه راه پیروزی هستیم و پیروزی نهائی وقتی است که ریشه های گندیده رژیم سابق طرفداران آن قطع و دندان طمع چپاولگران از کشور ما کنده شود و جمهوری اسلامی وقتی متحقق می شود که محتوای آن صد در صد اسلامی شود . در کشور ، احکام قرآن و خداوند تعالی اجرا شود و از قوانین طاغوتی و انحرافی بکلی تصفیه شود و عناصر انحرافی از توطئه مایوس شوند و این به خواست خداوند تعالی و همت والای ملت انجام خواهد گرفت و خدای تعالی با شماست .

6\_ از جمله چیزهائی که محتمل است توطئه باشد برای تضعیف دولت اسلامی ، مطالبی است که در بین ملت پخش می شود و در رسانه ها تعقیب می شود و از دولت انتقادهای غیر صحیح می شود و کوشش می شود دولت را در نظر مردم بد جلوه دهند . دوستان از این توطئه غافل و دشمنان در کمین هستند . من نمی گویم دولت صد در صد موفق است لکن می گویم خدمتگزار است و کوشش دارد انجام خدمت بدهد .

لکن خرابی ها به قدری است که با فوریت قابل ترمیم نیست . انتقادهای بیجا سوء استفاده از

آزادی است و کسانی که به کشور و اسلام علاقه دارند در موارد صحیح دولت را هدایت کنند و از او پشتیبانی نمایند و تحت تأثیر تبلیغات دشمنان نروند و دولت اسلامی خدمتگزار را تضعیف نکنند .

7\_ آنچه اینجانب را نگران می دارد آن است که ملت ما چون لشکر فاتحی است که پس از فتح مغرور شود و از داخل رو به پوسیدگی و تشتت گذارد و حریف و یا حریفان لشکر بزرگ شکست خورده ای است که با حساب و توطئه مشغول به انسجام و بسیج قواست . درست به عکس آنچه قبل از پیروزی بود و عاقبت این امر تکان دهنده است . من از تمام قشرهای مذهبی و ملی و اسلامدوست و ملت و کشور خواه اکیدا و با تواضع می خواهم که به انجام قبل از پیروزی برگردند و از تفرق و گروه گروه شدن در این موقع حساس بپرهیزند که این تفرقه ها به منزله انتحار است و ممکن است خدای نخواستہ نهضت را به عقب براند .

دوستان عزیز امروز همه چیز ما در معرض خطر است ، خطر از جانب دوستان نادان تفرقه افکن و یا با نقشه حساب شده از ناحیه دشمنان توطئه گر . بیدار شوید که حفظ پیروزی و نهضت بسیار مشکل تر از اصل آن است . از خداوند متعال عزت اسلام و مسلمین را خواهانم .

و السلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از نمایندگان کشورهای اسلامی

### ایمان به اسلام و روحیه شهادت طلبی رمز پیروزی مسلمین در صدر اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم

من ابتدائاً تشکر می‌کنم از اینکه آقایان آمدند اینجا و از شعب آنها هم تشکر می‌کنم. و بعد ما باید ببینیم که چه شد که اسلام در صدر اول با یک جمعیت کمی و با یک دست خالی که هیچ ساز و برگ جنگی نداشتند قریب نیم قرن گذشت و معموره را فتح کردند، و چه شد که مسلمین بعدها با اینکه جمعیت هایشان خیلی زیاد و ساز و برگ جنگی هم دارند و از حیث ذخایر هم غنی هستند و معذک همه چیزشان را از دست داده اند. این چه شد که آنها آنطور و ما اینطور. علت این است که در صدر اسلام افرادی که بارسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بیعت کرده اند و بودند، اینها افراد کمی بوده اند لکن متعهد به مسلک خودشان و معتقد به اسلام و برای آنها طرح نبود اینکه زندگی بکنند ولو با هر ذلت و زحمت، اینها شهادت را برای خودشان سعادت دانستند و این روحیه که در آنها بود آنها را غلبه داد بر روم و ایران دو امپراطوری بسیار بزرگ، که آن دو امپراطوری روم و ایران هر دو قویتر از حالای این دو معموره است و بعدها مسلمین کم کم آن قدرت ایمان را از دست دادند و وارد شدند در شوون دنیا و دلبستگی به همین مادیات و آنهایی هم که می‌نشستند و صحبت می‌کردند و حالا هم که ما اجتماع می‌کنیم و صحبت می‌کنیم، بحث‌های عددی است، یک بحث هائی نیست که سازنده باشد. در این ممالک اسلامی که ممالک بسیار وسیعی هستند و قدرت هائی هم دارند وقتی که انسان ملاحظه می‌کند، می‌بیند که مسئله شعر و خطابه و فلسفه و آنهایی که دیگر خیلی چیز هستند، عرفان و امثال اینها مطرح است و آن چیزی که در صدر اسلام رمز پیروزی بود مطرح نمی‌شود. اگر آنکه در صدر اسلام در اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و لشکر اسلام بود، عشر او در این مملکت اسلامی بود، قدرتی بودند که از تمام ابرقدرت‌ها مقدم بودند لکن بکلی آن روحیه ایمان را از دست دادند و آن که خیلی مؤمن بود آن بود که به مسجد برود و از مسجد برگردد منزل و دعا بخواند، دیگر آن جهاتی که در صدر اسلام مطرح بود اصلاً در بین ممالک اسلامی مطرح نیست، الان هم مطرح نیست. الان هم وقتی که مجالسی که تهیه می‌شود برای اینکه ببینند باید چه بکنیم، از حدود نطق (و هر که بهتر نطق بکنند) معلوم نیست بیشتر باشد، همچو نیست که واقعا رسیدگی بکنند به اینکه چرا ما عقب افتاده هستیم و چرا و چه چیز ممکن است که ما را از این عقب افتادگی نجات بدهد، طرح بکنیم و دنبالش



برویم، عمل بکنیم. نه در هر سالی، هر چند سال یک جلسه ای درست بکنیم و هر کس هم از هر جا بیاید یک مقداری خطابه و شعر و یک مقدار هم از مسائل اسلامی و احتیاجات مسلمین و بعد هم که از آن مجلس خارج شدند دیگر اصلش همه چیزها مغفول عنه بمانند. باید بگوئیم که دشمن های اسلام، ممالکی که به اسلام سلطه پیدا کردند و به مسلمین، آنها مرد عمل بودند، نه حرف، و مسلمین در این بعد از صدر اول مرد حرف بودند، نه عمل. خیلی خوب شعر می گفتند، خیلی خوب خطابه می خواندند وقتی هم مطرح مشکلات می شد، خیلی هم خوب طرح می کردند اما از حدود گفتار خارج نمی شد، به عمل نمی رسید. اگر از حدود گفتار خارج می شد نمی تواند انسان باورش بیاید که بیشتر از صد میلیون عرب در مقابل اسرائیل آنطور زبون باشند و انسان نمی تواند باور کند که با داشتن همه چیز، و احتیاج غرب در بسیاری از امور به ممالک اسلامی، اینها همه تحت سلطه آنها باشند با داشتن جمعیت های زیاد و ذخایر زیاد. این نیست جز اینکه آن روحیه ای که در صدر اسلام بود و منشأ غلبه شد، آن روحیه را ما از دست دادیم. دلیل بر اینکه یک همچو روحیه ای می تواند غلبه کند بر مشکلاتش، قصه ایران است. اگر در ایران هم مثل سابق، مثل سالهای گذشته تمام مسائل بر می گشت به اینکه مشکلات گفته بشود و هیچ عمل نشود، مصیبت ها را ذکر بکنند و بروند منزلشان بخوانند، اگر اینطور بود الان هم زیر بار همان رژیم و همان گرفتاری ها بودیم لکن خداوند خواست که این ملت از حد حرف به حد عمل بیاید و آن روحیه ای که در صدر اسلام بین مسلمین بود، تا حدودی در این ملت پیدا شد و همان رمز پیروزی یک مشت فاقد همه چیز بر یک قدرتهای شیطانی بزرگ، همان روحیه که در صدر اسلام بود و مسلمین دنبال شهادت می رفتند، جنگ می رفتند و اگر از جنگ بر می گشتند شاید پیش خودشان معلوم بودند، این تا یک حدودی در ایران پیدا شد به طوری که جوان های برومندی که اول جوانی شان بود و هست چه در آنوقتی که من نجف بودم و چه حالا که ایران هستم و چه قبل از این پیروزی و چه بعد، اینها از من می خواهند که دعا کنم شهید بشوند و جدا دعا می خواهند و بعضی ها تأسف می خورند، اظهار تأسف می کنند که ما نشدیم. این روحیه تا در مسلمین پیدا نشود همینند که هستند، مجلس ها اثری ندارد، اجتماعات اثری ندارد، کنفرانس دولت های مختلف و اجتماعاتشان اثری ندارد، صحبت است. دل خوش کردن به این چیزها موجب تنفر ما شده است و می شود. مسلمین فکری بکنند که این تحول در آنها حاصل بشود، تحول از خوف به شجاعت و تحول از توجه به دنیا به ایمان به خدا. منشأ همه پیروزی ها همین کلمه است، ما متحول بشویم به یک موجودی اسلامی انسانی با ایمانی که خداوند تبارک و تعالی از ما خواسته است، والا شما تشریف می آورید اینجا با ما صحبت می کنید ما هم با شما صحبت می کنیم دردها را گوئیم و درمانش هم گاهی گفته می شود لکن شما که میروید و ما که اینجا هستیم هیچ دیگر در فکر این نیستیم که یک عملی انجام بگیرد.

## منشأ مصائب و گرفتاری های مسلمین

اضافه بر همه این مسائل قضیه دولت های اسلامی است که مصیبت مسلمین بسیارش از

دولت های اسلامی سرچشمه می گیرد. دولت اسلامی که باید با هم همصدا باشند، همفکر باشند، همه از یک دیانت، صاحب یک کتاب، و همه هم می بینند که با اختلافاتی که بینشان هست دیگران نتیجه می گیرند، درد را می دانند لکن دنبال دوا نمی روند، بلکه هر روز اختلافاتشان بیشتر می شود و جدائی از هم بیشتر پیدا می کنند و دولت های بزرگ هم حرفشان همین است که ماها از هم جدا باشیم و با هم بلکه دشمن باشیم و اشتغال پیدا کنیم به حال هم و آنها استفاده کنند. باید مسلمین فکر اساسی برای خودشان بکنند و دولت های اسلامی فکر اساسی بکنند. فکر این نباشند که چند روزی که هستند مرفه باشند و دارای سلطه بر کشور خودشان، و این درد تفرق را خودشان دوا کنند، والا هیچ علاجی دیگر نیست در کار و هیچ مجلس و هیچ کنفرانس و هیچ اجتماعی اثری نخواهد گذاشت. من از خدای تبارک و تعالی خواستارم که مسلمین را عموماً و دولت های اسلامی را خصوصاً بیدار کند و بر مشکلات خودشان غالب بشوند و اسلام آنطور که هست در ممالک اسلامی تحقق پیدا بکند، آن طور که در صدر اسلام بود.

(آنگاه یکی از نمایندگان سخنانی را به زبان عربی معروض داشت و امام در پاسخ وی فرمودند: )

بله یکی از مشکلات که باز مسلمین، من گرفتارش هستم و مشکله دولت و ملت است، و دولت ها در آن قدری که ما اطلاع داریم و شما هم مطلع هستید، دولت ها، دولت هائی هستند که با ملتشان تفاهم ندارند، معامله دولت ها با ملت ها، معامله دشمن با دشمن است، ملت پشت می کند بر دولت و دولت می خواهد تحمیل کند بر ملت از این جهت ملت ها پشتوانه دولت ها نیستند بلکه معامله دشمن با دشمن می کنند و این موجب ضعف دولت هاست. ما دیدیم که این پدر و پسر که در ایران حکومت کردند، حکومت جابرانه، هم در زمان پدر همچو ملت پشت به او کرده بود که وقتی متفقین آمدند و همه جهات مملکت ما در خطر بود، وقتی که رضا شاه رفت مردم شادی کردند و شکست او را در جنگ با شادی تلقی کردند برای اینکه او را هم دشمن خودشان می دانستند و محمدرضا وقتی که با قدرت مردم بیرون رفت، مردم در روز رفتن او مثل عید رفتار می کردند و عید گرفتند و این یک مطلبی است که در اکثر دولت های اسلامی (اگر نگویم در همه) هست که دولت های اسلام ما با ملتشان هیچ تفاهم ندارند، معامله دشمن با دشمن است، ملت از آنها فرار می کنند آنها می خواهند به ملت تحمیل کنند. و این هم یکی از مشکلاتی است که در ممالک ما هست و شاید حلش به این زودی ها امکان نداشته باشد. ما الان که یک دولتی داریم که با مردم تفاهم دارد، الان تظاهرات مردم در خیابان ها له اوست در عین حالی که خیلی نتوانستند تاکنون برای ملت کاری بکنند لکن ملت با او موافق است، با دولتشان موافقند، پشتیبان آن هستند یعنی یک دولت ملی است، یعنی دولتی است که یک ملت پشت سرش هست، و اما اگر حساب بکنید در سایر ممالک اکثراً (اگر همه نباشند) مسأله اینطور نیست، مردم با رضای نفس از آنها پشتیبانی ندارند، آنها هم مصالح مردم را نمی خواهند مصالح خودشان را می خواهند و تا این مشکل هست باز ما به همین حال هستیم و باز من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که این مشکل حل بشود.

دولت‌ها توجه بکنند به اینکه چه شد که این قدرت شیطانی از بین رفت و ملت ما غلبه کرد. این برای این بود که ارتش او هم وقتی که ملت را دید یک طرف می‌رود، پشت به او کرد، قوای خودش بر خود او پشت کرد چون که دیدند که ملت یک راهی دارد و آنها راه مخالف. از این جهت اینها غلبه کردند و دولت‌ها اگر چنانچه با مردم تفاهم کنند و خدمتگزار مردم باشند، مردم پشتیبان آنها هستند و شکست برای آنها دیگر نیست لکن مع الاسف، هم دست‌های خارجی نمی‌گذارند و هم عدم رشد خودمان.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 97

## بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی سپید دشت

بسم الله الرحمن الرحيم

شما برادران پاسدار که از سپید دشت آمده اید، من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که سفید رو باشید. انشاء الله همه ما در این نهضت، کاری بکنیم که پیش خدای تبارک و تعالی سفید رو باشیم. امروز ملتفت هستید که هر جا یک نغمه های ضعیف البته، اما ناراحت کننده هست و پاسدارها بحمدالله همه جا قدرت دارند و همه جا جلوگیری می کنند از این ریشه های فاسدی که در صدد توطئه هستند و با هوشیاری، ما از زحمات هوشیارانه شماها تشکر می کنیم.

و امیدوارم که این خدمت را که خدمت به اسلام است و خدمت به امام زمان سلام الله علیه است به آخر برسانید و برسانیم و همه با هم این منزل را طی بکنیم و انشاء الله وکلائی که، اشخاصی که برای اهل خبره هستند، خوب تعیین بشود و قانون را خوب، به طوری که با اسلام موافق باشد و با مصلحت مسلمین موافق باشد بررسی بکنند و انشاء الله تصویب بشود اساس مملکت که عبارت از قانونش است. درست بشود و در این مدت که این قانون باید تصویب بشود و بعدش یک رئیس جمهور تعیین بشود و مجلس شورا تعیین بشود، از موارد حساسی است که پاسداریش با شما آقایان است. همه باید پاسداری بکنیم لکن یک پاسداری است که از قوه جوان بر می آید، یک پاسداری است که از ماها که با صحبت باید، من از خدا می خواهم که شماها انشاء الله همانطوری که اسمتان پاسدار است و در این زیب شرافتمندانه وارد هستند، پاسداران امام زمان سلام الله علیه باشید و خدای تبارک و تعالی شما را حفظ کند و سعادت مند کند، قدرت و قوه بدهد و همه در همین راهی که نهضت باشد، در این راه برویم و حفظ کنیم این نهضت را و نگذاریم اختلافات واقع بشود. پاسدارها در عین حالی که شغلشان بسیار شریف است لکن مسئولیت شان هم زیاد است. مبدا یک وقتی کاری انجام داده بشود از بعضی از نادان ها که اسباب این بشود که اصل پاسداران را مردم راجع به آنها یک چیزی بگویند.

باید خود شما از اشخاصی که یک قدری مثلا جوان هستند، یک قدری تند هستند یا گاهی جهالت دارند، شماها باید جلوگیری کنید. نگذارید یک وقتی پاسداری مثلا یک کار خلافی بکند، موجب بشود که بگویند پاسدارهای جمهوری اسلامی هم اینطوری هستند و این امر مهمی هست که به عهده خود شماست و امیدوارم از این به بعد هم پاسداری تان هم یک پاسداری خالصانه و برای اسلام باشد و همه با هم به پیش بروید و موفق و موید باشید و امیدوارم که این بچه هایی که حالا آمدند برای ما

شعر خواندند ، اینها هم پاسداران اسلام بشوند و بعدها ملحق بشوند به شماها در پاسداری و خوب تربیت بشوند و خوب درس بخوانند .  
خدا همه شما را انشاءالله حفظ کند و من دعا به همه می کنم و خدمتگزار همه شماها هستم . سلام بر همه شما انشاءالله موفق و موید  
باشید .

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 99

## بیانات امام خمینی در جمع کارکنان پالایشگاه تبریز

### تغییر روحی ملت

بسم الله الرحمن الرحيم

ما باید فکر بکنیم که چه کردیم و بعد از این کار چه باید بشود و بعد ما چه تکلیف داریم. آنکه ملت ما انجام داده است یک امر اعجاز آمیزی است که به حسب قواعد طبیعی نمی شد یک همچو امری واقع بشود، برای اینکه یک ملتی بود اولاً خیلی ترسناک از سازمان ها و اینها، که وقتی اسم سازمان را می شنید، هر کس می شنید شاید به خودش می لرزید و ثانیاً نداشت هیچ چیزی که مقابله کند با یک قدرت بزرگ. معذک، هم در روحیه متبدل شد به یک موجود دیگری و یک موجود ترسو به یک موجود شجاع، یک موجودی که از سایه پلیس می ترسید، متبدل شد به یک موجودی که با شاه در افتاد و بیرونش کرد و ثانیاً هیچ نداشت و آنها همه چیز داشتند و یک کاری انجام دادید.

### نیاز به مهلت و صرف وقت برا اصلاح آشفتهگی های پس از انقلاب و پاکسازی دستگاه های دولتی

خوب حالا یک انقلابی شما کردید و یک پیروزی بسیار مهمی به دست آوردید. پشت هر انقلابی یک آشفتهگی های بسیار زیادی هست و بحمدالله آشفتهگی هایی که در این انقلاب ماست خیلی کم است اما خودش فی نفسه زیاد است، اما وقتی که مقایسه بشود با آشفتهگی هایی که در انقلابات دنیا واقع شده است این کم است نسبت به آنها. و بعد از این انقلاب و هر انقلابی که این آشفتهگی هست و خصوصاً انقلاب ما که خرابکاری اینها کردند و رفتند، قرض های زیاد گذاشتند، نیروی انسانی ما را عقب زده بودند، اقتصاد ما را ورشکسته کرده بودند، ارتش به یک صورت دیگر در آمده بود همه قوا و همه جهات در هم و بر هم، همه وزارتخانه ها یک جاهای بسیار ناراحت کننده. و حالا که انقلاب حاصل شد و می خواهید همه چیز منقلب بشود دیگر، همه چیز بخواهد منقلب بشود نمی شود که یکدفعه بشود. شما فرض می کنید که ما می خواهیم همه وزارتخانه هایی که هستند اینها اشخاصی که در آنها مثلاً طاغوتی بودند، اینها عوض بشوند و یک اشخاص دیگری بیایند. اینها پنجاه سال زحمت کشیدند که ما آدم نداشته باشیم حالا دولت به زحمت افتاده است که چه بکنند. گردش می کنند این طرف، آن طرف یکی را بردارند، یکی را می گذارند. بخواهند یکدفعه در را باز کنند و بگویند همه بروید، خوب به هم

می خورد اوضاع با تدریج اینها دارند عمل می کنند، دولت شب و روز زحمت می کشد، حسن نیت دارند، زحمت می کشند لکن اموری است که با تدریج باید درست بشود. به این زودی نباید ما توقع داشته باشیم که یک رژیمی رفته و همه چیز را هم خراب کرده و اینهمه هم قرض گذاشته برای این مملکت، حالا- تا این پایش را بیرون گذاشت تمام کارها درست بشود. و البته آنهایی که طمع به این مملکت دارند به این زودی دست بردار نیستند، آنها توطئه می کنند، اسباب فساد ایجاد می کنند، اسباب شلوغی و ناراحتی ایجاد می کنند، نمی گذارند کشت بشود، وقتی کشت شد نمی گذارند بر دارند، وقتی برداشتند می سوزانند. اینها همه اموری است که بعد از انقلاب هست در کار شما نباید قدرت ایمانی تان را هیچ در آن تزلزل ایجاد کنید. شما قوی باشید، شما پیروز هستید، اینها رفتنی هستند منتها تحمل زحمت می خواهد. شما پنجاه سال ظلم کشیدید و حرف نزدید، نتوانستید هم حرف بزنید. پنجاه سال از شهربانی و از ارتش و از ژاندارمری و از سازمان بالخصوص همه ما رنج بردیم، همه ما زحمت کشیدیم، حبس رفتند رفقای شما، شکنجه دیدند رفقای شما پنجاه سال اینطور بود، حالا پنجاه سال این کارها شده است و شما هیچ وقت خطابه نخواندید که چرا اینجوری می شود، حالا پنج ماه است، پنجاه ماه هم نیست، پنج ماه است که اینها رفته اند، آنوقت هم خرابی کرده اند و رفته اند، شما با آن قدرت و قوه الهی که خدا به شما داده به پیش بروید. دولت از یک طرف و شماها از یک طرف و ماها از یک طرف همه با هم مجتمع این نهضت را پیش ببریم و انشاءالله همه چیز درست بشود و همه این چراها جواب داده می شود. اشکالات وارد است اما وقت دارد.

### **ارجحیت تدوین قانون اساسی و انتخاب نمایندگان مؤمن و اهل علم بر سایر امور**

الان شما باید همه قدرت تان راضی بکنید برای اینکه الان قانون اساسی باید، اساس مملکت باید درست بشود، اساس مقدم بر اینطور چیزهاست. الان قانون اساسی را باید درست بکنید، اشخاص خبره را فکر بکنید چه اشخاصی باید انتخاب بکنید، اشخاص سالم، اشخاصی که نه شرقی باشند نه غربی باشند، اعتقاد به جمهوریت اسلامی داشته باشند، ایمان به خدا داشته باشند، اهل علم باشند، امثال ذلک، انشاءالله وقتی مجلس درست شد و قانون اساسی درست شد و رئیس جمهور درست شد، اینها هم بتدریج درست شود. قدرت الان دست خود شماست و اینها هم هیچ آدمی نیستند که بتوانند کاری بکنند.

خدا انشاءالله همه تان را حفظ کند. موفق باشید.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع برادران اهل مریوان و سنندج و پرسنل گران 62

بسم الله الرحمن الرحيم

شما می دانید که الان موقع حساسی است که باید ما این مراحلی که پیش داریم، جلو برویم و باید در این مراحل اولیه که قانون اساسی و خبرگان و مجلس شورای ملی و رئیس جمهور و اینهایی که اساس یک مملکت است، اینها را ما الان جلو داریم و باید همه برادرها با هم متحد باشیم و این مسائل را پیش ببریم. در یک همچو موقع حساسی دشمن های شما و ما در صدد هستند که نگذارند این مراحل پیش برود و لهذا دیدید که در فرماندم شلوغکاری کردند و الان هم می خواهند شلوغ بکنند و نگذارند مسائل اسلامی پیش برود.

اینها از اسلام می ترسند برای اینکه اسلام دین برابری و برادری است و در آن اصلاً نژاد مطرح نیست. کرد و فارس، ترک و عرب و فارس ابا در اسلام مطرح نیست و آن چیزی که در اسلام مطرح هست تقوا و صفا و برادری و برابری است. و اینها می دانند که اگر اسلام به آنطوری که هست، در این مملکت تحقق پیدا بکند، دستشان کوتاه خواهد شد. آنها می خواهند که همان قلدری هائی که در سابق می کردند، همان چپاولگری هائی که می کردند همان ها را ادامه بدهند یا برگردانند و تنها اسلام است که می تواند جلو اینها را بگیرد از این جهت اینها می خواهند یک شلوغی هائی بکنند، یک نفاق هائی ایجاد کنند، یک اختلاف هائی ایجاد کنند که این مراحل ابتدائی نگذرد و منعکس کنند در خارج که ایران نمی تواند خودش را اداره کند. با تبلیغاتی که در خارج و در داخل هم یک مقداری بکنند این است که اینها رشد ندارند. ایران باز رشد اینکه خودش. خودش را اداره بکند ندارد محتاج به این است که یک کسی، یک قیمی بیاید او را اداره بکند، و می خواهند همان مسائل را برگردانند. امروز روزی است که ما، همه برادرها، برادرهای مرزنشین و مرکز نشین با هم همانطوری که در ابتدا نهضت همه با هم بودید و همه با هم این نهضت را پیش بردید از حالا به بعد هم این نهضت را پیش ببرید به طوری که یک حکومت اسلامی مستقر شود. الان یک حکومت انتقالی است، باید قدرت را انتقال بدهد، یک حکومت اسلامی مستقر ما پیدا بکنیم با قوانین اسلام آنوقت خواهید و خواهند دنیا فهمید که آن رژیمی که عدالت پرور است، آن رژیمی که برای دهقان بیشتر مقام قائل است تا برای بالاتری ها آن رژیم اسلام است. آن رژیمی که اصلاً در آن گروه ها و زبان ها هیچ در آن مطرح نیست اسلام است. ما باید کوشش کنیم که این مطلب را به دنیا ثابت کنید که مملکت ما یک مملکتی است که



متحول شد از رژیم طاغوتی به رژیم اسلامی انسانی و محتوایش، واقعش تغییر کرده، تحول واقعی. فقط اسم نبود که ما بگوئیم جمهوری اسلامی، نه ما می خواهیم تمام قواعد اسلامی همانطور که در صدر اسلام بوده است در ایران تحقق پیدا بکند و ما ارائه بدهیم به دنیا که اسلام این است، اسلام مترقی این است، احکام مترقی اسلام این است. آن که به حال مستمندان و ضعفا بیشتر عنایت دارد تا به حال دیگران، آن که طرفدار مستضعفین است، آن رژیمی که می خواهد مستضعفین را از قید و بند آن گرفتاری ها بیرون بیاورد آن اسلام است. آن که پیشش اصلا مطرح نیست مرزنشینی و مرکز نشینی، بالانشینی و پائین نشینی پیشش مطرح نیست اسلام است آن که وقتی حکومتش، راسش مثل رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) وقتی که با اینکه راس بود، با اینکه اداره یک کشور میکرد وقتی که می آمدند در یک مجلسی که نشسته بودند اصحاب حضرت و حضرت نشسته بودند، بالا و پائین معلوم نبود چیه. می آمد می گفت کدام یکی تان پیغمبر هستید؟ از باب اینکه دور می نشستند اصحابشان با خودشان، همه با هم دور هم می نشستند. یکی بالا و یکی پائین، یکی این زیرش باشد نبوده است، روی همان زمین و اگر هم یک بوریائی بوده، بوریای آنوقت برای مسجد بوده روی آن بوریا همه می نشستند دور هم و از همان مسجد که اینطور زندگی می کردند تجهیز قوا می کردند و ممالک را می گرفتند. یک همچون حکومتی ما می خواهیم که اینطور باشد که این طبقات مختلفه ای که چپاولگرند یک دسته شان، اینها نباشد و این دهقان ها به حالشان رسیدگی بشود، این مستمندها، این زاغه نشین ها. شما بدانید که در خود تهران الان زاغه نشین هائی هست که در کردستان شبیهش را نمی بینید، در اطراف خودتان شبیهش را نمی بینید، آنقدر اینها مستمند هستند و همه اینهارا این شاه مخلوع ایجاد کرد، به اسم اصلاحات ارضی همه این گرفتاری ها را برای این مستمندها پیش آورد. من امیدوارم که بعد از اینکه ما الان بنا بگذاریم همانطور که تا حالا بوده است که الان صف خودمان را محکم نگه داریم، شما که در مرز هستید و امیدوارم که مرزها را شما خودتان با قدرت خودتان حفظ کنید و ماها که در اینجا هستیم همه یک کلام داشته باشیم و او اسلام، جمهوری اسلامی، برگشت به صدر اسلام. وقتی که این را داشته باشیم این مسائل خود به خود حل می شود دیگر آن مسائلی که اینها بخواهند پیش بیاورند، وقتی قوانین اسلام آمد آنها حل است، آن قدرت ها از بین خواهند رفت. قدرت، قدرت اسلام است، قدرت ملت اسلامی است.

من از شما و همه دوستان اینجا می خواهم که این وحدت را حفظ کنید و این اراده و تصمیم قوی تان را حفظ کنید و با این بازوهای قدرتمند جلو این حشیش هائی که هست و این حشاش هائی که هست، بگیرید. انشاء الله مملکت خودتان برای خودتان باشد و همه اینهائی که می خواستند، می خواهند باز یک سلطه ای پیدا کنند بر امثال شماها، همه اینها از بین خواهند رفت.

و السلام علیکم ورحمة الله و برکاته

تاریخ : 21/4/58

## فرمان امام خمینی به حجت الاسلام موسوی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای سید محمد موسوی دامت افاضاته مقتضی است جنابعالی تشریف ببرید در سازمان رادیو و تلویزیون با همکاری جناب آقای قطب زاده امور و برنامه های آنجا را تنظیم کنید که موجب شکایت مردم نباشد . البته توجه دارید که این دستگاه اسلامی است و باید جدا از برنامه های انحرافی احتراز شود . توفیق جنابعالی را خواستارم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 104

## بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان کارکنان روزنامه جمهوری اسلامی

### کوشش رژیم شاهنشاهی در انحراف نیروی انسانی و از بین بردن اتکا به نفس

بسم الله الرحمن الرحيم

قبلا یک قصه ای را عرض کنم که شاید شماها هیچ کدام یادتان نیست. در این جنگ عمومی دوم که هیتلر پیش برد و فرانسه را گرفت و خیلی جاهای دیگر و حمله کرد به شوروی و اینها، چرچیل آن سیاستمدار انگلیسی آمد در مجلس انگلستان و شروع کرد راجع به ضعف خودشان و راجع به گرفتاری ها و راجع به شکست خوردن ها ما کجا را از دست دادیم و کجا را از دست دادیم کار ما چطور است، مملکت ما چه خواهد شد، زندگی ما چه خواهد شد خیلی طولانی شکایت و اینکه ما از بین رفتیم، آخرش یک کلمه گفت، گفت لکن پیروزی مال کسی است که روی موج های نفت سوار است و حدسش هم درست بود و پیروزی هم مال اینها شد که نفت های ما را بردند من هم حالا این معنا را عرض می کنم که الان که بعد از انقلاب است و در همه انقلابات یک آشفتگی های فراوان هست، ما هم مبتلای به آشفتگی هستیم، مضافا به اینکه در طول، اگر نگوئیم دو هزار و پانصد سال رژیم شاهنشاهی، لکن آتقدری که ما مشاهده کردیم در طول پنجاه و چند سال رژیم پهلوی کوشش شده است که مملکت ما را از هر جهت عقب بزنند، از جهت نیروی انسانی که از همه بالاتر است که الان باید بگردید، شما درسی و پنج میلیون جمعیت بگردید این طرف و آن طرف چند نفر پیدا کنید که دولت تشکیل بدهند. یک نفر بخواهید پیدا کنید رئیس جمهور بشود، باید شمع بردارید و دور همه جا بگردید و چه بکنید. اینها یک نیروی انسانی را بکلی نه به باد دادند، منحرف کردند. یک وقت این است که نیروی انسانی به باد داده شده، یک وقت یک نیروی مقابل با نیروی انسانی درست کرده اند، یعنی انسانی که باید متکی به خودش باشد، متکی به ملتش باشد، متکی به عقایدش باشد، این را متحول کردند به یک نیروئی که متکی به غرب است، به یک نیروئی که خودش را از دست داده، به خیال خودش، خودش هیچ نیست، هر چه هست خارجی ها هستند. نه اینکه نیرو را ما از دست داده ایم، نیروی متضاد با نیروئی که ما باید داشته باشیم به جای آن نیرو نشسته. درست یک انسانی که باید متکی به خودش باشد و به فرهنگ خودش باشد و به رژیم خودش باشد این را متحولش کردند به یک آدمی که بدبین شده است راجع به فرهنگ خودش، راجع به نیروی ملت خودش، راجع به همه اینها بدبین شده است، خودش را از دست داده و به جای یک انسان شرقی، شده یک آدم غربی. مصیبت اینجا این

است که طولانی سال ها می خواهد تا این غریزه ها برگردند به حال طبیعی ، نه به حال یک انسان مترقی ، به حال یک انسانی که هیچ نیست حالا می خواهد از سر شروع کند . این خیلی طولانی است یک شستشوی مغزی داده بشود به این ملت که یعنی آنهایی که در این امور وارد بودند ، که اینها برگردند به آن حالی که در اول قبل از اینکه غریزه بشوند داشتند . این یک مشکل است که شاید از همه مشکل های ما زیادتر باشد و خیلی هم از این مشکلات داریم ، لکن ما هم حرف چرچیل را نظیرش را می گوئیم ، ما به نفت اتکا نداریم ، ما اتکا داریم به اینکه می گوئیم پیروزی مال آن کسی است که ملت با او موافق است و ملت با اسلام و با سعادت اسلامی ، با جمهوری اسلامی موافق است . بنابراین ما هیچ خوفی از این ریشه هایی که حالا دارند انقلابات می کنند نداریم منتها اگر خوفی باشد ، برای این است که شلوغ می کنند ، ناراحت می کنند ، دولت را ناراحت می کنند ، ملت را ناراحت می کنند عرض بکنم که اینطور چیزها والا اینها یک چیزی که ما بتوانیم بگوئیم مشکلی است و نمی شود حلش کرد نیست .

### **استقرار حکومت و محدود شدن هرج و مرج با بررسی قانون اساسی و تشکیل مجلس**

و آنچه می خواهم عرض بکنم این است که اصل این قضایا را ، اصلاح این قضایا را به نظر من آسان است و آن در وقتی است که ما یک مجلسی داشته باشیم . اگر مجلس شورا آن طوری که ما بخواهیم ملی و اسلامی باشد ، همه این مطبوعات اصلاح خواهند شد ، همه این رادیو تلویزیون ها اصلاح خواهند شد ، همه این ادارات تصفیه خواهند شد ، یعنی ملت باید تصفیه کند به وسیله اشخاصی که می فرستد . انشاء الله در این دوره بر خلاف دوره هائی از زمان ، یکی دو دوره شاید بعد از مشروطه تا حالا و یا از زمان رضا شاه تا حالا دیگر آنطورها نخواهد شد که یک کسی به قول محمدرضا لیست را از چیزها ، سفارتخانه ها بفرستند و ما هم مأمور اجرا باشیم . ایشان خودشان این مطلب را به صراحت گفتند منتها خواست تعریف از خودش بکند که ما حالا دیگر آنطور نیست . از پدرش تکذیب کرد و از خودش ماقبل اینوقت را ، اصلش هم دروغ گفت . انشاء الله ما امیدواریم که دیگر لیستی در کار نباشد که یکی لیستی بدهد و شما ملزم باشید ، بله لیست بدهید که هدایت کند ملت را به اینکه اینها افراد خوبی هستند ، اما الزام کند ملت را که اینها را تعیین کنید یا اصلا به ملت کاری نداشته باشد ، خودش تعیین کند و ببرد مجلس چون اصلش از خیلی وقت ها اینطور بود ، اینها دیگر پیش نمی آید و انشاء الله وقتی که یک مجلسی ملی اسلامی به همت همه ملت تهیه شد این مسائل که حالا یک قدری هرج و مرج است و یک قدری از این آزادی سوء استفاده می کنند ، اینها محدود خواهد شد و مجلس اصلاح خواهد کرد اینها را . الان شما بخواهید که در این مسائل وارد بشوید ، من چون می بینم که حالا که صحبت قانون اساسی است هی طرح های زیاد می آید که بسیارش انقلاب آمیز است و بسیارش شلوغ بازی و بر هم کردن است ، مخالف ایجاد کردن است . در همین چند روزی که صحبت قانون اساسی است ، زیادتر این هجوم به اینجا شود ، مشکلات را می گویند ، من هم قبول دارم مشکلات

هست ، از اطراف می آیند و مشکلات خودشان را می گویند و من هم به همه آنها این سفارشی را که به شما حالا عرض می کنم به همه شان عرض کرده ام که ما یک مسائل اصلی داریم که الان به آن مبتلاییم و آن اینکه تدوین قانون اساسی شده منتشر هم کرده اند و باید نظر داده بشود . الان وقتی است که ما همه قوایمان را صرف کنیم در اینکه طرح بدهیم ، اشکالاتی که راجع به قانون اساسی داریم بکنیم و بدهیم به مجلس سنا که بعدها خبرگان بیایند و نظر کنند و بالاتر از آن اینکه همه قوا را صرف کنیم در انتخاب اشخاص صحیح ، اشخاصی که غربی نباشند که بعد ما را بکشاند به طرف غرب ، شرقی نباشند که ما را بکشاند از آن طرف ، به صراط مستقیم اسلام باشند و مسلم باشند ، متعهد باشند ، عالم به اوضاع وقت ، عالم به اسلام و عرض می کنم که امین در کارهایشان ، اینطور باشند . یک همچو اشخاصی با همت همه قشرهای ملت تعیین بشود تا اینکه این قانون اساسی بررسی بشود و عرض می کنم که نقایصی اگر دارد رفع بشود و اگر یک چیزی باید به آن زیاد بشود ، زیاد بشود و چیزی باید کم بشود ، کم بشود و بعد هم به دسترسی ملت بدهند و ملت نگاه کند و رأی بدهد ، یا آری یا نه . آنوقت اساس مملکت ما یک پایه اش درست شده و آن پایه قانون اساسی است . دو پایه دیگر مانده و آن اینکه مجلس شورا را باید ملت خودش وکلا تعیین کنند وکلا هم همین جوری که عرض کردم وکلا ملی ، وکلای که مردم در بلاد خودشان شناختند که اینها مردم صالحی هستند ، اینها مردم اسلامی هستند ، اینها گرایش به شرق و غرب ، گرایشی به مکتب های فاسد ندارند ، اینها را تعیین کنند . یک مجلس شورا داشته باشیم ، آنوقت رئیس جمهور هم انشاءالله تعیین بشود و مملکت ما رسمی ، یک دولت مستقر رسمی داشته باشد با قانون اساسی ، با آن جهاتی که اساس مطلب است ، بعدش بیایم برسیم به قضیه مطبوعات که می دانیم مطبوعات صحیح نیستند ، رادیو تلویزیون اشکال در آن هست عرض کنم ادارات در آنها اشکال هست ، در وزارتخانه ها اشکال هست ، در بازار خیلی اشکال هست ، در همه جا اشکالات زیاد است اما ما الان بخواهیم برویم سراغ آن اشکالات فرعی ، ممکن است که نقشه باشد که ذهن ما را به آن طرف منحرف کنند و خودمان هم متوجه نباشیم ، ذهن ما را برگردانند به یک طرف دیگری و آنهایی که می خواهند نتیجه بگیرند ، ما که الان می خواهیم نتیجه بگیریم نتیجه اش را آنها بگیرند ، یعنی آنها در قانون اساسی طرح بدهند . من اشخاص مختلفی که از علمای بلاد و از اشخاصی آمده اند اینجا صحبت شده است گفتم آقا ننشینید تا دشمن های شما طرح بدهند ، شما خودتان طرح بدهید ، خودتان صحبت کنید ، نیاید پیش من بگوئید ، طرح را بنویسید بدهید به آنجهائی که باید بررسی شود و بعد هم خودتان باید ، ملت خودش باید انتخاب کند اشخاصی الله علیه وآله را ، البته یک معرفی هم از طرف اشخاصی که مطلع بر اوضاع هستند و مطلع بر افراد هستند ، یک معرفی هم از آنها خواهد شد لکن ملت خودش باید نظر بدهد . ما الان می ترسیم که در اینوقتی که وقت نتیجه گرفتن از این نهضت است و باید ما جدیت کنیم که اساس را درست بکنیم ، بخواهند ذهن ما را از این مطلب منحرف کنند به یک مشکلاتی که همه اینها مشکلات صحیح است ، مشکل است همه اینها ذهن ما را منحرف کنند و خود آنها مسائل اصلی را خود آنها تصرف در آن بکنند . از این جهت به نظر من می آید که باید ما همانطوری

اقلا شماها تا آنوقتی که چشمتان باز شد و توجه پیدا کردید، زیر مشکل بودید و زیر بار \_ عرض کنم که انحرافات بودید یکی دو ماه دیگر، دو سه ماه، دیگر باید تحمل کنید و اذہانتان متوجه باشد به این مسائل اصلی که قدم به قدم پیش برود. باید انسان هر وقت به آن مسأله ای که راجع به آنوقت است توجهش را بکند این مسائل، مسائل دست دومند و این مسائل دست دوم انشاءالله حل می شود و انشاءالله کم کم هم روزنامه ها ترتیش حل می شود و هم سایر چیزهایی که هست، انشاءالله درست می شود، لکن این نکته را من هر وقت و هر آن می گویم از باب اینکه خوب، دردی است که باید گفت و نباید اینکه ترسید که چرا می گوئید این راه ما، می باید این را بگوئیم، یک نفر آدم که سرش درد می کند، برای اینکه تکرار نشود، یک دفعه هم بگوئید دلم درد می کند؟! خوب سرم درد می کند، بترسد از اینکه تکرار می کند؟! این طبیب می آید، به طبیب باید بگوئید سرم درد می کند، اگر یک طبیب دیگری آمد، به او بگوئید دلم درد می کند که مبادا آن دفعه گفتم سرم درد می کند این دفعه بگوئیم دلم؟! نه ما الان سرمان درد می کند، هر کس را می بینیم باید این ناله را بزنیم که آقا آه سرم درد می کند، هر کسی را می بینیم باید بگوئیم الان وقت این است که راجع به این قدمی که الان پیش داریم ما الان طرحی که هست نظر بدهیم و راجع به وکلایی که می خواهیم تعیین کنیم و اشخاصی که می خواهیم تعیین کنیم که خبره مسأله هستند، چشممان را باز کنیم که مبادا یک اشخاصی نابابی وارد بشوند و لا اقل اشکال تولید کنند، نتوانند ولو اینکه یک کاری بکنند، لکن اشکال و هیاهو و بساط برای ما درست بکنند. انشاءالله من امیدوارم که همه مسائل با توجه به خدا، با حفظ وحدت کلمه، با حفظ این انقلابی که در خود روحیه ها شد که روحیه را متبدل کرد به یک روحیه صحیح اسلامی، این مسائل انشاءالله با قدرت خودتان حل بشود و حل می شود انشاءالله و خواهد شد انشاءالله.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از بازاریان تهران

### پرداختن به قانون اساسی و مجلس خبرگان از مسائل ضروری و تعیین کننده کنونی

بسم الله الرحمن الرحيم

مطالب شما دو بخش بود: یکی راجع به امور بازرگانی و بازار و برگرداندن بازار را به یک بازار اسلامی که اشخاصی که بر خلاف موازین اعمالی می کنند جلوگیری بشود، یکی هم راجع به قانون اساسی و وضع قانون اساسی. من حالا اعتقاد این است که آن قسمت اول یک قدری ما صبر بکنیم و قسمت ثانی که الان اولویت دارد، در آن صحبت بکنیم و بعد مربوط به آن اقدام بکنیم. الان چیزی که مطرح است آن چیزی است که اساس اسلام و اساس مذهب مبتنی بر آن است و آن قانون اساسی مملکت است. در قانون اساسی مملکت، یک صحبت در این است که شما گفتید که باید روی موازین شرعیه باشد. شک ندارید این، لکن شماها مطالعه کنید، همین قانونی که منتشر شده است و هر جا که نظر دارید یا اصحاب نظر، نظر داده اند نظرتان را بنویسید و به مجلس سنا که بناست همه نظرها مجتمع بشود آنجا بدهید تا انشاءالله بعد آن خبرگانی که آنجا می روند، آنجا روی هم بریزند و اصلاح کنند و یک مسأله دیگر که مهم است قضیه خبرگان است. در قضیه خبرگان اهمیت خیلی زیاد است برای اینکه ممکن است که یک وقتی اگر ماها، شماها غفلت کنید یا سستی کنید یا نظارتان را متوجه به یک مسائل دیگر بکنید، اشتغال به مطالب دیگر پیدا بکنید، اشخاصی که با مسیر شما مخالف هستند چند نفری بفرستند در مجلس و موجب زحمت بشوند. از این جهت در اینوقت باید همه توجه به آن دو تا مطلب باشد: یکی تدوین قانون اساسی یعنی نظر در قانون اساسی که شماها هر کس صاحب نظرند نظر بدهند و یکی هم انتخاب اشخاصی که باید بشود، اشخاصی که متدین باشند، اشخاصی که اهل نظر باشند، شرقی و غربی نباشند، مورد اطمینان جامعه باشند. این چند نفری که در تهران شده است باید یک همچو اشخاصی باشند، که البته یک معرفی هم بعضی اشخاص صاحب نظر می کنند. در هر صورت الان طرح همه چیزها (چون طرح های زیادی الان می آید) طرح همه چیز الان یک قدری با مسیر مخالفت دارد. آن چیزها قدم قدم باید پیش رفت، یعنی هر چی در هر وقتی که موقعش هست. یک مسائلی است که حالا موقعش است، یک مسائلی است که بعد موقعش است، یک مسائلی است که متاخرتر.

## خداشه در اصول قانون اساسی مایه ضربه به پیکر یک جامعه

آن که الان مطرح است آنهایی است که اساس حکومت ماست اگر در اساس قانون اساسی ما یک خداشه ای بشود، یک اشتباهاتی باشد یا عمدی یا خطئی، این سرنوشت یک مملکتی را عوض می کند. بنابراین الان راجع به اصناف و گرفتاری هائی که در اصناف است و چیزهائی که در بازار واقع می شود، الان طرح این مسأله یک قدری زود است. این، طرح این مسأله باید بشود که همه نظر بدهید راجع به قانون اساسی، قوایتان راصرف این مطلب بکنید. الان ما احتیاج مان به این مسأله است، نه احتیاجمان به بازار. الان اگر راجع به ما همه احتیاجات داریم، خوب مدارس ما نواقص دارد باید رفع بشود، دانشگاه هم نواقص دارد، دادگستری هم نواقص دارد، همه اینها باید رفع بشود، اما اگر ما حالا از این مطلبی که الان اساسی است برای ما، دست برداریم و برویم سراغ آن مسائل، خدای نخواسته رخنه می کنند در این مسأله اساسی ما، بعد هم اگر خدای نخواسته آنها غلبه بکنند، دیگر نه بازاری برای شما می ماند و نه مدرسه ای برای ما. پس حالا باید این دو تا مسأله ای که الان موقعش است، دو مسأله دیگر هم بعد از این موقعش است: یکی انتخابات است، یکی انتخاب رئیس جمهور. انتخابات مجلس شورا است که امسال غیر سالهای سابق است، غیر دوره های سابق است. دوره های سابق فرمایشی بود، هیچ کدامتان هم اطلاع نداشتید که کی وکیل می شود و کی می شود. چه بخواهید چه نخواهید می شود، اما حالا اینطور نیست. خود شما باید تعیین بکنید و در آنجا هم آن قدم بعد باید برداشته بشود و وکلایی که آنجا تعیین می شود هم باید بعد نظر همه تان بدهید که و بعد از اینکه این مسائل تمام شد و یک استقراری در حکومت پیدا شد، آنوقت این مسائل باید به طور دقیق بررسی بشود. پس حالا همه ما، نه من به احتیاجات خودم و نه شما به احتیاجات خودتان الان نظر نکنید، خیال کنید که، که دو سال دیگر هم خدای نخواسته این حکومت آن بود. یک چند ماهی است. انشاءالله با یک چند ماهی تمام می شود مسأله و این چند ماه هم روی همان سال های طولانی که گذشت است.

## ایجاد اختلاف، حرکتی است در مقابل پیشرفت نهضت

و مهم این است که یک اختلافاتی الان ایجاد می کنند یعنی اشخاصی که می خواهند نگذارند که نهضت ما نتیجه بگیرد. ما یک نهضتی کرده اید شما، یک قدرت بزرگی را شکست دادید لکن نتیجه این نبوده است که فقط به قدرت برسید. اگر عوض آن قدرت، یک قدرتی نظیر آن بیاید، خوب همان است که بود پس عمده این است که ما بعد از رفتن آن قدرت نتیجه ای که اسلام می خواهد نتیجه ای که صلاح مسلمین است بگیریم. در همین حالی که برای نتیجه مشغول بررسی و اقدام است، یک دستهایی از خارج و داخل مشغول ایجاد اختلافاتند، یک اختلافاتی بین مردم به جهات مختلفه، به اسماً مختلف، به جهات مختلف، خیلی توجه به این معنا بکنید و به دوستانتان و بازاری ها هم بعد از اینکه سلام من را رسانید این مطلب را بگویند که توجه تان به این معنا داشته باشید که هر کس



بخواهد ایجاد اختلافی بکند، بدانید که یا آدم نادانی است، تحت تأثیر واقع شده است، یا آدم شیطانی است که می خواهد نگذارد نهضت درست بشود. الان اختلاف سر هیچ نکنید. من در آن صحبت های طولانی هم که کردم سفارش کرده ام این مطلب را. شما هم رفقایان، دوستان، خودتان توجه به این معنا را داشته باشید که الان اختلاف ایجاد نشود، یکی بیاید بگوید کتاب کی چطور است، کی بگوید چطور است اینها. الان اختلافات اسباب این می شود که ما نتوانیم این قدم را که الان لازم است برداریم.

### **استمداد از افراد خیر برای جلوگیری از اجحاف و گرانفروشی و کوشش برای آبادانی**

بنابراین، این مسأله اول شما انشاءالله بعد از یک مدتی که یک استقراری پیدا بکند، لاقلاً یک حکومت چه مستقراً پیدا بکنیم و این نقیص و خیلی نقایص دیگر، یکی، دو تا نیست برای اینکه 50 سال، اقلاً پنجاه و چند سال و 25000 سال هم جلوتر کوشش کرده اند تا اینکه خراب کنند، برای اینکه آبادی کوششی نکرده اند، منتها یک کسی خراب می کرد و نمی گفت که من دارم آباد می کنم، این محمد رضا خراب می کرد و فریاد می کرد که ما خواهیم به تمدن بزرگ برسیم. ما را عقب راندند، فرهنگ ما عقب است الان، اقتصاد ما سالم نیست، درست انشاءالله می شود و همه چیز ما خراب است، همه جا را خراب، هی وعده دادند. الان از هر طرفی که از ایران می آیند اینجا پیش ما، تقریباً هر چند روز یک دفعه یک گروهی از اطراف می آیند، همه شکایت از اینکه ما هیچی نداریم، نه بهداری داریم، نه آسفالت داریم، نه چی داریم. من گاهی به آنها می گویم که آقا، شما خیال نکنید که شما هیچی ندارید، تهران هم ندارد. تهران این زاغه نشین ها را بروید ببینید که اینها هیچ ندارند، یک تکه ای از تهران است که چیز دارد. این بیچاره ها و مستضعفینی که اطراف تهران الان خیمه دارند و نمی دانم کپر دارند و امثال ذلک، آنها هم هیچی ندارند. اینها کوشش کرده اند به اینکه نگذارند یک مملکتی آباد بشود، با اسم اینکه می خواهند تمدن بزرگ درست کنند بکلی خراب کردند. انشاءالله اینها باید بعداً زاینکه اساس مطلب درست بشود به اینها رسیدگی بشود. یکی اش هم قضیه بازار است، یکی اش هم که حالا هم خوب، صحبتش هست قضیه گرانفروشی های زیاد. آخر فکر نمی کنند اینهایی که اجحاف اینقدر می کنند، گرانفروشی اینقدر می کنند که این برادرهایشان، این بیچاره ها، این سراپا برهنه ها که فریاد کردند توی این خیابان ها و خونشان را دادند، حالا باید اینطور باهاشان معامله کنند که یک کس که هیچ ندارد نتواند هندوانه بخرد و در تابستان یک فقیری که چند تا بچه دارد نتواند هندوانه بخرد، نتواند یک میوه ای برای زن و بچه ای ببرد برای اینکه وضع گرانی آنطور است و ما نمی دانیم باید چه بکنیم. آیا می شود که در بازار یک خیرمندانی باشند یک دکان هایی باز کنند عمومی برای مردم با یک قیمت مناسبتری رویش بگذارند تا این گرانفروشی تمام بشود؟ این را که نمی دانم حالا. علی ایحال خداوند همه تان را تایید کند و موفق باشید که یک بازار اسلامی، یک مملکت اسلامی پیدا بکنید که این الگو بشود برای همه جا انشاءالله.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع گروه کثیری از اقشار مختلف مردم

### هوشیاری در مقابل وقوع توطئه ها در آستانه تعیین سرنوشت ملت و اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم

در آستانه بررسی قانون اساسی، در آستانه تعیین خبرگان برای بررسی از قانون اساسی، در آستانه تعیین سرنوشت ملت ما و سرنوشت اسلام، در آستانه سرنوشت استقلال ایران، توطئه هایی را در کار بینم. در این موقع که از هر وقت حساستر و سرنوشت ملت ما در این موقع باید تعیین شود و اساس مملکت ما باید تعیین شود، توطئه در دست اجر است. ملت هوشیار باشد. حمله هایی مستقیماً بر بعضی قوانین اسلام، حمله هائی بر من، اهانت هایی بر من برای اینکه اغتشاش ایجاد کنند. من به ملت ایران اخطار می کنم و تاکید می کنم که اگر چنانچه هر کس با هر عنوان در این موقع حساس به من اهانت کند و بخواهد تفرقه ایجاد کند نباید در این موقع عکس العمل نشان دهید. در این دور روز بعضی مراجعات شد که برای بعضی مجلات که اهانت کرده اند، عکس العمل نشان دهند و من در این موقع حساس جایز نمی دانم. بدخواهان گمان نکنند که بتوانند صفوف فشرده ملت ما را با این دسیسه ها به تفرقه بکشند. ملت ایران باید با هوشیاری این مراحل را که داریم طی کند. اگر فرضا به من سب کنند یا عکس مرا بسوزانند یا به من حمله کنند، در این موقع حساس کسی حق ندارد عکس العمل نشان بدهد. دشمن در کمین است و در توطئه، می خواهند اذهان شما را از طریقی که دارید و از راهی که برای نجات اسلام است و دارید طی می کنید منحرف کنند. می خواهند نهضت را از طریق خودش منحرف کنند. می خواهند شما را سرگرم کنند به مسائل دیگری غیر از مسائل اساسی. در این چند روز من می بینم که گروه های مختلفی می آیند و شکایات مختلفی دارند، این را من، من باب اتفاق نمی دانم. اهانت به بعضی از احکام اسلام و اهانت به من و شکایات متعدد از اموری که در کشور گذرد، من باب اتفاق نیست، نقشه است، توطئه است. نقشه برای اینکه شما را از راه مستقیمی که دارید، از این نهضتی که دارید منحرف کنند و به امور دیگر غیر از این امر مهم منحرف کنند. ملت ایران باید با هوشیاری این توطئه ها را خنثی کند. در این روزها اجتماعاتی می شود، از طرق مختلفی می خواهند ایجاد نفاق کنند، ایجاد هیاهو کنند. ملت باید با کمال خونسردی این توطئه ها را و این شیطنت ها را خنثی کند. اگر شما سرگرم کارهای دیگر بشوید، اگر راجع به مسائل جزئی، راجع به مسائل تفرقه افکن توجه کنید، از مسائل اصلی باز می مانید.

## بررسی قانون اساسی و تعیین خبرگان مسئله اصلی است

مسئله اصلی ما طی کردن این راه است، تعیین خبرگان است، بررسی قانون اساسی است و بعد از این قدم، قدم های دیگر، باید در هر قدمی همان مطلب را توجه بهش کرد ولو شیاطین می خواهند شما را به واسطه احساسی که از بعضی از امور دارید شما را متوجه به مسائل دیگر بکنند و ایجاد اختلاف بین شما بکنند، توجه به این کارها نداشته باشید. تمام توجه، تمام توجه شما به بررسی از قانون اساسی و هر اشکالی که در قانون اساسی دارید طرح کنید و به مجلس سنا بفرستید و بعد هم نمایندگان خودتان را تعیین کنید، خبرگان را تعیین کنید تا بررسی کنند از قانون اساسی. من توصیه می کنم که خبرگان خودتان را اشخاص متدین، اشخاص عالم، علمای بزرگ بلاد، اشخاصی که نه به راست و نه به چپ انحراف دارند، اشخاصی که به صراط مستقیم انسانیت، به صراط مستقیم اسلام، در صراط مستقیم اسلام هستند، اشخاص معتبر، اشخاص امین، اشخاص وطنخواه، اشخاصی اسلام خواه، این اشخاص را تعیین کنید برای تعیین سرنوشت خودتان. امروز سرنوشت شما در دست خود شماست.

## لزوم حفظ خونسردی و احتراز از هرگونه تشنج و اختلاف کلمه

امروز هر تشنج و هر اختلاف کلمه برای هر چیز که باشد، بر خلاف مسیر نهضت و انقلاب است، از آن احتراز کنید. بی جهت نیست که در یک همچو موقع حساس شیاطین دست به هم داده اند تا اختلاف ایجاد کنند، بیخود نیست که در بعضی مجلات اهانت به اسلام می کنند. در این موقع نباید از خونسردی خودتان غفلت کنید. خونسرد باشید، ترتیب اثر به این حرف شیاطین ندهید. انشاءالله در موقع خودش، ملت سرنوشت این اشخاصی که توطئه کردند تعیین خواهد کرد. شیاطین بدانند که در این موقع ملت ما آرام است هر چه فحش بدهید ملت خونسردی خودش را حفظ می کند و باید حفظ کند، هر چه اهانت به اسلام بکنید، در این موقع حساس باید ملت خونسردی خودش را حفظ کند و هیچ ترتیب اثر ندهد. من از قشرهای مختلفی که در این هوای گرم، در این مکان ضیق، با این فشار و با این زحمت مجتمع شده اند تشکر می کنم و از خداوند تعالی سلامت و سعادت همه شما را خواستارم. خداوند همه شما را به سعادت ابدی برساند. خداوند دست شیاطین را از این مملکت قطع بکند. خداوند توطئه ها را خنثی بکند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت اعزامی از کشور یوگسلاوی

بسم الله الرحمن الرحيم

من از ملت و دولت و این هیأتی که از آنجا آمده اند تشکر می کنم و سعادت همه را از خداوند می خواهم . نهضت ایران نهضت اسلامی است و نهضت اسلامی نهضتی است انسانی که اگر اطلاع بر عمق آن پیدا بکند بشر ، همه طرفدار او خواهند بود مگر آنها که از انسانیت به دور هستند . برنامه دولت اسلامی آنست که همه بشر به سعادت برسند و همه در کنار هم به طور سلامت و رفاه زندگی کنند . اسلام با همه کشورهای که در جهان هستند می خواهد که دوست باشد و دولت اسلامی با همه ملت ها و با همه دولت ها می خواهد که تفاهم و ارتباط صحیح داشته باشد در صورتی که آنها متقابلاً احترام دولت اسلامی را مراعات کنند . برنامه جمهوری اسلامی اینست که یک دولتی بوجود بیاید که با همه قشرها به عدالت رفتار کند و امتیاز بین قشرها را ندهد مگر به امتیازات انسانی که خود آنها دارند . ما اگر موفق بشویم و جمهوری اسلامی را با محتوای اسلام پیاده کنیم و یک حکومت اسلامی به تمام معنا در ایران بپا کنیم این الگو خواهد شد از برای همه کشورها که معنی دموکراسی را به آن معنای حقیقی ، نه به آن معنای طرحی بدون حقیقت ، و معنی آزادی را به آن معنای حقیقی ، نه به آن معنایی که برای اغفال دیگران است ، انشاءالله پیاده بشود . ما امیدواریم که با همه ملت ها و دولت ها با حسن جوار ، با حسن نیت و با حسن رفتار و با ارتباطات حسنه رفتار کنیم و دولت ما با همه دولت روابط حسنه متقابل داشته باشد . سلامت و توفیق همه بشر را و همه مستضعفین را از خداوند می خواهم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

تاریخ : 23/4/58

## پیام امام خمینی به حجت الاسلام توحیدی

شاهرود \_ حضرت مستطاب حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ علی توحیدی دامت برکاته تلگراف تسلیت آقایان علمای اعلام شاهرود در مورد رحلت مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای مهدوی قدس سره و اصل و موجب تأثر گردید . مراتب تأثر و تسلیت اینجانب را به آقایان محترم و بازماندگان ابلاغ فرمائید . سلامتی و توفیق شما را از خدای تعالی خواستاریم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 115

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از فرهنگیان شهرستان شهرضا

بسم الله الرحمن الرحيم

آموزش تنها اثر ندارد و پرورش پهلوی آموزش باید باشد، یعنی جوانها وقتی که در دانشگاه ها و دانشسراها بروند برای تحصیل، اگر همان تحصیل محض باشد، گاهی وقت ها شاید مضر هم باشد به حال کشور. بسیاری از ضررهایی که به کشور ما وارد شده است، از همین تحصیلکرده ها وارد شده است. طرح های منافی با کشور ما بسیارش به دست همین تحصیلکرده ها شده است، تحصیلکرده هایی که آموزشی داشته اند لکن پرورش نداشته اند، تحصیلکرده هایی که فقط برای منافع شخصی خودشان کارها را انجام می دادند. کسی که پرورش صحیح ندارد و آموزش هم صحیح فرض کنید دارد، خیلی هم آموزشش به سطح عالی است، این ضررش به کشور از مردم عادی بیشتر است. مردم عادی نمی توانند آنطور ضرر به کشور بزنند، اینها تحصیلکرده ها هستند که می توانند یک طرح هایی بریزند برای استفاده دیگران.

اشخاصی که در اطراف این پدر و پسر بودند، اینها از همان تحصیلکرده هایی بودند که در اروپا و آمریکا تحصیل کرده بودند لکن فقط آموزش بود، پرورش اسلامی، پرورش انسانی نداشتند و لهذا آن ضرری که به کشور ما از ناحیه دانشمندان این کشور وارد شده است، آن ضرر از ناحیه دیگران وارد نشده است، حتی ساواکی هم مثل آنها به ما ضرر نزده است. آنها افکار را ضایع کردند، آنها جوانهای ما را فاسد کردند.

از این جهت فرهنگ در کنار آموزش باید پرورش داشته باشد. همان اسم نباشد که آموزش و پرورش، واقعیت باشد، هم تحصیل باشد به مدارج عالی و هم همراه تحصیل تربیت باشد و جوانهای ما تربیت بشوند به یک تربیت های انسانی، به یک تربیت های اسلامی که همان تربیت های انسانی است. اگر چنانچه تربیت انسانی بشوند جوان های ما، اینها دیگر خیانتکار به کشور خودشان نمی شوند، اینها دیگر طراح نیستند برای اینکه منافع کشور ما را به دیگران بدهند.

عمده این است که فرهنگ، یک فرهنگ متحول بشود، یک فرهنگی که از آن غربزدگی بیرون بیاید. همه چیزمان باید اینطور بشود، استقلال فکری، استقلال باطنی داشته باشد، علاوه بر اینکه استقلال باید داشته باشد و کسی در فرهنگ دخالت نباید بکند، باید استقلال فکری داشته باشد. خودش را مستقل و آزاد و روی پای خودش باشد. اینطور نباشد که توجهش به این باشد که غرب چه

می کند ما هم دنبال آن ، آنها چه می گویند و ما هم دنبال او .

این مصیبت بزرگی که بر ایران و ممالک شرقی مطلقاً وارد شده است که گوششان به این است که غربی ها چه کنند و چه می گویند و چه عمل می کنند و خودشان را از دست بکلی داده اند ، استقلال فکری خودشان را ، محتوای خودشان را از دست داده اند ، این ضرری است که بالاتر از ضرر نفت و \_ نمی دانم \_ امثال اینهاست . این را باید فرهنگ جبران بکند که فرهنگ ما طوری باشد که بعد از انشاءالله چند سال دیگر افرادی که از فرهنگ بیرون می آیند یک افرادی متکی به نفس که خودشان را ببینند ، نه تبع ببینند ، نه دنباله ببینند و گمان کنند که هر چه آنها کردند ، ما باید دنبال آنها باشیم . باید مملکت خودشان را و خودشان را مستقل ببینند و خودشان اداره بکنند مملکتشان را ، خودشان با استقلال فکری خودشان دنبال مملکت و مصالح مملکت باشند .

من انشاءالله امیدوارم که همه شما موفق باشید و همه ما موفق باشیم به اینکه انسان ها ساخته بشوند در این مملکت ، انسان سازی باشد مملکت . چنانچه برنامه اسلام انسان سازی است فرهنگ انشاءالله انسان ساز باشد . خداوند همه شما را تأیید کند انشاءالله .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 117

## بیانات امام خمینی در جمع اعضای کانون دارالتعلیم مهدویه قزوین

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره ای را که این خانم خواندند ، این می تواند برنامه باشد از برای مسلمین و برنامه اسلام باشد . می فرماید : (اقرأ بسم ربك الذي خلق) قرائت را شروع می کند که اول امر ، قرائت را شروع می کند که اول امر ، قرائت است اما قرائت به اسم خدای تبارک و تعالی . برنامه این است که قرائت اول رشد انسانی است و برای رشد انسانی است ، قرائت تنها نباشد ، آموزش تنها نباشد ، آموزش تنها ممکن است که برای یک کشوری مضر هم باشد ، آموزش باشد با تربیت که در آیه می فرماید : (اقرأ بسم ربك) قرائت کن ، به اسم رب قرائت کن ، با اسم رب شروع کن به قرائت . اگر قرائت با اسم رب شروع شد این هم پرورش است و هم آموزش . قرائت پرورش است ، آموزش است و با اسم رب وقتی که شد آموزش است ، پرورش است . هم پرورش را و هم آموزش را در آیه شریفه می فرماید بلکه دستور کلیه همه کارهای انسانی در این آیه شریفه هست که فقط قرائت نیست که باید به اسم رب باشد ، قرائت هم یکی از مصادیقی است که باید به اسم رب باشد و با توجه به خدا باشد . همه کارهایی که شما انجام می دهید ، همه تحصیلاتی که می کنید ، همه اقداماتی که می کنید تمام اینها با اسم رب شروع بشود ، اگر همه با اسم رب شروع بشود ، آموزش ممکن است مفید باشد از برای اینکه آموزش توام با پرورش است . تمام صدماتی که ، بیشتر صدماتی که به بشر وارد می شود از طریق آموزش بی پرورش است . تمام این آلاتی که درست شده است ، تمام این آلات جنگی که درست شده است ، آلات منهدم کنی که درست شده است ، به دست اشخاصی بوده است که آموزش داشته لکن پرورش صحیح نداشته اند و لهذا با علم خودشان طرح فنای برادرهای خودشان و همجنس های خودشان را می ریزند .

در مملکت ما هم ، آن مقدار که از دست آموزش و آموزش خواهان و آنهایی که آموزششان زیاد بوده است صدمه دیده اند ملت ما ، از دست دیگران ندیده اند برای اینکه این متفکران و این دانشمندان بوده اند که طرح های تخریبی را ، طرح های فنا کننده ملت را می ریختند برای اینکه آموزش داشتند لکن آموزش در کنار پرورش نبود . شماها که مربی هستید یا خواهید تربیت بکنید فرزندان خودتان را یا جامعه را ، باید توجه به این آیه شریفه داشته باشید که (اقرأ بسم ربك) می خواهید آموزش بدهید و می خواهید آموزش پیدا کنید ، قرائت کنید ، با اسم رب باشد ، با توجه به خدا باشد ، با تربیت الهی باشد . اگر یک انسانی ، هم علم داشت و هم تربیت الهی داشت این مفید خواهد شد برای مملکت



خودش و هرگز یک مملکتی از دست آن که آموزش و پرورش دارد صدمه نمی بیند . صدمه هائی که وارد می شود بر مملکت غالباً از این متفکرین بی پرورش ، آموزش های بی پرورش واقع می شود ، علم را تحصیل می کنند لکن تقوی ندارند ، لکن پرورش باطنی ندارند ، از این جهت عمال خارجی می شوند ، از این جهت نقشه ها را برای فناء مملکت خودشان می کشند .

خداوند انشاءالله شما بانوان را که مرکز پرورش بچه های کوچک هستید ، تا آخر موفق کند شما را به اینکه این بچه ها را خوب آموزش و پرورش بدهید و پرورش از دامن شما شروع می شود . دامن بانوان است که بچه های خوب را پرورش دهد . ممکن است که یک بچه ای که شما خوب تربیت بکنید یک ملت را نجات بدهد و توجه داشته باشید که بچه ها را خوب تحویل جامعه بدهید و آموزشتان با پرورش باشد . خداوند به همه شما توفیق بدهد و سلامت بدهد ، سعادت بدهد . سلام بر همه شما .

## بیانات امام خمینی در جمع اعضای جامعه ورزشی اصفهان

### تلاش دامنه دار ابرقدرت ها جهت سرکوب و انحراف نیروهای مبارز و مؤمن

بسم الله الرحمن الرحيم

نقشه این بود که همه نیروها را یا متوقف کنند و یا منحرف . نقشه این بود که هر جایی که احتمال بدهند که در مقابل اجانب یک نیرویی باشد، یا سرکوب کنند یا منحرف . این یک نقشه ای بود که با این نقشه رضاخان آمد روی کار و ادامه داد به جنایات خود و با این نقشه محمدرضا آمد برای تکمیل کار و خدمت به خارجی ها . رضاخان را آنوقت انگلیسی ها آوردند ، چون آنوقت زور آنها بیشتر بود . آنها رضاخان را آوردند ، چنانچه جنگ عمومی که پیدا شد ، در رادیو دهلی انگلیسی ها اعلام کردند به اینکه ما رضاخان را آوردیم و به سلطنت رساندیم و چون خیانت کرد او را بردیم . و محمدرضا را متفقین روی کار آوردند به اعتراف خودش که در یک کتابی نوشت (ولو بعد او را محوش کردند) نوشت که متفقین که آمدند صلاح دیدند که من باشم ، سلسله ما باشد . و این یک نقشه ای بود که ، این یک نقشه ای بود که خارجی ها و آنهایی که نقشه کش هستند برای چاپیدن این ممالک اسلامی ، ممالک شرق مثلها ، اینها نقشه داشتند که در همه جا نیروهایی که احتمال مقاومت در مقابل اجانب در آنها می دادند این نیروها را یا خفه کنند و یا منحرف کنند از آن راهی که دارند . و لهذا دیدیم و شماها اکثرا یادتان نیست ، بعضی از شما یادتان هست که زمان رضاخان نقشه را به اینطور پیاده می کردند که روحانیت را سرکوب می کردند ، سرکوب کردند سخت و مجالس وعظ و خطابه و مصیبت را قذغن کردند به طوری که شاید در تمام ایران یک مجلس علنی نبود ، اگر بود سری . در قم من یک مجلس سراغ داشتم که سری ، قبل از آنکه صبح بشود یا قبل از آفتاب تمام بود و آن هم مثل اینکه گرفته شد . برای اینکه اینها اینطور تشخیص داده بودند که روحانیت یک قوه ای است و این مجالس وعظ و مجالس خطابه و مجالس سیدالشهدا سلام الله علیه یک قدرتی است که ممکن است یک وقتی از این قدرت استفاده بشود و جلوی آن چپاولگری ها را بگیرد . آنها با اطلاع کامل از وضع خزائن زیرزمینی که این دولت ها ، این ملتها ، این کشورها ، کشورهای شرقی دارند و بالخصوص ایران زیاد مورد نظرشان بود و قدرتی را که احتمال می دادند آنوقت که بتواند یک مقاومتی بکند و دیده بودند که در طول تاریخ همین قدرت ها مقاومت کرده اند ، این قدرت را سرکوب کردند با دست رضاخان و پلیس آنروز و سازمان های آن روز . منتها بعد نقشه عوض شد . نقشه این شد که با تبلیغات ، علاوه بر فشارهایی که می آورند ، تبلیغات

بر ضد آن قدرتهایی که ممکن است یک وقتی بر خلاف آنها یک خودنمایی بکنند و نقشه اینها را بشکنند و تبلیغات را شروع کردند . و در زمان رضاشاه هم تبلیغات زیاد بود به طوری که مردم را (آنهايي که آگاه نبودند) از روحانیت تقریباً بسیارشان را برگرداندند .

در زمان این پسر که بدتر از آن پدر در یک دهاتی بود ، در این زمان تبلیغات زیاد شد به طوری که این تبلیغات در دانشگاه هم ، جوانها هم که جوان های خوبی بودند ، تبلیغات در آنها هم اثر کرد . چه حیف که یک وقتی بود که در دانشگاه اسم یک معمم را شاید نمی شد ببرند ، بلکه در دانشگاه بعضی از آیات قرآن را در دیوار می نوشتند و مسخره کردند ، برای اینکه آنها که منحرف می کردند اینها را از راه حق نقشه شان این بود که مبادا یک وقت اسلام قدرت پیدا بکند در جامعه و روحانیت که خدمتگزار اسلام است آن هم قدرت پیدا بکند و جامعه را بکشد به طرف مخالفت با دستگاه ها و مخالفت با اجانب .

در همه قشرهایی که یک احتمالی می دادند که شاید مقاومتی در اینها باشد ، به یک وضعی وارد می شدند و یا آنها را منحرف می کردند و یا سرکوب می کردند . قشر شما پهلوانان هم مستثنی نبوده ، قشر ورزشکارها هم مستثنی نبوده از این ، برای اینکه اینها هم یک جمعیت متدین بودند ، علاقه مند به اسلام بودند و قدرتمند . اینها را هم به یک جوری سرگرم می کردند ، نمی توانستند از اسلام منحرفشان کنند ، گوش نمی دادند به حرف اینها در آن باب اما منحرف می کردند از مسائل اصلی . یک بساطی درست می کردند که سرگرم بشوند به آن بساط و از مسائل اساسی مملکت غفلت بکنند . در همه قشرها این مسائل پیش می آمد ، مستقیماً یا سرکوبی می کردند ، اگر نمی توانستند انحراف ایجاد کنند ، سرکوبی می کردند و یا اگر سرکوبی را صلاح نمی دانستند یا او را انحراف را بهتر می دانستند به تبلیغات منحرفشان می کردند از آن راه و اگر این هم نبود ، سرگرمشان می کردند به یک کارهای دیگر . قشر روحانی را سرکوب کرد رضاشاه و با بهانه های مختلف که شاید اکثراً یادتان نباشد که چه بساطی بود و بعد که دانشگاه پیدا شد و دانشگاه هم یک قدرتی به نظر آنها بود که در مقابل ممکن است بایستند شروع کردند تبلیغات انحرافی در ایجاد یک انحرافات که اذهان جوان را با تبلیغات که زود می شود برگردانید او را ، تبلیغات دامنه دار از اصل مذهب شروع کردند تا اسلام اصل و اساس را تبلیغات دامنه دار به خلاف کردند . و بعد هم جدا کردند روحانیت را از دانشگاه ، هر کدام را مفقود کردند . آنها را هم بسیارشان منحرف کردند ، البته در آنها ، آنهايي بودند که بسیاری منحرف نبودند لکن نمی توانستند ، چون قدرت در دست آنها بود و بعضی از آنها هم منحرف کردند به طوری که ایجاد دشمنی بین دانشگاه و روحانی کردند . می دیدند که اگر این دوبار مستمر شوند ، خطرناک است . بنابراین چند جور اینها نقشه داشتند . یکی نقشه سرکوبی که آنی را که نمی شود الا به سرکوبی ، سرکوبش کنند ، حبس ببرند ، زجر بدهند ، به بهانه های مختلف بگیرند (زمان رضاشاه بدتر بود در قضیه ، گرفتار شدیم ، زمان این هم بود) و آنکه را می شود منحرفش کرد ، منحرفش کنند ، آنکه نه ، انحراف عقیدتی می تواند در او تأثیر بکند ، آنها را بیایند و سرگرمشان کنند به یک مسائلی که سراغ همان مسائلی را که خودشان است

سرگرم کنند و به دستجات زیادی را، شماها را سرگرم کنند به همان محیطی که خودتان دارید و جوری وضع راپیش بیاورند که شما به مسائل سیاسی کم توجه کنید یا نکنید. یک دسته های زیادی هم از جوانهای ما را برای اینکه منحرفشان کنند از اساس، به مراکز فحشا کشیدند که بیشتر جوان های ما از این راه انحراف پیدا کردند. مراکز فحشا در همه جا و خصوصا در شهرهای بزرگ و بالاخص در تهران مراکز زیاد برای فحشا و برای آن کارهایی که می دانند، درست کردند، دامن زدند، آسان کردند رسیدن به شهوات را. رادیو و تلویزیونی که باید مری جوانها باشد منحرف کننده شد، سینما و تئاتر که باید مری جامعه باشد منحرف کنند شد. با تمام قوا کوشش کردند که این ملت را اولاً از هم جدا کنند، تکه تکه اش کنند، صنف دانشگاهی علیحده برای خودش یک مطلبی باشد، روحانی علیحده باشد، ورزشکار علیحده باشد، بازاری علیحده باشد، همه را تکه تکه کنند، آنقدری که می توانند منحرف کنند و نیروی جوانی را به باد بدهند.

### **تبلیغات سوء اجانب در شستشوی مغزی و از خود بیگانه ساختن ملت**

و یک راه دیگر هم قضیه تبلیغات دامنه داری برای ترقیاتی که در غرب هست که جوانهای ما را غربرده کنند، اعتماد به کشور خودشان را از آنها بگیرند، اینها دیگر اتکال به خودشان نداشته باشند، هر صحبتی که می شود صحبت از غرب پیش بیاید، خیابان ها را به اسم آنها اسم گذاری کنند، میدان ها را به اسم آنها اسم گذاری کنند، مراکز علم را با اسم آنها چه بکنند، جوری تربیت کنند این ملت را که خودش را بیازد و خودش را از دست بدهد، بجای آن یک آدم غربی بنشیند. یک آدم اسلامی شرقی که باید متکی به خودش باشد، متکی به مکتب خودش باشد این را شستشو کنند، شستشوی مغزی به اصطلاح بکنند و به جای یک آدم شرقی، یک آدم غربرده درست بکنند که هر چه صحبت بکنند، از آنها. گوینده هایشان بگویند که ما همه چیزمان را انگلیسی می سازد، ما اگر بخواهیم به تمدن برسیم، همه چیزمان باید انگلیسی باشد. گوینده معروفشان، اینطور. الان هم ملاحظه می کنید که این مسأله هست تا یک کسی مریض می شود باید برود اروپا. طیب نداریم ما؟ داریم طیب، اما جوری تربیت شده اند اینها که حتی خود طیب ها هم اتکال به نفس شان از دست رفته، خود طیب هم وقتی بروند، می گوید دیگر گذشته باید برود به جای دیگر، می رود آنجا هم اکثر نتیجه معلوم نیست حاصل بشود. ما را از خودمان جدا کردند. آن شجاعت انسانی که در انسان باید باشد و همه چیز را طرد کند و بگوید من هستم در مقابل همه، از او گرفته اند، می گوید من هیچ هستم و همه آنها هستند. در صورتی که این اشکال در کار نیست و آنها ترقیات مادی زیاد کردند، ما این را در آن اشکالی نداریم لکن اشکال سر این است که ما آدابمان را هم از آنها می خواهیم بگیریم، قوانین مان را هم می خواهیم از آنها بگیریم، آنوقت هم که قانون اساسی را نوشتند، از بلژیک و بعضی جاهای دیگر گرفتند و نوشتند. همه چیزمان را خیال می کنیم آنها مقدمند، در صورتی که در تمدن مقدم نیستند بلکه بسیار عقب افتاده اند، آنی که جلو هستند این است که آلاتی درست کردند آدمکش. دنیا را به آتش می زنند اینها. اخیراً هم می گویند یک چیزی

درست کرده اند، یک بمبی درست کرده اند، که پنج مقابل زیادتر از آنی است که در آن 200 هزار نفر را در یک بمب کشتند. افتخارشان به این که دنیا را متبدل کرده اند و می خواهند بکنند. یک جمعیت آدمکش و آدمخوار، اگر تمدن این است، همه عالم باید از تمدن بیزار باشند. مجرد اینکه طیاره درست کنند، ما قبول داریم خوب جهت مادیش صحیح است، اما جهت انسانیش، آن چیزی که بشر را به آرامش می کشد، آن چیزی که انسان را متمدن می کند، در غرب از آن خبری نیست. اگر باشد، در شرق است. آنکه ضامن این است که یک کشوری درست بکند که متمدن باشد، آزادیخواه به معنای حقیقی باشد، استقلال داشته باشد به معنای حقیقی، آن مکتب انسانیت است، غیر از او هیچ نیست. آنکه می تواند آزادی به مردم بدهد، آن آزادی که در غرب است یک قدری فحشاست که هر جوری دلشان می خواهد عمل کند در شهوات، هیچ قید و بندی نباشد، آزادند هر طوری دلشان می خواهد در فحشا غوطه ور شوند. یک مقدارش هم کلاه سر ما گذاشتن است که ما آزادی می دهیم. در زمان رژیم سابق می گفتند که آزادی زیاد دادند کارتر می گفت که زیاد آزادی دادند به این ملت، این فریادی که از مردم بلند می شود، برای اینکه آزادی زیاد است!! این حبس و این زجر و این بساطی که در ایران بود و یک حبس بود مملکت ما که 35 میلیون جمعیت توی حبس بودند، نه یک مطبوعات ما آزاد بود، یک کلمه نمی توانستند بنویسند، نه رادیو آزاد بود، یک کلمه نمی توانستند خلاف بگویند، همه آن دیکته بود و از طرف سازمان امنیت درست می کردند و دست اینها و از طرف بالاترها هم درست می کردند و دست آنها هم می دادند. یک وکیل را ملت تعیین نکرده، اینکه حالا فلان جمعیت می گویند که نخیر ما آزادی داشتیم و وکیل خودمان است، برای اینکه می خواهند این را از آن چیزی که دادگاه ها دارند مطالعه می کنند، می خواهند نجات بدهند نه این است که وکیل را خودشان تعیین کردند، خودی در کار نبود که تعیین کند. آزادی به این معنا که مردم در انتخابشان آزاد باشند، در اقوالشان آزاد باشند، مطالبی که دارند بتوانند بگویند، هیچ اصلا نبود.

### جدیت در تحقق محتوای اسلام در داخل و خارج

آنی که آزادی به مردم می دهد، آزادی در حدودی که فحشا نباشد، آنی که مخالف با شخصیت انسانی است، نباشد، این را مکتب های توحیدی می دهند که در رأس آنها اسلام است. گرایش باید پیدا کرد به این مکتب. اگر بخواهید سعادت مند بشوید، جدیت کنید که این مکتب تحقق پیدا کند در خارج. حالا- یک اسمی هست، در عین حالی که اسمی هست، از همه آن رسمی ها بهتر است. همین حالایش هم از آنها بهتر است، دلیلش این است که ما اشخاص مختلف که آن روز نمی توانستیم در یک مجمعی در یک مجلسی با هم مجتمع بشویم، اگر شما می آمدید اینجا وقتی بیرون رفتید باید بروید حبس، الان آزاد نشسته اید، قلم ها هم آزاد است. حتی آنهایی که بر خلاف نهضت هم هستند، به آنها حرفی نمی زنند، دارند می نویسند و می گویند و مزخرفات خودشان را می گویند. الان هم که باز ما یک اسمی از جمهوری اسلامی داریم و باز محتوایش به آنطوری که دلخواه است تحقق پیدا نکرده است، باز نه

قانون اساسی جمهوری اسلامی درست شده است و نه رئیس جمهوری ما داریم و نه مجلس شورای ملی داریم و یک دولت انتقالی است ، معذک خدمت همین دولت انتقالی در همین پنج ماه از خدمت هایی که آنها کرده اند (بگویم که خدمتی نکرده بودند) خدمت هائی که اینها کرده اند ارزشمند است ، منتها قلم های مسموم است که هی می گویند چه شد ، چه شد .

چه می خواهید بشود آقا؟ یک قدرت بزرگی که همه چیز شما را به باد داده بود این نهضت برد از بین . اگر هیچ چیز نشود الا این ، بس است دیگر ، باقی اش را خودتان درست کنید . اگر ما هیچ نداشتیم الا اینکه دست مفتخوارها را از نفت قطع کردیم ، نفت مال خودتان است الان ، دست جنایتکارها از خزینه دولت قطع شد ، اینها همه نفت را ، آنقدرش را که به آنها می دادند عوضش هم به خودشان دادند ، پایگاه درست می کردند برایشان ، آنقدری هم که تو جیب این ملت باید بیاید ، خود اینها می خوردند . به صورت حساب هایشان برسید ، هر فردشان از این نفت می بردند ، برسید به حساب هایشان و می رسند به حساب هایشان . همین چهار ، پنج ماهی که این دولت انتقالی هست ، باز یک دولت مستقر ما نداریم ، همین چهار ، پنج ماهی که یک بویی از جمهوریت اسلامی هست و باز آنقدری که باید بشود ، نشده است و طولانی است باز راهمان ، همین قدرش هم نمی شود مقایسه کرد حتی با مملکت های دیگر این چیزی که الان هست ، این کارهائی که الان شده ، مقایسه با آنها نمی شود کرد . ممالک دیگر الان تحت سیطره همین ابرقدرت ها هستند و اینجا سیطره آنها را شکست در هم این نهضت و از بین برد . باز گرفتار آنها می هستند که می کشند و می برند و می زنند و همین امروز یک آقایی که آمده بود گفت که من و بچه هایم و بچه شیرخوارم و زنم و همه را در حبس برده اند از یک مملکت دیگر آمده بودند . این حرف ها نیست الان ، الان آن که می ترسد ، جنایتکاران هستند که می ترسند . مردم عادی دیگر چه ترسی دارند؟ برای اینکه بنای بر ظلم نیست ، بنای بر این نیست که مردم را غارت کنند ، در این پنج ماه اگر یکی پیدا شد که بگوید دولت اینجا به ما ظلم کرد ما را غارت کرد ، پیدا نمی شود همچو چیزی . بله صاحب قلم هایی که می خواهند انتقاد بکنند ، انتقاد می کنند منتها انتقاداتشان راه های دیگر است . آنها که نمی گویند دزدی کردند ، آنها هم چیزهای دیگر می گویند . همین دست دزدی از خزاین یک مملکت کوتاه شدن ، اسباب این می شود که انشاءالله بعد از یک چندی اقتصاد ما اقتصاد صحیحی بشود ، انتساب به سایر ممالک را احتیاج نداشته باشیم . یک مملکتی خودش خودکفا بشود ، خودش بتواند ارزاق خودش را اداره بکند . این خانه خراب ها به اسم اصلاحات ارضی بکلی از بین بردند زراعت ها را ، بکلی کشاورزی را از بین بردند و یک بازاری درست کردند برای خارجی ها .

برادرها! به اسلام روی بیاورید ، همه . توجه به اسلام بکنید . از تفرقه دست بردارید . توجه کنید وحدت کلمه ، اینی که رمز پیروزی شما شد ، اسلام و وحدت کلمه ، این دو تا مطلب را نگهش دارید محکم . خداوند انشاءالله شما پهلوان ها را پهلوان تر کند و ما معممین را هم معمم تر کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع علما و لشکر 16 زرهی قزوین

### ترسیم چهره ارتش در رژیم های فاسد و حکومت اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

حالا که ما در این اتاق کوچک می بینیم که جمع شده است بین علما و ارتشیان، این بهتر است یا آنوقت که ارتشی یک طرف بود و علما یک طرف و ملت جدای از ارتش و ارتش جدای از ملت؟ رژیم های فاسد با حکومت اسلامی یکی از فرق هایش هم همین است که در رژیم فاسد از باب اینکه خیانتکارند به ملت، از ملت می ترسند و برای اینکه مبادا یک وقت ملت که ناراضی از آنهاست قیامی بکند، یک ارتشی درست می کند که این ارتش ملت را بترساند. در رژیم های فاسد، ارتش برای ارباب ملت ایجاد می شود و ملت هم ارتش را دشمن خودش می داند، ارتش هم ملت را. از این جهت اینها همیشه از هم جدا هستند و بدخواه هم هستند. شاید آنهایی که مسجد می روند عوض اینکه دعا بکنند نفرین می کنند آنها هم که در ارتش هستند، ارتش رژیم فاسد به جای اینکه حفاظت کنند از ملت، ملت را به تفنگ می کشند. این مال رژیم فاسدی که ایجاد ارتش برای این است که خودش می ترسد و مردم را می ترساند که مبادا مردم بر ضدش قیام کنند. در حکومت اسلام این مطلب مطرح نیست برای اینکه حاکم اسلام و رئیس دولت اسلام از مردم هیچ نمی ترسد چون خیانتکار نیست، از خود مردم است و توی مردم است.

شما شاید شاهد این مطلب بوده اید یا شنیده اید که همین محمدرضا وقتی که می خواست از خیابانی عبور کند برود مثلا به یک جایی، یکی دو روز قبل این مأمورین ساواک می آمدند و این خانه هایی که سر راه بودند همه را تحت نظر می گرفتند و کنترل می کردند و مأمور می گذاشتند و اشخاص را از خانه بیرون می کردند، خیابان ها را تحت نظر قرار دادند و از مأمورین خودشان آنجا می گذاشتند، برای چه بود؟ برای اینکه او خائف بود، آدم خائن خوف دارد، می ترسد، می ترسد که از اینجا که عبور بکند، مردم با او بد هستند، چه چون مردم بدند شاید او را ترور کنند، شاید بریزند سر او. اما حکومت اسلامی از مردم نمی ترسد به مردم چون خیانتی نکرده و لهدا در صدر اسلام همان مسجدی که عالم در آن بود، همان مسجد هم ارتشی بود و سردارهای سپاه هم همانجا بودند و با هم نماز می خواندند و با هم اطاعت می کردند و با هم، هم جنگ می کردند. یک همچین وضعی داشت.

## اجتماع اقشار مختلف در کنار یکدیگر و در کمال آرامش، از برکات نهضت است

شما قبل از اینکه این نهضت بشود هیچ وقت با این آقایان مجتمع نمی شدید یک جائی و هیچ وقت هم پیش ما نمی آمدید. ماها با هم گاهی هم مجتمع می شدیم، شما هم با هم و هر دو از هم جدا. این نهضت اسباب این شد که ما همه با هم حالا هستیم، نه من از شما می ترسم، نه شما از من و نه آقایان از شما فرار می کنند و نه شما از آقایان فرار می کنید، همه رفیق و دوستید. این آرامش خاطری که الان در ما هست و در شما که شما آرامش دارید از اینکه نمی ترسید از ملت و آرامش دارد ملت از اینکه نمی ترسد از شما این، یکی از برکات اسلام است که به ما رسیده است و این ارزشمند است خیلی. آنهایی که در رژیم سابق، همین ساواکی ها و امثالشان که در رژیم سابق مردم را اذیت می کردند آنطورها، وجدانشان ناراحت بوده است. بله، گاهی می شود که انسان دیگر وجدانش هم تغییر می کند اما اکثر ناراحت می شدند از اینکه یک همچین کارهایی را می کردند با وحشت بودند توی مردم وقتی که همچین کارهایی می کردند آرامش خاطر، اطمینان خاطر که از نعمت های بزرگ است نداشتند. الان آرامش خاطر است، همه مان حالا با اینکه نیمه راه هستیم، اگر انشاءالله راه را به آخر برسانیم و این ریشه فاسدی که خیال می کنند با مثلا سوء قصد به کسی، با ترور یک کسی دیگر کارشان انجام می گیرد و حال آنکه نه، دیگر گذشته وقتش. لابد شنیدید که امروز هم یکی از علمای تهران را سوء قصد به او کرده اند، آقای آقارضی را به اصطلاح سوء قصد کردند، سه تیر هم به ایشان زدند لکن به جایی نشده است، ایشان نجات پیدا کردند. اینها خیال می کنند که با این مسائل می شود دیگر برگرداند یک ملتی که جوان هایش می آیند پیش من یک دفعه و دو دفعه نه، زیاد و از من تقاضا می کنند که تو دعا کن که ما شهید بشویم. این از ترور دیگر نمی ترسد، این شهادت هم می خواهد، با آغوش باز دنبال شهادت می رود. این تعلیم اسلامی اینطوری است. رمز پیروزی ملت ما همین بود که دیگر نمی ترسیدند از اینکه بروند توی خیابان بکشندشان، می رفتند، خیلی هم کشته می شدند، بالا-خره هم با همین فریادها و دادها و الله اکبرها پیروز شدند. رژیم اسلامی اینطور است که افرادش از مسجد هستند، از مسجد نهضت می شد و از مسجد می رفتند به میدان، به میدان جنگ ها. در جمعه ها که خطابه می خواندند یا غیر جمعه که می رفت آن سردارشان منبر و صحبت می کرد، از آنجا راهش را می انداخت برای اینکه بروند مبارزه کنند و یک همچین روحیه ای که از مسجد تحقق پیدا می کند، این دیگر نمی ترسد از اینکه حالا من بروم شاید چه بشود، این مسجدی است، الهی است، آدم الهی نمی ترسد از اینکه حالا شاید من هم بکشند. بهتر، ما جای بهتری داریم، آنها باید بترسند از مردن که خیال می کنند وقتی مردند تمام شد، یا اگر تمام نشده، آنجا که بروند چه خواهند کرد با آنها، اما آنهایی که راهشان و حسابشان درست است با خالق خودشان، اینها چرا بترسند؟ نمی ترسند.

در هر صورت حالا از برکات این نهضت همین اجتماع ما در اینجا است. ما و علمای بزرگ و محترم قزوین و شما آقایان ارتشی ها همه با هم اینجا مجتمع و همه برادر و دوست و با آرامش خاطر اینجا نشسته ایم و با آرامش خاطر هم می رویم و این یکی از برکاتی است که از اسلام به ما رسیده است.



## تلاش در عرضه محتوای اسلام به عالم ، به عنوان یک مکتب نمونه

امیدوارم که این راه را همه با هم طی کنیم و آن حکومتی را که اسلام خواهد (حالا باز نشده است ، اول مطلب است ، یک نسیمی از اسلام آمده و الا الان باز نشده است ) آن حکومتی را که اسلام می خواهد و آن رژیمی را که اسلام می خواهد متحقق باشد ، انشاءالله متحقق بشود به طوری که شما هر جا بروید ، بازار بروید ببینید بازار اسلامی است ، دیگر اجحاف نمی شود ، زیادفروشی بیجا نمی شود ، کم فروشی نمی شود ، ربا نمی شود ، مفتخوری نیست ، در ارتش بروید ببینید که اسلامی هست ، همه شان توجه به اسلام دارند ، نماز می خوانند ، روزه می گیرند ماه رمضان و هکذا در مسجد بروید می بینید که همه چیز درست است ، در ارتش بروید می بینید که مثل این است که توی مسجد رفته اید و همه جای مملکت ، وزارتخانه هایش ، اداراتش همه اسلامی بشود . اگر انشاءالله آئی که خدای تبارک و تعالی فرموده است بشود ، که تحقق پیدا بکند ، آنوقت یک نمونه ای است که در عالم عرضه بشود به اینکه آنکه ما می خواستیم این است و الان هم که تا اینجا رسیدید ، کاری انجام گرفته است که دنیا باورش نمی آید ، این کار را اسلام کرد . مردم چون فریاد کردند اسلام ، توده های مردم داد زدند اسلام ، وقتی که از پهلوی ارتش رفتند ارتش هم به اینها متصل شد ، وقتی از پهلوی ژاندارمری رفتند ژاندارمری هم به اینها متصل شد ، همه متصل شدند به هم و این مطلب اعجاز آمیز را متحقق کردند و امیدوارم که این تتمه اش هم ، همه مجتمعا با هم انشاءالله برسید . و قضیه ، قضیه قانون اساسی را هم با آن مجلس خبرگان که باید اشخاص بسیار خبیر و اسلامی باشند ، آنها هم متحقق بشود ، که قانون اساسی اسلامی ، یک مجلس شورای اسلامی ، یک رئیس جمهور اسلامی ، همه اینها تحقق پیدا بکند و بعد که اینها تحقق پیدا کرد ، کارهای اصلاحی آسان پیش رود . انشاءالله خدا همه شما را حفظ کند و موفق باشید به اینکه همه مان خدمت کنیم به این

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشکده داروسازی دانشگاه تهران

### طرح مسائل غیر اصولی، توطئه ای برای انحراف از مسائل اصلی

بسم الله الرحمن الرحيم

مسائلی که شما حالا طرح کردید بسیاری را یا اکثرش را و یا همه اش را من می دانم و مشکلات تحصیلی تان را هم می دانم لکن من حالا احساس می کنم این اجتماعاتی که در این چند روز اینجا می شود و مسائل غیر اصولی طرح می شود دنباله یک توطئه ای است که این گروه هائی که می آیند توجه به آن ندارند. الان ما بعضی از مسائل اصولی داریم که اگر از طرف همه قشرهای ملت، چه بانوان و چه آقایان به آن توجه نشود، اصل مسائلمان و اصل استقلال مملکتمان ممکن است به خطر بیفتد. ما امروز باید تمام توجه مان را به طرح قانون اساسی و انتخاب خبرگان منعطف کنیم، که در قانون اساسی که طرح شده است و کسانی که صاحب رأی هستند رأی بدهند و انتقاد کنند، چیزی باید اضافه بشود اضافه کنند، چیزی بناست کسر بشود کسر کنند، قیدی باید در آن اضافه بشود، شرطی باید اضافه بشود، اینها را بررسی کنند و بنویسند و به مجلس خبرگان که الان برای این کار مهیاست تسلیم کنند و دنبال آن هم توجه کنند به اینکه سرنوشت مملکت ما و سرنوشت اسلام به این خبرگانی است که باید تعیین شوند و توجه بکنید به اینکه چه جور اشخاص باید تعیین بشوند، اشخاصی که متدین باشند، اشخاصی که اسلام را قابل انطباق بدانند و نگویند اسلام مال هزار و چهار صد سال پیش از این است و دیگر حالا به درد نمی خورد، چپی نباشند، راستی نباشند، امین باشند و امثال ذالک، عالم به اوضاع باشند، عالم به اسلام باشند اسلام شناس باشند، از این قبیل اشخاص تعیین کنید تا اینکه بروند و مطالعه کنند در قانون اساسی و این طرحی که داده شده است تصحیح کنند و بعد به آرا عمومی گذاشته بشود.

### توطئه جهت انحراف اذهان

الان توجه به مسائل فرعی که باید بعد از اساس مسائل طرح بشود، این الان صلاح نیست. بلکه من در این چند روزی که صحبت قانون اساسی است و می بینم که اشخاص مختلف و گروه مختلف می آیند شکایاتی دارند از همه اطراف و بعد یک مسائل دیگری در روزنامه ها و در مجلات طرح می شود که همه اینها به نظر من می آید یک توطئه ای در کار باشد که بخواهند اذهان ملت ما را منحرف

کنند و توجه شان را از قانون اساسی که اساس است منصرف کنند به جاهای دیگر ، چه حق باشد و چه باطل ، به آنجاها سوق بدهند و آنها نتیجه بگیرند و ماها مشغول بشویم به یک مسائل و اختلاف هائی که خودشان ایجاد می کنند و به یک مسائل جزئی که یک احتیاجات محلی ، ذهنمان را از اصل قانون اساسی ، از انتخابات خبرگان و بعد هم از مجلس شورای ملی که بعد باید تعیین بشود و رئیس جمهور که باید تعیین بشود که اینها اساس مملکت هستند منحرف کنند . اگر غفلت از اینها بشود ممکن است که ما دوباره برگردیم به وضعی که امیدواریم برنگردیم . بنابراین من الان از همه شماها که مسائل تان هم صحیح است ، حق است ، از همه شماها من خواهش می کنم که یک قدری صبر کنید در این امور و مهلت بدهید در این امور و الان تمام ذهنتان را ، تمام قوایتان را متوجه به این مسائل اصلی بکنید . این مسائل اصلی که اگر درست شود و ما یک مجلس شورای ملی داشتیم ، نه مجلس شورای فرمایشی مثل سابق ، یک مجلس شورائی که اشخاص آن صحیح ، اسلامی هستند ، اسلام را کهنه نمی دانند ، اشخاصی که چپ و راستی نیستند ، اگر یک همچو مجلسی درست شود ، این مسائل همه حل شود . من می دانم که الان در همه قشرهای مختلف اشخاص مختلفی هستند که صلاحیت ندارند ، لکن حالا وقت این نیست که ما صدا در بیاوریم ، حالا وقت این نیست که ما اختلاف ایجاد بکنیم ، از همه اطراف هم دارند اختلاف ایجاد می کنند ، در شهرها ، در مرزها ، در کردستان ، در جاهای دیگر و الان اشخاصی که نمی خواهند این نهضت درست بشود ، دارند اختلافات ایجاد می کنند . همین امروز اگر شنیده باشید رادیو اعلام کرد که در مریوان یک جنگی واقع شده است و تقریباً بیست و چند نفر کشته شدند . اینها توطئه است . اینها را ایجاد می کنند آن کسانی که می خواهند که این نهضت به آخر نرسد و قانون اساسی ما درست نشود ، در آنجا به یک جور ، در مرکز به یک جور ، در کارخانه ها به یک جور ، در مرکز هر جا به یک طور . الان توطئه ها در کار است برای اینکه نگذارند این نهضت به آخر برسد و نگذارند که ما قانون اساسی را به طور صحیح درستش کنیم و یک دولت مستقر و مستمری که همه امور را اصلاح بکند درست بشود .

### **لزوم انتخاب اشخاص متعهد و امین که گرایش به چپ و راست ندارند**

الان به نظر من کارهای دیگر هر چه باشد دست دوم است ، دست اول همین کاری است که الان بالفعل هست که هر کدام شما که اهل نظر هستید به قانون اساسی ، مطالعه کنید قانون اساسی را و نظر بدهید و بعد از این هم توجه به این نکته بکنید که آرائی که می دهید ، راجع به اشخاص متعهد ، اشخاص صحیح ، اشخاص اسلامی ، اشخاصی که بشناسید که اینها مسلمانند و متعهدند و امین هستند ، گرایش به چپ و راست ندارند ، این اشخاص را تعیین کنید تا آنها آن قانون را بررسی کنند و بعد از بررسی و پیدا شدن استقرار و دادن رأی بر آن و این مرحله را طی کردیم و دارای قانون اساسی شدیم و دنبالش هم مجلس شورا است که انشاءالله بعد به همت همه ملت ، ملی و صحیح و با اختیار تام ، مردم منتخبین شان را تعیین کنند که در امورات نظر بدهند و آنوقت هم ما باید بگوئیم که منتخبین چه جور

اشخاصی باید باشند . در هر صورت الان وقت این است . من می دانم مشکلات هست و مشکلات نه اینکه شما تنها داشته باشید ، ما هم مشکلات داریم همه قشرها مشکلات دارند ، از همه اطراف می آیند مشکلاتشان را می گویند ، لکن این مشکلات را حالا باید یک قدری پائین بیاوریم ، حالا باید قدری صرفنظر کرد ، این اشکالات را باید یک قدری صرفنظر کرد تا انشاءالله این مسائل درست بشود ، بعد برسیم به آن مسائلی که باید چه بکنیم ، تحصیل باید چه بشود . در تحصیل ما هم اشکال هست ، نه در تحصیل شما فقط . انشاءالله من امیدوارم که همه موفق و سالم باشید و این عرضی را که کردم عمل بکنید و الان که پا می شوید در نظرتان این باشد که اشخاصی که باید تعیین بشوند و صالح هستند در نظر بگیرید ، ممکن هم هست که از علمای تهران اشخاصی منتخب بشوند یعنی پیشنهاد بشوند که اینها را تعیین کنید و اینکه علمای تهران اگر تعیین کردند صحیح است . انشاءالله سلامت و موفق باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 130

## پیام امام خمینی به حجت الاسلام رضی شیرازی

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج آقا رضی شیرازی دامت افاضاته

خبر ناگوار سوءقصد به جنابعالی از طرف عناصر فاسد رژیم منحط سابق موجب نگرانی و تاثر گردید . در این موقع که نهضت اسلامی با قاطعیت به راه خود ادامه می دهد و بدخواهان رابه یاس و نومیدی می کشد ، با این حرکات مذبوحانه می خواهند به خیال فاسد خودشان ایجاد وحشت در ملت مسلم کنند غافل از آنکه ملتی که جوانان نورسشان از شهادت در راه هدف که همان اسلام است استقبال می کنند ، از سوءقصد ها و ترورها نمی هراسند . سوءقصد به اشخاصی که در طول عمر به خدمت خالق و خلق اشتغال داشته اند ، اراده آنان را مصمم تر و حقانیت مکتب را واضح تر می نماید . گروهی که به اسم اسلام ، فرزندان اسلام را ترور می کنند و به اسم خلق ، زندگی خلق را به تباهی می کشند ، می توان آنها را جز هواخواهان اجانب و خیانتکاران به اسلام و خلق مسلمان دانست ؟ از خداوند تعالی سلامت و بهبودی جنابعالی را خواهانم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 131

## بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی کارکنان وزارت کشور و استادان و دانشگاهیان اصفهان

### اقدامات عمال اجانب اعم از ترور یا تخریب نمایانگر یاس و نابودی جبهه باطل است

بسم الله الرحمن الرحيم

من اینطور احساس می‌کنم که باقیمانده رژیم مایوس شدند، مایوس شدند از اینکه بتوانند دیگر یک کاری انجام بدهند. دلیل مایوس شدن، این دست زدن به این ترورها و به این کارهای خرابکاری است. خوب لابد شنیدید که امروز هم یکی از علمای تهران را ترور کردند لکن موفق نشدند که بکشند، سه تا گلوله اصابت کرده است به یکی از علمای تهران. اینها دلیل بر ضعف است، کسی که خودش را دیگر ضعیف می‌داند و از بین رفته می‌داند به این امور تخریبی دست می‌زند و در اطراف کشور می‌خواهد یک شلوغکاری هائی بکند و اذهان را مشوش کند و به خیال خودشان ارباب کنند، در صورتی که ملت ما دیگر نمی‌ترسند از اینها. خود آنها که بودند با همه قوایشان ملت از آنها ترسید، در خیابان رفت، در خیابانها از بچه های کوچک تا مردهای بزرگ، زن ها مردها رفتند در کوچه ها و در خیابانها و فریاد کشیدند و با فریاد الله اکبر و اسلامی شکست دادند اینها را. بنابراین یک خیال باطلی است که اینها می‌کنند که با یک ترور یک شخصی یا فرض کنید که یک پایگاهی را یک وقت یک تخریبی بکنند دیگر کاری می‌توانند انجام بدهند. این ها مایوس از این مسائلند از این جهت یک همچو خرابکاری هایی می‌کنند و باید ملت قوی باشد و با قوت نفس، با اراده مصمم پیش برود و باید ما یک سؤالی از اینهائی که، بعضی از این طایفه هایی که دست به این شلوغکاری ها می‌زنند و خودشان را اسلامی معرفی می‌کنند یا طرفدار خلق و توده و امثال ذلک، طرفدار آنها حساب می‌کنند، ما یک سؤالی از اینها بکنیم که خوب و شما اگر اسلامی هستید و مسلمان هستید، چطور بر خلاف اسلام اقدام می‌کنید؟ و کشتن یک شخصی که در عمرش همیشه مشغول به ترویج اسلام بوده است، به تائید از مکتب اسلام بوده است مثل مرحوم آقای مطهری یا سوء قصد به عالمی که در تمام عمرش مشغول به خدمت بوده است، هیچ کس از او یک چیزی که بر خلاف مصلحت اسلام باشد ندیده است، مثل آقای، آقا سید رضی که الان هم در بیمارستان خوابیده اند، این باکجای اسلام (این) جور در می‌آید؟ شما مدعی هستید که ما مسلمان هستیم و برای اسلام می‌خواهیم خدمت کنیم و علمای اسلام را، اولاد پیغمبر را مورد اصابت قرار می‌دهید. اگر آن دسته باشند، و اگر آن دسته ای باشند که می‌گویند ما طرفدار توده ها و خلق و اینها هستیم، می‌گوئیم شما در این پنج ماهی که جمهوری اسلامی متحقق شده است،

جز خدمت به مردم در این پنج ماه چیزی دیدید که حکومت فعلی، مأمورینش ریخته باشند منزل یک کسی و یک آدم بیگناهی غارتی کرده باشند، بیگناهی را گرفته باشند جز اینکه آن اشخاص فاسد را محاکمه می کنند و کسانی که فوج مردم را کشتند یا امر به کشتن کردند. آیا شما زراعت های مردم را آتش می زنید نمی گذارید که زراعت کنند و کشت کنند، وقتی هم کشت کردند، نمی گذارید برداشت کنند وقتی هم خرمن کردند، خرمن ها را می سوزانید، این خدمتی است به ملت؟ خدمتی است به توده مردم؟ آن رفرا ند می که همه مردم با آن موافق بودند و رأی دادند و صد، نود و هشت، نود و هشت و نیم رأی دادند، شما اگر چنانچه توده مردم را می خواهید، مصالح مردم را می خواهید، خوب این مردم می خواهند همه شان، چه شد که خرابکاری کردید؟ چه شد که تحریم کردید بعضی شماها؟ صندوق هائی که، بعضی صندوق ها را آتش زدید با اسلحه مانع شدید از اینکه بعضی ها رأی بدهند، این موافق با مصلحت توده بود؟ حالا که دارند برای این مردم خدمت می کنند، خانه سازی مشغولند الان، پاکسازی مشغولند الان، مردم دارند خدمت می کنند، شما در مقابل اینها اینطور دست به هرج و مرج می زنید، اینها موافق با مصلحت مردم است؟ و ما از این کارهائی که اینها می کنند همیشه در دادگاه ها، همین است که در دادگاه ها اگر یک کسی یک کاری می کرد، می روند دنبال اینکه چه شخصی از این نفع برده، آن کسی که صاحب نفع است کی هست تا اینکه راه پیدا کنند بر اینکه از چه طریقی این جرم واقع شده است. ما هم در اینجا وقتی که ملاحظه می کنیم که این خرابکاری مثلا خرمن سوزی ها، نگذاشتن اینکه مردم زراعت کنند، جلوگیری از کارمندان که می خواهند کار بکنند، جلوگیری از کارخانه هایی که می خواهد به راه بیفتد، باید ببینیم این به نفع که تمام می شود، تا ما برویم سراغ آن که اینها از عمال آن طایفه اند که به نفع آنها تمام می شود و به نظر می آید که در باب زراعت که حتما به نفع آمریکاست. آمریکاست که عرضه دارد، زراعت های خودش را زیادی دارد و اگر چنانچه مشتری نداشته باشد، باید بسوزاند یا باید به دریا بریزد. سایر کشورها اینطور نیستند. آنها هم محتاج (هستند) به شوروی هم از آمریکا صادر، می شود. این خرمن سوزی و جلوگیری از کشاورزی به نفع آمریکاست و اما، حدسی که ما می زدیم که این اشخاصی که خودشان را چپی معرفی کنند یا به نفع خلق به خیال خودشان معرفی می کنند اینها عمال آمریکا هستند، نه اینکه مربوط به آن طایفه دیگر باشند. می شود به آنها هم باشند اما بیشتر احتمالش این است که اینها آمریکائی باشند، ساخته آنها باشند چنانکه اساس حزب توده را من یادم است، آن کسی که حزب توده را در ایران ایجاد کرد سلیمان میرزا بود. سلیمان میرزا همسفر من بود در مکه، آدم نمازخوان و آدم مؤمن. دو تا هم، بچه از سر راه برداشته بود که معامله اولادی با آنها می کرد، آن هم برداشته بود آورده بود مکه، این توده به آن معنا که اینها می گویند نبود که اعتقاد هیچ نداشته باشد. اصلا این از طریق انگلیس ها این طرح را ریخته بود. آنوقت، در آنوقت که سلیمان میرزا بود. زمان سابق بود، آمریکائی ها خیلی در اینجا چیز نداشتند بلکه هیچ، این که زیاد دست داشت انگلیس ها بودند و لهذا رضاشاه (را) هم انگلیس ها آوردند، به طوری که خود آنها در رادیو گفتند، گفتند ما این را آوردیم و بعد که خیانت کرد بیرونش کردیم. حالا دیگر انگلیس ها نیستند، هر چه هست

آمریکاست که زیادت‌تر، در اینجاها، هم نفع و طمع زیادت‌تر است هم نفوذش در این ممالک شرقی بیشتر است و انشأ‌الله این نفوذ در ایران دیگر قطع شد و قطع می‌شود.

از این جهت به نظر آدم می‌آید که این شلوغکارها به نفع آمریکا دارند کار می‌کنند. اگر مدعی اند که به نفع ملت و آنطور که ادعا می‌کنند که ما می‌خواهیم ملت چه بشود، خوب اینها می‌بینند که الان کارهای زیادی برای این ملت شده است، کارهایی شده است که همه اش به نفع ملت می‌بوده، اگر واقعا اینها ملی هستند، خوب چیزی که به نفع ملت است باید بیایند کمک بکنند، همانطوری که می‌بینید که در جاهایی که الان دارند زراعت بر می‌دارند اجزای ادارات و عرض می‌کنم که دکترها و مهندسین و زن‌ها و مردها توی بیابان می‌روند و با مردم کمک می‌کنند که این سابقه ندارد در ایران یک همچو وضعی، خوب، وقتی یک همچو وضعی در ایران حالا پیش آمده که دکترها هم می‌روند توی کشت‌ها و برای مردم کمک می‌کنند، معممین هم، علمای بلاد هم بعضی وقت‌ها می‌روند کمک می‌کنند به مردم، در تلویزیون من دیدم که اشخاصی که آنجا بودند، اشخاص، خلاصه از این صنف جمعیت بودند، رعیت‌ها نبودند کمک می‌کردند، زن بود، مرد بود. اگر اینها راست می‌گویند که رأی ملت اینها می‌خواهند خدمت بکنند، خوب آنها هم بیایند با اینها شریک بشوند در برداشتن زراعت، در کشت و زراعت، چرا جلوگیری از کشت می‌کنند؟ بعد هم که کشت کردند مردم، زحمت یک ساله یک کشاورز یا چند کشاورز که یک خرمن است آن را آتشش می‌زنند. این صحیح است که یک کسی ادعا بکند که من موافق با خلقم، من خدمتگزار به خلقم، خدمتگزار به توده هستم لکن خرمنش را آتش می‌زنم، زراعتش را به باد فنا می‌دهم؟ اینها، آدم باید از شان پرسد، آن طایفه را از شان پرسد که شما می‌گوئید من مسلمانم، آدم مسلمان، می‌شود که یک کسی مسلم باشد و اینطور شلوغکاری بکند و آدمکشی بکند و اینها؟ یا توده ای هستید و اهل مثلاً طرفداری از خلق به قول خودتان، آدمی که طرفدار است، می‌شود که یک آدم طرفدار مردم و ضعفا و مستمندان برود دم چیزها بایستد بگوید که کار نکنید، بیایید حقوق را از ما بگیرید و کار نکنید؟ این پول از کجا می‌آید که اینها می‌دهند به کارمندان که کار نکنند و حقوق بگیرند؟ برای کار نکردن حقوق بگیرند؟ این جز این است که می‌خواهند اختلال (پیدا بشود؟)، آن پول مبدأش آن خزانه‌های دیگران است و می‌خواهند هم اختلال پیدا بشود در امر مملکت بلکه دوباره آن ارباب‌ها بیایند و اینها هم به نوائی برسند؟ لکن باید بدانند که نه، دیگر مسأله از اینها گذشته، راه طی شده تا نیمه راه و این باقی‌اش هم طی خواهد شد.

### تأکید بر گسترش تحول اسلامی در کلیه دستگاه‌های مملکتی

شما همه می‌بینید که یک نهضت اسلامی در همه جا پیدا شده، یک تحول اسلامی پیدا شده. این تحول اسلامی که در مردم پیدا شده است و همه یک علاقه‌ای پیدا کرده اند به اسلام و توجه کرده اند که با اسلام می‌شود پیشرفت کرد، این علاقه رابه این زودی نمی‌شود دیگر از مردم گرفت. مردم دیدند که اسلام کار از آن می‌آید، این هم که می‌بینید که اینها الان جدیت می‌کنند که مثلاً اشخاص میرزی را چه



بکنند، برای اینکه اینها هم از اسلام ترسیده اند، اینها دیده اند به اینکه اسلام از آن همچو کاری آمده است که یک ملتی که هیچ نداشت بر همه چیز مقدم شد، فقط ایمان داشت، فقط فریاد می کرد الله اکبر و با فریاد الله اکبر بیرون کردند اینها را، دست همه اینها را قطع کرد. الان همه چیز مال خودتان هست منتها از بس که خرابی به جا گذاشته اند، دولت تا آمده بیاید یک خرده ای ترمیم بکند خرابی ها را، یک مقداری البته طول دارد و البته باید همه وزارتخانه ها، همه ادارات، همه دستگاه ها باید یک تحول اسلامی پیدا بکنند. یعنی ما که حالا مدعی هستیم همه مان به اینکه رژیم مان رژیم اسلامی است، جمهوری اسلامی داریم، انجمن های اسلامی بیا می کنیم، باید کوشش کنیم به اینکه فرم هائی که در وزارتخانه هاست اسلامی بشود که کسی که وارد می شود در وزارت مثلا کشور، ببیند که وارد شده در یک جایی که همه چیزش اسلامی است و همه، همه شان اسلامی هستند، یک چیزهای غیر اسلامی به چشمش نخورد. نمی شود که ما مدعی بشویم که جمهوریمان اسلامی است لکن وقتی برویم در این اداره، باز همان مسائل سابق باشد، در آن اداره. هم این نمی سازد با هم، تناقض (است) این، من مدعی باشم اسلامی هستیم، رژیم مان اسلامی است لکن محتوایش نباشد. باید با کوشش شما آقایان که انجمن اسلامی درست کردید آنجا و امیدوارم که همه ایران یک انجمن اسلامی باشد. انجمن اسلامی انشاءالله با کوشش شما جوانها، با کوشش همه زن و مرد ایران، یک مملکت اسلامی بشود که آنطوری که احکام اسلام همه جا برود و بدانند مردم که یک همچو رژیمی هم می شود در دنیا باشد که در آن ظلم نباشد، در آن خلاف عدالت نباشد، در آن دزدی نباشد، در آن فحشا نباشد، بازارش بازار اسلامی باشد. البته اینها یک مقداری کوشش لازم دارد، یک مقدار تعقیب لازم دارد، یک مقداری رنج می خواهد این چیزها، این مملکت از خودتان است، مثل اینکه برای منزل خودتان شما زحمت می کشید حالا باید برای مملکت تان زحمت بکشید. یک روزی بود که این منطق بود که خوب ما زحمت بکشیم و دیگران ببرند، چرا؟ امروز آنطور نیست که یک دیگری داشته باشیم که زحمت های شما را ببرد، این عاید خود مملکت مان می شود، عاید خود کشور می شود و زحمت ها هدر نمی رود و آنچه باز من باید حالا عرض کنم به شما قضیه کوشش کردن در این قانون اساسی و خبرگان است که وقتی که بنا شد خبرگانی تهیه بشوند، باید کوشش کنید که یک اشخاصی که متعهد باشند، مؤمن باشند، چپ و راستی نباشند، امین باشند، یک همچو اشخاصی را (که) مطلع از اسلام باشند، اسلامی باشند، ما می خواهیم یک قانون اسلامی را رسیدگی بکنیم و آن اسلام را که بخواهیم رسیدگی بکنیم باید یک اشخاصی باشند که اسلام را بدانند چه است، احکام اسلام را بفهمند چه است، معتقد باشند که اسلام یک رژیمی است که لازم است که در مملکت ما باشد. الان باید همه قوا را روی هم بگذارید برای اینکه این قدم، قدم که دارد نهضت پیش می رود در هر قدم همان قدم راتعقیب کنید که انشاءالله پیش بروید و امیدوارم که خداوند همه شما را حفظ کند و موفق باشید و به خدمتگزاری، همه ما انشاءالله به خدمت به این مردم، خدمت به این مستمندان موفق باشیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع اساتید و علمای اصفهان

### جدا کردن دو قدرت روحانی و دانشگاهی از مأموریت های رژیم

بسم الله الرحمن الرحيم

من این چند روز که شنیدم و خواندم که دانشگاهی های اصفهان با علمای اصفهان مجتمع شده اند ، بسیار از همه متشکرم و امیدوارم که ادامه پیدا کند این وحدت . این اختلافی که بین دانشگاه ، روحانی ، مع الاسف در زمان رژیم بود یک چیز من باب اتفاق نبود ، یک مطلب حساب شده بود که هم روحانی از او بی خبر بود و هم دانشگاهی .

به دانشگاه که می رفتند ، دستگاهی که باید مأمورند که این دورا از هم جدا کنند ، راجع به روحانین مطالبی می گفتند که مع لاسف جوان های ما باورشان آمد . پیش روحانیون هم که می رفتند مطالبی از دانشگاه گفتند که آنها هم باور می کردند و هر دو قشر غالباً غافل از این بودند که دارند آنها را به کجا می کشند . هر دو قشر توجه نداشتند که آنها قصد این ندارند که یک دانشگاه خوبی درست بشود و یا یک روحانی خوبی ، آنها دنبال این بودند که این دو قدرتی که قدرت متفکر ملت هست و ممکن است که ملت ها را اینها بیدار بکنند ، اینها را از هم جدا بکنند ، نه فقط جدا ، طوری بکنند که مقابل هم بایستند ، صف آرائی بکنند . آنها به اینها مطالبی بگویند ، آنها به اینها سرگرم خودشان باشند و غافل از مسائل اصلی که بر ملت و مملکت می گذرد چنانچه حالا هم ، که من این را باید تکرار کنم و این را گویم که ما از این تکرار هیچ اشکالی نمی بینیم برای اینکه یک مریضی اگر چنانچه سرش درد بکند پیش صد تا طبیب که برود می گوید سرم ، نباید بگوید که چون تکرار می شود و یک دفعه بگوید سرم ، یک دفعه بگوید پایم ، یک دفعه بگوید دلم که مبادا تکرار بشود .

### درج مطالب تحریک آمیز ، توطئه ای برای انحراف از مسائل اساسی

ما الان حکم یک مریضی را داریم که باید آن مرض خودمان را افشا کنیم ، بگوئیم ، هر دسته ای که آمدند همان مرض که هست باید بگوئیم . برای شما ، برای دیگران هر چه که هست ، هر واقعی که هست ما باید بگوئیم . دردی که بالفعل ما دچارش هستیم باید بگوئیم . آن دردی که دچارش هستیم الان این است که در این حالی که قانون اساسی دارد ، طرح شده است و می خواهد تصویب بشود تا مراحل نهائی اش ، در این حال من می بینم که قشرهای مختلفی می آیند و یک مسائل دیگری طرح می کنند و

گاهی هم یک مسائلی که دنبال او ممکن است که برخوردها باشد و در روزنامه ها و مجلات هم بعضی مطالب را می نویسند که این مطالب محرک است، تحریک آمیز است. و این روی یک (آنطور که به نظر آدم می رسد) نقشه و حسابی است، یک توطئه ای است که الان ماها را یا متوجه کنند به یک مسائلی غیر از مسائل اصلی که ما داریم، یا منحرفمان کنند به طوری که تا آخر منحرف بشویم از مسائل، یا به جان هم بیندازند، دعوا مان بیندازند که آن هم اسباب انحراف است و آنها نگذارند که ما این مراحلی که الان داریم: یکی بررسی در قانون اساسی، یکی انتخاب خبرگان، دنبالش مجلس شورای ملی، دنبالش یا همراه او رئیس جمهور که اینها اساس یک مملکت است که باید این اساس درست بشود، بعد که این اساس درست شد روی او و مسائل دیگر باید حل بشود.

### **ایجاد استقلال و جمهوری اسلامی از اهداف ما و ملت**

و ما الان آنی که گرفتارش هستیم این اساس است و الان بالفعل هم آنکه گرفتارش هستیم، قضیه بررسی قانون اساسی است. شماها دانشگاهی هستید و اهل نظر، مطالعه کنید قانون اساسی را، هر نظری دارید بنویسید و به مجلس سنای تهران بفرستید تا آنها بعد که خبرگان آمدند تا رسیدگی بکنند و دنبالش آنوقت که اعلام می شد که انتخاب بکنید خبرگان را، شما ببینید که چه اشخاصی باید انتخاب بشوند، اشخاص مطلع از اسلام. ما اسلام را خواهیم درست بکنیم، ما نمی خواهیم یک مطلب اروپائی درست کنیم تا برویم سراغ کارشناس های اروپا، نمی خواهیم یک مسأله حقوق اروپائی و غربی درست کنیم تا برویم سراغ حقوقدان اروپائی فهم، ما می خواهیم یک مسائل اسلامی. همه این ملت فریاد زدند که ما جمهوری اسلامی می خواهیم، این فریاد ملت بود. آنهایی که مخالف با این بودند، آنوقت نفس شان هم در نمی آمد آنها رفته بودند، یا خارج از این مملکت بودند و هیچ کاره، یا داخل در مملکت بودند و آن کنار نشسته بودند و تماشا می کردند و شاید به شهیدهای ما هم می خندیدند. اینها اهل این نیستند که اسلام را بدانند چی هست تا اینکه قوانین را وقتی نگاه می کنند ببینند به اسلام مربوط هست یا نه. شما باید اشخاص را تعیین کنید که علاقه مند به اسلام باشند. اینطور نباشد که فرض کنید یک جایش که راجع به اسلام است یک قلمی رویش بکشند و آن هم کنارش بگذارند. علاقه مند باشند به اینکه اسلام باید در این مملکت، در این کشور تحقق پیدا کند. از اینور و از آنور هم نرفته باشند که بخواهند منافع غرب را یا منافع شرق را تأمین بکنند، مستقل در نظر باشند، مستقل در روحیه و فکر باشند، امین باشند، شناخته شده باشند. یک آدم مجهول را هر چه هم به شما بگویند خیلی آدم خوبی است، تا خودتان شناسیدش این را تعیین نکنید. اشخاصی که می شناسید که مسلمانند، مطلع بر اسلامند و گرایش نداشتند در عمرشان به این طرف و آن طرف، گرایش شان، گرایش اسلامی بود، مشی شان، مشی اسلامی بود، مطلع هستند از اوضاع کشورشان، یک همچو اشخاصی را باید تعیین بکنید که انشاءالله این قانون اساسی را آنها مطالعه کنند و بر طبق آنکه مصلحت ملت ما هست.

این را شما بدانید، همه باید بدانید که آنچه مصلحت ماست که از زیر بار خارجی ها و افکار خارجی ها و اعمال خارجی ها این ایران را بیرون بکند و یک مملکت عدل به تمام معنا آزاد، آزادی صحیح، نه آزادی غربی، و عرض کنم که اقتصادش صحیح باشد، همه چیزش صحیح باشد، آنکه بتواند یک همچو کاری بکند اسلام است، اسلامی است که خدا قوانینش را وحی فرموده و بهتر میداند که برای اینها تا ابد چی لازم است. خیال نشود که اسلام سابقا شده است پیاده بشود، حالا نه، دیگر نمی شود یا بعدش نمی شود. اینها انحراف است بی توجهی است، نفهمی است، باید شما اشخاصی که صد در صد معتقد باشند که اسلام کهنه نیست، الان تا ابد زنده است.

این نهضت شما ثابت کرد به اینکه اسلام الان متحرک است و کوبنده است. الان هم ظلم را دستگاہ ظلم را اسلام می کند. اگر شما پیوند به اسلام نداشته بودید و اشخاصی بودید که هر کس برای مقصد خودش یک حرفی زد، حالا هم باز زیر همان بارها بودیم و محمدرضا هم اینجا باز سلطنت می کرد و فریاد می کرد تمدن بزرگ و ما را به آتش می کشید.

این وحدت کلمه شما و همه توجه تان به اسلام، جوانها توجه شان به اسلام که الان هم آیند می گویند شما دعا کنید ما شهید بشویم و من می گویم دعا کنم که شما ثواب شهید داشته باشید دیگر ما حالا انشاءالله می دانی پیدا نمی کنیم تا شهادتی باشد ما حالا دیگر دزدها را و کلاهبردارها را داریم چه می کنیم در هر صورت یک همچو روحیه ای که متحول شده بود از آن ترس به این شجاعت، از آن فرار به این هجوم، یک همچو روحیه ای شما را پیروز کرد و این روحیه، روحیه ای بود که اسلام به ما داده یعنی مردم حالا متحول شده اند به همان اشخاصی که در صدر اسلام، سی هزارتاشان یک روم و یک ایران را به هم کوبید و عرض کنم که فتح کرد. آنها هم برای همین بود که اسلام را سعادت می دانستند، چه زنده باشند چه نباشند، شهادت را برای خودشان زندگی ابدی دانستند. این روحیه در جوانهای ما، من می بینم که پیدا شده است و جدا می آیند و از من تقاضا می کنند که من دعا کنم شهید بشوند. این اسباب این شد که ما پیروز شدیم.

الان که وظیفه فعلی ما این است که همه مسائلی که بعدها باید درست بشود، همه گرفتاری هائی که بعدها باید درست بشود، همه را کنار بگذاریم و همه متوجه به این باشیم که این قانون اساسی که بناست تصویب بشود، چی هست، اشکالاتش چی هست، اشکالات را بگوئید، کی باید این را بررسی بکند و چه اشخاصی باید بررسی بکنند، همان اشخاص را تعیین بکنید.

انشاءالله خداوند همه شما را حفظ کند و همه مسائل بعد از تحقق یک دولت غیر انتفاعی، یک دولت مستقر و مستمر، بعد از او و یک قانون اساسی و یک مجلس شورائی که ملی باشد، نه فرمایشی، انشاءالله همه این مسائل حل می شود و به دست خود ملت همه اینها واقع می شود. خداوند همه شما را حفظ کند و موفق.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## فرمان امام خمینی به دادستان دادگاههای انقلاب

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دادستان دادگاه های انقلاب اسلامی کشور

نظر به اینکه در نیمه شعبان معظم 99، روز میلاد مسعود حضرت ولی عصر (عج) کلیه متهمین که در رژیم سابق مرتکب تقصیراتی شده اند، به استثنای اشخاصی که ذیلاً ذکر خواهد شد، مورد عفو قرار گرفته، لازم است دستور دهید تمام دادگاه های انقلاب اسلامی سرتاسر کشور در اسرع وقت به پرونده متهمین رسیدگی نموده و بخشوده شدگان را فوراً آزاد نمایند. استثناسدگان عبارتند از:

1\_ کسانی که شخصا مبادرت به قتل شخص یا اشخاصی نموده اند.

2\_ آنهایی که دستور قتل شخص یا اشخاصی را صادر کرده اند.

3\_ افرادی که زندانیان را شکنجه داده و یا دستور آن را داده اند.

4\_ اشخاصی که به نحوی از انحاء از بیت المال سوء استفاده نموده اند.

ضمناً توجه داشته باشید که بخشودگی مذکور شامل کسانی که قبل از عفو 15 شعبان 99 حکم دادگاه درباره آنها صادر شده است نمی شود و نیز بعد از حکم عفو اگر کسی مرتکب جرمی شد باید تعقیب و مجازات شود و اکیدا اعلام کنید که هیچ کس حق ندارد مستقیماً متعرض قوای انتظامی، ارتش، ژاندارمری و شهرداری بشود و متهمان در این دستگاه ها باید بوسیله رؤسای خود آنان تسلیم دادگاه شوند و متخلفین از این امر مورد تعقیب و مجازات قرار گیرند.

روح الله الموسوی الخمينی

## پیام امام خمینی به ملت ایران در مورد شرکت در راهپیمایی

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت عموم ملت شریف و مبارز ایران ایدهم الله تعالی

به طوری که ملاحظه می کنید ، پس از نهضت مقدس اسلامی که با تأیید خداوند متعال و همت والای ملت ، کنگره های کاخ ستمگران را معجزه آسا فرو ریخت و قدرت ایمان و فداکاری مؤمنان بر قدرت های شیطانی پیروز شد و دیوار اختناق و استعمار در هم شکست ، فرصت طلبان از سوئی و مفسده جویان از سوی دیگر می خواهند وانمود کنند که نهضت از پشتیبانی عظیم ملت پس از پیروزی برخوردار نیست و با این حيله شیطانی مردم ناآگاه را به تردید بکشانند و به خیال خام خود از آب گل آلود ماهی بگیرند ، لهذا برای اثبات وحدت ملی و ابطال باطل و احقاق حق و خاتمه دادن به دروغپردازی ها و فتنه انگیزی های مخالفین با اسلام و نهضت مقدس اسلامی مقتضی است روز سه شنبه 26 تیر ماه 58 عموم اقشاری که به اسلام و قرآن مجید و جمهوری اسلامی و استقلال کشور علاقه دارند ، در راهپیمایی شرکت کنند تا حساب گروه هائی که بر خلاف مسیر انقلاب اسلامی هستند روشن شود . در حقیقت این مانور اسلامی ملی عرضه جنود حق و حزب الله است در مقابل جنود شیطانی .

از خداوند متعال عظمت اسلام و ملت را خواهانم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مردم عرب زبان خوزستان

### اتفاق مخالفین اسلام در ایجاد توطئه، برای انحراف اذهان مؤمنین از تنظیم قانون اساسی

بسم الله الرحمن الرحيم

من اولاً- از اینکه آقایان در این محل گرم، توی آفتاب، خانه کوچک مجتمع هستید معذرت می خواهم و باید کلماتم را کوتاه کنم که آقایان در زحمت نباشند. و از همه تشکر می کنم که از راه دور آمدند و با من ملاقات کردند و ما درد دل خودمان را به آنها بگوئیم و آنها هم مطالبی که دارند با ما در میان بگذارند. شما اولی به اسلام هستید از دیگران. شما عرب هستید و اسلام از عرب است و پیغمبر اسلام عرب است. بنابراین عرب نسبت به اسلام بیشتر باید توجه داشته باشد چون اسلام از خود اوست و دیگران دنباله. امروز روزی است که سرنوشت اسلام، سرنوشت مملکت اسلامی باید با دست توانای ملت من غیر فرق بین طوائف مختلفه، این سرنوشت حقیق پیدا بکند. امروز روزی است که حساسترین اوقات است برای مملکت ما، از یک طرف مشغول بررسی به قانون اساسی باید بشوند وکلای بلاد، اهل خبره تعیین بشوند و مطالعه کنند قانون اساسی را که اساس مملکت و سرنوشت اسلام و مملکت در آن است. و از یک طرف ملاحظه می کنید که در همه جا توطئه هائی در کار است که نگذارند این اساس و پایه درست متحقق بشود، در هر جای از بلاد به وجهی ایجاد اختلاف می کنند و بالخصوص در این چند روز و چند هفته ای که مسأله قانون اساسی در پیش آمده است و مخالفین اسلام و مخالفین شماخوف این را دارند که قانون اساسی طوری تنظیم بشود و تصویب بشود که دست آنها برای همیشه کوتاه بشود، اینها در فکر افتاده اند که اذهان ملت را، اذهان مؤمنین را، اذهان خطبای معظم را، اذهان علمای اعلام را، اذهان سایر قشرها را، از این مسیر مستقیمی که باید حرکت کرد و منتهی شد به تصویب قانون اساسی، منحرف کنند به مسائل دیگر. این شلوغی هائی که الان در کردستان هست، در خوزستان هست و این اختلافاتی که در همه جاهای مملکت هست و این توطئه هائی که برای ایجاد یک خلاف، برای ایجاد و هیاهو پیا کردن هست و معلوم نیست که من باب اتفاق همین طور شده باشد، این یک نقشه ای است از آنهایی که می خواهند قانون اساسی نباشد. هم قشرهای خارج و قدرت های خارج از اسلام می ترسند و هم قشرهای منحرف داخل می ترسند. الان خوف آنها این است که اگر قانون اساسی آنطوری که اسلام می خواهد، آنطوری که برنامه قرآن کریم است، اسلام

است و تصویب بشود و دنبالش همین ملت که اکثریت تام دارند و همین ملت که در فراندم آنطور پیروز شدند که در دنیا سابقه نداشت ، اینها خوف این را دارند که قانون اساسی را خبرگانی که شما ملت تعیین می کنید آنها بررسی کنند ، یک قانون اساسی اسلامی باشد و بعد هم که به فراندم ملت گذاشته می شود می دانند که اکثریت با ملت است . خوف این را دارند که این مراحل طی بشود و دست خودشان و ارباب هایشان از مخازن و از منافع ملت ما کوتاه بشود . از این جهت ملاحظه کردید که در فراندم بعضی از همین هایی که مخالف با اساس هستند تحریم کردند و بعضی از همین هایی که مخالف با اسلام هستند ، بعضی از صندوق ها را سوزاندند یا با اسلحه جلو گرفتند از اینکه رأی بدهند . با همه وصف ، ملت اسلام و ملت ما یک رأی صد الا یک یا دو داد و همه گروه ها یک از صد یا یک و نیم از صد رأی داشتند . اینها الان احساس شکست در خودشان کرده اند ، در این احساس شکست دست و پا می زنند که جدا کنند گروه ها را از گروه ، پخش کنند بین مردم که کردها علیحده ، عرب ها علیحده اند ، بلوچ ها علیحده اند ، فارس ها علیحده اند ، ترک ها علیحده اند ، و اینها را گروه گروه کنند . در صورتی که اسلام برای هیچ کس امتیازی قائل نیست الا برای آن که به طریقه اسلام رفتار کند و متقی باشد .

### **تأکید بر خنثی ساختن حیلۀ تفرقه انگیزان و توجه به پیشرفت اسلام**

شما برادرها که از راه دور آمده اید اینجا و الان هم در رنج هستید توی این آفتاب گرم و سوزان ، توجه تان را باید معطوف کنید به اینکه مبدا این اشخاص مفسده جو و توطئه گر که می خواهند جدائی بیندازند مابین عرب و عجم ، مابین کرد و ترک و عرب و سایر چیزها ، مبدا موفق بشوند . حیلۀ های اینها را خنثی کنید . وقتی نباشد که همه خطبای عرب و عجم در منابر گفتند ما همه برادر هستیم و همه اهل قرآن هستیم و همه اهل اسلام هستیم ، دیگر حرفی باقی نمی ماند که اینها توطئه بکنند و بخواهند که این قانون اساسی تأسیس آن درست نشود ، باید دقت کنید ، توجه کنید به اینکه در یک همچو موقعی همه اذهانتان متوجه به این باشد که قانون اساسی درست از کار درآید و اسلامی باشد . سرنوشت همه ما به قانون اساسی بستگی دارد و بعد هم مجلس خبرگان و بعد هم مجلس شورا ، که ملی باشد ، مثل سابق نباشد که تحت فرمان دیگران باشد . بنابراین آن چیزی را که من از شماها خواهم کنم این است که گوش به حرف اینهایی که الان می خواهند تفرقه بیندازند ندهید ، توجه تان به مقصد باشد ، توجه تان به پیشرفت اسلام باشد . همه قشرهای ملت الا نادری که انحراف از اسلام دارند ، با شما و با هم هستید . همه باید دست برادری به هم بدهید و این توطئه ها را خنثی کنید و اشخاص خبره ای که می خواهید بفرستید به ملاحظه و بررسی قانون اساسی که اساس را درست کنند ، اشخاص ، با اوصافی که اسلام باشد ، مسلم باشد ، معتقد باشد به مذهب ، معتقد باشد به طریقه ما و انحراف راست و چپی نداشته باشد ، انحرافات دیگر نداشته باشد ، امین باشد ، اسلام را بشناسد ، اهل اسلام باشد ، عالم اسلام باشد ، یک همچو اشخاصی را تعیین کنید و بفرستید تا اینکه قانون اساسی شما را مطالعه کنند و یک قانون اساسی مطابق اسلام بررسی شده و مطابق اسلام عرضه کنند . اختلافات امروز بسیار مضر است ، از



همه اوقات ضرر اختلاف الان بیشتر است اگر یک اشخاصی پیدا شدند و خواستند به تبلیغات سوءشان اختلافی بین شما برادرها ایجاد کنند ، بین برادرهای عرب و عجم ، بین برادرهای کرد و غیرکرد ، ترک و غیر ترک ، بدانید که توطئه است و می خواهند همه تان را منحرف کنند از آن اساس و خدای نخواستہ قانون اساسی ما را به طور انحرافی درست بکنند . انشاء اللہ خداوند همه شما را موفق کند و ثنیا از همه شما تشکر می کنم که در اینجا هستید .

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته

ص: 143

## بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان هنرجویان و دانش آموزان مدارس کرمان

بسم الله الرحمن الرحيم

من از شما تشکر می کنم که به اینجا آمده اید . سلام مرا به مردم کرمان برسانید . یکسری مسائل در گذشته داشتیم که با آنها فعلا کار نداریم ، مسائلی هم در آینده خواهد بود . یکسری مسائل امروز مطرح است که عمده اینها هستند و آن قانون اساسی ، انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان و انتخاب رئیس جمهوری است . به اینها توجه کنید . من در این ملاقات هائی که هفته گذشته با گروه های مختلف داشتم می بینم که یک توطئه در کار است و اینها می خواهند ما را از هدف اصلی بازدارند . پیام من به مردم کرمان این است که در مورد قانون اساسی مطالعه کنند و نظر دهند و نمایندگان مجلس خبرگان را کسانی انتخاب کنند که از بین علماً محل باشند ، نه چپی باشند و نه راستی و نه مخالف اسلام ، که بتوانند قانون اساسی اسلام پسند را تهیه کنند . مسائل اصلی اینها هستند . مسائل دیگر فرعی هستند . هر شهری مسائلی دارد . باید به اصول فکر کرد و از تفرقه و اختلاف باید اجتناب نمود . ضمن تأیید مجدد نمایندگان خود حجت الاسلام محمد جواد حجتی کرمانی ، ایشان از اشخاص صاحب نظر هستند و بهتر است بیشتر اوقات خود را در زمینه مواد قانون اساسی صرف کرده و نظر خود را برای مجلس خبرگان ارسال دارند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از فرمانداران کشور پاسداران سپیددشت و کودکان مکتب سرود

### نحوه عملکرد و برخورد سران حکومت اسلامی و رژیم های طاغوتی با مردم

بسم الله الرحمن الرحيم

از حمله تحولاتی که باید بشود و شما آقایان باید کوشش کنید، این است که به این کلمه فرماندار مغرور نشوید که شما فرماندار هستید. این کلمه فرماندار مال وقتی است که فرمان باشد و فرمانبر باشد و برادری نباشد و طبقه ای طاغوتی باشد و مردم دیگر فرمانبردار آنها. در صورتی که در اسلام مطرح نیست. آنهایی که سرتاسر کشور اسلامی را اداره کردند، آن هم آن کشوری که از حجاز تا مصر و آفریقا و عراق و ایران و همه این ممالک اسلامی که می بینید، اروپا هم یک مقدارش، تحت فرمان بود، معذک اینطور نبود که معاملاتشان با رعیت، معامله فرمانبرما و فرمانبر باشد. خود رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) وضعیتشان با مردم مثل یکی از سایرین بود، یکی از اشخاص بود، نه یک منزل فرمانبرمائی داشتند و نه در محافل که بودند، یک امتیازی بود که مردم ببینند که این بالا نشستن و پائین نشستن، این مسائل مطرح نبود.

بعضی از این عرب ها که از خارج می آمدند و وارد مسجد می شدند و پیغمبر را با سایرین نشسته بودند، وضع جوری بود که نمی شناختند که خوب، کدام یکی پیغمبر است و کدام یکی اصحاب، می پرسیدند که کدام یکی تان هستی. برای اینکه وضع نشستن دور بود و حتی اینکه حالا شما اینجا می بینید که یک پتو اینجا انداخته اند و یک اشخاصی هم اینطوری نشسته اند که اگر یکی از خارج بیاید یک امتیازی قائل می شود، نبود. حضرت امیر سلام الله علیه همان روزی که بیعت با وی کردند، بیعت به خلافت رسول الله، همان روز بیل و کلنگش را برداشته و رفت سراغ یک جائی که کار می کرد، خودش کار می کرد دستش پینه داشت. وضع این سردارهایی که حکومت های بلاد بودند با مردم وضع، وضع فرمانبرمائی و فرمانبرداری نبوده است، وضع خدمت بوده است که فرمانبرماها خدمتگزار مردم بودند. این انفصالی که شما دیدید در زمان رژیم سابق و طاغوت که بین حکومت های بلاد، استاندارهای بلاد با مردم یک جدائی بود که هر کدام دشمن دیگری بودند، مردم اینها را به صورت یک دشمن حساب می کردند ولو اینکه خدمتگزار هم بودند لکن مردم نمی پذیرفتند، این برای این بود که وضع رژیم اینطور بود. رژیم های سلطنتی و طاغوتی هر جا که هستند، وضع رژیم اینطور اقتضاً می کرد که با یک تشریفاتی و هیاهویی مردم را از خودشان رَم بدهند، بترسانند و لهدا مردم پشتیبان

نبودند. در وقتی که من بچه بودم در خمین یک حکومتی بود که این، یکی از خوانین آن اطراف را گرفته بود و حبس کرده بود، بعد از همان خوانین چند نفری با تفنگ آمدند و حکومت را گرفتند و بردند و مردم هیچ عکس العملی نشان ندادند بلکه خوشحالی هم می کردند. این حال حکومت مال رضاشاه سابق را حساب کنیم و مال محمدرضا. شما اکثراً یادتان نیست وقتی که متفقین، وقتی که آمریکا و عرض کنم که انگلستان و روسیه و اینها آمدند به ایران و ایران را گرفتند، همه چیز مردم در معرض خطر بود، در عین حال وقتی رضاشاه را از اینجا بردند بیرون مردم شادی می کردند، کانه همه آن ناراحتی ها به رفتن رضاشاه ترمیم شد. محمدرضا هم شما شاهدش بودید که وقتی که از اینجا رفت (من نبودم در ایران لکن گفتند) ایران غرق شادی بود این را دیگر شماها دیدید. چرا؟ برای اینکه جدا بودند اینها از ملت، فرماندار به قول شما از ملت جدا بود. وقتی که یک حکومتی، آنوقت هم این متعارف بود که وقتی حکومت معزول می شد فرار می کرد فرماندار یک جایی. این کرارا، این دیگر مسأله ای بود که آنوقت ها کرارا اتفاق افتاد، شاید در زمان اینها نشد اما قبلاً این مسأله بود که فرماندار یک جایی، حکومت یک جایی وقتی حکم عزلش می آمد، نمی توانست آنجا دیگر باشد فرار می کرد شب فرار می کرد که مبادا مردم غارتش کنند، بریزند و چه بکنند، برای اینکه از مردم جدا بودند، آنوقت که قدرت دستش بود، با مردم بدرفتاری می کرد، مردم از او جدا، او از مردم جدا و آنوقت که معزول می شد، می بایست فرار کند برود. اگر چنانچه این محمدرضا گوش کرده بود آن چیزی که به او تزریق می شد، گفته می شد که با مردم ملت باید آن کسی که خیال می کند که رأس است، با ملت باید بسازد تا اینها پشتیبان او باشند، اگر ملت پشتیبانش بود، خوب این قضایا پیش نمی آمد. کاری کرده بودند و طاغوت ها این کار را می کنند و طاغوت ها هم برای این، این کار می کنند که خودشان از مردم می ترسند، خائن هستند، به مردم خیانت کرده اند، ظلم کرده اند، از مردم می ترسند، وقتی که بنا شد از مردم ترسیدند باید یک قوای تهیه کنند برای حفظ خودشان و با این قوا مردم را بترسانند. اینکه قوای انتظامی در زمان طاغوت و هر طاغوتی، قوای سرکوبی ملت است، الان هم در جاهای دیگر همین جور است، حالا الحمدلله ایران دیگر این نیست و امیدوارم که نشود دیگر، اما الان هم شما ملاحظه کنید، پایتان را از ایران بگذارید، هر جا بروید قوای انتظامی برای سرکوبی مردم است، این برای این است که حکومت از مردم نیست، جداست نه فقط جداست، حکومت را مردم مخالف مصالح خودشان می بینند، دشمن خودشان می بینند. پشتیبانی که ندارند دشمنی دارند، اگر یک دشمنی روی آورد اینها هم با او همراهی می کنند، این جدائی دولت ها از ملت ها منشأ همه گرفتاری هائی است که در یک کشوری تحقق پیدا می کند. اگر آنطوری که اسلام طرح دارد راجع به حکومت و راجع به ملت، حقوق ملت بر حکومت، حقوق حکومت بر ملت، اگر آن ملاحظه بشود و مردم به آن عمل نکنند همه در رفاه هستند، نه مردم از حکومت می ترسند، برای اینکه حکومت ظالم نیست که از آن بترسند، همه پشتیبانش هستند و نه حکومت فرمانفرمایی می خواهد بکند، حکومت هم خدمت می خواهد بکند. مسأله، مسأله خدمتگزاری دولت به ملت است نه فرمانفرمایی دولت به ملت. همین فرمانفرمایی جدا می کند شما را

از ملت و ملت را از شما و منشأ مفاسد زیاد می شود. اگر جوری باشد که وقتی رئیس دولتی نخست وزیرش، رئیس جمهورش بیاید توی مردم، با مردم باشد، فواصل نباشد، آنطور فواصل که در طاغوت هست و فرماندارها با مردم فواصل نداشته باشند که مردم پشت اتاقش بیایند بایستند و راهشان آنها ندهند و چه، البته با عدالت راه باید بدهند هرج و مرج نباشد که هر کس آمد، بخواهد جلو بیفتد، یک موازینی که خود شما می دانید، اما مردم از کارهای شما احساس کنند که شما از خودشان هستید و می خواهید خدمت کنید بهشان، نمی خواهید فرمانفرمایی کنید و نمی خواهید مردم را تحت فشار قرار بدهید و نمی خواهید ظلم بکنید. این حرف نباشد، مثل سابق نباشد که اجاره می دادند یک استانی را، اجاره رسمی، چقدر بدهد تا اینکه این در این استان برود، و آنوقت رفت باید چقدر بدهد و چقدر در آورد تا آن را ادا کند و برای خودشان چقدر باشد، قضیه تیول بود. یک جائی را به یک نفری به اجاره، تیول دادند، این باید برود مردم را آنقدر بدوشد که آن مقداری را که باید به مثلاً آن نخست وزیر آنوقت یا آن فرض کنید که فرمانفرما و آن کسی که در رأس بود باید ادا کند، ادا کند. خوب قهرا خودش هم که رفته برای این کار برای خودش هم ببندد بار خودش را. وقتی وضع اینطور شد که از اول آن کسی که صدر اعظم بوده است (آنوقت، صدراعظم آنوقت منشأ امور بود) صدراعظم آن حکومت را، استانهائی را که می خواست بفرستد، اجاره می داد آنجا یک تیول بوده این استان، استان کرمان است، کم درآمدتر است، کمتر. استان خراسان زیادتر درآمد دارد، استان آذربایجان زیادتر، روی درآمد آنجا و اینکه ثروتمندهای آنجا چقدر هستند، چقدر می شود از آنها این استفاده بکند. وقتی بنا شد سند اجاره بندی یک استانی دست یک حاکمی باشد و یک چیزی داده باشد برای این کار، خوب، بالاخره باید برود مردم را داغ کند و می کردند و مردم را داغ می کردند و از آنها چیزی می گرفتند، البته سابق همین بود نه اینکه در زمان اینها، زمان اینها به فرم دیگری اینطور بود.

### اصل رژیم سلطنتی غیر منطقی و باطل است

ما یادمان است، رژیم غیر از این رژیم، آنها هم همین طور بوده اند. وضع رژیم سلطنتی اصلاً این است و از اول یک رژیم غلطی بوده است، از اول یک رژیمی بوده است که بی منطق بوده است. حالا- یک کلمه اش را برای شما می گویم. ما فرض کنیم که تمام ملت (فرض است و الا واقعیت که ندارد) تمام ملت جمع شده اند و یک کسی را برای خودشان مثلاً سلطان قرار داده اند. اختیار دارند مردم یک کسی را انتخاب کنند، انتخاب کردند. خوب، این ملتی که حالا هستند حق دارند، در حومه زندگی خودشان اختیار دارند که کسی را قرار بدهند. خوب، برای صد سال بعدی که این آقایان هیچ نیستند، چه حقی دارند؟ شما چه حقی دارید که برای اولادتان و اولاد اولادتان که الان نیستند سلطان انتخاب کنید؟ سلطنت، سلطنت میراثی بود. ما فرض می کنیم با انتخاب دولت یک سلطنتی را امضاً کردند، به چه حقی ملت می تواند برای نسل های آتیه اش سرپرست قرار بدهد؟ خودشان حق اختیار دارند، باید خودشان انتخاب کنند و لهذا سلطنت از اول غلط بوده، جمهوری یک مطلب صحیحی

است برای اینکه هر مملکتی وقتی قرار دادند خود این چهار سال ، پنج سال بعد از چهار سال و پنج سال باز ثانیاً باید قرار بدهند ، دیگر برای نسل های آتیه ارثی نیست که کسی اگر چنانچه پسرش هر چیز باشد باید بشود . حالا که رضاخان شد ، بعدش محمدرضا باشد و بعد هم باز رضا و بعد هم باز محمدرضا و بعد رضا و همین طور ادامه پیدا کند . و لهذا اصلاً منطقی نیست سلطنت به این معنایش ، به این معنا که سلطنت میراثی ، اگر جمهوری میراثی باشد ، منطقی نیست . منطقی آن است که کار درست خود ملت باشد . ملت یک کسی را می آید انتخاب می کند ، آن هم انتخاب آزاد می کند ، یک کسی را رئیس جمهور قرار می دهد . اختیار دارد که یک کسی را برای خودش رئیس جمهور قرار دهد . بعد که چهار سال گذشت با همین ملت است و همین بساط ، بازی دیگری را قرار می دهند ، اگر این آدم خوبی بود ، همین را قرار می دهند . تکلیف صد سال بعد را من و تو نمی توانیم تعیین کنیم ، ما حق داریم برای خودمان مثل این است که یک نفر را فرض بفرمائید که وکیل کنیم از جانب آن آدمی که مرده ، برای اینکه نیامده است برای رأی دادن به من چه ربط دارد؟ این اصلاً یک رژیم غیر منطقی بوده است ، حالا هم هر جا باشد غیر منطقی است ولو انگلستان باشد ، انگلستان حالا سلطنتی است ، البته آن سلطنتی که آنها می کنند ، سلطنت اینطوری نیست که ماها می کنیم معذک یک مسأله غیر منطقی است .

### **تأکید بر نظارت دقیق در امر انتخابات و ایجاد زمینه مساعد برای رأی دهندگان**

حالا شما خواهید که در این انتخابات البته نظارت کنید ، شما باید توجه کنید که این رژیم ، رژیم انسانی \_ اسلامی است ، رژیم طاغوتی نیست ، یک کلمه نباید شماها مطلبی بگوئید که تحمیل اسمش باشد مطلبی که عمل بکنید . مردم آزاد و همانطوری که در فرآیند بود آزاد بودند مردم را باید آزاد بگذارید . بله ، وسائش را شماها فراهم می کنید ، نظارت بر اینها که مبادا یک وقت خیانت بشود در اینطور چیزها . مثل سابق نباشد که بردند و هر چه که می خواستند می ریختند تویش و می آوردند و عرضه می داشتند . نظارت باشد بر صندوق ها به طوری که هیچ کس نتواند خیانت کند . صندوق ها دست امین ها باشند ، امین از ملت باشد که بعد صحبت نشود . برای شما که فلان فرماندار مثلاً دخالت کرد در این امر در حکومت اسلامی وضع این است که شماها در انتخابات بیش از حق نظارت و فراهم کردن وسائل به آنقدری که باید حکومت فراهم کنند ، بیشتر از این حق ندارید ، که خدای ناخواسته یک وقتی نسبت بدهند به اینکه اینها برای خاطر طرفداری از یک نفر آدم \_ فرض کن \_ یک کاری کردند ، صندوق عوض شده . این را باید خیلی توجه به آن داشته باشید ، هم آزادی ملت را ، راه دادن ملت را در آنجائی که می خواهند رأی بدهند و هم امانت در حفظ آن چیز که تحت مراقبت یک عده اشخاص امین از دولت و از ملت ، اشخاص امین تحت نظرشان باشد که بعد صحبت نشود که خوب این هم این رژیم و این هم این انتخابات و انتخابات اینجا هم مثل آنجا . این باید خیلی مورد توجه آقایان باشد که اصلاً یک تحولی در ایران انشاءالله بشود ، یک تحولی روحی . تحول روحی یعنی فرماندار خودش را فرماندار حساب نکند . من دلم نمی خواهد اصلاً این اسم را ببرم چنانچه

سلطان هم دلم نمی خواهد اسم ببرم . اسم ، این اسم را هم اگر آقایان خودشان بنشینند با هم یک اسم بهتری ، قشنگی انتخاب کنند ، (یکی از حضار : خدمتگزار) امام : خودتان دیگر بکنید این را ، من دیگر به این کار ندارم ، من دوست ندارم این را ، چنانچه سلطنت مثلا سلطان . من خیلی ناراحت گاهی می شوم از اینکه مثلا امام عصر سلام الله علیه را می گویند سلطان السلاطین ، خلیفة الله است در هر صورت عمده عمل است حالا اسمائش خیلی مهم نیست ولو اینکه بهتر این است که تغییر بکند انشاء الله ، عمده عمل است که به عمل نشان بدهید که در این انتخابات که یک انتخابات ملی آزاد ، هر کس هر جا هر کس را دلش بخواهد رأی بدهد . وقتی اکثریت آوردند ، البته مردم صالح اسلامی \_ چیز \_ را مردم قرار می دهند اما هیچ تصرفی از جانب آقایان نباشد که الان چشم هائی دوخته شده است به اینکه مناقشه کنند ، اشکال کنند . اگر یک فرمانداری یک جائی یک کاری بکند که بر خلاف موازین جمهوری اسلامی باشد ، این یکی را به همه سرایت می دهند بعد می گویند فرمانداران اینطوری هستند ، استانداران اینطور هستند ، حکومت هم هست اینطور .

### **تفاوت دولت اسلامی با دولت طاغوتی در عنایت خاص نسبت به مستضعفین است**

من امیدوارم که همه تان سلامت و با سعادت باشید و همه مان و همه تان خدمتگزار به این مردم خصوصا به مستمندان ، به ضعفا ، عمده توجهات به این طبقه ای باشد که این طبقه احتیاج دارند . اینطور نباشد که مثل رژیم سابق که یک دسته بالاها را برایشان همه چیز فراهم کردند به علاوه که جیب هایشان را هم پر کردند و فرستادند و یک دسته هم زاغه نشین اطراف تهران که الان هم باز به همین طور هستند . اینها باید تبدیل پیدا کنند ، باید فرق باشد ما بین دولتی که می گوید من اسلام هستم و دولت اسلامی هستم با دولت هائی که طاغوتی هستند . یک فرقت هم این است که عنایت شما فرماندارها یا خدمتگزاران به خلق ، به این طبقه ضعیف بیشتر باشد تا طبقه بالا . مبادا یک وقتی یک نفر آدمی که مثلا متمکن است و چیزدار است و با یک نفر آدم ضعیف ، او را با آنکه آن یکی باید جلو باشد او را جلو بیندازید . من نمی گویم آن یکی را جلو بیندازید ، می گویم عدالت باید باشد . البته در یک فرمانداری که با آن احتیاج دارند ، نمی تواند همه را یکدفعه بپذیرد لکن روی عدالت باشد که آن آدمی که ضعیف است هم بپذیرد ، آن یکی هم که غیر ضعیف است او را هم بپذیرد . حضرت امیر سلام الله علیه در یک محاکمه ای که ما بین آنوقتی بود که خلیفة الله بود و خلیفه مسلمین بود و قضات هم خودش تعیین می کرد ، یک محاکمه ای بود بین حضرت امیر و یک نفر غیر مسلم (یهودی ظاهرا بود) و قاضی خواست حضرت را ، وقتی که رفت ، تشریف بردند ، آنطور است که با کنیه اسم حضرت را برد ، گفت : نه حق نداری ، باید مساوی باشیم ، در نشستن مساوی ، در همه چیز مساوی وقتی هم که حکم بر خلاف کرد ، پذیرفت آن خلیفه بحق خدا بود و شماها باید به او اقتدا بکنید . همه ما باید اقتدا بکنیم . البته هیچ کدام طاقت نداریم مثل او باشیم لکن اینقدر که اگر نامه ما را بردند ، آنجا بگویند اینها هم شیعه هستند ، اینها هم تابعند . وقتی نامه های ما را بردند پیش امام زمان سلام الله علیه (در روایات است

که هر هفته می برند، هفته ای دو دفعه (وقتی که می برند، اعمال ما جوری باشد که نمایش از این بدهد که ما تابعیم، ما آنطور نیست که خود سر بخواهیم یک کاری را انجام بدهیم.

امیدوارم انشاءالله این انتخابات و انتخابات بعد که راجع به مجلس شورا است با نظارت شما جدیت به اینکه کسی دخالت نکند، دخالت نابخواند، کسی نباشد که بخواهد یک تحمیلی بکند به مردم، اینطور باشد و این انتخابات انشاءالله باشد که برای نمونه و در طول تاریخ مشروطیت (الا بعضی الا یک کمی) نمونه باشد که یک انتخابات آزاد. این هم که می گوید الا یعنی دخالت دولت نبوده و الا خان ها دخالت می کردند. همان صدر مشروطه، از آن اول مردم گرفتار خان ها بودند و ارباب ها و یک وقت هم گرفتار به دست حکومت بودند. انتخابات شود گفت که در طول مشروطیت آزاد نبوده است و خان ها جمع می کردند رعیت ها را، ارباب می کردند رعیت ها را، رعیت هم می آمدند رأی به آنها می دادند که این را من خودم شاهد بودم قبل از رضاشاه زمان احمدشاه آنوقت ها این دست خان ها بود، خان ها وکیل درست کردند و بعد که رضاشاه آمد و این خان ها را یک قدری متمرکز کرد در خودش (نه از بین برد، همه قدرت ها را در خودش متمرکز کرد و همه ظلم هائی که خان ها می کردند خودش می کرد) بعد که اینطور شد، دیگر دست اینها بود و هیچ مردم، و ملت اصلا مطرح نبودند، ملت کیست. حالا آنطور نیست، حالا ملت مطرح است و خود مردم. انشاءالله نمونه باشد کارهای شما برای همه جا که انتخابات آزاد این است. انشاءالله خدا همه تان را تأیید کند و موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



## بیانات امام خمینی در جمع پاسداران مهدیه تهران

بسم الله الرحمن الرحيم

در این آیه شریفه ای که آقا خواندند، یک جهت مربوط به ذات مقدس حق تعالی بود که تحقق پیدا کرد، یک جهت هم مربوط به ماست. آن که مربوط به قدرت الهی بود، تبدیل کرد خوف ما را به ایمنی. قبلا ما از قوای انتظامی، ملت ما از سازمان امنیت، از شهرداری، از شهربانی، از همه اینها، از دستگاه ظلم خوف داشتیم. خدای تبارک و تعالی تبدیل کرد این خوف را به ایمنی و الان ما با کمال امانت و ایمنی در اینجا نشستیم. یک جهت هم مربوط به ماست (یعبدوننی لا یشرکون بی شیئا) ما باید چه کنیم؟ عبادت خدا و کسی را شریک با او قرار ندادن، نه قدرتها را ما شریک قرار بدهیم و نه نفس اماره را و نه شیاطین را، همه چیز را از او بدانیم و همه قدرت ها را قدرت او بدانیم، کسی را صاحب قدرت ندانیم الا او، این پیروزی را از او بدانیم. ما چیزی نداشتیم، قدرتی نداشتیم، تشکیلاتی نداشتیم، مردم متفرقی بودیم، هر کسی مشغول به کار خود و حال خود و همه گرفتار دست جبارها. آن که ما را مجتمع کرد، آن که همه دل های ما را یک جهت کرد، آن که همه مقاصد مختلفه ما را در یک مقصد خلاصه کرد آن ذات مقدس حق تعالی بود. هیچ بشری نمی تواند یک همچو نهضتی ایجاد کند، نهضتی که اغراض مختلفه، گروه های مختلف، مقصد مختلف، مکان ها دور از هم، افراد مشتت، اینها همه برگشت به یک، یک جامعه واحد. یک روز ما جوامع متعدد بودیم هر فرد برای خودش علیحده بود، فکر هر فرد غیر فکر دیگری بود، آن قدرت خدای تبارک و تعالی بود که تمام افکار را متوجه کرد به یک فکر، تمام مقاصد را خلاصه کرد در یک مقصد. یک اشخاصی که باید بگوئیم قطره هائی بودند، مثل قطرات باران بودند و از هیچ قطره ای کاری بر نمی آمد اینها را متبدل کرد به یک سیل بنیان کن، سیلی که در مقابل توپ ها و تانک ها، قدرت های بزرگ و با عالم، نه فقط قدرت شیطنانی رژیم، همه قدرت ها دنبال او بودند، بعضی ها تصریح می کردند مثل آمریکا، انگلستان و بعضی ها بودند ولو تصدیق نمی کردند، نه فقط قدرت های خارج از سیطره اسلام، قدرت های اسلامی هم، حکومت های اسلامی همه با هم متفق الکلمه پشتیبانی می کردند، از آن طرف قدرت داخلی او آنطور بود و از آن طرف قدرتهای بزرگ و کوچک خارجی پشتیبانی می کردند. ما می توانستیم در مقابل قدرتی که عالم مجتمع شده بود با هم، ما می توانستیم کاری بکنیم؟! ما که نمی توانیم یک محله را با هم مجتمع کنیم، ما که نمی توانیم چند نفر افراد را با هم در یک راه ببریم، ما نمی توانیم یک ملتی را از مرکز تا حدود، و از

بچه تا پیرمرد، و از ملا تا غیر ملا و جاهل، می تواند کسی غیر خدا اینها را در یک جا مجتمع کند؟ (یعبدوننی لا یشرکون بی شینا) هیچ خیال نکنید که کسی بتواند یک همچو معجزه ای را ایجاد کند. معجزه ای که همه دستگاه ها و متفکرین حرف هائی را که می گفتند، طرحهائی را که می دادند همه خنثی شد، همه تصدیق کردند که این غیر آن مسائلی بود که ما طرح می کردیم. آنهائی که طرح مسائل می کردند برای حفظ قدرتشان در اینجا، حسابشان غلط در آمد. آنها حساب مادیت را می کردند، روی حساب مادی درست می گفتند. روی حساب طبیعی کسی که جز طبیعت را نبیند. معلوم بود که روی طبیعت ما باید نتوانیم یک قدم برداریم، شکست بخوریم. اینها حساب معنویت را می کردند. آنها غافل بودند از آن قدرتی که با اراده خودش یک ملت را متبدل می کند. یک ملتی که از یک پاسبان می ترسید، متبدل می کند به یک ملتی که از تانک و توپ نترسد، نه بزرگ ها، بچه ها. یکی از دوستان من برای من نقل کرد که من شاهد بودم که یک پسر بچه دوازده، سیزده ساله سوار بر یک موتور سیکلت یا یک دوچرخه بود و با همین حمله کرد به تانک ولو زیر تانک رفت. لکن یک همچو روحیه ای پیدا شده بود. این خوفی که بیش از پنجاه سال بر این ملت سایه افکنده بود چطور در ظرف یکی، دو سال (البته از عمر نهضت از اول تا آخرش از پانزده سال بیشتر می گذرد لکن آن که نهضت بود قریب دو سال است) چطور امکان داشت آن کسی که، آن ملتی که پنجاه سال خائف بود، اگر اسم سازمان امنیت را می شنید می لرزید، همچنان متبدل شد که ریخت در خیابان ها و فریاد زد (مرگ بر شاه) از هیچ چیز نترسید؟ چطور یک ملت متبدل شد به جوان هائی، به یک اشخاصی که آرزوی شهادت کردند؟ الان هم باز با آنکه انشاءالله دیگر مبارزه تمام شده، الان هم باز بعضی ها می آیند در همین اتاق. یک شخصی همین دو روز پیش آمد، تعقیب به اینکه شما دعا کن من شهید بشوم حتی تا دم در باز تعقیب کرده بود. من می گفتم که خداوند به تو ثواب شهدا را بدهد و او اصرار می کرد که شما دعا کن من شهید بشوم. این تبدل روحی را کی می تواند ایجاد کند؟ کی می تواند تصرف کند در ارواح مردم؟ کی مقلب القلوب است؟

توجه به خدا داشته باشید و هیچ در مقابل خدا کسی را شریک قرار ندهید، نه در عبادت تنها، در همه چیز، نه عبادت تنها. همین فریادهائی که می شنوید، فریاد خداست، قدرت خداست. این نهضت را خدا پیش برده والا به حسب موازین طبیعی ما چهار تا معمم بودیم و یک عده هم بازاری که شغلشان کسب و کار بود و تمام قوا هم دست آنها بود. این خدا بود که وقتی که این نهضت پیدا شد، هی فوج فوج از آنها را برگرداند به این طرف، منصرفشان کرد از اینکه آن قوای شیطانی شان را استعمال کنند والا اگر شصت تا از این طیاره ها که از آمریکا خریده بودند می آمدند بالای سر ما و بالای سر شما و بمباران می کردند، ما قدرت نداشتیم، اما خداوند آنها را از این هم منصرف کرد، ایجاد خوفی در آنها کرد که دست و پایشان را بست راجع به این، از باطن خودشان از هم پاشید، خود قوایشان رو آورد به مردم، پائینی ها دیگر از بالائی ها اطاعت نکردند. اینکه فرار کرد عادی نبود، بهم خورده بود، دیگر پائینی ها از بالائی ها نمی شنوند. قدرت فرمانفرمائی از هم پاشیده شده بود. همه اش از خداست. خدا را در این

امور ببینید ، خدا ظاهرتر از این آفتاب است . از این به بعد هم اگر ما حفظ کنیم این توجه را به خدا ، اگر حفظ کنیم این برادری و وحدت را ، از این به بعد هم پیش می بریم ، تا آخر هم پیش می بریم .

دعا کنید که ما غفلت نکنیم از خدای تبارک و تعالی ، غفلت نکنیم از اسلام ، نرویم سراغ آن چیزهایی که خودمان به آن احتیاج داریم اینها می گذرد . نرویم سراغ اینکه کارم چطور است ؟ مسجدم چطور است ؟ محرابم چطور است ؟ خانه ام چطور است ؟ اینها یک چیزهایی است که عبور می کند و می گذرد ، آن که باقی است معنویات انسان است .

خداوند انشاءالله این امان را هیچ وقت از ما به خوف مبدل نفرماید . خداوند انشاءالله ما را اهل عبادت و اهل اینکه کسی را شریک خدا در هیچ چیز ندانیم قرار بدهد .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 153

## فرمان امام خمینی به حجت الاسلام ملک حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت جناب مستطاب حجت الاسلام حاج سید کرامت الله ملک حسینی دامت افاضاته

امید است وجود محترم از بلیات محفوظ و به انجام وظایف اسلامی موفق باشید . ضمناً با توجه به وضع زندانیان و متهمین لازم است زودتر در مورد تشکیل دادگاه و رسیدگی به پرونده های آنان اقدام بفرمائید و کسانی که گناه صغیره دارند مورد عفو قرار داده و آنها را آزاد کنید و دیگران را طبق مقررات شرع محاکمه نموده و حکم شرع را در مورد ایشان اجرا کنید و نسبت به وضع منطقه هم به هر نحو صلاح می دانید ، در آرامش و امنیت منطقه اقدام وسعی کافی مبذول دارید و اهالی محترم را به وحدت و پرهیز نمودن از اختلاف و تفرقه ، دعوت و ارشاد نمایند و توطئه های دشمنان اسلام را با حسن تدبیر خنثی نمایند و وظیفه خطیری را که مردم در این موقع حساس به عهده دارند گوشزد فرمائید . از خدای تعالی موفقیت همگان را در راه خدمت به اسلام و مسلمین و قطع ایادی اجانب و دشمنان خواستاریم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 154

## بیانات امام خمینی در جمع خواهران دانشجوی مکتب معصومه اصفهان و اعضای سپاه پاسداران شهرضا

### دستور خدا حفظ وحدت بر اساس اعتصام به جبل الله است

بسم الله الرحمن الرحيم

دستور همان است که آیه شریفه را که این خواهر خواندند فرمودند: (واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا) در آیه فقط امر به اجتماع نیست، تمام دستورهای مردم عادی و رژیم های غیر الهی این است که همه با هم باشید و دستور به اجتماع است لکن دستور خدا دستور (واعتصموا بحبل الله) است. اینکه مهم است این است که تنها این نباشد که همه با هم در یک امری مجتمع باشید و متفرق نباشید، امر این است که همه با هم اعتصام به حبل الله بکنید. راه حق باشد و توجه به حق باشد و اعتصام به راه حق باشد. انبیا نیامده اند که مردم را در امور با هم مجتمع کنند انبیا آمده اند که همه را در راه حق مجتمع کنند یعنی این (راهی که) راهی است که از طبیعت شروع می شود تا ماوراءالطبیعه و تا آنجا که ماها نمی توانیم الان بفهمیم و اگر همه با هم مجتمع بشوند و این راه را بروند، دستجمعی این راه را بروند، این اداره امور دنیا را می کند و اداره امور آخرت را، هر دو.

### تأمین سعادت و پیروزی در گروه اجتماع و توجه به خداست

شما دیدید که در این اجتماعاتی که اخیرا کردید، همه باهم مجتمع شدید، اینکه واقع رمز بوده است از برای پیروزی شما همان جهت الهیت مسأله بود. یعنی همه اهالی ایران توجه به این داشتند که ما اسلام را می خواهیم. این اعتصام به حبل الله بود. اسلام حبل الله است. اینهمه با هم یک راه بروند و آن هم راه خدا، این پیروزی را به ما هدیه کرد. پس آن که ما را در مقابل قدرت های بزرگی که در داخل و خارج بود یعنی قدرت بزرگی که در داخل و خارج بود یعنی قدرت بزرگی که شاه سابق داشت و دنبالش هم، همه قدرت های ممالک دیگر بی استثناست تقریبا، تقریبا تمام ممالک عربی با او موافق بودند، ابر قدرت ها هم همه شان، خودش ذی قدرت، دارای قدرت شیطانی بود، همه قدرت هایی هم که در عالم بود یعنی اینهایی که توانست مربوط باشد به طرف های ما، همه اینها با او موافق بودند و خواستند نگاهش دارند، در عین حال نتوانستند نگاهش دارند. شما هیچ نداشتید، اصلا اسلحه ای دست شما نبود، الان چهار تا تفنگ یا چند تفنگ می بینید، اینها غنیمتی است که بعد از شکست دادن آنها به دست شما آمده است، قبل از آن دست شما چیزی نبود. عزب بودید شما و آنها مجهز بودند به همه جهازات شیطانی، همه چیزداشتند.

در عین حالی که اینها همه چیز داشتند و شما هیچ نداشتید، مغلوب کردید آنها را. همه می خواستند بماند او و بعد از رفتن او هم خواستند که با رژیم باقی باشد و شورای سلطنتی باشد و نشد، نتوانستند. این یک قدرت الهی بود، نه قدرت من و شما. این برای همین بود که همه اجتماع اعتصام به حق کرده بودند، یعنی به این اسلام که بین مردم و خدای تبارک و تعالی مثل یک ریسمانی است که تصور شده، همه معتصم شده بودند به او، همه توجه پیدا کرده بودند به اسلام. این اسباب این شد که ما پیروز شدیم. حالا هم باید همین را نگهش داریم. اگر بخواهید این مملکت، این کشور به سعادت برسد، پیروزی شما به آخر برسد، بین راه نمایم یا خدای نخواستہ در بین راه ما را از مقصد برگردانند، اگر بخواهید (که می خواهید البته) که کشور ما تا آخر دیگر مستقل باشد، شما تا آخر آزاد باشید و منافع کشور ما دست دیگران نباشد و راه ما راه سعادت باشد همین معنایی که اعتصام به اسلام که حبل اللہ است و متفرق نشدن از هم، همه با هم در اسلام مجتمع، در این راه مجتمع و تفرقه بینمان نباشد. الان آن اشخاصی که در بین ملت افتادند و تخم تفرقه دارند می پاشند با قلم هایشان، با نطق هایشان، با اجتماعاتشان، اینها جنود شیطان هستند و شما که انشاء اللہ جنود اللہ هستید، حسب این امری که خداوند تبارک و تعالی فرموده است که (واعتصموا بحبل اللہ) و به حسب آن نهی ای که فرموده که (لا تفرقوا) همین یک امر و نهی الهی را اگر عمل کنید تمام سعادت تان تأمین می شود و تا حالا هم برای همین بوده است که همه شما توجه به خدا داشتید، همه با ذکر (اللہ اکبر) جلورفتید و همه چیزها را خنثی کردید. یعنی یکی از اموری که شد اینکه انصراف پیدا کردند از اینکه شما را بکوبند، نه اینکه نمی توانستند، همه وسایل بمباران را داشتند که طیاره ها را راه بیندازند همه شهرهای ایران را بمباران کنند لکن یک ربعی خدا در دلشان خدا- القأ کرد که از این کار منصرف شدند، منحرف شدند، نکردند. این هم یکی از چیزهایی بود که خدا این ربع را در دل آنها انداخت و این ربع را در دلشان انداخت که وقتی شما جمعیت اللہ اکبر گفتید، همه قشرهایی که مربوط به او بود مربوط به شما شد. هی از آنها منفصل شدند به شما متصل شدند. از ارتش، از اداری، از همه اینهایی که مربوط به اینها به خیالشان بود. همه اینها برای خاطر اینکه این راه، راه خدا بود و اعتصام به حبل اللہ بود همه اینها متصل شدند به شما و این راه را تا اینجا طی کردید و از اینجا به بعد هم باید طی بکنید با همین جهت: این حربه، حربه بزرگ که اعتصام به حبل اللہ و متفرق نشدن است حفظ کنید این وحدت را، حفظ کنید این اعتصام به حبل اللہ و اسلام را. اسلام همه چیز برای شما هست.

سعادت دنیا، سعادت آخرت، همه چیز برای شما اسلام است. و کوشش کنید که انشاء اللہ این قانون اساسی درست تدوین بشود و کوشش کنید که اشخاص مؤمن، صحیح از علمای بزرگ را انتخاب کنید تا قانون اساسی را آنطوری که اسلام می خواهد تدوین کنند، بعد هم خودتان انشاء اللہ تصویب کنید و یک مملکت اسلامی آنطوری که همه خواهیم، مملکتی که هر جایش بروید بوی اسلام بدهد. خداوند همه تان را تایید کند، موفق بدارد.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیات استرالیائی

بسم الله الرحمن الرحيم

این پیروزی که برای ملت ما حاصل شد ، یک عنایت الهی بود ، یک عنایت بزرگی که متحول کرد روحیه ملت ما را به روحیه اسلام و مسلمین صدر اسلام و این قدرت ایمان و اعتقاد به اسلام بود که پیشرفتی را که کسی احتمال نمی داد نصیب ما کرد . ملت ما با دست خالی ، هیچ اسلحه نداشت ، با همان قدرت ایمان در مقابل اسلحه مدرن و قدرت عظیم نظامی ایستادگی کرد و تمام قدرت ها را در هم شکست و این دلیل بر این است که ملتی اگر قیام کرد ، با حفظ قدرت ایمان ، هیچ قدرتی در مقابل آن نمی تواند بایستد . تمام قدرت ها و ابر قدرت پشتیبانی از شاه مخلوع می کردند و گاهی ما را تهدید می کردند و لکن قدرت اسلام با تأیید خداوند تعالی موجب شد که ما با دست خالی بر قدرت های بزرگ غالب شویم و من امیدوارم این نهضت ایران الگویی باشد برای سایر ملت های مستضعف و امید است خداوند دنیا را از دست مستکبرین بگیرد و به دست مستضعفین بسپارد و من از اینکه شما اظهار محبت کردید متشکرم . سلام گرم خود را به دوستان شما و مسلمین استرالیا تقدیم می کنم و از خداوند تعالی تأیید همه را خواهیم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پرسنل نیروی و هوایی ارتش

### بهترین راه سازندگی، خدمت صادقانه با در نظر گرفتن رضای خداست

بسم الله الرحمن الرحيم

من از شما جوانهای نیرومند مؤمن تشکر می‌کنم که آمده اید و از نزدیک با من ملاقات و حضور خودتان را در همه مشکلاتی که مملکت الان دارد اعلام کردید. می‌دانید که امروز مملکت آشفتگی زیاد دارد. اینها یک مملکت آشفته ای درست کردند و به جا گذاشتند و رفتند و الان شما وارث یک مملکت خراب شده تقریباً هستید و همه ما باید کوشش کنیم که حالا که سد عظیم را شکستیم و پشت سد اینقدر خرابی داریم می‌بینیم، کوشش کنیم در ساختن این مملکت. و کوشش به این است که هر گروهی در هر محلی که هستند در همان محل خوب عمل کنند، معنایش این نیست که شما که در یک محل خاصی خدمت می‌کنید، کوششتان این باشد که در جای دیگری یک خدمتی بکنید. کوشش برای ساختن این است که هر جمعیتی آن کار خودش را خوب انجام بدهد، این که به او محول شده است، آن را خوب انجام بدهد. اگر همه قشرهای مملکت به این فکر باشند که الان مملکت اسلامی است و باید به همانطوری که دستور اسلام است عمل بکنند، کم کاری که باید کار بکنند نداشته باشند، انحراف نباشد در کار، با صداقت، با امانت، با توجه به خدا عمل بکنند.

### شکست ناپذیری کشورها در سایه تفاهم میان ملت

و دولت شما ملاحظه کردید که در این انقلاب، شما همه قلوبتان برگشت به طرف ملت و این را خدای تبارک و تعالی این قلب‌ها را برگرداند والا یک ارتشی که در طرف دیگری بود، باید به حسب آن وضعی که ارتش دارد، باید بر خلاف مسیر مقابل خودش باشد، لکن شما ملاحظه کردید که دل‌هایتان برگشت به این طرف و اسباب این شد که گروه‌های مختلف پیوستند به ملت و با ملت همقدم شدند، همصدا شدند و این موجب پیروزی ملت شد، ملتی که هیچ نداشت و آن طرف همه چیز داشت. این اراده خدا بود که ما را پیروز کرد و ما باید طوری عمل کنیم که این عنایت الهی محفوظ بماند برای ما، امانت داشته باشیم، توجه به خداداشته باشیم، برای ملت خدمتگزار باشیم، همه مان وضعمان تغییر بکند با وضعی که رژیم‌های طاغوتی دارند. بنای ما بر این باشد که به مملکتیمان خدمت بکنیم، به ملت خدمت بکنیم. ارتش باید نگهبان یک ملت باشد و نگهبان کشور باشد و سایر قوای انتظامی هم همین‌طور،



باید طوری عمل بکنند که ملت را برادر خود بدانند و ملت هم آنها را برادر خود، آنها پشتیبان ملت باشند، ملت پشتیبان آنها. اگر یک مملکتی دولت و ملتش، ارتش و ملت، قوای انتظامی و ملت از هم شدند، با هم شدند و هر دو احساس کردند که باید خدمت به هم بکنند، یک همچو کشوری شکست نخواهد خورد. عمده شکست هایی که کشورها می خورند برای پوسیدگی است که از باطن خودشان پیدا می شود ارتش شان از آنها جدا می شود، ملت پشت به آنها می کند. همین پیروزی که شما مشاهده کردید در ایران، دیدید که ملت پشت کرده بود به دستگاه و فریاد می کرد (نمی خواهیم) خوب، ارتش هم از همین ملت بود، ژاندارمری هم از همین ملت بودند، اینها برادر بودند، می دیدند که نمی شود مخالفت کرد، نمی شود تا آخر سرکوبی کرد ملت را، این است که پیوستند به ملت. خرابیها مال این است که یک مملکتی قوای انتظامی اش را جدا کنند از ملت، ارتشش از ملت جدا باشد به طوری که ملت وقتی که ارتش را ببیند از آن فرار کند، ارتش هم در ذهنش این باشد که باید سرکوبی کند ملت را، ژاندارمری اش هم همین طور، شهربانی اش هم همین طور، اداراتش هم همین طور. وقتی بنا شد که یک کشوری اینطور حالش شد که ملت علیحده شدند و دولت با همه بساطش هم علیحده، این دولت پشتیبان ندارد. ملت باید پشتیبان دولت ها باشد. دولتی که پشتیبان ندارد شکست می خورد. همه شکست هایی که از این دولت هایی که در خارج شکست می خوردند و مال خودمان هم دیدیم که رژیم سلطنت اصلا به هم خورد، برای همین بود که تفاهم ما بین ملت و رژیم نبود. اگر ملت با رژیم تفاهم داشتند این مسائل پیش نمی آمد، الان، الان شما مشغول کار خودتان بودید، ما هم مشغول کار خودمان. این مسائل روی همین زمینه پیش آمد که دولتها در مقابل ملت می ایستادند و جبهه می گرفتند. ملت هم در مقابل دولت همین طور بود. وقتی اینطور شد نمی تواند دوام داشته باشد. ممکن است سرنیزه تا یک مدتی باشد اما دوام نمی تواند داشته باشد. اما اگر ملت و دولت هر دو با هم باشند. ممکن است سرنیزه تا یک مدتی باشد اما دوام نمی تواند داشته باشد. اما اگر ملت و دولت هر دو با هم باشند، دوست باشند، اینها خودشان را خدمتگزار آنها بدانند آنها خودشان را پشتیبان اینها بدانند، هر دو به هم خدمت بخواهند بکنند، یک همچو ملت و دولتی هیچ وقت شکست نخواهد خورد. تا اینطور هستید که با ملت هستید، تا اینطور هستید که توجه به خدا داشته باشید شکست برایتان نیست. پرهیزید از اینکه از ملت جدا بشوید، شما را بخواهند جدا بکنند، ملت هم باید پرهیزد از اینکه از شما جدا باشد. وقتی این دو قدرت همراه هم شدند، هیچ قدرتی نمی تواند اینها را شکست بدهد. همه قدرت های خارجی، همه قدرت ها تقریبا، یعنی اینهایی که تماس داشتند، خوب بعضی تماسی نداشتند، چه ابرقدرت ها و چه قدرت هایی که با این ممالک ما تماس داشتند همه کوشش کردند که محمدرضا بماند، همه کوشش شان این بود که بماند (اگر همه نگوئیم یک اکثریتی که یکی، دو تا از آن می شود گفت مستثنی بود که آن هم کاری نداشت) در عین حال چون ملت یک مطلبی را نمی خواست، نشد. وقتی ملت نخواست، قوای انتظامی هم وفادار دیگر نمی توانند باشند، به یک نفر نمی شود که قوای انتظامی که از همین مردم است، پسرش توی این مردم است، برادرش توی این مردم است، عیالش تو این مردم است، برای خاطر یک نفر از همه چیز خودش دست بردارد.

یک وقت این است که خدا و اسلام است، انسان می تواند از خودش

بگذرد برای خاطر خدا، برای خاطر اسلام، برای خاطر عقیده، یک وقت این حرف ها نیست، یک رژیمی است که طاغوتی است، معنا ندارد که انسان برای خاطر یک نفر دیگر از خودش بگذرد. از این جهت چون پشتیبان نداشت، این وقتی که ملت با دست خالی فشار آورد شماها هم به او پیوستید، همه قوای انتظامی هم رو آوردند به این طرف و او هم وقتی دید که از باطن پوسیده است مسأله، نتوانست کاری بکند، دیگران هم نتوانستند. کوشش کنید که قوای شما با ملت یکی باشد، با ملت تفاهم داشته باشد. انشاءالله خداوند همه شما را حفظ کند و همه شما را از لشکر امام زمان سلام الله علیه قرار دهد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 160

## بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی کارکنان وزارت بهداشتی و بهزیستی

### تزکیه نفس از علم و حکمت بالاتر است

بسم الله الرحمن الرحيم

این آیه که خوانده می شود از آیاتی است که در بیان آن می شود مفصل صحبت کرد، لکن من یک نکته را عرض می کنم و می گذرم. خداوند فرموده است: (لقد من الله على المؤمنين اذ بعث فيهم رسولا من انفسهم يتلو عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة) خداوند به مومنین منت گذاشته که از خودشان کسی را فرستاد که آیات الهی را بر آنها تلاوت کند. تلاوت آیات برای تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت است. تزکیه را مقدم ذکر فرموده است، معلوم می شود تزکیه نفس از علم و حکمت بالاتر است. همین طور هم هست. اگر افراد یک ملت تزکیه و تربیت شده باشند، آن ملت پیشرو است. اگر سران قوم، آنهایی که کشور را اداره می کردند نفس شان تزکیه و تربیت شده بود، نه آن گرفتاری ها برای ملت پیش می آمد و نه برای خودشان. منشأ تمام این گرفتاری ها در همه جا این است که آنهایی که عهده دار امور ملت هستند تزکیه نشده اند. یک نفر آدمی که تزکیه نشده اگر بر یک ملت سلطه پیدا کند اینهمه گرفتاری هائی را که در طول پنجاه و پنج سال برای ملت ما پیش آمد بوجود می آورد. کسی که بر ملتی سلطه و حکومت دارد اگر یک نفر عدالت پرور باشد دستگاه او عدالت پرور خواهد شد، قشرهائی که به او مربوطند قهرا به عدالت گرایش پیدا می کنند، تمام اداراتی که تابع آن مملکت و آن حکومت است خواه ناخواه به عدالت گرایش پیدا می کند. اگر همه ملت تزکیه بشوند همین دنیا بهشت آنهاست و تمام گرفتاری ها از بین می رود.

### مفاسد و مصالح از حکومت ها و سران آن سرچشمه می گیرد

از طرف دیگر چون اشخاصی در رژیم طاغوتی بر مردم حکومت کردند اشخاص تزکیه شده ای نبودند و شخص اول مملکت اخلاق و عقاید و اعمالش تزکیه نشده بود، مملکت را به هلاکت کشاندند. رضاخان خودش سرچشمه تمام مفاسد بود. در پاریس که بودیم یک نفر آمد پیش من و از کسی نقل کرد که او گفته اگر در ایران پنج نفر فاسد بشود این محمدرضا روی هر پنج نفر انگشت می گذارد و به طرف خودش جلبشان می کند. آن اشخاصی که پاک نیستند و با تزکیه شده ها سر و کار ندارند، نمی روند سراغ اشخاص امین. آدمی که خودش امین نیست می رود سراغ اشخاصی که نظیر خودش

ولهذا مفسد و مصالح از حکومت ها سرچشمه می گیرد . حکومت عدل تمام مصالح کشور را تأمین می کند و حکومت ظلم تمام بدبختی ها را برای یک ملتی ایجاد می کند .

### **دامن مادران می تواند مبدأ خیر یا مبدأ شر باشد**

لذا در آیه شریفه تزکیه مقدم است . انبیا آمده اند که انسان بسازند ، انبیا مأمورند که افرادی را که بشر هستند و با حیوانات فرق ندارند ، اینها را انسان کنند ، تزکیه کنند . شغل انبیاهمین است ، باید شغل مادرها هم همین باشد نسبت به بچه هائی که در دامنشان است ، و با اعمالشان آنها را تزکیه کنند . در دامن مادر ، بچه ها بهتر تربیت می شوند تا در پیش استادان . علاقه ای که بچه به مادر دارد به هیچ کس ندارد و آن چیزی که در بچگی از مادر می شنود در قلبش نقش می بندد و تا آخر همراهش است . مادرها باید توجه به این معنی کنند که بچه ها را خوب تربیت کنند ، پاک تربیت کنند ، دامن هایشان یک مدرسه علمی و ایمانی باشد ، و این یک مطلب بسیار بزرگی است که از مادرها ساخته است و از کسی دیگر ساخته نیست . آنقدری که بچه از مادر چیز می شنود از پدر نمی شنود ، آنقدری که اخلاق مادر در بچه کوچک نوریس تأثیر دارد و به او منتقل می شود از دیگران عملی نیست . مادرها مبدأ خیرات هستند و اگر خدای نخواستہ مادرانی باشند که بچه ها را بد تربیت کنند مبدأ شرند . یک مادر ممکن است یک بچه را خوب تربیت کند و آن بچه یک امت را نجات بدهد ، و ممکن است بد تربیت کند و آن بچه موجب هلاکت یک امت بشود . مع الوصف در طول این سلطنت ، اینها کوشش کردند که مادران را از بچه ها جدا کنند به مادرها تزریق کردند که بچه داری چیزی نیست ، شما توی ادارات بیائید . و اینها بچه های معصوم را جدا کردند از دامن مادران و بردند در پرورشگاه ها و جاهای دیگر ، و اشخاص اجنبی و غیر رحیم آنها را به تربیت فاسد تربیت می کردند . بچه ای که از مادرش جدا شد پیش هر که باشد عقده پیدا می کند ، عقده که پیدا کرد مبدأ بسیاری از مفسد می شود . بسیاری از قتل هائی که واقع می شود از روی همین عقده هائی است که پیدا شود ، و بسیاری از عقده ها از این پیدا می شود . در همین کاری که باید معلم و دانشگاه ها بکنند ، از دامن مادر شروع می شود تا برسد به مدارس و به دانشگاه ها و به جاهای دیگر . اگر از دامن مادر این تربیت خوب شروع شد و مادر بچه را خوب تربیت کرد و به دبستان تحویل داد ، دبستان هم خوب تربیت کرد و به دبیرستان تحویل داد آنجا هم همین طور ، تا دانشگاه یا مدارس علمی دیگر ، آنها هم خوب تربیت کردند ، یک وقت در یک برهه از زمان می بینید که جوانها همه خوب از کار در آمده اند و یک مملکت را به طرف خوبی می کشانند .

### **تمام مبارزه رژیم شاه با تزکیه و رشد انسانی جوان ها بود**

رژیم خائن سابق جدیت کرد که با همه جهات و همه قدرت با تزکیه مبارزه بکند و نگذارند جوان های ما صحیح بار بیایند . می گویند در تهران در آن زمان شراب فروشی ها از کتاب فروشی ها بیشتر بوده و حالا انشاءالله دیگر نیست . می دانید که چقدر مراکز فساد درست کرده اند ، مراکزی را که

باید آموزشی باشد به فساد کشیدند مثل سینما ، مثل رادیو و مطبوعات . با تمام قوا کوشیدند که نگذارند رشد انسانی پیدا شود . باید این تربیت های طاغوتی در جوانهای ما و در این نسل به تربیت های انسانی و اسلامی متحول شود و امید است که از دامن مادرها شروع بشود و به دانشگاه و بالاتر ختم بشود . سعادت یک ملت به این است که سران آن ملت و کسانی که مقدرات آن ملت به دستشان است تزکیه شده باشند . خداوند همه شما را به راه راست هدایت کند و همه ما را خدمتگزار به اسلام و مسلمین قرار بدهد .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 163

## بیانات امام خمینی در جمع فارغ التحصیلان پاسپار دانشگاه پلیس

### ترسیم چهره کریه قوای انتظامی طاغوت و توصیف قوای انتظامی اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم

من در این وقت کم و اتاق گرم و فشرده از آقایان دو، سه کلمه راجع به وظیفه شما آقایان که می خواهید پلیس انشاءالله باشید و پاسدار و پاسپار و امثال ذلک باید عرض کنم پلیس در رژیم های طاغوتی مثل سایر قوای انتظامیه از قبیل ژاندارمری و ارتش در نظر ملت، ملت که در تحت سلطه طاغوت بودند، پلیس یک معنایی پیش ملت داشت که آن معنا این بود که مردم از پلیس فرار کنند و پلیس هم هجوم ببرد. نه فقط پلیس، قوای انتظامیه هم که در این دولت هایی که ما دیدیم بوده است اینها برای سرکوبی خود ملت، در مقابل دیگران نبوده اند، تربیت نشده بودند که در مقابل دیگران باشند. ما شاهد بودیم که در زمان رضاخان این قوای انتظامیه، سرانشان همه سرکوب می کردند ملت را. آن روزی که قوای خارجی، متفقین هجوم آوردند به ایران، همین قوای انتظامیه، سرانشان در تهران همچوکه سر حد اینها هجوم آوردند، اینها از تهران فرار کردند. این را ما شاهد بودیم که چمدان هاشان را بستند و از تهران فرار کردند، می گفتند طرف اصفهان می روند، حالا از آنجا کجا می روند را من نمی دانم، و در مقابل آنهایی که هجوم کردند، مهاجمین، آنوقت گفتند که سه ساعت مقاومت کردند و بعد گفتند که وقتی رضاخان از یکی از صاحب منصبان پرسیده است که آخر 3 ساعت چرا؟ گفته است این را به شما گفته اند 3 ساعت، ساعتی در کار نبود، آنها از آن طرف آمدند ما از آن طرف فرار کردیم. مقابله ارتش در مقابل خارجی اینطور بود، و در مقابل ملت خودش سرکوبی می کرد، هر طور تعدی را می خواست می کرد و سران ارتش که آنطور با مردم رفتار کردند به مجرد اینکه اطلاع پیدا کردند از اینکه آمدند اینها به سرحد، بدون اینکه باز وارد بشوند، اینها از تهران فرار کردند و سربازخانه ها هم به هم خورد که من خودم تهران بودم آنوقت، می دیدم که این سربازها ویلان توی خیابان ها دارند می روند. برای این بود که قوای انتظامیه را طاغوت در خدمت خودش می خواست باشد، نه در خدمت ملت، نه در خدمت کشور. نه شهربانی را آنطور که باید باشد آنها تربیت می کردند و نه ژاندارمری را و نه ارتش را. اینها همه یکجا در خدمت خود آنها بودند. شخص، کسی که خودش را شاه می دانست بوده، ملت اصلا مطرح نبود پیششان، مگر برای دوشیدنشان، مگر برای استفاده شان هر طوری که می توانستند ولهدا ملت از همه قوای انتظامی فرار می کردند و متنفر بودند، قوای انتظامی هم ملت را از خودش نمی دانست بلکه

یک برده ای می دانست که از او باید استفاده بکند. این اساس حکومت طاغوتی را تشکیل می داد که نسبت به ملت آنطور کوبنده و نسبت به خارج آنطور فرار.

خود اینها هم همین طور بودند، خود رضاخان و پسرش هم همین طور بودند، در مقابل ملت اینها اظهار قدرت آنطور که می دیدید میکردند لکن خود من در عکسی که در روزنامه انداخته بودند که باز هم هر وقت من فکر می کنم تاثرم هست که وقتی که رفته بود محمدرضا در امریکا، زمانی بود که جانسون رئیس جمهوری بود، عکسی که انداخته بودند من دیدم که جانسون ایستاده بود و در سر جای خودش ایستاده بود و عینکش را اینطور دست گرفته بود و چپ به جای دیگر نگاه می کرد، حتی تو روی او نگاه نمی کرد و این مثل یک آدم بنده ای در مقابل او ایستاده بود. در مقابل آنها اینطور بودند، وقتی پایشان را می گذاشتند توی مملکت بامردم اینطور رفتار می کردند. این برنامه همه اشخاصی است که به ملت خیانت می کنند. همه حکومت هایی که خیانت به ملت می کنند از ملت می ترسند. چون از ملت می ترسند قوای انتظامیه را، همه را، در خدمت خودشان برای مقابله با ملت استخدام می کنند، تربیت هاشان هم همین طورها بوده. این درست عکس آن معنایی است که از این قوای انتظامیه انتظار می رفت و درست عکس آن معنایی است که قوای انتظامیه اسلام داشته است. قوای انتظامی اسلام برای سرکوبی خود ملت نبوده است، با ملت رفیق و دوست و خدمتگزار، در مقابل خارجی کوبنده و مهاجم. همین دسته بی ساز و برگ قوای اسلامی در صدر اسلام که هر چند نفرشان یک اسب و یک شتر داشتند، هر چند تاشان یک شمشیر داشتند و زندگی سربازی شان اینطور بود از باب اینکه اتکایشان به ملت بود و به خدا، همین عده کم به دو امپراطوری بزرگ آنوقت که همه دنیا تقریباً تحت سلطه آنها بودند اینها غلبه کرده اند با همین دست خالی لکن قدرت ایمان، با نداشتن ساز و برگ صحیح جنگی و مجهز بودن قوای ایران و روم با همه قوایی که داشته اند لکن اینها قدرت ایمان داشتند آنها نداشتند. آنها را در یکی از جنگ ها که جنگ سلاسل (یک همچو چیزی) به آن می گویند این سربازهایی که اینها می خواستند به جنگ بیاورند، از طرف ایران میخواستند به جنگ بیاورند اینها را با ریسمان و با زنجیر بسته بودند که فرار نکنند. یک همچو روحیه ای در مقابل خارج داشتند، در مقابل مردم سختگیری داشتند، روحیه شان اینجور بود که وقتی خواستند به جنگ ببرند پانصد هزارتا، پانصدتاشان، هزارتاشان با یک زنجیرهایی می بستند که اینها فرار نکنند و به جنگ بروند. معلوم است یک همچو لشکر با سلسله نمی تواند جنگ بکند، مثل همین لشکرهای ما و زمان متفقین می شود اسلام وضعش در حکومت، وضعش در قوای انتظامی، وضعش در شرطه که به اصطلاح آنها انتظامی هست درست عکس این وضعی است که حکومت های طاغوتی دارند. شرطه با مردم دوست، رفیق یعنی شهربانی با مردم دوست، رفیق، خدمتگزار، مردم با او دوست، پشتیبان. ارتش و لشکری آنوقت بامردم دوست و رفیق، پشتیبان مردم، مردم پشتیبان آنها. یک همچو روحیه ای که نسبت به خودشان آنطور باشند و نسبت به خارج قوی باشند و (اشدأعلى الكفار رحماينهم) که قرآن است، وصف اینهاست، وصف مومن هایی است که ارتش اسلام هستند، عکس آنی که طاغوت ها دارند. در قرآن وصف آنها را

عکس اینها می گوید . می گوید (نسبت می فرماید) نسبت به کفار اشدأ هستند و قوی ، نسبت به خودشان رحیم و مهربان و دوست ، نه ارتش و ژاندارمری و شهربانی از مردم ترسی دارد که مبادا یک وقتی چه بشود ، نه مردم از ارتش ترس دارند ، همه دوست و رفیق و همه همین طوری که حالا می بینید شما اینجا آمدید ، نه ما از شما می ترسیم که شما هجمه کنید به ما ، ما را چه بکنید ، نه شما از ما چیزی دارید . ما رفیق و دوست و هر دو رحمآینهم . این دستور قرآن است . قوای انتظامی برای انتظام یک کشور است ، برای حفظ مردم است ، برای حفظ مال و جان مردم است ، نه برای ارباب مردم ، نه برای ترساندن و عرض کنم چاپیدن مردم . شما الان در جمهوری اسلام واقع هستید ، طاغوت رفت ، جایش نمی آید دیگر .

### توصیه به مردمی بودن و ایجاد تحولی همه جانبه

شما الان در یک جمهوری اسلامی واقع هستید که باید خودتان اسلامی باشید یعنی همانطوری که شرطه زمان حضرت امیر سلام الله علیه با مردم بوده است شما هم با مردم باشید . همانطوری که قوای انتظامیه در خدمت مردم بوده است و مردم با آغوش باز می پذیرفتند ، دوست داشتند آنها را شما هم باید عملی بکنید که مردم با شما آنطور باشند . عمل شما ، عمل طاغوتی دیگر نباشد . خیال نکنید که ما قدرتمندیم و مردم چه ، قدرت وقتی دارید که ملت دنبال شما باشد . شما دیدید در این قضیه ، عبرت می گیرید از این قضیه که وقتی ملت یک چیزی را اراده بکند و همه با هم ، مصمم ، ملت یک کاری را بخواهد هیچ قوه ای نمی تواند جلویش بایستد . همه قوا شکست خوردند در مقابل ملت و آن چیزی که مهم است آرامش روحی انسان است . آئی که سعادت انسان است این است که آرامش داشته باشد در اینجا یا انشاءالله آنجا . الان شما آرامش دارید از باب اینکه نمی خواهید به مردم تحمیل بشوید تا اینکه در وجدانتان ناراحت باشید .

آنهایی که به مردم تعدی می کنند وجدانشان ناراحت است ، مگر بعضی شان که دیگر از وجدان انسانی بیرون رفته اند اما غالباً اینطورند خصوصاً این طبقه جوان . اما وقتی با مردم دوستند و رفیقند آرامش قلبی دارند ، سعادت ، دارند ، سعادت همین آرامش سعادت است . شماکاری بکنید که این آرامش قلبی را حفظ بکنید و مردم را مثل فرزندهای خودتان ، مثل برادرهای خودتان اینطور حساب بکنید . آن مسائل طاغوتی را کنار ، شما که نبودید آن موقع ، کنار بگذارید مطالعه کنید در حال آن رژیم و وضع او و در عاقبت او .

الان دولت اسلامی است ، شماها اسلامی ، شهرداری و شهربانی و امثال ذلک انشاءالله همه اسلامی و باید همه چیزهایی که در ایران است همه متحول بشود به یک مملکت اسلامی به همه معنا که در مملکت اسلامی آرامش روحی هست ، رفاه همه جانبه هست ، تعاون هست ، برادری هست . و من از خدای تبارک و تعالی سعادت و سلامت همه شما رامی خواهم و امیدوارم پلیس های خوبی برای اسلام باشید ، پلیس های امام زمان سلام الله علیه باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



## بیانات امام خمینی در جمع برادران و خواهران نابینای کارمند

### انقلاب ما انقلاب اسلامی است، چون متکی بر اسلام است

بسم الله الرحمن الرحيم

البته دانید که بعد از هر انقلابی یک مشکلات زیادی برای کشور و برای دولت ها پیش می آید، این اجتناب ناپذیر است. هیچ نمی شود تصور کرد که انقلابی حاصل میشود، یک رژیم دو هزار و پانصد ساله با همه قدرتی که داشت شکسته بشود، از بین برود و آرام باشد و مملکت همه چیز به جای خودش باشد و همه چیزها زود اصلاح بشود، همه حوائج برآورده بشود. اینها یک اموری است که هیچ امکان ندارد برای یک انقلابی. بعضی از انقلاب هائی که در حدود شصت سال پیش از این شده است، الان هم با مشکلات روبرو هستند و من گمانم این است که انقلاب ما بهترین انقلابی بوده است که با ضایعاتی کم، نتایج زیادی از آن تاکنون برداشتیم و امیدواریم که بعد از این هم برداشته بشود و نکته اش هم این بوده است که انقلاب های دیگر، انقلاب های یک رژیمی بر یک رژیمی و یک مشابه رژیم بوده و انقلاب ما انقلاب اسلامی است چون متکی بر اسلام است.

### رفع مشکلات متضمن استقرار حکومت است

از این جهت است که بعد از انقلاب آشفتنگی ها کم هست و نیست لکن رویهمرفته باید یک قدری با مشکلات ساخت. شمائی که پنجاه و چند سال از وقت که توجه به دنیا کردید، از وقتی که اندازه رشد رسیدید دیدید که همیشه در مشکلات بودید و همیشه تحت فشار و اختناق و همه نابسامانی ها بوده، حالا پنج ماه است تقریباً از عمر این رژیم ثانی و رژیم تازه اسلامی، جمهوری اسلامی می گذرد و ما الان آن اصول مسائل را باز درست نکردیم. خوب، اصول مسائل قانون اساسی است که باید تصویب بشود، مجلس شورا است که باید انتخاب بشود، رئیس جمهور است که باید تعیین بشود تا این حکومت انتقالی یک حکومت استقراری دنبالش باشد. این مشکلات، من هم می دانم هست، هم برای شما و هم برای همه قشرهای ملت، همچو نیست که شما خیال کنید که برای شما چیز هستی \_ یک مشکلاتی باشد، برای دیگران نباشد، مشکلات برای همه است و من امیدوارم که اگر آنطوری که ما خواهیم حکومت اسلامی برقرار بشود، هیچ امتیازی نباشد بین قشرها، همه تحت لوای اسلام با هم انشاءالله رشد خودشان را بکنند و به همه رسیدگی بشود.

شما دعا کنید که این آشفتگی ها و این توطئه هائی که الان در دست است و در همه جا تقریبا توطئه است . چه از رژیم سابق و چه از منحرفین ، گروه های منحرف الان هست و توطئه می کنند ، دعا کنید که انشاءالله اینها رفع بشود ، یک حکومت مستقری پیدا بشود ، بعد آسان است اینها . امیدواریم که به زودی اینطور چیزها رفع شود این رژیم اسلامی مثل رژیم طاغوتی نیست که همش را صرف کرد برای به هم زدن اوضاع کشور ما و همه چیز را به نفع خودشان تمام کردند ، انشاءالله امیدواریم که یک حکومت عدل اسلامی باشد و به همه رسیدگی بکند و همه قشرها به نتایجش برسند و هم دنیا و هم آخرت انشاءالله معمور بشود . خداوند همه شما را حفظ کند . موفق باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 168

## بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان گروه های مختلف مردم

### تحت فشار قرار داشتن مدرسه فیضیه در طول سلطنت شاهنشاهی

بسم الله الرحمن الرحيم

مدرسه فیضیه نشیب و فرازهائی به خود دیده است، مدرسه فیضیه شاهد قضایائی بوده است که اگر زبان داشت و بیان می کرد ماها متأثر شدیم. من شاهد قضایائی که در مدرسه فیضیه واقع شد در زمان آن پدر و این پسر بودم. در زمان پدر آنقدر شدت کردند، آنقدر فشار آوردند بر این مدرسه فیضیه و همه مدرسه ها و همه مساجد و همه ملت و تمام روحانیت که روی تاریخ سیاه شد. طلاب مدرسه فیضیه قبل از آفتاب باید از حجره های خودشان به باغات شهر پناه ببرند که وقتی در مدرسه بودند مأمورین می آمدند و آنها را می بردند و خلع لباس کردند. یا به نظام وظیفه یا به نظام اجباری می بردند، و آخر شب بر می گشتند به مدرسه. علمای اسلام در زمان آن پدر آنچنان تحت فشار بودند، علمای درجه اول را از خراسان به حبس کشیدند دستجمعی و از آذربایجان تبعید کردند علمای طبقه اول را و از اصفهان که مجتمع شدند در این قم و از اطراف علمای بلاد آمدند، آنها را هم با فشار در هم شکستند. مدارس ما را خواستند از آثار اسلام خالی کنند. در زمان پسر هم که شما شاهد بودید که حمله ها شد بر مدرسه فیضیه. مدرسه فیضیه شاهد سوختن کتاب های دینی بلکه کتاب آسمانی ما بود، شاهد آتش زدن عمامه های اهل و شاهد پرت کردن بعضی از طلاب ما از پشت بام به زمین بود.

### اگر خلافتی از ما صادر شود دشمنان آن را به اسلام نسبت می دهند

والحمد لله حالا هم شاهد است که شما علمای بلاد از کاشان، از رفسنجان مجتمع شدید و آزادانه مسائل خودتان را می گوئید. و من امیدوارم که تا آخر، این آزادی و این استقلال محفوظ بماند. شما آقایان باید حافظ حیثیت اسلام باشید. امروز آنچه که به شما احتیاج است، آنچه شما تکلیف دارید و همه روحانیت در سراسر کشور، کشورهای اسلامی وظیفه دارند این است که حدود اسلام را امروز اگر چنانچه از یکی از ماها بر خلاف مقررات اسلامی، بر خلاف احکام اسلام یک مطلبی از او صادر بشود اسلام رو به شکست می رود امروز مملکت، مملکت اسلامی است و محتوا باید محتوای اسلام باشد. وقت حساسی است، روحانیت زمان حساسی را می گذراند. مبدا این کمیته ها به اسم روحانیت کارهای خلاف بکنند و مبدا پاسداران به اسم پاسداری از اسلام کار خلاف بکنند و مبدا که دادگاه ها

که اسلامی هستند بر خلاف موازین اسلام باشند اسلام امروز احتیاج دارد به همه قشرها برای محافظت اولیای اصفهان نظر دوختند به شما روحانیون و سایر اقشار ملت که حفظ کنید حدود اسلام را از آزادی‌ها سوء استفاده نشود آزادی در حدود اسلام است، در حدود قانون است، تخلف از قانون نشود به خیال اینکه آزادی است. از همه بالاتر مسئولیت روحانیت است. دشمن‌ها چشمها را دوخته اند که از روحانیت چیزی ببینند و آن را بزرگ کنند و به اسلام نسبت بدهند. اگر امروز از شما، از علما خدای نخواستہ از علمای اسلام، از فضیلتی بنام، یک امر خلاف صادر بشود، دشمن‌های شما آن را هزار امر می‌کنند و با هیاهو و جنجال به اسلام نسبت می‌گویند جمهوری اسلام هم مثل سایر رژیم‌هاست است. این مسئولیت بزرگی است. خداوند انشاءالله همه شما را و همه ما را توفیق بدهد که خدمتگزار به اسلام باشیم و آبروی اسلام باشیم.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته

ص: 170

## بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم

### نهضت ما قرآنی و اسلامی و تا آخر باقی است

بسم الله الرحمن الرحيم

ما در این دعوت به راهپیمائی نه اینکه احتمال می دادیم ملت ما از انقلاب منصرف شده باشد، ما برای اینکه بدخواهان بفهمند نهضت ما به قوت خود باقی است و ملت ما همانطور که در اول انقلاب با شور و شعف به نهضت رو آوردند الان هم باقی هستند و تا آخر باقی خواهند ماند دعوت به راهپیمائی کردیم و ملت اثبات کرد که نهضت به قوت خود باقی است. ما احتمال اینکه ملت پشت به اسلام بکند نمی دهیم، بدخواهان گمان نکنند ملت مسلم به اسلام پشت خواهد کرد. نهضت، نهضت سیاسی نیست که احتمال برود مردم توجه ندارند. نهضت، نهضت قرآنی است. نهضت، نهضت اسلامی است و این نهضت اسلامی تا آخر باقی است. دعوت ما برای این نبود که احتمال سستی در نهضت می دادیم. ما هر روز شاهد تظاهرات مردم هستیم، ما خواستیم بدخواهان را بفهمانیم که به جای خود بنشینند و گمان نکنند با این صحبت ها و توطئه ها توانند ملت را از راه خود باز دارند.

### نهضت، برای حکومت اسلام و قوانین قرآن بود

من از ملت تشکر می کنم و سعادت همه را از خدای تبارک و تعالی طلب می کنم و آنان را دعوت به ادامه نهضت و دعوت به آرامش و دعوت به وحدت کلمه می کنم. نهضت ما پیروز شد و پیروز است تا آخر. نهضت ما همانطور که قدرتهای بزرگ را شکست، این ریشه های ضعیف را مدفون می کند. ما آن روز که بفهمیم دشمنان توطئه گر دست از لجاجت بر نمی دارند، با یک روز فاتحه آنها را می خوانیم. با قاطعیت به اینجا رسیدیم و با قاطعیت جلو می رویم و با قاطعیت مقاصد اسلامی را پیاده خواهیم کرد. ما نهضت برای آن کردیم که اسلام و قوانین اسلام و قرآن و قوانین قرآن در کشور ما حکومت کند و هیچ قانونی در مقابل قانون اسلام و قرآن عرض وجود نکند و نخواهد کرد. نهضت اسلامی است و نهضت اسلامی محتوایش باید اسلامی باشد و احکام اسلام در سرتاسر کشور باید جاری شود و تمام قشرها اسلامی می شوند. ملت ما برای اسلام خون خود را داد و برای اسلام ادامه می دهد نهضت خود را.

## کسانی را انتخاب کنید که اسلام شناس باشند

قانون اساسی ما باید اسلامی باشد و اگر حرفی از اول اسلامی نباشد، نه من رأی خواهم به او داد و نه ملت. ملت ما که همه اسلامی هستند و همه توجه به اسلام دارند و می خواهند قانون اساسی ما اسلامی باشد، کسانی را انتخاب می کنند که به اسلام عقیده دارند و اسلام را دین مرفعی می دانند، کسانی را انتخاب می کنند که امین باشند، کسانی را انتخاب می کنند که اسلام شناس باشند. کسانی که توجه به اسلام ندارند، کسانی که نمی خواهند قوانین اسلام در ایران پیاده شود ولو هر چه دانشمند باشند و نویسنده، ملت ما آنها را انتخاب نخواهند کرد. آنها که گمان می کنند با طرح شیطانی خود می توانند راهی پیدا بکنند برای انحراف قانون اساسی از مجرای اسلام، اشتباه میکنند. مسلمین همه در زیر پرچم اسلام و زیر پرچم توحید و در سایه قرآن ادامه حیات می دهند. آنها که گمان کردند نهضت تا اینجا که آمد دیگر سست شده است و مردم توجه به اسلام ندارند، دیدند که مطلب اینطور نیست، راهپیمائی اخیر را دیدند و هر روزی که بخواهیم راهپیمائی کنیم، همه حاضریم. قشرهای اینطور نیست، اکثریت ما را نخواهند منحرف کرد. من از همه طبقات، از همه جبهه ها، از همه حزب ها تقاضا می کنم که در کاندیدهای خود توافق کنند. اسلام برای همه بهتر است از سایر مسلک ها، اسلام است که شما را از زیر بار ظلم بیرون برد. اسلام است که شماها را از حبس بیرون آورد. اسلام است که شماها را از خارج به داخل آورد. اسلام است که شماها را آزاد کرد و قلم های شما را آزاد کرد. از این آزادی سوء استفاده نکنید، قدر اسلام را بدانید، همه با هم مجتمع شوید، کاندیدها را با هم تعیین کنید. اگر کاندیدهای غیر اسلامی باشد، شکست مفتضحانه خواهید خورد.

## اعتصام کنید

به حبل الله من از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت همه قشرهای ملت را می خواهم و از همه تقاضا دارم که با هم این راه را طی کنند. اگر استقلال کشور را می خواهید، اگر قطع ایادی دشمنان را می خواهید اگر می خواهید آزاد باشید، اگر می خواهید که کشور مال خودتان باشد، بیایید همه زیر پرچم اسلام (واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا) امر خدا را اطاعت کنید از آنچه نهی فرموده است، که با هم اعتصام کنید به حبل الله. حبل الله، اسلام است. صراط مستقیم اسلام است. ریسمان بین حق و خلق، اسلام است. (واعتصموا بالاسلام) متفرق نشوید، گروه گروه نشوید. مملکت شما مستقل شود، تا آزاد باشید. قدر اسلام را بدانید که شماها را از زاویه ها بیرون آورد. من از گروه هائی که از اطراف آمده اند و از رفسنجان و سایر جاها آمده اند تشکر می کنم و از علما رفسنجان هم که زحمت کشیده اند و تشریف آورده اند تشکر می کنم و از همه ملت تشکر میکنم که با شور و شغف نهضت را دارند ادامه می دهند و ادامه خواهند داد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع دانش پژوهان قزوین

بسم الله الرحمن الرحيم

من از این روحیه ای که در جوان های ما در همه نقطه نقاط کشور حاصل شده است ، خیلی متشکرم و خیلی امیدوار . ما امیدمان به شما جوان هاست ، آن جوان هائی که برای اسلام خدمت کردید و رنج بردید و در مقابل طاغوت ایستادگی کردید و یک روح انسانی اسلامی در همه زنده شده است و این موجب این است که ما آن مقاصدی که داریم و حالا در آستانه آن مقاصد هستیم ، انشاءالله بتوانیم اجرا کنیم لکن دو جهت باید ، یعنی دو شرط دارد : یک شرط اینکه این روح نهضتی و انقلابی را حفظش کنید ولو به اینکه هر چند وقت یک دفعه در شهر خودتان اینها راهپیمائی کنید که این انقلاب ، روح انقلابی محفوظ باشد . و یکی که از این بالاتر است روح ایمانی است . انقلاب تنها ما را به مقصد نرساند ، ایمان ما را به مقصد رساند ، خدا ما را به مقصد رساند . همه این حرف ، همه این کارها با دست غیبی واقع شد والا یک ملتی که چیزی در دستش نبود ، اسلحه صحیحی نداشت ، چهار تا تفنگی که حالا می بینید اینها غنائیم جنگی است شما نداشتید همچو چیزی ، معذک خداوند طوری کرد که اسلحه های آنها را نگذاشت استعمال بشود یعنی نه اینکه آنها اسلحه نداشتند ، آنها تانک داشتند ، توپ داشتند ، طیاره داشتند ، فانتوم داشتند ، عده داشتند لکن خداوند شما را به رعب نصرت کرد ، در دلشان یک ترسی انداخت ، همان ترس اسباب شکستشان شد . ایمان شما و ایمان ملت ما ، زن و مردش ، بچه و بزرگش ، یک مسأله ای بود که نمی توانیم ما به حساب افراد ، اشخاص ، شخصیت ها بگذاریم ، یک مطلبی که در عرض یک مدت کمی طوری شد که بچه ها زبان باز کردند و شعار می دادند ، در دبستان ها بچه های کوچک اعتصاب می کردند شعار می دادند ، در دبیرستانها همین طور در دانشگاه ها همین طور ، بازار همینطور ، کارخانه ها همین طور ، خود ادارات همین طور ، اسباب این شد که ، آنهاهی فوج فوج برگشتند به طرف ملت قوه های آنها ، خداوند همچو کرد که این قوه ها برگشت به طرف ملت ، ملت قدرت پیدا کرد ، قدرت ایمان و قدرت عمل پیدا کرد و یک همچو قدرت بزرگی را در هم شکست ، این غیر از یک دست غیبی هیچ چیز دیگری نبود ، همه را پای خدا حساب کنید و ایمان خودتان را تقویت کنید . با این ایمان و با این انقلاب و روح انقلابی شما انشاءالله پیروز شوید ، پیروزی را به آخر می رسانید و انشاءالله از کشور خودتان به کشورهای خارجی ، به کشورهای اسلامی سرایت می کند و امیدوارم که انشاءالله همه شما موفق باشید . و همین روح متحول انقلابی است که شما را با

بودن همه وسایل پیاده راه می اندازد . این خداست که شما را پیاده راه انداخته است . خودتان ملتفت نیستید این چیزها را یک روحی خدا به آدم می دهد که یک وقت یک همچو کارهائی انجام بدهد . از آمریکا آمده بودند برای جهادسازندگی ، یک دسته از جوان ها شاید عددشان یک قدری کمتر از شما بود ، در چندوقت پیش از این از آمریکا آمده بودند برای جهاد سازندگی . خوب این یک مسأله ای است که سابقا هیچ مطرح نبود این مسائل ، این مسائل نبود اصلا شما باشید پیاده راه بیفتید برای اینکه مثلا در اینجا باشید . این یک مطلبی است که خدا درست کرده است و چیزی که به دست خدا واقع بشود ، شکست ندارد . انشاءالله برای شما دیگر شکست نیست و شما مقابل کفر و زندقه و ستم و چپاولگری ایستادگی کردید و تا اینجا هم پیروز شدید و از این به بعد هم پیروز می شوید و خداوند شما را همانطوری که این راه طولانی را طی کردید و آمدید ، در راه هائی که در پیش دارید مثل برق شما را بگذراند . انشاءالله موفق و موید باشید ، سلامت باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 174



## بیانات امام خمینی در جمع کارکنان و کارمندان بخش تولید و مالی رادیو و تلویزیون

### انسان از راه چشم و گوش و زبان می تواند کسب فضیلت یا فساد کند

بسم الله الرحمن الرحيم

انسان اینطور خلق شده است که به حسب تمام اموری که در خارج هست، هر چه هست در خارج، خداوند یک روزنه ای در انسان قرار داده که اتصال به او پیدا می کند، چشم، دیدنی ها را، گوش، شنیدنی ها را و همین طور عقل، مافوق طبیعت را. انسان یک موجودی است که رابطه با تمام موجودات خارجی به واسطه قدرتی که خدا به او داده است و روزنه هائی که برایش قرار داده که با خارج اتصال پیدا بکند این موجود می تواند اتصال پیدا بکند و از همین روزنه ها می تواند کسب فضیلت کند و احیانا از همین روزنه ها فسادها در باطن انسان موجود بشود، از راه چشم، از راه گوش، از راه زبان این عثوری که هست، می شود که یک انسان از این راه ها فضایل را و چیزهائی که مصالح یک جامعه است و برای خودش هست ادراک کند و پس بدهد و می شود که یک انسان هم به واسطه انحرافات که دارد عکس این باشد.

### رادیو و تلویزیون می تواند یک کشور را اصلاح کند یا به فساد بکشد

این رسانه هائی که ما الان داریم، چه مطبوعات و مجلات و روزنامه ها و چه سینماها و تئاترها و امثال ذلک و چه رادیو و تلویزیون، اینها آنچه از همه آن دستگاه ها بیشتر رابطه با انسان دارد، تلویزیون است، از دو جهت، یک جهت اینکه مطبوعات هر چه هم تیراژش زیاد باشد اولاً در سطح یک مملکتی نیست و ثانياً همه افراد نمی توانند از این استفاده کنند برای اینکه الان تقریباً نیمی از جمعیت ما سواد خواندن ندارند تا از مطبوعات و نوشته ها استفاده کنند. سینماها در یک محیط محدود می توانند کار خودشان را انجام بدهند، رادیو هم در همه جا هست، در همه چیز هست لکن فقط از راه سمع است. آنچه که در همه کشور یعنی آن دهاتی که در خانه است توی مرز و هیچ هم سواد ندارد، لکن چشم و گوش دارد، این از رادیو تلویزیون استفاده می کند، هم استفاده سمعی می کند، هم استفاده بصری، یعنی رادیو فقط استفاده سمعی دارد، رادیو تلویزیون استفاده سمعی و بصری دارد، هم آن آدم نقشه ها را می بیند و هم طرح ها را ببیند و هم می شنود. بنابراین رادیو تلویزیون از تمام رسانه هائی که هست حساستر است، رادیو تلویزیون می تواند یک مملکت را اصلاح کند و می تواند به فساد بکشد، این را نه

روزنامه می تواند، نه سینما می تواند، نه تئاتر می تواند، نه تبلیغات لفظی که در منابع است تواند، برای اینکه اینها همه شعاعشان محدود است. رادیو شعاعش مثل تلویزیون است لکن فقط سمعی است. تلویزیون، هم سمعی است و هم بصری. تبلیغات تلویزیون می تواند از راه سمع مردم را یا تربیت کند یا منهدم کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 176

## بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشکده بابل

### انبیا مستضعفین را بیدار می کردند که بر ضد مستکبرین قیام کنند

بسم الله الرحمن الرحيم

در این آیه شریفه که تلاوت کردید ، نکات زیادی هست منجمله اینکه : (البته من همه نکات را نمی توانم عرض کنم ) می فرماید که ( من الله علی المومنین ) که از خودشان یک کسی را فرستادم . این در مقابل آن حرفی است که عده ای برای منحرف کردن مردم از ادیان می گویند که ادیان را قدرتمندها مثل فرعون و امثال اینها درست کردند تا اینکه مردم را خواب کنند و آنها بچاپند . در تمام ادوار مؤمنین عبارت از این طبقه مقابل مستکبرین بودند که آنها دارای قدرت های فوق العاده . زمان حضرت موسی مؤمنین عبارت از یک دسته ای بودند در مقابل فرعون و قدرت های فرعون . و در آیه می فرماید که از خودشان ، از خود مومنین یعنی از این طبقه پائین به اصطلاح ، خداوند منت بر آنها گذاشته که از این ، همین طبقه مومن ها در همه عصرها عبارت از همین طبقه پائین تر بودند مقابل مستکبرین که طبقات بالا بودند . و این یک واقعه ای است که قرآن می فرماید ، واقعه تاریخی است که قرآن می فرماید و در مقابل چشم و گوش همه مردم که در آن عصر بودند و دیدند که چه بوده قصه . اگر چنانچه پیغمبر دستاورد آن مستکبرین بود و از آن طایفه بود ، در مقابلش مردم می ایستادند که نه ، قرآن در اینجا خلاف واقع گفته است از همین طبقه به حسب تاریخ هم همین طور بوده است که حضرت موسی یک شبانی بوده است سال ها برای حضرت شعیب شبانی می کرده است و همین شبان را چون لیاقت داشته است خداوند مبعوثش کرده است و در اسلام هم پیغمبر اسلام از قریش بوده لکن قریش آن ثروتمندهایشان و آن مستکبرین شان یک دسته بودند و این طایفه پائین تر را که خود حضرت می فرمایند من هم شبانی کرده ام . یک موجودی بوده است که از طایفه فقیر بوده است که اینها خود حضرت و عموهایش ، اینها فقیر بوده اند و لهذا در یک وقتی حضرت فرمود که ابوطالب نمی تواند بچه هایش را حفظ کند ، ما برادریم هر کدام قسمت کنیم . این برای این بوده است که مال نداشتند و این طایفه پائین را همیشه اینطور بوده که پیغمبرها این مردم مستضعف را ، این طایفه ای را که مستکبرین آنها را ضعیف می شمردند و می دیدند که شما چیزی نیستید در مقابل ماها ، از همین ها ، خداوند یکی را انتخاب می فرمود روی لیاقت ذاتی ای که داشت و او را در مقابل مستکبرین قرار می داد ، درست عکس آنکه تبلیغات سونی که می شود و می خواهند مردم را از ادیان منحرف کنند درست عکس آن . اینها

می گویند که پیغمبرها را مستکبرین درست کردند بر اینکه مردم پائین را، کارگر را، صنعتگر را، زارع را، اینها را، اینها با موعظه و اینها خواب کنند و اغفال کنند، وعده بدهند و آن بزرگترها بچاپند مردم را و اینها هم حرفی نزنند برای این وعده ها. و حال آنکه به حسب تاریخ، تاریخ اسلام هم که نزدیک است به ما، تاریخ دیگر هم که منقول است که از این طایفه تجهیز می کردند انبیا مستضعفین را در مقابل مستکبرین، نه متسکبرین اینها را درست می کردند که مستضعفین را خواب کنند، اینها مستضعفین را بیدار می کردند که بر ضد مستکبرین قیام کنند. قیام های انبیا همیشه اینطوری بوده که یکی از بین خود اینها، از بین خود این مومنین که طبقه پائین بودند، از خود همین مردم پائین یکی انتخاب می شد برای اینکه تبلیغ کند و کارش هم، یکی از کارهایش هم این بود که همین جمعیت مستضعف مقابل مستکبر را تجهیز می کرد با تبلیغاتی که می کرد، مهیا می کرد، تجهیز می کرد بر ضد آنها، بر ضد مستکبرین. مستکبرین اینها را برای منافع خودشان درست نمی کردند، این مستضعفین بودند که از میان آنها یکی پا می شد و خداوند انتخاب می کرد و بر ضد مستکبرین قیام می کردند. موسی بر ضد فرعون و رسول اکرم بر ضد قریشی که آنوقت همه چیز دستشان بود و در آیه این معنا را می فرماید و این به مرئی و منظر مردم بوده است که مطلبی را نمی شده است که خلافتش بگوید نعوذبالله. این مطلبی بوده است که همه مردم می دانستند که پیغمبر زندگی اش چطور بوده و مادرش در کجا بچه را بزرگ کرد و در یک بیابانی، بعد هم که آمده همیشه تحت قدرت این بزرگ ها بوده و نمی شده زندگی بکند و در مکه در غار مدتی بوده است و هیچ نمی توانسته، همیشه آنجا در مکه که بوده تبلیغاتشان به طور تقیه و زیرزمینی بوده تا وقتی هم که آمدند مدینه، مدینه هم آنی که دور ور حضرت بود یک دسته ای از همین فقرا، مستمندها بودند که \_ مسجد \_ وقتی که ایشان در مسجد، مسجد درست کردند، آن هم نه مثل مسجدهای ما، یک مسجدی که یک دیواری با چوب دورش درست کرده بودند ابتدائاً و اگر هم یک سایه ای داشت با این چیزهای خرما، با این علف های خرما، چوب های خرما با این درست کرده بودند و یک جایی هم بود که به آن می گفتند صفة: یک دسته ای از اصحاب پیغمبر اصحاب صفة هستند یعنی اشخاصی بودند که خانه نداشتند، هیچی نداشتند و می آمدند توی همین مسجد روی همین زمین ها و صفة اش هم مثل صفة های مسجد حالا نبوده است که آجر فرش مثلاً باشد یا با چیزهای دیگر درست شده باشد یک زمینی بوده است قدری بلندتر مثلاً جای آن گل بوده، چیز دیگر شاید، اصلاً حصیر هم نداشتند آن وقت آنجا می خوابیدند و آنجا زندگی می کردند. اینها را حضرت بر ضد قریش و آنهایی که دارای اموال بزرگ بودند و از مستکبرین بودند اینها را از اینها حرکت کرد و رفت سرکوبی آنها را کرد. اینکه این تبلیغات شود، برای این است که اینها هر چه ضربه خورده اند از ادیان خورده اند. حالا در اسلام که، حالا ما بحثمان در این است این قدرت های بزرگی که می خواهند ماها را بچاپند، اینها آنی را که معارض خودشان می دانند اسلام است از این جهت اول حمله می کنند به اصل ادیان و مقصودشان هم حالا آن دینی که گذشته و رفته نیست مقصودشان این است که کلام را بکشند به اسلام و بیایند بگویند که اسلام هم یک دینی است که مخدر است. حال اینکه ما وقتی تاریخ اسلام را می بینیم و بعد هم از

زمان پیغمبر تا حالا درست اسلام را و کسانی که اسلام را تبعیت کرده اند مطالعه کنیم می بینیم که در صدر اسلام پیغمبر از همین طبقه پائین بوده است و ( من الله على المومنین اذبعث فيهم رسولا من انفسهم ) این از خود این طایفه پائین ، نه اینکه انسان بوده این طایفه پائین ، مومنین ، خدا به اینها چیز داد که از خود اینها یک کسی را که هم مشرب باشند و بیایند با هم بنشینند و با هم بیاشامند اینها و همانطوری که پیغمبر توی مسجد زندگی می کرد و توی همان مسجد با مردم معاشرت می کرد و از همان مسجد هم تجهیز می کرد جیوش را برای کوبیدن قدرت ها ، از همین جمعیت پیغمبر را انتخاب فرمود بر ضد آنهایی که می خواستند چه بکنند . این برای این است که اینکه این تبلیغات را می کنند اول طرف همه ادیان می روند بعد می کشندش به اسلام و مقصودشان این است که اسلام را سرکوبی کنند ، این برای این است که از اسلام می ترسند . آن که می تواند در مقابل اینها عرض اندام کند و دست اینها را از ظلم و تعدی و غارتگری و اینها کوتاه کند آن اسلام است از این جهت اینها باید اسلام ، می خواهند اسلام را در نظر جوان های ما ، در نظر طبقه متنور ، در نظر این جمعیتی که از آنها کار می آید کوچکش کنند تا اینها برگردند از اسلام ، وقتی برگشتند از اسلام ، دیگر از خودشان کاری نمی آید .

### می خواهند قدرت روحانیت را از مردم بگیرند

حالا البته خیلی چیزها هست که برای سرگرم کردن جوانهای ما خیلی دامنه دار است . آن چیزهایی را که آنها طرح کرده اند و طرح هائی که دادند ، یکی از آنها همین است که اسلام را در نظر اینها کوچک کنند چنانچه از روحانیت هم چون می ترسند و از طبقه ای که می تواند در مقابلشان بایستد و ایستاده است طبقه روحانی هستند از این جهت مستقیما به اینها هم حمله می کنند (روحانین درباری هستند ، هر چه آخوند است درباری است . این دربار است که آخوندها را درست کرده و تربیت کرده برای اینکه مردم را بچاپند و اینها هم ثناگو باشند و عاظ السلاطینند . ) این هم برای این معناست که مردم را از روحانیت ریم بدهند ، از اسلام ریم بدهند و از روحانیت هم ریم بدهند و این دو تا قدرت را بگیرند از مردم . حال اینکه شما اگر ملاحظه کنید ، از اول تا حالا آن که با این قدرت معارضه کرده ابتدایش از روحانین شروع شده در این صد سال آخری که خوب تاریخش دیگر خیلی نزدیک است و همه شما هم اطلاع دارید در این صدساله اخیر آئی که معارضه کرده با سلاطین وقت ، ابتدایش از روحانی شروع شده . قضیه تنباکو ابتدایش از روحانیون ایران و عراق ، از مرحوم میرزا فتوا بود ، و از علمای تهران قیام و عمل . البته مردم هم به اینها علاقه داشتند و دنبال اینها را می گرفتند و کارها را انجام می دادند . در جنبش مشروطیت هم همین طور بود که از روحانیون نجف و ایران شروع شد مردم هم تبعیت کردند و کار را تا آنجا که توانستند آنوقت انجام دادند و رژیم استبدادی را به مشروطه برگرداندند ، لکن خوب نتوانستند مشروطه را آنطور که هست درستش کنند ، متحققش کنند ، باز همان بساط بود . در زمان رضاشاه که من و مثلا ایشان (اشاره به یکی از حضار) یادشان هست و شما اکثرا اصلا آن زمان را یادتان نیست چند قیام که در ایران شد همه اش از روحانیون بود . یک قیام از

آذربایجان شد، از علمای آذربایجان که قیام کردند و چه ولكن خوب قدرت دست آنها بود گرفتند. آنها را ودر گمان می کنم سنقر مدت ها اینها تبعید بودند و بعدش هم که تبعید برداشته شد مرحوم آقا میرزا صادق آقا در قم آمدند و ماندند اینجا و اینجا هم فوت شدند. یک قیام از خراسان بود منتها همه علما قضیه قیام مسجد گوهرشاد تمام علمای خراسان را که در این قیام دخالت داشتند و سرشناس بودند گرفتند و آوردند تهران و حبس کردند و محاکمه کردند و اینها. یک قیام از اصفهان شد و علمای اصفهان آمدند به قم و دعوت کردند از علمای اطراف و علمای اطراف هم خیلی هایشان هم آمدند اینجا، منتها این هم قدرت دست آنها بود و نتوانستند و شکستند و ملت هم آنطور هوشیار نشده بود که درست دنبال علما را بگیرد. عکس آنکه اینها می گویند که اینها درباری هستند، بعکس اینها ضد درباری هستند. ضد درباری را اینها می گویند درباری. و همیشه در همین عصر خودمان آنی که مورد هجوم واقع می شد همین مدرسه علمی بود. همین مدرسه فیضیه قم چند دفعه مورد هجوم واقع شد و در شکستند و پنجره شکستند و کتاب ها را آتش زدند و عمامه ها را آتش زدند و بعضی از افراد را از پشت بام پرت کردند پائین و از این وحشیگری ها که کردند این هم برای این بود که می خواستند این دو تا قدرت را از مردم بگیرند.

### تلاش استعمار در دور نمودن جوانان از اسلام

یک چیز دیگر هم راجع به دانشگاه ها بود و طبقه دانشجو و دانشگاهی. اینها از دانشگاه هم می ترسیدند، می دیدند که خوب اینها یک قوه متفکره ای هستند که جوان هم هستند ممکن است از اینجا باز یک قدرتی پیدا بشود در مقابلشان، دانشگاه را هم به طریق های مختلف کوبیدند. طریق های مختلفی داشتند تا نتوانستند اینها را به واسطه همین تبلیغات، منحرف کردند، اذهانشان را منحرف کردند. یک کارهای مهمی اینها کردند برای اینکه طبقه جوان هر چه هست این را مشغول کنند به خودشان و نگذارند که اینها در مقدرات مملکت دخالت بکنند. اگر دانشگاه را به حال خودش می گذاشتند و تبلیغات توی کار نبود و کارشکنی در کار نبود از دانشگاه خوب متفکرهائی پیدا می شدند که در فکر این بودند که دارند دیگران می چایند ما را، یک علاجه بکنیم. اینها طبقه جوان که این کارها از آنها می آمد و می آید به طریق های مختلف مشغول می کردند تا اینها را به خودشان. تمام این رسانه های گروهی که هست تمام اینها را اجیر می کردند یا از خودشان بود که طبقه جوان را به واسطه رادیو و تلویزیون و سینما و تئاتر و مطبوعات و مجلات و اینها سرگرم به عیاشی بکنند و عیاش بارشان بیاورند. جوان است وقتی که رفت سینما، پنج روز، ده روز رفت سینما عادت می کند به رفتن سینما و اصلا فکر، فکر سینمایی می شود شاید شب هم وقتی که خواب ببیند خواب ستاره سینما می بیند، روز هم وقتی که چشمش را باز کند به فکر است که کی شب بشود من بروم و چه وقت بشود که برویم سراغ این مرکز. یک همچو دماغی که بار آمد اینطوری، این به فکر این نمی افتد که کارتر نفت ما را می برد، اصلا هیچ کاری به این ندارد. جوانهائی که در این مراکز فساد که درست کردند سرتاسر ایران و

بیشتر تهران، این مراکز فسادى که اینها درست کردند، مراکز عیاشى که درست کردند، این خانه هاى که درست کردند برای اینکه مردم، بچه ها بروند، جوان ها بروند عیاشى بکنند، دامن زدند به این. این ایام تابستان این دریاها با آن وضعى که آنها درست کردند، این دستگاه هاى که باید دستگاه تربیتى باشد مثل دستگاه رادیو و تلویزیون و مطبوعات و اینها، تمام اینها را بعکس آنی که باید باشد درست کردند و قضیه این نبود که یک چیزى خود به خود شده باشد، یک قضیه ای بود که روى برنامه تنظیم شده، آن هم بسیار محتمل است که تنظیمش از همان (سیا) شده باشد، از آنجا شده باشد که باید جوان ها را اینطوری می شود بگیرد، حبس کنید. خوب نمى شود همه مردم که حبس بشوند. آنجائى که مى شود با آنطور، آنجائى که همه این حرف ها، همه این چیزها دست به دست هم دادند برایشان مراکز فساد و فحشا درست کردند و دامن به آن زدند و تبلیغاتى روى آن کردند و جوان هم هست کشیده مى شود قهرا به آنجا. تابستان است، دریاچه درست کردند و دریا و اجتماعات جوان ها با هم زن و مرد داخل هم و، که مى کشیدند اینها را به اطراف دریا و برایشان هم همه وسائل را درست مى کردند و مفت و مجانى مى رفتند آنجا و هر کارى دلشان مى خواست مى کردند. مسأله این نبود که طبعاً این شده باشد، مسأله این بود که یک برنامه خاص و یک توطئه ای در کار بود که نگذارند این جوان ها رشد طبیعى خودشان را و انسانی خودشان را بکنند، سرگرمشان کنند به همین مسائل. قضیه موسیقى یک مطلبى است که خوب طبع جوان به آن توجه دارد اگر یک مدتی این عادت کرد که موسیقى را باز کند و گوش کند مغز این از تفکر در امور جدی بازماند، مى رود دنبال همین قضیه. اینها اموری است که با نقشه درست کردند که جوانهای ما را منحرف کنند و یکی از نقشه هایشان این بود (نقشه های دیگر زیاد) که نگذارند در دانشگاه درس بخوانند یک دسته ای را درست بکنند به اسم چپ گرا بریزند توی دانشگاه و شلوغ بکنند و دعوا راه بیندازند و امثال ذلک و دانشگاهی ها را، جوان ها را از کلاس بیرون بکشند و بیاورند به بیرون به جنگ و به چیزهای دیگر، تبلیغات چپی بکنند در دانشگاه ها که توجه اینها را به آن مسائل کنند و هکذا از این قبیل. اینها همه چیزهائى است که روى نقشه ای درست شده است که ماها از مقدرات مملکتمان غافل بشویم. حالا- بیشتر روى این امور تکیه مى شود برای اینکه حالا لمس کرده اند که اسلام و ایمان به خدا اسباب این شد که یک جمعیتى که هیچی دستشان نبود از تفنگ و بساط (حالا هم چهار تا تفنگ اگر پیدا شده است بعد از غنائم جنگی پیدا شده) اینها دیدند که اینها با مشت خالی لکن با ایمان، با ایمان به خدا آمدند به میدان و قدرت های بزرگ را شکست دادند و همه را بیرون کردند، قطع دستشان را کردند. اینها الان لمس کردند که آنی که اینها را شکست داد این ایمانى بود که این جوان ها داشتند و این توجهی بود که به اسلام داشتند. حالا بیشتر در صدد این هستند که شما را از اسلام جدا کنند.

### **تلاش قلم اجیر در تکفیر مومنین**

الان باز آن قلم هاى که قلم اجیر است و مزد مى گیرد تا جوانهای ما را منحرف کند الان هم در

کار هستند نطق ها را می کنند و قلم ها را به کار می اندازند حتی این مسأله اطرف دریا را که با آن فصاحت انجام گرفت ، در بعضی از مطبوعات نوشتند جلوگیری از این ارتجاع است . اینکه تمدن عبارت از این است که زن و دختر و پسر با هم تو دریا به هم ور بروند و اگر این نباشد ارتجاع است . تمدن این است که هر جوانی که در سینما چند روز برود و دیگر زندگی اش همان بشود ، تمام آمال و آرزویش همان بشود . اگر چنانچه از اینطور چیزها جلوگیری بشود و آموزنده باشد ، این سینما آموزنده باشد ، این مطبوعات آموزنده باشد ، این مجلات ، اگر کسی بگوید که باید اینها آموزنده باشد ، اینها باید بچه های ما را تربیت کنند ، اینها باید بچه های ما را رشد سیاسی بدهند و اینها را وارد میدان عمل سیاسی بکنند و این عکس ها و این دعوت های به شهوت اینطور چیزهایی که همه جانبه است اینها را از این راه باز دارد ، می گویند ارتجاع است و شما را از ارتجاع می ترسانند و به اصطلاح چماق تکفیر دارند ، همین ارتجاع اصلا این تکفیر مؤمنین است . اینها به هر قدرتی که توانستند و به هر ترتیبی که توانند می خواهند شماها را منحرف کنند از آن مسیری که دارید .

### ایجاد تحول روحی در سراسر ایران به لطف و عنایت الهی

الان این نهضتی که ملاحظه کنید ، این نهضت الان رسیده است به یک حدی که دست را کوتاه کرد همه دست های خارجی ها را کوتاه کرد و شما می دانید که نهضت اسلامی ایران با همان توجه به مردم به اسلام و اینکه از شهادت دیگر خوبی نداشتند ، برای اسلام شهید شدن را یک چیز عظیمی برای خودشان دانستند ، یک فوزی می دانستند برای خودشان ، این معنا شد که مردم دیگر نترسیدند از تانک و توپ و اینها نترسیدند و ریختند به خیابان ها . یک تحول روحی پیدا شد در ایران ، سر تا سر ایران ، یک تحول روحی پیدا شد و مردمی که فکر در امور مملکتی نمی کردند ، حالا- جوان ها ، بچه ها ، زن ها ، مردها مسائلی که در مجالسشان طرح می شود مسائل روز است و قبلا اصلا این مطلب هیچ نبود . ما آخوندها را که گفتند ، اگر یک کلمه می گفتند ، می گفتند که این سیاسی است . یکی از فحش هائی که به یک آخوندی اگر می خواست یک حرفی بزند که به درد مملکتش بخورد می گفتند سیاسی است . اوایل که ما آمده بودیم به قم یکی از علمای محترم \_ محترم \_ و رئیس بود در قم ، این را بعضی مقدس مآب ها اشکال به او داشتند می گفتند منزلش روزنامه پیدا می شود . اینطور مغزها را تهی کرده بودند که اگر یک ملائی منزلش روزنامه بود این اسباب طعنش می شد . ملا باید ، چکار دارد ملا به روزنامه ، ملا چکار دارد به سیاست . ما را وقتی که از حبس می خواستند بیرون بیاورند آمدند گفتند که بیاید توی آن اتاق . از حبس در آمدیم رفتیم توی اتاق مجللی هم بود نشستیم . پاکروان آمد پیش ما و آن مولوی هر دو آنها هم رفتند ، آمدند آنها و پاکروان در ضمن صحبت هایش گفت که سیاست عبارت از دروغ گفتن است ، عبارت از تقلب است ، عبارت از خدعه است ، عبارت از فریب است ، عبارت از پدر سوختگی است (این تعبیر آخرش بود) این را بگذارید برای ما . می خواست ما را وادار کند به اینکه ما دخالت در سیاست نکنیم . من به آن گفتم خوب اگر این سیاست عبارت از اینهاست این که مال شما



هست، بله. بعد هم برداشتند توی آنجا نوشتند که تفاهم شد بین ما و فلان. من هم که آمدم سر منبر حسابش را رسیدم. اینها تبلیغات همچو کرده بودند که به خورد ما معمین هم داده بودند که شماها بروید کنار سراغ مدرسه تان و این منافع مملکت را بدهید دست ما (مطلب این بود) مقدرات مملکت را بدهید دست ما شما بروید آن گوشه مدرسه بنشینید و آنطور زندگی کنید و مسأله بگوئید آن هم نه هر مسأله ای - هر مسأله ای - را. اگر ما درست مسأله می گفتیم که وضع اینطور نبود. مسائل اسلام را کنار گذاشته بودند و یک دسته ای از مسائل شخصی را پیش کشیدند. مسائل اجتماعی اسلام، مسائل سیاسی اسلام، مسائل جنگ اسلام. آن قرآن را شما ملاحظه می کنید که قرآن مسائل سیاسی اش و جنگی اش و مقاتله اش و اینهاش زیاد در آن طرح شده اهلا و سهلا اما دیگر کار نداشته باشید به اینکه تکلیف ملت با دولت چیست و تکلیف دولت با ملت چی هست؟ چه جور باید دولت باشد، شرایط حاکم چیست، شرایط شرطه چیست؟ شرایط قاضی چیست؟ اینها را دیگر شما کار نداشته باشید، شما هم بروید این مسائل و ما هم باورمان آمده بود، همچو باورمان آمده بود که - روزنامه خواندن را - اولی که ما آمدم قم سینه چهل، روزنامه خواندن را عیب می دانستند ما هم اصلا جرات نمی کردیم یعنی ما هم خودمان جزء آنها بودیم. الان یک تحولی پیدا شده است که شاید در دو سال پیش از این نبود اینطور تحولی، دو، سه سال است که، دو سال است که تحول زیاد پیدا شد. البته نهضت عمرش پانزده، شانزده سال است لکن این تحول در این آخر پیدا شد یک تحول پیدا شد که، تحول های مختلف، شما همه و ما همه، یک پاسبان اگر پیدا می شد و یک امری کرد همین بازار تهران، توی ذهن کسبه و تجار نمی آمد که می شود مخالفت با پاسبان کرد. پاسبان آمده گفته است چهار آبان است باید همه بیرق بزیند. همه گوش و سمع و چیز بودند که هر چه این گفته عمل بکنیم. چندی نگذشت که همین هائی که از یک پاسبان می ترسیدند و برای خودشان هم حقی قائل نبودند ریختند تو خیابان و گفتند ما شاه نمی خواهیم. این یک تحول معجزه آسا بود که آدمی که از یک پاسبان ترسید حالا از تانک نمی ترسد، حالا از سربازها هم نمی ترسد، سر نیزه ها هم که می آورند، می آیند معارضه با آنها می کنند. این یک جور تحولی بود که حاصل شد، یک تحول دخالت همه در مسائل روز و مسائل سیاسی. همین جمعیتی که روزنامه خواندن را در آنوقت اشکال می کردند حالا همان ها منزل هایشان هم رادیو هست و هم تلویزیون هست و هم عرض می کنم اصلا مشروع هست، غیر مشروع نیست و هم مسائل روز طرح است. در هر جا بروید جوان ها مشغول به صحبت در مسائل روزند. شما خیال می کنید که در ده سال پیش از این حرف ها بود اصلا چه دخالتی داشتید، حقی نداشتید که دخالت در مسأله روز بکنید، حقی نداشتید که باید مثلا ژاندارمری وضعش این باشد، باید دولت وضعش این باشد، اشکال بکنید به دولت. حالا طوری شده است که همه در میدان آمده اند و یک تحول روحی پیدا شده است در این جامعه و این تحول، تحول الهی است هیچ کس نمی تواند، این قلوب مردم دست خداست این تحول الهی است. یکی از تحولاتی که امروز یک دسته از اروپا آمده بودند، یک دسته جوان ها گفتند که ما آمدم برای اینکه برویم در این روستاها کمک بکنیم. یعنی این چه تحولی است که جوانی که بحبوحه

جوانی اش است و در اروپا است و باید در اروپا فرض کنید روی غریزه جوانی اش مشغول و پی چیزهای دیگر باشد همچو تحولی پیدا شده است که عده زیادی بودند زن و مرد گفتند که ما از اروپا آمدیم که برویم روستاها کمک کنیم به مردم در چیز . به آنها گفتم که ارزش این عمل را خیلی باید بدانید که این عمل چه ارزشی دارد . این روستائی که تاکنون می دیده تنها هست و همه قدرت ها مخالف او هست و می خواهند بچاپندش ، ببیند که از اروپا یک دسته جوان تحصیلکرده مهندس و طیب و دکتر و اینها آمده اند با آن زحمت به ایران و می روند توی این روستاها برایشان گندم می چینند ، ولو شما بلد نیستید درست درو کنید خوب ، درو را رعیت ها می دانند شما بلد نیستید درو کنید اما شما چهار تا خوشه گندم را که برای اینها جمع بکنید همچو قدرتی در این رعیت ها و در این زارع ها و در این دروگرها پیدا می شود که کارشان دو مقابل می شود . وقتی کشاورز دید که خانم ها از خانه ها پاشده اند ، از اروپا ، اینجا هم همین طور ، از دانشگاه ها و از دانشکده ها و از مراکز تحصیل جوان ها ریختند ، زن و مرد ، در تلویزیون دیشب هم نشان داد این را ریخته اند اینجا و دارند کمک کنند به اینها ، در روحیه این کشاورزها چقدر این تأثیر دارد ، چقدر اینها را آقا کند که می بینند خدمه اینها عبارت از دکتر است و مهندس ، آقایان کمک کار هستند ، این ارزشش خیلی است . شما هم که الان می گوئید ما مهیا هستیم ، این یک همچو تحولی است که خدا این تحول را پیدا کرده ، قلب شما پیشتر اصلاً دنبال این مسأله نبود حالا آمده . کی آورده این را؟ مقلب القلوب خداست . خداوند قلب های شما را اینطور کرده است که می خواهید بروید روستاها کمک کنید ، آموزش ، پرورش . غیر آن وضعی که سابق بود که اگر یک دسته از سازمانی را می خواستند بفرستند آنجا به اسم نمی دانم کذا برای تبلیغ برای خودشان ، حالا دیگر تبلیغی در کار نیست هیچ کس از کسی تبلیغ نمی کند شما به طبیعت خودتان می خواهید بروید کمک کنید ، آموزش بدهید ، پرورش کنید و امثال ذلک .

### **همه با هم بکوشیم که درست عمل کنیم**

انشأالله خداوند همه شما را حفظ کند و موفق کند که خدمت بکنید به کشور خودتان . مملکت مال خودتان است دیگر ، دیگر دست های آنها برید ، دیگر همت کنید که اداره کنید مملکت خودتان را تا نگویند نمی توانند ، ایرانی ها نمی توانند مملکت شان را اداره کنند یک کسی دیگر خواهد که بیاید سرپرستی کند . فضول ها الان باز هم هستند ، آنهایی که نقشه کشند باز هم هستند . خودتان بچسبید به مملکتان و با قدرت خودتان هر که در هر جا هست خوب عمل کند . آقا در محراب خوب عمل کند و شما در دانشگاه خوب عمل کنید و ما هم در مدرسه خوب عمل کنیم . همه و همه با هم دست به هم بدهیم که درست عمل بکنیم و انشاءالله مملکت مال خودتان است .

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن های اسلامی دانشجویان در اورپا و انشجویان اصفهان

### یاس از جنود ابلیس است

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از جنود ابلیس یاس است در اموری که انسان باید با امید و طمانینه و تسلیم عمل بکند و شیاطین ایجاد یاس کنند و با این ایجاد یاس جوانهای ما را در آن مسائلی که باید با تصمیم جدی پیش بروند، گاهی سست می کنند. من آنقدری که یاد دارم از اول نهضت تا حالا که اینجا نشستم، چه آنوقت که در حبس بودم و چه آنوقتی که در تبعید به ترکیه بودم و چه وقتی که در عراق بودم و چه آنوقتی که به پاریس آمدم و چه آنوقتی که شاه با آن طمطراق ها و قدرت ها بود و چه آنوقت که او رفت و بختیار شروع کرد، من هیچ وقت مأیوس از مسائل نبودم و اعتقاد این بوده است که این ملت وقتی که چیزی را بخواهد، می شود. خداوند حافظ ملت های اسلام خواه در برابر تعدی قدرت های بزرگ است. خصوصا اخیرا که در پاریس بودیم، نمی دانم حالا آقایان را آنجا ملاقات کردم یا بعضی شان را، پیش ما می آمدند، ملاقات شان می کردیم، این خواهرها هم، با اینها بودند اخیرا که در آنجا بودیم و اخبار ایران به ما می رسید و از جمله اخبار، بعضی ها خودشان لمس کرده بودند، برای من آمدند گفتند، این بود که من دردهات بعضی از مناطق رفته ام و اسم یک قریه ای، یک قلعه ای را گفت، آنجا خود من هم رفتم، در اطراف ماست، او می گفت که در این دهات صبح که می شد آن ملای محل جلو می افتد و مردم دنبال او تظاهر می کنند، و آن قلعه اسم برد که آن قلعه را من رفته ام و دیده ام چقدر است، شاید مثلا ده خانوار، پانزده خانوار بشود توی آن قلعه زندگی بکنند، گفت: (حتی آن قلعه که من رفتم، دیدم همان حرف هائی که تهران گفته می شد توی آن قلعه، مردم آن قلعه می گویند. این برای من خیلی جالب بوده است)، ایمان آورد که یک مطلبی که مطلب ملت است و اینطور مطلب ملت است که هر جا پا بگذاری، همان مطلب هست شما که در اروپا بودید و آنها که در امریکا بودند، آنهایی که در خارج از کشور در هر جا بودند، همین مسائل را می گفتند که آنهایی که در داخل بودند. دانشجویان همین می گفت که علمای دینی شان گفت، بازاریشان همان را می گفت که کارگیشان می گفت، بچه های اینقدری شان همان می گفت که بزرگان می گفتند. این مورد اطمینان من شد که یک دست غیر طبیعی در کار است. شعاع عمل انسان تا یک حدودی است، یک کسی می تواند یک محله را تحت تأثیر قرار بدهد، یک کسی می تواند یک شهر را، یک کسی می تواند یک استان را، اما کسی نمی تواند به این ترتیب همه

قشرهای موجود در هر جا را از یک ملتی، از بچه های کوچک و تا پیرمردهایشان و دانشجویشان با افکار متعدده که اینها دارند و با ایده های مختلفی که دارند، همه را تحت یک مطلب بیاورد، این نمی شد الا اینکه دست غیبی در کار است. من مطمئن شدم به اینکه یک عنایتی از طرف خداوند تبارک و تعالی هست و این عنایت انشاءالله محفوظ است، شما پیروزید تا این توجه ملت ما به مقاصد اسلامی است، این ملت پیروز است و این حرف هائی که گفته می شد و قلم هائی که هست و اینها چیزی نیستند. آنوقت که قدرت ها بود که همه قدرت های موجود پشتیبانی می کردند از محمدرضا، مکرر شاید از امریکا به ما پیغام می دادند، در پاریس که من بودم، مکرر می آمدند و مستقیماً با من تماس می گرفتند، گاهی از بعضی از کسانی که به من مربوط بودند تماس می گرفتند، گاهی به صورت تعزیر و گاهی به صورت نصیحت و اینها، و می خواستند که حفظ کنند محمدرضا را، رژیم را می خواستند حفظ کنند، انگلستان هم به صراحت چیز کرد که ماباید این را حفظش کنیم، منافع ما در این است، دیگران هم همین طور بودند و مع الاسف دولت های اسلامی هم همین طور بودند، دولت های اسلامی هم پشتیبانی می کردند اصلش جدا بودند از مقاصد ما و مطابق با این مشی می کردند. معذک یک ملتی وقتی یک چیز را خواست و آن خواستش هم خواست الهی بود، یک مطلب مادی نمی خواست، گفت ما اسلام را می خواهیم، جمهوری اسلامی را ما می خواهیم، می خواهیم ظلم نباشد، می خواهیم رژیم غارتگر نباشد، مسائلی بود، همه اش اسلامی بود، همه اش انسانی بود، با یک همچو ملتی نمی شود کسی در بیفتد، بخواهد جور کند، نمی شود، اصلش ما فرض می کنیم اصلاً در دنیا اینطوری است، ما فرض می کنیم که یک وقت از طرف یکی از این ابرقدرت ها بریزند ایران را بگیرند، نمی کنند، نمی شود، ما حالا فرض می کنیم لکن با یک ملتی که همه یکپارچه هستند، نمی توانند بمانند و گرفتن یک جایی یک طور، و ماندن در آنجا یک طور دیگر است وضعش جور دیگر است، می خواهند برای هر آدمی یک مأمور بگذارند؟! اینکه معقول نیست، در هر شهری یک عده می گذارند، بعد از چندی همین مردم این عده را از بین می برند. کشورگیری غیر کشور نگه داشتن است، اینها عاقلند اولاً که نمی شود دیگر در دنیا با اعمال زور، آنطوری اصلش معقول نیست دیگر، ثانیاً قوای ابر قدرت همه مقابل هم می ایستادند، این مواظب اوست، آن هم مواظب این است، آن یک قدم اگر جلو برود، آن هم می گوید، من هم خواهم جلو بیایم، از این جهت خداوند اینطور ملت ها را به همین معناست، حفظ میکند که قدرت های بزرگ در مقابل هم بایستند و نتوانند هیچ کدام تعدی بکنند و آنها می دانند که اگر فرض کنیم که یک قدرت هم بشود و بخواهد حمله کند و یک جا را بگیرد، نمی تواند ادامه به حیات خودش بدهد. این کشور هائی که یک وقتی می ریختند و یک جایی را می گرفتند، بعد از چندی همه شان از بین می رفتند و مستهلک می شدند، بعد که جزء همین ملت می شدند. بنابراین ملت وقتی که یک مطلبی را می خواهد، این عملی خواهد شد و شما اسلام را خواستید و جمهوری اسلامی را خواستید و احکام اسلام را همه مان می خواهیم و این عملی می شود، بیخود دست و پا می زنند خودشان را زحمت دهند، البته ما را هم زحمت می دهند اما زحمت دادن یک مطلب است، پیروز شدن یک مطلب دیگر.

البته هر کسی که یک صحبتی بکند ، قلمفرسائی بکند ، انتقاد بکند ، خوب ، یک زحمتی است یا فرض کنید اینهائی که می روند و کشاورزها و پیش کشاورزها ، پیش کارگرا و اینها ایجاد فتنه و فساد می کنند خوب ، یک زحمتی ایجاد می کنند ، اما آنطور نیست که حالا- که چهار تا جوان گول خورده یا چهار تا جوان اجیر که خیلی محتمل است در بعضی اینها که اینها اجیر آمریکا هستند به یک صورت دیگری .

چنانچه من توده را ، در حزب توده آن اولش را ، حالا دیگر که من اطلاع پیدا نکردم ، اولی که حزب توده پیدا شد ، آن شخصی که این حزب را درست کرد و همه می گفتند که این از شوروی است و از اینهاست ، از روسیه است ، سرچشمه گرفته اینها ، آن شخص همسفر من بود در مکه و در بیروت که ما برای انتظار کشتی سیزده روز بودیم ، این هم آنجا بود و می آمد پیش ما ، یک آدم نمازخوان ، حج برو ، خیر هم بود ، لکن خوب ، تحت نظر یک دسته آنوقت که به نظر می آمد که انگلیس ها ، حزب توده را آنها درست کردند ، حزب توده ای که منتسب به یک قشر دیگری است ، آن را درستش کردند ، حالا همین طور به نظر آدم می آید که بعضی از این احزابی که چپگرایی می کنند ، خودشان را می چسبانند به چین و یا چسبانند به شوروی ، به نظر آدم اینطور می آید که نه ، اینها یک اشخاصی هستند که آمریکا درست کرده برای ما که شلوغ بکنند اینجا و صدا ایجاد کنند و دوباره آنها برگردند ، دلیل من بر این مطلب این است که اینها یکی از کارهانشان ، قضیه رفتن در پیش کشاورزها ، اول می رفتند و می گفتند که کشاورزی را جلو می گرفتند که کشاورزی نکنند ، اینجا زورشان نرسید ، بعد می رفتند که نگذارند اینها جمع بکنند ، آنجا هم که مأیوس شدند و مردم جمع کردند ، بعد شروع کردند خرمن ها را آتش زدند . این طایفه ای که ادعا می کنند ما طرفدار خلق هستیم ، طرفدار مردم هستیم ، توده را چه داریم ، خلق را چه ، ما از ایشان می پرسیم که آتش زدن خرمن ها اولاً چه منفعتی برای توده ها دارد ، این ضعفایند که خرمن درست کردند ، یک سال این بیچاره زحمت کشیده یک عده ای یک خرمن درست کرده ، این خرمن آتش زدن طرفداری از این ضعفاست ؟ بعد هم می گوئیم که کی منفعت از این می برد! یکی از طرقی که برای کشف بعضی از جرائم است این است که یک جرمی که واقع می شود ببینیم کی از این جرم منفعت می برد که بگوئیم زیر سر اوست . اگر ما گندم نداشته باشیم ، از کجا گندم وارد می کنید؟ از آمریکا ، اگر ما فرض کنیم جو نداشته باشیم ، باز هم آمریکا ، زراعت هر چه نداشته باشیم آن کس که صادر کننده است برای ما ، آمریکا است ، نه چین ما زراعت تواند بدهد نه شوروی ، خود شوروی هم از آمریکا می گیرد ، او هم ندارد ، منفعت به جیب آمریکا می رود! پس شما عمال آمریکا هستید برای اینکه اگر منفعت به جیب آنها و دیگران می رفت ، ما می گفتیم از عمال آنها هستند ، نمی خواهم بگویم که آنها چطورند و آنها هم از آنها بدتر ، همه شان با وضع ما موافق نیستند ، همه می خواهند که از این سفره حظی ببرند لکن در این قضیه که آتش زدن خرمن ها و امثال ذلک باشد ، این منفعتش مستقیماً توی جیب آمریکا می رود . آنها گندم هایشان زیاد است بالاخره یا باید آتش بزنند یا به دریا بریزند و بازار

می خواهند ، همانطوری که ملاحظه کردید که قضیه اصلاحات ارضی هیچ نبود الا اینکه بازاری برای آمریکا درست کند و نگذارند ما زراعت داشته باشیم . همانطوری که خود آن مردک از عمال آمریکا بود و برای بازار درست کردن امریکا این کار را کرد و نقشه از آنها بود و او اجرا می کرد الان هم نقشه از آنهاست و اینها اجرا می کنند ، منتها آن به اسم آریا مهر ، اینها به اسم فلان و فلان چپگرا .

### **بی حاصل بودن نقشه های آمریکا در جهت سرکوب نهضت**

اما مسأله اینطوری است ، همین ها بودند که در زمانی که او بود از او طرفداری می کردند ، در در بار هم از همین ها بودند ، از بزرگانشان در دربار هم بودند ، ما از اینها دیگر وقتی خود آمریکائی هیچ کار نتوانست بکند با همه صحبت هائی که کرد یک وقت به صورت ارباب و یک وقت به صورت مصلحت اندیشی . اخیرا هم که شاه رفته بود و بختیار بود دیگر به صورت اینکه نه ، صلاح نیست ، حالا زود است ، نارس است ، حالا چه و می آمدند که من را نگذارند به ایران بیایم ، جدیت می کردند ما نیائیم به ایران ، همین جدیت اینها باعث شد که من فهمیدم که رفتن ما مضر به حال اینهاست برای اینکه آنها برای صلاح ما نمی گفتند که شما زود است حالا بروید و حالا پیغام فرستادند به وسیله رئیس جمهور فرانسه که آوردند برای ما خواندند پیغام شان را که الان چطور است و کذا هست و زود است ، نارس است ، حالا شما یک قدری ، چند هفته ای باشید . من دیدم که معلوم می شود که در این چند هفته می خواهند اینها قوایشان را مجتمع کنند که دیگر هیچ کاری از ما بر نیاید ، مردم الان قیام کردند و نهضت کردند ، حالا باید رفت هر چه شد بشود ، ما بنا گذاشتیم بیائیم ، آنها فرودگاه را بستند ، ما گفتیم ، خوب ، هر وقت باز شد می رویم ، معلوم است که تا ابد نمی بندند که وقتی هم که باز شد ، ما هم آمدیم .

### **اعتصام به حبل الله عامل سرکوب قدرت های شیطانی**

علی ایحال مأیوس نباشید ، این از جنود ابلیس است که به انسان تزریق می کند ، قدرتمند باشید که این از طرف خداست ، خدا شما را قدرتمند کرده ، ملت قدرتمند است .

یدالله مع الجماعه خداوند می فرماید : (واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا)

خوب ، ما اگر اطاعت این امر را کردیم ، خداوند ما را واگذار می کند که ما را بچاپند ، ما اطاعت بکنیم از امر خدا ، که ما اعتصام کنیم به اسلام ، حبل الله همین اسلام است ، ما اعتصام کنیم به حبل خدا ، به اسلام ، به قرآن و توجه کنیم به او همه مان ، تفرقه هم نداشته باشیم ، بعد خدا ما را وادار می کند ، واگذار می کند به اینکه ما را بچاپند؟ نه ، دیگر نمی شود ، اگر ما وفا کردیم به این امر خدا و عمل کردیم به امر خدا و با هم شدیم ، همه قشرهایمان با هم شد ، خارج و داخل ، دانشجو و طلبه ، همه با هم این نهضت را تا اینجا که رساندیم تا آخر ببریم ، شک نکنید که پیروز هستید ، هیچ شک نداشته باشیم ، الان مهار پیروزی دست خود ملت است ، دست خودشان ، کلید پیروزی دست خود ملت است ، ملت باید بفهمد که آن چیزی که او را پیروز کرد همین بود که همه با هم بودند و اعتصام بحبل الله بود ، همه با هم

هم

چسبیده بودند که ما جمهوری اسلامی می خواهیم، ما اسلام را می خواهیم، ما قرآن را می خواهیم، ما حکومت عدل الهی می خواهیم، این اعتصام بحبل الله بود، این اعتصام بحبل الله اسباب این شد که یکدفعه یک قدرت شیطانی که همه قدرت ها، نه همه قدرت ها فقط ابر قدرت ها، بلکه قدرت های کوچولو هم دنبال او بودند، بیخود نشد که ما را به کویت راه ندادند، یعنی راه ندادند که من از این دروازه کویت بیایم و از آن طرف رد بشوم و سوار شوم و بروم، اینقدر هم راه ندادند گفتند از همان جا که آمدید به همان جا برگردید. وقتی هم عراق آمدیم دیدیم که من فکر کردم که ما هر جا برویم همین صحبت ها هست برای اینکه اینها همه مربوطند به هم، یک سیاست است، اینها همه پشت او ایستاده اند، ما دیدیم که خوب، حالا برویم در خارج، بعدش آمدیم و آنها هم پشیمان شدند و من از جوانهای آنجا متشکرم و از این جوان های عزیز ما که از همه جاها آمدند و احوال از ما پرسیدند و مجتمع شدند، حرف ما را شنیدند و منتشر کردند مصاحبات ما را در آنجا، گاهی در همه جا منتشر کردند و این راهی برای پیروزی ما بحمدالله بود.

### **امروز زمان طرح گرفتاری های شخصی نیست**

در هر صورت به شما عرض بکنم که تحت وسوسه ابلیس و عمال ابلیس که همین هاینده که می نویسند و همین ها که می گویند هیچ وقت نروید، شما پیروزی و پیروزی تا آخر مال شماست. آئی که من به شما عرض می کنم، این است که کلید پیروزی را حفظ کنید، کلیدش را اگر حفظ کردید عنایت خدا با شماست اجتماع تان را حفظ کنید، دنبال این الان نباشید که ما حوائجی داریم برآورده نشد، این را به این آقا دارم می گویم من هم می دانم که حوائج برآورده نشده، من هم حوائجی دارم که برآورده نشده، آقا هم حوائجی دارند و آقا و آقا، همه چیزهائی می خواهند که نشد. من که از اول مسائل یادم هست حدود پنجاه و هشت سال، شماها هم که در بین راه ها ملحق شدید، زمان این شاه را درک کرده اید، از آنوقت که چشمتان را باز کردید، اختناق بوده، زحمت بوده، گرفتاری بوده، توی حبس بوده، تبعید بوده، از این مسائل بوده، گرفتاری های دیگری که چپاول بوده، همه چیز شما را برده اند اینها، جواهرات که پشتوانه این مملکت بوده، یک مقداریش را رضا شاه برد و انگلیس ها در بین راه از دستش گرفتند و بردند و یک مقداریش ایشان حمل کرد و برد، الان هم بانک های ما گرفتار قرض است، یعنی دولت گرفتار قرض هائی است که اینها از بانک ها گرفته اند و برداشته اند و رفته اند. در هر صورت الان وقت این نیست که ما گرفتاری های شخصی که داریم، طرح کنیم و هی به دولت اشکال بکنیم، به ملت اشکال بکنیم، به نهضت اشکال بکنیم.

### **نهضت اسلام در برخورد با مجرمین بی نظیر در عالم است**

شما بدانید این را، در عالم نهضتی به این خوبی نبوده، انقلاب سفید این بود نه آئی که درست کرده بودند. شما نهضت هائی که، انقلاب هائی که در عالم واقع شده، یکی انقلاب فرانسه است که

بزرگ است و یکی انقلاب شوروی است، آنقدری که آنجاها آدم کشته شده و سایر انقلابات، آنقدری که آنجاها خونریزی شده، اینجا نشده، برای چه؟ برای اینکه بعد از انقلاب یک نسیم اسلام بود نمی گویم اسلام تحقق پیدا کرده، دیگر اینها که انقلاب کرده اند، نشسته آنجا همین جور سر ببرند تا آخر هر کس را احتمال بدهند که مخالف است به تفنگ ببندند، این مسائل نبوده، هیچ نیست. البته یک عده ای که پنجاه سال این مردم را قتل و غارت کرده است این عده که حد عددشان شاید تا حالا به صد و چند نفر بیشتر تجاوز نمی کند من دقیقاً نمی دانم ولی کم بوده عددشان، جنایت شان زیاد بوده ولو عددشان کم بوده، اینها البته به جزای خودشان رسیدند، نه آن جزائی که باید برسند آن جزا در آنجا باید واقع بشود، در اینجا نمی شود. یک نفر آدمی که صدها خانواده را بی سرپرست کرده، صدها جوان را از مادرهایشان جدا، کرده و داغ کرده و آتش زده و بوداده روی تاوه های متصل به برق این را نمی توانیم جزایش را اینجا بدهیم، یک جان دارد، ما آن یک جان را فرض کنیم از او گرفتند، آن هزارها افراد و خانواده را چه کرده، ما نمی توانیم، این دلیل بر این است که یک جای دیگری هم هست که این باید تا ابد بسوزد، تا ابد جنایاتی را که کرده، جبران بشود، در آنجا جبران می شود انشاءالله. مقصود من این است که این حرف هائی که حالا دارند می زنند، ما از این بزرگترش را شنیدیم و اعتنا نکردیم. اینها دیگر چیزی نیست، نیستند، یک تمه ای است که دست و پائی در این آخر می زنند، چلاپ و چلوپی می کنند.

### راه انبیا الکوی راه ما جهت نیل به اهداف اسلامی

و انشاءالله با قدرت شما و با قدرت ایمان شما، با قدرت اسلام این نهضت به آخر می رسد و بوی اسلام را آنوقت می شنوید که چه معطر است اسلام. چه نظامی است این اسلام که آن که در رأس واقع شده است مثل خود پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و آنهایی که در پائین به اصطلاح شما یا مردم، واقع شده اند، اینها در یک جا با هم مجتمع می شوند و می نشینند و صحبت می کنند و عرض می کنم \_ قصه و صحبت تجییش جیوش می کنند اینها، این بنای پیغمبر اینطور بود. پیغمبر که خلیفه الله بود، همه او را قبول داشتند، وقتی که توی مسجد می نشست نمی شناختندش، کسی که از خارج می آمد، نمی شناخت برای اینکه بالا و پائینی در کار نبوده، آنوقت حتی یک همچو چیزی هم نبوده است که بیندازد زیرش، آن روی یک حصیر اگر خوب، بود حصیر، و الا روی زمین نشست، اسلام این است. ما دلمان می خواهد یک همچو، البته قدرت ما نداریم که این که هست عرضه کنیم اما هر چه، هر چه آدم بخواهد به مبدأ خیر نزدیک بشود، باید خودش را نزدیک کند، حالا- من نتوانستم مثل مالک اشتر عمل کنم خوب، هر چه بتوانم خودم را نزدیک کنم به آنها، باز خوب است و من امیدوارم که مملکت ما یک مملکت اسلامی بشود، جوانهای ما، یک جوان های مسلم، معتقد به اسلام بشود و اگر این ایمانی که ما را پیش برد، باقی باشد، احدی دیگر نمی تواند به شما تعدی کند و انشاءالله نخواهد توانست.



## انقلاب روحی ، بالاتر از سدی است که شکستند

از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت می خواهم و همین حس یکی از اموری که انسان به او خیلی علاقه پیدا می کند ، خیلی مایه امیدواری است ، این انقلاب روحی است که در ملت پیدا شده ، انقلاب روحی بالاتر از سدی است که شکستید ، شما از اروپا پا شدید ، آ امید که به مردم کمک کنید ، این انقلاب روحی مهم است ، این را هیچ کس نکرده الا خدا .

خدا مقلب القلوب شما در بین دست خدای تبارک ، دست معنوی خدای تبارک و تعالی است که هر جا می خواهد ، او بر می گرداند . شما یک وقت مشغول کار خودتان بودید ، در زمان چیز من مشغول طلبگی خودم بودم ، شما مشغول آقائی خودتان ، که شما را از آنجا برداشت و آورد اینجا که بروید در یک روستا زحمت بکشید برای برادرانتان ، این دست خداست که قلب های شما را اینطور کرده ، قدرش را بدانید . دل شما الان در دست خدا ، هر طوری می خواهد می گرداند و به خیر گردانده ، الان شما را از آنجا او آورده ، جوانهای دانشگاه و نمی دانم دکتر و مهندس ، اینها که هر کدام باید در یک جای دیگری باشند ، زن محترمه و خانم های عزیز که باید در جاهای چه باشند ، همه اینها توی این روستاها رفته اند و دارند درو می کنند ، چه می کنند ، البته اینها دروگر نیستند به آن معنایی که رعیت دروگرند ، اما یک عمل کوچک که اینها همچو قدرت می دهد به این دروگرها که اگر یک جریب زمین را آنوقت درو کردند ، حالا دو جریب زمین درو می کنند . وقتی دروگر آمد دید که این خانم هائی که باید زیر سایه بنشینند ، آمدند توی افتاب و گرفتند دارند جورا درو می کنند و جمع می کنند ، و اینها یک قدرتی در نفس آنها پیدا می شود ، یک ارزشی دارد عمل اینها که قدرت به آنها می دهد و آنها کارشان چند برابر می شود . خیلی ارزش دارد وقتی ببینند شما از اروپا پا شدید آ امید ، از امریکا پا شدید آ امید اینجا برای اینکه کمک کنید به برادرهای خودتان ، ببینید چه حالی برای این رعیت پیدا می شود ، این رعیتی که هر روز یک سازمان امنیت می رفت بالا سرش یا شلاقش زد یا چه از او اخذ می کرد ، حالا می بیند که از اقصی بلاد خارج نه داخل ، برادرانشان آمدند و می گویند ما آمدیم به شما کمک کنیم ، ما آمدیم که با شما درو کنیم ، ما آمدیم با شما زراعت تان را برداریم ، نمی دانیم این چه حظی برای ، این چه در قلب آنها چه اثری خواهد گذاشت و نمی دانید ارزش اینکه یک قلب ضعیف را شما همچو خوشحال کردید ، این ارزش چقدر است ، معنویت عمل را ما نمی دانیم چقدر است ، خیلی زیاد است عمل ، ولو کوچک هم باشد و شما از باب اینکه دروگر نیستید ، نتوانید درست درو کنید ، لکن چند تا خوشه گندم را که شما جمع بکنید ، اینقدر ارزش دارد ، اینقدر قلوب را به شما متوجه می کند و اینقدر مردم را امیدوار می کند و نهضت ما را پیش می برد که خدا می داند . خداوند همه تان را حفظ کند ، و خداوند همه شما را سعادت مند کند ، و این تحول روحی که پیدا شده است ، خداوند حفظ کند این تحول را .

## نقشه های استعمار گرانه ، جهت انحراف اذهان جوانان

من حالا وقت ندارم لکن از اموری ، خیانت هائی که دستگاه به ما کرده است یکی همین قضیه

اختلاف است، از طرق مختلفه جوانهای ما را منحرف کردند، راه های مختلف، شیاطین اینها نشستند بررسی کردند و راه هائی پیدا کردند برای اینکه نسل جوان ما را بکشند به یک فساد هائی و از آن چیز هائی که مربوط به خودشان و زندگی خودشان غافل کنند. این مراکز فسادی که بیشترش در تهران است و در همه شهرستان ها هست، این با یک نقشه و حساب بوده است. اگر یک جوانی رفت در یک مرکز فسادی، فردایش هم رفت، ده روز رفت، عادت می کند به آن مرکز فساد، دلش دنبال اوست، یک جوان یا جوانهائی که دلشان دنبال مراکز فساد باشد وقتی که خواب می بینند، خواب همان مراکز را می بینند تا بیدار هم می شوند حواسشان آنجا باشد و بعد هم بروند سراغ همان مقاصد فاسده، این دیگر به درد اینکه بتواند در مقابل قدرتها بایستد و بگوید نه، نیست، این دیگر فکرش دنبال این نیست که مملکت ما گرفتاری دارد، باید این گرفتاری را ما خودمان رفع بکنیم، این ذهنش منعطف است دیگر از این مسائل. این اختلاط هائی که درست کرده اند و ایجاد کردند برای ملت ما و جوانهای ما را مختلط کردند با هم کشیدند به یک مسائل فاسدی، این هم جزء همان نقشه هائی است که برای ما کشیدند. این اختلاط در دریا یک چیز عادی نیست، یک چیزی نیست که همین طوری شده باشد، یک نقشه ای است برای اینکه جوان های ما را منعطف کنند ذهن شان را به این مسائل، اگر چندین هزار جوان ما جذب شدند به مراکز که اینطور مسائل شهوی و حیوانی در او مطرح است، همین چندین هزار جوان را ملت ما از دست داده.

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اهالی شهرستان اسفراین

### هدف، عقب نگاه داشتن اقشار مختلف مردم بود

بسم الله الرحمن الرحيم

شما توقع نداشته باشید که یک کشوری که دو هزار و پانصد سال تحت سلطه سلاطین جور بوده است و و قریب شصت سال تحت سلطه رژیم ناپاک پهلوی بوده است، با همه قوا و با همه و با همه کوشش ها، کوشش کردند که این کشور را از همه حیث به عقب بزنند، توقع نداشته باشید به مجرد اینکه آنها رفتند، اینجا بشود یک گلستان و مردمش هم بشوند ملائکه. نسل جوان ما را اینها به طوری تربیت بر خلاف انسانیت کردند که مشکل است به این زودی بشود اینها را برگرداند به یک حال که از آن راه به این راه بیاید تا راه بیفتد. هر معممی روحانی نیست و هر قائل به اسلامی مسلم نیست، و در دستگاه جور که از همه قشرها استفاده می کردند از این قشر هم استفاده شده است و شما توقع نداشته باشید که در ظرف پنج ماه بشود همه را اصلاح کرد. نه همان شهر شما این گرفتاری را دارد، شهرهای دیگر هم همین گرفتاری ها را دارند، قشرهای دیگر هم همین گرفتاری ها را دارند منتها هر یک از گروه ها که می آید همان وضع خودشان چون محسوس شان بوده است، می گویند هیچ جا بدتر از محل ما نیست، از کردستان می آیند همین را می گویند، از لرستان می آیند همین را گویند و از هر جا که می آیند همین مسائل مطرح است و همه هم درست گویند برای اینکه در طول این مدت زحمت کشیده شده است که همه چیز عقب کشیده بشود و خصوصا نیروی انسانی، نگذارند نیروی انسانی... قشرها و نه در قشر دیگران، نگذارند روحانی صحیح و سالم باشد... صالح، هر چه هم صالح باشد بتواند همه قشرها را سالم کند حتی بتواند همان چیزی که مربوط به خود رژیم هست، مربوط به خود دستگاه دولتی است سالم کند... نخواهد روحانیت متری کاری بکند. به قدری آشفته است که نمی توانند به این زودی کاری انجام بدهند.

### با کمک همه اقشار مشکلات رفع خواهد شد

با اینکه دولت با تمام قوا مشغول است برای اینکه مسائل را، مشکلات را حل بکند لکن مشکلات زیاد است و مشکلات زیاد را نمی شود حل کرد الا با دست همه ملت، همانطوری که همه ملت این رژیم را عقب زد و قشری... قشری نمی تواند این کار را بکند، اجتماع بود که این کار را کرده

همین طور حالا- هم برای سازندگی که کارش مشکل تر از اصل مطلب بود احتیاجی به کمک دارد ، دولت محتاج است که همه مردم کمکش بکنند ، زیر بالش را بگیرند و این انشاءالله با کمک همه اقشار انشاءالله درست خواهد شد و آنطور اشخاص ناباب هم انشاءالله خود مردم طردشان می کنند ، خود مردم رها می کنند آنها را .

انشاءالله امیدواریم که به خواست خدای تبارک و تعالی امور اصلاح بشود ، و هیچ خوف اینکه نتواند ، در ذهن تان نیاید . قدرتمند باشید و همه با هم قدرتمند . شما یک همچو قدرتی را عقب زدید ، این آشفتگی ها دیگر داخلی ، مال خودمان است غیر آن بود که همه قدرت ها دنبالش بودند ، همه قدرت ها ، یعنی قدرت های کوچک ممالک . . . . بزرگ . . . ما دیگر دشمن داخلی را کنار گذاشتیم ، اینها یک چیزهای داخلی است . اگر ریشه ای ، یک چیز گنبدیده ای هم باشد این را هم شما می کنید اندازید دور ، تمام شد . خداوند انشاءالله همه تان را حفظ کند ، خواهرها را حفظ کند برادرها را هم حفظ کند و همه موفق باشید که این نهضت را به آخر انشاءالله برسانید .

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 194

## بیانات امام خمینی در دیدار با گروه تحقیقات و تبلیغات دانشکده علوم اصفهان

### نپذیرفتن قدرتی جز قدرت حق، از آداب عبودیت

بسم الله الرحمن الرحيم

از آداب عبودیت این است که جز قدرت حق، قدرتی را نپذیرند و جز ثنای حق و آنکه از اولیاً حق است، ثنای کسی را نگویند. ما بندگانی هستیم که هیچ نداریم و هیچ نیستیم و هر چه هست قدرت الهی است. معجزه هایی که در این نهضت واقع شد همه از جانب خدای تبارک و تعالی بود و بشر کوچکتر از آن است که بتواند این معجزه ها را انجام بدهد. تحولات روحی که در این مدت قلیل برای ملت ما پیدا شد، تحولاتی قلبی، تحولات روحی، تحولات ارادی، هیچ کس نمی توانست این تحولات را ایجاد کند. آنچه که عظمت دارد این تحولات روحی است که در ملت پیدا شده و او بالاتر از این پیشبرد و پیروزی است که ملت ما پیدا کرد. ملتی بود که در فکر سرنوشت خودش نبود، هر کس مشغول کاری بود و آنچه مطرح نبود مسائل سیاسی، مسائل اجتماعی کشور بود، در مدت کمتر از دو سال یک تحول پیدا شد که تمام قشرهای ملت افکار سیاسی پیدا کردند. مجالسی که صرف می شد در اموری که بیهوده بود حالا صرف می شود در اموری که سرنوشت ساز است. خواهرهای ما که اشتغال به مسائل دیگر داشتند الان همدوش با برادرها و مقدم بر آنها به سرنوشت ملت و به سرنوشت کشور خودشان فکر می کنند، طرح دهند، فکر می کنند، انتقاد می کنند. این تحول تحولی است که خدای تبارک و تعالی که مقلب القلوب است این تحول را ایجاد کرد.

### کشیده شدن کشور از ضعف به قدرت و ایجاد حق تعاون از معجزات الهی

تحول مهم دیگر، تحولی بود که از ضعف به قوت کشور ما را کشاند. کرا را گفتم این را که یک پاسبان در بازار بزرگ ایران که تهران است اگر می آمد و می گفت باید بیرق بزیند کسی به خود اجازه نمی داد، فکر نمی کرد که می شود مقابل او ایستاد. همین ملت با همین ضعف در ظرف یک سال و چندی به خیابان ها ریخت و گفت ما شاه را نمی خواهیم، ما ابرقدرت ها را محکوم می کنیم. آنهایی که از یک پاسبان می ترسیدند از توپ و تانک و مسلسل هراسی نداشتند، خانم هائی در قبل وضعشان یک نحو دیگری بود و رژیم آنها را به یک مسائل دیگری مشغول کرده بود، متحول شدند به کسانی که در مقابل رژیم ایستادند و با برادرها همدوش بلکه مقدم در این نهضت شرکت کردند. این تحول ها، تحول های

از آنطرف تحول دیگری که پیدا شد ، امروز یک دسته از جوان ها ، زن و مرد ، از اروپا آمدند پیش من و آنها گفتند ما آمدمیم برای اینکه در روستاها برویم و به مردم خدمت بکنیم . جوانهایی که سابق در مسائل دیگر فکر می کردند امروز در اینجور مسائل فکر می کنند . می آیند ، از اروپا می آیند ، از خارج می آیند ، زن و مردشان می آید برای اینکه در روستاها بروند کمک کنند به روستائی ها . چنانچه از داخل ، از دانشگاه ، طبیب ، مهندس ، خانم ها همه می روند در این روستاها و کمک می کنند . این حس تعاون یک حس است که ، یک تحولی است که اعجاز آمیز است و آنچه که هست خداوند تبارک و تعالی انجام داده است .

### **با اراده حق تعالی در همه چیز پیروز شدیم**

همه چیز را از خدا بدانید . ما بنده ضعیفی هستیم که هیچ نیستیم ، هر چه هست او هست و هر چه داریم از او داریم و پیروزی ما به دست او واقع شد . ما که هیچ در دستمان نبود و پیروز در همه چیز شدیم با اراده حق تعالی بود . این اراده حق تعالی دنبال اینکه شما اجتماعتان ، اجتماع اسلامی بود (یدالله مع الجماعه ) اجتماع شما اسلامی بود و قیام ، قیام انسانی اسلامی بود و خداوند به شما آزادی را هدیه داد برای اینکه برای او قیام کردید . این قیامی است که برای اوست ، حفظ کنید . مادامی که برای او کار کنید ، اجتماعتان برای او باشد پیروز هستید و من امیدوارم که این اجتماعات شما تا آخر محفوظ باشد و برای خدا باشد . خداوند همه شما را سعادت مند کند و خداوند کشور شما را مستقل و آزاد کند و آزادی را از کشور شما نگیرد .

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع کارکنان رادیو دریا

### می خواستند مملکت ما را از انسان خالی بکنند

بسم الله الرحمن الرحيم

دستگاه رژیم سلطنتی و آن چیزهائی که از قبیل رژیم سلطنتی که رویهمرفته بگوئیم رژیم الهی و غیر الهی ، رژیم های غیرالهی برای اینکه وضع شان بر حسب نوع این است که به ملت خیانت می کنند و برای خودشان دستگاه درست می کنند و به منافع خودشان ملت را به کار می کشند و از ملت جدا هستند ، برنامه های آنها این است که با کوشش ملت را به تباهی بکشند و نسل جوان را فاسد کنند . اگر نسل جوان فاسد نباشد آنها از آن خوف دارند و می ترسند که یک وقت نسل جوان یک عصیانی بکند و آنها را به تباهی بکشد از این جهت به وسائل مختلف کوشش می کنند که نسل جوان را به تباهی بکشند که از مسائل روز و از مسائل زندگی کنار باشند . وسائل متعدده از قبیل مطبوعات که در خدمت آنها ، رادیو و تلویزیون ، سینما ، تئاتر ، تمام اینها که در خدمت آن رژیم های غیر توحیدی هست ، تمام اینها برای این است که ملت را عقب برانند و از توجه به مقدرات خودشان غافل کنند و احیانا بکشانند به طرف خودشان و آنها سرگرم به کارهای غیر مقدرات خودشان بشوند و آنها هم منافع خودشان را ببرند و مطمئن باشند که کسی مخالفشان نیست و لهذا جمیع وسائل فساد جوانها را اینها فراهم می کردند از قبیل مراکز فحشا که اطلاع لابد دارید که در تهران خصوصا چقدر مراکز فحشا بوده است به طرق مختلف که بعضی از آنها گفتنی نیست اصلا و همین طور اطراف دریا . در وقتی که ، موقعی که مردم دریا می روند یکی از اموری که آنها دامن به آن می زدند همین اختلاطی بود که بین جوانها و زن و مرد ، و این نه از باب این بود که اینها می خواستند به جوانهای ما مثلا یک خوشی بگذرد ، بلکه از باب این بود که اینها را به تباهی بکشند . مراکزی که در آن مخدرات بود از قبیل مشروبات و دستگاه های تخدیری دیگری بود الی ماشاءالله . در سینما جوانهای ما وارد می شدند ، اگر چنانچه چند روز وارد می شدند عادت می کردند و سینما با آن صورت هائی که همه اش انحرافی بود ، رادیوها همه انحرافی ، مطبوعات از قبیل روزنامه ها ، از قبیل مجلات ، همه چیزهائی بودند که جوانهای ما را منحرف کنند . و از جمله چیزهائی که باز مغزهای جوانها را مخدر می کند و تخدیری است موسیقی است . موسیقی اسباب این می شود که مغز انسان وقتی چند وقت به موسیقی گوش کرد تبدیل می شود به یک مغزی غیر آن کسی که جدی باشد ، از جدیت انسان را بیرون می کند و متوجه می کند به جهات دیگر . تمام این

وسائلی که حالا این بعضی شان بود و الی ماشاءالله وسائل درست کرده بودند، همه برای خاطر این بود که ملت را از مقدرات خودشان غافل کنند و متوجه به جهات دیگر بکنند، منحرف کنند او را از مسائل روز که مبادا مزاحمش بشوند. این یک برنامه بسیار مفصلی بوده است که طرح شده نه اینکه من باب اتفاق مثلا این مسائل واقع شده، نخیر، این یک طرح هائی است که آنهائی که طرح هستند، طرح کردند که این جوان ها را به تباهی بکشانند و علاوه بر این آن فشارهائی که بر مردم می آوردند و آن فشارهائی که به روحانیت آوردند و آن فشارهائی که به دانشگاه ها می آوردند و به سایر اقشار، رویهمرفته خواستند که مملکت ما را از انسان خالی بکنند و نیروی انسانی را به تباهی بکشند. دستگاه هائی که برای آموزش است، برای پرورش است، تبدیلش کرده بودند به دستگاه هائی که ضد او باشد. آموزش هائی که برای انسان مفید است، برای یک جامعه و کشوری مفید است، آنها حذف می شد و به جای او آموزش هائی که مخالف مسیر ملت بود، روی شهوات خود فرد بود لکن با مسیر ملت مخالفت داشت، با مصالح کشور مخالفت داشت آنها را می آوردند. مقالاتی که مربوط به سرنوشت ملت بود امکان نداشت در روزنامه نوشته بشود و در رادیوها خوانده بشود. مقالاتی که مخالف مسیر ملت بود، مقالاتی که مخالف مصالح یک ملت بود، مخالف مصالح جامعه بود، اینها رایج بود و مجلاتی که باید تربیت کند نسل جوان را، مبدل شده بود به آن تربیتی که همه ملاحظه کردید که مجلات ما چه وضع افتضاح آمیزی داشت. همه برای این بود که جوان ها را از مسیری که دارند و مسیر انسانی که باید اینها بروند، منحرف کنند به یک مسیر دیگری و استفاده کنند. استفاده همچو بکنند که تمام مصالح یک کشور را از بین ببرند، همه چیز را به تباهی بکشند، همه مخازن ما را به اجنبی دهند و کسی نباشد که چرا بگوید، برای اینکه توجه مردم را از آن چیزی که مربوط به زندگی شان است منحرف کردند. وقتی جوان ها که اساس یک مملکتی هستند، پایه یک مملکت هستند، همه جوان ها بروند طرف فحشا، طرف مواد مخدره، متوجه بشوند به این مجلات و به این اوضاع و به آن وضع رادیو و تلویزیون و به آن مسائلی که بود، دیگر برای جوان نه وقتی می ماند که فکر کند در این امور و نه مغزش کار کند. موسیقی از اموری است که البته هر کسی بر حسب طبع خوشش می آید، لکن از اموری است که انسان را از جدیت بیرون می برد و به یک مطلب هزل می کشاند، دیگر یک جوانی که عادت کرد که روزی چند ساعت را با موسیقی سر و کار داشته باشد (که اینها شاید اکثر رادیویشان و تلویزیون شان از همین قسم ها بود) یک جوانی که اکثر اوقاتش را صرف بکند پای موسیقی و اکثر اوقاتش را صرف بکند در اینکه پای موسیقی بنشیند و اینها، این از مسائل زندگی و از مسائل جدی بکلی غافل شود، عادت می کند، همانطور که به مواد مخدره عادت می کند. کسانی که به مواد مخدره عادت می کنند، دیگر نمی توانند یک انسان جدی باشند که بتوانند در مسائل سیاسی فکر بکنند. فکر انسان را موسیقی جوری کند که دیگر نتواند در غیر همان محیط موسیقی و مربوط به شهوات و مربوط به موسیقی نتواند اصلش فکرش را بکند. از این جهت اینکه پافشاری داشتند به اینکه رادیو آنطور باشد و تلویزیون آنطور باشد و مطبوعات و مجلات آنطور باشد و روزنامه ها آنطور باشند و سینماها آنطور



باشند و همه رویهمرفته دست به دست هم بدهند و این ملت را سرگرم بکنند به این امور و همه مخازن ما را ببرند که الان که رفتند و گم شدند برای مملکت ما یک چیز سالم نمانده، هر جایش دست بگذاری ناسالم است. هیاهو کردند، فریاد کردند که ما می خواهیم شما را به دروازه تمدن بزرگ برسانیم و واقع مطلب دور کردن ملت بود از اصل تمدن، تا چه برسد به تمدن بزرگ. همه را دور کردند از تمدن، از آنی که استقلال انسان را درست می کند، استقلال فکری انسان را. تا انسان استقلال فکری نداشته باشد، نمی تواند یک فرد مفید باشد. و اینها خواستند فرد مفید پیدا نشود، اصلاً اینها از انسان می ترسیدند. اینها دیدند که یک مدرس، در زمان رضاخان یک مدرس بود که در مجلس بود نگذاشت رضاخان آنوقت که می خواست جمهوری را درست بکند، مدرس نگذاشت ولو بر خلاف مصالح شد و اگر درست شده بود بهتر بود، لکن آنوقت اینها نظر سوء داشتند، یعنی او به سلطنت که نرسیده بود، او می خواست رئیس جمهور بشود و بعدش حالا کارهای دیگر بکند و کسی که جلوی او را گرفت مدرس بود که نگذاشت این کار عملی بشود. کسی که تا آخر ایستاد در مقابلش و بالاخره هم جانش را از دست داد، مدرس بود که نگذاشت او کارهایی بکند، لکن آخرش هم در یک جایی شهیدش کردند. اینها نمی خواهند یک انسان پیدا بشود، کوشش دارند که دانشگاه اینقدر که مورد توجه شان است و مورد هجومشان هست و تا بتوانند نمی گذارند که برنامه های دانشگاه یک برنامه های صحیح باشد. اگر هم از آنجا فرض کنید یک برنامه صحیح باشد، نمی گذارند اینها استقلال داشته باشند هر روز یک غائله و یک بساط درست می کنند، غائله هائی ایجاد می کنند که جوان های ما سرگرم بشوند. در محیط ما هم همین طور، غائله درست می کنند، می کردند، هر روز یک غائله ای درست می کردند، یک بساطی درست می کردند که همه را سرگرم به او بکنند، و از مسائل اصلی و انسانی ما دور باشیم. جزء همین مسائل، قضیه دریاست که حالا شما مطرح می کنید و قضیه دریا این بود که این جوان های نارس و این دخترهای نارس در دریا بریزند به جان هم و هر کاری می خواهند بکنند نسل ضایع بشود، انسان ضایع بشود. یک انسان جوانی که چند ماه در اطراف دریا رفت و دو تا جوان با هم مخلوط شدند، این دیگر نمی تواند فکر بکند که نفت ما را وقتی می خواهند ببرند باید چه کرد. اصلاً فکر این معنی در ذهن جوانی که آنطوری است نمی آید، آن فقط توجه به این دارد که یک شعر عاشقانه بخواند و یک عاشق و معشوقی باشد، اصلاً فکر می رود سراغ اینگونه مسائل، مسیر عوض می شود. اینها روی نقشه کار می کنند من باب اتفاق این نشده که دریا اینطور باشد، اینجور نشده که دریا اینطور باشد که آنطور وسائل برایشان فراهم می کردند. از قراری که می گویند همه وسائل را برایشان فراهم می کردند، تشویق شان کردند، به همه این مسائل انحرافی تشویق می کردند. اینها برای این بود که جوان ها را با هر ترتیبی که شده، با هر جور که شده از مسیر زندگی خارج کنند تا این که یک ملتی فقیر باشد و نفهمد که الان چیست یک مملکت فقیر الان ما داریم و ملت نمی دانست چی هست. حالا که اینها رفتند، چشمشان باز شده و می بینند تمام انبارها را خالی کرده اند و قرض کردند و بردند تمام جواهرات را اینها یعنی اکثر جواهرات ما را رضاشاه برد که به انگلیس ها رسید و بسپاریش هم ایشان

برده که نمی دانم به که خواهد رسید . بانک های خارج پر است از ارزهای اینها و پول های اینها و جوان های ما توجه به این مسائل نداشتند برای اینکه توجه خودشان را منصرف کرده بودند به یک جاهای دیگر یک روح جوان تازه رسیده که الان وقت شهواتش هست ، اگر مسایل شهوی برای او به آنطور رایج بشود و مسائل جدی به آنطور مغفول عنه بماند ، بالاخره این جوان آنطور بار می آید ، دیگر در زمان پیری هم که دیگر به درد نمی خورد ، کاری از او بر نمی آید . آنوقتی که نیروی جوانی است و باید به کار بیاید آنوقت این نیروی جوانی منحرف است که تهی شده از آنی که بوده ، یک چیز دیگری جایش نشسته ، مسائل دیگری هست از قبیل همین مسائل غریبی و غریبزدگی که اینها بساط طولانی دارد . بالا-خره با تمام وسائل حساب کرده روی نقشه ها ، بسیار محتمل است که از خارج این نقشه ها ریخته می شود و اینهایی که می خواهند منافع ما را ببرند ، آنها نقشه می دهند و اینها اجرا می کنند یا کارشناس ها می آیند به اینجا و نقشه می دهند و اینها اجرا می کنند . اینها یک مسائل حساب شده است و روی یک مقاصد پلیدی که خارجی ها داشتند و خود دستگاه داشت

### **رادیو و تلویزیون آموزنده باید باشد**

الان انشاءالله امیدواریم که این مسائل یک مقداری حل بشود و دست آنها بحمدالله الان کوتاه است و امیدواریم که تا آخر کوتاه باشد . رژیم رفته است و امیدواریم که دیگر برنگردد و نخواهد برگشت . حالا- باید جدی بگیریم مسائل را ، از آن هزل و شوخی و مسائل غیر جدی برگردید به آن مسائل جدی ، مملکت تان را اداره کنید ، خودتان باید اداره کنید . دستگاه تلویزیون یا دستگاه رادیو آموزنده باید باشد ، قدرت بدهد به جوان های ما ، جوان های ما را نیرومند کند نباید دستگاه تلویزیون جوری باشد که ده ساعت موسیقی بخوانند ، جوان هایی که نیرومند هستند از نیرومندی آنها را برگردانند به یک حال خمار و خلسه مثل همان تریاک و . . . موسیقی با تریاک فرق ندارد ، تریاک یک جور خلسه می آورد این یک جور خلسه می آورد . اینها باید تبدیل بشود . اگر بخواهید مملکت تان یک مملکت صحیح باشد ، یک مملکت آزاد باشد ، یک مملکت مستقل باشد ، مسائل را از این به بعد جدی بگیرید ، رادیو و تلویزیون را تبدیلش کنید به یک رادیو و تلویزیون آموزنده ، موسیقی را حذف کنید ترسید از اینکه به شما بگویند که کهنه پرست شدید . باشد ما کهنه پرستیم . از این ترسید . همین کلمات نقشه است برای اینکه شماها را از کار جدی عقب بزنند . اینکه می گویند که اگر چنانچه موسیقی در رادیو نباشید ، آنها می روند از جای دیگر موسیقی را می گیرند ، بگذار بگیرند از جاهای دیگر ، شما عجلالتا آلوده نباشید ، آنها کم کم برمی گردند به اینجا . این عذر نیست که اگر موسیقی نباشد در رادیو ، آنها می روند از جای دیگر موسیقی می گیرند . حالا اگر جای دیگر می گیرند ما باید به آنها موسیقی بدهیم؟! ما باید خیانت بکنیم؟! موسیقی خیانت است به یک مملکتی ، خیانت است به جوان های ما ، این موسیقی را حذفش کنید بکلی ، عوض آن یک چیزی بگذارید آموزنده باشد ، کم کم مردم را و جوان ها را عادت به آموزندگی بدهید ، از آن عادت خبیثی که داشتند برگردانید . اینکه می بینید

که جوانها اگر این نباشد می روند سراغ موسیقی و جای دیگر ، برای این است که اینها عادت کردند و این شاهد بر این است که جوان های ما فاسد شدند . الان ما موظفیم که این نسلی که فاسد شد برگردانیم به صلاح و نگذاریم آن کوچک کوچک های ما فاسد بشوند و اینها را جلوشان را بگیریم . باید جدی باشد این مسأله . اختلاط زن و مرد در دریا هم از همان نقشه ها بوده باید مردم جدیت کنند ، خودشان جلو بگیرند و دستگاه های انتظامی و حکومت ها و اینها جلوگیری بکنند و خود مردم جلوگیری بکنند رادیو این معنی را تبلیغ بکند که نباید اینطور باشد ، مفاسدش را به آنان بگوید و همین طور رادیو یک دستگاهی باشد برای آموزش ، برای پرورش یک ملتی . با رادیو و تلویزیون از همه چیز بهتر می شود پرورش داد مملکت را ، برای اینکه رادیو و تلویزیون هم ملا و آدمی که سواد دارد از او استفاده می کند هم آن کس که سواد ندارد ، اما از دستگاه های دیگر مثل روزنامه و مجله یک دسته می توانند استفاده بکنند در یک جاهای محدودی . این الان رادیو و تلویزیون جوری شده است که در همه جا الان شما می گوئید که رادیوی ما را چهار میلیون جمعیت می شنود . رادیوها یک جوری شده است که حالا همه قشرها می شنوند . این از راه سمع و بصر شما می توانید خدمت بکنید به این مملکت ، چنانچه خیانت کردند به این مملکت ، بهتر می شود به آن آموزش و تربیت داد و متری کرد و جوان ها را به آن تربیت کرد ، برای اینکه همه گوش می کنند و همه جوان ها گوش می کنند و دهاتی ها و روستائی ها و آنها همه ، هر کس توانست ، یک رادیو پیدا می کند و نتوانست ، رفته منزل رفیقش و گوش کرده است . در هر صورت این دستگاه ها باید تبدیل بشود ، اگر بخواهید مملکت تان بماند در دست تان و اگر همان بساط و همان برنامه ها باشد ، بدانید که حالا اگر نشود بعد از چند سال دیگر دوباره برگشت می کند به همان مسائل و دوباره بدبختی برای اعقاب شما خواهد بود .

انشأالله خداوند همه را تأیید کند و همه ملت ما را بیدار کند و همه ملت ما به مصالح خودشان آشنا بشوند و از آن نقشه هائی که برای ما کشیده اند انشاءالله مطلع بشوند و خنثی کنند آنها را .

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع اعضای نهضت رادیکال ایران

### شعار وحدت اگر با عمل همراه نباشد ریا کاری است

بسم الله الرحمن الرحيم

الان مردم همه دارند راجع به این مسأله فریاد می زنند که ما اسلام را می خواهیم . همه این را می خواهند . آقا! شما می گوئید نه ، و می خواهید چه کنید ؟ همه با هم مجتمع بشوید تحت یک بیرق و وکلایان را تعیین بکنید . همه به یک وکلای اسلامی که اعتقاد به مسائل دارد ، آئی که ایمان دارد ، آئی که اعتقاد دارد که اگر خلاف بکند ، ولو در اینجا مچش گیر نکند جای دیگر مچش گیر می کند . امروز روزی است که کلمه وحدت برای ما فایده ندارد ، عمل وحدت لازم است . من هم هی می گویم وحدت ، اگر بنا شد که من مخالفت کنم با این ، خوب این کلمه ای است دیگر ، یک ریایی بیشتر نیست . فکر این مطلب را بکنید ، خودتان بنشینید فکر بکنید . رفقای دیگر ، آنهایی که اعتقادشان این است که می خواهند خدمت بکنند به کشور ، با آنها تفاهم بکنید ، بگوئید اگر خدمت می خواهید بکنید ، چرا گروه گروه می شوید؟ همه خدمت بکنید . گروه گروه شدن معنایش این است که من می خواهم برای خودم بکشم ، آن می خواهد برای خودش بکشد ، اظهار وجود بکنند . آقا نمی توانیم در مقابل اسلام اظهار وجود بکنیم ، در اشتباه هستیم . جز این معنی که یک تشستی پیدا بشود و یک اختلافاتی پیدا بشود و یک عرض می کنم تأخیری نهضت را عقب بیندازد . شما خیال نکنید این پیش نمی رود ، پیش می رود انشاءالله ، لکن عقب می شود . با اختلافاتی که پیدا بشود و اشخاص روشنفکر ، اشخاص صاحب قلم ، اشخاص صاحب اطلاع و فکر ، اینها دنبالش را می گیرند که ، قلم ها را بر می دارند ، هر چه دلشان می خواهد می نویسند و موجب تشست می شوند . همین هم که می گویند وحدت ، وحدت ، وحدت ، همین ها وقتی که قلم دست شان می گیرند و مطلب می نویسند ، یک وقت دیدیم که حمله کردند به یک مسأله ای از مسائلی که مردم به آن مسأله علاقه مند هستند ، و ایجاد اختلاف می کنند . چرا باید اینطور باشد؟ اگر اینها و اقعار است می گویند که ما مملکت را میخواهیم و ملت را می خواهیم ، استقلال را می خواهیم ، چرا باید اینطور باشد که قلم هایشان بر خلاف مسائلی است که ادعا کنند . اول کلام می گویند که مملکت باید با هم متحد باشد ، آخر کلام شان می بینید که یک کلمه ای گفته است که اسباب تشست می شود . این اطراف دریا بود که جهات اطراف دریا را یک مرد (نمی دانم ، حالا من که نمی شناسم) در مجله گفته جدا بودن زنها از مردها افتضاح است . تمدن این است که پسرها و دخترها توی دریا به هم ور برونند !! این تمدن

است؟! این تمدنی است که پنجاه سال حالی ما کردند؟! این معنی اش تمدن است!؟

## تهی نمودن مغزهای جوانان با ایجاد مراکز فحشا

پنجاه سال به مغزهای ما تزریق کردند که تمدن عبارت از این است که چیز کردند ، سینمایش بروید تمدنش عبارت از این است که آن دستگاه وقاحت ، مجلاتش اینطور و روزنامه هایش اینطور ، رادیو و تلویزیونش اینطور ، همه اینطور بودند و ما از این ضرر دیدیم ، همه مان از این ضرر دیدیم ، دیدیم که زندگی ما را به هم زدند ، نیروی انسانی ما را عقب زدند . نیروی انسانی ، ما الان کم داریم . برای چه ؟ برای اینکه پنجاه سال ما را کشیدند به مراکز فحشا ، جوانهای ما را کشیدند به مراکز فحشا ، کشیدند به مراکزی که مغزهای آنها را تهی کردند . به آدمی که در این نحو سینماهایی که پیش بود (حالا من نمی دانم وضعیتش چه جور است . آنوقت سینماهایی که بود همه آن دستگاه فساد بود) دیگر یک جوانی که می رفت در آنجا ، پنج روز ، ده روز می رفت عادت می کرد به این ، این دیگر نمی توانست جدی یک عملی بکند ، این دیگر نمی توانست فکرش را متوجه بکند به اینکه نفت شما را دارند می برند و همه چیز ما را دارند ، حیثیت ما را دارند برند و ما مشغول اینکه سینما را تماشا بکنیم ، ستاره سینما را . مجلاتمان اینطور ، سینماهایمان اینطور ، همه چیزمان اینطور شده بود و ما را خودمان را از بین بردند که هیچ ، یکی دیگر را جای ما نشانند و مملکت ما متبدل شده بود به یک چیز دیگری . الان که در این نهضت بسیاری از قشرها آن وضع سابق شان را رها کرده اند ، متوجه شدند .

## این اسلام بود که شما روشنفکران را از انزوا خارج کرد

این حقوقدان ها ، این روشنفکرها ، این عرض می کنم کذاها ، اینها چرا نمی آیند ملحق بشوند به همین جمعیت ها؟ و با همین ها کارشان ، چرا همه دست به هم نمی دهند؟ نوشته هایشان جوری باشد که وحدت کلمه ایجاد کند ، گفته هایشان جوری باشد ، جمعیت هایشان اینطور باشد . چرا می روند توی مجلس نمی دانم وکلا و می گویند که اسلام دیگر به درد نمی خورد؟ جز این است که می خواهند فساد کنند؟ ولو یک کلمه مفتی که به یک کسی بگوید ، که در کسی تأثیر نمی کند ، اما خود این معنی نشان این را می دهد که این رشد نیست . الان اگر این تمیز می داد که این اسلام بود که همه شما را از خارج کشید اینجا و حالا آزاد شدید ، این اسلام بود که شما را از انزوا بیرون آورد ، شما همه توسری خور سازمان امنیت بودید ، شما همه نمی توانستید اظهار وجود کنید ، حالا که اسلام آمده و شما را از زاویه بیرون کشیده و از خارج وارد کرده در میدان عمل ، حالا برضد همان اسلامی که همچو خدمتی برای شما کرده است ، قیام کردید؟! این را باید اسمش را چی گذاشت؟ این را اسمش را می گویند تشخیص نمی دهند؟ اینقدر با اسلام بد هستند که حتی حاضرند که امریکا و شوروی براینها حکومت کنند و اسلام روی کار نیاید . چه جوری است وضع؟ اصلاح کنند مردم خودشان را . باید این طبقه روشنفکر و این طبقه ای که عرض می کنم که کار آمد هستند ، خودشان را اصلاح بکنند . این

طبقه مردم زود سالم می شوند، دست نخورده اند اینها ما هر چی داریم از این طبقه ای که ادعا کنند که ما روشنفکریم و ماحقوقدانیم و ما نمی دانم طرفدار چه هستیم و اینها، ما هر چه داریم از اینها داریم صدمه می خوریم. چرا دست به هم نمی دهند که این کار را بکنند؟ چرا جلوگیری می کنند از این سیلی که راه افتاده است و می خواهد کارها را اصلاح بکند؟ این دردهایی است که هست و شماها باید درمان بکنید و دست به هم بدهید که درمان بکنید. حالا شماها که آمدید، این عمل را بکنید تا ببینیم سایرین چه می کنند. اگر من دیدم شماها کردید آنوقت . . .

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 204

## فرمان امام خمینی به حجت الاسلام شاهرخی

بسمه تعالی جناب مستطاب ثقه الاسلام و المسلمین آقای سید محمد تقی شاهرخی دامت افاضاته

با توجه به حساسیت وضع موجود و احتیاج به تسریع در کارهای دادگاه ها و رسیدگی به وضع زندانیان و اصلاح امور مردم بدین وسیله جنابعالی به سمت قاضی شرع در دادگاه انقلاب اسلامی بروجرد منصوب می شوید که انشاءالله تعالی زودتر به پرونده ها رسیدگی و حکم الهی را درباره متهمان اجرا نمائید و افرادی را که مشمول عفو عمومی می شوند از زندان آزاد کنید و در مورد اصلاح امور مذهبی و اجتماعی شهر نیز با همکاری و مشورت علمای اعلام محل و مؤمنین محترم اقدام نمائید . از خدای تعالی توفیقات همگان را در راه خدمت اسلام و مسلمین خواستارم .

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمینی

## بیانات امام خمینی در جمع پرسنل شهربانی همدان

### تفاوت مابین قوای انتظامیه در رژیم طاغوتی و جمهوری اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

فرق مابین قوای انتظامیه در نظام و در رژیم طاغوتی و قوای انتظامی در رژیم اسلامی این است چون رژیم طاغوتی مبنایش بر استفاده های شخصی و رساندن انتفاع به کسانی که ارتباطات خارجی با آنها دارد و می خواهد حفظ کند او را، ناچار آن رژیم به ملت خیانت می کند، می خواهد از چنگ ملت بر باید و به جیب خودش و اربابهایش بکند چنانچه مشاهده کردید و کردیم. از این جهت قوای انتظامی که آن رژیم خواهد این است که جوری تربیت بشود که حفظ همان منافع او را بکند و چون خیانتکار است از ملت می ترسد و چون می ترسد می خواهد که یک قوای درست کند که ملت را بترساند. اینکه قوای انتظامی در رژیم های غیر انسانی و غیر توحیدی کوشش دارند که مردم را سرکوب کنند و بترسانند، این برای این است که خودشان از مردم می ترسند و چون خیانتکارند می ترسند، از این جهت ارتش را جوری درست می کنند، تربیت می کنند که در مقابل ملت بایستد. ملت را از ارتش جداکنند، ژاندارمری را، شهربانی را، اینها را طوری تنظیم می کنند که از ملت جدا باشد و با ملت مخالف باشد. این برای این است که چون دستگاه از ملت می ترسد و می خواهد که اینها با ملت روابط نداشته باشند و مخالف ملت باشند و ملت هم مخالف اینها و لهذا قوای انتظامی در امثال ایران، نه در خود ایران تنها در امثال این کشورها طوری هستند که با مردم در دو جهت واقع هستند. مردم از قوای انتظامی بیزارند و قوای انتظامی هم مردم را می خواهند سرکوبی کنند و تمام اساس این است که آنها برای اینکه خودشان را حفظ کنند یک قوای تربیت می کنند که این قوا آنها را حفظ کند و از ملت هم جدا باشند. شما می دانید که اگر چنانچه این محمدرضا می خواست از یک خیابانی در چند روز دیگر عبور کند، آن جاهانی که در مسیر او بود کنترل می شد. خانه های اطراف خیابان باید یا خالی بشود یا مأمور انتظامی بروند آنجاها پاس بدهند برای اینکه در یک عبوری می ترسید، از مردم می ترسید مردم را هم می ترسانند از باب اینکه می ترسیدند از مردم، می ترسیدند از باب اینکه خیانتکار بودند. خیانت منشأ این شد که یک شخص خائن، اسباب این شد که تمام قوای انتظامیه ای که باید در خدمت مردم باشد اینها راکشیدند به ضد مردم، مردم از شما جدا بودند، متتفر هم بودند، شما هم از مردم جدا بودید و خیال می کردید باید تو سر مردم بزنی. اما رژیم اسلامی اینطوری



نیست برای اینکه آن کسی که مبدأ امر است ، خیانتکار نیست وقتی خیانتکار نیست از ملت نمی ترسد ، ملت به او وفا دارند ، قوای انتظامی در آن رژیم برای حفظ ملت است و برای این است که به مردم خدمت بکنند . وقتی که قوای انتظامی اینطور تربیت شد که به مردم خدمت بکند ، آنها خدمتگزار ملت می شوند ، ملت هم خدمتگزار است از او پشتیبانی می کند . اینکه در آن رژیم شهربانی ها مثل وقتی که مردم اسم شهربانی می شنیدند یا اسم سازمان امنیت را می شنیدند می لرزیدند به خودشان و می ترسیدند از اینها و از شما روگردان بودند این برای این بود که وضع را اینطوری پیش آورده بودند . در این ممالکی که اینها همه می خواهند مردم را بچاپند ، خزائن مردم را ببرند و خدمت بکنند به ارباب هاشان ، اینها ناچارند که برای این کار یک قوای تهیه کنند مناسب با این کار و اینطور تربیت می کردند ، قهرآ آن کسی وارد می شد در شهربانی یا وارد می شد در ژاندارمری یا وارد شد در ارتش ، به این ترتیب وارد می شد ، از آن طرف شاهدوستی را باید خیلی تزیق کنند که هر روز بخوانند به گوش سربازهای جوان و از آن طرف مردم را از اینها جدا بکنند . حساب مردم حساب علیحده ، شهربانی با مردم هیچ رابطه ای نداشت مگر اینکه این رابطه که یکی را بیاورند آنجا وکتکش بزنند و حبسش بکنند و آن ترتیب .

### **مردم با طبقات ارتشی و ژاندارمری و شهربانی ، خودشان را از هم جدا ندانند**

شما امروز در رژیم اسلامی واقع هستید یعنی رژیمی که اساسش بر این است که مردم با طبقات ارتشی و ژاندارمری و شهربانی خودشان را از هم جدا ندانند . شما خودتان را از آنها بدانید آنها هم خودشان را از شما بدانند و با آغوش باز از شما ، پذیرائی کنند ، شما کوشش کنید که این معنی را در ذهن مردم با اعمالتان وارد کنید شما پنجاه ساله اید ، شما که سن تان جوانید مردم ملت پنجاه و چند سال از این لباس بدی دیده اند ، از وقتی که شهربانی را دیدند ، دیده اند که این شهربانی معنایش این است که آدم را بزند و بگیرد و حبس کند و زجر بدهد و از او چیز بگیرد ، از ارتش هم همین طور ، از ژاندارمری هم همین طور ، پنجاه سال ملت ما اینطور دیده قبلا هم اینطور دیده . اما حالا آنکه ما واردش هستیم این را تا بخواهید از ذهن مردم بیرون کنید یک قدری طول دارد لکن می توانید که شما این چیزی که در ذهن آنها در این پنجاه سال رفته است از آنوقتی که چشمش را باز کرده است از سازمان امنیت ترساندنش و از ارتش ترساندنش و از ژاندارمری ترساندنش ، این را باید با عمل کاری بکنید که از قلب او بیرون بیاید و بفهمد که امروز غیر دیروز است .

### **قوای نظامی در صدر اسلام با وجود تجهیزات ناقص برد و امپراطوری بزرگ غلبه کردند**

امروز روزی است که ملت با این قشرهای انتظامی رفیقند و دوستند و برادرند . آنها می خواهند حفظ کنند این انتظامات را برای ملت ، ملت وقتی دید که این طایفه خدمتگزار او هستند و محبت به او

می‌کنند، نسبت به کسی که خدمت به او می‌کند، حفظ می‌کند نظم مملکتش را، قهرا علاقه مند می‌شود. شما کوشش کنید که همین معنائی که الان هست که بنا این است که رژیم جمهوری اسلامی رژیم مردمی باشد، همه با هم باشند. قوای انتظامی مردم همانطور که در صدر اسلام بوده است که از خود این مردم بودند، اینطور نبوده است که آن کسی که استاندار یک جایی می‌شده، می‌خواهد برود مردم را بچاپد، در آن زمانها اینطور بودند. این را یادم هست، که حالا در چه وقتش بود نمی‌دانم، اگر یک کسی را استاندار آذربایجان مثلا می‌کردند، اجاره می‌دادند به آنها، یعنی این آدم باید مثل پنجاه هزار تومان یا ده هزار تومان آنوقت بدهد به آن کسی که باید این را سر آن کار بگذارد (نخست وزیرش، خودش یا صدر اعظمش) باید اینقدر بدهد که برود استاندار آذربایجان بشود. این به آنجا که می‌رفت چون اجیر است و اینقدر گرفته باید دو مقابل، آنجا بگیرد یا بیشتر تا اینکه خوب، هم مال لاجاره را بدهد، هم نفع ببرد. وضع اینطور بود که اجاره بندی بود، آذربایجان چون بزرگتر بود زیادت، همدان چون کوچکتر بود کمتر، همه روی یک اجاره بندی خاصی بود که روی این اجاره بندی استاندار تعیین می‌شد یا فرض کنید که فرماندار تعیین می‌شد، این وضع ها در اسلام نیست، این بساط در اسلام نیست، آن هم که در صدر اول است و بالاتر از همه به حسب نظامش هست، با سایرین در یک طبقه نشسته اند، با هم دوستند، رفیقند، صحبت می‌کنند و تفاهم دارند با هم و لهذا یک لشگر و یک ارتش، آنوقت که اسمش را نمی‌شد ارتش بگذارید یک عده عرب بودند که اینها چندتاشان یک شمشیر داشتند، چندتاشان یک اسب داشتند، اینها غلبه کردند بر این دو تا امپراطوری بزرگ که امپراطوری روم بود و ایران، بزرگترین امپراطورها آنوقت اینها بودند. این یک مشتی عرب از باب اینکه قوی بودند، ایمان داشتند و از ملت بودند و اینطور نبود که بخواهند برای استفاده یک کاری بکنند، می‌خواستند خدمت بکنند اینها، در مقابل آنها ایستادند و از آن طرف با اینکه عدد زیاد بود و تجهیزات زیاد بود و عرض می‌کنم که اسب ها کذا وزین اسب ها طلا و اینها لکن روحیه نداشتند، اینها را در یکی از جنگ ها می‌بستندشان در ذوالسلاسل دیگر، می‌بستند اینها را که مباد فرار کنند، با زنجیر می‌آوردند که جنگ بکنند. عرب ها شمشیر را کشیده بودند و ریختند همه اینها را از بین بردند و یک عدد کمی با تجهیزات ناقص، یعنی ناقص که نمی‌شود اصلا اسم تجهیزات روی آن بگذاری یک چند تا شمشیر و یک چند تا اسب و یک چند تا شتر و اینها برای اینکه روحیه اینها روحیه مادی بود، ضعیف، روحیه آنها روحیه معنوی بود و قوی.

### **به مملکت رسول خدا و صاحب الزمان خدمت کنید**

شما امروز شهربانی دولت جمهوری اسلامی هستید، افرادتان یکی یکی باید ملاحظه این را بکنند که من در شهربانی اسلامی دارم کار می‌کنم رئیس شهربانی هم باید همین معنا را در ذهنش بیاورد، جمعیت تان هم باید همین معنا در ذهنش باشد که ما در یک مملکتی می‌خواهیم شهربانی بکنیم که این مملکت مال امام زمان سلام الله علیه است، مال حضرت امیر سلام الله علیه، مال پیغمبر است. ما

داریم خدمت به پیغمبر و اسلام می کنیم، ما نباید به مردم حالا عرض کنم که قدرت فروشی بکنیم، خیال بکنیم ما یک قدرتمندی هستیم و مردم چیزی نیستند، اگر این کار را بکنید محبوب مردم نیستید، دل هاتان مطمئن، آرام، وقتی شب می روید منزل با دل آرام منزل می خوابید هیچ تشویشی در کار نیست، اما اگر یک رژیم باشد که مخالفت بخواهد بکند حتی آن کسی که ظالم است به حسب نوع مردم، مگر بعضی شان که دیگر متبدل به یک حیوانی شده اند آنها ناراحتند از اینکه اذیت کنند مردم را، این یک چیز جبلی است، آدم وقتی هم به یکی اذیت بکند خودش هم ناراحت می شود. اما در این رژیم باید همه با دل راحت انشاءالله و با قدرت، اما قدرت برای اشخاصی که فساد می کنند، و با رحمت برای دوستان خودتان، (اشدأ علی الکفار رحماً بینهم) دستور خداست که وصف مؤمنین این است که در مقابل اجانب ایستند قوی، بین خودشان دوست و رفیق و رحیم و اینها.

انشاءالله خداوند همه تان را حفظ کند. موفق باشید به اینکه خدمت بکنید به این مملکت.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 209

## بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان کاشان

### هدف عمده رژیم طاغوت انحراف نیروهای جوان به طرف فحشا بود

بسم الله الرحمن الرحيم

شما خودتان در ضمن بیان گفتید که فرهنگ دو هزار و پانصد ساله، دو هزار و پانصد سال فرهنگ غلط رژیم طاغوتی و پنجاه و چند سال رژیم که ما ادراک کردیم و ده پانزده سال هم رژیم که شماها که جوانید ادراک کردید، تمام همشان در انحراف بود، نیروی جوانی را و نیروی انسانی را می خواستند که منحرف کنند و یا مشغول کنند به چیزهایی که مربوط به زندگی نیست. اینهمه مراکز فحشا، اینهمه مخدرات، اینهمه مراکزی که باید آموزشی باشد، بر خلاف آموزش و فاسد کننده، اینها همین طور من باب اتفاق واقع نشده است، اینها نقشه داشته است و با آن نقشه عمل شده است، نقشه این بوده است که نگذارند نیروی فعال این مملکت رشد کند و به فعالیت انسانی خودش ادامه بدهد و لهذا از طریق های مختلف با برنامه های بسیار وسیع و مختلف کوشش کردند که نیروی انسانی ما را نگذارند رشد بکند. آنها از نیروی انسانی می ترسند، اصلا از انسان می ترسند آنها تجربه کرده اند که در دوران سابق گاهی یک نفر آدم وقتی پیدا شد در مقابلشان ایستاد و منافع شان را مانع شد که درست به آزادی ببرند ولذا برنامه آنها (خارجی هائی که می خواهند استفاده از ما ببرند) برنامه این است که نگذارند انسان پیدا بشود و بهتر از همه چیز این است که نیروی جوانی را منحرف کنند از آن راهی که باید برود، بکشندش به طرف فحشا، بکشندش به طرف سینمایی که آن برنامه های فحشائی را داشت. این از صبح که بیدار بشود تا پیچ رادیو را چیز بکند، موسیقی، تا تلویزیون را نگاه بکند، آن مناظر بد و باز گوشش و چشمش را مشغول کند تا از منزل بیرون بیاید، راهش راه این باشد که یا اطراف دریا برود و آن وضع یا دنبال مراکزی که مهیا شده و آسانش کرده اند و ارزانش کرده اند برود و عادتش بدهند به این مسائلی که شهوی است، به این مسائلی که مغز انسان را فاسد می کند و همه مطلب این است که نگذارند تفکر کند در اموری که احتیاج به آن دارد. اگر جوان های ما اینطور عادت کردند که دائما اذهانشان مشغول شد به آن چیزهایی که در سینما به آنها نشان داده اند و آن چیزهایی که از رادیو شنیده اند و آن چیزهایی که در خارج برایشان مهیا کرده اند، اینها تمام افکارشان متوجه به همان مسائل می شود، مسائل شهوی، شب که توی منزلش می رود و فکر همان مسائل، در رختخوابش می رود و شب هم اگر خواب ببیند همان مسائل را خواب می بیند وقتی هم بیدار می شود اول چیزی که در ذهنش وارد

می شود همان مسائل است، وقتی هم می رود سراغ یک کاری و اشتغالی، حواسش به آنجاست تا کی وقتش بشود که برود سراغ آن مسائل، یک همچو موجودی نمی تواند در مسائل جدی فکر کند، فکرش نمی آید دنبال مسائل جدی. یک مغزی را که اینطور تربیت کرده اند، این مغز اصلش وارد بشود در یک فکر روز و فکر مسائل حیاتی و جدی، تمام افکارش متوجه به آن مسائل شهبوانی و حیوانی است. این یک برنامه بوده، همین طور اتفاق نیفتاده است که در این ممالک ما اینطور به خودی خود شده باشد که جوان ها این کارها را کرده، فکر این یک مسأله ای بوده است که روی یک نقشه ای که از خارج داده اند به اینها و طرح کرده اند و اینها هم در خارج اینها را عمل کرده اند. این یک باب واسعی است که علاوه بر آن مسائل دیگری که دارند، یک باب واسعی است که از همه اطراف چشم و گوش جوان های ما را به روی مسائل حیاتی ببندند، به مسائل دیگر منحرف کنند. قضیه روزنامه ها علیحده، قضیه مجلات با آن وضعی که می دانید علیحده و همین طور هر جا گوشت را باز بکنی می بینی یکی از آن مسائل است، یک وقتی بود که در تهران من گاهی عبور می کردم همین طور که آدم می رفت موسیقی بود، در تمام دکان ها صدای موسیقی که پخش شد همانطور تا آخر موسیقی بود، این مغز را اینطور متزلزل می کردند، حواس را می بردند دنبال این مسائل که مبادا راجع به آن مسائلی که مربوط است به زندگی شان، مربوط به آن مسائل انسانی شان هست، مربوط به استقلال مملکت شان است مبادا متوجه به او بشوند و همین طور هم هست، توفیق هم یافتند که اصلا در طول این پنجاه و چند سال الا کمی از اوقات آنهم کمی از مردم، توجه به این مسائل اصلش نداشتند.

### **پیدا شدن روزنامه در منزل یک روحانی را نقصش می دانستند**

از آن طرف تبلیغات دامنه دار که طبقه روحانی را جدا کنند از مسائل روز، آنچنان تبلیغ کرده بودند که اوائلی که من همان سال اول، دومی که من آمدم به قم، در قم وضع جوری بود که یکی از روحانیون که رئیس بود، در اینجا مورد طعن مردم بود، می گفتند در منزلش روزنامه پیدا می شود، روزنامه پیدا شدن در منزل یک روحانی را نقصش می دانستند. فلان آخوند، سیاسی است و طعن می زدند آخوند سیاسی است به اینکه فلان آخوند سیاسی است جدا می کردند روحانیون را، محدودشان می کردند به همان مسائل شخصی و از مسائل اجتماعی و مسائل سیاسی جدا کردند و تبلیغات همچو بود که یک آخوندی اگر چنانچه می خواست در این امور دخالت کند می ترسید از مردم، مطعون می شد، کنار گذاشته شد. اینطور درست کرده بودند این هم یک باب واسعی بود برای جدا کردن روحانیون از مسائل روز. یک باب واسع هم جدا کردن روحانیون از دانشگاه بود که این هم نقشه بود، برای اینکه من باب اتفاق اینها به نظر نمی آید باشد، همه اینها طرح هائی بود که درست کرده بودند برای اینکه استفاده ها را ببرند و کسی حرف نزند. جدا کردن روحانیون از دانشگاه، پیش روحانیون اینطور منعکس می کردند که دانشگاهی ها یک دسته فکلی نمی دانم کذا و کذا، پیش آنها هم می گفتند آخوندها اصلا درباری هستند. این دو تا قشر را از هم جدا می کردند، نه فقط جدا، دشمن این به او بد

می گفت، این به او بد می گفت، درگیری تبلیغاتی جدا می کردند این دو طایفه را از هم. طرح ها بود برای این جدائی در قبل از ماه رمضان که وقت اجتماعات است و قبل از ماه محرم که وقت اجتماعات است اینها یک طرحی درست می کردند ماها غافل و بیچاره طرحی درست می کردند که تمام ماه مبارک مردم در منابر سر آن طرح با هم دعوا می کردند. دانشگاهی به اینها حمله می کرد، اینها به دانشگاهی، تمام ماه مبارک را به یک مسائلی که ربطی نداشت به مسائل روز و زندگی سر اینها را گرم می کردند و آن کنار می نشستند و به ماها می خندیدند. ما اینطور بی اطلاع از مسائل روز و بی اطلاع از نقشه های شوم آنها. این هم یک باب واسعی بود که اینطور چیز کرده بودند و همین طور امثال اینها.

### **امروز باید همه اقشار هوشیار و مجهز باشند در مقابل نقشه های شیطانی**

حالا باید ما فکر این مسائل باشیم هم طبقه روحانیون و هم طبقه دانشگاهی و دانشجویان و سایر طبقات به فکر این مطلب باشیم که الان اینها احساس کرده اند، لمس کردند که اتصال مردم به هم آنها را شکست داد و نتوانستند مقاومت کنند، روی یک وحدت کلمه جامعه نتوانستند مقاومت کنند، با تمام جدیتی که آمریکا به صراحت و انگلستان به صراحت و شوروی هم برای حفظ این جرثومه فساد می کردند نتوانستند حفظش کنند و فهمیدند که این برای این بود که قشرهای مختلف با هم مجتمع شدند و مقصود همه هم این بود که یک حکومت عدل اسلامی. مجتمع شدند در این مسأله حق. الان بیشتر ما احتیاج به این داریم که خودمان را حفظ کنیم و مجهز باشیم. پیشترها اینها همه کارها را البته می کردند لکن مسائل کلی در نظرشان بود، آنکه شاید اینها با هم مجتمع بشوند، شاید این دوقوه متفکر روحانی و دانشگاهی با هم بشوند، شاید توده های مردم با اینها بشود، شایدها بود و روی شایدها این همه نقشه ها بود. حالا احساس کردند، در این نهضت عینا دیدند که مسأله چه بود، دیدند که همه قدرت ها در مقابل قدرت ایمان و اجتماع مردم بر امر اسلامی، فشل شده است. الان بیشتر نقشه ها، نقشه شیطانی در کار است و الان بیشتر ما باید هوشیار باشیم گمان نکنیم به اینکه ما حالا دیگر این سد را شکستیم و تمام شد.

الان اینها مشغول تجهیزند. اجتماعات، اتصالات و اشخاصی که با هم اصلش دوستی نداشتند، گروه هائی که با هم هیچ ارباب نداشتند حالا پیوند کردند، پیوند می کنند، شما روزنامه ها را بخوانید قضیه قانون اساسی و خبرگان، ببینید چه گروه هائی با هم مجتمع شدند برای اینکه کاندید بدهند.

### **مهم این است که خبرگان باید خبرگان اسلامی باشد**

توجه داشته باشید کاندیدهایتان اسلامی باشند. ما می خواهیم یک مملکت اسلامی درست بکنیم، یک مملکت غربی نمی خواهیم درست بکنیم. مملکت اسلامی قانونش باید اسلامی باشد، باید آن کسانی را که تعیین می کنید برای بررسی، خبره اسلامی باشند، مثل این می ماند که \_ مثلا \_ ما

بخواهیم یک کسی را معالجه کنیم برویم یک فقیه را چون فقیه است بیاوریم برای معالجه \_ یک یک \_ این را باید طیب باشد تا معالجه کند ، فقیه هم هرچه فقیه باشد عقلش نمی رسد راجع به طب . ما می خواهیم یک قانون اسلامی ، یک جمهوری اسلامی . این جوانهای ما در خیابان ها ریختند و غلبه کرده اند بر اینها ، روی آن حس اسلامیشان بود و الا اگر کلمه اسلام را بر می داشتیم کنار می گذاشتیم ، مردم مگر بی عقلند که بروند جلوی توپ و تانگ ، مردم برای اسلام روند . صدر اسلام ، سربازهای اسلامی برای اسلام جانشان را به خطر می انداختند یعنی خطر نمی دیدند ، خطر برای خودشان نمی دیدند برای اینکه مردن را خطر نمی دانستند . جوانهای ما اینطور شده بودند و الان هم هستند . الان هم بعضی وقت ها شاید هر چند روزی یک دفعه یکی می آید بیخ گوش من می گوید دعا کنید من شهید بشوم . جوان اینطور آمده است الان به میدان . این حس ، حس انسانی و حس اسلامی ما را پیروز کرده است و روی این حس است که مردم خون خودشان را دادند . حالا بعد از اینکه رسیدیم به اینجا بیائیم یک قانون آمریکائی درست کنیم ، یک قانون اروپائی درست کنیم ، یک قانون اساسی غربی درست کنیم ، خون جوان همامان را هدر بدهیم ، این الان دست خودتان است . این قانون پیش نویس است . پیش نویس هیچ چیز نیست . باید رأی بدهید . باید نظر بدهید و مهم این است که خبرگان باید خبرگان اسلامی امین ، مسلمان ، متوجه غرب و شرق ، تحت تأثیر غربی و شرقی نباشند ، تحت تأثیر مکتب های انحرافی نباشند . اینهایی که می خواهید قرار بدهید اینطور نباشد که تحت تأثیر مکتب مارکس یا امثال اینها باشند ، اینها باید اسلامی باشند ، مجلس خبرگان را که می خواهید درست بکنید باید افراد خبیر و دانشمند به احکام اسلام و اشخاصی که امین هستند و اشخاصی که تحت تأثیر مکتب های انحرافی نیستند و اشخاصی که با این ملت هستند و اشخاصی که دلسوز به اسلام هستند یک همچو اشخاصی را ، البته اشخاص خبیر مطلع و مطلع بر اوضاع روز ، اینها را باید تعیین بکنید تا بررسی بکنند و یک قانونی که مطابق با میل همه ملت است که آن عبارت از قانون غیر مخالف با قانون اسلام است ، هیچ چیزش مخالف با اسلام نباشد انشاءالله درست بشود و بعدش آنوقت به نظر همه مردم گذاشته بشود ، مردم رأی به آن بدهند و آن قانون تصویب شده باشد . انشاءالله که خداوند همه شما را حفظ کند ، موفق کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی امیرآباد و جوادیه تهران

### پاسداری در دولت اسلامی دارای شرافت زیاد و مسئولیت بزرگ است

بسم الله الرحمن الرحيم

من امیدوارم که همه ما سرباز اسلام باشیم و گوش به فرمان خدای تبارک و تعالی و من امیدوارم که شما پاسداران همانطور که پاسدار اسلام الان هستید، پاسدار جمهوری اسلام هستید، پاسدار خودتان هم باشید. شما امروز با سمت پاسداری در جمهوری اسلامی یک شرافت زیاد و بزرگ دارید و یک مسئولیت بزرگ. اما شرافت برای اینکه خدمتگزار به اسلام، خدمتگزار به دین اسلام شریف است و اما مسئولیت برای اینکه شمائی که برای اسلام هستید و سرباز اسلام هستید باید همه چیزتان را اسلامی کنید. خدای نخواسته اگر چنانچه از سربازهای اسلام به مردم یک تعدی بشود، یک چیزی واقع بشود، یک مکروهی واقع بشود، این پای اسلام حساب می شود. در رژیم طاغوتی هر کاری که سازمانی ها می کردند و دیگران و قوای انتظامی، پای طاغوت حساب می شد. امروز این رژیم رفت و رژیم اسلامی است شما هم پاسدار رژیم اسلامی هستید. اگر خدای نخواسته از بعضی جوانهای شما یک تعدی، یک چیز مکروهی، یک چیزی واقع بشود که مردم مثلاً خوششان نیاید، حالا دیگر نمی گویند رژیم طاغوتی، گویند در رژیم اسلامی هم این مسائل هست و نمی گویند آن آدم این کار را می کند، می گویند پاسدارها این کار را می کنند. اگر یک پاسدار قدمش را کج بگذارد، می گویند پاسدارها اینجوری هستند چنانچه اگر یک روحانی پایش را کج بگذارد، می گویند روحانی ها اینطوری هستند. این یک مسئولیت بزرگی است که برای ما هست و برای شما. برای ما هست برای اینکه ما خودمان را منتسب به اسلام می کنیم. ما هم مثل شما پاسدار اسلام هستیم انشاءالله. و برای شما هست برای اینکه شما الان پاسدار اسلام هستید.

### در رژیم اسلامی دولت و ملت از هم جدا نیستند با همد

خیلی مواظب باشید که صحیح رفتار نکنید. با مردم برادر باشید. فرق ما بین رژیم طاغوتی و رژیم اسلامی اینست که در رژیم طاغوتی مردم جدا بودند از قوای انتظامیه، از رژیم. هر کدام مقابل هم ایستاده بودند. ملت هر چه می توانست کار شکنی می کرد برای دستگاه دولتی. دولت هم هر چه میکرد برای استفاده خودش و برای فشار به ملت بود. اما در رژیم اسلامی دولت و ملت از هم جدا نیستند،



باهمند . دوست و برادرند . برادر باشید با مردم . همین قوای انتظامی که شما هم الان از این قوا هستید ، اینها باید در خدمت مردم باشند مردم احساس کنند که شما در خدمت آنها هستید ، وقتی این احساس بشود آنها مثل برادر با شما رفتار می کنند ، دعا به شما می کنند ، پشتیبان شما هستند .

### **سرباز در دولت اسلامی مثل سربازان صدر اسلام با خداست**

اینکه در آن رژیم ها تا یک صدائی بلند شد همه رها کردند و متصل شدند به ملت ، برای اینکه کار ، کار شیطانی بود ، ملت هم پشتیبان نبود ، خودشان هم از باطن پوسیده بودند . اما در رژیم اسلامی کار ، کارخدائی است و سرباز ، سرباز خداست و قوی است . چنانچه در صدر اسلام با یک عده کمی آن فتح ها و پیروزی ها نصیبشان شد ، ایران را ، روم را شکست دادند . شما هم الحمدلله با روحیه قوی ، ایمان به خدا ، این طاغوت را شکست دادید و طاغوتی که در باطن خودتان هست شکست بدهید .

مهم این است که آن طاغوت را شکست بدهید . امیدوارم که انشاءالله با سلامت و سعادت و در تحت رهبری آقا این راه را طی بکنید و این نهضت را به آخر برسانید که یک حکومت اسلامی با محتوای اسلامی که تمام جاها که انسان پا می گذارد ببیند که اسلامی است . خداوند همه شما را موفق کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## فرمان امام خمینی به حجت الاسلام جبل عاملی

بسمه تعالی

خدمت حضرت مستطاب حجت الاسلام و المسلمین آقای شیخ عبدالجواد جبل عاملی دامت برکاته

امید است وجود محترم از بلیات محفوظ و به وظایف الهی مشغول باشید . ضمناً با توجه به لزوم تسریع در کار دادگاه های انقلاب و رسیدگی به پرونده متهمان ، لازم است جنابعالی در شهر سده (خمینی شهر) و توابع ، دستور رسیدگی و اقدام در مورد پرونده ها را بدهید و به همین جهت جنابعالی به سمت قاضی شرع منصوب می شوید تا مستقیماً در دادگاه ها شرکت و قضاوت نموده و احکام صادره را اجرا نمایید و در اصلاح کارهای محول و مشکلات اهالی نیز به هر نحو مصلحت دانید اقدام نمائید .

از خدای متعال ادامه توفیقات جنابعالی را خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 216

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران ملکان آذربایجان

### ایمان و وحدت، این رمز پیروزی را حفظ کنید

بسم الله الرحمن الرحيم

آذربایجانی‌ها همیشه در نهضت‌های اسلامی پیشرو بوده‌اند و همیشه چشم ما به جوان‌های آنها و جوان‌های سایر ملت ایران روشن است. شما می‌دانید که این نهضت با قدرت اسلامی و با قوت ایمان پیش برد، وگرنه ما در مقابل آنها چیزی نداشتیم و آنها همه چیز داشتند و شما جوانان با قدرت ایمان این نهضت را تا اینجا آوردید و به پیروزی رساندید. این قدرت ایمان را حفظ کنید. اگر خدای نخواست سستی یا تفرقه‌ای پیش بیاید یا مخالفت قشرها با یکدیگر پیش بیاید، خوف آن است که دشمن‌های شما با هم متحد بشوند و بر ما غلبه کنند آنوقت است که اسلام را کنار زنند و بر ما حکومت می‌کنند، همان حکومت‌های جابرانه، لیکن اگر این ایمان و این وحدت را حفظ کنید و همه به سوی اسلام باشید هیچ قدرتی بر شما پیروز نخواهد شد.

آنها الان در صددند که با هم ارتباط پیدا بکنند و شما را از هم جدا کنند. این گروه‌ها، این منطقه‌ها را با تبلیغات غلطشان از هم جدا کنند، با اسم‌های فریبنده. در حالیکه ما می‌خواهیم به ملت خدمت بکنیم در صورتی که آنان دشمن ملت هستند.

اینها کسانی هستند که در طول مدت رژیم منحوس شاهنشاهی به او کمک می‌کردند و در خدمت او بودند، الان هم برای خدمتگزاری به آن رژیم است یا خدمتگزاری به ارباب‌های رژیم این فساد را می‌کنند، می‌روند در کردستان یک جور تبلیغ می‌کنند، در خوزستان جور دیگر، پیش شماها یک جور، در دهات طور دیگر، در شهرستان‌ها از طریق دیگر، در کارخانه‌ها پیش زارعین طوری دیگر. مقصد این است که نگذارند جمهوری اسلامی به معنای واقعی‌اش تحقق پیدا کند، برای اینکه از اسلام می‌ترسند، اینها می‌دانند که اگر عدل اسلامی محقق شود، برای توطئه‌گرها، برای طاغی‌ها، برای چپاولگرها دیگر راهی باقی نمی‌ماند و لهدا دست و پا می‌زنند که نگذارند جمهوری اسلامی آنطور که میل ماست تحقق پیدا بکند. ولی انشاءالله به قدرت شماها و با قدرت اسلام و به پشتیبانی ولی عصر سلام الله علیه ما پیروز هستیم و شما جوانها انشاءالله موفق و موید باشید. انشاءالله خداوند به شما توفیق عنایت کند و این را با هم بروید و به مقصد برسید تا دنیا بفهمد که حکومت عدل علی یعنی چه.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## پیام امام خمینی به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان

بسم الله الرحمن الرحيم

باحلول ماه مبارک رمضان، ماه عبادت و سازندگی، ماه تجدید قوای معنوی، شهرالله الاعظم که در آن عموم مسلمانان در صف واحد متوجه به موضع قدرت لایزال و تجهیز در مقابل قوای طاغوتی هستند، لازم است با توحید قدرت و قدرت واحده در مقابل طاغوت های زمان و چپاولگران بین المللی بپا خیزند و از ممالک اسلامی دفاع کنند، دست خائنان را کوتاه و امید آنان را قطع نمایند. اکنون عموم مسلمانان و مستضعفان و خصوصاً ایران عزیز و لبنان و فلسطین مغضوب، مراحل حساسی را در پیش دارند. ایران با اخلا لگران وابسته به رژیم و منحرفین و صهیونیسم جهانی و لبنان و فلسطین با اسرائیل دشمن اسلام و مسلمین و مفسد آدمخوار روبروست. اکنون برادران مسلمان ما در فلسطین و لبنان گرفتار تجاوزات غیر انسانی اسرائیل اند و اگر خدای نکرده اسرائیل در آن میدان پیروز شود، دامنه تجاوزاتش را به سایر کشورها نیز خواهد کشید. مقتضی است در اجتماعات ماه مبارک به برادران فلسطینی و لبنانی دستجمعی دعا شود.

لازم است در آستانه فرا رسیدن ماه مبارک رمضان مطالبی را تذکر دهم:

1\_ در این موقع حساس که بیش از هر وقت دیگر احتیاج به اجتماعات اسلامی داریم، لازم است ملت مسلمان ما در تمام بلاد به مساجد روی آورند و نهضت را از راه مساجد که دژهای محکم اسلامند، زنده نگه دارند و با شعارهای اسلامی نهضت را پیش برند.

2\_ خطباً محترم و اهل منبر، مردم را به وحدت کلمه و ادامه نهضت و تقوی و صبر انقلابی دعوت کنند و از اختلاف و تفرقه که اساس شکست و عقب ماندگی است بترسانند و با یاد آوری جهاد سید مظلومان و مصیبات وارده بر آن حضرت، ملت را به مجاهدت تا پیروزی نهائی و رسیدن به حکومت اسلامی در تمامی ابعادش فرا خوانند. ذکر فداکاری ها و مجاهدات مجاهدین صدر اسلام، نه تنها در امروز، بلکه تا ابد اسلام را زنده نگه می دارد.

3\_ لازم است علماً جمیع بلاد، از مرکز تا دورترین استان ها و شهرستانها برای رسیدن به هدف اسلامی تشریک مساعی نمایند و برای انتخاب مجلس خبرگان، همه مجتمعا در انتخاب کاندیدا مشترک باشند و هر یک یا هر محل کاندیدای جداگانه نداشته باشند، که در این تفرق، خوف شکست و مخاطره عقب راندن اسلام و احکام مترقی آن است. امروز، چنانچه ملاحظه می نمائید بعضی

از گروه هائی که با هم اتحاد نداشته اند، در این امر متحد شده و کاندیدای مشترک تعیین نمودند. من بیم آن دارم که شما از حق خود متفرق شوید و خدای نخواستہ سستی در انقلاب پدید آید. لازم است در این امر حیاتی، برای مصالح اسلام از مقاصد دیگر دست برداشته و همه علما و قشرهای علاقه مند به اسلام، خصوصاً جوانان پرشور اسلامی در تعیین خبرگان، متحد شوند. در این صورت خداوند تعالی با شماست. امیدواریم که در این چند روز، کاندیداهای مشترک همه علماء بلاد و علاقه مندان به اسلام را در رسانه ها بشنوم و بخوانم. از خداوند تعالی قدرت اسلام و پیروان را خواهانم.

4\_ من با پشتیبانی ملت عظیم مسلمان، از موضع قدرت به بدخواهان نهضت اسلامی و به توطئه گران راست و چپ اخطار می کنم که دست از افساد و توطئه بردارید و برای مصالح کشور به ملت بپیوندید و از نفاق و خدمت به اجانب پرهیزید و گمان نکنید با این حرکات جاهلانه می توانید ملت را از مسیر خود باز دارید و نیز به مطبوعات و رسانه های جمعی همین اخطار را اکیدا می کنم، آزادی غیر از توطئه است. از توطئه های خلاف مصالح عالیہ اسلام و کشور و ملت جدا جلوگیری می شود و من در صورت احساس خطر جدی، مسائل را با ملت عزیزم در میان می گذارم تا ملت دلیر، خود تصمیم لازم را بگیرد، که تا به حال در مسائل مختلف، تصمیم قاطعانه گرفته است.

5\_ اینجانب به برادران اسلامی، در همه کشورها خصوصاً به برادران عرب و ملت عظیم عرب که پیشتازان اسلامند، خطر عظیم اجانب، خصوصاً صهیونیسم را کرارا اعلام کرده ام. لازم است در شهر رمضان که ماه اجتماعات اسلامی است، مومنین در مجامع عمومی پرده از توطئه های این غول جهانخوار برداشته و خطرات دشمن انسانیت را بر ملا کنند.

6\_ لازم است از متفکرین بزرگ جهان اسلام دعوتی به عمل آید تا ابعاد مختلف انقلاب کبیراسلامی ایران تشریح گردد و ضرباتی که این انقلاب بر پیکر جهانخواران بین المللی زده است ارزیابی گردد تا تبلیغات سوء دشمنان انقلاب اسلامی ما نقش بر آب گردد. از خداوند متعال عظمت اسلام و کشورهای اسلامی را خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته

روح اللہ الموسوی الخمینی

## پیام امام خمینی به ملت ایران در آستانه انتخابات مجلس خبرگان

بسم الله الرحمن الرحيم

در آستانه انتخابات خبرگان برای بررسی پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی لازم است با ملت شریف و مبارز مطالبی را در میان گذارم:

1\_ ملت شریف با نهضت عظیم خود و قیام مردانه، با ایثار جان و خون و از دست دادن ده ها هزار شهیدان ارجمند و به جا گذاشتن ده ها هزار معلول و معدوم، کشور را از لوٹ و وجود خیانتکاران و اجانب پاک و با رفراندم بی مانند خود به جمهوری اسلامی رأی مثبت داد که حکومت عدل اسلامی برقرار و احکام مترقی اسلام اجرا شود و از این جهت جمهوری صد در صد اسلامی است و قانون اساسی آن باید به هیچ وجه مخالف با احکام اسلام نباشد و برای رسیدن به این مقصود لازم است با شور و شعف همانند رفراندم، زن و مرد و بزرگ و کوچک به صندوق آرا هجوم برده و آرا خود را در آن بریزند و هر چند ماه مبارک است و زحمت دارد لکن این امر از عبادات بزرگ محسوب خواهد شد.

2\_ خبرگانی که برای رسیدگی به قانون اساسی جمهوری اسلامی انتخاب می شوند باید آشنا به مسائل اسلام و خبره در آن باشند و نیز معتقد به اسلام و متعهد و امین و ملی و مورد اعتماد و بی گرایش به چپ و راست و پرهیزکار باشند. ملت عزیز! سرنوشت خود را به کسی دهید که در مسیر شماسست که مسیر اسلام است. در هر شهرستان و حوزه انتخاباتی علمای اعلام و معتمدین محل منتخبین خود را با وحدت کلمه تعیین و ملت را دعوت به انتخابات آنان کنند و من امیدوارم که ملت شریف از ارشاد علمای اعلام خود بهره مند شده و اسلام و مصالح کشور اسلامی را با این عمل انسانی\_ اسلامی حفظ نمایند.

اینجانب راجع به قانون اساسی و خبرگان مطالبی دارم که انشاءالله بعد از این بیان می کنم.

3\_ این روزها در بعضی مصاحبات و مطبوعات مطالبی مبنی بر نزدیکی خطر منتشر می شود که جز جنگ اعصاب و تبلیغات بی سرو پا چیزی نیست. ملت ما که قدرت شیطانی عظیم دشمن را از دست او گرفت و رژیم شاهنشاهی را از تاریخ محو کرد از این تبلیغات بی مایه نمی هراسد. امروز به خواست خداوند متعال قدرت در دست ملت است و جوانان برومند ایران چون سدی عظیم در مقابل دسیسه ها و توطئه ها ایستاده اند و ما هیچ باکی از این ریشه های گندیده نداریم و تمام توطئه ها را در نطفه خفه

می کنیم . من به ملت مبارز اطمینان می دهم که خطری ما را تهدید نمی کند و توصیه کنم که از موضع قدرت هوشیارانه مراقب توطئه ها باشند و راه را بر خائنان به ملت و کشور ببندند و وحدت خود را حفظ کنند و از تبلیغات منحرف رسانه ها نترسند که خداوند متعال پشتیبان ماست .

4\_ من ارباب جراید و رسانه ها و گویندگان رانصیحت می کنم که دست از این شایعه افکنی ها بردارند و مسائل بیهوده و مطالب دروغ را برای زیاد شدن تیراژ پخش نکنند ، که اگر احساس توطئه و فساد شود ملت با آنها به طوری دیگر عمل می کنند . از آزادی سوء استفاده نکنید و مسیر ملت را رها ننمائید و از بزرگ نشان دادن وقایع کوچک بپرهیزید که صلاح ملک و ملت در آن است . از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین را خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 221

تاریخ : 10/5/58

## پیام امام خمینی به آیت الله دستغیب

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت حضرت مستطاب حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید عبدالحسین دستغیب دامت برکاته ، مرقوم محترم که حاکی از صحت مزاج شریف بود واصل گردید طوماری هم از اهالی محترم شیراز وسیله حامل نامه رسید که خواستار شده بودند جنابعالی دعوت آقایان را جهت اقامه نماز جمعه پذیرید و بدین ترتیب مناسب است جنابعالی اقدام فرموده و نماز جمعه را در شیراز بخوانید ، از خدای تعالی ادامه توفیقات و سلامتی آنجناب را خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 222



## پیام امام خمینی به ملت ایران در مورد شرکت در انتخابات

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف و مبارز ایران! دشمنان اسلام و نهضت در خارج و داخل تبلیغات زهر آگین خود را شروع کردند و چنین وانمود می کنند که مردم در این انتخابات بی تفاوتند و به سردی و سستی گراییده اند، می خواهند شما را متهم کنند که از جمهوری اسلامی رو برگردانیده اید. از شما ملت مبارز انتظار دارم که با شرکت همگانی خود یاوه سرایان را رسوا کنید. و نیز اطلاع دادند که در اطراف دانشگاه که محل اقامه نماز جمعه است، گروهی برای اخلال در شرکت در انتخابات پیا خاسته اند. دولت موظف است از آنان جلوگیری کند و مردم موظفند به تبلیغات آنان اعتنا نکنند. ملت عزیز مسلمان! از اسلام و کشور اسلامی پاسداری کنید و به سوی صندوق آرا هجوم آورید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 223

## پاسخ امام خمینی به تلگراف جعفر نمیری

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت جعفر محمد نمیری رئیس جمهوری دمکراتیک کشور سودان ؛

پیام محبت آمیز آن حضرت بوسیله آقای دکتر حسن عبدالله ترابی نماینده جنابعالی واصل گردید . از ابراز محبت و احساسات گرمی که نسبت به اینجانب و انقلاب اسلامی ایران ابراز فرموده اید متشکرم و از خداوند تعالی سعادت و رستگاری ملت همکیش و برادر را مسئلت داشته و امیدوارم جمهوری اسلامی ما که بر اساس اتحاد کلمه و بر مبنای انقلاب پر ارج اسلامی و محور رژیم طاغوتی بنا شده ، در همبستگی و اتفاق مسلمانان جهان و پیروزی و تعالی روزافزون اسلام و آسایش مسلمین نقش موثر و ارزنده ای را ایفا نماید .

والسلام علی من التبع الهدی

روح الله الموسوی الخمينی

تاریخ : 15/5/58

## فرمان امام خمینی به حجت الاسلام قدوسی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای شیخ علی قدوسی دامت افاضاته

بدینوسیله جنابعالی به سمت دادستانی کل انقلاب اسلامی در سطح کشور منصوب می شوید که از این تاریخ در کارهای دادستانی اقدام و شروع به کار نمائید و در هر حال احتیاط را کاملاً مراعات نمائید . از خدای تعالی ادامه توفیقات جنابعالی را خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 225

تاریخ : 15/5/58

بسم الله الرحمن الرحيم

### جناب آقای هادوی دادستان کل انقلاب اسلامی

ضمن تشکر و قدردانی از زحماتی که در طول این چند ماهه جنابعالی در مقام دادستانی متحمل شدید ، قرار شد از این تاریخ جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ علی قدوسی دامت افاضاته متصدی مقام دادستانی شده و بدین مقام منصوب گردند . مراتب جهت اطلاع آن جناب بدین وسیله ارسال شد . از خدای تعالی موفقیت جنابعالی را خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 226

## پیام امام خمینی به علمای قزوین

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت حضرات آقایان علماً اعلام شهرستان قزوین دامت برکاتهم ،

امید است وجود محترم آقایان از بلیات محفوظ و به انجام وظایف الهی موفق و منصور باشید آنچه که لازم به تذکر است و خود آقایان محترم نیز توجه دارند این مطلب است که باید در این موقعیت حساس سعی شود از هر گونه اختلاف و تفرقه پرهیز گردد و وحدت کلمه و اتحاد به هر نحو که مقدور است حفظ شود و برای انجام کارها هیاتی را انتخاب فرموده و کارها از طریق هیات مذکور انجام پذیرد . لازم است جناب حجت الاسلام آقای باریک بین یکی از اعضا آن هیات باشد . از خدای تعالی ادامه توفیقات همگان را در راه ترویج شریعت مقدسه خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

**پیام امام خمینی به ملت ایران در مورد ترمیم خسارات انقلاب**

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف و مبارز ایران ، ایدهم الله تعالی

در این ماه مبارک رمضان ، ماه خداوند تعالی و ماه عبادت و توجه به مبدأ اعلی سلامت و سعادت همه مسلمین خصوصاً شما ملت عظیم را خواستارم و می خواهم یک عبادت بزرگ که شاید در رأس عبارتها باشد ، به شما ملت عزیز پیشنهاد کنم . شما میدانید که در انقلاب عظیم که بحمدالله به پیروزی رسید و امید است به پیروزی نهایی برسد ، چه خسارت های بزرگ از طرف دستگاه جبار به مردم مسلمان و برادران و هموطنان شما وارد شده است . خساراتی که ما و دولت نمی توانیم جبران کنیم و من کرارا تذکر دادم که این خسارات را باید خسارات جنگزدگی نامید با کمک تمام قشرهای ملت بزرگ باید جبران کرد و لهذا به منظور کمک به ترمیم ضایعات و جبران خسارات وارده به خانه ها و مستغلات و فروشگاه ها و دارایی مردم در نقاط کشور که در اثر حملات و خرابی های دشمن در دوران انقلاب دچار ویرانی و غارت و حریق شده اند ، سازمانی مردمی به نام صندوق ملی ترمیم خسارات دوران انقلاب به شماره دویست بانک ملی در کلیه شعب تأسیس و به ثبت رسیده . امید است بودجه این صندوق به همت والای خواهران و برادران عزیزم و کمک دولت تأسیس شود که با نظارت هیاتی از معتمدین هر محل و و ناحیه با کمک دولت ، با دادن وام بدون بهره و جبران خسارات بلا عوض از محل صندوق انجام گیرد .

دوستان عزیز در این دوران مصیبت بار دوران انقلاب ، خانواده های محترم علاوه بر خسارات جانی عزیزانشان ، از هستی ساقط شده اند یا به قدری خسارت دیده اند که نمی توانند جبران کنند که به زندگی شرافتمندانه خود ادامه دهند و بر ما و شماست که با آغوش باز در رفع این خسارت بکوشیم که این از عباداتی است که نزد خداوند متعال ارزش فراوان دارد . لازم است از برادران و خواهران ارجمندی که در خانه سازی برای مستمندان که بحمدالله تعالی در نقاط مختلف کشور مشغول انجام آن هستند و کمکهای ارزنده کردند تقدیر و تشکر کنم و سعادت همگان را از خداوند متعالی بخواهم . اینجانب از بیت المال مبلغ یکصد میلیون ریال به صندوق شماره دویست بانک ملی واریز می نمایم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

## پیام امام خمینی به مسلمانان جهان به مناسبت انتخاب آخرین جمعه ماه رمضان به عنوان روز قدس

بسم الله الرحمن الرحيم

من در طی سالیان دراز ، خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم که اکنون این روزها به حملات وحشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است و بویژه در جنوب لبنان به قصد نابودی مبارزان فلسطینی پیاپی خانه و کاشانه ایشان را بمباران می کند . من از عموم مسلمانان جهان و دولتهای اسلامی می خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن به هم پیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد به عنوان روز قدس انتخاب و طی مراسمی همبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند . از خداوند متعال پیروزی مسلمانان را بر اهل کفر خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

**پیام امام خمینی به ملت ایران**

بسم الله الرحمن الرحيم

باکمال تأسف در این روزهای پس از انقلاب که باید تمام قشرها برای ساختن و مرمت خرابی های دولت طاغوتی دست به دست هم بدهند و با پشتیبانی از دولت جمهوری اسلامی خسارات را جبران کنند، دیده و شنیده می شود اعتصاب بعد از اعتصاب و تحصن پس از تحصن و راهپیمائی پس از راهپیمائی و دروغ پراکنی و دنبال دروغ پراکنی و کوشش در تضعیف دولت با هر حيله و هر شایعه سازی رواج دارد. در حالی که دولت با کوشش به اصلاح امور و مرمت خرابی های اشتغال دارد، کارشکنی ها شروع، به اسم صلاح اندیشی به تضعیف روحیه مردم، انتقاد بی منطق به دولت اسلامی، بپاخاسته اند. باید به برادران و خواهران بسیار محترم تذکر دهم که همانطور که در حال انقلاب تحصن و اعتصاب بر ضد طاغوت موجب رضای خداوند تعالی بود، در حال حاضر که دولت اسلامی و ملی است و دشمن در توطئه است تحصن و اعتصاب و شایعه سازی و جنجال بی اساس که باعث ضعف دولت می شود موجب سخط خداوند و از معاصی بزرگ و محرمات عظیم شمرده می شود. دوستان من! شما اگر به اسلام و احکام آزادیبخش آن گرایش دارید، امروز تضعیف دولت و شایعه سازی ها و دروغ پردازی ها مخالف صلاح ملت ها و مستضعفین و کمک به دشمنان ملت و کشور است و کسانی که گروه ها را وادار به اعتصاب و تحصن و تضعیف دولت می کنند مخالفین نهضت و از طرفداران اجانب و یا اعمال آنها به نفع اجانب است. اینجانب از تمام قشرهای ملت عزیز تقاضا دارم که به کمک دولت که کمک به مستضعفین است بشتابند و تفرقه اندازان را به خود راه ندهند و در این ایام ماه مبارک، که خصوصا ایام لیالی متبرکه قدر، در محافل و مساجد اجتماع و دعا به اسلام و مسلمین نمایند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی



## فرمان امام خمینی به حجت الاسلام شاهرخی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب ثقه الاسلام و المسلمین آقای سید محمد تقی شاهرخی دامت افاضاته

با توجه به اختلافات منطقه بروجن و سابقه ای که جنابعالی در آن منطقه دارید ، مقتضی است مسافرتی بدانجا بکنید و از نزدیک به وضع محل و مشکلات رسیدگی نموده و در رفع آنها بکوشید و به هر نحو صلاح می دانید با همکاری افراد ذیصلاح در آن منطقه و جلوگیری از اختلاف و تفرقه سعی نمائید و برای اصلاح وضع کمیته محل و یا انحلال آن و تشکیل سپاه پاسداران و غیره نیز با جلب نظر کمیته مرکزی و ستاد مرکزی سپاه پاسداران و سایر مراجع مربوط و تأیید آنان اقدام نمائید . از خدای تعالی ادامه توفیقات جنابعالی را خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

**پیام امام خمینی به مناسبت روز قدس****روز قدس، روز مقابله مستضعفین با مستکبرین**

بسم الله الرحمن الرحيم

روز قدس، یک روز جهانی است، روزی نیست که فقط اختصاص به قدس داشته باشد، روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است، روز مقابله ملت هائی است که در زیر فشار ظلم آمریکا و غیر آمریکا بودند، در مقابل ابرقدرت هاست، روزی است که باید مستضعفین مجهز بشوند در مقابل مستکبرین و دماغ مستکبرین را به خاک بمالند، روزی است که بین منافقین و متعهدین امتیاز خواهد شد. متعهدین این روز را روز قدس می دانند و عمل می کنند به آنچه باید بکنند و منافقین، آنهائی که با ابرقدرت ها در زیر پرده آشنائی دارند و با اسرائیل دوستی، در این روز بی تفاوت هستند یا ملت ها را نمی گذارند که تظاهر کنند. روز قدس، روزی است که باید سرنوشت ملت های مستضعف معلوم شود. باید ملت های مستضعف اعلام وجود بکنند در مقابل مستکبرین، باید همانطور که ایران قیام کرد و دماغ مستکبرین را به خاک مالید و خواهد مالید، تمام ملتها قیام کنند و این جرثومه های فساد را به زیاله دان ها بریزند. روز قدس، روزی است که باید این دنباله روهای رژیم سابق در ایران و آن توطئه چین های رژیم فاسد و ابرقدرت ها در سایر جاها خصوصا در لبنان، تکلیف خودشان را بدانند، روزی است که باید همت کنید و همت کنیم که قدس را نجات بدهیم و برادران لبنانی را از این فشارها نجات بدهیم، روزی است که باید تمام مستضعفین را از چنگال مستکبرین بیرون بیاوریم، روزی است که باید جامعه مسلمین، همه، اظهار وجود بکنند و هشدار بدهند به ابرقدرتها، به این تقاله هائی که مانده است از آنها، چه در ایران و چه در سایر جاها. روز قدس، روزی است که باید به این روشنفکرانی که در زیر پرده با آمریکا و عمال آمریکا روابط دارند، هشدار داد، هشدار به اینکه، اگر از فضولی دست بردارید، سرکوب خواهید شد. ما به آنها مهلت دادیم و با آنها با ملایمت رفتار کردیم که شاید دست از شیطنت بردارند و اگر دست بردارند کلمه آخر را خواهیم گفت و خواهیم به آنها فهماند که دیگر رژیم سابق قابل برگشتن نیست و دیگر آمریکا نمی تواند به اینجا حکومت کند و دیگر سایر ابرقدرت ها نمی توانند در این مملکت حکومت کنند. روز قدس، روزی است که باید به همه ابرقدرت ها هشدار داد که باید دست خود را از روی مستضعفین بردارید و سر جای خود بنشینید. اسرائیل، دشمن بشریت، دشمن انسان، که هر روز غانله ایجاد می کند و برادرهای ما را در جنوب لبنان به آتش کشد، باید بداند که دیگر

ارباب های اورنگی ندارند در دنیا و باید انزوا اختیار کنند ، طمع ها را از ایران باید قطع کنند ، دست آنها باید از همه ممالک اسلامی قطع شود ، عمال آن در همه ممالک اسلامی باید کنار بروند . روز قدس ، روز اعلام یک چنین مطلبی است ، اعلام این است به شیاطینی که ملت های اسلام را می خواهند کنار بگذارند و ابرقدرت ها را به میدان بیاورند . روز قدس ، روزی است که قطع آمال آنها را بکنند و به آنها هشدار بدهد که گذشت آن زمان ها .

## روز قدس ، روز اسلام است

روز قدس ، روز اسلام است روز قدس ، روزی است که اسلام را باید احیاء کرد و احیاء بکنیم و قوانین اسلام در ممالک اسلامی اجرا بشود . روز قدس ، روزی است که باید به همه ابرقدرت هشدار بدهیم که اسلام دیگر تحت سیطره شما به واسطه عمال خبیث شما ، واقع نخواهد شد . روز قدس ، روز حیات اسلام است ، باید مسلمین به هوش بیایند ، باید بفهمند قدرتی را که مسلمین دارند ، قدرت های مادی ، قدرت های معنوی . مسلمین که یک میلیارد جمعیت هستند و پشتوانه خدائی دارند و اسلام پشتوانه آنهاست و ایمان پشتوانه آنهاست ، از چه باید بترسند؟ ما با یک جمعیت کمی در مقابل دشمنهای زیاد ، دشمن های بسیار ، قیام کردیم و ابرقدرت ها را شکست دادیم و کسی گمان نکند که دیگر بعضی از این قشرهای فاسد ، بعضی از این چپ روهای آمریکائی یا غیر آمریکائی بتوانند در این مملکت اظهار وجود کنند . آن روز که ما بخواهیم و ملت ما بخواهند ، در ظرف چند ساعت تمام آنها به زباله دان های فنا خواهند ریخته شد .

ملت بزرگ ما دیگر از این حرکات مذبوحانه نخواهد ترسید و حرکات اسرائیل در جنوب لبنان و نسبت به فلسطین ، همین حرکات مذبوحانه است ، حرکاتی است که اواخر عمر اشخاص فاسد ، می کنند چنانچه شاه ما ، شاه مخلوع ایران این حرکات را کرد و منتهی به فنا شد . دولت های عالم بدانند که اسلام شکست بردار نیست ، اسلام و تعالیم قرآن بر همه ممالک باید غلبه کند ، دین باید دین الهی باشد ، اسلام دین خداست و باید در همه اقطار ، اسلام پیشروی کند . روز قدس ، اعلام یک چنین مطلبی است ، اعلام به این است که مسلمین به پیش ! برای پیشرفت در همه اقطار عالم . روز قدس فقط روز فلسطین نیست ، روز اسلام است ، روز حکومت اسلامی است ، روزی است که باید جمهوری اسلامی در سراسر کشورها ، بیرق آن برافراشته شود ، روزی است که باید به ابرقدرت ها فهماند که دیگر آنها نمی توانند در ممالک اسلامی پیشروی کنند . من روز قدس را روز اسلام و روز رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می دانم و روزی است که باید ما ، تمام قوای خودمان را مجهز کنیم و مسلمین از آن انزوائی که آنها را کشانده بودند ، خارج شوند و باتمام قدرت و قوت در مقابل اجانب بایستند و ما در مقابل اجانب ، با تمام قوا ایستاده ایم و نخواهیم اجازه داد کسان دیگر در مملکت ما دخالت کنند و مسلمین نباید اجازه بدهند که کسان دیگر در ممالکشان دخالت کنند . در روز قدس ، ملتها باید به حکومت هائی که خائن هستند ، هشدار دهند . روز قدس ، روزی است که ما خواهیم فهمید چه اشخاصی و چه رژیم هائی با

توطئه گره‌های بین‌المللی موافقت دارند و با اسلام مخالفت . آنهایی که شرکت ندارند ، مخالف با اسلام هستند و موافق با اسرائیل و آنهایی که شرکت کردند ، متعهد هستند و موافق با اسلام و مخالف با دشمنان اسلام که در راس آنها آمریکا و اسرائیل است . روز امتیاز حق از باطل است ، روز جدائی حق و باطل است .

من از خداوند تبارک و تعالی خواهانم که غلبه بدهد اسلام را بر همه قشرهای عالم ، بر همه مستکبرین ، مستضعفین را غلبه بدهد . و از خدای تبارک و تعالی خواهانم که برادرهای ما را در فلسطین ، در جنوب لبنان و در لبنان و در هر جایی از عالم که هستند ، از دست مستکبرین و از دست چپاولگران نجات بدهد .

والسلام علی رسول الله و علی ائمه المسلمین

## بیانات امام در دیدار با وزیر خارجه کشور سوریه

### اتفاق بر اسلام قدرت مافوق طبیعت می آورد

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام مرا به رئیس جمهور برسانید و از ایشان تشکر کنید . نسبت به ما عواطف دارند . امیدوارم که مسلمین و ملت های اسلامی همانطور که دستور اسلام و قرآن مجید است با هم برادر باشند و نسبت به دشمنان انسانیت ، کشورهای اسلام با شدت و قدرت رفتار کنند . و این حاصل نمی شود الا به اینکه از اختلافات جزئی که بین دولت ها هست دست بردارند و مثل برادر هم باشند . این اختلاف موجب بهره برداری دشمن اسلام و مسلمین است . باید از این بهره برداری جلوگیری بشود به وحدت اسلامی و اینکه همه در تحت لوای اسلام و قرآن مجید مجتمع بشوند ، زیرا آنطور که قرآن دستور داده است رحمائینهم و اشدأ بر کفار باشد .

در اسلام اساساً نژاد مطرح نیست ، عربی و عجمی و سایر گروه ابداء مطرح نیست . اسلام برای تربیت انسان آمده است . مطلب در برنامه اسلام ، انسان است و تربیت انسانی . آنچه مطرح است تقوا و اخوت بین مسلمین و دوستی و دفع اختلافات است . و اگر مسلمین بخواهند این عزت و عظمتی را که در صدر اسلام بین پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اصحاب بود ، و سایر اقشار مسلمین آن سیره را متابعت کنند تا اینکه عظمت خودشان را بیابند و آن سیره همان اتفاق بر اسلام که قدرت مافوق طبیعت می آورد ، و شجاعت مافوق الطبیعه . آنچه که ملت ما با اینکه در حال ضعف و تشتت بود دریافت ، همین مطلبی بود که در صدر اسلام مسلمین دریافته بودند ، اتکأ به ایمان و اسلام و وحدت کلمه . جوانهای ما در حال انقلاب و حالا هم باز تقاضا می کنند که ما دعا کنیم تا آنها شهید بشوند . این تحول بزرگی که به اراده خدای تبارک و تعالی در این ملت پیدا شد ، موجب پیروزی آنها بر یک قدرت شیطانی بزرگ که پشتیبان او همه ابرقدرت ها بودند گردید و این پیروزی از خدای تبارک و تعالی و عملیات خاصه او بود . و من امیدوارم که این اخلاق در ملت ما باقی بماند و همه ملت ها و مسلمین همین اخلاق را و همین سیر را داشته باشند ، عظمت صدر اسلام را باز یابند .

### اگر مسلمین مجتمع بودند ، هر کدام یک سطل آب به اسرائیل می ریختند او را سیل می برد

برای من یک مطلب به شکل معماست و آن این است که همه دول اسلامی و ملت های اسلام

می دانند که درد چیست ، می دانند که دستهای اجانب در بین است که اینها رامتفرق از هم بکنند ، می بینند که با این تفرقه ها ضعف و نابودی نصیب آنها می شود ، می بینند که یک دولت پوشالی اسرائیل در مقابل مسلمین ایستاده که اگر مسلمین مجتمع بودند ، هر کدام یک سطل آب به اسرائیل می ریختند او را سیل می برد ، معذک در مقابل او زیون هستند . معما این است که با اینکه اینها رادانند ، چرا به علاج قطعی که آن اتحاد و اتفاق است روی نمی آورند؟ چرا توطئه هایی که استعمارگرها برای تضعیف آنها به کار می برند ، آن ها توطئه ها را خنثی نمی کنند؟ آیا این معما چه وقت باید حل شود؟ و پیش کی باید حل بشود؟ این توطئه ها راکی باید خنثی کند غیر از دولتهای اسلام و ملت های مسلمین ؟ این معمایی است که شما اگر جوابی دارید و حل کردید ، این معما رابه ما هم تذکر بدهید .

### عامل ضعف و فساد در ممالک اسلامی از حکومت هاست

میل داشتم که این حقیقت را از شما بشنوم و این حقیقتی است که ما هم بر او مطلع هستیم که هر چه ضعف در مسلمین و فساد در ممالک اسلامی است ، از حکومت هاست . حکومت ها به واسطه خودخواهی که دارند مع الاسف برای اجانب به طور نوکری عمل می کنند و برای ملت خودشان آقایی می کنند و تمام مفاسد را همین نوکری و آقایی در ممالک مسلمین ایجاد کرده است و راه حل همان است که شما گفتید . راه حل اینها به دست ملت است . ملت ها باید دولت هائی که بر خلاف مصالح اسلامی و مصالح ملت ها عمل کنند ، با آنها همان معامله کنند که ملت ایران با شاه مخلوع کرد . و اگر این مطلب در آنجائائی که دولت ها بر خلاف مسیرملتها عمل می کنند عمل بشود ، حل مشکلات می شود و دست اجانب از ممالک اسلام کوتاه می شود . و من از خدای تبارک و تعالی مسئلت می کنم که یا حکومت ها را به هوش بیاورد که موافق اسلام و مصالح مسلمین عمل کنند یا ملت ها را بر آنها غلبه بدهد که آنها را قلع و قمع کند . سپس برادر عبدالحلیم خدام گفت : از حضرت امام نهایت تشکر را دارم که چنین فرصتی را به اینجانب عنایت فرمودند تا بتوانیم فرمایشات معظم له را به حضرت حافظ اسد رئیس جمهوری بازگو کنم . حافظ اسد با علاقه فراوان و شوق بسیار ، امید به ملاقات حضرت آیت الله در دمشق را دارد . برای ملت ایران و شخص آن حضرت آرزوی سلامت و سعادت را می نمایم .

امام در پاسخ گفتند : من از ایشان و شما تشکر می کنم و سعادت همه را از خدا می خواهم و غلبه شما را بر اسرائیل و فتح قدس را از خدای تبارک و تعالی آرزو می کنم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع اعضای سمینار آموزشی انجمن اسلامی معلمان کشور

### مکتب های توحیدی و مادی

بسم الله الرحمن الرحيم

از امتیازات مکتب توحید با تمام مکتب هائی که در عالم هست ، این است که در مکتب های توحید ، مردم را تربیت می کنند و آنها را از ظلمات خارج می کنند و هدایت به جانب نور می کنند . تمام مکتب هائی که مکتب غیر توحیدی هستند ، مکتب مادی هستند و این مکتب های مادی مردم را از عالم نور بر می گردانند به سوی عالم ظلمت و دعوت می کنند به مادیگری و ماده و از عالم نور منصرف و منحرفشان می کنند یا آنها را همان دعوت به ماده می کنند و دیگر آن طرفش را کار ندارند . نسبت به عالم نور ، و در ارجاع مردم به عالم نور بیطرف هستند و علی ایحال هر دو مکتب ، چه آن مکتب های ضد توحیدی و چه آن مکتب هائی که نسبت به توحید کاری ندارند ، بیطرفند نسبت به توحید ، اینها کارهائی که می کنند ، تعلیم و تعلم هائی که دارند ، تعلیم و تعلم هائی است که مربوط به ماده است و مردم را در مادیات و در ظلمات منغمس می کنند و از نور آنها را باز می دارند لکن مکتب های توحیدی که در راس آنها مکتب اسلام است در عین حال که به مادیات و با مادیات سر و کار دارند ، لکن مقصد این است که مردم را طوری تربیت کنند که مادیات ، حجاب آنها برای معنویات نباشد ، مادیات را در خدمت معنویات می کشند ، به خدمت معنویات می کشند ، در عین حالی که نسبت به مادیات نظر دارند ، نسبت به زندگی دنیا نظر دارند ، در عین حال مردم را متوجه به معنویات می کنند و از ظلمت ماده نجات می دهند . توجه به ماده و به مادیات به طوری که تمام توجه به مادیات باشد ، ظلمت است ، ظلمات است و انسان را به ظلمات می کشد و به چیزهائی می کشد که شما مشاهده می کنید که در همه مکتب هائی که هست ، مردم را می کشند به جنگ ها ، به خونریزی ها . مکتب کمونیسم ، مکتب خونریزی است ، مکتب اختناق است ، تمام اختناق در آنجا حکمفرماست و خونریزی در آنجا هست به طوری که سران آنها در اول امری که سلطه پیدا کردند ، هزاران نفر ، بلکه صدها هزار نفر را به قتل رساندند و مادیتی که در آمریکا و امثال آن ممالک غربی غیر کمونیستی است ، آنها هم تمام جدال و نزاعشان سر مادیات است و با مادیات سر و کار دارند و مردم را به خاک و خون می کشند . الان در تمام دنیا که ملاحظه می کنید ،

این دو مکتب و این دو فرقه دست دارند و مردم را به خاک و خون می کشند . یک طایفه در افغانستان و امثال اینها ، یک طایفه دیگر در جاهای دیگر . مکتب های توحیدی اینطور نیست ، مکتب توحیدی نمی خواهند فتح کنند بلاد را و نمی خواهند با مردم با خشونت رفتار کنند ، آنها می خواهند مردم را از ظلمت های ماده به نور بکشند ، به طرف خدا بکشند ، توجه به خدا بدهند و لهذا تا آنجا که امکان دارد در مکتب های غیر مادی مدارا هست ، خوشرفتاری هست ، دعوت هست ، تا آنجائی که ممکن است با دعوت مردم را بر می گردانند به عالم نور و هیچ وقت در صدد جنگ و جدال نیستند مگر اینکه احساس کنند توطئه هست ، اگر احساس توطئه کردند ، به حسب دستور قرآن و به حسب دستور اسلام با آن ها با شدت رفتار می کنند ، تا احساس توطئه نشده است همه را آزاد می گذارند برای هر چه می خواهند اختیار کنند ، وقتی احساس توطئه شد ، با شدت رفتار می کنند .

### عرضه مکتب غیر از سوزاندن خرمن هاست

در مملکت ما هم وقتی که این فتح بزرگ به دست شما زنها و مردهای محترم انجام گرفت ، همه چیز را آزاد گذاشتند ، تبلیغات را آزاد گذاشتند ، مکتب ها را آزاد گذاشتند و این است که در چند ماه ، تقریبا حدود دویست تا شاید ، گروه های مختلف اظهار وجود کردند . حتی کمونیست هائی که فاسد و مفسدند اظهار وجود کردند لکن بعد از آن ما احساس کردیم که اینها اظهار وجودشان فقط برای تبلیغ نیست ، فقط برای این نیست که می خواهند مکتب خودشان را عرضه کنند بلکه مسأله ، مسأله توطئه است . عرضه مکتب غیر از سوزاندن خرمن هاست ، غیر ریختن به دانشگاه است و جلوگیری از اینکه دانشگاهیان مشغول کار باشند ، غیر از ریختن به کارخانه هاست و مانع شدن از اینکه کارخانه ها عمل بکنند ، غیر از این است که با فراند می که مردم و مردمی است و مربوط به مصلحت مردم است مخالفت کنند و تحریم کنند یا آتش بزنند صندوق ها را یا با اسلحه جلوگیری کنند از اینکه مردم رأی بدهند یا در راهپیمائی که کرده ، خودشان غائله درست کردند و عده کثیری از جوانهای ما را زخمی کردند ، قریب سیصد نفر زخمی شد که اکثرشان شاید مربوط به ما بود ، خودشان غائله درست می کردند و حالا که می بینند که نزدیک است که مجلس خبرگان تحقق پیدا بکند ، حالا افتادند به دست و پا که در هر جا یک غائله ای ایجاد کنند و ما تا حالا که صبر کردیم و صبر انقلابی کردیم تا حالا برای این بود که به مردم معلوم بشود که اینها چه هستند ، اینها چه می دارند . اینها نمی خواهند مکتب خودشان را عرضه کنند ، اینها نمی خواهند با منطق صحبت کنند ، اینها می خواهند که همه مکتب ها را سرکوب کنند ، اینها برای سرکوبی مکتب اسلام است ، اینها از اسلام ترسند ، اینها از قوانین اسلام می ترسند ، اینها می خواهند که اسلام نباشد ولو هر چه باشد و لهذا توطئه است .

الان وقتی که توطئه شد ، دیگر نمی توانیم ما تا آخر تحمل کنیم و توطئه ها را بپذیریم . مسأله ، مسأله اسلام است ، مسأله مصالح مسلمین است ، با مصالح مسلمین و اسلام ما نمی توانیم مسامحه کنیم . بنابراین من اعلام کردم که اگر چنانچه اینها باز یک چنین کارهائی بکنند ، ما تمام ملت را بسیج



می کنیم ، ما تمام پاسدارانی که هستند بسیج می کنیم ، ماتمام زن و مرد ایران را بسیج کنیم و ریشه آنها را در می آوریم ، اینها باید برگردند به ملت و اگر مکتبی هم دارند با اینکه برگشت به ملت کردند ، از روی عقل ، از روی منطق صحبت بکنند . اینها را در رادیو خواستند که با ایشان صحبت بکنند ، حاضر نشدند ، اینها در مکتب شکست خورده اند ، اینها یک دسته اشرار هستند ، نه مکتب دارند ، اینها اشرار هستند . بنابراین اشرار را ما باید سر جای خودشان بنشانیم و با آنها با خشونت رفتار کنیم لکن من باز مهلت دادم به آنها که باز سر عقل بیایند و برگردند به دامن ملت و با ملت همراهی کنند . این مربوط به این قضایا .

## نقش معلم در جامعه نقش انبیا است

و اما معلم ، نقش معلم در جامعه ، نقش انبیا است . انبیا هم معلم بشر هستند ، نقش بسیار حساس و مهمی است و مسئولیت بسیار زیادی دارد . نقش مهمی است که همان نقش تربیت است که (اخراج من الظلمات الی النور) است آنهایی که (اللّه ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور ، ) همین سمت معلمی است . خدای تبارک و تعالی این سمت را به خودش نسبت می دهد که خدای تبارک و تعالی ، ولی مومنین است و آنها را از ظلمات اخراج می کند به سوی نور . معلم اول ، خدای تبارک و تعالی است که اخراج می کند مردم را از ظلمات به نور و بوسیله انبیا و به وسیله وحی مردم را دعوت می کند به نورانیت ، دعوت می کند به کمال ، دعوت می کند به عشق ، دعوت کند به محبت ، دعوت می کند به مراتب کمالی که از برای انسان است . دنبال او انبیا هستند که همان مکتب الهی را نشر می دهند و آنها هم شغلشان تعلیم است ، معلمند ، معلم بشرنند ، آنها هم شغلشان این است که مردم را تربیت کنند و انسان را تربیت کنند که از مقام حیوانیت بالا برود و به مقام انسانیت برسد . انسان مقام هائی دارد که مقام اولش بعد از اینکه مراتبی را سیر کرد ، همین مقام حیوانیت است ، یک حیوانی است مثل سایر حیوانات بلکه خطرناکتر . خطر حیوانات به اندازه خطر انسان نیست ، آنقدری که انسان جنایت وارد می کند به همنوع خودش ، هیچ حیوانی حتی سبب هم آنقدر جنایت وارد نمی کند . این چیزی است که انسان است ، اول مقامی است که بعد از اینکه مراحل را طی کرده ، به مرتبه حیوانیت رسیده ، یک حیوانی است که هیچ افساری ندارد ، یک حیوانی است که اگر رهایش کنند ، خونخوارترین موجودات است . انبیا آمده اند این انسانی که در این مرحله رسیده است و یک مرحله خطرناک است هم برای خودش و هم برای همنوع خودش ، آنها را نجات بدهند و متوجه به نور بکنند ، متوجه به مبادی نور بکند ، آنها را از اخلاق فاسد ، از آن اخلاق ، خوی های حیوانی بیرون بیاورند و به خوی های انسانی و به اخلاق انسانی برسانند ، از مقام حیوانیت بالا ببرد به مقام انسانیت برسانند ، ماده را تابع عالم غیب بکنند ، عالم طبیعت را تابع عالم الوهیت بکنند و بعد از او معلمینی که در بشر هستند که الان شما هم انشاءالله موفق باشید از آن طایفه هستید .

## شغل معلم اخراج بچه ها و کودکان است از ظلمت به نور

شغل شما اخراج بچه ها و کودک هاست از ظلمت ها به نور . تعلیم و تربیت انسانی ، تعلیم و تربیت اسلامی ، آنها را از اخلاقی فاسد نجات بدهید ، آنها را از این آمال و آرزوهائی که بواسطه آن به فسادکشیده می شوند ، بر حذر دارید ، بچه ها را تربیت کنید . شما معلمین یک شغل بسیار شریف دارید که همان شغل الله است ، همان شغل انبیاست و یک مسئولیت بسیار بزرگ دارید که همان مسئولیت انبیا است ، منتها انبیا از مسئولیت بیرون می آیند برای اینکه عمل می کنند به آنچه فرموده اند ، به آنچه مأمور هستند ، ماها هم باید عمل بکنیم ، اگر چنانچه خدای نخواستہ بچه هائی از دامن های شما و از کلاس های شما بیرون بیایند که بر خلاف تربیت های انسانی اسلامی باشد ، شما مسئول هستید ، مسئولیت بزرگ است . یک انسان درست ممکن است یک عالم را تربیت کند ، یک انسان غیر سالم و یک انسان فاسد عالم را به فساد می کشد . فساد و صلاح از دامن های شما و از تربیت های شما و از مدرسی که شما در آنجا اشتغال دارید ، از آنجا شروع می شود .

## اینها می خواهند بچه ها را از دامن مادرشان جدا کرده و به پرورشگاه ها بفرستند

اینهامی خواهند بچه هارا از دامن مادرشان جدا کرده و به پرورشگاه ها بفرستند برای خانم یک مطلب بالاتر است و آن مطلب ، تربیت اولاد است . شما گمان نکنید اینها که همیشه از مادر بودن و از اولاد داشتن و از تربیت اولاد داشتن ، اینها تکذیب می کنند و مطلب را یک مطلب خیلی سستی می گیرند و مطلب را یک مطلب بسیار پائینی می گیرند ، اینها غرض صحیحی دارند . اینها می خواهند از این دامن که بچه خوب می خواهد در آن تربیت بشود ، بچه ها را از این دامن ها دور کنند ، بچه ها را از همان اول به پرورشگاه ها بفرستند ، زیر دست دیگران ، زیر دست اجانب بچه ها را تربیت کنند ، آنها می خواهند انسان درست نشود ، دامن های شما دامن هائی است که انسان درست می کند . اینهامی خواهند بچه شما را از اینجا نگذارند با شما باشند و نگذارند انسان درست بشود . بچه هائی که از دامن مادر جدا شده اند و در پرورشگاه ها رفتند ، اینها چون پیش اجنبی هستند و محبت مادر ندیده اند ، عقده پیدا می کنند ، این عقده ها منشأ همه مفاسدی است یا اکثر مفاسدی است که در بشر حاصل می شود . این جنگ هائی که پیدا می شود از عقده هائی است که در قلوب این خونخوارها هست . این دزدی ها این خیانت ها ، اینها اکثرا از عقده هائی است که در انسان است . بچه های شما را اگر از شما جدا کردند ، به واسطه نداشتن محبت مادر ، عقده پیدا می کند ، به فساد کشیده می شود . مأمور بودند این دستگاه به اینکه بچه های ما را به فساد بکشند ، از آن اول نگذارند در یک دامن محبت بزرگ بشود ، تربیت بشوند ، تا عقده پیدا بشود . بعد هم زیر دست معلم هائی که خودشان تعیین کردند و بعد هم در دانشگاهی که خودشان تأسیس کردند ، از این پائین تا آن بالا فساد ، اخراج من النور الی الظلمات ، نگذاشتند اینکه یک تربیت انسانی پیدا بشود . دامن مادر بزرگترین مدرسه ای است که بچه در آنجا تربیت می شود ، آنچه که بچه از مادر می شنود غیر از آن چیزی است که از معلم می شنود ، بچه از مادر

بهتر می شنود تا از معلم، در دامن مادر بهتر تربیت می شود تا در جوار پدر، تا در جوار معلم. یک وظیفه انسانی است، یک وظیفه الهی است، یک امر شریف است، انسان درست کردن است. اینهایی که می خواهند انسان درست نشود از انسان می ترسند. این رژیم ها از انسان می ترسند، در هر رژیمی یک انسان اگر پیدا بشود، متحول می کند کارها را. رضا شاه از مدرس می ترسید، آنقدری که از مدرس می ترسید، از دزدهای سرگردنه نمی ترسید، از تفنگدارها نمی ترسید. از مدرس می ترسید، مدرس مانع بود از اینکه یک کارهای زشتی را انجام بدهد و آخر مدرس را گرفت و کشت. اینها از روحانی می ترسند برای اینکه روحانی تربیت می کند انسان را و آنها انسان نمی خواهند پیدا بشود. اینها نمی خواهند انسان پیدا بشود از این جهت اینقدر تربیت اولاد را پیش مادر مبتذل کردند و اینقدر تبلیغات کردند که حتی خود مادرها هم شاید باور کردند، آنهایی که تحت تأثیر اینها واقع شدند، آن بچه های عزیز را به پرورشگاه ها فرستادند و از دامن های خودشان جدا کردند و در آنجا تربیت های شیطانی شدند.

موظفیم ما که انسان درست کنیم. انسان است که می تواند جلوی مفسد را بگیرد، انسان است که به حال مستضعفین نظر دارد، انسان است که از حال مستضعفین متأثر می شود، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است که از حال مستضعفین متأثر است، امیرالمومنین سلام الله علیه است که از حال مستضعفین در رنج و عذاب است.

### **دشمنان، مهلت خدمت کردن به دولت نمی دهند**

این رژیم ها همه مستضعفین را زیر بار می خواهند بکشند و از آنها استعمار کنند. آنها دنبال این نیستند که برای مستضعفین کاری بکنند، نکردند، دیدید که پنجاه و چند سال که ما شاهد قضایا بودیم برای مستضعفین کاری نکردند، باز زاغه نشینان در اطراف تهرانند و این دولت هم که می خواهد کاری بکند، نمی تواند به این زودی. این دولت هم که می خواهد یک خدمتی به مردم بکند نمی گذارند، این اقشار نمی گذارند که دولت توجه داشته باشد به این مسائل از بس غائله پیش می آورند. هر روز یک غائله پیش می آورند که مبادا مهلت پیدا بکند دولت و کارهای اساسی انجام بدهد و اساس اینها از بین برود و ما خواستیم که مفسده نکنند، زحمت ایجاد نکنند و ما می خواهیم که اینها به فساد نکشند جوانهای ما را و من امیدوارم که موفق نشوند و به خود بیایند و به ملت برگردند و به سوی جامعه انسانی بیایند.

خداوند شما همه را موفق کند و من از زحمت شما که در این هوای گرم آمدید اینجا و در این اطاق گرم تشریف دارید عذر می خواهم و من هم یکی از خدمتگزارهای شما هستم و امیدوارم خداوند این خدمت را از ما قبول کند. سلام بر همه شما.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان

### اغتشاشات عمال اجانب هنگام تحقق جمهوری اسلامی به منظور انحراف اذهان عمومی

بسم الله الرحمن الرحيم

من می خواستم اظهار تأسف کنم از اوضاعی که پیش آوردند و همیشه این اوضاع، اینطور خرابکاری ها قبل از یک کاری که بنا بود انجام بگیرد، انجام می دهند. وقتی که فراندم می خواست بشود، یک شلوغی هائی ایجاد می کردند. آنجا که شکست خوردند بعد در هر مورد اینها با شکست مواجه می شدند و حالا هم که بناست این مجلس محترم تحقق پیدا کند، این خرابکاری ها را پیش آوردند برای اینکه اذهان را متوجه کنند به جای دیگر و شاید به خیال خودشان نتوانند آقایان به کار خودشان ادامه بدهند، بعد هم که این کار درست شد، بعد که بخواهیم مجلس شورای ملی درست بشود و رئیس جمهور، باز هم منتظر هستیم که این مسائل پیش بیاید، لکن ملت راه خودش را پیدا کرده است و ملت و دولت و همه قشرها به این راه ادامه دهند، چه این شلوغ کاری ها را اینها بکنند و چه نکنند و سرکوبی اینها هم خیلی دشوار نیست، ما می خواهیم حتی الامکان با ملایمت با اینها رفتار بکنیم، خونریزی نشود. در هر صورت ما منتظر این هستیم که این خرابکاری ها به دست این خرابکارها و به دست این اجانب که اینها را آلت قرار دادند بشود. اینها برای مقاصد خودشان با این اسماً مختلف، مثل حزب دمکرات، دمکرات کذا، حزب فدائیان خلق و اینطور الفاظ بی معنا به این کارهای خلاف انسانی ادامه دارند می دهند، با قلم گاهی، با عمل گاهی، و این همانطور که من پرپروز عرض کردم این گناهیست گردن ماست، انقلاب نباید اینطور باشد، ما می خواستیم که آقایان خواستند که بعد از انقلاب هم خیلی باملایمت رفتار کنند، آزاد کردند، مرزها را باز گذاشتند، آزاد کردند همه را، قلم ها را آزاد کردند، گفتارها را آزاد کردند، احزاب را آزاد کردند، به خیال اینکه اینها یک مردمی هستند که لااقل اگر مسلمان نیستند، آدم هستند، برای یک مملکتی که برای خود آنها ملت زحمت کشیده است، لااقل آنقدر ادراک دارند که اگر دوباره اوضاع برگردد، برای همه بد است لکن معلوم شد خیر، قضیه این حرف ها نیست و اینها عمال خارجی ها هستند، حالا یا عمال آمریکا هستند یا عمال جاهای دیگر هستند، حالا برای ملت ماهیت اینها، ماهیت این نویسنده ها، ماهیت این احزاب، ماهیت این الفاظ فریبنده بی معنا برای ملت حالا روشن شد.

## اسلام اجازه نمی دهد که ما آزاد بگذاریم هر کس هر توطئه ای خواهد بکند

اگر ما الان دیگر انقلابی رفتار کنیم، نمی توانند بگویند که شما آزادی ندادید. ما آزادی دادیم، سوء استفاده شد و آزادی نخواهیم دیگر داد. آزادی به آن معنا که اینها بخواهند خرابکاری بکنند، این آزادی نخواهد داده شد. آزادی در حدودی که قوانین اقتضاً کند، در حدودی که اسلام به ما اجازه می دهد، اسلام اجازه نمی دهد که ما آزاد بگذاریم که هر کس هر غلطی بخواهد بکند، هر توطئه ای می خواهد بکند، هر کاری می خواهد بکند که بکشد به خاک و خون. ما باید از دولت و از وزیر کشور هم باید گلایه کنیم که در آن روزی که اینها سیصد نفر را (آنطور که گفتند) زخمی کردند، از طرف دولت جز اظهار تاسف، ما چیزی ندیدیم، از رادیو هم ندیدیم چیزی. اگر بنا بود اینها با یک اظهار تاسفی، با یک مثلاً نصیحتی از کارهای خلاف خودشان دست بر می داشتند، حالا چند ماه است نصیحت شده است، توصیه شده است، التماس شده است، همه چیز با اینها رفتار شده است و اینها اهل این نیستند که با نصیحت دست از کار خودشان بردارند. باید با شدت با آنها عمل کرد و من شاید امروز و فردا بسیار از این احزاب را ممنوع اخطار و اعلام کنم و نگذاریم هیچ نوشته ای از اینها در هیچ جا و هیچ اثری از اینها در هیچ جای مملکت نگذاریم که خروج کند، تمام نوشته هایشان را از بین می بریم برای اینکه وقتی ملت فهمید که اینها خرابکارند، اینها اشخاصی نیستند که بشود با آنها با ملایمت رفتار کرد. حزب دمکرات کردستان یک جمعیت خرابکار هستند، یک جمعیت فاسد هستند، یک جمعیت مفسد هستند، اینها را ما نمی توانیم بگذاریم که همین طور هرکاری که دلشان می خواهد بکنند، حالا هم اعتراض کرده اند که خود شماها دارید این کارها را می کنید. نظیر آنها که در پیروز و در چند روز پیش، آن خرابکاری را کردند و بعد گفتند که خود مردم این کارها را کردند. خودشان ایجاد غائله می کنند، بعد گردن اینها می گذارند. حالا هم در روزنامه دیدم که آنجا عزالدین حسینی فاسد و همین طور قاسملوی فاسد (که نیست لابد اینجا) اینها می گویند خود پاسدارها که آمدند، اینها مردم را چه کردند، در صورتی که سر پاسدارها را بریدند، سر مردم را بریدند، بچه هارا چه کردند. یک همچو مردمی هستند اینها، با اینها نمی شود با آشتی و مصالحه و با این چیزها با اینها نمی شود رفتار کرد، با اینها باید با شدت رفتار کرد و با شدت رفتار می کنیم انشاء الله.

## سوء استفاده جنایتکاران مدعی خلق از نعمت آزادی

البته حتی الامکان، حالا ما هم دلمان می خواهد که کسانی که قلم دارند، کسانی که \_ عرض می کنم که به خیال خودشان روشنفکر هستند، کسانی که جبهه ها تشکیل دادند، آنها باز ما میل داریم که با ملایمت با آنها رفتار کنیم لکن باید دست از کار خودشان بردارند. مسیر ملت معلوم است، یک چیزی نیست که مجهول باشد. همه کسانی که بر اوضاع ایران مطلع هستند، همه میدانند که این ملت چه خواهد، بر کسی پوشیده نیست، به خارجی ها، به داخلی ها، به احزاب، به همه پوشیده نیست که این ملت آنی را که می خواهد، جمهوری اسلامی است. اسلام را می خواهد این ملت. چند نفر آدم

فاسد بیابند بگویند که نخیر، اسلام نه، همان جمهوری بخواهند و چند نفر آدم به یک ملت تحمیل کنند و بعد بگویند که ما آزاد نیستیم. آزادی این است که شمائی که در اقلیت هستید (نه آن اقلیتی که حزب‌ها بعضی‌شان اقلند و بعضی اکثرند)، آن اقلیتی که شما همه گروه‌ها را با هم جمع کردید، همه کارها را انجام دادید و همه خرابکاری‌ها را هم کردید و از صد، یک و نیم فوقش دو، همه رویهمرفته دو، مخالف با قضیه بود. یک همچو فراند می در دنیا سابقه نداشته که اینطور فراند باشد، یک چنین فراند آزادی که همه مردم را آزاد گذاشتند و با آزادی مردم رأی دادند، ولی بعضی‌ها هم جلو گرفتند، بعضی از همین شیاطین جلو گرفتند. اینها نمی‌خواهند که این مملکت به حال خودش باقی بماند و این مملکت و این نهضت پیش برود، اینها منظورشان این است که نگذارند پیش برود، والا خرمن سوزی و کارخانه‌ها را از کار بازداشتن و مردم را از رأی دادن باز داشتن و در وقتی که مردم مجلس خبرگان را می‌خواهند تهیه کنند، این بساط را درست کردن و وقت رأی گرفتن آنطور و وقت تشکیل اینطور (بعدها هم که خواهد شد) اینها مسیر ملت است؟! شمائی که می‌گوئید ما برای ملت و برای توده‌ها و برای خلق داریم کار می‌کنیم، اینها مسیر ملت است؟! به نفع خلق است سوزاندن حاصل رنج یک جمعیت، یک سال حاصل رنجشان را شما با یک کبریت آتش می‌زنید، این مسیر ملت است؟! این به نفع توده‌ها و خلق است؟! می‌خواهند توده‌ها و خلق رأی بدهند جلو می‌گیرید این به نفع خلق است؟! به نفع توده‌هاست؟! که شما ادعا کنید ما به نفع توده‌ها هستیم، به نفع خلق هستیم و این عمامه و نعلین است که بر خلاف است. این عمامه و نعلین چه می‌کنند، این عمامه و نعلین حالا پنج ماه است که به شما مهلت داده در صورتی که همه قدرت دستش بوده است، قدرت در همه جا دست عمامه و نعلین بوده، چه کرده اینها؟ شما جز خرابکاری کرده اید؟ بله، اشکال به عمامه و نعلین است که به شما مهلت دادند، این اشکال وارد است. اگر بنا بود که از اول مثل سایر انقلاباتی که در دنیا واقع می‌شود، انقلاباتی که واقع می‌شود، پشت سر هر انقلاب یک چند هزار از این فاسدها را در مراکز عام دار می‌زنند و آتش می‌زنند، تمام می‌شود قضیه، نمی‌گذارند که یک روزنامه‌ای چیز بشود الا آن روزنامه‌ای که خودش می‌خواهند.

الان انقلاب اکتبر که اینقدر وقت از آن گذشته، باز روزنامه‌ای مردم ندارند، باز حزبی در کار نیست، یک حزب بیشتر نیست. اینها دارند برای آنها سینه می‌زنند. اگر در اینجا از یک حزب فاسد جلو بگیرند می‌گویند شد یک حزبی، شد رستاخیز. ما می‌خواهیم رستاخیز بشود، ما یک حزب را، یا چند حزب را که صحیح عمل می‌کنند می‌گذاریم عمل بکنند و باقی همه را ممنوع اعلام می‌کنیم و همه نوشتجاتی که اینها کرده‌اند و بر خلاف مسیر اسلام و مسیر مسلمین است، ما همه اینها را از بین خواهیم برد. ما بعد از اینکه فهمانیدیم به اینها که شماها دیکتاتور هستید، ما آزادیخواه بودیم و شما نگذاشتید، ما آزادی دادیم و شما نگذاشتید این آزادی باقی بماند، حالا که اینطور شد ما انقلابی با شما رفتار می‌کنیم، هر چه می‌خواهند روزنامه‌های خارج بنویسند، هر چه می‌خواهند توابع صهیونیست‌ها و امثال اینها هر چه دلشان می‌خواهد فریاد بزنند. اینها هم اگر چنانچه هر چه دلشان می‌خواهد توی

خانه هایشان بروند فریاد بزنند لکن بیرون دیگر نمی توانند ، اینها باید منزوی بشوند .

## ما شرعا موظفیم به حفظ مصالح اسلام و مسلمین

بعد از این هم ما گرفتاری داریم ، فردا قضیه رئیس جمهور است ، همین بساط و همین خونریزی و اینها در قضیه مجلس شورا بدتر از این خواهد شد ، دیگر خیلی بدتر از این خواهد شد . ما باید جلوی مفاسد را بگیریم ، ما موظفیم از طرف اسلام که مصالح مسلمین را حفظ کنیم ، همه موظفیم ، همه ما موظفیم که مصالح اسلام را حفظ کنیم و این طوایف دارند مصالح اسلام را از بین می برند . بنابراین در کمال تاسف ما دیگر نمی توانیم آن آزادی که قبلا دادیم ، بدهیم و نمی توانیم بگذاریم این احزاب به کار خودشان و به فسادهایی که داشتند می کردند و می کنند ادامه بدهند . مردیکه سرمایه داری که چه است (که حالا من نمی خواهم اسم کثیفش را ببرم) یک مردیکه سرمایه داری ، همه این غائله ها را ایجاد کرد در آن چند روز پیش از این و بعد هم حالا فرار کرد ، ما نمی توانیم مهلت بدهیم ، شرعا جایز نیست برای ما دیگر مهلت . تا آنجائی که ما توانستیم و خطا هم کردیم و من تصدیق می کنم که خطا کردیم ، هم ما خطا کردیم ، هم دولت خطا کرد ، هم شورای انقلاب خطا کرد ، همه ما خطا کردیم . ما خیال می کردیم که ما با انسان سر و کار داریم ، پس با انسانیت رفتار می کنیم ، معلوم شد که نه ، ما با انسان سر و کار نداریم ، ما با حیوانات درنده سر و کار داریم . نمی شود با حیوانات درنده ، ما ملایمت بکنیم و نمی کنیم دیگر ملایمت و من امیدوارم که این فریادهای اینها و این دست و پا زدن های اینها ، این شایعه پخش کردن اینها ، حالا هم باز شایعه پخش کرده اند که 28 مرداد شاه می آید ، بسیار خوب بیاید ، ما از خدا می خواهیم که شاه بیاید آنجا ، این شایعه ها چیزی نمی شود .

## طرح مسائل غیر اسلامی بر خلاف حدود وکالت است

و من امیدوارم که بدون اینکه یک ذره آقایی که انشاءالله با سلامت (و می دانم دیگر گفتن من زیادی است لکن برای اینکه گفته بشود باز هم) بدون یک ذره ملاحظه از غرب ، از شرق ، از نمی دانم حزب کذا ، حزب دمکرات ، از چه و چه بدون یک ذره ملاحظه ، باید این قانون اساسی ما مطابق با شرع ، در چهار چوب شرع . اگر یکی یکی از وکلا یا همه وکلا بخواهند دست از این چهارچوب خارج بشود ، اصلا وکیل نیستند برای ما . شما آقایان وکیل هستید که زن های مردم را هم طلاق بدهید؟ زن موکل تان را؟ نیستید . اگر طلاق بدهید ، صحیح است ؟ نه . از باب اینکه شما وکیل هستید برای رسیدگی به قانون جمهوری اسلامی . الان اگر چنانچه شما بخواهید ، یا بعضی از شما بخواهند که اسم جمهوری اصلا نباشد ، بحث را ببرند روی رژیم سلطنتی ، شما حق دارید رسیدگی بکنید؟ شما حق رسیدگی ندارید . برای اینکه جمهوری اسلامی را شما حق رسیدگی دارید . همانطوری که برای طلاق دادن زن مردم ، شما و ما ، هر کس که وکیل شده است برای طلاق دادن زن مردم وکالت ندارد ، وکالتش محدود است . در مسائل غیر اسلامی ، اگر یک مسأله غیر اسلامی در اینجا بیاید ، طرحش

مردود است . طرح مسأله غیر اسلامی بر خلاف وکالت شما ست . مثل یک مباحثه ای می ماند که شما ، یک مسأله علمی بحث بکنند ، مانعی ندارد بحث بکنید ، اما بر خلاف وکالت شما است . همانطور که طلاق دادن زن موکلین تان بر خلاف وکالت شماست . طرح کردن یک مسأله غیر اسلامی هر چه باشد ، هر چه مترقی باشد ، شما نمی توانید طرح بکنید . یک دسته دیگری درست کند ، ملت خودش اختیار دارد یک دسته هم درست کند که در مسائل غیر اسلامی بحث بکند در چهار چوب مسائل اسلامی . البته مسائل اداری راجع به اداره امور ، اینها مسائل دیگری هست . اما مطالبی که مربوط به اسلام است ، اگر یکی بخواهد طرحی کند ، بر خلاف او ، بر خلاف مسیر ملت است و علاوه بر خلاف حدود وکالتش است ، حد وکالت بیشتر از این نیست . اگر رأی هم بدهد ، رأیش ، اگر خدای نخواستہ همه آقایان هم رأی بدهند به یک مسأله غیر اسلامی ، بر خلاف وکالتشان است ، مردم وکیلشان نکرده اند برای آن . وقتی بر خلاف وکالت شد ، مثل طلاق دادن زن آنها می ماند .

### **بدون هراس از یاوه سرائی دشمنان اسلام به طی مسیر خویش ادامه می دهیم**

ما از هیچ چیز باک نداریم ، نه باک داریم که شرف ما را یکوقت اشخاص مثلاً غیر آزادی طلب یا دیکتاتور حساب بکنند ، نه باک از این داریم که غرب یک همچو چیزی بکند . البته منافعشان که در معرض خطر است ، باید همه تهمت ها را به ما بزنند و ما همه تهمت ها را قبول می کنیم . هر چه آنها می گویند بسیار خوب ، اما ما مسیر خودمان را طی می کنیم . ما جمهوری اسلامی را به آنطوری که دستور از خدای تبارک و تعالی داریم و به آنطوری که مصالح مملکت ما ، ملت ما اقتضاً می کند ، ما این مسیر را خواهیم رفت و آقایان هم همین مسیر را خواهند رفت و هر چه که بگویند هیچ مورد اعتماد و اعتنا نیست و باکی هم از این نیست که چه بگویند . البته بخواهید که همه مردم برای شما خوب بگویند ، باید بروید توی خانه های تان بنشینید و هیچ کس شما را نبیند . برای حضرت امیر هم هزاران چیز گفتند ، برای پیغمبر اکرم گفتند ، حالا هم دارند می گویند . ما باکی از این نداریم . غربی برای پیغمبر ما بدتر از این می گوید که برای شما و ماها می گوید . برای همه خلفای اسلام ، برای همه آنها می گویند ، برای اینکه الان در معرض خطر است کارشان . وقتی در معرض خطر شدند یعنی منافعشان در معرض خطر است . البته آنها باید بر علیه ما حرف بزنند لکن ما مسیر خودمان را طی می کنیم ، تا آنجائی که بتوانیم مسیر خودمان را طی می کنیم و آقایان هم مسیر خودشان را طی می کنند بدون اینکه هیچ باکی از حرف های این ور و آن ور داشته باشیم . و جاهت ما نمی خواهیم برای خودمان درست بکنیم . نه شما خواهید وجیه المله بشوید با مردم ، اگر کسی شما را می شناسد وجیه است ، نمی خواهید حالا درست کنید ، نمی خواهید در این مجلس وجیهت درست بکنید . شما این مجلس را می خواهید بروید و مطابق آنطوری که ملت شما را وکیل کرده است و مطابق آنکه اسلام شما را موظف کرده است ، به آنطور عمل کنید و همین طور عمل خواهید کرد .



و من سفارش می کنم به آنهایی که خدای نخواستہ یک آرائی دارند بر خلاف مسیر ملت ، من سفارش می کنم به آنها که طرحشان را و آرایشان را بگذارند برای یک وقت دیگری و یک وقت های دیگری این کارها را بکنند ، حالا وقت این نیست که آرائی که خلاف مسیر ملت است اظهار بکنند و حیثیت خودشان را در بین ملت از بین ببرند . من میل ندارم حیثیت آقایان از بین برود در بین ملت . خلاف در این مجلس یک چیزهایی و یک حرف هائی زده بشود که بر خلاف مسیر ملت است ، اینها و جاهت خودشان را در بین ملت می برند و خدای نخواستہ بعدها برایشان خیلی نفع ندارد . همان مسیری که ملت داشتند ، همین چیزی که اگر می خواهید مطابق به قول خودتان دموکراسی عمل بکنید ، دموکراسی این است که آراء اکثریت و آنهم اینطور اکثریت معتبر است ، اکثریت هر چه گفتند آرایشان معتبر است ولو به ضرر خودشان باشد . شما ولی آن ها نیستید که بگوئید که این به ضرر شماست ما نمی خواهیم بکنیم . شما وکیل آنها هستید ، ولی آنها نیستید . بر طبق ، آنطوری که خود ملت مسیرش است ، خواهش می کنم از اشخاصی که ممکن است یک وقتی یک چیزی را طرح بکنند که این طرح بر خلاف مسیر ملت است ، طرحش نکنند از اول ، لازم نیست ، لازم نیست هر مطلب صحیحی را اینجا گفتن . شما آن مسائلی که مربوط به وکالتان است و آن مسیری که ملت ما دارد ، روی آن مسیر راه بروید ولو عقیده تان این است که این مسیری که ملت رفته ، خلاف صلاحش است . خوب باشد ، ملت می خواهد اینطور بکند ، به من و شما چکار دارد؟ خلاف صلاحش را می خواهد انجام بدهد . ملت رأی داده و رای که داد ، متبع است . در همه دنیا رأی اکثریت آن هم یک همچو اکثریتی ، آن هم یک فریاد چند ماهه و چند ساله ملت ، آن هم این مصیبت هائی که ملت ما در راه این مقصد کشیده اند انصاف نیست که حالا شما بیایید یک مطلب بگوئید که بر خلاف مسیر است ، یعنی انصاف نیست که نمی شود ، پیش هم نمی رود ، اگر چنانچه یک چیزی هم گفته بشود ، پیش نمی رود برای اینکه اولاً مخالف با وضع وکالت شما هست و شما وکیل نیستید از طرف ملت برای هر چیزی و ثانیاً بر خلاف مصلحت مملکت است ، بر خلاف مصلحت ملت است ، بر خلاف مصلحت خود آقایان است .

## اسلام مترقی ترین مکتب هاست

و من از خدای تبارک و تعالی خواهانم که آقایان انشاءالله با سلامت و موفقیت این راه را طی بکنند و یک قانونی که مطابق با اسلام و مترقی و همه چیزش تمام باشد ، و ما اسلام را مترقی ترین مکتب ها دانیم و هر مکتبی هر چه می خواهد بگوید ، بگوید . ما اسلام را مکتب مترقی می دانیم و شما فرض کنید که مکتب مترقی نیست ، ما این را می خواهیم . ما این را می خواهیم . مترقی اسمش را می گذارید ، بگذارید ، غیر مترقی هم اسمش را می گذارید ، بگذارید ، ما را وحشی هم بدانید ، بدانید . ما این را می خواهیم . ملت ما هم این را می خواهند و من معذرت می خواهم از آقایان که در این هوای گرم تشریف آوردند . موید باشید .

## فرمان امام خمینی به دولت ، ارتش و ژاندارمری در رابطه با غائله پاوه

بسم الله الرحمن الرحيم

از اطراف ایران گروه های مختلف ارتش و پاسداران و مردم غیرتمند تقاضا کرده اند که من دستور بدهم به سوی پاوه رفته و غائله را ختم کنند ، من از آنان تشکر می کنم و به دولت و ارتش و ژاندارمری اخطار می کنم اگر با توپ ها ، تانک ها ، قوای مجهز تا 24 ساعت دیگر حرکت به سوی پاوه نشود ، من همه را مسؤول می دانم . من به عنوان ریسات کل قوا به رئیس ستاد ارتش دستور می دهم که فوراً با تجهیز کامل عازم منطقه شوند و به تمام پادگانهای ارتش و ژاندارمری دستور می دهم که بی انتظار دستور دیگر و بدون فوت وقت با تمام تجهیزات به سوی پاوه حرکت کنند و به دولت دستور می دهم وسائل حرکت پاسداران را فوراً فراهم کند . تا دستور ثانوی ، من این کشتار وحشیانه را قوای انتظامی می دانم و در صورتی که تخلف از این دستور نمایند ، با آنان عمل انقلابی می کنم . مکرر از منطقه اطلاع دهند که دولت و ارتش کاری انجام نداده اند . من اگر تا 24 ساعت دیگر عمل مثبت انجام نگیرد ، سران ارتش و ژاندارمری را مسؤول می دانم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 248

## فرمان امام خمینی به رئیس ستاد ارتش ، ژاندارمری و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

به رئیس ستاد ارتش و ریاست کل ژاندارمری جمهوری اسلامی و رئیس پاسداران انقلاب اکیدا دستور می دهم که به نیروهای اعزامی به منطقه کردستان دستور دهند که اشرار و مهاجمین را که در حال فرار هستند تعقیب نمایند و آنان را دستگیر نموده و با فوریت به محاکم صالحه تسلیم کنند و تمام مرزهای منطقه را با فوریت ببندند که اشرار به خارج نگریزند و اکیدا دستور می دهم که سران و اشرار را با کمال قدرت دستگیر نموده و تسلیم نمایند . اهمال در این امر ، تخلف از وظیفه و مورد مواخذه شدید خواهد شد .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 249

## بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم

### ضرورت تشکیل حزب مستضعفین

بسم الله الرحمن الرحيم

من از ملت ها و دولت هائی که در این ندای اسلامی با ما موافقت کردند و لیبیک به ندای اسلام دادند تشکر می کنیم و سلامت و تأیید همه را از خداوند تعالی خواستاریم .

روز قدس یک روز اسلامی است و یک بسیج عمومی اسلامی بود و امیدوارم که این امر ، مقدمه باشد از برای یک حزب مستضعفین بر تمام دنیا و من امیدوارم که یک حزب به اسم حزب مستضعفین در تمام دنیا بوجود بیاید و همه مستضعفین با هم در این حزب شرکت کنند و مشکلاتی که سر راه مستضعفین است از میان بردارند و قیام در مقابل مستکبرین و چپاولگران شرق و غرب کنند و دیگر اجازه ندهند که مستکبرین بر مستضعفین عالم ظلم کنند ، و ندای اسلام را و وعده اسلام را که حکومت مستضعفین بر مستکبرین است ، و وراثت ارض برای مستضعفین است متحقق کنند . تاکنون مستضعفین متفرق بودند و با تفرقه ، کاری انجام نمی گیرد . اکنون که نمونه ای از پیوند مستضعفین در بلاد مسلمین تحقق پیدا کرد ، این نمونه باید به یک سطح وسیع تری در تمام قشرهای انسانهای تاریخ تحقق پیدا کند به اسم (حزب مستضعفین) که همان (حزب الله) است و موافق اراده خدای تبارک و تعالی است که مستضعفین وارث ارض باید بشوند .

ما از جمیع مستضعفین عالم دعوت می کنیم که با هم در حزب مستضعفین وارد بشوند و مشکلات خودشان را با دستجمع و اراده مصمم عمومی رفع کنند و هر مسأله ای که در هر جا و در هر ملتی پیش می آید ، بوسیله حزب مستضعفین رفع بشود .

### ما مکرر گفته ایم که اسرائیل این جرثومه فساد ، اکتفا به بیت المقدس نخواهد کرد

من باید با کمال تأسف عرض کنم که یک اشتباه دولت ها و ملت های اسلام و خصوصاً دولت ها و ملت های عرب کردند و یک اشتباه هم در ایران ، ما کردیم . اشتباهی که همه مسلمین و خصوصاً ملت ها و دولت های عرب کردند این بود که مهلت دادند که اسرائیل به ، اغراض شخصیه دولت ها مانع شد از اینکه صدای اسرائیل را در همان اول خفه کنند و نگذارند قدرت پیدا بکند و مع الاسف به نصیحت های ما که در طول بیست سال یا قدری کمتر فریاد زدیم و آنها را دعوت کردیم به اتحاد بر ضد

اسرائیل، اغراض مانع شد از اینکه اجابت کنند. مهلت دادند تا اینکه مطلب به اینجا رسید که الان دست تعدی او دراز شده است و جنوب لبنان را به آتش می کشد و فلسطین را می خواهد عقب بزند و ما گفته ایم مکرر که اسرائیل این جرثومه فساد اکتفا به قدس، اکتفا به بیت المقدس نخواهد کرد و اگر مهلت داده شود، تمام دول اسلامی در معرض خطر است. اشتباه سابق باید جبران بشود به اتحاد مسلمین و تشکیل حزب مستضعفین بر ضد مستکبرین که در رأس آنها آمریکای جانی است و نوکر بسیار فاسد او که اسرائیل است. این اشتباه دول اسلامی و اعراب خصوصا بود و باید جبران کنند این اشتباه را و در پیشگاه خدای تبارک و تعالی توبه کنند.

### **ما نمی خواهیم در خارج از کشور و جاهت پیدا کنیم، ما می خواهیم به امر خدا عمل کنیم**

و اما اشتباهی که ما کردیم این بود که به طور انقلابی عمل نکردیم و مهلت دادیم به این قشرهای فاسد، و دولت انقلابی و ارتش انقلابی و پاسداران انقلابی، هیچ یک از اینها عمل انقلابی نکردند و انقلابی نبودند. اگر ما از اول که رژیم فاسد را شکستیم و این سد بسیار فاسد را خراب کردیم، به طور انقلابی عمل کرده بودیم، قلم تمام مطبوعات را شکسته بودیم و تمام مجلات فاسد و مطبوعات فاسد را تعطیل کرده بودیم و رؤسای آنها را به محاکمه کشیده بودیم و حزب های فاسد را ممنوع اعلام کرده بودیم و رؤسای آنها را به سزای خودشان رسانده بودیم و چوبه های دار را در میدان های بزرگ برپا کرده بودیم و مفسدین و فاسدین را درو کرده بودیم، این زحمت ها پیش نمی آمد.

من از پیشگاه خدای متعال و از پیشگاه ملت عزیز عذر می خواهم، خطای خودمان را عذر می خواهم. ما مردم انقلابی نبودیم، دولت ما انقلابی نیست، ارتش ما انقلابی نیست، ژاندارمری ما انقلابی نیست، شهربانی ما انقلابی نیست، پاسداران ما هم انقلابی نیستند، من هم انقلابی نیستم. اگر ما انقلابی بودیم، اجازه نمی دادیم اینها اظهار وجود کنند. تمام احزاب را ممنوع اعلام می کردیم. تمام جبهه ها را ممنوع اعلام می کردیم، یک حزب و آن (حزب الله) حزب مستضعفین، و من توبه می کنم از این اشتباهی که کردم و من اعلام می کنم به این قشرهای فاسد در سرتاسر ایران که اگر سر جای خودشان نشینند ما به طور انقلابی با آنها عمل می کنیم. مولای ما امیرالمؤمنین سلام الله علیه آن مرد نمونه عالم، آن انسان به تمام معنا انسان، آن که در عبادت آنطور بود و در زهد و تقوا آنطور و در رحم و مروت آنطور و با مستضعفین آنطور بود، با مستکبرین و با کسانی که توطئه می کنند - شمشیر را - می کشت هفتصد نفر را در یک روز (چنانچه نقل می کنند) از یهود بنی قریضه که نظیر اسرائیل بود و اینها از نسل آنها شاید باشند، از دم شمشیر گذراند.

خدای تبارک و تعالی در موضع عفو و رحمت، رحیم است و در موضع انتقام، انتقامجو، امام مسلمین هم اینطور بود، در موقع رحمت، رحمت، و در موقع انتقام، انتقام. ما نمی ترسیم از اینکه در روزنامه های سابق، در روزنامه های خارج از ایران برای ما چیزی بنویسند ما نمی خواهیم و جاهت در ایران در اسلام در خارج از کشور پیدا نکنیم، ما می خواهیم به امر خدا عمل کنیم و خواهیم کرد.

(اشدأ علی الکفار رحماً بینهم) این توطئه گرها در صف کفار واقع هستند ، این توطئه گرها در کردستان و غیر آن در صف کفار هستند . با آنها باید با شدت رفتار کرد . دولت با شدت رفتار کند ، ژاندارمری با شدت رفتار کند ، ارتش با شدت رفتار کند . اگر با شدت رفتار نکنند ، ما با آنها با شدت رفتار می کنیم . ما با خود همین ها اگر مسامحه بکنند ، با شدت رفتار می کنیم . مسامحه حدودی دارد ، جلب و جاهت حدودی دارد . مصالح مسلمین را نمی گذارند به این امور از بین برود . دادستان انقلاب موظف است مجلاتی که بر ضد مسیر ملت است و توطئه گر است تمام را توقیف کند و نویسندگان آنها را دعوت کند به دادگاه و محاکمه کند . موظف است کسانی که توطئه می کنند و اسم حزب روی خودشان می گذارند ، رؤسای آنها را بخواهد و آنها را محاکمه کند . ما باز تا چندی مهلت می دهیم به این قشرهای فاسد و این اعلام آخر است و اگر چنانچه در کار خودشان تعدیل نکنند و به ملت برنگردند و دست از توطئه ها برندارند ، خدا می داند انقلابی عمل می کنم . می آیم تهران و رؤسائی که مسامحه می کنند ، با آنها انقلابی عمل می کنم . قشرهایی از ارتش که اطاعت از بالاترها نمی کنند و امر آنها را اطاعت نمی کنند ، باید بدانند که من با آنها اگر آمدم ، انقلابی عمل می کنم . عذرها را کنار بگذارید ، بروید فاسدها را سرکوبی کنید ، بروید توطئه گرها را سرکوبی کنید ، مسامحه نکنید . دولت مسامحه نکند ، ارتش مسامحه نکند ، ژاندارمری مسامحه نکند ، پاسداران مسامحه نکنند .

### از گذشته ها عبرت بگیرید و در مسیر اسلام و ملت عمل کنید

من باز از همه قشرهای ملت ، از همه روشنفکران ، از همه احزاب ، از همه دستجات و گروه (گروه ها که مع الاسف تاکنون شاید دویست گروه پیدا شده باشد) تقاضا می کنم که مسیرتان ، مسیر ملت و مسیر اسلام باشد ، به ملت پیوندید ، صلاح شما در این است که به ملت پیوندید . اگر خدای نخواستہ این نهضت عقب بزند ، شماها هم فدای غلط کاری خودتان خواهید شد لکن نهضت ما عقب نخواهد زد و نهضت ما به پیش می رود و باید سایر ملت ها از نهضت ما عبرت بگیرند و حکومت ها از حکومت سابق ما و از وضعی که برای او پیش آمد ، عبرت بگیرند . ملت افغانستان از ایران عبرت بگیرد و این فاسدها را که مردم را به خون و خاک می کشند به سر جای خودشان بنشانند . ارتش افغانستان به ملت پیوندد ، حکم اسلام است . ادارات دولتی افغانستان همانطوری که ادارات ما به ملت پیوستند ، به ملت پیوندند ، ژاندارمری آنجا به ملت پیوندد و این فاسد را بیرون کند . ما امیدواریم که با وحدت کلمه مسلمین ، مسائل اسلام ، مسائل فلسطین ، مسائل افغانستان حل بشود . من از خدای تبارک و تعالی سلامت و توفیق مسلمین را خواستارم و از خدای تبارک و تعالی خواهانم که مستضعفین را بر مستکبرین غلبه بدهد و زمین را به آنها به ارث عنایت فرماید .

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته

## فرمان امام خمینی به کلیه قوای انتظامی در مورد غائله سنندج

بسم الله الرحمن الرحيم

الساعة خبر رسید که در سنندج حزب دموکرات، ارتشی ها و سازمان های آنان را محاصره کرده اند و اگر تا نیم ساعت دیگر کمک نرسد اسلحه ها را می برند. و از مسجد سنندج به ما اطلاع داده اند که حزب دموکرات زن های ما را به گروگان برده اند. اکیدا به کلیه قوای انتظامی دستور می دهم به پادگان های مراکز ابلاغ کنند که با قدرت کافی به طرف سنندج حرکت کنند و با شدت اشرار را سرکوب نمایند. پاسداران انقلاب در هر محلی هستند به مقدار کافی به طرف سنندج و تمام کردستان با پل هوائی بسیج شوند و با شدت تمام، اشرار را سرکوب نمایند.

تأخیر ولو به قدر یک ساعت، تخلف از وظیفه و به شدت تعقیب می شود. از ملت ایران می خواهیم که مراقب باشند هر یک از مأمورین تخلف کردند فوراً اطلاع دهند. من انتظار دارم که تا نیم ساعت دیگر از قوای انتظامی به من خبر بسیج عمومی برسد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 253

## پیام امام خمینی در مورد غائله پاوه

بسم الله الرحمن الرحيم

پیرو مسائل پاوه، گروه های بسیار زیادی از اطراف و اکناف کشور آمادگی خود را برای حرکت به منطقه و سرکوبی اشرار اعلام نمودند، من از مردم غیرتمند و برادران عزیزم تشکر و امر می کنم پیرو مسأله سنندج که به اطلاع رسید و به قوای انتظامیه دستور بسیج فوری دادم، از قوای انتظامی اطلاع رسید که اقدام مؤثر و فوری شده است.

هم اکنون مطلع شدم که اهالی دستجمعی پیاده به طرف سنندج حرکت کرده اند، ضمن تشکر فراوان از آنان تقاضا دارم به منازل خود مراجعت کنند. به قوای انتظامیه و سپاه پاسداران دستور اکید داده ام که غائله کردستان را ختم نموده و مردم شریف آن منطقه را از دست ضد انقلابیون نجات دهند و آن منطقه را از لوٹ اشرار خارج و داخل پاک نمایند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی



## پیام امام خمینی به مناسبت افتتاح مجلس خبرگان

بسم الله الرحمن الرحيم

اکنون که با عنایت خداوند متعال و تأیید حضرت ولی الله اعظم اجل الله فرجه و بایمن و برکت، مجلس رسیدگی پیش نویس قانون اساسی کار خود را شروع می کند، بجاست تذکراتی به ملت شریف و حضرات علمای عظام و سایر وکلای محترم بدهم.

1\_ بر هیچ یک از آنان که از انقلاب اسلامی ایران اطلاع دارند، پوشیده نیست که انگیزه این انقلاب و رمز پیروزی آن اسلام بوده و ملت ما در سراسر کشور از مرکز تا دور افتاده ترین شهرها و قرأ و قصبات با اهدا خون و فریاد الله اکبر جمهوری اسلامی را خواستار شدند و در فراندم بیسابقه و اعجاب آور، با اکثریت قریب به اتفاق به جمهوری اسلامی رأی دادند و دولت های اسلامی و غیر اسلامی، رژیم و دولت ایران را به عنوان جمهوری اسلامی به رسمیت شناختند.

2\_ با توجه به مراتب فوق، قانون اساسی و سایر قوانین در این جمهوری باید صد در صد بر اساس اسلام باشد و اگر یک ماده هم بر خلاف احکام اسلام باشد، تخلف از جمهوری و آراء اکثریت قریب به اتفاق ملت است. بر این اساس هر رأی یا طرحی که از طرف یک یا چند نماینده به مجلس داده شود که مخالف اسلام باشد، مردود و مخالف مسیر ملت و جمهوری اسلامی است و اصولاً نمایندگانی که بر این اساس انتخاب شده باشند، وکالت آنان محدود به حدود جمهوری اسلامی است و اظهار نظر و رسیدگی به پیشنهادهای مخالف اسلام یا مخالف نظام جمهوری، خروج از حدود وکالت آنهاست.

3\_ تشخیص مخالفت و موافقت با احکام اسلام منحصر در صلاحیت فقهاء عظام است که الحمدلله گروهی از آنان در مجلس وجود دارند و چون این یک امر تخصصی است، دخالت وکلای محترم دیگر در این اجتهاد و تشخیص احکام شرعی از کتاب و سنت، دخالت در تخصص دیگران بدون داشتن صلاحیت و تخصص لازم است. البته در میان نمایندگان، افراد فاضل و لایقی هستند که در رشته های حقوقی و اداری و سیاسی تخصص دارند و صاحب نظرند که از تخصصشان در همین جهات قوانین استفاده می شود و در صورت اختلاف متخصصان، نظر اکثریت متخصصان معتبر است.

4\_ من با کمال تأکید توصیه می کنم که اگر بعضی از وکلای مجلس تمایل به مکاتب غرب یا شرق داشته یا تحت تأثیر افکار انحرافی باشند، تمایل خودشان را در قانون اساسی جمهوری اسلامی

دخالت ندهند و مسیر انحرافی خود را از این قانون جدا کنند، زیرا صلاح و سعادت ملت ما در دوری از چنین مکتب‌هائی است که در محیط خودشان هم عقب زده شده و رو به شکست و زوال است.

از گفته‌ها و نوشته‌های بعضی از جناح‌ها به دست می‌آید افرادی که صلاحیت تشخیص احکام و معارف اسلامی را ندارند، تحت تأثیر مکتب انحرافی، آیات قرآن کریم و متون احادیث را به میل خود تفسیر کرده و با آن مکتب‌ها تطبیق می‌نمایند و توجه ندارند که مدارک فقه اسلامی بر اساسی مبتنی است که محتاج به درس و بحث و تحقیق طولانی است و با آن استدلال‌های مضحک و سطحی بدون توجه به ادله، معارض و بررسی همه‌جانبه معارف بلند پایه و عمیق اسلامی را نمی‌توان به دست آورد و من انتظار دارم محیط مجلس خبرگان از چنین رویه‌ای به دور باشد.

5\_ علمای اسلام حاضر در مجلس اگر ماده‌ای از پیش نویس قانون اساسی و یا پیشنهادهای وارده را مخالفت با اسلام دیدند، لازم است با صراحت اعلام دارند و از جنجال روزنامه و نویسندگان غریزه نهراسند، که اینان خود را شکست خورده می‌بینند و از مناقشات و خرده‌گیری‌ها دست بردار نیستند.

6\_ نمایندگان محترم مجلس خبرگان باید همه مساعی خویش را به کار برند تا قانون اساسی جامع و دارای خصوصیات زیر باشد:

الف \_ حفظ و حمایت حقوق و مصالح تمام قشرهای ملت دور از تبعیض‌های ناروا.

ب \_ پیش‌بینی نیازها، منافع نسل‌های آینده‌انگونه که مد نظر شارع مقدس در معارف ابدی اسلام است.

ج \_ صراحت و روشنی مفاهیم قانون به نحوی که امکان تفسیر و تأویل غلط در مسیر هوس‌های دیکتاتورها و خودپرستان تاریخ در آن نباشد. د \_ صلاحیت نمونه و راهنما قرار گرفتن برای نهضت‌های اسلامی دیگر که با الهام از انقلاب اسلامی ایران در صدد ایجاد جامعه اسلامی بر می‌آیند.

در خاتمه از خداوند متعال، توفیق و تأیید همگان را خواستارم و امیدوارم به برکت تلاش آقایان، قانون اساسی واقعا اسلامی و مترقی به تصویب برسد.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته

روح اللہ الموسوی الخمینی

ص: 256

**پیام امام خمینی به مردم کردستان**

بسم الله الرحمن الرحيم

اهالی محترم کردستان! دوستان معظم من! پس از پیروزی انقلاب و اعلام جمهوری اسلامی، گروه هایی که با اسلام دشمن هستند و از وابستگان اجانب می باشند شروع به فعالیت بر ضد نهضت اسلامی و بر ضد جمهوری اسلامی نمودند حتی بعضی از آنها علنی مخالفت کرده و رفتارند را تحریم نمودند و شما برادران دیدید که حزب دموکرات کردستان وابستگی مستقیم با امریکا و صهیونیسم دارد. در آستانه تشکیل مجلس خبرگان و پس از راهپیمائی عظیم مسلمین برای قدس، سر کردگان خائن این حزب، جوانان را اغفال نموده و به برادر کشی کشاندند. برادران مسلمان من! شما به تبلیغات فریبنده این مخالفین اسلام که می خواهند کشور مسلمان ما را به کفر بکشند گوش ندهید و نگذارید جوانان عزیز به دام این منحرفین بیفتند. من از اهالی محترم کردستان تشکر وافر می کنم که به تعهد انسانی و اسلامی خود باقی هستند و از آنان تقاضا می کنم که از قوای انتظامی اسلامی پشتیبانی کنند و سران این حزب و مفسدین را در این منطقه بگیرند و تحویل مأمورین دهند و بدانند که با این عمل رضای خداوند تعالی و پیغمبر عظیم الشان اسلام را به دست آورده است. حزب دموکرات کردستان غیر رسمی و غیر قانونی اعلام شد و چون حزب شیطان است باید تمام اهالی کردستان به وظیفه شرعیه عمل و جوانان خود را از عضویت در این حزب منحل نمایند و با قاطعیت تمام از توطئه این جنایتکاران جلوگیری و مخفی گاه های سران آنان را به دولت و ارتش اسلامی معرفی کنند. امید است این عمل شما موجب قبولی عبادات در درگاه حق تعالی بشود. در خاتمه تأکید می کنم که اسلام تنها پناهگاه همه ماست و در زیر پرچم پرافتخار آن، همه گروه ها به حقوق خود می رسند. عوامل اجانب که منافع خود و اربابانشان را در خطر می بینند برای تحریک برادران اهل سنت و دامن زدن به برادر کشی، قضیه شیعه و سنی را طرح نموده و می خواهند با شیطنت بین برادران اختلاف ایجاد کنند. در جمهوری اسلامی، همه برادران سنی و شیعه در کنار هم و با هم برادر و در حقوق مساوی هستند. هر کس خلاف این را تبلیغ کرد دشمن اسلام و ایران است و برادران کرد باید این تبلیغات غیر اسلامی را در نطفه خفه کنند. از خداوند تعالی وحدت کلمه مسلمین و نابودی منافقین را خواهیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران از انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

من از سپاه راضی هستم و به هیچ وجه نظرم از شما بر نمی گردد . اگر سپاه نبود ، کشور هم نبود . من سپاه پاسداران را بسیار عزیز و گرامی می دارم . چشم من به شماست . شما هیچ سابقه ای جز سابقه اسلامی ندارید . سلام مرا به همه برسانید . من از همه شما متشکرم . من به همه دعا کنم . اوضاع انشاءالله به تدریج درست می شود ، نارضایتی ها رفع می شود . خطر مملکت را تهدید نمی کند ، زحمت ما را فراوان می کند . آنها را سرکوب می کنیم . باید بیشتر کار کرد ، باید بیدار بود . اوضاع مملکت خوب می شود و اینطور نمی ماند . به دولت دستور می دهم صریحا به کارهای شما رسیدگی کند و بودجه تان را هر چه زودتر بپردازد . خداوند همه شما را تأیید کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 258

تاریخ : 31/5/58

## فرمان امام خمینی به آیت الله صدوقی

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت جناب مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آقای صدوقی دامت افاضاته

پس از اهدا سلام و تحیت ، در این موقع حساس که لازم است مسائل اجتماعی و سیاسی اسلام گوشزد ملت شود مقتضی است جنابعالی در یزد اقامه نماز جمعه نموده و مردم را به وظایف شرعی و ملی آنان آشنا فرمائید . از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین را خواهانم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 259

## پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله العظمی گلپایگانی

بسمه تعالی

حضرت آیت الله آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی دامت برکاته \_ مشهد مقدس

تلگراف شریف و اصل و موجب تشکر شد . خائن و استفاده جویان از مال ملت که خود و اربابانشان را در خطر می بینند به تلاش افتاده که به خیال خود با سلب آرامش و ایجاد فجیعه و کشتار مسلمین منطقه مانع از پیشرفت سیاسی و اجتماعی کشور شوند غافل از آنکه ملت به خواست خداوند متعال آنچنان با هوشیاری بپاخاسته و آماده سرکوبی آنان است که اگر جلوگیری و تقاضای صبر نشود ، با بسیج عمومی ریشه فساد را قطع و به زندگی خائنه آنان خاتمه می دهد . از جنابعالی در تحت قبه مطهر ثامن الائمه علیه السلام امید دعا برای اسلام و مسلمین دارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 260

## پیام امام خمینی به ملت ایران در رابطه با مسأله کردستان

بسم الله المنتقم

از مقام رهبری انقلاب و فرماندهی کل قوا اخطار کنم :

1\_ اینجانب پشتیبانی خود را از قوای انتظامی ، ارتش ، ژاندارمری ، شهربانی و پاسداران انقلاب اعلام می کنم و اجازه نمی دهم قلم یا قدمی در تضعیف آنان به کار رود . متخلفین ، مجرم و در صورت احساس توطئه در دادگاه های انقلاب محاکمه انقلابی می شوند و از این تاریخ هیچ کس و هیچ مقامی حق تضعیف آنان را ندارند .

2\_ افراد قوای انتظامی فوق باید اطاعت از مافوق و حفظ سلسله مراتب را بکنند و در صورت تخلف مجرم شناخته می شوند و با احساس توطئه دستور محاکمه در دادگاه های صحرائی را می دهم .

3\_ اعتصابات قوای انتظامی اکیدا ممنوع می شود و در صورت تخلف مجرم شناخته شوند و محرکین ، ضد انقلاب شناخته می شوند و در دادگاه های انقلابی به کیفر انقلابی می رسند و با احساس توطئه دستور دادگاه های صحرائی نسبت به آنان را می دهیم .

4\_ اکیدا دستور می دهم که قوای انتظامی بخصوص ارتش و پاسداران انقلاب هماهنگ باشند و تمام گروه های پاسدار نیز هماهنگ باشند و در سرکوبی اشرا و پاکسازی مناطق بخصوص کردستان و خوزستان همکاری کنند . متخلفین مجرم و محرکین محاکمه انقلابی می شوند .

5\_ به اعضای حزب دمکرات و کردهای غیور و پاکدل که از طرف سران توطئه گر این احزاب و خیانتگران به اسلام و ملت اغفال شده اند ، اعلام می شود در صورتی که خائنان را رها کرده و به ملت و به اسلام بپیوندند و خود را به پادگان ها و مقامات انتظامی معرفی کرده سلاح خودشان را تحویل دهند ، مورد عفو واقع می شوند و اگر سران خائن را دستگیر و تحویل دهند پاداشی بزرگ به آنان می دهم و در صورتی که به مخالفت با ملت و دولت پایداری کنند به سزای اعمال ضد اسلامی خود می رسند و با شدت با آنان عمل می شود .

6\_ به مردم شریف کردستان اعلام می کنم که شما را برادر و برابر خود می دانیم و از حقوق برابر با سایرین ، برادران ایرانی تان در هر کجا باشید برخوردار خواهید شد و در جمهوری اسلامی هیچ فرقی بین ترک ، کرد و لر و عرب و فارس و بلوچ نمی باشد .

7\_ به مدیر عامل شرکت نفت دستور داده ام که با مذاکره با دولت پول یک روز نفت را به کردستان اختصاص دهد و دولت موظف است در اسرع وقت ، در عرض یک هفته این امر را انجام دهد و برادران عزیز کرد ما که مورد هجوم اشراار قرار گرفته اند مورد توجه قرار دهد و نسبت به سایر استانها نیز اقدام می شود . 8\_ از ملت رزمنده و شریف ایران باید تشکر کنم که باکمال صداقت و شجاعت آمادگی خود را برای سرکوبی اشراار و حفظ سرحدات کشور اعلام داشتند و به پشتیبانی از قوای انتظامی برخاستند . پاسداران و سایر قوای انتظامی امروز از اسلام و در مسیر اسلام هستند و پشتیبانی از آنان وظیفه شرعی و ملی همگی ماست .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 262



## پاسخ امام خمینی به تلگراف آیت الله قمی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله آقای قمی دامت برکاته مشهد \_ مقدس

تلگراف شریف و اصل و موجب تشکر گردید . از خداوند متعال توفیق سرکوبی اشرار و قطع ایادی خیانتکاران را مسئلت می نمایم . ملت شریف ایران با تصمیم قاطع رشته حیات توطئه گران و وابستگان به اجانب را قطع و پرچم پر افتخار اسلام را افراشته و جمهوری عدل اسلامی را به ثمره های شیرین آن می رساند . از خداوند تعالی امید دعای خیر شما را در جوار مولا ثامن الحجج دارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 263

## بیانات امام خمینی به مناسبت عید سعید فطر

### اشاره به جهات گسترده سیاسی اقتصادی اسلام و اظهار تأسف از غفلت مسلمین

بسم الله الرحمن الرحيم

عید سعید فطر را به همه مسلمین در مشارق ارض و مغارب ارض تبریک عرض می‌کنم. امید است خدای تبارک و تعالی عبادات مسلمین را در این ماه بزرگ قبول فرماید و عید را مبارک فرماید. اسلام دین سیاست است، دینی است که در احکام او، در مواقف او سیاست بوضوح دیده می‌شود. در هر روز اجتماعات در تمام مساجد کشورهای اسلامی از شهرستانها گرفته است تا دهات و قرأ و قصبات، روزی چند مرتبه اجتماع برای جماعت و برای اینکه مسلمین در هر بلدی، در هر قصبه ای از احوال خودشان مطلع بشوند، از احوال مستضعفین اطلاع پیدا کنند و در هر هفته یک اجتماع بزرگ از همه در یک محل و نماز جمعه که مشتمل دو خطبه است که در آن خطبتین باید مسائل روز، احتیاجات کشور، احتیاجات منطقه و جهات سیاسی، جهات اجتماعی، جهات اقتصادی طرح بشود و مردم مطلع بشوند بر این مسائل و در هر سال دو عید که در آن دو عید مجتمع بشوند و دو خطبه در آن دو عید در نماز هست. در نماز عید دو خطبه هست که آن دو خطبه هم باید بعد از حمد و بعد از صلوات بر پیغمبر اکرم و ائمه علیهم السلام، جهات سیاسی، جهات اجتماعی، جهات اقتصادی، احتیاجاتی که کشور دارد، احتیاجاتی که منطقه دارد در آنها طرح بشود و خطبا مردم را آگاه کنند از مسائل. و از همه بالاتر در هر سال یک مرتبه اجتماع در حج که از همه بلاد اسلامی اشخاصی که مستطیع هستند واجب شده است بر آنها که مجتمع بشوند و باید در آنجا مسائل اسلام در آن موافقی که در حج هست، در عرفات، بخصوص در منا و بعد در خود مکه مکرمه و بعد در حرم رسول اکرم این موافقی که در آنجا هست، در آنجا مردم مطلع بشوند از اوضاع مملکت و از اوضاع تمام کشورهای اسلامی و در آنجا بالحقیه یک مجلس عالی است و یک اجتماع عالی برای بررسی تمام اوضاع تمام کشورهای اسلامی. پس مطلب این است هر روز در محله ها اجتماع و رسیدگی به اوضاع شهر و محله، در هر هفته اجتماع بزرگ در شهرها و در جاهایی که شرایط نماز محقق است برای بررسی اوضاع شهرستان و بالاتر، اوضاع تمام کشور و در هر سال باز دو اجتماع بزرگ برای بررسی به اوضاع کشورها و در هر سال یک اجتماع بسیار بزرگ از تمام ممالک اسلامی برای حج و آن موافقی که در حج هست، اجتماعات در آنجا برای رسیدگی به اوضاع تمام کشورهای اسلامی. تمام اینها مسائل سیاسی هست و

مسائلی است که باید مسلمین به آن توجه داشته باشند و مع الاسف غفلت از این مسائل هست، غفلت از این مسائل شده است. اجتماعات می شود و از اجتماعات نتیجه گرفته نمی شود. مجتمع شوند مسلمین در مکه مکره و در مواقف لکن مثل اینکه از هم جدا هستند و غریبه هستند. اجتماعات می شود در بلاد، نمازهای جمعه، نماز عید لکن افراد مثل اینکه با هم وحدت کلمه ندارند. اسلام دعوت کرده است مردم را به این اجتماعات برای مقصدهای بزرگ، مقصدهای عالی دارد اسلام در این اجتماعات.

### نظری بر مسائل مطروحه در سوره مبارکه (جمعه)

در روز جمعه که اجتماعات می شود، دو سوره انتخاب شده است و امام را دعوت کرده اند که آن دو سوره را بخواند، در رکعت اول سوره جمعه و در رکعت دوم سوره منافقین. در سوره جمعه راجع به بعثت رسول اکرم و سر بعثت رسول اکرم ذکر می فرماید که پیغمبر اکرم مبعوث شده اند از برای اینکه: (ویزکیهم و یعلمهم الكتاب والحکمه) بعثت برای این است که مردم را تزکیه کنند. مقدم بر تعلیم حکمت و تعلیم کتاب، تزکیه را ذکر فرموده است که آیات را بر آنها بخواند تا آنکه آنها تزکیه بشوند و تعلیم بکنند کتاب را بر آنها و حکمت را بر آنها عرضه بدارد و تعلیم کند آنها را. در سوره جمعه سر بعثت رسول اکرم را ذکر می فرماید. سر بعثت رسول اکرم تزکیه امت است و تعلیم و تربیت امت، آن هم تعلیم، تمام قشرهای تعلیم که کتاب و حکمت تمام قشرهای تعلیمات را واجد است. بعد از آنکه تعلیم و تربیت را ذکر کرده است، ذکر علماً سوء را فرماید، آنهایی که علم را آموخته اند لکن عمل به آن علم نمی کنند و با بدترین وجه از آنها اسم برده است: (مثل الذین حملوا التوریه ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفاراً) مثل آنها که عالم شده اند لکن علم در آنها اثر خودش را نگذاشته است مثل الاغی می ماند که بارش کتاب باشد. وقتی که علم در انسان تأثیر نکند و انسان را انسان نکند این حمل کتاب، چه درها باشد و چه در پشت باشد مثل اینها، مثل آن اشخاص است، مثل حیوانی هست، مثل الاغی هست که کتاب به دوش او باشد. همانطور که کتاب برای آن حیوان هیچ فایده ندارد، این علمی که دنبالش تعهد نباشد، دنبالش عمل نباشد، دنبالش رشد فکری نباشد، دنبالش هدایت مردم نباشد، این نظیر همان است که به دوشش کتاب باشد بلکه به دوش یک حیوان و یک الاغ کتاب باشد. در اینجا این را ذکر می فرماید برای تذکر به مردم به اینکه عالم سوء را از عالم غیر سوء تمیز بدهند و برای تذکر به عالم که تکلیف خودش را بفهمد. البته نکاتی دیگر هم در سوره اول هست که من دیگر وقت این کار را ندارم.

### شناخت چهره منافقین از طریق عملکرد رسوای آنان

در سوره دوم منافقین ذکر فرماید و کیفیت منافقین را که اینها پیش تو اظهار دیانت می کنند، اظهار اسلام می کنند لکن دروغ می گویند، اینها مسلم نیستند، اینها منافق هستند و منافقین را هم به بدترین وجه ذکر می فرماید که مردم آنها را بشناسند. ما قبلاً تذکرات دادیم برای اینکه منافقین را از

غیر منافقین مردم تشخیص بدهند. به مجرد اینکه کسی گفت که من مسلم هستم و به مجرد اینکه کسی گفت من جمهوری اسلامی را قبول دارم، این نمی شود باور کرد باید اعمال آنها را دید، باید دید اینها در این جمهوری اسلامی چه تعهداتی دارند، چه کاری کردند برای مملکت خودشان، چه فکری دارند. اینهایی که اظهار اسلام می کنند لکن مردم را در بلاد ایران به آتش می کشیدند، خرمن های مردم را به آتش کشند، جوان های ما را در اطراف می کشند، در کردستان عزیز آقندر از جوان های ما را و از خود کردها را کشته اند و اینها در عین حال گویند ما مسلم هستیم، قرآن می فرماید که شماها منافق هستید، شماها مسلم نیستند، شمایی که قولتان غیر عملتان است، حرفتان غیر واقعیت تان هست، شما مسلم نیستید، شما منافق هستید، شما خواهید مردم را گول بزنید. شمایی که الان در کردستان دست به خرابی زده اید و معذلک می گوئید ما سنی هستیم و اهل سنت هستیم، شما اگر اهل سنت هستید به حسب فتوای علمای بزرگ اهل سنت واجب است اطاعت کنید او از اولی الامر، اولی الامر امروز دولت ما و ما هستیم، بر شما واجب است به حکم اسلام که تبعیت کنید و به حکم قرآن، به حسب رأی، علمای خودتان، به حسب رأی مشایخ خودتان. شما اگر چنانچه مسلم هستید، چرا تبعیت از قرآن نمی کنید؟ چرا به حسب آنطوری که علمای شما استفاده از آیه شریفه (اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم) اطاعت نمی کنید؟ شما در صورت مسلمان هستید، در ظاهر اظهار اسلام می کنید، به حسب واقع مسلم نیستید.

مردم کرد ما، کردستان عزیز ما، جوان های کرد ما این میزان در دستشان باشد که منافق را از غیر منافق بشناسند. آنهایی که اظهار اسلام می کنند و مسلمین را به آتش می کشند، آنهایی که اظهار اسلام می کنند و مردم را به زحمت می اندازند، مردم را به مضیقه می اندازند، آنهایی که اظهار اسلام می کنند و بیمارستان را آتش می زنند و مجروح ها را سر می برند، اینها را بشناسید، اینها مسلم نیستند، اینها منافق هستند، اینها اظهار اسلام امروز می کنند برای اغفال شما، اغفال نشوید، توجه بکنید که اینها چه مردمی هستند. آنهایی که در مقابل حکومت طاغوت که جمهوری اسلام به همت مسلمین بر پا شد و رأی ندادند بر جمهوری اسلام و همان طاغوت را خواستند (رأی به جمهوری اسلامی ندادن یعنی ما طاغوت می خواهیم) اینها منافق هستند، اینها مسلم نیستند، مسلم باید به جمهوری اسلامی رأی بدهد، مسلم باید حکومت عدل اسلامی را بپذیرد. آنهایی که تحریم کردند رأی دادن بر جمهوری اسلامی را، منافق هستند مسلم نیستند. آنهایی که صندوق ها را آتش زدند، آنهایی که مانع شدند از اینکه مردم رأی بدهند، آنها مسلم نیستند ما با آنها عمل خواهیم کرد به طوری که با غیر مسلمین عمل می کنیم، با منافقین عمل می کنیم و آنها را سرکوب می کنیم.

### **هشدار به ملت ایران در مطالعه اعمال منافقین و سرکوب جدی این جرثومه های فساد**

ما تاکنون برای اینکه به مردم عالم بفهمانیم و بفهمند مردم که ما با چه اشخاص مقابله داریم، ما آزادی دادیم به آنها، آزادی مطلق که در ظرف این چند ماه قریب دویست حزب و گروه و زیاد مطبوعات

و مجلات و روز نامه ها منتشر شد و هیچ کس جلوگیری نکرد در عین حالی که به همه مقدسات ما توهین کردید، در عین حالی که با حکومت آنطور رفتار کردید و با اسلام آنطور رفتار کردید در مطبوعاتتان، معذک به شما تعرضی نشد تا آنکه فتنه را دیدیم و فهمیدیم شما فتنه گر هستید، شما منافقینی هستید که می خواهید فتنه بکنید، منافقینی هستید که توطئه کردید بر ضد اسلام، توطئه کردید بر ضد کشور، توطئه کردید بر ضد ملت، شما اشخاصی هستید که با سرحدات و با خارج روابط دارید، رفت و آمد شما کنترل است، اطلاع به ما دادند که رفت و آمد دارید شما با اشخاصی که در رژیم سابق بودند، با اشخاصی که می خواهند مملکت ما باز به حال اول برگردد. بعد از اینکه توطئه شما ثابت شد و مردم فهمیدند شما چه اشخاصی هستید، دیگر نمی توانیم اجازه بدهیم آزادانه هر کار می خواهید بکنید، شما را سرکوب خواهیم کرد.

من به ملت عزیز کردستان، من به مردم بزرگ کردستان هشدار دهم که توجه داشته باشند به اعمال اینها، مطالعه کنند در حال اینها. من به جوان های عزیز کردستان هشدار می دهم که اسلام پناهگاه همه ماست، اسلام برای شما همه چیز را فراهم می کند و اینها تابع اجانب هستند و در حزب اینها اگر وارد شدید بیرون بیایید و به اینها اتصال پیدا نکنید. من از آنها می خواهم که این سران بسیار خبیث و این سران خائن را خودشان بگیرند و تحویل بدهند. جوان های ما اغفال نشوند، اینها یک مستی از اراذل هستند و یک مستی اشخاص منافق هستند که خدای تبارک و تعالی به اسم منافقین اینها را ذکر می فرماید و اوصافشان را در کتاب ذکر می کند.

من به همه قشرهای ملت هشدار می دهم که اینها در هر جا هستند و با هر صورتی که هستند، از آنها احتراز کنند و در موقعی که امر می آید و در موقعی که خواهیم انشاءالله (اگر اینها دست از شیطنت بر ندارند) یک بسیجی فوق این بسیجی که سابق شد انجام بدهیم و تمام را پاکسازی بکنیم، باید هوشیار باشند و مهیا. ملت ما مهیا باشند نگذارند که این جر ثومه های فساد دوباره، مملکت ما را به حال اول برگردانند و رژیم شاهنشاهی را برگردانند یا بدتر از او، اگر بدتری باشد.

### **لزوم تأسیس حزب مستضعفین به منظور بر پا ساختن پرچم اسلام در سراسر دنیا**

من از خدای تبارک و تعالی مسئلت می کنم که این عید را و همه اعیاد را بر همه مسلمین مبارک کند و همه با هم در کنار هم در همه جا، در همه جای عالم برای مصالح مسلمین اقدام کنند، برای گرفتاری هایی که ما در افغانستان داریم و آنها هم گرفتار به دست همین طایفه هستند که منافقین هستند، اظهار اسلام می کنند لکن منافق هستند و همین طور در قدس و نقاط دیگر مثل لبنان، مثل فلسطین که برادرهای ما گرفتار هستند و ابر قدرت ها با صهیونیسم موافقت می کنند و آنها را به آتش می کشند. مسلمین همه توجه داشته باشند و در روز دعا، دعا کنند به اینها و در روز عمل، عمل کنند و من امیدوارم که ما بتوانیم پرچم اسلام را پرچم جمهوری اسلام را در همه جای دنیا بر پا کنیم و اسلام که حق همه است، از او تبعیت کنند، همه از او تبعیت کنند. و این نکته را باید تذکر بدهم که ما گفتیم حزبی به نام

(حزب مستضعفین) در همه دنیا، معنایش این نبود که حزب های صحیحی که در ایران هست نباشد، حزب های منطقه ای علیحده است و حزب تمام مناطق و تمام جاها یک حزب دیگر است. اگر انشاءالله مسلمین موفق بشوند و یک همچو حزبی که حزب مستضعفین است، برای همه جاها یک همچو حزبی را تأسیس کنند بسیار بموقع است لکن به معنای این نیست که در محل و در منطقه ها حزب نباشد، خیر، در منطقه احزاب هستند و آزاد هم هستند مادام که توطئه معلوم نشده است.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 268

## بیانات امام خمینی خطاب به امت مسلمان ایران

## اسلام در تمامی اعصار با خون شهدا و اولیاً خدا رشد یافته است

بسم الله الرحمن الرحيم

عید سعید فطر بر همه مسلمین مبارک باد و عیدهای سعید مبارک باد . سال سابق ، عید فطر ما عید خون بود ، مبارک و امسال هم برای برادران کرد ما عید خون است و مبارک . اسلام با خون رشد پیدا کرد . دین های بزرگ پیامبران سابق و دین بسیار بزرگ اسلام در عین حالی که یک دستشان به کتابهای آسمانی و برای هدایت مردم ، دست دیگر به اسلحه ها بود . ابراهیم خلیل سلام الله علیه با یک دست صحف را داشت و با دست دیگر تبر برای سرکوبی بت ها . موسی کلیم سلام الله علیه با یک دست تورات را داشت و با دست دیگر تبر برای سرکوبی بت ها . که فرعونیان را به خاک مذلت کشاند ، عصایی که اژدها بود ، عصایی که خیانتکاران را می بلعید . پیغمبر بزرگ اسلام با یک دست قرآن را داشت و با دست دیگر شمشیر ، شمشیر برای سرکوبی خیانتکاران و قرآن برای هدایت . آنها که قابل هدایت بودند ، قرآن راهنمای آنها بود و آنهايي که هدایت نمی شدند و توطئه گر بودند ، شمشیر بر سر آنها .

ما در عید فطر سابق که عید خون بود و در این عید هم که باز عید خون است هراسی از خون نداریم . اسلام دین خون است برای فجار و دین هدایت است برای مردم دیگر . اولیاً ما بی هراس خون دادند و بی هراس در جنگ های خونین وارد بودند . امیرالمؤمنین سلام الله علیه آن موجود یگانه در عین حالی که نهج البلاغه برای هدایت داشت ، شمشیر برای آنهايي که توطئه گر بودند . ما خون ها دادیم و شهدا دادیم . اسلام خون داد و شهدا داد . ما فرق های شکافته دادیم مثل علی ابن ابی طالب ، علی ابن الحسین و سرهای بر نیزه رفته دادیم مثل سیدالشهدا و اصحاب و اعوان او . اسلام در تمام اعصار با خون و با شمشیر و با اسلحه اسلام را پیش برد و نمایش پیدا کرد . ما از شهید دادن باکی نداریم . در عید فطر ، ما سال قبل و در آن ایام شهدا دادیم و در این فطر ، در این ماه صیام هم شهدا دادیم . از شهادت باکی نیست . اولیاً ما هم شهید شدند یا مسموم شدند یا مقتول . اولیاً ما هم بعضی از آنها در حبس و بعضی از آنها در تبعید بسر بردند . برای اسلام هر چه بدهیم کم دادیم و جانهای ما لایق نیست . بدخواهان ما گمان نکنند که جوان های ما از مردن ، از شهادت باکی دارند . شهادت ارثی است که از اولیاً ما به ما می رسد . آنها باید از مردن بترسند که بعد از مرگ ، موت را فنا می دانند . ما که بعد از موت را حیات بالاتر از این حیات می دانیم چه باکی داریم .

خائن ها باید بترسند . خادم های به اسلام خوفی ندارند . ارتش ما ، ژاندارمری ما ، شهربانی ما ، پاسداران ما خوفی ندارند . پاسداران ما را که در پناه و امثال آن سر بریدند به حیات جاودان رسیدند .

## مدعیان دروغین دموکراسی و آزادیخواهی

ما هر چه خواستیم هدایت کنیم این قشرهای فاسد را ، هر چه مهلت دادیم که هدایت بشوند ، هر چه مهلت دادیم که به خود بیایند ، هر چه مهلت دادیم که به مصالح کشور نظر کنند ، هر چه آزادی دادیم که آزادی را برای ملت وسیله رشد ملت قرار بدهند ، آزادی قلم دادیم ، آزادی بیان دادیم ، آزادی اجتماعات دادیم ، آزادی احزاب دادیم که اینها اگر درست می گویند که برای ملت کار می کنند و دموکرات هستند ، حکومت مردم بر مردم می خواهند ، اگر اینها حکومت مردم بر مردم می خواهند ، چرا نمی گذارند مردم سرنوشت خودشان را تعیین کنند؟ چرا با خرابکاری ها نمی خواهند مردم حکومت خودشان را تعیین کنند؟ چرا با غائله آفرینی نمی گذارند که ملت قانون اساسی خودش را به دست خبرگان خودش تعیین کند؟ اینها دموکرات نیستند ، اینها جنایتکارانی هستند که با اسم حزب دموکرات می خواهند برای اربابان خودشان کار کنند .

ملت عزیز کردستان ما ، بیدار باشند ، از اعمال اینها بفهمند اینها مردم خانی هستند و اینها منافق هستند . اینها اظهار می کنند که ما برای ملت می خواهیم ، برای مصالح ملت می خواهیم عمل کنیم . اینها که می گویند برای مصالح ملت می خواهیم عمل کنیم ، چرا مصالح ملت را به باد می دهند؟ چرا جوان های این ملت را می کشند؟ چرا بیمارستان را خراب می کنند؟ چرا نمی گذارند این ملت سرنوشت خودش را تعیین کند؟ اگر شما دموکرات هستید ، بگذارید حکومت مردم بر مردم تحقق پیدا کند . شما دموکرات نیستید ، شما منافق هستید ، شما دیکتاتورهای هستید که به صورت دموکرات بیرون آمدید و ادعا می کنید .

## برادران کردستانی ! به دامن اسلام باز گردید

برادران کردستانی من ! عزیزان من ! کسانی که گول خوردید از این سران خود فروخته ! برگردید به اسلام . اسلام عفو دارد . اسلام برای همه است . اسلام باب رحمت است . برگردید به دامن اسلام دست بردارید از این حزب ها ، از این گروه های فاسد . اسلام با شما با عطف و رفتار می فرماید و با خائن ها با خشونت . خائنان را سرکوب می کند با شمشیر ، با اسلحه و به شما رحمت می کند و با شما مدارا می کند . باب رحمت باز است . باب عفو باز است . بیایید به باب رحمت حق ، گول نخورید از این خائنان ، از این منافقان .

## ما انسان رزمنده می خواهیم ، ما جوان های حماسه جو می خواهیم ، ما روشنفکر نمی خواهیم

مع الاسف در مراکز هم یک آرافاسد هست . اینها که آزادی می خواهند ، اینها که می خواهند



جوان های ما آزاد باشند قلمفرسایی کنند برای آزادی جوان های ما ، چه آزادی را می خواهند؟ می خواهند جوانان ما آزاد بشوند ، قمار خانه ها باز باشد به طور آزاد ، مشروبخانه ها باز باشد به طور آزاد ، عشرتخانه ها باز باشد به طور آزاد ، هروئین کش ها \_ باز باشد \_ آزاد باشند ، تریاک کش ها آزاد باشند ، دریاها آزاد باشند و درها باز برای جوان ها . جوان های ما آزاد باشند و هر مفسده ای را بخواهند عمل کنند ، به هر فحشا که می خواهند کشیده شوند . این چیزی است که از غرب دیکته شده است . این چیزی است که می خواهند جوانان ما که می شود در مقابل آنها بایستند ، جوانان ما را بی خاصیت کنند . ما می خواهیم جوانانمان را از میکده ها به میدان جنگ ببریم . ما می خواهیم جوانانمان را از عشرتکده ها به میدان جنگ ببریم ما می خواهیم جوانانمان را از این سینماهایی که بود و جوان های ما را به فساد می کشید دستشان را بگیریم و به جاهایی ببریم که برای ملت فایده داشته باشد . این آزادی که آقایان می خواهند ، آزادی است که قدرتمندها دیکته کرده اند و نویسندگان ما یا غافلند و یا خائن . این دمکرات مآب ها که می گویند باید آزاد باشد ، به هیچ وجه نباید جلوی هیچ چیز را گرفت ، اینها الهام می گیرند از ابرقدرت ها ، با آنها می خواهند ما را غارت کنند و جوان های ما بی تفاوت باشند . جوان هایی که در عشرتگاه هستند بی تفاوتند . جوان هایی که مبتلا به مخدرات هستند ، در امور کشوری بی تفاوتند . جوان هایی که در مراکز فحشا بزرگ می شوند نسبت به مسائل مملکت کار ندارند . آن جوان ها به مصالح مملکت کار دارند که از این مسائل دورند ، در تحت تربیت اسلامی هستند . رئیس پاسدارها به من گفت جوان های ما شب ، نماز شب می خوانند و در قنوت فلان دعا ، دعای مفصل را می خوانند . اینها می توانند مملکت نگه دارند . ما می خواهیم مملکت حفظ کنیم . حفظ مملکت به آزادی که شما می گوید نیست . باد می دهد این آزادی مملکت را ، بر باد می دهد . این آزادی که شما می خواهید ، آزادی دیکته شده است برای اینکه مملکت را بیلعند و جوانی ما نداشته باشیم جواب بدهد . چنانچه دیدیم که عمل کردند و چه شد ، چه مصیبت هایی به مملکت ما وارد شد ، برای اینکه جوان های ما را به فساد کشیده بودند . ما می خواهیم جوانانمان را از چوب وافور رها کنیم ، مسلسل به دست آنها بدهیم . ما می خواهیم جوانانمان را از پای منقل و وافور رها کنیم و به میدان جنگ ببریم . شما خواهید که ما آزاد بگذاریم تا جوانان ما فاسد بشوند و اربابان شما بهره بردارند .

بله ، ما مرتجع هستیم ، شما روشنفکر هستید . شما روشنفکرها می خواهید که ما به هزار و چهار صد سال قبل برگردیم . شما می ترسید که اگر ما جوانان را مثل هزار و چهار صد سال قبل تربیت کنیم که با جمعیت کم دو امپراطوری بزرگ را به باد داد . ما مرتجع هستیم ، شمایی که می خواهید جوانان ما را به تعلیمات غربی بکشید ، نه آن تعلیماتی که خودشان دارند ، آن تعلیماتی که برای ممالک استعماری دارند ، شما روشنفکر هستید! شما که آزادی می خواهید ، آزادی همه چیز ، آزادی فحشا ، همه آزادی ما را می خواهید ، شما روشنفکر هستید! آزادی که جوان های ما را فاسد کند ، آزادی که راه را برای مستکبرین باز کند ، آزادی که ملت ما را تا آخر به بند می کشد ، شما این آزادی را می خواهید و این

دیگته ای است که از خارج به شما شده است . شما حدود آزادی را ، برای آن چیزی قائل نیستید . شما بی بند و باری را آزادی می دانید . شما فساد اخلاق را آزادی می دانید . شما فحشا را آزادی می دانید . ما شما را آزاد گذاشتیم و خودتان را به فحشا کشیدید ، به بدتر از فحشا کشیدید ، آبروی خودتان را بردید پیش ملت . ما شما را آزاد گذاشتیم و قلم های مسموم شما توطئه گران ، مملکت ما را خواست به باد بدهد . با اسم دموکراتی ، با اسم آزادیخواهی ، با اسم روشنفکری ، با اسم های مختلف ، خائنان در این مملکت با دست باز شروع کردند به فعالیت و توطئه چینی . همین خائن ها غائله های کردستان را بوجود آوردند و همین خائن ها هستند که برای توطئه گرها عزا می گیرند . آنهایی که جوان های ما را سر بریدند حرفی نیست . آنهایی که جنایتکاران را قصاص می کنند ، برایشان نوحه می گیرند . ما که خواهیم مملکت خودمان را از دست جنایتکاران ، از دست خیانتکاران ، از دست چپاولگران نجات بدهیم ، ما سلب آزادی کردیم ! البته آزادی که منتهی می شود به فساد ، آزادی که منتهی بشود به تباهی ملت ، به تباهی کشور ، آن آزادی را نمی توانیم بدهیم . آن آزادی است که شما خواهید ، آن آزادی که منتهی بشود به تباهی ملت ، به تباهی کشور ، آن آزادی را نمی توانیم بدهیم . آن آزادی است که شماها می خواهید ، آن آزادی است که می خواهید جوان های ما را بی تفاوت بار بیاورید هر چه هر جا بشود و هر که هر کاری بکند ، دولت های بزرگ تمام منافع ما را ببرند و آنها مشغول عشرت باشند . عشرتخانه ها درست کرده اند ، بارها درست کردند ، سینماها درست کردند ، دامن زدند به آن ، مخلوط کردند جوان های زن و مرد را با هم و به فساد کشیدند هر دورا با اسم آزادی . مملکت ما را بردند و اینها که آزاد بودند و به آزادی عمل کردند ، بی تفاوت بودند . همین روشنفکرها هم بی تفاوت بودند ، همین دموکرات ها هم بی تفاوت بودند ، همین احزاب هم بی تفاوت بودند . آنهایی که مملکت ما را نجات دادند همین توده جمعیت است ، همین دانشگاهی های عزیز هستند ، همین طلاب علوم دینی عزیز هستند ، همین علمای بلادند ، همین تجار و کسبه بلاد هستند ، این جوان ها ، همین کارگر است ، همین کشاورز است . اینها مملکت ما را نجات دادند و اکنون شما با اسم آزادی و آزادیخواهی و دموکراسی و کذا می خواهید این مردم را دوباره برگردانید به حال اول و آنها را تحقیر کنید . آزاد بگذارید تا اینها هر کاری می خواهند بکنند و بعد از یک نسل دیگر یک انسان متعهد پیدا نشود در مملکت . این آزادی را شما می خواهید و این همان آزادی است که به شما الهام کرده اند و شما از خارج الهام گرفتید و ما آزادی وارداتی را قبول نمی کنیم . ما باید این ملت را حفظ کنیم . ما باید این جوانان را حفظ کنیم . ما باید دست این جوان ها را از تباهی ها بکشیم و قدرتمند کنیم . ما انسان رزمنده می خواهیم . ما جوان های حماسه جو می خواهیم . ما روشنفکر نمی خواهیم ، اینجور روشنفکر .

## ای علمای کردستان ! جوان های خودتان را بیدار کنید

البته در بین روشنفکرها ، در بین طبقات تحصیلکرده بسیار اشخاصی صحیح هستند لکن اینهایی که با قلم دارد بر ضد ملت قلمفرسایی می کنند و با قدم دارند بر ضد ملت اقدام کنند و اسلحه را به روی ملت کرد عزیز ما کشیده اند ، اینها سرکوب خواهند شد .

خدای تبارک و تعالی در باب مؤمنین می فرماید: (اشدأ علی الکفار رحماً بینهم . . .) نسبت به توطئه گروه ها نسبت به کفار که توطئه گرها هم از آن صف هستند و سران این احزاب هم از آن سنخ هستند، نسبت به آنها اشدأ با شدت، با مشت گره کرده، به دستور اسلام با شدت عمل کنیم و با ملت رحما، رحیم هستیم، دوست هم هستیم. ما خادم همه هستیم. ما چون خادم شما هستیم، این خیانتکارها را سرکوب می کنیم برای اینکه اینها به شما خیانت می کنند. ما خادم برادران کردستانی هستیم و خادم برادران بلوچستانی و سیستانی و همه طبقات. ما می خواهیم شما را نجات بدهیم از دست این خائن ها، شما هم کمک کنید این خائن ها را از خود دور کنید، سران اینها را بگیرید تحویل بدهید. اینها به اسلام عقیده ندارند، اینها با قرآن مخالفند. اگر \_ از قرآن \_ به قرآن اعتقاد دارند، قرآن فرموده است: (اطيعوا اللّٰه واطيعوا الرسول و اولی الامر منکم) چرا از اولی الامر اطاعت نمی کنند؟ چرا قیام بر ضد حکومت کردند؟ چرا قیام بر ضد اولی الامر کردند؟ ای علمای کردستان! جوان های خودتان را بیدار کنید. ای علمای کردستان! از اسلام پشتیبانی کنید. ای علمای کردستان! این خیانتکاران را برانید و دستور دهید اینها را بگیرند و تحویل دادگاه اسلامی دهند. نگذارید از مرزها فرار کنند.

### **هماهنگی و وحدت کلمه قوای انتظامی و پاسداران برای حفظ مرزهای کشور**

ارتش مرزها را نگه دارد. تمام مرزها را مکلف است که با قدرت نگاه دارد. قوای انتظامی وحدت کلمه پیدا کنند، هماهنگ باشند. پاسداران ما با قوای انتظامی دیگر هماهنگ باشند. اگر هماهنگ نباشید، خائنید. امروز مخالفت، خیانت است. امروز دسته دسته بودن، خیانت است. اگر شما هماهنگ باشید کشته نمی دهید، زود پیش برید و انشاءالله به همین زودی این ریشه های فاسد کننده می شود و این خیانتکاران به سزای خودشان می رسند. خداوند همه شما را و همه ما را هدایت کند. خداوند خائنان را از صفحه روزگار بردارد.

والسلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته

## پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله شیرازی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله آقای شیرازی دامت برکاته \_ مشهد مقدس

تلگرام شریف و اصل و موجب تشکر گردید . به خواست خداوند متعال ، با پشتیبانی قاطع ملت عظیم ، دست خائنین و وابستگان به آنان را از کشور کوتاه خواهیم کرد . اینان که خود را عاجز می بینند ، دست به شایعه افکنی زده و به خیال خام خود می خواهند مردم شریف کردستان را در مقابل نیروهای انتظامی قرار دهند . اگر نیروی انتظامی دست به قتل عام زده است ، چرا مردم شریف پاوه و سنندج و سایر نقاط از آن استقبال نموده و آنها را گلباران می کنند و از جمهوری اسلامی پشتیبانی نمایند؟ امید است بدون احتیاج به بسیج نیروی عظیم ملت ، نیروهای انتظامی اشرار را قلع و قمع نموده و منطقه و مردم بیگناه را از چنگال این خونخواران نجات دهند . از جنابعالی امید دعای خیر در تحت قبه مطهره دارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

تاریخ : 2/6/58

## پیام امام خمینی به مهندس بازرگان

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای مهندس بازرگان نخست وزیر

برای بازماندگان شهدای قوای انتظامی پاداشی در نظر بگیرید و بپردازید و برای بازماندگان پاسداران علاوه بر پاداش ، نظیر ارتشیان حقوق ماهانه ، هزینه ای با توافق هیأت دولت و شورای انقلاب مقرر دارید که برای همیشه به آنان بدهند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 275

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از خواهران و برادران کویتی

### امید است که بیرق پر افتخار اسلام در تمام نقاط ارض به اهتزاز در آید

بسم الله الرحمن الرحيم

من از خواهران و برادرانی که زحمت کشیده اند و از کویت تشریف آورده اند و با ما مواجه و روبرو شدند تشکر می کنم و دعاگوی همه هستم . ما آنچه که می خواهیم این است که اسلام با تمام محتوایی که دارد که آن محتوا یک میوه شیرینی است که هر کس آنرا بچشد به لذات ابدی می رسد ، می خواهیم که در تمام قشرها و در تمام آن طرف از ممالک اسلامی این حقیقت ، این نور ، این اسلام عزیز با محتوای بسیار عزیز پیاده شود ، بلکه آرزو این است که از سرحدات ممالک اسلامی به جاهای دیگر انشاءالله کشانده شود و امید است که بیرق پر افتخار اسلام در تمام نقاط ارض به اهتزاز در آید لیکن شرط تحقق این مطالب این است که مسلمین وضع خودشان را تغییر بدهند ، دولت های اسلامی هم وضع خودشان را تغییر بدهند . دولت های اسلامی مع الاسف اکثرا با مردم به خشونت و به حکومت رفتار می کنند و از این جهت مردم هم به آنها پشت می کنند . اگر برای حکومت ها مشکلی پیدا بشود مردم بی تفاوت هستند ، بلکه شاید تأیید بکنند آن مشکلات را . یک کلمه با دولتها هست و یک کلمه با ملت ها . با دولت ها این است که عبرت بگیرند از دولت سابق ما و از دولت فعلی ما . دولت سابق ما که مردم به او پشت کرده بودند و او با تمام قدرت مردم را سرکوب می کرد و بالاخره به آنجا رسید که خود ملت با مشت های گره کرده بر توپ و تانک های آنها غلبه کرد و در عین حال که یک ارتش قوای انتظامی شیطانی داشت و تمام ابرقدرت ها بلکه تمام قدرت ها پشتیبان او بودند چون ملت با او نبود و مخالف او بود ، با همه کوشش ها نتوانستند او را نگه دارند و حالا را ملاحظه کنند که هر مشکلی که برای دولت پیش بیاید ملت قدم گذارد جلو برای حل او . در مشکل کردستان ملاحظه کردید که تمام قشرهای ملت بلکه مسلمین جاهای دیگر ، بلاد دیگر ، مسلمین خلیج ، جاهای دیگر همه آمادگی خودشان را برای پشتیبانی و برای سرکوبی اشرار اعلام کردند و ما دیدیم احتیاج به بسیج عمومی نیست ، خود قوای انتظامیه آنها را سرکوب می کنند ، از این جهت خواهش کردیم از آنها که دست نگه دارند . آن طرز حکومت با این طرز حکومت این دو تا را باید حکومت ها به نظر بیاورند . آن طرز حکومت که اگر مشکلی پیدا بشود ، مردم به مشکلات می افزایند و این طرز حکومت که مردم حکومت را از خودشان می دانند و همانطور که از عائله خودشان دفاع کنند . از حکومت خودشان دفاع می کنند اگر همه

حکومت های اسلامی بلکه همه حکومت های جهانی اینطور بشوند که با مردم تفاهم داشته باشند، مسلمین ملاحظه بکنند، حکومت های اسلامی ملاحظه بکنند حکومت صدر اسلام را، صدر اسلام وضع حکومت چطور بود پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) با مردم چطور رفتار می کرد در عین حالی که با کفار با خشونت (وقتی که نمی شد هدایتشان بکنند و توطئه گری می کردند) با خشونت رفتار می کرد، با ملت چطور رفتار می کرد، یک پدر مهربان و بالاتر از یک پدر مهربان بود. امیرالمؤمنین چطور در زمان خلافت که یک خلافتی بود که سرتاسر ممالک اسلامی که در آنوقت از حجاز و مصر و ایران و عراق و سوریه و یمن و همه اینها از اروپا هم یک مقداری بود، این مرد بزرگ در عین حالی که سیطره بر همه این ممالک داشت با مردم چطور رفتار می کرد، با ضعفا، با مستضعفین چه جور رفتار کرد، زندگی خودش چطور بود. البته او یک مردی بود که معجزه بود، کسی نمی تواند مثل او باشد لکن حکومت ها می توانند عبرت بگیرند که تعدیل کنند کار خودشان را، آنطور حکومت می کرد ملت هم با او آنطور بودند. الان مشهود است این در ایران، حکومت از خود مردم است، به مردم تعدی نمی کند، خیر مردم را می خواهد، مردم هم خیر او را می خواهند، پشتیبانش هستند. اگر همه حکومت ها سیره خودشان را تغییر بدهند و با مردم اینطور باشند، این حل یک مشکل می شود و آن حل مشکل حکومت هاست. یک مشکل دیگر عدم رابطه بین ملت هاست. ملت ها با هم روابطشان یا هیچ نیست یا کم است. تمام مؤمنین به حسب فرمان خدا برادرند. برادرها باید از حال برادرها مطلع باشند. برادرها باید مشکلات برادرشان را حل کنند. اسلام در عین حالی که نقشه این مطلب را که تفاهم بین همه قشرها باشد کشیده است و آن مسأله حج است، فریضه حج که تمام کشورهای اسلامی را موظف کرده است که افراد مستطیع شان بروند به مکه، آنجا هم مواقف متعدده فراهم کرده اسباب را که تفاهم باشد. مسلمین مع الاسف غفلت دارند. اگر دولت ها بخواهند یک مجلسی را از دویست نفر آدم از بلاد مختلفه جمع بکنند، چه زحمت ها و چه خرج ها باید تحمل کنند تا اینکه دویست نفر جمع بشود در یک نقطه ای بخواهند که یک محفلی در آن نقطه درست کنند. خدای تبارک و تعالی یک محفل چندین میلیونی برای مسلمین تهیه کرده است و گفته است بروند همه در آنجا و همه هم برادرند. مؤمن ها اخوه هستند، برادرند و اگر چنانچه این برادرها به حال هم رسیدگی نکنند، این قصور از اسلام نیست این قصور از ماست. اگر ما آن موافقی که اسلام قرار داده است و مردم را هدایت کرده است به آن موافق، آن موافق را حفظ کنیم. اسلام پیش می رود، ممالک اسلامی مشکلاتش حل می شود، دیگران به ما نمی توانند طمع کنند، یک میلیارد جمعیت مسلم اسیر یک مشت اشخاص یا دولت های کذا نمی شوند. یک میلیارد جمعیت با داشتن خزائن، با داشتن خزائن زیرزمینی و با داشتن پشتوانه ایمان، ایمان به خدا، یک همچو قدرت بزرگ مادی و معنوی که برای هیچ جا نیست برای مسلمین هست، اگر استفاده نکنند خودشان قصور یا تقصیر کرده اند. مسلمین باید وضع خودشان را تغییر بدهند.

و من یک پیشنهادی در چند روز پیش از این کردم که اگر این پیشنهاد را عمل بکنند، این اسباب این شود که روابط انشاءالله کم کم پیدا بشود و ایجاد یک حزب مستضعفین، تمام مستضعفین دنیا اعم از مسلم و غیر مسلم، این دولت های غیر اسلامی که به مردم ظلم می کنند، ملت ها اینطور نیستند، ملت مثلاً آمریکا، ملت فرانسه آنهایی که ظلمی نمی خواهند بکنند، آن که ظلم می کند، آن که خلاف می کند، دولت ها هستند، آنها هم مستضعفین شان گرفتار مستکبرین است و اگر یک حزبی در عالم پیدا بشود، یک حزب عالمی، حزب مستضعفین که همان حزب الله است، این همه مشکل رفع بشود، با رفع این دو اشکال، تمام مشکلات مسلمین رفع می شود، هیچ قدرتی با این 3 نمی تواند مقابله بکند.

### روح شهادت طلبی و ایمان اسلام، رمز غلبه مشت بر توپ و تانک

شما دیدید که ملت ایران، حالا شما چند تا اسلحه دست مردم می بینید، این اسلحه ها غنیمت حربی است، اینها اسلحه های خود مردم که نبود، غنائمی بود که از دولت سابق گرفتند، چیزی نداشتند مردم، دست خالی لکن ایمان داشتند، ایمان به خدا بود، فریاد الله اکبر بود، این ملت تحت فشار دو هزار و پانصد سال و تحت فشار بسیار پنجاه و چند سال و تحت فشار بسیار این دو دهه آخر این ملت همچو متحول شد، خدای تبارک و تعالی همچو تقدیر فرمود این ملتی که خوف از یک پاسبان داشت همچو متحول شد که در خیابانها آمد و فریاد زد که ما این سلسله خبیث را نمی خواهیم، آن که نمی توانست یک کلمه بر خلاف بگوید، بچه کوچک و بزرگش، زن و مردش. مارهین منت بانوان بیشتر از جوانهای مردشان هستیم بانوان در ایران بسیار حظ وافر داشتند یعنی بانوان که بیرون می آمدند مردم تهییج می شدند، دو مقابل، چند مقابل می شد قدرت مردم در عین حالی که هیچ نداشتند الاقوه ایمان در ظرف چند این آخر دیگر که اینها حمله کردند و کودتا خواستند بکنند و نقشه کشیدند که در یک شب تمام سرها را، سرهای قوم را از بین ببرند \_ در ظرف \_ خدا رحمت کند قره نی را، گفت سه ساعت و نیم طول کشید. گفت جنگ ما بین مردم و قوای شاه شاه مخلوع سه ساعت و نیم شد. با سه ساعت و نیم غلبه کرد، مشت ها غلبه کرد بر تانک ها، بر توپ ها. این ایمان بود، این برای این بود که جوان های ما از مردن نمی ترسیدند برای اینکه شهادت را فنا نمی دانستند، شهادت را یک زندگی جاویدان می دانستند. کرارا پیش من آمدند، کرارا، حالا هم می آیند گاهی که شما دعا کنید ما شهید بشویم. من دعا می کردم که ثواب شهید پیدا کنید انشاءالله. یک همچو روحیه ای پیدا شد نظیر همان روحیه ای که در زمان رسول الله در جوان های آنوقت بود. این اسباب این شد که غلبه کرد مشت بر تانک. من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که همه مسلمین، همه حکومت های اسلامی به وظائف اسلامی شان عمل کنند و همه موفق باشند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



## بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواه شهید عراقی

بسم الله الرحمن الرحيم

من ایشان را حدود بیست سال است که می شناسم . مهدی عراقی یک نفر نبود ، او به تنهایی بیست نفر بود . حاج مهدی عراقی برای من برادر و فرزند خوب و عزیز من بود . شهادت ایشان برای من بسیار سنگین بود اما آنچه مطلب را آسان می کند آن است که در راه خدا بود . شهادت او بر همه مسلمین مبارک باشد . او می بایست شهید می شد ، برای او مردن در رختخواب کوچک بود .

سپس برادر شهید عرض کرد : ما خوشبختیم که هدیه ای به پیشگاه حضرت ولی عصر (عج) و نایب آن حضرت امام خمینی تقدیم داشتیم .

امام فرمودند : این هدیه ای است برای خدا .

در اینجا فرزند کوچک شهید عراقی گفت : پدر من در مقابل دو شخصیت سر تعظیم فرود آورد ، اول مرحوم نواب صفوی و دوم امام خمینی و من خوشحالم که اگر دو نفر را از دست دادیم قلب میلیون ها انسان را متوجه به خود دیده و دل آنان را در دست داریم .

امام فرمودند : شما خدا را دیدید که فوق هر نیروئی است .

## فرمان امام خمینی به ثقة الاسلام رحمانی

بسمه تعالی

ثقة الاسلام آقای شیخ محمد علی رحمانی دامت افاضاته

مقتضی است جنابعالی با آشنائی و اطلاعاتی که از وضع قوچان دارید مسافرتی بدانجا نموده و چنانچه مشکلاتی در آنجا هست ، با همکاری و مشورت علمای اعلام محل دامت افاضاتهم در رفع آنها بکوشید و مردم آن سامان را به وظایف خطیری که در این برهه از زمان دارند آشنا نموده و از اختلاف و تفرقه بر حذر دارید و به اتحاد و یگانگی در برابر دشمنان دعوت کنید . از خدای تعالی ادامه توفیقات همگان را در خدمت به اسلام و مسلمین خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 280

## بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران کرج و نمایندگان اصناف

### حل مشکلات و نابسامانی ها در سایه کوشش برای حفظ آرامش

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه که امروز برای همه ما لازم است این است که حتی الامکان کوشش کنیم در اینکه آرامش پیدا بشود. اگر حالا که در کردستان اشرار مشغول شرارت هستند و اذهان متوجه به این است که حل کند آن قضیه را، در هر جا باز یک صدائی در آورند، اینجور می شود که افکار متشتت بشود و نتوانند این مسأله را حل کنند.

من اعتقاد این است که هر جا الان باید یک قدری آرامش باشد، یک قدری توصیه بشود به اینکه آرامش باشد. شما آقایانی که از کرج آمده اید و به کردستان هم رفتید من تشکر می کنم از شما لکن حالا که برگشتید همچو عجله نکنید در اینکه همه کارها فوراً درست بشود. باید یک قدری در این وقتی که آنجا این انقلاب هست و این آدمکشی و همه اذهان هم متوجه به آنجاست کاری بکنید که در محل خودتان، هر کس در هر محلی هست همصدا باشد، آرام باشد، تا اینکه دولت بتواند به آن امر رسیدگی بکند. اگر بنا باشد که هر جا صدا در آید و \_ عرض می کنم که \_ اختلافات باشد و بین قشرها مختلف باشند و این موجب این می شود که خدای نخواستہ یک وقتی ضد انقلابی ها پیشه کنند و یک وقت یک فاجعه ای به کار بیاید. در هر صورت انشاءالله به این امور رسیدگی می شود لکن یکدفعه و در این حالی که الان جهاتی دیگر در کار است که آنها اهمیتش زیاد است، البته به این زودی فوراً این امور قابل حل نیست و مهمش هم همین است که اگر بنا باشد هی متشتت باشد هر جا، الان از قزوین آمده بودند و حرف هائی می زدند، جاهای دیگر هم همین طور مسائل هست و من هم می دانم که آشفتگی در کار است و نابسامانی زیاد است.

### لزوم انتخاب وکلای متدین و صالح برای مجلس شورای اسلامی

اما الان مسأله کردستان، یک مسأله ای است برای ایران برای اینکه از آن طرف مرز هم ممکن است به آنها کمک بشود ولو کاری نمی توانند بکنند اما خوب، یک کشتاری می شود و یک جوان هائی از دست ما می روند. یک قدری باید، آقایان همانطوری که می گوئید تا حالا صبر انقلابی کردیم باز هم یک صبر انقلابی بکنید تا بلکه این مسائل حل بشود و همه این مسائل در مجلس شورا باید حل بشود

یعنی مردم کوشش کنند که وکلای صالح متدین در مجلس بفرستند. تمام گرفتاری ها و تمام چیزهائی که بر خلاف موازین عمل می شود آنجا حل می شود. دیگر نه دولت می تواند خودش یک کاری بکند، یک برنامه ای بدهد تا یک وقت خلاف باشد و اگر چنانچه انشاءالله آنهائی هم که در مجلس می روند، مردم، انشاءالله امیدوارم همین طور هم بشود برای اینکه مملکت ما همه متدینند اکثرا و وکیل متدین تعیین می کنند وقتی بنا شد وکلای متدین باشند و مقید به احکام شرع باشند که انشاءالله هستند، آنوقت این مسائل همه اش حل شود. و بعضی از این حرف ها هم که مثلا گفته شده است به اینکه اسباب این شده است که آقایان ترسیده اند، من نمی دانم چه چیزی بوده که آقایان ترسیده اند، چه ترسی از مملکت اسلامی هست؟ چطور آقایان قبلا نمی ترسیدند؟ اینهائی که ترسیده اند (بعضی شان البته) همان هائی که می خواهند آشوب بپا کنند که می گویند ما ترسیدیم و الا خوب چه ترسی هست. البته بعضی حرف هائی که شده است، یک حرف هائی است که عمل نخواهد شد. عملی که بر خلاف شرع مقدس باشد نخواهد شد اما خوب یک خلاف هائی هم حالا هست که مهمش این است که مجلس شورا ما نداریم. الان هر کسی هر جائی یک کاری کند و یک طرحی می دهد و یک برنامه ای می گذراند یا یک قانونی مثلا فی الجمله درست می کند و اینها بعد از تحقق مجلس شورا، همه اینها به هم می خورد و مجلس شورا یک مجلس اسلامی امیدوارم باشد. مجلس اسلامی نگذارد که برنامه های غیر اسلامی اجرا بشود یا کارهای خلاف شرع واقع بشود.

من هم می دانم که الان همه جای ایران مسائلی هست، هم کمیته ها یک مقداری خرابکاری دارند، هم در دادگاه ها خیلی معلوم نیست همچو با دقت عمل بشود و هم دولت بعضی وقت ها برنامه هایش بر خلاف است، صحیح نیست. اینها را من مطلعم، می دانم لکن الان یک وقتی نیست که ما بخواهیم همه چیز را به هم بزنیم و اوضاع را دگرگون بکنیم. البته از بعضی مسائل که آقایان گفتند و ایشان اشاره کردند، جلوگیری خواهد شد لکن باید این جهت را متوجه باشید که اگر در بازار دیدید که یک صحبتی است، بروید دنبال اینکه از کجا ریشه اش هست، دنبالش بکنید، تعقیب بکنید و ریشه را پیدا بکنید که گاهی وقت ها یک ریشه هائی دارد که این ریشه ها با مسائل شما هم جور نیست، با موازین اسلام هم جور نیست. و من امیدوارم که این مسائل حل بشود و بر خلاف اسلام چیزی واقع نشود انشاءالله.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## فرمان امام خمینی به حجت الاسلام کرمانی

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجه الاسلام آقای حاج شیخ حسن کرمانی دامه افاضاته

با توجه به آشنائی و سابقه ای که جنابعالی نسبت به منطقه کردستان دارید مقتضی است مسافرتی بدانجا نموده و با همکاری و مشورت با آقایان علمای اعلام و روحانیون محل و همچنین ارتش و ژاندارمری و سپاه پاسداران و کلیه افراد ذیصلاح در رفع مشکلات و کمبودهای منطقه سعی کافی را مبذول دارید و به هر نحو به نظر جنابعالی و آقایان مصلحت بود در آرامش منطقه اقدام نمایید . مقصود آن نیست که با جنایتکاران که سران آنها هستند مذاکره کنید ، آنان باید سرکوب شوند . از خدای تعالی موفقیت همگان را در راه خدمت به اسلام و مسلمین خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 283

## پیام امام خمینی در رابطه با مسأله کردستان

بسم الله الرحمن الرحيم

بدین وسیله مراتب زیر اعلام می شود:

1\_ هماهنگی در قوای انتظامی، ارتش، ژاندارمری و سپاه پاسداران به طور قاطع باید ادامه پیدا کند. متخلفین، مجرم شناخته می شوند و مواخذه می گردند.

2\_ با سران حزب منحل دموکرات و دیگر سران که خائنان به ملت و کشور اسلامی هستند و قیام بر ضد حکومت مرکزی نمودند، با شدت، عمل می شود و جوانان عزیز و برومند کرد آنان را گرفته و تحویل نیروهای انتظامی دهند.

3\_ علمای اسلام اهل سنت مکلفند شرعا که با قوای انتظامی همکاری کنند و مخفیگاه خائنان را در صورتی که می دانند به آنان نشان دهند و با آنان معامله مرتد از اسلام نمایند تا نزد خدا مسؤل نباشند.

4\_ من مکرر اعلام کرده ام که در اسلام، نژاد، زبان، قومیت و ناحیه مطرح نیست. تمام مسلمین، چه اهل سنت و چه شیعی برادر و برابر و همه برخوردار از همه مزایا و حقوق اسلامی هستند. از جمله جنایت هایی که بدخواهان به اسلام مرتکب شده اند ایجاد اختلاف بین برادران سنی و شیعی است. من از همه برادران اهل سنت تقاضا دارم که این شایعات را محکوم و شایعه سازان را به جزای اعمالشان برسانند.

5\_ هیچ کس به هیچ عنوان حق تجاوز به جان و مال برادران کردستانی ما را ندارد. متجاوزین شدیداً به جزای اعمال خود می رسند.

6\_ آن دسته از اعضای حزب منحل دموکرات و سایر برادران ما که بوسیله تبلیغات باطل سران جنایتکار این حزب اغفال شده اند، در صورتی که به برادران مسلمان خود پیوندند، اسلحه را زمین گذاشته و تسلیم شوند، باز هم مورد عفو هستند و در امان حکومت جمهوری اسلامی می باشند.

7\_ در عین حال که باید سلسله مراتب در قوای انتظامی دقیقاً مراعات شود و اطاعت از ما فوق حتمی است، ما فوق موظف است با زبردست رفتار اسلامی انسانی داشته باشد.

8\_ شایعه سازی های ضد انقلاب که از چپ و راست بر خلاف مسیر ملت می شود و دولت را متهم به اختناق می کنند جدا مردود است. ما در طول پیروزی انقلاب گوشزد کردیم که آزادی مطبوعات

مورد نظر ماست لیکن از خیانت و توطئه به طور جدی و بدون اغماض جلوگیری می شود . مطبوعاتی که توطئه گر و مخالف مسیر ملت نباشند ، پس از تحقیق آزاد خواهند بود .

9\_ دادستان های دادگاه ها موظفند که بار دیگر رسیدگی به مطبوعات و حال نویسندگان آنها را بر عهده گیرند و هر یک از مطبوعات را که توطئه گر و مخالف مصالح ملت و کشور ندانستند ، اجازه نشر دهند و از نشریات مخالف مصالح ملت و کشور جدا جلوگیری کنند .

10\_ مردم به هیچ وجه حق ندارند به کتابفروشی تعرض نمایند . در صورتی که دادستان شهرستانها نشریاتی را مضر انقلاب و مصلحت کشور تشخیص دادند موظف به جلوگیری هستند . اشخاص غیر مسئول از دخالت در این امور جدا خودداری کنند و الا مواخذه شوند .

11\_ مطبوعات موظفند از تیرهایی که موجب تحریک و یا تضعیف مردم می شود و یا مخالف واقع است خودداری کنند و خود را با مسیر انقلاب تطبیق دهند و نیز از درج مقالاتی که مضر به انقلاب و موجب تفرقه می شود خودداری کنند که این خود توطئه محسوب می شود .

والسلام

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 285





## فهرست آیات و روایات

موضوع	سوره	آیه	شماره صفحه
إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى مَا نَظَرَ إِلَى الدُّنْيَا (الطَّبِيعَةِ) مُنْذُ خَلَقَهَا نَظَرَ رَحْمَةً	روایت	۶	۱۸۸.۱۵۵.۵۵.۴۱.۱۴
وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا	آل عمران	۱۰۳	۱۸۸.۱۵۵.۵۵.۴۱.۱۴
أَسْبَدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ	فتح	۲۹	۲۵۲.۲۰۹.۱۶۵.۳۱
فَاتْلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَهُ	توبه	۳۶	۳۱
كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ	روایت	۴۷	
مِثْلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّورَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَا مِثْلُ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا	جمعه	۵	۲۶۵.۵۰
وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى	انفال	۱۷	۶۶
ضَرْبَةٌ عَلَيَّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ.....	روایت	۶۶	۶۶
كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا	روایت	۷۰	۷۰
إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ	علق	۱	۱۱۸
يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا	نور	۵۵	۱۵۲.۱۵۱

٢٦٥، ١٧٩، ١٦١	١٦٤	آل عمران	لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
١٩٦	رواية		يُذَاهِبُ مَعَ الْجَمَاعَةِ
٣٣٩	٢٥٧	بقره	اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ
٢٧٣، ٢٦٦	٥٩	نساء	أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ
			٦٠١ ٦١، ٦٢، ٥٥، ٥٤، ٥٣، ٥٢، ٥١، ٥٠، ٤٩، ٤٨، ٤٧، ٤٦، ٤٥، ٤٤، ٤٣، ٤٢، ٤١، ٤٠، ٣٩، ٣٨، ٣٧، ٣٦، ٣٥، ٣٤، ٣٣، ٣٢، ٣١، ٣٠، ٢٩، ٢٨، ٢٧، ٢٦، ٢٥، ٢٤، ٢٣، ٢٢، ٢١، ٢٠، ١٩، ١٨، ١٧، ١٦، ١٥، ١٤، ١٣، ١٢، ١١، ١٠، ٩، ٨، ٧، ٦، ٥، ٤، ٣، ٢، ١
			٦٠٢ ٦١، ٦٢، ٥٥، ٥٤، ٥٣، ٥٢، ٥١، ٥٠، ٤٩، ٤٨، ٤٧، ٤٦، ٤٥، ٤٤، ٤٣، ٤٢، ٤١، ٤٠، ٣٩، ٣٨، ٣٧، ٣٦، ٣٥، ٣٤، ٣٣، ٣٢، ٣١، ٣٠، ٢٩، ٢٨، ٢٧، ٢٦، ٢٥، ٢٤، ٢٣، ٢٢، ٢١، ٢٠، ١٩، ١٨، ١٧، ١٦، ١٥، ١٤، ١٣، ١٢، ١١، ١٠، ٩، ٨، ٧، ٦، ٥، ٤، ٣، ٢، ١
			٦٠٣ ٦١، ٦٢، ٥٥، ٥٤، ٥٣، ٥٢، ٥١، ٥٠، ٤٩، ٤٨، ٤٧، ٤٦، ٤٥، ٤٤، ٤٣، ٤٢، ٤١، ٤٠، ٣٩، ٣٨، ٣٧، ٣٦، ٣٥، ٣٤، ٣٣، ٣٢، ٣١، ٣٠، ٢٩، ٢٨، ٢٧، ٢٦، ٢٥، ٢٤، ٢٣، ٢٢، ٢١، ٢٠، ١٩، ١٨، ١٧، ١٦، ١٥، ١٤، ١٣، ١٢، ١١، ١٠، ٩، ٨، ٧، ٦، ٥، ٤، ٣، ٢، ١
			٦٠٤ ٦١، ٦٢، ٥٥، ٥٤، ٥٣، ٥٢، ٥١، ٥٠، ٤٩، ٤٨، ٤٧، ٤٦، ٤٥، ٤٤، ٤٣، ٤٢، ٤١، ٤٠، ٣٩، ٣٨، ٣٧، ٣٦، ٣٥، ٣٤، ٣٣، ٣٢، ٣١، ٣٠، ٢٩، ٢٨، ٢٧، ٢٦، ٢٥، ٢٤، ٢٣، ٢٢، ٢١، ٢٠، ١٩، ١٨، ١٧، ١٦، ١٥، ١٤، ١٣، ١٢، ١١، ١٠، ٩، ٨، ٧، ٦، ٥، ٤، ٣، ٢، ١
			٦٠٥ ٦١، ٦٢، ٥٥، ٥٤، ٥٣، ٥٢، ٥١، ٥٠، ٤٩، ٤٨، ٤٧، ٤٦، ٤٥، ٤٤، ٤٣، ٤٢، ٤١، ٤٠، ٣٩، ٣٨، ٣٧، ٣٦، ٣٥، ٣٤، ٣٣، ٣٢، ٣١، ٣٠، ٢٩، ٢٨، ٢٧، ٢٦، ٢٥، ٢٤، ٢٣، ٢٢، ٢١، ٢٠، ١٩، ١٨، ١٧، ١٦، ١٥، ١٤، ١٣، ١٢، ١١، ١٠، ٩، ٨، ٧، ٦، ٥، ٤، ٣، ٢، ١
			٦٠٦ ٦١، ٦٢، ٥٥، ٥٤، ٥٣، ٥٢، ٥١، ٥٠، ٤٩، ٤٨، ٤٧، ٤٦، ٤٥، ٤٤، ٤٣، ٤٢، ٤١، ٤٠، ٣٩، ٣٨، ٣٧، ٣٦، ٣٥، ٣٤، ٣٣، ٣٢، ٣١، ٣٠، ٢٩، ٢٨، ٢٧، ٢٦، ٢٥، ٢٤، ٢٣، ٢٢، ٢١، ٢٠، ١٩، ١٨، ١٧، ١٦، ١٥، ١٤، ١٣، ١٢، ١١، ١٠، ٩، ٨، ٧، ٦، ٥، ٤، ٣، ٢، ١
			٦٠٧ ٦١، ٦٢، ٥٥، ٥٤، ٥٣، ٥٢، ٥١، ٥٠، ٤٩، ٤٨، ٤٧، ٤٦، ٤٥، ٤٤، ٤٣، ٤٢، ٤١، ٤٠، ٣٩، ٣٨، ٣٧، ٣٦، ٣٥، ٣٤، ٣٣، ٣٢، ٣١، ٣٠، ٢٩، ٢٨، ٢٧، ٢٦، ٢٥، ٢٤، ٢٣، ٢٢، ٢١، ٢٠، ١٩، ١٨، ١٧، ١٦، ١٥، ١٤، ١٣، ١٢، ١١، ١٠، ٩، ٨، ٧، ٦، ٥، ٤، ٣، ٢، ١
			٦٠٨ ٦١، ٦٢، ٥٥، ٥٤، ٥٣، ٥٢، ٥١، ٥٠، ٤٩، ٤٨، ٤٧، ٤٦، ٤٥، ٤٤، ٤٣، ٤٢، ٤١، ٤٠، ٣٩، ٣٨، ٣٧، ٣٦، ٣٥، ٣٤، ٣٣، ٣٢، ٣١، ٣٠، ٢٩، ٢٨، ٢٧، ٢٦، ٢٥، ٢٤، ٢٣، ٢٢، ٢١، ٢٠، ١٩، ١٨، ١٧، ١٦، ١٥، ١٤، ١٣، ١٢، ١١، ١٠، ٩، ٨، ٧، ٦، ٥، ٤، ٣، ٢، ١
			٦٠٩ ٦١، ٦٢، ٥٥، ٥٤، ٥٣، ٥٢، ٥١، ٥٠، ٤٩، ٤٨، ٤٧، ٤٦، ٤٥، ٤٤، ٤٣، ٤٢، ٤١، ٤٠، ٣٩، ٣٨، ٣٧، ٣٦، ٣٥، ٣٤، ٣٣، ٣٢، ٣١، ٣٠، ٢٩، ٢٨، ٢٧، ٢٦، ٢٥، ٢٤، ٢٣، ٢٢، ٢١، ٢٠، ١٩، ١٨، ١٧، ١٦، ١٥، ١٤، ١٣، ١٢، ١١، ١٠، ٩، ٨، ٧، ٦، ٥، ٤، ٣، ٢، ١
			٦١٠ ٦١، ٦٢، ٥٥، ٥٤، ٥٣، ٥٢، ٥١، ٥٠، ٤٩، ٤٨، ٤٧، ٤٦، ٤٥، ٤٤، ٤٣، ٤٢، ٤١، ٤٠، ٣٩، ٣٨، ٣٧، ٣٦، ٣٥، ٣٤، ٣٣، ٣٢، ٣١، ٣٠، ٢٩، ٢٨، ٢٧، ٢٦، ٢٥، ٢٤، ٢٣، ٢٢، ٢١، ٢٠، ١٩، ١٨، ١٧، ١٦، ١٥، ١٤، ١٣، ١٢، ١١، ١٠، ٩، ٨، ٧، ٦، ٥، ٤، ٣، ٢، ١

## فهرست راهنما

- استعمار، ۲۶، ۱۲۰، ۲۰۰  
 استعمار فرهنگی ← فرهنگ استعماری  
 استقلال، ۹۱  
 اسرائیل، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۹، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۵۰  
 اسلام، ۳، ۷، ۲۰، ۴۸، ۱۰۲، ۱۳۸، ۱۷۲، ۲۰۳، ۲۱۳، ۲۴۷  
 اسلام‌شناسی، ۷۲  
 اصلاحات ارضی، ۱۲۴، ۱۸۸  
 اعتصابات، ۲۳۰  
 اعدام، ۱۹۰  
 اعراب ← کشورهای عربی  
 اعراب و اسرائیل، ۹۵  
 افغانستان، ۲۳۸، ۲۵۲، ۲۶۷  
 اقتصاد اسلامی، ۳۶  
 امام جمعه شیراز، ۲۲۲  
 امام جمعه یزد، ۲۵۹  
 امام حسن (ع)، ۸۹  
 امام حسین (ع)، ۱۲، ۴۴، ۶۹  
 امام خمینی، ۱۱۲، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۸۹، ۲۵۱  
 امام زمان (عج)، ۱۴، ۹۱  
 امام علی (ع)، ۱۹، ۶۶، ۷۲، ۸۹، ۱۴۹  
 امتحان الهی ← آزمایش الهی
- آذربایجان، ۲۱۷  
 آزادی، ۴۹، ۶۳، ۱۲۳، ۲۳۸، ۲۴۳، ۲۷۰  
 آزمایش الهی، ۴۹، ۹۰  
 آفات انقلاب، ۱۳، ۴۲، ۴۵  
 آقازاده، میرزامحمود (از روحانیون خراسان)  
 ۲۸  
 آمریکا، ۷۶، ۱۸۶، ۲۳۴  
 آموزش و پرورش ← تعلیم و تربیت
- الف
- ابرقدرت‌ها، ۱۸۶  
 ابن‌سینا، ۷۹  
 احزاب سیاسی ← حزب‌های سیاسی  
 اختلاف طبقاتی ← عدالت اجتماعی  
 اخلاق، ۵۱، ۱۶۱  
 ادارات دولتی، ۸۴، ۸۷، ۱۰۰  
 ارتش، ۱۸، ۹۲، ۱۲۵، ۱۵۹، ۱۶۵، ۲۰۶، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۶۱، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۸۴  
 ازدواج، ۳، ۶۴  
 استراليا، ۱۵۷

بازرگان، ۹۱	امر به معروف و نهی از منکر، ۴۶، ۴۷، ۶۰
پاوه، ۲۴۸، ۲۵۴	امیرالمؤمنین ← امام علی (ع)
پلیس، ۱۶۴	انبیاء، ۳۰، ۶۳، ۸۲، ۱۷۷
پیامبر اسلام ← حضرت محمد (ص)	انتخابات، ۱۴۸، ۱۵۰
پیشرفت، ۸۵	انتخابات مجلس خبرگان، ۱۰۹، ۱۰۱، ۷۴، ۱۰۹
	۱۲۸، ۱۷۲، ۲۱۲، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۳
ت	انتقاد، ۹۲، ۲۳۰، ۲۵۱
	انجمن اسلامی، ۱۳۵، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲
تاریخ اسلام، ۲۹، ۹۴، ۲۰۸	انسان، ۱، ۶۱، ۸۲، ۱۷۵، ۲۳۹
تبلیغات خارجی، ۴۶	انقلاب اسلامی، ۱۵، ۴۵، ۵۵، ۸۸، ۱۲۴
تحصن، ۲۳۰	۱۵۱، ۱۵۶، ۱۶۷، ۱۸۵، ۱۹۰، ۲۷۸
تداوم انقلاب، ۵۳	نیز نگاه کنید به: آفات انقلاب ۵۲
تربیت کودکان ← تعلیم و تربیت	نیز نگاه کنید به: ثمرات انقلاب ۶۱
ترقی ← پیشرفت	نیز نگاه کنید به: تداوم انقلاب ۶۲
تروریسم، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۳۲	انگلستان، ۱۴۸، ۱۸۶
تسنن ← اهل سنت	اولوالامر ← ولایت فقیه ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰
تظاهرات، ۱۴۰، ۱۷۱، ۱۷۳، ۲۳۰	اهل تسنن ← اهل سنت ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰
تعلیم و تربیت، ۵۰، ۶۱، ۶۴، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۶۲، ۲۴۰، ۲۶۵	اهل سنت، ۲۵۷، ۲۶۶، ۲۸۴
تفرقه، ۳۲، ۴۳، ۱۱۰	پ
تفسیر قرآن، ۷۱، ۲۵۶	باریک‌بین، هادی (حجت‌الاسلام) ۲۲۷
تلویزیون، ۱۷۵	بازار، ۱۳، ۸۶، ۱۰۹، ۱۱۱
تمنن، ۳، ۶۳	بازرگان، مهدی، ۲۴، ۲۲۲
توبه، ۵۲، ۲۵۱	بروجرد، ۲۰۵
توحیدی، علی (حجت‌الاسلام) ۱۱۵	بروجن، ۲۳۱
ث	بنیاد مستضعفین، ۳۸
۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰	بوعلی سینا ← ابن سینا ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰
ثمرات انقلاب، ۱۲۴	پ
ج	پاسدار، ۵۹، ۹۸، ۲۱۴
جانسون، لیندن، ۱۶۵	پاکروان، ۱۸۲

- جبل عاملی، عبدالجواد (حجت الاسلام) ۲۱۶  
 جعفری ورامینی، محمد (نقّه الاسلام) ۲۱  
 جمهوری اسلامی، ۴، ۵۰، ۸۲، ۸۶، ۱۲۷  
 جنبش — نهضت ۲۰۳  
 جنگ جهانی دوم، ۱۶۴  
 جوانان، ۱۷۳، ۱۹۲، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۱۰، ۲۷۱  
 جهاد سازندگی، ۷۶، ۱۳۴، ۱۸۴، ۱۹۱، ۱۹۶
- ج**
- چبگرایان — کمونیسم ۲۸۲  
 چرچیل، ونستون، ۱۰۵  
 چریکهای فدائی خلق — فدائی خلق ۲۲۱
- ح**
- حج، ۲۶۴، ۲۷۷  
 حجتی کرمانی، محمد جواد (حجت الاسلام) ۱۴۴  
 حزب الله، ۲۵۰، ۲۷۸  
 حزب توده، ۷۷، ۱۳۳، ۱۸۷  
 حزب دموکرات کردستان، ۲۴۲، ۲۵۳، ۲۵۷، ۲۶۱، ۲۷۰، ۲۸۴  
 حزب مستضعفین ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۶۸، ۲۷۸  
 حزبهای سیاسی، ۲۴۴، ۲۵۱، ۲۶۸  
 نیز نگاه کنید به: گروههای سیاسی  
 حساب ۲۰۰ بانک ملی — صندوق ملی  
 ترمیم خسارات دوران انقلاب  
 حسن بن علی (ع) — امام حسن (ع)  
 حسین بن علی (ع) — امام حسین (ع)  
 حضرت علی (ع) — امام علی (ع)
- حضرت محمد (ص)، ۱۹، ۳۰، ۱۷۸، ۱۹۰  
 حضرت موسی — موسی کلیم (ع)  
 حضرت مهدی (عج) — امام زمان (عج)  
 حقوقدانها، ۲۰۳  
 حکومت اسلامی، ۳، ۲۷۷
- خ**
- خانواده شهدا، ۲۷۵  
 خانهسازی — مسکن  
 خرابکاری، ۱۳۴  
 خسارات انقلاب، ۲۲۸  
 خطبه جمعه — نماز جمعه ۸۲  
 خمینی، روح الله موسوی — امام خمینی  
 خمینی شهر، ۲۱۶  
 خواجه نصیر طوسی، ۸  
 خوزستان، ۲۶۱  
 خوئینیها، محمد موسوی — موسوی  
 خوئینیها، محمد  
 خیابانی، محمد (شیخ) ۳۱
- د**
- دادستان کل انقلاب، ۲۲۵  
 دادگاههای انقلاب اسلامی، ۲۸۲  
 دانشگاه، ۶، ۵۱، ۱۲۱، ۱۸۰، ۱۸۱  
 دانشگاه و روحانیت، ۱۳۶، ۲۱۱  
 دریا، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۲  
 دستاوردهای انقلاب — ثمرات انقلاب  
 دستغیب، عبدالحسین (حجت الاسلام) ۲۲۲  
 دولت، ۳۶، ۹۶

دولتمردان ← مسؤولین مملکتی	سازمان سیا، ۱۸۱
دولت موقت، ۹۲، ۱۰۱، ۱۲۴، ۲۳۰، ۲۴۳، ۲۸۲، ۲۵۱	سازندگی، ۱۵۸
دین مسیح ← مسیحیت	سرمایه‌دار، ۳۶، ۲۴۵
ر	سلیمان میرزا (توده‌ای) ۱۳۳، ۷۷
رادیو تلویزیون، ۲۴، ۱۰۴، ۱۷۵، ۲۰۰، ۲۰۱	سیاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۲۵۸، ۲۷۵
راهپیمائی ← تظاهرات	سلطنت، ۱۴۷
رحمانی، محمد علی (نقّه‌الاسلام) ۲۸۰	سودان، ۲۲۴
رژیم سلطنتی ← سلطنت	سوره جمعه، ۲۶۵
رژیم شاه مخلوع، ۱۴۶	سوره، ۲۳۵
رسانه‌های گروهی، ۲۳، ۱۸۲، ۲۱۹، ۲۲۱	سیا (CIA) ← سازمان سیا
رضاخان، ۲۸، ۷۰، ۱۲۰	سیاست، ۱۸۲، ۱۸۳، ۲۱۱، ۲۶۴
رضی شیرازی، (حجّت‌الاسلام) ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۳۲	سیاست خارجی، ۱۱۴
س	سیاست گام به گام، ۵۳
سازمان سیا، ۱۸۱	سینما، ۲۳
سازندگی، ۱۵۸	ش
سرمایه‌دار، ۳۶، ۲۴۵	شاهرخی، محمدتقی (حجّت‌الاسلام) ۲۰۵، ۲۳۱
سلیمان میرزا (توده‌ای) ۱۳۳، ۷۷	شاه مخلوع ← محمدرضا پهلوی
سیاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۲۵۸، ۲۷۵	شایعه، ۲۴۵، ۲۸۴
سلطنت، ۱۴۷	شرق، ۷۹
سودان، ۲۲۴	شرکت نفت، ۲۶۲
سوره جمعه، ۲۶۵	شریعتی، علی، ۷۴
سوره، ۲۳۵	شمس‌آبادی، ۳۳، ۷۴
سیا (CIA) ← سازمان سیا	شوروی، ۱۸۷، ۲۴۴
سیاست، ۱۸۲، ۱۸۳، ۲۱۱، ۲۶۴	شهادت، ۲۶۹
سیاست خارجی، ۱۱۴	شهربانی، ۲۰۷
سیاست گام به گام، ۵۳	شهید جاوید (کتاب) ۳۳، ۷۴
سینما، ۲۳	شیرازی، ابوالحسن (آیت الله) ۲۷۴
ش	سازشکاری، ۵۳، ۱۸۶
شاهرخی، محمدتقی (حجّت‌الاسلام) ۲۰۵، ۲۳۱	
شاه مخلوع ← محمدرضا پهلوی	
شایعه، ۲۴۵، ۲۸۴	
شرق، ۷۹	
شرکت نفت، ۲۶۲	
شریعتی، علی، ۷۴	
شمس‌آبادی، ۳۳، ۷۴	
شوروی، ۱۸۷، ۲۴۴	
شهادت، ۲۶۹	
شهربانی، ۲۰۷	
شهید جاوید (کتاب) ۳۳، ۷۴	
شیرازی، ابوالحسن (آیت الله) ۲۷۴	
سازشکاری، ۵۳، ۱۸۶	

علم، ۶، ۷، ۷۹	ص
علی بن ابیطالب (ع) ← امام علی (ع)	صادق آقا (از روحانیون آذربایجان) ۲۸، ۱۸۰
غ	صدر اسلام ← تاریخ اسلام
غرب، ۱۲۲، ۲۴۶	صدور انقلاب، ۱۷۳، ۲۱۹
غریزدگی، ۷۹، ۱۰۵، ۱۱۷، ۱۲۲	صدوقی، محمد (حجت الاسلام) ۲۵۹
ف	صندوق ملی ترمیم خسارات دوران انقلاب، ۲۲۸
فدائی خلق، ۲۴۲	صهیونیسم ← اسرائیل
فرانسه، ۱۸۸	ض
فرهنگ، ۱۱۶، ۱۹۹	ضدانقلاب، ۵۷، ۷۳، ۱۱۲، ۱۲۹، ۱۴۱، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۳۸، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۵۲
فرهنگ استعماری، ۲۲، ۱۸۰، ۱۹۲، ۱۹۷	ط
فساد، ۱۲۲، ۱۹۷	طاغوت، ۸۳
فلسطین، ۲۱۸، ۲۲۹	طب سنتی، ۷۹
ق	طبیعت، ۸۲
قاسملو، عبدالرحمن ۲۴۳	ع
قاضی شرع، ۲۰۵، ۲۱۶	عارف ← عرفان
قانون اساسی، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۲۸، ۱۳۷، ۱۴۴	عبدالرزاق (ملاً) ← ملاً عبدالرزاق
قدوسی، علی (حجت الاسلام) ۲۲۵	عدالت اجتماعی، ۳۶
قرآن، ۸، ۲۹	عراقی، مهدی، ۲۷۹
قرنی، ولی الله ۲۷۸	عرفان، ۷۱
قزوین، ۲۲۷	عزاداری، ۷۰، ۷۶، ۸۲، ۸۷
قطب‌زاده، صادق ۱۰۴	عزالدین حسینی، ۲۴۳
قمی، حسین (مرحوم) ۳۱	عفو، ۹۱، ۱۳۹، ۱۵۴، ۲۸۴
قمی، حسن (آیت الله) ۲۶۳	
قوچان، ۲۸۰	

لبنان، ۲۱۸، ۲۳۲	قومیت، ۱۰۲، ۱۴۲
۲	قیام روحانیت، ۳۱، ۱۷۹
مادر، ۱۶۲، ۲۴۰	ک
مادریات، ۲۳۷	کارتر، جیمی ۱۲۳
مارکسیسم ← کمونیسم	کارخانه‌ها، ۳۵
مالکیت، ۳۷	کارفرما، ۲۷، ۲۷۱، ۲۷۲
ماوراءالطبیعه، ۶، ۶۳، ۸۱	کارگران، ۳۵، ۳۹
ماه رمضان، ۳۲، ۴۳، ۲۱۸	کارمندان دولت، ۸۴
ماه محرم، ۳۲، ۷۰	کانون وکلا، ۲۰۳
مجلس خبرگان (بررسی قانون اساسی) ۲۴۷	کتاب شهید جاوید ← شهید جاوید (کتاب)
۲۵۵	کتابفروشی، ۲۸۵
نیز نگاه کنید به: انتخابات مجلس خبرگان	کردستان، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۲، ۲۵۳
مجلس شورای اسلامی، ۱۰۶، ۲۸۲	۲۵۴، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۶
مجلسی، محمدباقر، ۸	۲۶۷، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۴
مدرس، حسن (آیت الله) ۱۹۹، ۲۴۱	کرمان، ۱۴۴
مدرسه فیضیه، ۱۶۹	کرمانی، حسین (حجت الاسلام) ۲۸۳
محرم ← ماه محرم	کشورهای اسلامی، ۹۴، ۱۸۶، ۲۳۶، ۲۷۶
محقق ثانی، ۸	کشورهای عربی، ۲۵۰
محمد بن عبدالله (ص) ← حضرت محمد (ص)	کمونیست ← کمونیسم
محمد رضا پهلوی، ۱۶۵	کمونیسم، ۲۸، ۳۸، ۷۶، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۸۱، ۱۸۷
مردم ← ملت	۲۳۸، ۲۳۷
مریوان، ۱۲۹	کمیته‌های انقلاب اسلامی، ۲۸۲، ۲۷۲
مساجد ← مسجد	کویت، ۲۷۶
مسائل اصلی انقلاب، ۷۸، ۸۹، ۱۰۷، ۱۲۸	گ
۱۳۷	گرانفروشی، ۱۱۱
مسائل قومی ← قومیت	گروه‌های سیاسی، ۹، ۴۰، ۴۱، ۴۸، ۵۶، ۵۷
مستضعفین، ۳۰، ۳۶، ۳۸، ۱۰۳، ۱۱۱، ۱۴۹	۲۰۲
۱۵۷، ۱۷۷، ۲۳۲، ۲۴۱	نیز نگاه کنید به: حزب‌های سیاسی
مستکبرین، ۱۷۷	گلبایگانی، محمد رضا (آیت الله) ۲۶۰



مسجد، ۵۸، ۷۵، ۹۲، ۲۱۸	نماز جماعت، ۲۶۴
مسجد گوهرشاد، ۱۸۰	نماز جمعه، ۲۶۴
مسکن، ۲۲۸	نماز عید، ۲۶۴
مسلمانان، ۹۴، ۲۳۳، ۲۳۵	نمایندهٔ امام، ۱۴۴
مسئولین مملکتی، ۱۸، ۸۳، ۸۶، ۱۴۵، ۱۴۹	نمیری، جعفر محمد، ۲۲۴
۱۶۱، ۲۰۸، ۲۵۱	نورالله، (حاج آقا نورالله از روحانیون مبارز
مسیحیت، ۲۹	اصفهان) ۲۸
مشروطیت، ۳۱، ۱۷۹	نهادهای انقلابی، ۱۱، ۳۲، ۴۶
مطبوعات، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۵۲	نهضت تنباکو، ۲۷، ۱۷۹
۲۸۵	نهضت جنگل، ۳۱
معلم، ۲۳۹	نهضت رادیکال ایران، ۲۰۲
معلولین، ۳۴	نیروهای انتظامی، ۲۶۱، ۲۷۳، ۲۸۴
مکتبهای غیرالهی، ۲، ۴، ۲۳۷	نیروهای مسلح ← نیروهای انتظامی
ملا عبدالرزاق، ۷۱	نیمهٔ شعبان ← پانزده شعبان
ملت، ۹۶، ۱۰۶، ۱۴۶، ۱۵۹، ۱۷۱، ۱۸۶	
۱۹۴، ۲۴۷	و
ملک حسینی، کرامت‌الله (حجت‌الاسلام) ۱۵۴	وحدت، ۳۳، ۴۰، ۷۳، ۱۵۵، ۲۰۲
ملی‌گرایی، ۷۰	وحدت اسلامی، ۹۶، ۲۳۵، ۲۷۷
منافق، ۲۶۶	ورزش، ۱۲۱
موسوی خمینی، روح‌الله ← امام خمینی	وزارتخانه‌ها ← ادارات دولتی
موسوی خوئینی‌ها، محمد (حجت‌الاسلام)	وسایل ارتباط جمعی ← رسانه‌های گروهی
۱۰۴	وظیفه، ۸۵
موسی کلیم (ع)، ۳۰، ۱۷۷	ولایت فقیه، ۲۶۶، ۲۷۳
موسیقی، ۱۸۱، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۰	
مؤمن، ۱۷۷	ه
مهدوی، (حجت‌الاسلام) ۱۱۵	هادوی، مهدی، ۲۲۶
	ی
ن	یاس، ۱۸۵
نبوت ← انبیا	یزید، ۶۹
نسل جوان ← جوانان	یوگسلاوی، ۱۱۴
نفت، ۱۳۰	

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

